

مجموعه آثار (۲۰)

مهندس مهدی بازرگان

بازگشت به قرآن

(۳)

انسان‌بینی قرآن

کفرورزی و کفرزدایی

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان





مراسم جشن عید فطر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، در گلشهر کرج - سال ۱۳۳۷
(مرحوم آیت الله طالقانی، مرحوم مهندس بازرگان، شهید استاد مطهری)

فهرست مطالب

۷	فهرست تفصیلی مطالب.....
۱۳	پیش‌گفتار بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.....
۱۷	انسان‌بینی قرآن، کفرورزی و کفرزدایی.....
۱۹	پیش‌گفتار مؤلف.....
۳۵	کفرورزی در دوران مکه.....
۳۰۷	کفرزدایی در دوران مکه.....
۴۲۳	پیوست‌ها.....

مجموعه آثار (۲۰)

بازگشت به قرآن (۳)

فهرست تفصیلی مطالب

پیش‌گفتار بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.....۱۳

بازگشت به قرآن

جلد هفتم

انسان‌بینی قرآن

فصل ۱۱ (ک) - کفرورزی و کفرزدایی

پیش‌گفتار مؤلف.....۱۹

بخش اول - آیات کفرورزی در دوران مکه

(از آغاز بعثت تا هجرت)

جدول ۱ - آیات کفرورزی در دوران مکه، از آغاز بعثت تا هجرت.....	۳۵
آیات کفرورزی در سال اول بعثت، شامل ۵ ردیف (از ۱ تا ۵).....	۶۳
۱) عصر (۱۰۳)، آیات ۱ و ۲.....	۶۴
۲) تکاثر (۱۰۲)، آیات ۱ و ۲.....	۶۶
۳) شمس (۹۱)، آیات ۷ تا ۱۰.....	۶۸
۴) بروج (۸۵)، آیه ۱۹.....	۶۹
۵) تکویر (۸۱)، آیات ۸ و ۹.....	۷۰

۸	مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
۷۳	آیات کفرورزی در سال دوم بعثت، شامل ۶ ردیف (از ۶ تا ۱۱)
۷۳	۶) لیل (۹۵)، آیات ۸ تا ۱۱ و ۱۴ تا ۱۶
۷۵	۷) ماعون (۱۰۷)، آیات ۱ تا ۳
۷۵	۸) مرسلات (۷۷)، آیات ۱۵ (یا ۱۹ یا ... ۴۷، آیات ترجیع‌بند و لِّلْمُكذِّبِينَ) و ۴۸
۷۶	۹) نباء (۷۸)، آیات ۳ و ۲۷ و ۲۸
۷۹	۱۰) مدثر (۷۴)، آیات: ۱۱ تا ۱۶، ۱۸، ۲۱ تا ۲۵، ۴۳ تا ۴۷ و ۴۹ تا ۵۳
۸۲	۱۱) انشقاق (۸۴)، آیات ۲۰ تا ۲۳
۸۵	آیات کفرورزی در سال سوم بعثت، شامل ۱۴ ردیف (از ۱۲ تا ۲۵)
۸۵	۱۲) علق (۹۶)، آیات ۶ تا ۱۷
۸۷	۱۳) قیامت (۷۵)، آیات ۲۰ و ۲۱ و ۳۱ تا ۳۳
۹۰	۱۴) واقعه (۵۶)، آیات ۴۵ تا ۴۷ و ۵۱ و ۵۲
۹۱	۱۵) اعلیٰ (۸۷)، آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۷
۹۳	۱۶) عادیات (۱۰۰)، آیات ۶ تا ۸
۹۴	۱۷) حاقه (۶۹)، آیات ۴۹ تا ۵۱
۹۵	۱۸) تبت (۱۱۱)، آیات ۱ تا ۵
۹۶	۱۹) قلم (۶۸)، آیات ۲ و ۸ تا ۱۵
۹۹	۲۰) فجر (۸۹)، آیات ۱۵ تا ۲۰
۱۰۱	۲۱) نجم (۵۳)، آیات ۲۹ و ۳۳ تا ۳۵ و ۵۲ و ۵۹ تا ۶۱
۱۰۲	۲۲) صافات (۳۷)، آیات ۱۲ تا ۱۶ و ۲۹ و
۱۰۸	۲۳) انفطار (۸۲)، آیه ۹
۱۰۸	۲۴) حاقه (۶۹)، آیات ۴ و ۳۳ و ۳۴
۱۰۹	۲۵) مطففین (۸۳)، آیات ۱ تا ۵ و ۱۰ تا ۱۵
۱۱۱	آیات کفرورزی در سال چهارم بعثت، شامل ۱۲ ردیف (از ۲۶ تا ۳۸)
۱۱۱	۲۶) سال چهارم بعثت، سوره شعراء (۲۶)، آیات ۵ تا ۸ و ۱۳۹ و ۱۵۸ و ۱۹۷ تا ۲۰۱
۱۱۳	شعراء (۲۶)، آیات مربوط به تکذیب، تهمت و ... به پیغمبران گذشته
۱۱۴	شعراء (۲۶)، آیات مربوط به اعلام دعوت نوح از قومش
۱۱۵	۲۷) سال چهارم بعثت، سوره حجر (۱۵)، آیات ۲ و ۳ و ۷۸ و ۸۰ تا ۸۲
۱۱۸	۲۸) سال چهارم بعثت، سوره ذاریات (۵۱)، آیات ۸ تا ۱۴، ۳۲ و ۳۳ و ۳۸ تا ۴۰ و
۱۲۰	۲۹) سال چهارم بعثت، سوره قمر (۵۴)، آیات ۱ تا ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۸ و ۲۳ تا ۲۵
۱۲۳	۳۰) سال چهارم بعثت، سوره قلم (۶۸)، آیات ۱۷ تا ۱۹ و ۲۱ تا ۳۳
۱۲۷	۳۱) سال چهارم بعثت، سوره دخان (۴۴)، آیات ۹ و ۱۴ و ۱۷ تا ۲۲ و ۲۵ تا ۲۷ و

فهرست تفصیلی مطالب	۹
۳۲) سال چهارم بعثت، سوره طور(۵۲)، آیات ۱۱ تا ۱۵، ۲۹ تا ۳۴ و ۴۲.....	۱۲۹
۳۳) سال چهارم بعثت، سوره نوح(۷۱)، آیات ۶ تا ۱۴ و ۱۹ تا ۲۷.....	۱۳۱
۳۴) سال چهارم بعثت، سوره رحمان(۵۵)، آیات ۲۸ و ۲۴ آیه تکراری دیگر و ۴۳.....	۱۳۴
۳۵) سال چهارم بعثت، سوره طه(۲۰)، آیات ۱۶ و ۴۳ و ۴۸.....	۱۳۵
۳۶) سال چهارم بعثت، سوره مریم(۱۹)، آیات ۷۷ و ۷۸ و ۸۱ تا ۸۳ و.....	۱۳۷
۳۷) سال چهارم بعثت، سوره طور(۵۲)، آیات ۲۹ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۳ و ۴۲.....	۱۴۲
۳۸) سال چهارم بعثت، سوره حجر(۱۵)، آیات ۶ و ۷ و ۱۱ تا ۱۵ و ۳۹.....	۱۴۲
آیات کفروزی در سال پنجم بعثت، شامل ۶ ردیف (از ۳۹ تا ۴۴).....	۱۴۷
۳۹) سال پنجم بعثت، سوره ص(۳۸)، آیات ۲ تا ۱۶.....	۱۴۷
۴۰) سال پنجم بعثت، سوره ق(۵۰)، آیات ۱ تا ۵ و ۱۲ تا ۱۶ و ۲۴ تا ۲۷.....	۱۵۱
تکرارهای قرآن.....	۱۵۸
جدول توزیع تکرار «تکذیب پیامبران توسط کفروزان» در سال های رسالت.....	۱۶۱
شکل ۱- منحنی توزیع تکرار آیات تکذیب پیغمبران توسط کفروزان.....	۱۶۲
۴۱) سال پنجم بعثت، سوره یس(۳۶)، آیات ۶ تا ۱۰ و ۱۳ تا ۱۵ و.....	۱۶۳
۴۲) سال پنجم بعثت، سوره مؤمنون(۲۳)، آیات ۳۳ تا ۳۸ و ۴۶ تا ۴۸، ۶۶ تا ۷۴ و.....	۱۷۱
۴۳) سال پنجم بعثت، سوره فصلت(۴۱)، آیات ۴ و ۵ و ۷ و ۱۵ و.....	۱۷۵
۴۴) سال پنجم بعثت، سوره زخرف(۴۳)، آیات ۵ و ۷ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۰ تا ۲۵.....	۱۷۷
آیات کفروزی در سال ششم بعثت، شامل ۴ ردیف (از ۴۵ تا ۴۸).....	۱۸۳
۴۵) سال ششم بعثت، سوره زخرف(۴۳)، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۳۶ و.....	۱۸۳
۴۶) سال ششم بعثت، سوره مریم(۱۹)، آیات ۳۷ و ۶۶ و ۶۷ و ۷۳ و ۷۶.....	۱۸۸
۴۷) سال ششم بعثت، سوره لقمان(۳۱)، آیات ۶ و ۷ و ۱۱.....	۱۹۰
۴۸) سال ششم بعثت، سوره روم(۳۰)، آیات ۸ و ۹ و ۱۰.....	۱۹۲
۴۹) سال ششم بعثت، سوره فرقان(۲۵)، آیات ۳ و ۴ و ۵ و ۷ تا ۹ و ۲۱.....	۱۹۴
آیات کفروزی در سال هفتم بعثت، شامل ۵ ردیف (از ۵۰ تا ۵۴).....	۱۹۷
۵۰) سال هفتم بعثت، سوره فرقان(۲۵)، آیات ۳۱ و ۳۲ و ۴۱ تا ۴۴ و ۵۰ و ۶۰.....	۱۹۷
۵۱) سال هفتم بعثت، سوره نحل(۱۶)، آیات ۴، ۲۲، ۲۴ و ۵۳ تا ۵۹ و ۶۳.....	۲۰۰
مروری بر کار شیطان.....	۲۰۶
جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن.....	۲۰۷
بحثی پیرامون جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن.....	۲۲۱
۵۲) سال هفتم بعثت، سوره احقاف(۴۷)، آیات ۲۰ و ۲۶.....	۲۲۲
۵۳) سال هفتم بعثت، سوره کهف(۱۸)، آیات ۱۰۱، ۱۰۴ و ۱۰۵.....	۲۲۳
۵۴) سال هفتم بعثت، سوره بقره(۲)، آیات ۶ و ۷.....	۲۲۴

آیات کفرورزی در سال هشتم بعثت، شامل ۵ ردیف (از ۵۵ تا ۵۹).....	۲۲۷
..... سال هشتم بعثت، سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۱.....	۲۲۷
..... سال هشتم بعثت، سوره اسراء (۱۷)، آیات ۴۱، ۴۵ تا ۴۷ و ۷۳ تا ۷۵.....	۲۲۸
..... سال هشتم بعثت، سوره مؤمن (۴۰)، آیات ۴، ۵، ۵۶ و ۵۸ تا ۶۰.....	۲۳۰
..... سال هشتم بعثت، سوره زمر (۳۹)، آیات ۳۲، ۵۹ و ۶۰.....	۲۳۴
..... سال هشتم بعثت، سوره جاثیه (۴۵)، آیات ۶ تا ۹، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۳ تا ۲۵ و... ..	۲۳۵
آیات کفرورزی در سال نهم بعثت، شامل ردیف ۶۰.....	۲۳۹
..... سال نهم بعثت، سوره اسراء (۱۷)، آیات ۸۲ تا ۸۴، ۸۹ تا ۹۴ و ۹۸.....	۲۳۹
آیات کفرورزی در سال دهم بعثت، شامل ۴ ردیف (از ۶۱ تا ۶۴)،.....	۲۴۵
..... سال دهم بعثت، سوره اعراف (۷)، آیات ۷، ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۲۷ و... ..	۲۴۵
..... سال دهم بعثت، سوره حج (۲۲)، آیات ۴۲ تا ۴۴، ۴۶، ۵۳.....	۲۵۱
..... سال دهم بعثت، سوره انعام (۶)، آیات ۴ تا ۱۰، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۳، ۴۳، ۴۶ و... ..	۲۵۲
..... سال دهم بعثت، سوره عنکبوت (۲۹)، آیات ۲۳، ۳۷ تا ۴۱.....	۲۵۷
آیات کفرورزی در سال یازدهم بعثت، شامل ۶ ردیف (از ۶۵ تا ۶۹).....	۲۵۹
..... سال دهم بعثت، سوره عنکبوت (۲۹)، آیات ۴۹ تا ۵۱، ۵۳، ۶۷ و ۶۸.....	۲۵۹
..... سال یازدهم بعثت، سوره سباء (۳۴)، آیات ۲۹، ۳۱ تا ۳۵، ۴۱، ۴۳ تا ۴۵.....	۲۶۱
..... سال یازدهم بعثت، سوره یونس (۱۰)، آیات ۷۴ تا ۷۸، ۸۳، ۹۶ تا ۱۰۱.....	۲۶۵
..... سال یازدهم بعثت، سوره قصص (۲۸)، آیات ۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۰.....	۲۶۷
..... سال یازدهم بعثت، سوره قصص (۲۸)، آیات ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲ و... ..	۲۶۹
آیات کفرورزی در سال دوازدهم بعثت، شامل ۵ ردیف (از ۷۰ تا ۷۴)،.....	۲۷۳
..... سال دوازدهم بعثت، سوره مؤمن (۴۰)، آیات ۲۶ تا ۳۰، ۳۶ تا ۳۸، ۴۷، ۴۸ و... ..	۲۷۴
..... سال دوازدهم بعثت، سوره نجم (۵۳)، آیات ۲۳ و ۲۷ تا ۳۰.....	۲۷۸
..... سال دوازدهم بعثت، سوره ص (۳۸)، آیه ۲۷.....	۲۷۹
..... سال دوازدهم بعثت، سوره کهف (۱۸)، آیات ۳۳ تا ۳۹ و ۴۲.....	۲۸۰
..... سال دوازدهم بعثت، سوره لقمان (۳۱)، آیات ۳۱ و ۳۲.....	۲۸۳
..... کفرورزی فرعون.....	۲۸۴
..... جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون.....	۲۸۷
..... کفرورزی مستضعفین.....	۲۹۶
..... جدول آیات مربوط به کفرورزی مستضعفین.....	۲۹۸
آیات کفرورزی در سال سیزدهم بعثت، شامل ۲ ردیف (از ۷۵ تا ۷۶).....	۳۰۵
..... سال سیزدهم بعثت، سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۴.....	۳۰۵
..... سال سیزدهم بعثت، سوره شورا (۴۲)، آیات ۱۶، ۱۸، ۳۱، ۳۵ و ۴۸.....	۳۰۶

بخش دوم- آیات کفرزدائی در دوران مکه

- جدول آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه..... ۳۰۷
- آیات کفرزدائی در سال اول بعثت، شامل ۹ ردیف (از ۱ تا ۷) ۳۳۳**
- (۱) سال اول بعثت، سوره علق (۹۶)، آیات ۱ و ۳ تا ۵ ۳۳۳
- (۲) سال اول بعثت، سوره مدثر (۷۴)، آیات ۲ تا ۷ ۳۳۵
- (۲-۱) سال اول بعثت، سوره ذاریات (۵۰)، آیات ۱ تا ۵ ۳۳۶
- (۲-۲) سال اول بعثت، سوره طور (۵۲)، آیات ۱ تا ۸ ۳۳۷
- (۳) سال اول بعثت، سوره طارق (۸۶)، آیات ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ ۳۴۰
- (۴) سال اول بعثت، سوره شمس (۹۱)، آیات ۹ و ۱۰ ۳۴۲
- (۵) سال اول بعثت، سوره اعلیٰ (۸۷)، آیات ۳، ۶ و ۸ تا ۱۰ ۳۴۳
- (۶) سال اول بعثت، سوره بروج (۸۵)، آیات ۱ تا ۷ و ۱۲ تا ۲۲ ۳۴۴
- (۷) سال اول بعثت، سوره تکویر (۸۱)، آیات ۱۹ تا ۲۹ ۳۴۷
- جدول آیات اتهام دیوانگی (جنون) به رسول اکرم از طرف کفروزان ۳۵۱
- جدول توزیع سالیانه اتهام جنون به رسول اکرم (ص) ۳۵۲
- منحنی تعداد سالیانه آیات اتهام جنون به رسول اکرم (ص) ۳۵۲
- آیات کفرزدائی در سال دوم بعثت، شامل ۱۰ ردیف (از ۸ تا ۱۷) ۳۵۵**
- (۸) سال دوم بعثت، سوره ناس (۱۱۴)، آیات ۱ تا ۶ ۳۵۵
- (۹) سال دوم بعثت، سوره لیل (۹۲)، آیات ۴ تا ۲۰ ۳۵۷
- (۱۰) سال دوم بعثت، سوره مرسلات (۷۷)، آیات ۱ تا ۲۸ ۳۵۸
- (۱۱) سال دوم بعثت، سوره نباء (۷۸)، آیات ۱ تا ۱۸، ۲۱، ۳۱ و ۴۰ ۳۶۲
- (۱۲) سال دوم بعثت، سوره مدثر (۷۴)، آیات ۱۱، ۱۷، ۲۶ و ۵۴ تا ۵۶ ۳۶۳
- (۱۳) سال دوم بعثت، سوره نجم (۵۳)، آیات ۱ تا ۱۸ ۳۶۶
- (۱۴) سال دوم بعثت، سوره فجر (۸۹)، آیات ۱ تا ۱۴ و ۲۸ تا ۳۱ ۳۶۹
- (۱۵) سال دوم بعثت، سوره انشقاق (۸۴)، آیات ۶ تا ۱۳ ۳۷۲
- (۱۶) سال دوم بعثت، سوره عبس (۸۰)، آیات ۱ تا ۱۶ ۳۷۴
- (۱۷) سال دوم بعثت، سوره کافرون (۱۰۹)، آیات ۱ تا ۶ ۳۷۵
- آیات کفرزدائی در سال سوم بعثت، شامل ۱۵ ردیف (از ۱۸ تا ۳۲) ۳۷۹**
- (۱۸) سال سوم بعثت، سوره علق (۹۶)، آیات ۱۴ تا ۱۹ ۳۸۱
- (۱۹) سال سوم بعثت، سوره غاشیه (۸۸)، آیات ۱ تا ۲۶ ۳۸۲
- (۲۰) سال سوم بعثت، سوره قیامت (۷۵)، آیات ۷ تا ۱۵ ۳۸۷
- (۲۱) سال سوم بعثت، سوره تین (۹۵)، آیات ۴ تا ۸ ۳۸۸

۱۲ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

۲۲) سال سوم بعثت، سوره قیامت (۷۵)، آیات ۱ تا ۶ ۳۹۰

۲۳) سال سوم بعثت، سوره واقعه (۵۶)، آیات ۷ تا ۴۴ ۳۹۱

۲۴) سال سوم بعثت، سوره رحمان (۵۵)، آیات ۱ تا ۷، ۱۰ تا ۲۸ و ۴۶ تا ۷۸ ۳۹۵

۲۵) سال سوم بعثت، سوره اعلیٰ (۸۷)، آیات ۱۱ تا ۱۹ ۴۰۱

۲۶) سال سوم بعثت، سوره فاتحه (۱)، آیات ۵ تا ۷ ۴۰۴

۲۷) سال سوم بعثت، سوره حاقه (۶۹)، آیات ۳۸ تا ۵۲ ۴۰۸

۲۸) سال سوم بعثت، سوره نازعات (۷۹)، آیات ۱ تا ۱۴ و ۳۴ تا ۴۶ ۴۱۱

۲۹) سال سوم بعثت، سوره بلد (۹۰)، آیات ۱ تا ۲۰ ۴۱۴

۳۰) سال سوم بعثت، سوره تکوین (۱۰۲)، آیات ۱ تا ۸ ۴۱۵

۳۱) سال سوم بعثت، سوره قلم (۶۸)، آیات ۱ تا ۱۰ و ۱۶ ۴۱۸

۳۲) سال سوم بعثت، سوره زلزال (۹۹)، آیات ۱ تا ۸ ۴۲۱

پیوست‌ها

۴۲۵ نمایه آیات

۴۶۳ نمایه فارسی

۴۷۹ نمایه انگلیسی و فرانسه

به نام خدا

پیش‌گفتار

خدا را سپاس که «بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان» توفیق یافت بیستمین جلد از مجموعه‌ی آثار زنده‌یاد مهندس بازرگان را در حدّ بضاعت موجود آماده و تقدیم علاقه‌مندان نماید. این مجموعه «بازگشت به قرآن(۳)» نام‌گذاری شده است که از نظر موضوع و محتوا در ادامه‌ی جلدهای هجدهم و نوزدهم مجموعه‌های آثار است. مجموعه‌ی جدید، شامل جلد هفتم تفسیر موضوعی قرآن، و موضوع تفسیر آن «انسان» است.

همان‌طور که در مجموعه‌ی قبلی گفته شد، در «بازگشت به قرآن» انسان از نظر موضوع در پانزده بُعد مورد بررسی و بحث و تحقیق قرار گرفته است. جلد اول «بازگشت به قرآن»، اختصاص به «شناخت اجمالی قرآن» دارد، در جلدهای دوم و سوم «گزینش و آفرینش انسان» تحقیق و بررسی شده است. از مجموع این سه جلد، جلد هجدهم مجموعه‌ی آثار تنظیم و در سال ۱۳۸۸ توسط شرکت سهامی انتشار منتشر شد. ابعاد سوم تا پنجم انسان در قرآن، با عناوین: دنیاپردازی انسان، بُعد زمانی انسان، و استکبار و استضعاف در جلد چهارم؛ و ابعاد ششم تا دهم انسان با عناوین: بُعد روانی یا بی‌ظرفیتی انسان، بُعد عقلی انسان، بُعد عاطفی یا اخلاقی و نفسانی انسان، بُعد اجتماعی و بُعد خودجوشی انسان در جلد پنجم، منتشر شد. از اجتماع این دو جلد نیز، جلد نوزدهم مجموعه‌ی آثار با نام «بازگشت به قرآن(۲)»، در سال ۱۳۸۹ توسط شرکت سهامی انتشار چاپ و روانه‌ی بازار کتاب گردید.

جلد ششم «بازگشت به قرآن» به فصل ۱۴ (ن) با عنوان «اهل کتاب» اختصاص یافته است. بنا به نوشته مؤلف فقید در پیش‌گفتار جلد چهارم، در جلسات درس بازگشت به قرآن در انجمن اسلامی مهندسین:

«یک مرور کلی و بحث مقدماتی نیز روی قسمتی از این فصل تحت عنوان «موسی و بنی اسرائیل» در سال گذشته [۱۳۶۲] به عمل آمده است که اگر خدا بخواهد و فرصت و سعادت برای تدوین و تکمیل آن دست دهد، می‌تواند جلد ششم را تشکیل دهد. آنچه هنوز تدریس و تبادل نظر نشده است فصول ک- کفرورزی، ل- ایمان‌گرایی، م- نفاق، و س- نساء است که از خدای رحمان علیم قدیر، برای خود یا دیگران، توفیق اتمام آن را مسئلت دارد.»

تا آنجا که اطلاع داریم، طبق روال طبیعی و منظمی که آقای مهندس بازرگان در تدریس و تعقیب بحث‌ها و تحقیقات قرآن داشته‌اند، این بخش از گفتارها انجام شده و به پایان رسیده است؛ ولی متأسفانه نه یادداشت‌های مربوط به این گفتارها- اعم از آنچه در سال ۱۳۶۲ تدریس و تحقیق شده و نیز آنچه بعداً ادامه یافته و تکمیل گردیده است- و نه نوارهای صوتی مربوط به این جلسات و جلسات دیگر، در دست نیست.

مجموعه‌ای که هم‌اکنون پیش‌روی شماست حاصل تدوین و تنظیم جلد هفتم «بازگشت به قرآن» است و به فصل ۱۱ (ک) یا بعد کفرورزی انسان اختصاص دارد. این کتاب (مجموعه)، توسط مؤلف فقید در سه بخش زیر تنظیم شده است:

بخش اول، آیات کفرورزی از آغاز بعثت تا هجرت (دوران مکه)؛

بخش دوم، آیات کفرزدایی از آغاز بعثت تا هجرت (دوران مکه)؛

بخش سوم، آیات کفرورزی و آیات کفرزدایی در ده سال دوران مدینه.

بخش‌های اول و دوم کتاب با استفاده از تنها نسخه حروف چینی شده (تایپی) و دست‌نوشته‌های اصلاحی موجود، تنظیم و تدوین شد. با توجه به اینکه نوشته مؤلف فقید در پیش‌گفتار کتاب، نشان از تألیف و تکمیل کامل کتاب می‌دهد ولی متأسفانه با تمام کوششی که به عمل آمد قسمت انتهایی بخش دوم و تمام بخش سوم کتاب و حتی تمام دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های اولیه مؤلف، به دست نیامد و امکان تنظیم و انتشار آن ممکن نشد. امید آنکه دست‌رسی به باقی‌مانده این کتاب و آثار دیگر این مؤلف فقید فراهم گردد و روزی شاهد تدوین کامل این مجموعه تفسیر قرآنی باشیم.

قرآن پژوه فقید مهندس بازرگان، همه‌ی آیات مورد بحث و بررسی در آثار خود را معمولاً با دو شماره مصری و کوفی مشخص می‌کردند. ما در این مجموعه نیز، تمام آیات را به شماره‌های رسمی - که در تمام قرآن‌ها به صورت یکسان و استاندارد مندرج است - اصلاح کرده‌ایم. همچنین برخی از مندرجات این مجموعه که مؤلف فقید با بهره‌گیری از کتاب‌های «سیرت‌حول قرآن» تدوین و تنظیم نموده‌اند و بعداً توسط خود ایشان مورد اصلاح قرار گرفته ولی در این کتاب اعمال نشده بود و نیز اصلاحاتی که در ویرایش اخیر بنیاد روی کتاب‌های سیرت‌حول قرآن (مجموعه آثارهای ۱۲ و ۱۳) صورت گرفته، در این مجموعه نیز اعمال شد.

در این مجموعه نیز ترجمه آیاتی که در متن قرار دارند از زنده‌یاد مهندس بازرگان است ولی آیاتی که در متن فاقد برگردان هستند، با استفاده از ترجمه آیات «قرآن مبین» - اثر ارزنده‌ی قرآن‌پژوه گرامی آقای مهندس علی‌اکبر طاهری قزوینی - در زیرنویس همان صفحات ارائه شده است.

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان امیدوار است این مجموعه نیز در ادامه‌ی دو مجموعه‌ی قبلی رضایت خاطر علاقه‌مندان و قرآن‌پژوهان و نیز دوست‌داران آثار زنده‌یاد مهندس بازرگان را فراهم نماید و موجبی برای رضای خدای متعال و شادی روح مؤلف فقید باشد.

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

بازگشت به قرآن

جلد هفتم

انسان بینی قرآن

کفرورزی و کفرزدایی

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ
لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ.
وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^۱

آیه فوق که معمولاً برای جلوگیری از چشم‌زخم قاب کرده و بسته یا آویخته می‌شود، جای مناسب در مقدمه‌ی این جلد از مجموعه تفسیر موضوعی «بازگشت به قرآن» می‌باشد که به بررسی بُعد کفرورزی انسان اختصاص داده شده است. از یک طرف قضاوت مشرکین معاصر و کافرهای را درباره‌ی آورنده قرآن گزارش می‌دهد و از طرف دیگر، در یک جمله کوتاه، خاصیت و منظور از قرآن و مأموریت پیغمبر را خلاصه می‌نماید.

در حالی که قرآن آمده است تا همه انسان‌ها را نسبت به آفریدگار پدیدآورنده‌ی جهان و نسبت به سرنوشت و آینده‌ی خودشان هوشیار و بیدار کند، آنها، گوینده‌ی قرآن را دیوانه خطاب می‌کردند!

* * *

۱. قلم (۶۸) / ۵۱ و ۵۲: وقتی که انکارورزان آیات قرآن را شنیدند [از شدت خشم] نزدیک بود با دیدگان [خیره و شرربار]شان تو را بزنند و می‌گویند: مسلماً دیوانه است.
در حالی که قرآن جز یادآوری برای جهانیان نیست.

در مقدمه و متن جلد چهارم کتاب «بازگشت به قرآن» در زمینه انسان‌بینی قرآن گفته شده بود که کتاب خدا تفاوت آشکار با کتاب‌های بشری دارد. مثلاً مانند قوانین حقوقی و تعلیمات دینی یا رساله‌های عملی نیستند که به قصد ابلاغ احکام و آموزش ادیان نوشته شده‌اند و اکتفا به یک سلسله دستورها و مواد و موارد، با ذکر کيفرهای مربوطه می‌نمایند، و برای واجب و حرام‌ها از اصول و فروع دین فهرست آورده، به مسائل و وظائف مؤمنین جواب خشک می‌دهند. قرآن در اجرای وظیفه‌ی اصلی رسالت که دعوت انسان‌ها به پرستش خدای یکتا و به قبول و تدارک آخرت است، از طریق شناخت علل و عوامل انسانی و محیطی کفر و شناساندن راه‌های هدایت آنها وارد عمل می‌شود، ضمن آنکه کافر‌ها و مؤمن‌ها و پدیده‌های کفر و ایمان را به پیغمبر و به خود ما می‌آموزد. علاوه بر آن ما را مسئول کفر و ایمان خود و مؤثر در سرنوشت دنیا و آخرت‌مان دانسته و سهم اصلی آن را به خدا نسبت می‌دهد.

* * *

در مبحث گسترده و درعین حال مقدماتی و اجمالی انسان‌بینی قرآن، در جلد چهارم دیدیم که توجه و توصیف‌های قرآن از آدمی‌زاد و ابعادی که برای انسان آورده‌است قابل تقسیم به پانزده بُعد بود که یکی از آنها بُعد یا صفت و روحیه‌ی کفرورزی است (فصل ک یا فصل ۱۱ جدول). این بُعد یا خصلت و ساخت انسان، باعث کافر‌بودن و کافرماندن افراد و گاهی برگشتشان از ایمان به کفر و الحاد می‌گردد و آنان را در برابر خدا و پیامبران به مقاومت و مخالفت وا می‌دارد. در جدول شماره ۱ جلد چهارم^۱ جمعاً ۵۰ آیه کفرورزی شامل ۵۴۵ کلمه، گردآوری شده بود که ۲۶ گروه از آیات را تشکیل داده، و برابر با ۵ درصد کل آیات و ۴ درصد کلمات قرآن می‌گردید.

وقتی در جلسات چهارشنبه انجمن اسلامی مهندسين در طی ماه‌های سال ۱۳۶۶ به تفسیر موضوعی کفرورزی انسان‌ها و مطالعه مطلب در سوره‌ها پرداختیم، معلوم شد

۱. صفحات ۱۰۸ تا ۱۴۵

جلد چهارم کتاب بازگشت به قرآن، همراه با جلد پنجم در قالب جلد نوزدهم مجموعه‌ی آثار و با نام «بازگشت به قرآن (۲)» در سال ۱۳۸۹ توسط شرکت سهامی انتشار چاپ و منتشر شده است. فهرست فصول یا ابعاد مختلف انسان در قرآن در جدول شماره (۱) و فهرست آیات انسان‌بینی قرآن به ترتیب سال‌های نزول در جدول شماره (۲) و طی صفحات ۱۰۴ تا ۱۶۳ تنظیم و تدوین یافته است (ب.ف.ب).

آیات و اشارات نازل شده در این باب که چگونگی و چرای کفر ورزیدن به خدا و موضع گرفتن مشرکین و منافقین و مؤمنین را در برابر فرستاده‌ی خدا بازگو می‌کند، یا دلیل تراشی‌ها و بهانه‌جویی‌ها و مکر و کارشکنی‌های آنان را بیان می‌نماید، خیلی بیشتر از آن حدود است و نکات تازه‌ای را به ما آموزش می‌دهد که هم برای فهم و عرضه‌ی دعوت رسول اکرم و قرآن مفید است، و هم کمک به روان‌شناسی کفر و جامعه‌شناسی شرک، از دید کسی که بیش از هر کس در آن ذی‌نفع بوده است نموده، راه‌های جدیدی را برای مطالعه‌ی تاریخ رسالت و پدیده‌ی نبوت باز می‌نماید. مثلاً دیدیم که:

○ آیه «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ»^۱ در سوره «ص» (۳۸)، هم توصیف کفر و کافر‌ها است و هم تعلیلی بر کفر و تعجب آنها،
 ○ خطاب «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ»^۲ که در اولین سال بعثت به اشراف قریش شده است، سرگرمی و سرسپردگی آنها را به تکثیر و توسعه‌داری‌ها و تفاخر در زندگی نشان می‌دهد که علت عمده‌ی اعراضشان از دعوت و انذار پیغمبر است،
 ○ آیات «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَى. أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى.»^۳ که از کلی‌ترین جمله‌های انسان‌شناسی است، نیز جایش در آیات کفرورزی و سرکشی در برابر خدا و حق می‌باشد.

سوره «نوح» (۷۱) مگر سراسر توصیف کفرورزی و لجاج یا مکر قوم نوح در برخورد با پیغمبرشان نیست که خداوند برای تقویت روحی و راهنمایی آخرین فرستاده‌اش، با شرح و تفصیل، نمونه می‌آورد؟ آنجا هم که در سوره «یس» (۳۶) به پیغمبر گفته می‌شود تو حتماً از مرسلین هستی و آمده‌ای تا قومی را که غافل‌اند و پدرانشان انذار نشده‌اند، انذار نمایی ولی بدان که «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۴، باز توصیف از کفر ورزان است و تربیت و تعلیم کسی است که مأمور تبدیل کفر به ایمان در قوم عرب و در جهان شده است.

ابتدا قرار بود صرفاً آیات معرف روحیه مشرکین و عوامل درونی کفرورزی جمع‌آوری و زمان‌بندی شود. ولی چون غالباً همراه آن آیات و اوصاف صحبت از

۱. ص (۳۸) / ۲: ولی انکارورزان گرفتار تعصب و ستیزند.

۲. تکاثر (۱۰۲) / ۱: افزون‌طلبی [و فخرفروشی] سرگرم‌تان ساخت.

۳. علق (۹۶) / ۶ / ۷: هان! اگر انسان خود را بی‌نیاز احساس کند، سر به طغیان برمی‌دارد.

۴. یس (۳۶) / ۱۰: برای آنان یکسان است که هشدارشان بدهی یا ندهی، ایمان نمی‌آورند.

اعمال و عکس‌العمل‌های کفار به میان می‌آید که مستقیم و غیرمستقیم ناشی از ساختار و طبیعت آنها می‌باشد، لازم دیده شد آیات محتوی وصف اعمال نیز در ردیف آیات وصف احوال بیاید.

علاوه بر دو مورد فوق، یکی از تظاهرات و تراوشات کفرورزان مدعی دعوت رسول اکرم، اهانت‌ها و نسبت دادن‌های ناروای آنها است و منطق و دلایلی است که آورده‌اند و قرآن از زبان آنها بازگو می‌نماید؛ و ضرورت داشت که این مطالب نیز در جمع آیات کفرورزی و کافرشناسی منظور گردد.

با توجه به تکمیل‌های فوق دامنه‌ی بررسی بُعد کفرورزی در انسان‌بینی قرآن به ترکیب سه‌گانه‌ی احوال و افعال و اقوال مشرکین منتهی گردید یا به پندار و گفتار و کردار آنها و منافقین و کافرها، در برابر دعوت به سوی خدا، تعمیم یافت.

این راه می‌دانیم که قرآن در گزارش خود و انعکاس برخوردارگی که با کفرورزان و پدیده‌ی کفر داشته، اکتفا به مردم قریش و معاصرین نکرده است و جدال و جنجال‌های امت‌های گذشته با پیغمبران مربوط را نیز به‌طور اجمال و گاهی به تفصیل بیان نموده است، تا رسول اکرم و گروندگان به اسلام، شناخت بیشتر برای ادای مأموریت و برای معرفت و عبرت پیدا نمایند و انذار به منکرین داده شود. طبیعی است که در جداول کتاب حاضر چنین نوع آیات نباید از قلم افتاده باشد.

به این ترتیب مقدار کل گروه‌های کفرورزی، به طوری که در جدول شماره ۱ این جلد دیده می‌شود بالغ بر ۷۶ ردیف یا گروه و شامل بر ... آیه و ... کلمه گردید. این مقدار معادل بر ... و ... کل آیات و کلمات قرآن می‌شود.

چنین افزایشی نباید باعث تعجب باشد، زیرا که شناخت کافران و کفرورزان، و کفرورزی آنان لازمه‌ی عمل اصلی فرستاده‌ی خدا است و برنامه‌ی عمده‌ی رسالت را تشکیل می‌دهد.

* * *

اما اکتشاف مهم‌تر - اگرچه معلوم و بدیهی - و بررسی لازم‌تر که طرف مقابل کفرورزی است و متمم و متصل به آیات قبلی می‌باشد، تذکرات و دستورها و راهنمایی‌هایی است که در برابر کفرورزی و مسائل و مشکلات وابسته به انجام مأموریت به پیغمبر و به مؤمنین داده می‌شود. به سلسله آیاتی برمی‌خوریم که مرتباً

حدود مسئولیت رسول اکرم را ترسیم می‌نماید یا چگونگی ابلاغ قرآن را تعلیم داده، انتظاری را که پیغمبر می‌توانست از تأثیر کلام خود داشته باشد تذکر می‌دهد.

حقیقت این است که برای رسول اکرم، خصوصاً در سال‌های اوایل بعثت، این سؤال اساسی پیش می‌آمده است که در برابر اعراض و لجاج مشرکین در شنیدن حرف‌های او چه کاری باید بکند، تکذیب و تمسخر منکرین و نسبت‌های ناروای دیوانگی و جادوگری را که به او می‌دادند چگونه دفع نماید و به ادعای آنان که محمد از دیگران تعلیم گرفته است، یا بر بافته‌های خود را به خدا نسبت می‌دهد، چه جواب بدهد و بالاخره آزارها و ممانعت‌ها و قصد قتل خود را چگونه تحمل نماید؟ آیا خود را در معرض خطر و زحمت و هلاکت قرار نداده، دست از دعوت بردارد؟ مانند موسی (ع) معذرت و مدد بخواهد؟ مأموریت را فعلاً به صاحبش برگردانیده، موکول به زمان مساعدتر نماید؟ مایوس و خسته شده مانند نوح نفرین کند و مرگ و هلاک مشرکین و منکرین را بخواهد؟ با دسته‌بندی و دولت‌سازی به معارضه پردازد یا با فریب و نیرنگ و با خشونت و جنگ آنان را وادار به قبول دعوت و اطاعت کند؟

توجه به مسایل فوق و آگاهی به شیوه‌های به کار برده شده برای حل آنها، می‌تواند به لحاظ اطلاعات تاریخی ما در قرآن و سیره جالب باشد و اعتقادات دینیمان را تصفیه و تقویت نماید.

قرآن در آیات فراوان - که با وجود تکرار و تصریح غالباً از نظرها و ذهن‌ها دورمانده است - هم پرسش‌های بالا را طرح و بازگو می‌نماید و هم به یک یک آنها برای دل‌داری و بیداری و راهبری پیغمبر پاسخ می‌دهد. از یک طرف شخص پیغمبر را به واقعیت‌های وحشتناک و به مشکلات مایوس‌کننده آگاه می‌سازد، و از طرف دیگر تأثر و تردید و یأس را از دل آکنده از اخلاص و عشق او بیرون می‌آورد و قدم به قدم تقویت و هدایت و حمایتش می‌کند.

آنچه به چشم می‌خورد و در کتاب خواهید دید هدایت و نظارت مستمر یا به اصطلاح امروزی، کنترل از راه دور است که از ناحیه‌ی قرآن یا خدا، روی رسول اکرم اعمال می‌گردد. با تذکرها و تقویت و تعلیم‌های لازم مراقبت جدی به عمل می‌آید که فرستاده‌ی حق و مأمور رسالت بر انسان‌ها، دقیقاً در مسیر مورد نظر، همچون یک موشک هدایت شده یا سفینه‌ی فضاپیما نگاهداری گشته، صحیح

و سالم به مقصد برسد، تا دعوت و مکتب در میان اعراب جاهلیت و مردم حاضر و آینده جهان، به مصداق «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»^۱ و به صورت «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ»^۲ رسوخ و صدور پیدا نماید.

عنوان این قسمت و این دسته از آیات را که ضمن مطالعه آیات کفرورزی برخورداریم و خارج از انسان‌بینی قرآن می‌باشد «کفرزدایی» گذاردیم که همان برنامه‌ریزی رسالت است و مناسب دیده شد که در همین جلد و در جزو دروس «بازگشت به قرآن» مندرج گردد. به نظر آمد بررسی در این قسمت به لحاظ اسلام‌شناسی، پیغمبرشناسی یا قرآن‌شناسی، مخصوصاً برای آگاهی به چگونگی انجام رسالت حضرت ختمی مرتبت، یا پدیده‌ی نبوت، مفید باشد.

آیات کفرزدایی غالباً همراه و به دنبال آیات کفرورزی آمده‌است که گاه‌گاه پس و پیشی و فاصله‌هایی هم دارد. از آنجا که لازم بوده است قرآن به شیوه‌ی «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» به تدریج در ذهن و ضمیر پیغمبر جای‌گزین گردد، تعداد آنها بیش از خود آیات کفرورزی است و بیش از بخش اول، ما را به چگونگی رسالت و به «پدیده‌ی پیامبری» آشنا می‌سازد.

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ

فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً.» (فرقان (۲۵) / ۳۲)

(و کسانی که کافر شدند گفتند چرا قرآن جمله‌ واحد و یک پارچه بر او نازل نشده‌است. بلی چنین است، برای آنکه به وسیله‌ی آن دل تو را ثابت و محکم بداریم و با تائی خاص تدریجاً آن را فرو فرستادیم.)

آیاتی که در این بخش انتخاب شده از نوع و نمونه‌های ذیل است:

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفِيَ.

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى.»^۳

«إِنَّا إِنَّا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.»^۴

۱. سبا (۳۴) / ۲۸: و تو را فقط به عنوان بشارت‌دهنده برای تمامی مردم فرستاده‌ایم، ...

۲. یوسف (۱۲) / ۱۰۴: ... قرآن جز یادآوری برای جهانیان نیست.

۳. طه (۲۰) / ۲ و ۳: قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم که در رنج آفتی.

[آن را نفرستادیم،] مگر برای پند دادن کسی که [از نافرمانی خدا] بترسد.

۴. اعراف (۷) / ۱۸۸: ... من فقط برای اهل ایمان هشداردهنده و بشارت‌دهنده‌ام.

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ
بِوَكِيلٍ»^۱

«مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»^۲

«فَسَتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ»

«بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ»^۳

«فَذَكَرُوكُمْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ»

«لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ»^۴

«اصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ»^۵

«وَمَا عَلَيَّ الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۶

«إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ
فَأِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»^۷

«فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ»^۸

۱. شورا (۴۲) / ۶: خدا خود مراقب [رفتار] کسانی است که غیر او را کارساز خود انتخاب کرده‌اند و تو کارگزار آنان نیستی.

۲. قلم (۶۸) / ۲: [با آن همه محاسن که] به لطف صاحب‌اختیارت [داری، علی‌رغم آنچه می‌گویند] دیوانه نیستی.

۳. قلم (۶۸) / ۵ و ۶: به‌زودی خواهی دید و [مخالفان] خواهند دید که کدام یک از شما دستخوش جنونید.

۴. غاشیه (۸۸) / ۲۱ و ۲۲: پس [مردم را] تذکر ده؛ که تو فقط تذکر دهنده‌ای.

سیطره بر آنان نداری.

۵. ص (۳۸) / ۱۷: در برابر گفتارشان شکبیا باش...

۶. نور (۲۴) / ۵۴: ... رسول و طیفه‌ای جز ابلاغ اشکار ندارد.

۷. زمر (۳۹) / ۴۱: این کتاب را برای [هدایت] مردم، به حق بر تو نازل کردیم؛ هر که هدایت شود، به سود خود اوست و هر که گمراه گشت، به زیان خویش گمراه شده است؛ و تو کارگزارشان نیستی.

۸. محمد (۴۷) / ۴: چون با انکارورزان [ی] که جنگ علیه شما را آغاز کرده‌اند [روبرو شدید، آنان را گردن بزنید؛ ...

«لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ
فَلَأَنْفُسِكُمْ»^۱

* * *

بخش دوم به نوبه خود و بر طبق جدول شماره ۲ مشتمل بر ... ردیف یا گروه و
محتوی ... آیه و ... کلمه شده است که اگر با قسمت اول یک کاسه کنیم به ...
آیات و ... کل کلمات قرآن می‌رسیم.

* * *

در مجموع آیات کفرورزی و کفرزدایی قرآن بازتاب سه مرحله ذیل را در رابطه
پیامبران با گیرندگان پیام نشان می‌دهد:

(۱) دعوت رسول از مشرکین مکه و عربستان،

(۲) واکنش مشرکین و معاندین در مقابل دعوت،

(۳) واکنش قرآن و پیغمبر در برابر واکنش کفرورزان.

مرحله سوم منتهی به تشکیل امت اسلامی در مدینه و مکه و شبه جزیره عربستان
می‌گردد و دامنه‌ی آن پس از رحلت پیامبر گرامی، با انحراف‌ها و انشعاب‌ها، در
همه جا گسترش یافته است، که به عقیده‌ی شیعیان تا ظهور امام زمان به وسعت جهانی
و به وحدت ابتدایی خواهد رسید.

آنچه از کنش و واکنش‌ها یا مبادله رفتارها و روابط متقابل مشرکین و رسول خدا
در بحث ما نیامده یا به اختصار آمده است، و اگر می‌آمد کل مبادلات یا عملیات
دعوت را نشان می‌داد، بیانات منطقی و استدلال‌های نظری قرآن برای تفهیم و تثبیت
خدا و آخرت است.

مجموعه‌ی ردیف‌شده و زمان‌بندی شده کتاب بهتر از هر سیره یا تفسیر، ما را
به ویژگی‌های مأموریت و مرارت‌های طاقت‌فرسای رسالت آشنا می‌سازد. دستورها و
دستگیری‌های خداوند عزیز حکیم را در جای خود می‌بینیم که چگونه فرستاده‌ی
برگزیده‌اش و امت او، در مقایسه با عملکرد سایر پیامبران و مراحل ابتدایی‌تر

۱. بقره (۲) / ۲۷۲: هدایت آنان بر عهده تو نیست، [تو تنها، دعوت کننده‌ای] ولی خدا هر که را بخواهد [و
شایسته ببیند]، هدایت خواهد کرد؛ و هر مالی را که انفاق کنی به سود خود شماس؛ ...

اجتماعات انسانی، نائل به بیشترین پیشرفت شده‌است و چگونه سلاح حق و حقیقت بدون تخطی از حدود منطق و محبت یا نفی آزادی و صداقت، و با احتراز از اکراه و خشونت، علی‌رغم خواسته مشرکین و آن همه موانع، یا مشکلات و خطرات، به پیروزی رسیده مژده:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۱

را محقق ساخته است!

با کنار هم قراردادن آیات کفرزدائی و تفسیر موضوعی قرآن ملاحظه خواهید کرد که مخاطب غالب آیات، تصریحاً یا تلویحاً خود پیغمبر است. از این جهت قرآن بیش از آنچه روی مشرکین و کافرهای یا مؤمنین و مردم کار کند به تقویت رسول اکرم و به تعلیم و تلقین او می‌پردازد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد دست یا چشم کنترل‌کننده‌ی از دوری هست که اداره‌کننده رسول و رسالت می‌باشد. قرآن کتابی نیست که مانند کتاب‌های معمولی نویسنده‌ای داشته باشد و خوانندگان، یا سروکار ما با گوینده‌ای باشد و شنوندگانی. گوینده خود شنونده است و گیرنده‌ای است که فرستنده هم هست. به‌طور آشکار سه مقام در میان دیده می‌شود. اول آن کس که منظمأ به تقویت و دلداری پیغمبر و به‌جواب سئوالات می‌پردازد، تعلیم می‌دهند، تلقین کلام و منطق می‌کند، او را گاهی تشویق و غالباً تصحیح و توبیخ می‌نماید. تکرار می‌کند که در هدایت اشخاص، رسول کاره‌ای نیست و خدا همه‌کاره است و انتظار موفقیت چندان نباید داشته باشد. مع‌ذلک در انجام ابلاغ و تذکر باید استمرار به‌خرج داده و استوار باشد. قرآن نام این مقام را روح‌القدس گذارده است. انگار که «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»^۲ عینیت دارد. مقام سوم انسان‌ها هستند و مقام دوم یا واسط بین اولی و سومی رسول اکرم است.

مسلمأ اگر آورنده‌ی قرآن و دهنده‌ی مأموریت خود پیغمبر یا وجدان ناخودآگاه می‌بود، چنین منطق و مسیری به کار برده نمی‌شد.

بدیهی است که دعوت رسول اکرم و آیات مربوط به مراحل سه‌گانه بالا برای خود سیر تحولی دارد که صفحات و جداول این کتاب ترسیم‌کننده و توصیف‌کننده آن است. به‌ظاهر کند و تدریجی ولی با توجه به تکان و تغییرات چشمگیری

۱. توبه (۹) / ۳۳: اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند...

۲. نجم (۵۳) / ۵: [فرشته‌ای] پرتوان تعلیمش داده است.

که در افراد، اعم از کافر و مؤمن و در اجتماع به وجود آمده و به کم و کیفیت‌هایی رسیده است، سریع و وسیع و عمیق می‌باشد. مباحث و آیات کفرورزی و کفرزدائی که متن و محور اصلی کتاب است علاوه بر تفسیر قرآن و مطالبی از تاریخ چهارده قرن قبل نبوت، ارتباط با جریان‌های انقلاب اسلامی و برنامه‌های نظام جمهوری نیز پیدا می‌کرد و رهنمودهایی در زمینه‌ها یا داعیه‌های ادامه رسالت انبیاء، کفرستیزی، دفع مستکبرین و رفع فتنه و فساد از جهان می‌دهد که می‌تواند خالی از فایده نباشد.

* * *

به لحاظ روش کار و برخورد با آیات لازم است توجه خوانندگان محترم را به دو نکته ذیل جلب نماید.

یکی اینکه استدلال و استنباط‌های یک تفسیر موضوعی قرآن بیشتر ناظر و متمرکز بر موضوع انتخاب شده برای تحقیق است. آیات برگزیده شده نیز از دریچه دلالتی که نسبت به موضوع مورد نظر دارند بررسی می‌شوند. برخلاف تفسیرهای کلاسیک یا متداول که سوره به سوره و آیه به آیه مورد طرح و ترجمه و تفسیر قرار گرفته و هر آیه باید من جمیع جهات و دلالت و مفاهیمی که می‌تواند داشته باشد موشکافی گردد. هم به لحاظ لغوی و ادبی، هم عقیدتی و علمی و فقهی و هم انسانی و تاریخی و غیر آنها. یک مفسر واقعی باید سعی کند از آیات و سوره‌ها میوه چینی و ریشه‌یابی و بلکه ریشه‌کشی کرده به فرمایش امیرمؤمنان علیه‌السلام قرآن را «استنطاق کند». ولی در تفسیر موضوعی ما از ترجمه‌ها و تفسیرهای موجود و حتی المقدور معتبر استفاده کرده پس از ترجمه و توضیح اجمالی هر آیه، آنچه با موضوع مورد نظر ارتباط پیدا می‌کند بیان کرده، روی آن توقف و نتیجه‌گیری می‌نماییم.

خاصیت یا مزیتی که تفسیر موضوعی نسبت به تفسیر کلی دارد این است که با جمع‌آوری و مقابله آیات مربوط به موضوع مشخص و مسئله معین، و مخصوصاً با پشت هم قرار دادن آیات برطبق ترتیبی که نازل و ابلاغ شده‌اند، هم موضوع مورد تحقیق از جمیع جهات و زوایایی که قرآن و مردم با آن برخورد داشته‌اند و نیازها و رویدادهایی که به جواب‌گویی آنها پرداخته است رسیدگی می‌شود، هم با توجه به هدف و نیازها و مسیری که کلمات و تعبیرها و خود آیات پیدا کرده‌است، معانی و

منظورها روشن‌تر می‌گردد و هم سیر ترتب و تحوّل آیات، اطلاعات ارزنده‌ای به‌لحاظ گفته‌های قرآن و خواسته‌های مردم، همراه با کیفیت رسالت و اصالت آن، به‌ما می‌دهد. خلاصه آنکه در مجموع و از نظر اصول سیستمیک آیات و سوره‌ها یک حالت زنده و گویا به‌خود می‌گیرد و چه بسا که حقایق بدیع و «کل»‌های مستقل و جدید مکشوف گردد.

مطلب دیگر مواجهه با تکرار و تواتر آیات و تفسیرها است که می‌تواند خسته‌کننده و تعجب‌آور باشد.

خوانندگان محترم باید انتظار داشته باشند که تکرارهای فراوانی از آیات مشابه و از مضامین و بیانهای یکسان یا یکنواخت، خواهند دید، ولی نباید خسته بشوند یا از کلام خدا تعجب بنمایند. خواهید دید که اولاً تکرار آیات حالت ساده و سادگی نداشته، قرآن پدیده‌ی پویا و متحوّلی است. بر طبق آیه:

«كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ.» (هود (۱۱) / ۱)
(کتابی است که آیاتش محکم و قطعی شده است و سپس تفصیل و توسعه یافته است و از جانب (خدای) درست‌کردار آگاه می‌باشد.)

از اجمال و استحکام به تفصیل و توضیح سیر می‌کند و این سیر و تحوّل بدون تعجیل و با تانی صورت گرفته، خداوند فرزانه‌ی آگاه، خود اتمام و بیان و ابلاغ آن را به‌عهده گرفته است:

«لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ.»

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ.

فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ.

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ.» (قیامت (۷۵) / ۱۶ تا ۱۹)

(زبان‌ت را برای تعجیل - در اعلام و اجرای وحی - به حرکت در نیاور؛ بدان که جمع و جور کردن مطالب و خواندن آنها به‌عهده ما است.
پس از آنکه خواندیم پیروی از قرائت قرآن بنما.
بیان بعدی نیز به‌عهده‌ی ما است.)

توالی و تغییر و تفصیل‌های آیات هربار و تا هرچندبار که پیش‌آید مطالب تازه‌ای را مانند پرده‌های یک نمایشنامه یا داستان، به‌خوانندگان خود و تدبّرکنندگان در آن عرضه می‌نماید.

این سبک تکرار و تفصیل تدریجی برای اجراکننده برنامه خاصیت تعلیم و تمرین و تثبیت را داشته است، دریافت کنندگان دعوت، تأثیر بیشتر و تلقین نرم‌تر و نافذتر را احساس می‌کرده‌اند و برای آیندگان که به‌طور غیرمستقیم از دریافت کنندگان مکتب رسالت هستند، علاوه بر فوائد فوق برخوردار از توجه و تعلیماتی می‌شویم که به‌لحاظ تاریخ رسالت و نظام وحی یا پدیده‌ی پیامبری قابل توجه بوده بر معرفت و ایمانمان افزون می‌گردد. بدیهی است که استفاده سوم، تنها با مطالعه ردیفی آیات بر حسب زمان نزول امکان‌پذیر می‌باشد. ضمن آنکه خود وسیله‌ای برای تأیید یا تصحیح ردیف‌های نزول می‌گردد.

اما نکته دوم این بررسی، درک فلسفه تکرار، یا به‌اصطلاح قرآن تصریف آیات است که در سراسر کتاب خدا به‌چشم می‌خورد. اصولاً تکرار یک مطلب یا دستور در محاورات و مکتوبات، وقتی منطقاً پیش می‌آید که اولاً منظور و مطلوب مهم باشد، ثانیاً مسئله غامض و پیچیده باشد، و ثالثاً گیرنده‌ی مطلب از آن غفلت و فرار داشته، تذکر و اصرار لازم باشد.

در قرآن بدون آنکه بگوییم این قاعده دقت صد درصد ریاضی و حتمیت عددی قانونی دارد، یک تناسب تقریبی محسوس مابین تکرارها و تواترها با عوامل سه‌گانه فوق وجود دارد. به‌طور کلی، تأکید بر یک امر و تکرار آیات مربوطه دلالت بر عنایت بیشتر دین بر آن امر دارد.

حال نظر به‌اینکه دو مقصد رسالت پیغمبران (یعنی شناساندن خداوند یکتا و سوق دادن انسان‌ها به‌سوی او برای عبادت و تقرب به‌خدا و انتظار و اعتقاد به آخرت) از غامض‌ترین موضوعات و دور از ذهن‌ترین مطالعات برای بشر می‌باشد، پذیراندن و رسوخ دادن این دو حقیقت نامأنوس - اگر نگوئیم نامطلوب - احتیاج به تذکر و توضیح و تکرار پیدا کرده است. از هنرهای قرآن و نشانه‌های الهی بودن آن این است که با حداقل تکرار و تأکید و بدون اعمال فشار و فریب یا تخدیر و تبلیغ (آن‌طور که در پیروان اجرا می‌شود)، موفقیت نسبی وسیع در آن محیط و زمان و در دوران‌های بعدی پیدا کرده است.

ضمناً باید دانست - و چند نمونه را خواهید دید - که تکرار مضامین و مطالب و حتی بعضی جمله‌های شعاری یا شاخص، مانند کفرورزی و کفرزدایی، بی‌نظام و بی‌قاعده نیست. اصل تمرکز و تناوب که در سیر تحول موضوعی قرآن دیدیم و

تعداد آیات و کلمات مربوط به یک موضوع، مثلاً قیامت یا جهاد، بر طبق یک منحنی کلاسیک آماری در قسمتی از سال‌های رسالت توزیع می‌شد، در این موارد نیز صادق است. هر بیانی، هر اتهامی و هر استدلال یا هر جریان، فصل به‌خصوص خود را داشته نوبت به نوبت جایگزین یکدیگر می‌شوند.

آنچه سعی شده است در این کتاب درک و ارائه گردد چگونگی توفیق فوق در عالم منطقی و کلام است.

مطلب یا واقعیت تاریخی دیگری که در این کتاب از جمع‌آوری و ردیف کردن آیات کفرورزی و کفرزدایی (یا مبارزه منطقی مشفقانه و آزادمنشانه‌ی پیغمبر اسلام با کفر و شرک و الحاد) جلوه‌گر شده است کثرت فوق‌العاده آیات و اشارات هدایت و ارشاد به سوی ایمان در سراسر ۲۳ سال رسالت می‌باشد. با تعدد و تکرار فراوان این نوع آیات و کلمات، توأم با تفصیل و تکامل منظم آنها و پشتکار عجیب ابراز شده، حکایت از اشتغال دائم و اشتغال درونی رسول اکرم می‌نماید. معمولاً سیره نویسان و مفسرین قرآن کمتر به ذکر موارد و شواهد لازم در این باره پرداخته‌اند و نسبت به بحث و جدال‌هایی که مستمراً با مشرکین و منکرین و با مدعیان به‌عمل می‌آمده و پیشرفت‌هایی که حاصل شده است توضیح چندان نداده‌اند.

توجه عمده سیره‌نویسان و مورخین مسلمان و حتی محققین اخیر بیشتر روی برخوردهای شخصی و اجتماعی با حوادث چشم‌پرکن مزاحم و محسوس رفته‌است. کار زیادی با متن و محتوا و محصول برنامه‌های ارشادی رسالت نداشته‌اند. به تبعیت از رسم و روان بشری و اشتغالات جامعه‌شناسی، سهم بیش از تناسب به جنگ و نزاع‌هایی داده‌اند که میزان نسبی آنها در قرآن کمتر از ۲۵ درصد آیات می‌باشد و هر زمان نیز که التفات به اهداف و برنامه‌های هدایتی و ارشادی به‌عمل آمده‌است، ذائقه ذهنی و مشرب فلسفی و کلامی بر نگرش عینی و بر عنایت و استمداد از کلام خود قرآن، چربیده است.

* * *

در تدوین کتاب، با آنکه کفرورزی و کفرزدایی دو مقوله متفاوت ولی متصل و مرتبط هستند، بهتر دیده شد که تفکیک قائل گردیده کتاب را در سه بخش ذیل تنظیم و تقدیم معتقدین و پژوهندگان قرآن بنماییم:

بخش اول آیات کفرورزی از آغاز بعثت تا هجرت

بخش دوم آیات کفرزدائی از آغاز بعثت تا هجرت

بخش سوم آیات کفرورزی و کفرزدائی در ده سال مدینه

ترتیب کار در هر سه بخش چنین خواهد بود که برای آیات نازل شده در هر یک از سال‌های بعثت یا هجرت جداول سالیانه‌ای برحسب شماره نزول‌های صعودی داده خواهد شد و مقابل هر آیه ترجمه فارسی آن را می‌گذاریم و سپس به توضیح و تفسیر مناسب آیات یک گروه یا چندگروه می‌پردازیم. سعی بر این خواهد بود که هم تشریح آیات به عمل آمده، معنی و مقصود و مورد آنها را در ارتباط با یکدیگر و یا هدف و کل آیات به دست آوریم، و هم سیر تحول موضوعی و محتوایی کفرزدایی را روشن سازیم.

در تفسیر موضوعی قرآن، برخلاف تفسیرهای عمومی متداول، بیشتر توجه و تحقیق معطوف به موضوع انتخاب شده می‌گردد تا از مجموع آنها نتیجه‌گیری و استخراج منظور به عمل آید، نه آنکه به تمام نکات و مفاهیم لفظی و ادبی یا فلسفی و روایتی حول و حوش آیات پردازیم.

* * *

در پایان لازم است تذکر دهیم که هیچ آیه جدیدی را در قرآن کشف نکرده‌ایم و هیچ مضمون تازه‌ای که قبلاً دیده و گفته نشده باشد اضافه ننموده‌ایم، ولی پهلوی هم گذاردن و به ترتیب نزول قراردادن آیات کفرورزی اولاً کمک زیاد به دریافت بهتر معانی و منظورها و به شناخت و انتخاب آیات مربوطه نموده است و ثانیاً اجازه داده است چهره روشن مشخص از چگونگی و جریان دعوت خدا ترسیم گردد. به نظر می‌آید این جهت در کتاب‌های سیره، در تاریخ‌ها و در قرائت و تفسیرهای گذشته ظاهر نشده باشد. ضمن سیر تحول دعوت و برخورد رسول اکرم، برنامه‌ی زنده و جاری رسالت را ملاحظه می‌کنیم که با مدیریت و نظارتی از بالا و خارج از اطلاع و اختیار پیغمبر اجرا می‌شود و علی‌رغم اشکالات و صدمات، به پیروزی درخشان و فراگیر می‌رسد، درحالی که روش اتخاذ شده متفاوت و مغایر با رسم و سلیقه انسان‌ها است، به گونه‌ای شاهد پدیده‌ی نبوت می‌شویم.

* * *

پیش‌گفتار مؤلف _____ ۳۳

برای استفاده تفسیری از این کتاب لازم است خواننده قرآنی را روبه‌رو داشته
پایه‌پای مطالب و آیاتی که در جداول و بحث‌ها می‌آید حرکت نموده، خود آیات و
سوره‌ها را در نظر بیاورد و تعقیب و توجه نماید. و ضمناً ترجمه‌هایی را که در
جداول داخل کتاب در هر سال آمده‌است بخواند و در ذهن داشته باشد.

تهران ۳۰ دیماه ۱۳۶۶

بخش اول

آیات کفرورزی در دوران مکه (از آغاز بعثت تا هجرت)

جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		ب.ق.	ب.ن.
۱. وَالْعَصْرِ. ۲. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ.	عصر (۱۰۳)	۰۰۳	۱
۱. أَلِهَآكُمُ التَّكَاثُرُ. ۲. حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ.	تكاثر (۱۰۲)	۰۰۵	۲
۷. وَتَقْسِ وَمَا سَوَّآهَا. ۸. فَآلِهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. ۹. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَآهَا. ۱۰. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّآهَا.	شمس (۹۱)	۰۱۱	۳
۱۹. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.	بروج (۸۵)	۰۱۴	۴
۸. وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ. ۹. بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.	تكویر (۸۱)	۰۱۵	۵

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۸. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى. ۹. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى. ۱۰. فَسَنِيَرَهُ لُغُسْرَى. ۱۱. وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى. ۱۴. فَأَنْذَرْتُمْكُمْ نَارًا تَلْظَى. ۱۵. نَا يَصَلُّهَا إِلَّا الْأَشْقَى. ۱۶. الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى.</p>	لیل (۹۲)	۰۲۱	۶
<p>۱. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ. ۲. فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ. ۳. وَلَمَّا يَخُصُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ.</p>	ماعون (۱۰۷)	۰۲۲	۷
<p>۱۵. وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ.^۱ ۴۸. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ.</p>	مرسلات (۷۷)	۰۲۵	۸
<p>۱. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. ۲. عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ. ۳. الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ. ۴. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ. ۵. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ. ۲۷. إِنَّهُمْ كَانُوا لَنَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۲۸. كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا</p>	نباء (۷۸)	۰۲۶	۹
<p>۱۱. ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا.^۲ ۱۲. وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا. ۱۳. وَبَيْنَ شُهُودًا. ۱۴. وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا. ۱۵. ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ. ۱۶. كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا. ۱۸. إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ.</p>	مدثر (۷۴)	۰۲۷	۱۰
<p>۱. این آیه با شماره‌های ۱۹ و ۲۴ و ۲۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۹ نیز در این سوره تکرار شده است. ۲. آیاتی از سوره که مربوط به کفرورزی نیست لیکن برای کمک به بحث و بررسی در جدول درج شده‌اند، توسط مؤلف فقید در داخل پرانتز قرار گرفته‌اند (ب.ف.ب).</p>			

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره		
		جزء	آیه	
<p>۲۱. ثُمَّ نَظَرَ.</p> <p>۲۲. ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ.</p> <p>۲۳. ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ.</p> <p>۲۴. فَقَالَ إِنَّ هَذَا لِلَّهِ سِحْرٌ يُوقَرُ.</p> <p>۲۵. إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ.</p> <p>۴۳. قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.</p> <p>۴۴. وَلَمْ نَكُ نَطْعَمُ الْمُسْكِينِ.</p> <p>۴۵. وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ.</p> <p>۴۶. وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ.</p> <p>۴۷. حَتَّىٰ آتَانَا الْبَيِّنَاتِ.</p> <p>۴۹. فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ.</p> <p>۵۰. كَأَنَّهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ.</p> <p>۵۱. فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ.</p> <p>۵۲. بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتِي صُحُفًا مُّنشَرَةً.</p> <p>۵۳. كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ.</p>	مدثر (۷۴)	دومه	۲۷	۱۰
<p>۲۰. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.</p> <p>۲۱. وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ.</p> <p>۲۲. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ.</p> <p>۲۳. وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ.</p>	انشقاق (۸۴)	دوم	۳۱	۱۱
<p>۶. كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِئِفٍ.</p> <p>۷. أَنْ رَأَاهُ اسْتَكْبَرَ.</p> <p>۸. إِنَّ إِلَهِي رَبِّيَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ.</p> <p>۹. أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ.</p> <p>۱۰. عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ.</p> <p>۱۱. أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ.</p> <p>۱۲. أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ.</p> <p>۱۳. أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ.</p> <p>۱۴. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ.</p> <p>۱۵. كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ.</p> <p>۱۶. نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ.</p> <p>۱۷. فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ.</p>	علق (۹۶)	دوم	۳۵	۱۲

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		سوره	آیه
<p>۲۰. كَلَّا بَلْ تُحِثُّونَ الْعَاجِلَةَ. ۲۱. وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ. ۳۱. فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى. ۳۲. وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى. ۳۳. ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى.</p>	قیامت (۷۵)	۰۳۷	۱۳
<p>۴۵. إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۴۶. وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَىٰ الْحِنثِ الْعَظِيمِ. (۴۷) وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدَا مِثْنَا وَكُنَّا ثَرَابًا وَعِظَامًا أَيْنَا. لَمَبْعُوثُونَ. ۵۱. ثُمَّ إِنَّكُمْ أَنتَهِمَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ. ۵۲. لَأَكَلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن رَّهْمٍ.</p>	واقعه (۵۶)	۰۴۰	۱۴
<p>(۹. فَذَكَرَ إِذْ نَفَعَتِ الذُّكْرَىٰ). (۱۰. سَيَذَكَّرُ مَن يَخْشَىٰ). ۱۱. وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى. ۱۶. بَلْ تُؤْزِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. (۱۷). وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى).</p>	اعلیٰ (۸۷)	۰۴۲	۱۵
<p>عادیات (۱۰۰) ۶. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ. ۷. وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ. ۸. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.</p>	عادیات (۱۰۰)	۰۴۴	۱۶
<p>۴۹. وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ. ۵۰. وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ. ۵۱. وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيَقِينِ.</p>	حاقه (۶۹)	۰۴۵	۱۷
<p>۱. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ. ۲. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ. ۳. سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ. ۴. وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ. ۵. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ.</p>	تبت (۱۱۱)	۰۴۷	۱۸

ادامه سوره بقره

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	آیه
<p>۲. مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ. ۸. فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ. ۹. وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ. ۱۰. وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ. ۱۱. هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَمِيمٍ. ۱۲. مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَيْمٍ. ۱۳. عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٍ. ۱۴. أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ. ۱۵. إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ.</p>	قلم (۶۸)	۱۹	۵۲
<p>۱۵. فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ. ۱۶. وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ. ۱۷. كَلَّا بَلْ لَأُتَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ. ۱۸. وَلَا تَحَاسُونَ عَلَي طَعَامِ الْمَسْكِينِ. ۱۹. وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثِ أَكْلًا لَمًّا. ۲۰. وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا.</p>	فجر (۸۹)	۲۰	۵۴
<p>۲۹. فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۳۰. ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ. ۳۳. أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ. ۳۴. وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ. ۳۵. أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهوَ يَرَىٰ. ۵۲. (وَقَوْمٌ نُوْحٌ مِّن قَبْلِ) إِيَّاهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ. ۵۹. أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ. ۶۰. وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَتَّبِعُونَ. ۶۱. وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ.</p>	نجم (۵۳)	۲۱	۵۶
<p>۱۲. بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ. ۱۳. وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ. ۱۴. وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخَرُونَ. ۱۵. وَقَالُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ. ۱۶. أَيُّدًا مِّثْنًا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّنَّا لَمَبْعُوثُونَ.</p>	صافات (۳۷)	۲۲	۵۸

ادامه جدول

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره		
		سوره	آیه	
۲۹. قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ . ۳۰. وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ . ۳۲. فَأَعْوَبْنَاكُمْ إِثْمًا كُنَّا غَاوِينَ . ۳۵. إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ . ۳۶. وَيَقُولُونَ آئِنَّا لَتَنَارِكُوا إِلَهَيْنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ . ۶۹. إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ . ۷۰. فَهُمْ عَلَيَّ أَنَارِهِمْ يُهْرَعُونَ . ۷۱. وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ . ۱۵۱. أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكَهُمْ لَيَقُولُونَ . ۱۵۲. وَوَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . ۱۵۳. أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَيَّ الْبَنِينَ . ۱۵۵. أَفَلَا تَذَكَّرُونَ . ۱۵۶. أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ . ۱۵۷. فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . ۱۵۸. وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نِجَابًا وَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ .	صافات (۳۷)	۵۸	دومه ۲۲	
	۹. كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ .	انفطار (۸۲)	۵۹	۲۳
	۴. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُ إِذِ اعْتَكَبَتْ عَلَيْهِمْ (۳۳). إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . ۳۴. وَلَا يَحْضُرُ عَلَيَّ طَعَامُ الْمَسْكِينِ .	حاقه (۶۹)	۶۰	۲۴
	۱۹. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا . ۲۰. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا . ۲۱. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا . ۲۲. إِلَّا الْمُصَلِّينَ . از این به بعد در ایمان گرای بیاید.	معارض (۷۰)*	۶۱	
	۱. وَيَلِلُ اللَّمَطَفِينَ . ۲. الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَيَّ النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ . ۳. وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ . ۴. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ .	مطففین (۸۳)	۶۳	۲۵

* آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره معارج (۷۰) بعد از تنظیم اولیه، به صورت دست نویس توسط مؤلف فقید به جدول اضافه شده، اما در متن به آن ردیفی اختصاص نیافته و تفسیری ارائه نشده است (ب.ف.ب).

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۵. لَيَوْمٍ عَظِيمٍ. ۱۰. وَبَلِّغْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ. ۱۱. الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بَيَّوْمَ الدِّينِ. ۱۲. وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدِلٍ أَتِيمٍ. ۱۳. إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ. ۱۴. كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ. ۱۵. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ.</p>	مطففين (۸۳)	دومه ۶۳	۲۵
<p>۵. وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ. ۶. فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاءٌ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (۷. أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَبْنَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ.) ۸. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۶۷. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۰۳. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۲۱. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۳۹. فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۵۸. فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۷۴. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۹۰. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. (۱۹۷. أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ). ۱۹۸. وَلَوْ تَرَوْنَا عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ. ۱۹۹. فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ. ۲۰۰. كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ. ۲۰۱. لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.</p>	شعراء (۲۶)	۶۵	۲۶
<p>۲. رَبِّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۳. ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ). ۷۸. وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ظَالِمِينَ. ۷۹. فَاتَّقَمْنَا مِنْهُمُ وَإِنَّهُمْ لِبِلَامٍ مَّبِينٍ. ۸۰. وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ۸۱. وَأَتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۸۲. وَكَانُوا يَنْجُونَ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي أُوتُوا بِهَا آمِنِينَ.</p>	حجر (۱۵)	۶۷	۲۷

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۸. إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۹. يُؤْفَكُ عَنْهُ مِنَ الْأَفْكَ. ۱۰. قَتِلَ الْخَرَّاصُونَ. ۱۱. الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرٍ وَسَاهُونَ. ۱۲. يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ. (۱۳. يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ.) ۱۴. دُفِقُوا فَمِنْتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُسْتَعْجِلُونَ. ۳۲. قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ. (۳۳. لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ.) (۳۷. وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ.) ۳۸. فَتَوَلَّىٰ بَرَكْنَهُ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ. (۳۹. فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ) ۴۵. وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ. ۵۱. كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ. ۵۲. أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ.</p>	ذاریات(۵۱)	۲۸	۰۷۰
<p>(۱. اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ.) ۲. وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ. ۳. وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ. (۴. وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجَرٌ.) ۵. حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ. ۹. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ. (۱۰. فَدَعَا رَبُّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ.) ۱۸. كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَئِدْرُ. ۲۳. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ. ۲۴. فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّمَّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنْآ إِذَا لَفَى ضَلَالٍ وَسُعْرِ. ۲۵. أَوْلَيْتِ الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِيرٌ. ۳۳. كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ. ۴۱. وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذُرُ. ۴۲. كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ. (۴۳. أَكْفَارَكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّتِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ.) ۴۴. أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ. ۴۵. سَيُهْرَمُ الْجَمْعُ وَيَوَلُونَ الدُّبُرَ.</p>	قمر(۵۴)	۲۹	۰۷۱

ادامه چهارم بعثت

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	آیه
<p>۱۷. إِيَّا بَلَوْتَاهُمْ كَمَا بَلَوْتَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ. ۱۸. وَلَا يَسْتَشْفُونَ. ۱۹. فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ. ۲۰. فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ. ۲۱. فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ: ۲۲. أُنِ اعْبُدُوا عَلَيَّ حَرِيكُمُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ. ۲۳. فَانظُرُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ. ۲۴. أُن لَّا يَدْخُلُهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّنْكَبِينَ. ۲۵. وَعَدُوا عَلَيَّ حَرًّا قَادِرِينَ. ۲۶. فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ. ۲۷. بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ. ۲۸. قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ أَنِّي تَسْبِخُونَ. ۲۹. قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. ۳۰. فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَي بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ. ۳۱. قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ. ۳۲. عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَهِي رَبِّنَا رَاغِبُونَ. ۳۳. كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. ۵۱. وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. (۵۲). وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.</p>	قلم (۶۸)	۰۷۲	۳۰
<p>۹. بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ. (۱۳). أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرِي وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ. ۱۴. ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ. (۱۵). إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ. (۱۷). وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ. (۱۸). أُن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ. ۱۹. وَأَنْ لَّا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِلَهِي آتِيكُمْ. بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. ۲۰. وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ. ۲۱. وَإِن لَّمْ تُوْمِنُوا لِي فَأَعْتَزَلُونِ. ۲۲. فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَاءَ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ.</p>	دخان (۴۴)	۰۷۳	۳۱

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۲۵. كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. ۲۶. وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ. ۲۷. وَعَمَمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ. (۳۰. وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ). ۳۱. مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ.</p>	دخان (۴۴)	داده ۰۷۳	۳۱
<p>۱۱. فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِبِينَ. ۱۲. الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ. (۱۳. يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعًّا). ۱۴. هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ. ۱۵. أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ.</p>	طور (۵۲)	۰۷۵	۳۲
<p>(۵. قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا). ۶. فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا. ۷. وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا. (۸. ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا). (۹. ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا). ۱۰. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. (۱۱. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا). ۱۲. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا. ۱۳. مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا. ۱۴. وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا. ۱۹. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا. ۲۰. لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا. ۲۱. قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا. ۲۲. وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا. ۲۳. وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا. ۲۴. وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا. (۲۵. مِمَّا خَطَبْنَا بِهِمْ أُعْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا). (۲۶. وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَعَذِّبْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا). ۲۷. إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا.</p>	نوح (۷۱)	۰۷۷	۳۳

ادامه جدول پیشین

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
۲۸. قَبَائِلَ آلَاءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ. و ۲۴ آیه ترجیع بند دیگر به شماره‌های ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۴۳. هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ.	رحمن (۵۵)	۰۷۸	۳۴
۱۶. فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدِي. ۴۳. اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ. ۴۸. إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مِنْ كَذَبٍ وَتَوَلَّىٰ.	طه (۲۰)	۰۸۰	۳۵
۷۷. أَمْ فَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا. ۷۸. أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا. ۸۱. وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا. ۸۲. كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا. ۸۳. أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا. ۹۷. فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ بِلِسَانِكَ لِئَيَّسَّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا.	مریم (۱۹)	۰۸۱	۳۶
۲۹. فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ. (۳۰. أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبِّصُ بِهِ رَبِّبَ الْمُتُونِ. ۳۱. قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَرِبِينَ. ۳۲. أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ. ۳۳. أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ. ۳۴. فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ. ۴۰. أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مُثْقَلُونَ. ۴۱. أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ. ۴۲. أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ. ۴۳. أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ.	طور (۵۲)	۰۸۲	۳۷
۶. وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ. ۷. لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ. ۱۱. وَمَا يَا أَيُّهُمُ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. ۱۲. كَذَلِكَ سَأَلْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۱۳. لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ. ۱۴. وَكَوَفَّحْتُنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ. ۱۵. لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ. ۳۹. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.	حجر (۱۵)	۰۸۳	۳۸

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>(۱) ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ.) ۲. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ. ۳. كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَعَدَّ حِينٍ مِّنَاصٍ. ۴. وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ. ۵. أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ. ۶. وَانطَلِقُ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امشُوا وَاصْبِرُوا عَلَيَّ إِلَهَيْكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ. ۷. مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ. ۸. أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ. ۹. أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ. ۱۰. أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ. ۱۱. جُنْدًا مَّا هُنَالِكَ مَهْرُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ. ۱۲. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ. ۱۳. وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ. ۱۴. إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ. ۱۵. وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ. ۱۶. وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا فِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ.</p>	ص (۳۸)	۳۹	۰۸۶
<p>(۱) ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ) ۲. بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ. ۳. أَتَذَرُنَا وَإِنَّا لَكَاْفِرُونَ ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ. ۵. بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ. ۱۲. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَتَمُودُ. ۱۳. وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ. ۱۴. وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدٌ.</p>	ق (۵۰)	۴۰	۰۸۷
<p>۶. لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاءَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ. ۷. لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَيَّ أَكْثَرَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. ۸. إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّثْمَحُونَ. ۹. وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. ۱۰. وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.</p>	يس (۳۶)	۴۱	۰۸۸

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		سوره	آیه
<p>۱۱. إِيْمَا تُنذِرُ مِنْ اتِّبَاعِ الذِّكْرِ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ. (۱۳). وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ. ۱۴. إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ. ۱۵. قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ. ۱۸. قَالُوا إِنَّا نَطَّيَّرُكُمْ بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ. ۳۰. يَا حَسْرَةَ عَلِيِّ الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. ۴۶. وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ. ۴۷. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اطَّعِمُوا مَن لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. ۴۸. وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. ۴۹. مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ. ۶۰. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. (۶۱). وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. ۶۲. وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.</p>	یس (۳۶)	دومه ۰۸۸	۴۱
<p>۳۳. وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ. ۳۴. وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ. ۳۵. أَيْعِدْكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ. ۳۶. هِيَئَاتِ هِيَئَاتِ لِمَا تُوعَدُونَ. ۳۷. إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ. ۳۸. إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ. ۴۶. إِلَيَّ فِرْعَوْنُ وَمَلَيْهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ. ۴۷. فَقَالُوا أَأَنْوَمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ. ۴۸. فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ. ۶۶. قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلِّي عَلَيْكُمْ فَأَنْتُمْ عَلَيَّ أَغْفَابِكُمْ تَنْكِبُونَ. ۶۷. مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ. ۶۸. أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ. ۶۹. أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ.</p>	مؤمنون (۲۳)	دومه ۰۹۰	۴۲

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و شماره آيات	نام و شماره سوره	شماره				
		دوره	شماره			
شماره و متن آیات	مؤمنون (۲۳)	ادامه	۰۹۰	دوره ۴۲		
			۷۰. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ.			
			۷۱. وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ.			
			۷۲. أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رِبْكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.			
			(۷۳. وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.)			
			۷۴. وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ.			
			۷۵. وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ.			
			۸۱. بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ.			
			۸۲. قَالُوا أَإِنذًا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنذًا لَمَبْعُوثُونَ.			
			۸۳. لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.			
			۱۰۶. قَالُوا رَبَّنَا عَلَّمْتَنَا شِفَوْنَنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ.			
			۱۱۵. أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.			
			فصلت (۴۱)	ادامه	۰۹۱	دوره ۴۳
					(۳. كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.)	
					۴. (تَشْبِيرًا وَتَذِيرًا) فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ.	
۵. وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْثِدٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا بِمَا نَمُولُونَ.						
۷. الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ.						
۱۵. فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِعَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ آوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ.						
۱۷. وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.						
۲۶. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ.						
۴۴. وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَبَيِّنَاتٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ.						
۵۱. وَإِذَا أُنعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَيَّبَ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ.						
۵۴. أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ.						

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و شماره آيات	نام و شماره سوره	شماره	
		سوره	آیه
شماره و متن آیات	زخرف (۴۳)	ادامه آیات کفرورزی	۴۴
			۰۹۲/۱
			۵. أَفَتَضْرَبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ
			۶. وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ.
			۷. وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.
			۱۵. وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ.
			۱۶. أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ.
			۱۷. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُّسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ.
			۱۸. أَوْ مَن يُنثَىٰ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُّبِينٍ.
			۲۰. وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.
۲۱. أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُّسْتَسْكِبُونَ.			
۲۲. بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ.			
۲۳. وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ.			
۲۴. قَالَ أَوْلَوْجُنَّتُمْ بِأَهْدِي مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ.			
۲۵. فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ.			
شماره و متن آیات	زخرف (۴۳)	ادامه آیات کفرورزی	۴۵
			۰۹۲/۲
			۳۰. وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ.
			۳۱. وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَيَّ رَجُلٌ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ.
			۳۶. وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ
			۳۷. وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهُتَدُونَ.
			۴۰. أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.
			۴۷. فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَأْيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ.
			۵۰. فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ.
			۵۱. وَتَادِي فِرْعَوْنَ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ.
۵۲. أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ.			
۵۳. فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُّقْتَرِنِينَ.			
۵۴. فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.			
۵۸. وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ.			
۶۵. فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمٍ.			

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۳۷. فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ.</p> <p>۶۶. وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا.</p> <p>۶۷. أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا.</p> <p>۷۳. وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدْبًا.</p> <p>۷۴. وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرَبًّا.</p>	مریم (۱۹)	۴۶	۹۸
<p>۶. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ.</p> <p>۷. وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا وَكُلِّي مُسْتَكْبِرًا كَانُوا لَمْ يَسْمَعُوهَا كَأَن فِي أُذُنِهِمْ وَقْرًا فَنَسَوْنَهَا عَن ذَاتِ أَلْسِنِهِمْ.</p> <p>۱۱. هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.</p>	لقمان (۳۱)	۴۷	۱۰۰
<p>۸. (أُولَٰئِكَ يَتفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى) وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ.</p> <p>۹. (أُولَٰئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ).</p> <p>۱۰. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُوا السُّوْءِ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ.</p>	روم (۳۰)	۴۸	۱۰۱
<p>۳. وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.</p> <p>۴. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا.</p> <p>۵. وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.</p> <p>۷. وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا.</p> <p>۸. أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْكُمُ الْكِتَابُ أَوْ تَكُونَ لَكُمُ الْجِبَّةُ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا.</p> <p>۹. انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا.</p> <p>۲۱. وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَايِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا.</p>	فرقان (۲۵)	۴۹	۱۰۲/۱

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		قرآن مجید	تفسیر
<p>۳۱. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا .</p> <p>۳۲. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا .</p> <p>۴۱. وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا .</p>	فرقان (۲۵)	۱۰۲/۲	۵۰
<p>۴. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِن تُطْفَئِهِ فَإِنَّا هُوَ حَاصِمٌ مُّبِينٌ .</p> <p>۲۲. إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنْكَرَةٌ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ .</p> <p>۲۴. وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ .</p> <p>۵۳. وَمَا بِكُمْ مِّن نُّعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ تُمْ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فَأَلَيْهِ تَجَازُونَ .</p> <p>۵۴. تُمْ إِذَا كَشَفَ الضَّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِهِمْ يُشْرِكُونَ .</p> <p>۵۵. لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمْتَعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ .</p> <p>۵۶. وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ .</p> <p>۵۷. وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ .</p> <p>۵۸. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ .</p> <p>۵۹. يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ .</p> <p>۶۳. تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ .</p>	نحل (۱۶)	۱۰۷	۵۱
<p>۲۰. وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَّذِينَ ظَنَّبْتُمْ أَنَّكُمْ فِيهَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ .</p> <p>۲۶. وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِيْمَا إِن مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ .</p>	احقاف (۴۶)	۱۷۸	۵۲
<p>(۱۰۰). وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرَضًا .</p> <p>۱۰۱. الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا .</p> <p>۱۰۴. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا .</p> <p>۱۰۵. أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا .</p>	كهف (۱۸)	۱۰۸	۵۳

ادامه جدول ١- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
٦. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. ٧. حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.	بقره (٢)	١٠٩-١١٠	٥٤
٣١. وَلَيَقُولَنَّ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ٤١. وَلَقَدْ صَرَفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا. ٤٥. وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا. ٤٦. وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتُمْ فِي الْقُرْآنِ وَحُدِّثُوا عَلَيْكُمْ أُدْبَارِهِمْ نُفُورًا. ٤٧. نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا. ٤٨. أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا. ٤٩. وَقَالُوا أَيُّدَا كُنَّا عِظَامًا وَرِفَاقًا أَيُّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا. ٧٣. وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوتِيتَ وَإِنَّكَ لَآتِيكَ لِنَفْسٍ أُخْرَى وَإِذَا لَمْ تَحْذَرِ الْخَلِيلًا. ٧٤. وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا. ٧٥. إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ (تُمْ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا).	مدثر (٧٤) اسراء (١٧)	١١١ ١١٢	٥٥ ٥٦
٤. مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ. ٥. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ. ٥٦. إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. ٥٨. وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَالَا مُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ . ٥٩. (إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا) وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ. ٦٠. (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.	مؤمن (٤٠)	١١٣	٥٧
٣٢. فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ. ٥٩. بَلَى قَدْ جَاءَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ. (٦٠. وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ).	زمر (٣٩)	١١٥	٥٨

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و شماره آيات	نام و شماره سوره	شماره	
		سوره	آیه
شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	سوره	آیه
<p>۶. تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قِيَامِي حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ .</p> <p>۷. وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ .</p> <p>۸. يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنْزِلِي عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ .</p> <p>۹. وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوعًا وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ .</p> <p>۱۴. قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ .</p> <p>۱۸. (ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَيَّ شَرِيحَةً مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا) وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ .</p> <p>۱۹. إِنَّهُمْ لَنُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ .</p> <p>۲۳. أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنَ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ .</p> <p>۲۴. وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ .</p> <p>۲۵. وَإِذَا تُنْزِلِي عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّنُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ .</p> <p>۳۱. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُنْزِلِي عَلَيْكُمْ فَأَسْتَكْبِرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ .</p> <p>۳۲. وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قَالَتْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَّرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُحْسِنِينَ .</p> <p>۳۵. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَعَرَّتْكُمْ الحَيَاةَ الدُّنْيَا فَأَلْيُوا لَهَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ .</p>	جائیه (۴۵)	۱۱۶	۵۹
<p>۸۲. وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا .</p> <p>۸۳. وَإِذَا أُنعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَيَّ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا .</p> <p>۸۴. قُلْ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدِي شَاكِلِيهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَن هُوَ أَهْدِي سَبِيلًا .</p> <p>۸۹. وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا .</p> <p>۹۰. وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَنْجِرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَبُوعًا .</p> <p>۹۱. أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَعِنَبٌ فَتُنَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تُفَجِّرَ .</p> <p>۹۲. أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا مِثْقَالَ حَبَّةٍ أَوْ تُنَادِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا .</p> <p>۹۳. أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْفِي فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرَبِّكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا .</p> <p>۹۴. وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا .</p> <p>۹۸. ذَلِكَ جَزَاءُ هُمُ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَنَذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خُلُقًا جَدِيدًا .</p>	اسراء (۱۷)	۱۲۱	۶۰

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و شماره آيات	نام و شماره سوره	شماره	
		آية	سورة
<p>۸۸. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَمُخْرِجَتِكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرِيْبَتِنَا أَوْ لَتَعُوْدَنَّ فِيْ مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْا كُنَّا كَارِهِيْنَ.</p> <p>۹۰. وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ.</p> <p>۹۴. وَمَا أَرْسَلْنَا فِيْ قَرِيْبَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ.</p> <p>۹۵. ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُسْمِعُونَ.</p> <p>۹۶. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.</p> <p>۱۰۰. أَوْلَمْ يَهْدِ لِلَّذِيْنَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَأْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَي قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ.</p> <p>۱۰۱. تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَي قُلُوبِ الْكَافِرِيْنَ.</p> <p>۱۲۷. وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ قَالَ سَتَقْبَلُ أَتْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ.</p> <p>۱۳۲. وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنُشْرِكَ بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ.</p> <p>(۱۳۳). فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُفْصَلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ.)</p> <p>۱۳۴. وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيْلَ.</p> <p>۱۳۵. فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْعُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ.</p> <p>۱۴۶. سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ إِلَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيْلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيْلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيْلَ الْعِىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيْلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِيْنَ.</p> <p>۱۴۷. وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.</p> <p>۱۷۷. سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ.</p> <p>(۱۷۸). مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.)</p> <p>۱۷۹. وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِطْمَامِ بَلْ هُمْ أَصْلٌ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.</p>	اعراف (۷)	۶۱	۱۲۲/۲

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره	تال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	
			آیه	تال
داده ۶۱	۱۲۲/۲	اعراف (۷)	۱۸۲. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُّهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ. ۱۸۳. وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ. ۱۸۶. مَنْ يَضِللِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ. (۲۰۶). إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ.	ادامه دهیم بعثت
۶۲	۱۲۴	حج (۲۲)	۴۲. وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَتَمُودُ. ۴۳. وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ. ۴۴. وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُمُ الْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ. ۴۵. فَكَايُنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِبَةٌ عَلَيَّ غُرُوبِهَا وَيَبْرُ مَعْطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ. ۴۶. أَقَلَمُ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ. (۵۲). وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. ۵۳. لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ.	ادامه دهیم بعثت
۶۳	۱۲۵	انعام (۶)	۴. وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ. ۵. فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (۶). أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ. ۷. وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ. ۸. وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ. ۹. وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ. ۱۰. وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِنا مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. ۲۵. وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءَ أَوْلَاكُ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ. (۲۶). وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ.	ادامه دهیم بعثت

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۲۹. وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ.</p> <p>۳۳. قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ.</p> <p>(۳۴) وَقَدْ كَذَبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَيَّ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءكَ مِن نَّبِيِّ المرسلين.)</p> <p>(۳۵) وَإِن كَانَ كِبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَيَّ الْهُدَىٰ فَلَا تُكُونُ مِنِ الْجَاهِلِينَ.)</p> <p>۴۳. فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.</p> <p>(۴۶) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَي قُلُوبِكُمْ مَن إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِقُونَ.)</p> <p>(۵۰) قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ.)</p> <p>(۵۸) قُلْ لَوْ أَن عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفَضِي الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ.)</p> <p>۷۰. وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بَدَأَن يُسَبِّلُ نَفْسُ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلُّ عَدَلٍ لَا يُؤَخِّدُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّن حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ.</p> <p>۱۰۹. وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ.</p> <p>۱۱۰. وَتَقَلَّبُ أَفئِدَتُهُمْ وَابْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدَرَهُمْ فِي طَعْنَانِهِمْ يَعْصَمُونَ.</p> <p>(۱۱۱) وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لَيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ.)</p> <p>۱۱۲. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ (فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ.)</p> <p>۱۱۳. وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ.</p> <p>۱۱۶. وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.</p>	انعام(۶)	داده دهیم توبه	داده ۱۲۵ ۶۳
<p>۱. آیات ۳۳ تا ۳۵ و بقیه تا ۶۹ جزء گروه ب سوره انعام می باشد که برطبق جدول ۱۵ سیر تحول قرآن در سال ۶ هجرت نازل شده است ولی به مناسبت تشابه موضوع و محتوا در اینجا آوردم.</p>			

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیة	سورة
<p>۲۳. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكُونُونَ مِنَ الَّذِينَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. ۳۷. فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّحْمَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ. ۳۸. وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنِ أَعْمَالِهِمْ فَصَدَّاهُمْ عَنْ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ. ۳۹. وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَاقِينَ. (۴۰). فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. ۴۱. مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.</p>	عنكبوت (۲۹)	۱۲۶/۱	۶۴
<p>۴۹. بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ. ۵۰. وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ. (۵۱). أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. ۵۳. وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ أَنَّ أَجَلَ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ. ۶۷. (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ) أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ. ۶۸. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ.</p>	عنكبوت (۲۹)	۱۲۶/۲	۶۵
<p>۲۹. وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. ۳۱. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ. ۳۲. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِّلَّذِينَ اسْتُضِعُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ. ۳۳. وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْصَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. ۳۴. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ.</p>	سباء (۳۴)	۱۲۷	۶۶

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیه	سوره
<p>۳۵. وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ.</p> <p>(۴۰). وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ.</p> <p>۴۱. قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ.</p> <p>۴۳. إِذَا تَثَلَىٰ عَلَيْهِمْ أَيَاتُنَا يَتَّبِعْتَهُمْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.</p> <p>۴۴. وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ.</p> <p>۴۵. وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.</p>	سباء (۳۴)	دوره ۱۲۷	دوره ۶۶
<p>۷۴. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْعُ عَلَيَّ قُلُوبَ الْمُعْتَدِينَ.</p> <p>۷۵. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ.</p> <p>۷۶. فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ.</p> <p>۷۸. قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَنَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءَ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ.</p> <p>۸۳. فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَيَّ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتَهُهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ.</p> <p>۹۶. إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ.</p> <p>۹۷. وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.</p> <p>۹۸. فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَنَتْ فَتَنْفَعَهَا إِيَّاهَا إِلَّا قَوْمٌ يَؤُسُ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ.</p> <p>۹۹. وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ.</p> <p>۱۰۰. وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَيَّ الَّذِينَ لَا يَعْمَلُونَ.</p> <p>۱۰۱. قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ.</p>	يونس (۱۰)	دوره ۱۲۸	دوره ۶۷
<p>۱. آیات ۱ تا ۷ سوره یونس نیز جدال با کفرورزان بوده و بسیاری از آنها مشابهت موضوعی با آیات این سال دارد ولی در جداول ۱۵ سیر تحول قرآن به حساب سال ۴ هـ منظور شده است که می تواند بازگشت به بحث های دوران مکه باشد.</p>			

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره		
		قرآن مجید	شماره	
<p>۴. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَهُ مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.</p> <p>۱۵. وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ أَبِي لَهَبٍ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ (فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ).</p> <p>(۱۷). قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ.</p> <p>۱۹. فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطِيشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأُفْسَى إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ.</p> <p>۲۰. وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِيَّيْكَ مِنَ النَّاصِحِينَ.</p>	قصص (۲۸)	۶۸	۱۳۰/۸	ادامه یازدهم بعثت
<p>۳۲. اسئلك بذك في جببك تخرج بيضاء من غير سوء واضمم إليك جناحك من الرهب فذانك برهاتان من ربك إني فرعون وملئهم كاثوا قومًا فاسقين.</p> <p>۳۶. فلما جاءهم موسى بآياتنا بينات قالوا ما هذا إلا سحر مُمْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَى.</p> <p>۳۸. وقال فرعون يا أيها الملأ ما علمت لكم من إله غيري فأوقد لي يا هامان على الطين فاجعل لي صرحًا لعلني أطلع إلى إله موسى وإني لأظنه من الكاذبين.</p> <p>۳۹. واستكبر هو وجنوده في الأرض بغير الحق وظنوا أنهم إيتنا لا يرجعون.</p> <p>(۴۰). فأخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم فانظروا كيف كان عاقبة الظالمين.</p> <p>۴۱. وجعلناهم أئمة يدعون إلى النار ويوم القيامة لا ينجسرون.</p> <p>۴۲. وأتبعناهم في هذه الدنيا لعنة ويوم القيامة هم من الممبوجين.</p> <p>۴۸. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لو لا أوتى مثل ما أوتى موسى أولم يكفروا بما أوتى موسى من قبل قالوا سحران تطاهرا وقالوا إنا بكل كافرين.</p> <p>۵۰. فإن لم يستجيبوا لك فاعلم أنما يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هواه بغير هدى من الله إن الله لا يهدي القوم الظالمين.</p> <p>۵۹. وما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولًا يثلو عليهم آياتنا وما كنا مهلكي القرى إلا وأهلها ظالمون.</p>	قصص (۲۸)	۶۹	۱۳۰/۲	توزیع و بعثت
<p>۲۶. وقال فرعون ذروني أقتل موسى وليدع ربه إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يطهر في الأرض الفساد.</p> <p>۲۷. وقال موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب.</p>	مؤمن (۴۰)	۷۰	۱۳۲	

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره	تال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	
			آیه	تال نزول
داده ۷۰	۱۳۲	مؤمن (۴۰)	۲۸. وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ.	
			۲۹. يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ.	
			(۳۰). وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ.	
			۳۶. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُلْبِغُ الْأَسْتَبَابَ.	
			۳۷. أَسْتَبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ.	
			۴۸. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ.	
			۸۳. فَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ	
			۸۴. فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدِيثَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ.	
۷۱	۱۳۳	نجم (۵۳)	۲۳. إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ	
			۲۷. إِنْ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونُ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ.	
			۲۸. وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا.	
			۲۹. فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.	
			۳۰. ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ.	
۷۲	۱۳۴	ص (۳۸)	۲۷. وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ.	
۷۳	۱۳۵	كهف (۱۸)	۳۳. كَلِمَاتُ الْجَنَّتَيْنِ آتَتْهُ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلَمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا.	
			۳۴. وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا.	
			۳۵. وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا.	
			۳۶. وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا.	
			۳۷. قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا.	
			۳۸. لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَإِنَّا شُرَكَاءُ بِرَبِّي أَحَدًا.	
			۳۹. وَلَوْ لَأُذِ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا.	

ادامه جدول ۱- آیات کفرورزی (دوران مکه)

شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		آیة	سورة
<p>(۳۱). أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ نَبَعْتَ اللَّهُ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.)</p> <p>۳۲. وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلْمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ.</p>	لقمان (۳۱)	۱۳۶	۷۴
<p>(۳۲). اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ.)</p> <p>(۳۳). وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ.)</p> <p>۳۴. وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ.</p>	ابراهيم (۱۴)	۱۳۷	۷۵
<p>۱۶. وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ.</p> <p>۱۸. يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.</p> <p>۳۱. وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.</p> <p>(۳۲). وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ.)</p> <p>(۳۳). إِنَّ يَسَاءَ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِي طَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.)</p> <p>(۳۴). أَوْ يُوقِعُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ.)</p> <p>۳۵. وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ.</p> <p>۴۸. فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ.</p>	شوری (۴۲)	۱۳۸	۷۶

آیات کفرورزی در سال اول بعثت (۵ ردیف، ۹ آیه، ۳۰ کلمه)

در نخستین سال رسالت ۱۵ گروه آیات نازل شده بر رسول اکرم بر طبق جدول ۱۴ سیر تحول قرآن ترتیب و ترکیب خاصی، بر حسب موضوعات مربوطه، داشته‌اند که به شرح زیر قابل خلاصه کردن است:

۰۰۱- علق (۹۶)، ابلاغ رسالت و انسان‌بینی

۰۰۲- مدثر (۷۴)، ابلاغ رسالت

۰۰۳- عصر (۱۰۳)، انسان‌بینی و انذار

۰۰۴- ذاریات (۵۱)، انذار (آخرت)

۰۰۵- تکوین (۱۰۲)، انسان‌بینی

۰۰۶- طور (۵۲)، انذار

۰۰۷- اخلاص (۱۱۲)، ابلاغ رسالت (توحید)

۰۰۸- غاشیه (۸۸)، انذار

۰۰۹- طارق (۸۶)، انذار

۰۱۰- انفطار (۸۲)، انذار

۰۱۱- شمس (۹۱)، انسان‌بینی

۰۱۲- کوثر (۱۰۸)، ابلاغ رسالت

۰۱۳- اعلیٰ (۸۷)، ابلاغ رسالت

۰۱۴- بروج (۸۵)، انذار

۰۱۵- تکوین (۸۱)، انذار و توصیف رسالت

در مجموع، ابلاغ رسالت در ۶ گروه، انسان‌بینی در ۴ گروه، انذار آخرت در ۷ گروه.

بدیهی است که در اولین سال بعثت قبل از هرچیز می‌بایستی ابلاغ رسالت و معرفی خدا و عبادت او به رسول اکرم به عمل آید و اولین وظیفه‌اش به‌طوری که سوره‌ها و آیات فراوان حکایت می‌کند بیم‌دادن مردم یا انذار آخرت باشد. ولی از آنجا که می‌دانیم دعوت پیغمبر به سوی خدا و تبلیغ و تعلیم دین یا روش رسالت او، بر مبنای اکراه و اجبار و حتی اعلام خشک احکام نبوده است، و با توجه به واقعیات بشری و مردم‌شناسی می‌بایستی صورت بگیرد، می‌بینیم که در نخستین گروه وحی دستور قرائت به نام خدا، با اشاره به خلقت انسان داده می‌شود:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ.»^۱

و در مجموع در چهار گروه از پانزده گروه، به آیات انسان‌بینی برمی‌خوریم که اساس آن معرفه النفس یا روان‌شناسی است. هم درباره‌ی پدیده‌ی کفر کفرورزان و منکرین نبوت، و هم درباره‌ی اجابت‌کنندگان یا مؤمنین و تربیت شوندگان. در بخش اول درس، سروکار آیات منظور شده در جدول، با طینت و خصائل طبقه اول خواهد بود. یعنی کفرورزان که شامل کافرهای، مشرکین، و منافقین می‌شود. اکنون آیات کفرورزی در سال اول بعثت را که در پنج ردیف (۱ تا ۵)، در جدول ردیف (۱) تعیین شده است، مورد بررسی و تفسیر موضوعی قرار می‌دهیم:

(۱) سال اول بعثت، سوره عصر (۱۰۳)، شماره نزول ۰۰۳، آیات ۱ و ۲

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
قسم به عصر و زمانه. به درستی که انسان هر آینه در زیانکاری است.	۱. وَالْعَصْرِ. ۲. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلِيمٌ خُسْرٍ.	عصر (۱۰۳)	۰۰۳

در سوره عصر (۱۰۳) یک اعلام قطعی درباره انسان و حرکت او به سوی زیان به عمل می‌آید. از ضرر و خسروانی صحبت می‌شود که چهره خارجی آن، در منطق ادیان، همان کفر و عذاب است. برای اطلاع قبلی و آمادگی پیغمبر و برای آگاهی مردمی که برای اولین بار ندای قرآن را می‌شنوند و آشنا کردن آنان به احوال و فرجام

۱. علق (۹۶) / ۱ و ۲: بخوان به نام صاحب اختیارت که آفرید؛
انسان را از چنین ابتدائی آفرید.

خودشان، پیش‌بینی یا پیش‌گویی می‌شود که انسان‌ها به‌طور طبیعی و عادی یا وقتی که به‌حال خود واگذاشته می‌شوند، از زندگی و اعمالشان نتیجه نامطلوب و زیانبخش می‌برند. به بیان دیگر کفر و گناه و پیامد آن، که هلاک دنیا و عذاب آخرت است، یک امر عادی و عمومی است. همان‌طور که در علم فیزیک و در مورد پدیده‌های طبیعی گفته می‌شود که کلیه‌ی حرکات و تحولات سیستم‌های مادی، به‌حکم اصل کهولت یا آنتروپی، در جهت فرسودگی و خرابی و تنزل کارآئی (یا افزایش آنتروپی) صورت می‌گیرد. مگر آنکه از خارج یک تزریق انرژی یا نیروی تازه‌ای به سیستم به‌عمل آید. در موجودات زنده یا سیستم‌های حیاتی، مرگ پایان سیر صعودی آنتروپی یا کهولت به‌شمار می‌رود.

پشتوانه‌ی این پیش‌بینی یا اعلام کلی، قَسَم یا سوگندی است که به عصر و زمانه یا پایان روز و به زمان خورده می‌شود. پیشرفت زمان و زبان روزگار، یا علم و تجربه هر کس، بهترین شاهد حقیقت فوق می‌باشد^۱

روش و سیستمی که در زندگی از روی جهالت یا شقاوت اتخاذ شده باشد و شخص را بالمآل به‌آنجا بکشاند که به‌ضرر و بیچارگی او تمام شود، به‌فرض هم که عمومیت نداشته و سرنوشت اکثریت انسان‌ها باشد، بیدارباشی بوده‌است که وحی خدا در آغاز دعوت در زبان پیامبر گذارده و ضروری بوده‌است. اصلاح استثنائی، به‌طوری که در کتاب «سیر تحول قرآن» ارائه شده‌است، چهارسال بعد در سومین آیه این سوره می‌آید تا تشویق و دستورالعملی برای اقلیت گروندگان و تکمیلی در بیان قرآن باشد:

«وَالْعَصْرِ.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ.»^۲

۱. بعضی از مفسرین قدیم، عصر را به‌معنای نماز عصر یا عصر و زمانه‌ی شخص پیغمبر گرفته‌اند، ولی مفسرین و مترجمین جدید (از جمله مرحوم طالقانی و قرآن تفسیر و ترجمه شده‌ی رهنما) مفهوم زمانه و روزگار را ترجیح داده‌اند. سوگند خوردن و شاهد و تأیید آوردن، منطقی نیست که به‌خود شخص و گفته‌ها و کردارهای او برگردد.

۲. عصر (۱۰۳) / ۱ تا ۳: سوگند به زمانه،

که انسان‌ها در [حال] زیانند،

مگر مؤمنان نیکوکار که یکدیگر را به رعایت حق و شکیبائی توصیه کردند.

نفس انسان به خودی خود و در عالم بشری تمایل به راحت طلبی و راهنمایی که به زیان و زوال او تمام می شود دارد، مگر آنکه هدف اعلی و مبارکی چون خدا اتخاذ نموده به فعالیت های شایسته و پسندیده پردازد و در اجتماع زندگی کند که همه یکدیگر را به جای بدی و باطل، سفارش به حق و به پایداری و مقاومت در برابر خطرات و مشکلات، بنمایند.

قسمت مثبت و اصلاح استثنایی وقتی اعلام شده است که معاصرین پیغمبر و مشمولین دعوت عملاً تا حدودی استعداد و آمادگی درک آن را پیدا کرده بودند.

۲) سال اول بعثت، سوره تکاثر (۱۰۲)، شماره نزول ۰۰۵، آیات (۱ و ۲)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات
۲	تکاثر (۱۰۲)	۱. اَلْهٰکُمُ التَّکٰثُرُ. ۲. حَتّٰی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ.	شما را افزون طلبی و تفاخر در دارایی ها و توانایی ها، واله و شیفته کرده است. تا آنجا که به گورستان ها (برای شمارش گذشتگان) می روید (یا تا وقتی که زندگی تان به پایان می رسد).

طرف خطاب این آیات که حالت ندا و هشدار دارد مشرکین مکه اند. خصوصاً اشراف و پول دارانی که نیازهای اولیه شان تأمین گشته، در عالم رقابت با یکدیگر، و ارضاء صفت حرص که از ویژگی های انسان است، شب و روز و هم و غمشان صرف زیاد کردن مال و منال و مقام، و به رخ دیگران کشیدن برتری های خودشان بوده است. با هم در تجمع و در تکثیر و توسعه ثروت و قدرت و شوکت مسابقه گذارده اند و هدفشان و خدایشان «تکاثر» یا افزون طلبی شده است و همین ها بوده اند که صف اول منکرین و معاندین خدا و فرستاده او را تشکیل می دادند.

تکاثر نمونه ای از عصیان آدمی و محصول بی نیازی و استغنا است و مانعی برای اتخاذ و عنایت به هدف های دیگر، از جمله خدا، محسوب می شود.

به طوری که می دانیم انسان برخلاف حیوانات که پس از رسیدن به طعمه و آب و نیازهای غریزی خود، تا گرسنه و تشنه شدن مجدد به استراحت پرداخته، حرکت و خواسته ای ابراز نمی دارند، هیچ گاه حالت سیری و رضا پیدا نمی کند، بلکه در اثر

خصیصه اختیار و فزون‌خواهی و نوجوانی، نیازهای تازه‌ای احساس می‌نماید و هدف‌های دیگری برای خود می‌سازد. جمع‌آوری مال و منال و تفوق‌طلبی و تکاثر از آن جمله است. تا آنجا که خود ثروت و مقدار دارائی، صرف‌نظر از احتیاج و استفاده‌ای که از آن می‌شود، هدف و مطلوب مردمان ممسک و متمول می‌گردد.

آیه دوم «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» را به دو وجه تفسیر کرده‌اند. یکی عادت یا رسم اعراب جاهلیت (مانند دو قبیله «بنو عبد» و «بنو سهم» قریش) که برای تفاخر به یکدیگر و اثبات آماری شرافت بیشتر، به قبرستان‌ها رفته، بزرگان زیرخاک رفته را برمی‌شمردند، دیگر آنکه تلاش و افزون‌خواهی آنها در کالاهای دنیا تا پایان عمر و لب‌گور رفتنشان ادامه داشته‌است.

این خاصیت طبیعی و امتیاز یا اسارت انسانی که در پنجمین گروه وحی قرآن به عنوان عامل کفرورزی انسان اشاره شده است اختصاص به اعراب جاهلیت و مشرکین مکه نداشته، به طوری که می‌دانیم و می‌بینیم، با پیشرفت تمدن هر دم قدرت و وسعت بیشتری یافته است. جمع‌آوری ثروت و ملک که در دوران‌های باستانی زراعت پیشگی و مالکیت زمین ظهور و بروز پیدا کرده، همراه با اختلافات و استخدام و استثمار بوده است و در دوران‌های تجارت و صنعت، در سرمایه‌داری و ثروت‌های قارونی تجلی یافته است و سگه و بانک و شرکت‌ها کار تولید و تجمع و تکاثر را از حساب ده و صد و هزار برابر به میلیون و به میلیارد‌ها رسانده‌اند. اختراع ماشین و پیدایش تکنولوژی‌های غول‌آسا و مدیریت‌های جدید اقتصادی و سیاسی غرب و شرق اروپا و آمریکا، ملت‌های پیشرفته را به مسابقه‌های وحشتناک برای «توسعه»^۱ و «رشد»^۲ کشانده است. توسعه و تفوق در تولید ثروت و سرمایه، قدرت و تسلیحات، سرعت و تسخیر فضا، وسعت و نفوذها، علم و اکتشافات، فن و اختراعات، هنر و زیبایی‌ها، ورزش و بازی‌ها، و حتی مرده‌ها و موزه‌ها، یا تفاخر تاریخی و ... و گاهی در ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها.

این مسابقه‌ی جنون‌آمیز در توسعه یا تکاثر برای تفوق و تسلط و تفاخر که امروزه در رأس برنامه‌های ابرقدرت‌ها و دولت‌های مترقی دنیا قرار گرفته و دولت‌های در حال توسعه و عقب‌مانده را حسرت‌زده و دنباله‌رو ساخته است، به گفته‌ی روزه

۱. توسعه: Development.

۲. رشد: Croissance (Growth).

گارودی^۱ مؤلف کتاب «هشدار به زنده‌ها»^۲ بزرگ‌ترین عامل بدبختی بشریت قرن بیستم و تهدیدکننده‌ی بقا و حیات انسان به‌روی کره زمین می‌باشد!

با این تفاوت که مشرکین بی‌معرفت و نیمه وحشی مکه اگر در چشم و هم‌چشمی مال و اولاد از هم عقب می‌افتادند حسرتی بود و رفتن حیثیتی، ولی در دنیای متمدن مترقی، شکست در توسعه و تکاثر، زوال قدرت و دولت است. بنابراین چنان سرگرم و سرسپرده به آن هستند که فرصت برای به‌خود و به‌خدا آمدن و اندیشیدن یا خلاصی و تعالی را پیدا نمی‌کنند.

۳) سال اول بعثت، سوره شمس (۹۱)، شماره نزول ۰۱۱، آیات (۷ تا ۱۰)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
(قسم به نفس و ساختمان انسان و آن کس (یا آنچه) که آن را درست و راست کرد (یا قسم به نفس انسانی و کمال و نظام آن). سپس بدکاری‌های او و همچنین پاکی و پرواداری‌های او را الهام نمود. (به‌یقین هر کس نفس خود را تزکیه و پاک نمود رستگار شد). و به‌یقین هر کس که خود را آلوده و تباه ساخت، محروم و بی‌بهره گردید.	(۷. وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا). ^۱ ۸. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. (۹. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا). ۱۰. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا.	شمس (۹۱)	۰۰۱۱

۱. آیاتی از سوره که مربوط به کفرورزی نیست لیکن برای کمک به بحث و بررسی در این جدول و یا جداول دیگر درج شده است، تمام آیه و یا بخشی از آن همراه با ترجمه، توسط مؤلف فقید در داخل پرانتز قرار گرفته است (ب.ف.ب).

در یازدهمین گروه تنزیل و پیش از آنکه به انسان‌بینی و روان‌شناسی کفر پرداخته شود، رسماً از نفس و روان یا ضمیر انسان و از تنظیم و تربیت آن صحبت شده صریحاً اعلام می‌شود که خود خدا یا طبیعت و خلقت است که به آدم‌ها بدی‌ها و خوبی‌ها را می‌آموزد، یا در درونشان جای می‌دهد! از این کلام، هم ممکن است جبر و بی‌دخالتی بشر در چگونگی و سرنوشت خود و بی‌اثری و بی‌کارگی او، استنباط شود، و هم اختیار و مسئولیت و فعالیت. ولی دو آیه‌ی بعد که حالت زنده و پویا و مثبت دارند، خود شخص را مؤثر و مسئول می‌شناساند. خدا یا ساختار انسان‌ها، ما را در دوراهی امکان و اختیار قرار داده می‌گوید، اگر خودمان را پاکیزه

۱. روزه گارودی : Roger Garrody
۲. «هشدار به زنده‌ها» : Appel aux vivants

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۶۹ و پالوده کردیم (یا راه تقوا پیش گرفتیم)، در آنچه دلخواهمان است (یعنی سعادت جاویدان) توفیق خواهیم یافت و اگر نفس یا وجودمان را آلوده به ناپاکی‌ها (مثل کفر و معصیت خدا) کردیم سرنوشتمان زیان‌کاری و هلاکت خواهد بود. تعبیر «خاب» در مقایسه با «خُسْر» و «خَسِرَ» یک قدم جلوتر بوده، محرومیت و بهره نبردن از سرمایه‌های خدادادی را می‌رساند.

این چهار آیه در واقع پیش‌درآمدی است برای شناخت ایمان‌گرایی و کفرورزی انسان‌ها.

۴) سال اول بعثت، سوره بروج (۸۵)، شماره نزول ۰۱۴، آیه ۱۹

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
		بُورِج (۸۵)	۴
	۱۹. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.	۰۱۴	۴

به‌دنبال سوگندی که قرآن به آسمان صاحب برج‌ها و روز موعود خورده، به‌وجود مدارک و آثار گویای وعده‌های آخرت اشاره کرده، داستان از اصحاب اخذود و سوزندگان مؤمنین آورده، وعده جهنم و بهشت داده و سراغ از لشکریان فرعون و نمرود می‌گیرد، آیه ۱۹ به‌عنوان تعلیل و توصیف کفرورزان ستمگر و عصیانگر می‌آید:

«بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.»^۱

برای اولین بار به کلمه «تکذیب» به‌معنای دروغ پنداشتن آیات و پیام خدا و دروغگو دانستن پیغمبران، به‌عنوان روش و روحیه کافران، برمی‌خوریم. ادعا و اتهامی که سال‌های سال و تا بعد از هجرت از زبان مشرکین و منکرین و مدعیان تکرار خواهد شد.

تکذیب پیغمبر و قرآن، در واقع ابتدایی‌ترین و راحت‌ترین عکس‌العملی است که از ناحیه معاصرین رسول‌اکرم در برابر دعوت به‌سوی خدا ابراز می‌شده است.

۱. بروج (۸۵) / ۱۹: بلکه انکارورزان کارشان [همواره] تکذیب است.

۷۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

بدین وسیله هم بی تفاوتی و بی‌اعتنایی نسبت به داعیه و دعوت جدید نشان می‌دادند و هم ادعای عقل و استدلال و اثبات به اصطلاح روشنفکری و برتری برای خود می‌کردند.

امروزه نیز اولین حربه و وسیله‌ی عافیت‌طلبان و افراد خودپسند، که می‌خواهند در برابر رویدادها، و اندیشه‌ها و ارزش‌های تازه، موضع و مسئولیتی اتخاذ نکرده، و ضمناً اقرار به بی‌خبری و کناره‌گیری خود از تعهد و تفکر و تلاش نمایند، جدی نگرفتن قضایا، و بی‌پایه و دروغ دانستن نظریات و اظهارات را برای خود سپر و سنگر می‌سازند.

تکذیب مشرکین در برخورد با فرستاده‌ی خدا به طوری که قبلاً در آیه ۹ سوره انفطار (۸۲) (به شماره نزول ۰۱۰) آمده، «كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالَّذِينَ^۱» بوده است. برای آنها و برای هر انسان، مشکل‌ترین و غیرقابل قبول‌ترین مسئله، خبر از قیامت و زنده شدن بعد از مرگ است.

۵) سال اول بعثت، سوره تکویر (۸۱)، شماره نزول ۰۱۵، آیات (۸ و ۹)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	ن: ۳ ج: ۳
و آن زمان که (رفتار با) دختر زنده به گور شده مورد پرسش قرار گیرد. که (به دلیل) کدام گناه کشته شده است؟	۸. وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ: ۹. يَا أَيُّ ذُنُبٍ قُتِلَتْ.	تکویر (۸۱)	۵ ۱۵

در سوره‌ها و گروه‌های آیات نازل شده تا این زمان، اعلام قیامت و انداز و اشاره‌های مقدماتی به عذاب و ثواب آخرت متدرجاً به عمل آمده، صحبت از نفس انسان و استعداد او برای تقوا و شقاوت شده بود. اینک پیش از آنکه قرآن به سراغ نافرمانی‌های اوامر خدا و ستمگری‌های اشخاص به مردم و به خودشان برود، پای یک عادت و رسم ناهنجار اعراب را به میان می‌آورد که از نظر عاطفی و انسانی نیز محکوم است: زنده به گور کردن دختران مظلوم و معصوم که هیچ گناهی جز دختر به دنیا آمدن نداشته‌اند:

۱. انفطار (۸۲) / ۹: چنین نیست [که به کرم خدا مغرور شده باشید]، بلکه روز جزا را دروغ می‌شمردید.

«وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ.

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.»^۱

با آنکه این عمل ناشی از فطرت و جهالت مشرکین متعصب است، مع‌ذالک در روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد. از هم اکنون و قبل از آنکه احکام اسلام ابلاغ شده باشد از آیه چنین برمی‌آید که حیات و نفس انسان‌ها- ولو دختر نوزاد- محترم بوده، کشتن و قتل صرفاً در برابر جرم و ظلم می‌تواند مجاز باشد و اشخاص در برابر اعمالی که از طبیعت بشری و تربیت قومی آنان سر بزند نیز مسئول شمرده می‌شوند.

* * *

در آیه «وَمَا صَاحِبِكُمْ بِمَجْنُونٍ»^۲ به انکار و به‌دفاع قبلی قرآن در برابر تهمت جنون یا دیوانگی برمی‌خورد که دعوت‌شوندگان رسالت به فرستاده خدا نسبت می‌دادند (یا خواهند داد). تکذیب، اولین عکس‌العمل یا پاسخ مشرکین به دعوت پیغمبر بزرگوار بود و نسبت مجنون‌دادن دومین عکس‌العمل و پاسخی است که در این سال اول بعثت عنوان می‌شود و هر دوی آنها در جهت سر باززدن از تکلیف و تفکر و طردکردن طرف بوده، و از خواسته‌های درونی آنها سرچشمه می‌گیرد. با گفتن اینکه رستاخیز و دنیای بازخواست بعد از مرگ، خبر نادرست دروغ است و آورنده‌ی این خبر عقل و ادراک سالم ندارد، خیالشان را راحت کرده راه معمول و مألوف خود را در پیش می‌گرفتند.

۱. تکویر (۸۱) / ۸ و ۹: و آنگاه که از دختر بچه‌ی زنده بگور شده می‌پرسند؛

به کدام گناه کشته شده است.

۲. تکویر (۸۱) / ۲۲: [علی‌رغم ادعای مغرضان،] معاشر شما دیوانه نیست.

آیات کفرورزی در سال دوم بعثت (۶ ردیف از ۶ تا ۱۱، شامل ۴۹ آیه، ۱۸۱ کلمه)

آیات توصیف کافر‌ها و مشرکین مکه در سال دوم بعثت و تقلیل کفرورزی آنها را که نگاه می‌کنیم، حَقاً باید این سال را «سال تکذیب و مال‌پرستی» بنامیم. در غالب سوره‌هایی که در ردیف‌های (۶ تا ۱۱) آمده است صحبت از تکذیب بی‌دریغ و بی‌دلیل دعوت‌شدگان به ایمان، به آخرت و به‌خدای لاشریک است. و این تکذیب و انکار بیشتر از ناحیه‌ی توان‌گرانی است که مال‌دوستی، آنان را به خست و لثامت کشانده، گردآوری ثروت و قدرت، همان‌طور که در سوره تکاثر (۱۰۲) آمده برایشان سرگرمی و معیود گشته است. خود را بی‌نیاز و راحت دیده، نسبت به آینده نه ترسی دارند و نه علاقه‌ای. طبعاً از روبه‌رو شدن با کسی که صحبت از آینده و آخرت، و از خدا و خلقت می‌نماید اکراه دارند و رو برمی‌گردانند. اگر جسته‌گریخته در بعضی سوره‌های این سال اشاره به اظهارنظرها یا انتظاراتی از ناحیه‌ی بعضی از مشرکین می‌شود، آغاز و استثناهایی از رشد و پیشروی است. اینک به بررسی و تفسیر موضوعی تک تک سوره‌ها و آیاتِ محتوی آنها، در زمینه‌ی کفرورزی - که در سال دوم بعثت، در شش ردیف (از ۶ تا ۱۱) جدول (۱) تعیین شده است - می‌پردازیم.

۶) سال دوم بعثت، سوره لیل (۹۲)، شماره نزول ۰۲۱، آیات (۸ تا ۱۱ و ۱۴ تا ۱۶) سوره‌ی لیل (۹۲) با سوگند خوردن به شب و روز، و آفریده‌های نر و ماده، مردم و مساعی آنان را به دو دسته و دو نتیجه تقسیم می‌کند: آنان که بخشش‌کننده و اهل تقوا بوده خوبی‌ها و پسندیده‌ها را قبول دارند، و آنهایی که بخل می‌ورزند و خود را

بی‌نیاز و آزاد از هر قید و تعهد دانسته، خوبی‌ها و ارزش‌ها را پوچ می‌پندارند. برای اولی‌ها خداوند وسایل تسهیل و توفیق فراهم می‌آورد و کار دوّمی‌ها را به مشکل و سختی انداخته از مال و حالشان در روز هلاکت بهره‌ای نخواهند گرفت. دسته‌ی اول آماده‌شده‌ها و استقبال‌کنندگان از ایمان هستند که در فصل «ل» از انسان‌بینی قرآن به بررسی‌شان خواهیم پرداخت. دسته دوم که مشمول آیات ۸ تا ۱۱ و سپس ۱۵ و ۱۶ می‌باشند مستعدا و زمینه‌داران برای تکذیب و روگردانان و پشت‌کنان به فرستاده‌ی خدا بوده، سرسخت و بدبخت هستند. فعلاً به مسئله، اشاره‌ای به عمل آمده است و باید منتظر تفصیل و توضیح بیشتر در سال‌های نزدیک و آینده باشیم.

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			سوره	آیات
۶	لیل (۹۲)	۸. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى. ۹. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى. ۱۰. فَسَنِيَرَهُ لِلْغُسْرَى. ۱۱. وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى. ۱۴. فَأَنْذَرْتُمْ كُمْ نَارًا تَلْطَى. ۱۵. لَّا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى. ۱۶. الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى.	و اما کسی که بخل ورزیده و خود را بی‌نیاز شمارد. و خوب را (بیهوده و بی‌بایه دانسته) تکذیب کند. پس ما (با دستگاه خلقت و روال کلی طبیعت و اجتماع) کار او را به زودی و به سهولت مشکل سازیم. و آن زمان که گرفتار و هلاک شد، مال و داراییش او را بی‌نیاز و چاره‌سازی نخواهد کرد. پس شما را به آتشی که زیانه می‌کشد هشدار می‌دهیم. گرفتار آن آتش نمی‌شود مگر بدبخت‌ترین اشخاص. کسی (یا کسانی) که تکذیب کردند و پشت نمودند.	

می‌دانیم که در میان اشراف مکه و بزرگان عرب سفره‌داری و مهمان‌نوازی امثال حاتم طائی و حتی ابوسفیان زبانزد و وسیله‌ی شهرت و قدرت و یکی از مظاهر تکاثر بوده‌است. اقلیم عربستان و شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان و مکان نیز چنین اقتضا می‌کرده است. اطعام و احسان می‌کردند و سفره می‌انداختند ولی مستمندان و بی‌پدران را که سودی برایشان نداشت و دل و دینشان آنان را به این کار و انمی‌داشت کمتر راه می‌دادند، درحالی‌که عنایت قرآن بیشتر حمایت و احسان به این افراد بی‌کس و بی‌سامان است.

۷) سال دوم بعثت، سوره ماعون (۱۰۷)، شماره نزول ۰۲۲، آیات (۱ تا ۳)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره		نام و شماره سوره
		۱۰	۱۱	
چه دیدی (یا چه می‌گویی) در باره‌ی آن کس که تکذیب روز جزا کرد؟ این همان کسی (و خصلت و روحیه‌ای) است که یتیم را از نزد خود می‌راند. و تمایلی به غذا دادن و همسفرگی با مسکین نشان نمی‌دهد.	۱. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ. ۲. فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ. ۳. وَلَا يُحِضُّ عَلَيَّ طَعَامَ الْمِسْكِينِ.	۰۲۲	۷	ماعون (۱۰۷)

در این سوره ترادف یا هم‌آهنگی تکذیب روز جزا با بی‌تفاوتی و بی‌رحمی نسبت به یتیم و مسکین را صریحاً بیان می‌شود. دل‌بستگی و وابستگی به مال و مالکیت، شخص را از عاطفه داشتن و توجه به‌سایرین و درماندگان خالی کرده‌است. تا آنجا که جلوی عاریه‌دادن اثاث جزئی خانه را به همسایگان می‌گیرد! چنین اشخاص، اگر نماز هم بخوانند یا به‌یاد خدا باشند، به‌صورت سرسری و فراموشی است یا برای ارائه و بستن زبان مردم.
در این چند آیه کوتاه ارتباط نزدیک کفر و ایمان با اقتصاد و اخلاق یا با فرهنگ اجتماعی و عواطف انسانی دیده می‌شود.

۸) سال دوم بعثت، سوره مرسلات (۷۷)، شماره نزول ۰۲۵، آیات (۱۵ یا ۱۹ یا ... ۴۷، آیات ترجیع‌بند وَئِلٌ لِّلْمُكْذِبِينَ) و (۴۸)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره		نام و شماره سوره
		۱۰	۱۱	
وای (و امان) در آن روز برای تکذیب‌کنندگان. و چون به آنها گفته شد ترجم کنید و فروتنی در برابر خدا داشته باشید، فروتنی نمی‌نمایند.	۱۵...و۴۷. وَئِلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ. ۴۸. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ.	۰۲۵	۸	مرسلات (۷۷)

۱. ماعون را، هم زکات و صدقه معنی کرده‌اند و هم اثاث‌البیت و اشیاء کم‌ارزشی که همسایگان از یکدیگر عاریه می‌گیرند (تفسیر کبیر، ابوالفتح رازی و کشف‌الاسرار).

در سوره مرسلات (۷۷)، با استناد به آثار طبیعت، خبرِ قطعیِ مجددِ وقوع یافتن و واقعی بودن قیامت داده می‌شود، و عذاب‌های روزی که دو دسته مردمان نیک‌بخت و بدبخت از هم جدا می‌گردند، یادآوری می‌شود و در ترجیع‌بندِ انذارکننده‌ی «وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» که ده بار تکرار می‌شود هشدار یا اعلام خطرِ تکذیب‌کنندگان به‌حد اعلی می‌رسد.

در برابر یک اعلام خطر و مصلحت‌اندیشی، از طریق دعوت به استماع و توجه و تعقل، تکذیب‌کردن و پشت کردن مانع بزرگی به‌شمار می‌رود. برای شکستن سدّ، کوبنده‌ترین وسیله و رساترین ندا چیزی جز انذار و ضربه‌های تکان‌دهنده‌ی تکراری که بر راحت‌طلبی و خودخواهی مردمی که هدفی جز برای خود و سرمایه‌ای جز رفاه و راحتی، ندارند، نمی‌تواند باشد. هر قدر که واقعه به‌نظر آنها ناخواستنی و نشدنی بیاید، مع‌ذالك شدت و کیفیت پیام ممکن است بر افسردگی‌ها و لجاج‌ها چیره گردد.

۹) سال دوم بعثت، سوره نباء (۷۸)، شماره نزول ۲۶، آیات (۳ و ۲۷ و ۲۸)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	آیه
(از چه می‌پرسند؟) (از خبر بزرگ!) خبری که در آن اختلاف (و اشکال) دارند. چنین نخواهد بود، بلکه به‌زودی آگاه خواهند شد. باز هم نه چنین است به‌زودی خواهند دانست. همانا که آنها امیدواری (و علاقه و انتظار) به حساب (و) رسیدگی به اعمال) نداشتند. و آیات ما را (از روی لجاج یا شدیداً) تکذیب می‌کردند.	۱. عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . ۲. عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ . ۳. الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ . ۴. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ . ۵. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ . ۲۷. إِنَّهُمْ كَانُوا لَآ يَرْجُونَ حِسَابًا . ۲۸. وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا .	نباء (۷۸)	۹ ۲۶

سوره نباء (۷۸) که با این آیات آغاز می‌شود:

«عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ .

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.^۱

نشان می‌دهد که در جریان این سال بحث و درگیری شدید شده‌است. شاید ضربات تند و تیز سوره‌ی مرسلات (۷۷) و انذارهای گذشته بی‌اثر نبوده، به‌دنبال تکذیب مشرکین، باب ترس و توجه یا تعجب، در درون آنها باز شده‌است.

در سوره نباء (۷۸) که شماره نزول آن بلافاصله بعد از مرسلات (۷۷) است و در قرآن‌ها نیز پشت سرهم قرار دارند، برای اولین بار صحبت از پرسش، و از بحث و اختلاف در میان مردم می‌شود. پرسش از خبر بزرگ! سر تکذیب و اعراض، لا اقل در نزد بعضی‌ها، شکسته شده، صفوف مخالف متزلزل گشته و گوش‌های کنجکاو پیدا شده‌اند. این خود موفقیت درخشان در برنامه رسالت است که با نقشه و وحی خدا پیش می‌رود^۲ و به پیغمبر (یا به مردم) مژده داده و تکرار می‌شود که دوران اعجاب و اختلاف چندان دراز نخواهد بود. به‌زودی خواهند دانست (یا آگاهشان خواهیم کرد):

«كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.»

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.»

ممکن است وعده‌ی آگاهی نزدیک برای روز رستاخیز و آخرت نیز باشد، که از نظر خدا نزدیک است.

آیات بعدی ۲۷ و ۲۸ که در جدول (۳) آمده، توجیه و تعلیل برای رفتار مشرکین می‌باشد. آیات مجمل سوره ماعون (۱۰۷) بازتر شده، گفته می‌شود که کفرورزان نه آنکه اعتقاد به «يَوْمَ الدِّينِ» یا «روز جزا» ندارند، بلکه امیدواری و انتظار حساب و کتاب کارهای خود را در سر نمی‌پروراند. بنابراین آیات ما را به شدت تکذیب می‌کنند. این کلام، هم تعلیل روش اتخاذی کفار است و هم دل‌داری به رسول اکرم داده می‌شود که بداند تکذیب و تهمت‌های مشرکین، بالاتر از شخص او بوده، متوجه خدا و آیات خدا است.

۱. نباء (۷۸) / ۱ تا ۳: در مورد چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟

از خبر بزرگ [رستاخیز]

که در آن اختلاف نظر دارند.

۲. ضمناً ردیف‌بندی گروه‌های آیات فوق و مندرجات آنها می‌تواند تأییدی بر فرضیه و محاسبات آماری کتاب «سیر تحول قرآن» باشد. اگر مثلاً سوره مرسلات (۷۷) در جدول ۱۵ کتاب «سیر تحول قرآن» بعد از سوره نباء (۷۸) آمده بود محتوای آیات بی‌تناسب می‌شد.

در مورد «نَبَأِ عَظِيمٍ» یا خبر بزرگ که اساس و اسم این سوره است و با آنکه سؤال انگیز شده است، خود آیات درباره‌ی توضیح آن نمی‌دهند که چیست، جا دارد بررسی بیشتری بنماییم. اگرچه ترجمه و تفسیر آن ارتباط مستقیم با موضوع ما، که مطالعه کفرورزی است، ندارد مع ذلک می‌تواند مفید و آموزنده باشد.

غالب مفسرین «نَبَأِ عَظِيمٍ» را که مورد تکذیب و پرسش بوده است، رستاخیز و آخرت دانسته‌اند. آیات بعدی سوره نیز تماماً پیرامون اثبات و آثار همین واقعه است. مرحوم طالقانی نیز در «پرتوی از قرآن» همین نظر را اتخاذ نموده است، زیرا که ادعای زنده شدن مرده‌ها برای مردم آن زمان و هم‌اکنون، یک اطلاع یا خبر باورنکردنی و بسیار مهم جلوه می‌کند. طالقانی اضافه می‌کند که خالقیّت خدا و وحدانیت او نمی‌توانسته است برای مشرکین مکه خبر نشنیده بزرگ و ندانسته باشد. چون اعتقاد و پرستش خدا در اذهان و آداب معاصرین و در میان اهل کتاب ناآشنا نبوده است. ولی بعضی از مفسرین یا مترجمین «نَبَأِ عَظِيمٍ» را خبر رسالت پیغمبر و خود دعوت و قرآن دانسته‌اند و برخی از مفسرین شیعه، همان‌طور که در دعای افتتاح شب‌های ماه رمضان آمده است، «نَبَأِ عَظِيمٍ» را در وجود امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و بشارتی بر ولایت او گرفتند.^۱ مگر آنکه بگوییم وجود علی بن ابیطالب، با دانش و اخلاق و با گفتار و کردار و آثار و فضائلش، دلالت دائم بر وجود خدا و وقوع آینده رستاخیز دارد.

اگر قرار باشد این سؤال را از خود قرآن بنماییم که موصوف به تفسیر «بَعْضُهَا بَعْضاً» می‌باشد جواب آن را سه سال بعد در سوره «ص» (۳۸) می‌یابیم. موضوع و محتوای عمده‌ی سوره «ص» (۳۸) که با آیات:

«ص وَالْقُرْآنَ ذِی الذِّکْرِ.

بَلِ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ»^۲

۱. در دعای افتتاح چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَیْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَوَصِّی رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، عَبْدِکَ وَوَلِیکَ وَأَخِی رَسُولِکَ وَحُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ، وَآیَتِکَ الْکُبْرَی وَالنَّبَأِ الْعَظِیمِ.»

(خداوندا درود فرست بر علی، سالار مؤمنان و جانشین رسول پروردگار جهانیان، بنده و ولی و برادر رسولت و حجت تو بر آفریدگانت و نشانه‌ی بزرگت و آن خبر عظیم.)

۲. ص (۳۸) / ۱ و ۲: صاد، سوگند به قرآن پندآموز [که محمد پیامبر راستین خداست]؛

ولی انکارورزان گرفتار تعصب و ستیزند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۷۹
آغاز می‌شود نیز بحث و جدال‌های با مشرکین مکه در پذیرش قرآن و رسالت پیغمبر
در زمینه‌های آخرت و توحید است. پس از آنکه ۵۱ یادآوری آموزنده در رسالت
پیغمبران گذشته می‌آورد، به ذکر بهشت و جهنم و جدال و درگیری «اهل النار»
می‌پردازد و از پیغمبر می‌خواهد بگوید که من اندازکننده یا بیم‌دهنده‌ی عذاب آخرت
هستم، و این هشدار می‌دهم که می‌دهم خبر بزرگی است ولی شما از آن اعراض دارید:

«قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ»

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ»^۱

و چون در آخر سوره انداز می‌دهد که:

«لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ»

و سپس می‌فرماید:

«وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»

به نظر می‌آید «بَعْدَ حِينٍ» همان بعد از مرگ و بعد از رستاخیز باشد.

۱۰ سال دوم بعثت، سوره مدثر (۷۴)، شماره نزول ۰۲۷،

آیات: ۱۱ تا ۱۶، ۱۸، ۲۱ تا ۲۵، ۴۳ تا ۴۷، ۴۹ تا ۵۳

سوره مدثر (۷۴)، به طوری که می‌دانیم (جدول‌های ۱۴ و ۱۵ سیر تحول قرآن) در
چهار گروه «الف»، «ب»، «ج» و «د» به شماره نزول‌های: ۲، ۲۰، ۲۷ و ۱۱۱ در
سال‌های: اول، دوم، دوم و هشتم بعثت نازل شده است و آیات مذکور در جدول از
گروه‌های «ب» و «ج» می‌باشد.

در آیات گروه «ب» تابلوی زیبایی از برخورد خصمانه ولی کارشناسانه‌ی یک
مشرک سخندان قریش با پیام تازه، ترسیم شده است که ما را شاهد اولین ارزیابی
جدی قرآن می‌نماید. هم توصیفی از تلاش و هیجان‌های درونی شخص تکذیب‌کننده
را می‌بینیم و هم تعلیلی از کفرورزی مخالفین اولیه. ممکن است این آیات و
اظهارنظرها به دنبال و در زمینه گفتوگوهای جنجال‌آفرین «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» بوده باشد
که در ردیف ماقبل آمده بود و خود نشانه‌ای از موفقیت رسول اکرم و برنامه رسالت
به شمار می‌رود. زیرا که در ظرف یک سال گوش‌گیرنده و زبان‌گوینده‌ای در میان
مغروران پرنخوت و مشغول‌شدگان شیفته‌ی ثروت پیدا شده است که پا از صدف

۱. ص (۳۸) / ۶۷ و ۶۸: بگو: این [برپائی رستاخیز] خبری است بزرگ.

که شما از آن اعراض می‌کنید.

بی‌اعتنایی و روی‌گردانی بیرون‌گذاشته‌اند و کلام محمد (ص) را، اگرچه به قصد براندازی و تکذیب، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. نتیجه‌ی ارزیابی مدعی صاحب‌نظر نسبت دادن سحر و جادوگری به قرآن و به رسول اکرم شد و این نسبت

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			۱۰	۲۷
۱۰	مدثر (۷۴)	<p>۱۱. ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا .</p> <p>۱۲. وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا .</p> <p>۱۳. وَبَيْنَ شُهُودًا .</p> <p>۱۴. وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا .</p> <p>۱۵. ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ .</p> <p>۱۶. كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا .</p> <p>۱۸. إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ .</p> <p>۲۱. ثُمَّ نَظَرَ .</p> <p>۲۲. ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ .</p> <p>۲۳. ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ .</p> <p>۲۴. فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَهٌ سِحْرٌ يُؤْتَرُ .</p> <p>۲۵. إِنَّ هَذَا إِلَهٌ قَوْلُ الْبَشَرِ .</p> <p>۴۳. قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِينَ .</p> <p>۴۴. وَأَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمَسْكِينِ .</p> <p>۴۵. وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ .</p> <p>۴۶. وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ .</p> <p>۴۷. حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ .</p> <p>۴۹. فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ .</p> <p>۵۰. كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ .</p> <p>۵۱. فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ .</p> <p>۵۲. بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتِيَ صَحْفًا مُّسْنَرَةً .</p> <p>۵۳. كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ .</p>	<p>(مرا با آن کس که به تنهایی آفریدم، تنها و آزاد بگذار و کاری نداشته باش.)</p> <p>و برای او مال و منال گسترده فراوان قرار دادم (یا فراهم کردم). و (همچنین) پسران حاضر (به خدمت و کار) دارم.</p> <p>و برای او آمادگی‌ها و امکانات سازمان یافته‌ای فراهم کردیم. و پس از آن (یا با وجود آن) طمع و توقع دارد که (مال و امکاناتش) را زیاده‌تر بکنیم.</p> <p>نه چنین است (که تصور کرده است یا کرده‌ای) بلکه دشمن آیات و نشانه‌های ما است.</p> <p>به درستی که (پس از شنیدن آیات) به فکر و اندیشه رفت و ارزیابی نمود.</p> <p>مجدداً نظر انداخت (و چگونگی و توان آیات را به دقت سنجید). پس از آن رو در هم کشید و خشمگین شد.</p> <p>بالاخره پشت کرده و تکبر ورزید (خود را برتر و بی‌نیاز دانست). و به این نتیجه رسیده گفت این (آیات و کلمات) جز جادوگری کارا و مؤثر نمی‌تواند باشد.</p> <p>همانا که گفتار آدمی است (نه الهی).</p> <p>(جهنمی‌ها به بهشتیان می‌گویند) ما از نماز گزاران نبودیم. و از مهمان‌کنندگان و خوراک‌دهندگان به درماندگان نبودیم. (بلکه) همراه با فروروندگان (یا غرق‌شدگان در عیش و نوش) و سرگرم به بازی بودیم.</p> <p>و چنین بود که تکذیب روز جزای می‌کردیم. تا آنکه روز مرگمان در رسید.</p> <p>آنها را چه می‌شود که از تذکر و پند رو برمی‌گردانند؟ گویی که همچون دراز گوشان رم کرده‌ای هستند.</p> <p>که از شیر می‌گریزند.</p> <p>بلکه هر یک از آنان توقع دارد آیات نوشته و صفحات سرگشاده به او داده شود.</p> <p>نه چنین است بلکه ترس از آخرت ندارند.</p>	

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۸۱

تهمت یا توجیه، تا مدت‌ها در زبان‌ها و ذهن‌های مشرکین و منکرین جریان خواهد داشت. همان‌طور که درباره‌ی پیغمبران گذشته چنین می‌گفتند یا چنین می‌پنداشتند.

آیات ۱۱ تا ۲۵ سوره مدثر (۷۴) را سیره‌نویسان و بسیاری از مفسرین، وصف حال ولیدبن مغیره مخرومی یکی از بزرگان بنام قریش دانسته‌اند.

برای رساندن بار دشوار رسالت به سرمنزل مقصود و به‌وجه مطلوب، لازم بوده است که خداوند حکیم، فرستاده‌ی خود را به‌ذات و ضمیر کسانی که مأمور دعوتشان شده است، آگاه و آشنا بنماید و ریشه‌های مخالفت و امتناع آنان را به‌او بنمایاند.

علاوه بر شخص پیغمبر، همه‌ی دعوت‌شوندگان چه حاضر و معاصر و چه آیندگان مؤمن و مخالف، هر چه بیشتر اطلاع و اشعار به چگونگی و علل درونی خودشان در برابر پیام خدا پیداکنند تا اگر مایه‌هایی برای پذیرش حق دارند بیدار و کارساز گردد. ضمناً چنین توصیف و تعلیل‌ها برای هر کس وسیله‌ی ازدیاد علم و ایمان می‌باشد.

در ارزیابی قرآن از دید برجستگان شرک که در آیات ۱۸ تا ۲۵ آمده است توجه اصلی روی فصاحت یا رسائی و گیرائی قرآن رفته است. این رسائی و گیرائی کلام نقش بسیار مهمی به‌لحاظ کفرزدایی داشته است که در بخش دوم باید صحبت کنیم.

پس از آیه ۱۱ (ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا). که جایش در بخش کفرزدایی است و به‌لحاظ اتصال مطالب در جدول آورده‌ایم، چهار آیه ۱۲ تا ۱۶ تأیید و توصیفی از اولین عنایت یا اشارت به مال‌داری و مال‌پرستی سوره تکوین (۱۰۲) (ردیف ۲ جدول) می‌باشد. نقش و تأثیر مال‌داری و مال‌پرستی در منصرف ساختن انسان از فکر و ذکر خدا و آخرت و میل به احسان به‌خلق، احتمالاً در ردیف‌های ۶ و ۷ این سال تعقیب شده بود. اینک با کمی تفصیل، از مال و املاک ولیدبن مغیره صحبت می‌شود و از فرزندان و خاندان حاضر به‌خدمت او که ظاهراً نمونه حد اعلای تمتع و تمکن در جامعه آن روز عرب بوده و طمع به‌افزایش و گسترش آنها داشته است. ضمن آنکه این نعمت و سخاوت خدا به‌جای توجه و تشکر، سبب عناد و دشمنی او با نام و نشان خدا گردیده است. نفس سرکش و خوی متکبر باعث یا ملازم یاغی‌گیری و بداندیشی شده است.

آیات بعدی ۴۳ تا ۴۷ توصیف کفرورزان این دنیا را از زبان حال آن دنیا و اقرارهای روز حسابشان ارمغان می‌آورد. اولین اقرار «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» است که می‌گویند ما علاقه‌ای به ارتباط و پیوند با خدا نداشتیم و احساس نمی‌کردیم، و

آخرین اقرار «نُكَذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ» است. طبعاً هرگونه حساب‌رسی و پاداش یا کیفر احوال و اعمال خود را، چون در ارتباط با آینده‌ی بسیار دور دارد و خارج از خواست و توان و رشدشان می‌باشد پیشاپیش ناشدنی و دروغ می‌پنداشتند. می‌گویند داعی نداشتیم خیر به کسی برسانیم، خصوصاً به ندارها و مسکین‌های بی‌ارزش و بی‌اثر آن زمان بلکه به هم‌رنگی جماعتِ مرفهین بی‌بندوبار در سرگرمی‌های لذت‌بخش غوطه می‌خوردند و غافل بودند.

در آیات ۴۹ تا ۵۳ تعلیل و توصیف تازه‌ای برای فرستاده‌ی مأمورِ دعوتِ مردم و مؤمنین آورده می‌شود که چرا مشرکین از شنیدن کلام او و تذکراهایی که به‌سودشان می‌دهد همچون چارپایان رم کرده از صدای شیر، فراری شده و اعراض می‌نمایند؟ علت و عامل کفرورزی آنان عدم رشد و ناپختگی و نرسیدگی است. تذکرات و خبرهای قرآن برای آنها باورکردنی نبوده تنها چیزهایی را می‌توانسته‌اند بپذیرند که مرئی و ملموس باشد. مثلاً صفحات و اوراقی مستقیماً از جانب خدا به فرد فردشان داده یا برابر چشمانشان گشوده شود... درهرحال جواب و توصیه اصلی این است که درکِ امکان و ترس از آخرت و آینده نداشته‌اند.

۱۱) سال دوم بعثت، سوره انشاق (۸۴)، شماره نزول ۰۳۱، آیات (۲۱ تا ۲۳)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			۱۱	۱۲
۱۱	انشاق (۸۴)	۲۰. فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. ۲۱. وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ. ۲۲. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ. ۲۳. وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ.	(پس آنها را چه می‌شود که ایمان نمی‌آورند.) و چون قرآن بر آنها خوانده شود حالت تواضع و تمکین پیدا نمی‌کنند. بلکه (حقیقت این است) که کفرورزان حالت و قصد تکذیب دارند. و خدا بهتر می‌داند که باطن و ظرفیت آنان چیست؟	

۱. مفسرین در اینجا سجده را به معنای اصطلاحی فقهی و عملی که در نماز انجام می‌شود نگرفته به ریشه لغوی کلمه توجه نموده‌اند که احساس حقارت خود و اقرار به عظمت خداوند است.

در تحلیل و تعلیل کفرورزی، سؤال اخیر سوره مدثر (۷۴) با تعبیر دیگری مجدداً

عنوان می‌شود:

«فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ؟^۱

این استفسار یا طرح سؤال، پس از آیات اعلام رستاخیز و خبر از بیرون شدن محتویات و خاطرات زمین، از آنچه در روزگاران دراز شاهد و حامل آن بوده است، می‌باشد. همچنین تعلیم و تذکر اینکه زندگی و سرنوشت انسان مشقت و زحمت برای حرکت به سوی خدا و خبر از دو دسته‌شدن آدمیان برحسب نامه‌های اعمالشان است. عده‌ای شادمان و عده‌ی دیگری که فکر دگرگونی را نکرده و کار به دردبخوری نکرده‌اند، غمزده و تباه شده‌اند. آنگاه پس از قسم خوردن به اینکه حرکت و حیات همگان صعودِ پلکانی است، سؤال فوق مطرح می‌شود. جوابش این است که کفرورزان چون بالبداهه یا با تصمیم قبلی و لجاج موضع تکذیب اتخاذ نموده، حاضر به تأمل و تفکر و حتی احتمال دادن چنان دگرگونی‌ها نیستند از نعمت ایمان بی‌بهره می‌شوند، در حالی که واقعیت بر خدا پوشیده نبوده می‌داند هر کس دارای چه امکانات و استعدادهاست. بنابراین نباید انتظار چیزی جز عذاب دردناک را داشته باشند. مگر آنکه ایمان آورده کارهای بجا انجام دهند، که در این صورت، بدون خواهش و منت دستمزد و پاداش خواهند داشت.

آیات کفرورزی در سال سوم بعثت (۱۴ ردیف از ۱۲ تا ۲۵، شامل ۴۵ آیه، ۰۰۰ کلمه)

آیات کفرورزی در سال سوم بعثت، در چهارده ردیف (۱۲ تا ۲۵) از جدول (۱) مشخص شده است که اکنون به تفکیک به بررسی و تفسیر موضوعی هر یک از آنها می‌پردازیم:

(۱۲) سال سوم بعثت، سوره علق (۹۶)، شماره نزول ۰۳۵، آیات (۶ تا ۱۷)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
نه چنین است، به درستی که انسان حتماً سرکشی و طغیان می‌کند. همین که خود را بی‌نیاز (از هر چیز و هر کار و مصون و مطمئن) ببیند.	۶. كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَٰغِي. ۷. أَن رَّأَاهُ اسْتَعْجَى.	علق (۹۶)	۰۳۵
به درستی که بازگشت (همه کس و همه چیز) به سوی پروردگارت می‌باشد.	۸. إِنَّ إِلَهِي رَبِّكَ الرَّجْعِي.		
آیا متوجه آن کس که باز می‌داشت و منع می‌کرد شدی.	۹. أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى.		
(منع از) بنده‌ای که نماز می‌گذاشت.	۱۰. عَبْدًا إِذَا صَلَّى.		
چه بینی (یا چه گویی و چه خواهد گفت) اگر (آن بنده) بر راه هدایت باشد؟	۱۱. أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى.		
یا (مردم را) امر (و دلالت) به پرواداری (خدا) نماید؟	۱۲. أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى.		
چه بینی اگر تکذیب کنند و رو بگردانند؟	۱۳. أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى.		
آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟	۱۴. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى.		
چنین نخواهد شد (بلکه) اگر دست بر ندارد او را با موی پیشانی (خواهیم کشاند).	۱۵. كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالتَّائِبِي.		
پیشانی شخص دروغ‌زن بدکار.	۱۶. نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ.		
پس (اگر راست می‌گویند و زورش می‌رسد) جمع همکاران یا اهل انجمن را (برای کمک) بخواند.	۱۷. فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ.		

در سوره علق (۹۶) همان سوره‌ی اولین آیات وحی (از ۵ تا ۸) است که دنباله آن (از ۶ تا ۱۹) دو سال بعد در اوج درگیری اشراف قریش با رسول اکرم (ص) و آغاز یا احساس شکست آنها، نازل شده است، هنوز صحبت از آدمی و خوی سرکش اوست که در برابر دعوت و انذار رسول پیشاپیش موضع تکذیب اتخاذ کرده است و اینک که از خاموش ساختن کلام و نفوذ او مأیوس شده‌اند تهمت یا توجیه جادوگری را پیش می‌کشند.

به علل سرسختی و موضع‌گیری‌های مغرورانه‌ی مشرکین در برابر دعوت رسول، اشاراتی در سال‌های اول و دوم بعثت شده بود و حالا برای آنکه پیغمبر بدانند چنین حالات و خصومت‌هایی که خواهد دید نه اختصاص به شخص او دارد و نه به قوم او، ضمن دو آیه کوتاه ۶ و ۷ یک اصل کلی و پردامنه‌ی انسان‌بینی گوشزد می‌شود: آدمی وقتی در زندگی احساس بی‌نیازی بنماید و خواسته‌های خود را فراهم ببیند راه گردن‌فرازی و سرکشی پیش می‌گیرد. پافشاری معاصرین پیغمبر در کفرورزی و بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی آنها، به مقدار زیادی از این رهگذر سرچشمه می‌گیرد و فرستاده‌ی برگزیده خدا نباید انتظار داشته باشد که مرفهین و زورمندان قریش به زودی و به راحتی ترس و توجهی به پیام خدا و انذارهای او نشان دهند، یا به عاقبت کار خود اندیشیده و به حق و حقایق تمایل ابراز دارند.

می‌دانیم که انسان حیوان نیست. حیوان با سیرشدن شکم و مصونیت لانه، بی‌نیازی برایش بی‌خیالی و تعطیل در تکاپو می‌آورد. از آنجا که آینده‌نگر نیز نیست اوضاع و شرایط مطلوب موجود را ماندگار پنداشته بدون نگرانی از عواقب و آینده، به تعدی و تجاوز یا طغیان می‌گراید. نه تنها نسبت به اطرافیان و آدمیان بلکه نسبت به هر قید و قانون یا عهد و اخلاق، و از آن بالاتر نسبت به طبیعت و خلقت، با همه‌ی قوانین و موازین آن. غرور بشر به جایی می‌رسد که حصول و حضور نعمت‌ها و امکانات و قدرت خود را قطعی و همیشگی و حق مسلم بدیهی خود دانسته، شکرگزار کسی و قدرشناس چیزی نمی‌شود.

به طوری که در کتاب «ترمودینامیک انسان»^۱ (یا «عشق و پرستش») تشریح شده است نیاز و احتیاج مبدأ و موجب همه تلاش‌ها و ترقی و تکامل است. البته نه صرفاً نیاز به بقا

۱. به نوشته مؤلف فقید در مقدمه کتاب: کتاب «عشق و پرستش» یا «ترمودینامیک انسان»، «ارمغان ماه‌های اول زندان فرمانداری نظامی (اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۳۴) در زندان قصر است». این کتاب بارها در قطع جیبی چاپ شده و اکنون در جلد اول مجموعه‌ی آثار، با نام «مباحث بنیادین» قرار دارد. چاپ دوم این مجموعه‌ی آثار در سال ۱۳۸۸ توسط شرکت انتشارات قلم منتشر شده است (ب.ف.ب.).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۸۷

و ضروریات اولیه حیوانی، بلکه در مورد آدمیزاد، احتیاج و عشق به ارزش‌های والا، اعم از عاطفی، هنری، اخلاقی و الهی سبب وسعت و عظمت و آثار فوق‌العاده می‌گردد. انسانی که مورد اشاره آیات فوق است از یک طرف نیازهای مادی زندگی در اثر شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم آن روز تأمین گردیده جز تکاثر و توسعه چیزی نمی‌طلبیده است و از طرف دیگر در اثر جهالت و عدم رشد و تربیت، نه تدارک و تأمین آینده برایش مطرح بوده است و نه تشخیص و طلب ارزش‌های اعلی. توجه به این واقعیت‌ها، هم برای پیغمبر لازم بوده است و هم برای همه‌ی مریدان انسان‌ها و مؤمنین به خدا؛ آیه ۸ اعلام خشکی است که در هر حال، چه مردم بفهمند و بخوانند و چه بی‌اعتنا به دعوت رسول بمانند، بازگشت همگی و همه‌ی جریان‌ها به سوی پروردگار است؛ پروردگاری که سرور و ارباب همگان و پدیدآورنده و پرورش‌دهنده و گرداننده است.

پس از دو تذکر کلی فوق، در آیات ۹ تا ۱۷ به صورت پرسش و پاسخ‌هایی از همان افراد بی‌بندوبار و سرکش شاهد مثال آورده می‌شود. کسی که سرگرمی و دلگرمی خود را جلوگیری از نمازگزاران و اتصال بنده‌ای با خدای خود قرار داده و فکر نمی‌کند که ممکن است بنده‌ی راز و نیازکننده نزد خدا و توصیه‌کننده‌ی تقوا، راه و رشد یافته باشد. تنها عکس‌العمل و نشانه شعورش تکذیب و تولی است. درحالی که نمی‌داند که خدا می‌بیند و می‌داند. آنچه لازم است بدانند این است که در صورت تداوم چنین پندار و گفتار و کردار و با همه ثروت و اقتداری که دارد، مثل گوسفندی که شاخ و موی آویخته به پیشانی‌اش را گرفته به آغل یا به کشتارگاه خواهند برد، به آنجا که نمی‌خواهد کشیده خواهد شد، ولو آنکه یاران انجمن و محفل همکارانش بتوانند مانع این مصیبت شوند، صورت و سیرت دروغگو و بدکار را داشته نمی‌تواند فرجام دیگری را توقع نماید.

۱۳) سال سوم بعثت، سوره قیامت (۷۵)، شماره نزول ۰۳۷، آیات (۲۰، ۲۱، ۳۱ تا ۳۳)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره نام و شماره سوره	
		سوره	شماره
نه چنین است بلکه شما (دنیای) نزدیک (و موجود) را دوست دارید. و آخرت (یا آینده و دنیای دیگر) را رها می‌کنید. پس (چنین بود) که نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد. ولکن تکذیب کرد و رو گردانید. آنگاه خرامان (و بی‌خیال) به سوی کسان خود رفت.	<p>۲۰. كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ.</p> <p>۲۱. وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ.</p> <p>۳۱. فَلَا صَدَقَ وَتَأْتِي صَلِّي.</p> <p>۳۲. وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى.</p> <p>۳۳. ثُمَّ دَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَمْتَطِي.</p>	قیامت (۷۵)	۱۳

در سوره قیامت که مقصد آن اعلام و انذار رستاخیز و احزاب است و محور کلام بر انسان بینی و نفسانیات انسان گذارده شده است چندبار برای تعلیل استنکاف مشرکین از قبول آخرت و قیامت اشاره و استناد به نفس و علاقه‌های طبیعی آدمی می‌شود:

«وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^۱

قسم به نفس سرزنش‌کار می‌خورد که خود نشانه‌ای از حساب‌رسی و محکومیت و مسئولیت‌پذیری اشخاص است. در سوره شمس (۹۱) (ردیف ۳) قسم به نفس بود و نظام یافتن آن، که شخص را در دو جهت تقوا و فجور سوق می‌دهد. حالا قسم به نفسی خورده می‌شود که در نزد صالح و طالح حساب‌رس و سرزنش‌گر است. پس از آن اراده و عادت انسان بازگو می‌شود که نزدیک‌نگر بوده پیش روی خود را می‌بیند و می‌خواهد موانع جلوی پا را بردارد:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ»^۲

بنابراین آینده دورادوری چون قیامت برایش نمی‌تواند قابل توجه باشد:

«يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳

در حالی که در این دنیا و در آن دنیا بصیرت کامل به نفس و کارهای خود دارد. سر مطلب و مشکل کار در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره قیامت (۷۵) است که در ردیف ۱۳ جدول گفته می‌شود: آنچه نمی‌گذارد شما مردم از هم اکنون به آینده و فرجام خویش بپردازید و راه و هدف خدا و آخرت در پیش گیرند، دلبستگی و وابستگی شما به انتظارات نزدیک و زودرس زندگی بوده کاری به آینده و آخرت ندارید. بنابراین تا رسیدن مرگ، فرصت و عنایتی به تصدیق دعوت و ارتباط گرفتن با خدا پیدا نکرده، به جای آن خبرهای آخرت و خدا را تکذیب کرده رو برمی‌گردانید و دلخوش بوده‌اید که با فرزندان و کسان خود سرگرم باشید.

نکته اساسی و تعلیل کلی که در دنیای امروز واقعیت و گستردگی بیشتری دارد و همان‌طور که در بند «ج» انسان‌بینی قرآن (دنیاپردازی) مورد بحث و بررسی قرار دادیم ایدئولوژی دنیاپرستی در برابر خداپرستی است. انسان متمدن قرن بیستم، چه کمونیست

۱. قیامت (۷۵) / ۲: و سوگند یاد می‌کنم به نفس ملامتگر [که رستاخیز به وقوع می‌پیوندد]؛

۲. قیامت (۷۵) / ۵: بلکه انسان علاقه دارد [باقیمانده عمر] فرا روی [خویش] را شکافته و باز کند، [تا به ناشایستگی گذراند].

۳. قیامت (۷۵) / ۶: می‌پرسد: روز رستاخیز چه زمانی فرا می‌رسد؟

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۸۹

و چه کاپیتالیست یا لیبرال و سوسیالیست، و حتی اومانیست‌ها و انسان‌گرایانی که انسان و انسانیت را سرلوحه اهداف و اعمال خود قرار می‌دهند، در یک مسئله یا مقصد مشترک‌اند؛ همگی صادقانه و آگاهانه یا فریب‌گراانه و ناآگاهانه در تلاش یا تحقق دنیای بهتر و زندگی مطلوب و ایده‌آل می‌باشند. افراد و مکاتبی، زندگی بهتر و سالم و خوش را بیشتر برای خود یا خانواده و ملتشان می‌خواهند و برخی دیگر ادعا یا عنایت به جمع و گروه بزرگ‌تر، تا سرحد نوع‌دوستی و انسانیت و جهان‌وطنی، دارند. دیگر کمونیست و کاپیتالیست یا شرق و غرب اروپا، اگر با هم اختلاف داشته باشند از جهت وسائل و روش است که آیا با برانداختن مالکیت و سرمایه و طبقات، بهتر می‌شود ستم‌ها و سختی‌ها را از کشور و از صحنه‌گیتی بیرون انداخت و توده‌های جامعه را راضی و راحت و رستگار کرد یا با دفاع از حقوق اشخاص و تکیه بر سرمایه و آزادی و کار. دیدگاه نهایی هیچ‌کدام از بهره‌مندی‌ها و حقوق و حدود زندگی و مشکلات پیچیده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً جنگ و صلح و به‌طور کلی مسائل، حیاتی ملی و بین‌المللی نشده‌اند. اگر از یک‌سو و یک‌جا دردی را دوا می‌کنند و مرهمی بر زخم‌های بشریت می‌گذارند، از جاهای دیگر درد و دادهای دلخراش‌تری سردر می‌آورد و همچنان، علی‌رغم اکتشافات و اختراعات و اقدامات عظیم، درگیر با معظلات و مصائب لاینحل هستند.

تفاوت و خط فاصل مابین ایدئولوژی‌ها و مکاتب اجتماعی و سیاسی امروزی که همه را به‌سوی خود جلب کرده است، با مذاهب توحیدی جاودانی قدیم، بر سر همین مسئله و محور است که آیا مقصد و معبود آدمی باید دنیا و زندگی مشهود فعلی باشد یا خدا و آخرت (که البته دربرگیرنده‌ی زندگی و سعادت این دنیا هم می‌باشد)؟ از نظر کفرورزی و در جمع‌بندی آنچه در سوره‌های تکاثر (۱۰۲)، ماعون (۱۰۷)، عم (۷۸) و مدثر (۷۴) دیدیم و قاطع‌ترین را در سوره اعلی (۸۷) (ردیف ۱۵) خواهیم دید عامل مهم تکذیب و تولای مشرکین و بی‌توجهی آنان به پیام پیغمبر و دین خدا، همین نزدیک‌دوستی انسان است. جوامع متمدن امروزی که بُعد زمانی پیش‌رفته‌تری نسبت به گذشتگان دارند و برنامه‌ریزی و آینده‌سازی در اصول مدیریت و سیاستشان رخنه‌ی گسترده کرده است، پیش‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌هایشان هنوز کوتاه‌مدت است و رستاخیز قیامت و آخرت‌ماورای این دنیا به کلی خارج از حساب و کتاب و کارشان می‌باشد. مضافاً به اینکه در عالم سیاست و ایدئولوژی‌ها و علوم، غیر از خودشان یا

۹۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
 انسان، کس دیگر و خدائی را در نظر نمی‌گیرند. آن روزی که چنین تحول و توجه
 پدیدار یا پذیرفته شود، انقلاب عظیم در همه چیز روی خواهد داد.

(۱۴) سال سوم بعثت، سوره واقعه (۵۶)، شماره نزول ۰۴۰، آیات (۴۵ تا ۴۷ و ۵۱ و ۵۲)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
به درستی که آنها قبل از این ثروتمند پر روزی بودند. و همچنین اصرار بر گناه بزرگ می‌ورزند. چنین بود که می‌گفتند آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم آیا دوباره برانگیخته خواهیم شد؟ پس از (جمع شدن در محشر) شما ای گمراهان تکذیب کننده. (حتماً از درخت آتشین زقوم خواهید خورد).	۴۵. إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَيَّ الْجَنَّةِ الْعَظِيمِ. ۴۶. وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِنذًا مِّنَّا وَكُنَّا ثُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ. ۴۷. ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ. ۵۱. لَأَكَلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زُقُومٍ. ۵۲.	واقعه (۵۶)	۱۴، ۴۰

در این آیات نیز باز صحبت از روحیه و رفتار کفار در رابطه با پندار و پذیرش
 آنان نسبت به پیام است و با تفصیل بیشتر و تقسیم‌بندی و توصیف، وقوع رستاخیز و
 جایگاه‌های آخرت، متن و محتوای سوره را تشکیل می‌دهد. همچنین، رابطه‌ی
 راحتی و گشایش این دنیای شرک ورزان با گمراهی و دروغ‌دانی دعوت، بازگو
 می‌شود.

انسان‌ها از همین دنیا به سه دسته‌ی «یاران راست»، «یاران چپ»، و «پیشی‌گیرندگان
 پیشتاز» تقسیم شده‌اند که این خود به گونه‌ای، امیدوار ساختن پیغمبر و دعوت شونده‌گان
 است که همه‌ی مردم کفرورز و کجروندگان بدرجام نبوده، هم یاران راستین و
 راست‌رونده پیدا می‌شود و هم مقربان خالص که پیش‌گیرنده و پیشتاز بوده، بهترین
 جایگاه را خواهند داشت.

«یاران چپ» یا منحرفین قبلاً در ناز و نعمت به سر می‌برده، اصرار بر ارتکاب یا
 اعلام گناه بزرگ را داشته‌اند که شریک‌سازی و شریک‌گیری برای خدا است.
 تعجب و توجیهی را هم که برای تکذیب قیامت پیدا کرده‌اند با صراحت حق
 به‌جانبه‌ای به‌زبان می‌آورند. استدلال و استنکافی دارند که تا این ردیف سابقه نداشته
 است و در سال‌های بعد باز به آن بر خواهیم خورد. ضمن آنکه در همه عصر و زمان‌ها
 و در زبان همه‌ی فراریان از دین و نواندیش‌ها، آن را باز خواهیم یافت:

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۹۱

«أَيْدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْنًا لَمَبْعُوثُونَ.» (واقعه (۵۶) / ۴۷)

(... آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا دوباره برانگیخته خواهیم شد؟)

نکته یا اندیشه و تعبیر دیگری که در این سال و ردیف عنوان شده است «أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكذِّبُونَ»^۱ است. مکذِّب و تکذیب را قبلاً داشتیم ولی نسبت گمراه‌بودن تا به حال به کفرورزان داده نشده، و چنین مجوز یا توصیف نیامده بود. از این پس کفرورزی و گمراهی (یا کفر و ضلالت) پایه‌ای هم قرار داده می‌شوند و در برابرشان ایمان مترادف یا منبعث از هدایت شناخته شده است. اتفاقاً با دو شماره نزول اختلاف، همین معنی و مقابله را در سوره‌ی حمد (۱) (یا فاتحة الكتاب) می‌بینیم که اساسی‌ترین و ابتدائی‌ترین و تکرار شونده‌ترین دعای هر مؤمن به خدا و پیرو پیغمبر است:

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.»

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.^۲

از این پس ایده یا اندیشه و برنامه ضلالت و هدایت رسماً وارد در مکتب و منطق مسلمانان جهان می‌گردد.

۱۵) سال سوم بعثت، سوره اعلی (۸۷)، شماره نزول ۰۴۲، آیات (۱۱، ۱۲، ۱۶ و ۱۷)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			۱	۲
۱۵	۰۴۲ اعلی (۸۷)	(۹. فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَى.) (۱۰. سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى.) (۱۱. وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى.) (۱۲. الَّذِي يَصْلِي النَّارَ الْكُبْرَى.) (۱۶. بَلْ تُؤَيِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.) (۱۷. وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى.)	(پس پند و تذکر بده که تذکر دادن سودمند است یا اگر تذکر دهی مفید واقع شود.) (دبری نخواهد شد که هر کس ترسند و احتیاط کار باشد پند خواهد گرفت.) (و هر کس تیره بخت تر است از آن (تذکر) می‌گریزد. (کسی که (ناچار) به آتش بزرگ در آید.) بلکه شما زندگی نزدیک دنیا را انتخاب می‌کنید (یا برمی‌گزینید و ترجیح می‌دهید). در حالی که آخرت (یا سرای دیگر) بهتر و ماندگارتر است.	

۱. واقعه (۵۶) / ۵۱.

۲. حمد (۱) / ۶ و ۷: ما را به راه راست هدایت کن.

راه کسانی که بر آنان نعمت دادی، که مورد خشم [تو] قرار نگرفته‌اند و گمراه هم نیستند.

در آیات کفرورزی این سوره که در جدول آمده است به دو خصلت یا خصوصیت تکذیب کنندگان و اعتراض کنندگان اشاره می‌شود: یکی، اجتناب آنها از پذیرفتن و شنیدن تذکرات و پندهای قرآن، به دلیل شقاوت و سنگدلی که در قبال خداوند دارند؛ و دیگر، مقدم دانستن یا ترجیح دادن زندگی دنیا به زندگی آخرت.

خصلت اول در مقایسه با ایمان‌گرایان آمده است (که در فصل «ل» بحث خواهیم کرد). با کسانی که از ابتدا مختصر نگرانی و حالت ترس و خشوع در برابر دستگاه عظیم خلقت و خالق احساس می‌نمایند، یادآوری‌ها و پندهای قرآن می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود. خصلت دوم تصریح و تکمیل مطلبی است که در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره قیامت (۷۵) (ردیف ۱۳ جدول) آمده و خود کفرورزان را مخاطب قرار داده بود. در آنجا صحبت از علاقه و عشق به نعمت‌ها و لذت‌های سهل‌الوصول و سریع‌الحصول زندگی دنیا و به حساب نیاوردن آینده دورتر و آخرت بود و حالا تحت فرمول «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»^۱ و اعلام «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۲، حق مطلب ادا می‌شود.

قابل تأمل است که در هیچ یک از دو مورد فوق، زندگی دنیا، با ثمرات و نعمت و لذت‌های آن، نفی و محکوم نشده است. آنچه نادرست است و موجب ملامت و هلاکت می‌شود اولاً بی‌توجهی و به حساب نیاوردن پی‌آمدهای آینده‌ی دراز مدت افکار و اعمال است که نهایت آن قیامت و آخرت می‌باشد و ثانیاً مقدم دانستن و ترجیح‌دادن زندگی کوتاه و پرنج و ملالت این دنیا و فداکردن زندگی و رویدادهای بعدی است که بهتر و خوشتر و پایان‌ناپذیرتر می‌باشد. به طوری که در فصل «ج» انسان‌بینی قرآن (بعد دنیاپردازی) در جلد چهارم «بازگشت به قرآن» نشان داده شده است، قرآن به هیچ‌وجه توجه و تلاش در زندگی و تمتع از زینت و نعمت‌های خدادای را، تا آنجا که در حد ضرورت و نیازهای طبیعی انسان و تحت نظارت حدود و حقوقی باشد که شرع و عرف تعیین کرده‌اند، نه تنها منع نمی‌نماید بلکه تشویق می‌کند. رهبانیت با ترک دنیا و ریاضت به هیچ‌وجه جزو اسلام نبوده، بدعت محسوب می‌شود. ولی همین قدر که خود دنیا و سرگرمی‌ها و بهره‌مندی‌های آن هدف شخص قرار گرفت و خواست از حدود طبیعی مربوط به خود پا فراتر

۱. اعلی (۸۷) / ۱۶.

۲. اعلی (۸۷) / ۱۷.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۹۳
 گذارد یا به‌حدود و حقوق سایرین تجاوز نموده خدا و آخرت را فراموش و فدای
 زندگی زودگذر و کم‌ارزش این دنیا نماید، شخص وارد در منطقه‌ی ممنوعه و دچار
 خسران و عذاب خواهد گشت.

۱۶) سال سوم بعثت، سوره عادیات(۱۰۰)، شماره نزول ۰۴۴، آیات (۶ تا ۸)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	سوره
همانا که آدمی در راه (یا در کار) پروردگار خویش ناسپاس و بخیل است. و خود او به یقین بر این (خصلت ناسپاسی) گواه است. و همانا که برای منفعت و مال محبت شدید می‌ورزد.	۶. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ. ۷. وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ. ۸. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.	عادیات(۱۰۰)	۴۴، ۱۶

در تأیید و تأکید آنچه به‌صورت اصل و واقعیت بشری در سوره‌های «اعلی» (۸۷) و «قیامت» (۷۵) درباره‌ی دنیاپرستی آمده بود، آیات ۶ و ۸ عادیات(۱۰۰) انسان را در دوراهی خدا و سود دنیا قرار می‌دهد و آیه ۷ که در وسط آن دو است خود ما را شاهد ماجرا می‌گیرد.

در میان مردم سالم و معتدل کیست که علاقه وافر به سود بردن و بهره‌مند شدن در این دنیا نداشته باشد و خود را (به‌طور عادی و خارج از تعلیم و تمرین‌های دینی) یک‌سره وقف خدا نماید؟ آدمی هر قدر که مشغول به معاملات و تکاپوهای در زندگی است و از منافع و محصولات آنها متنعم می‌شود، به همان تناسب و بلکه بیشتر، نسبت به پروردگارش غافل و ناسپاس است و رغبت به دل‌کندن از درآمدها و اندوخته‌ها، برای بهره‌مند کردن سایرین، نشان نمی‌دهد.

علاوه برآنکه هر یک از ما در زندگی روزمره و ضمیر خود گواهی به واقعیت فوق می‌دهیم، سوره عادیات(۱۰۰)، با سوگندهای آغازین، یک شاهد اضافی نیز از فرهنگ قومی و رسوم حماسی آن روز قبائل عرب می‌آورد که برای مردم مکه و مؤمنین بعدی جالب بوده است:

- قسم به اسبان بادپای نفس‌زننده،
- قسم به اسب‌هایی که (از برخورد سم‌های خود با سنگلاخ‌ها) جرقه برمی‌افروزند،

○ قسم به شیخون زندگان سحرخیز،
 ○ که گرد و غبار به پا می کنند،
 ○ و ناگهان جمعیت (یک آبادی یا واهه‌ای) را در محاصره می گیرند!
 در این سوگندها اشاره و استناد به خوی غارتگری عرب‌های مشرک جاهلیت می شود که با چه زبردستی و سرعت و با تجهیز وسائل لازم، خود را به مخاطره و مشقت سفرهای صبحگاهی دور می اندازند تا با تصرف اثاثیه مختصر و احشام چند خانوار صحرانشین بیچاره، مال و منفعتی به دست آورند، ولی در راه خدا و تمتع و تحصیل نعمت‌های موجود یا موعود بی انتها، رغبت و حرکتی نشان نمی دهند و قدر نمی شناسند!
 در جلد چهارم بازگشت به قرآن (صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸)^۱ توضیح داده بودیم که به نظر می آید مفسرینی که سوره عادیات (۱۰۰) و سوگندهای آن را در شأن و شمائل فتوحات دوران مدینه مسلمانان می دانند، تصور باطلی باشد.

(۱۷) سال سوم بعثت، سوره حاقه (۶۹)، شماره نزول ۰۴۵، آیات (۴۹ تا ۵۱)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			۱	۲
۱۷	حاقه (۶۹)	۴۹. وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ. ۵۰. وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ. ۵۱. وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ.	و ما می دانیم که برخی از شما تکذیب کننده اید. و به درستی که آن (قرآن) حسرتی برای کافران می باشد (یا خواهد شد). در حالی که آن حق است و درست.	

آیات فوق در اواخر سوره حاقه (۶۹) آمده است. پس از تذکار و اندازهای ابتدای سوره که در هلاکت اقوام تکذیب کننده‌ی پیغمبران گذشته است و توصیف‌هایی که از بهشت و جهنم به عمل می آید به «دیدنی‌های آشکار و نادیدنی‌های پنهان انسان‌ها» سوگند خورده می شود و آنگاه از طرف خدا تأکید به صحت و اصالت قرآن شده و عدم توانائی به دستبرد در آن شده و گفته می شود: این کتاب یادآوری و تذکره برای متقین است، ضمن آنکه می دانیم بعضی از شما آن را دروغ می انگارید و عدم

۱. مجموعه آثار (۱۹) با نام «بازگشت به قرآن (۲)» که در سال ۱۳۸۹ توسط شرکت سهامی انتشار چاپ و منتشر شده است، شامل جلد‌های ۴ و ۵ بازگشت به قرآن می باشد و مبحث مورد نظر مؤلف فقید در جلد چهارم، در صفحات ۱۹۴ و ۱۹۵ آن قرار دارد (ب.ف.ب).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۹۵ پذیرش و پیروی این کلام، حسرت و ندامت برای کفرورزان خواهد بود، درحالی که حق است و یقین است!

در سه آیه فوق سه تذکر آمده است: تکذیب پیام که بروز و وفور آن در سال‌های اول و دوم بعثت بود، پریشانی و پشیمانی کفرورزان اولیه، و بالاخره اعلام قاطع حق و یقین بودن قرآن که قبلاً با چنین قاطعیت بیان نشده بود. البته می‌توانستیم این آیات را که نشان‌دهنده و القاکننده‌ی اطمینان به رسالت برای پیغمبر و خونسردی است که باید نسبت به سردی استقبال مشرکین داشته باشد، در جدول کفرزدایی (بخش دوم) می‌آوردیم. در اواسط سوره، در وصف حال کافر گناهکار توانگر توانائی که با زنجیر آتشین جهنم کشانده می‌شود به نکات و حالاتی اشاره می‌شود (که قبلاً هم در ردیف ۷ دیده بودیم):

«إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.
وَلَا يَحُضُّ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ.»^۱

۱۸) سال سوم بعثت، سوره تبت (۱۱۱)، شماره نزول ۴۷، آیات (۱ تا ۵)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره	
		نام و شماره سوره	تبت (۱۱۱)
بریده باد (یا هلاک باد) دو دست ابولهب و بریده شد (یا هلاک بر ابولهب).	۱. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ.	تبت (۱۱۱)	۱۸
نه مال و مکنت او را بی‌نیاز کرد و نه آنچه به دست آورد سودی به او رساند.	۲. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ.		
باشد که به زودی به آتش زبانه‌داری در آید.	۳. سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ.		
و زن او هیزم کش (آن آتش یا شقاوت) است.	۴. وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ.		
در گردن او ریشمانی از لیف خرما (یا آتش) آویزان است.	۵. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ.		

سوره تبت (۱۱۱) نمونه شاخصی از روحیه کفرورزی را نشان می‌دهد و از کافر مشرکی به بدنامی و نفرین یاد می‌کند که با وجود انتساب نزدیک به شخص پیغمبر،

۱. حاقه (۶۹) / ۳۳ و ۳۴: زیرا به خدای بزرگ ایمان نداشت. و [کسی را] بر غذا دادن بینوا ترغیب نمی‌کرد.

خود را در رأس تکذیب‌کنندگان آئین و عناد ورزان با رسول و گروندگان قرار داده است. آزار و آثار سوء آن چنان بوده است که به‌عنوان تنها مورد تلخی و تندی شخصی و نام بردن از زوجه‌اش در قرآن آمده است.

به گفته‌ی سیره‌نویسان، اسم حقیقی او عبدالعزّی بود و عزّی درختی است که قبیله‌ی ثقیف آن را می‌پرستیدند. زن او ام‌جمیل، خواهر ابوسفیان بود و با ابولهب در فتنه‌انگیزی و زیان‌رسانی همکاری داشته‌است.

از سیاق و کلمات آیات چنین برمی‌آید که برطبق توصیف و تحلیل‌های گذشته‌ی قرآن، ابولهب مرد توانا و توانگری بوده که با استفاده از دارایی و امکانات زیاد، در کار رسول خدا کارشکنی فراوان می‌کرده است. زیرا که در دعا یا وعده‌ی خدا، ذکر از بریده‌شدن و از کار افتادن دست‌هایش می‌شود و در نتیجه‌گیری و فرجام‌کارش، از بی‌حاصل و بی‌فایده بودن مال و مکتسباتش پیش‌گویی به‌عمل می‌آید.

درهرحال، ابولهب کسی است که پا از حدود تکذیب و تولی و به‌طورکلی بی‌اعتنائی و امتناع نسبت به پیام خدا، فراتر نهاده، دست آزار و اشکال از آستین خباثت و حسادت بیرون آورده و می‌خواهد مانع دیگران بشود.

۱۹) سال سوم بعثت، سوره قلم (۶۸)، شماره نزول ۰۵۲، آیات (۲ و ۸ تا ۱۵)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات
			شماره سوره
۱۹	۰۵۲	قلم (۶۸)	<p>۲. مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ.</p> <p>۸. فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ.</p> <p>۹. وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيْدْهُنَّ.</p> <p>۱۰. وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ.</p> <p>۱۱. هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنِيْمٍ.</p> <p>۱۲. مُتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أُحْمٍ.</p> <p>۱۳. عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ.</p> <p>۱۴. أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينٍ.</p> <p>۱۵. إِذَا تُثْلِي عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.</p>
			<p>تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی.</p> <p>پس از تکذیب‌کنندگان پیروی منما.</p> <p>دوست دارند که تو نرمی و مدافعه بنمایی تا آنان نیز مدافعه کنند.</p> <p>از هر سوگندخور (زبان باز) فرومایه فرمان مبر.</p> <p>(که) عیب‌جوی، در پی سخن چینی (باشد).</p> <p>بازدارنده از کار خیر و گزافه‌کار گناهکار.</p> <p>که بعد از همه‌ی اینها درشت‌خوی پدر ناشناخته نیز هست.</p> <p>اگرچه دارای مال و پسران (فروان) باشد.</p> <p>هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید افسانه‌های گذشتگان است.</p>

سوره قلم (۶۸)، با ذکر صفات و حالاتی از مشرکین، مانند «مُكَذِّبٍ»، «مَنَاعٍ لِّلْخَيْرِ»، «ذَا مَالٍ وَبَيْنٍ» و «أَصْحَابِ الْجَنَّةِ»، حفظ ارتباط با گذشته سه ساله می‌نماید و با عنوان کردن نکات و اظهارات تازه‌ای همچون مداهنه، «هَمَّازٌ مَّشَاءَ بَنَمِيمٍ»، «عُتُلٌ بَعْدَ ذَلِكِ زَيْمٍ»، «أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» و نسبت دادن جنون به پیغمبر، از طرف مشرکین، که در ابتدا و انتهای سوره آمده است، دریچه‌های جدیدی را از روان و رفتار کفرورزان و از پیشرفت رسالت به‌رومی ما باز می‌کند، ضمن آنکه از توطئه در آن صحبتی نیست.

مشرکین در برخوردشان با رسول خدا دو گام عمده برداشته‌اند به‌جای بی‌اعتنایی و روبرگرداندن، پیام برایشان مطرح گردیده اندازهای هلاکت پیشینیان را به‌عنوان داستان‌ها و افسانه‌های کهن قلمداد می‌نمایند و چون رویداد قیامت یا زنده‌شدن مردگان و دعوت به‌سوی خدای نادیدنی جهان را مطالب غیرعادی و غیرقابل درک خودشان می‌بینند، گوینده‌ی آنها را دیوانه غیرعادی تصور می‌کنند. گام دوم آنکه افراد فهیم‌تر فرصت طلب و کم و بیش آینده‌نگر، قضیه رسالت و شخص رسول را جدی تلقی کرده کشاندن او و کنار آمدن با او را به‌نفع خودشان می‌بینند و در پی مداهنه و سازش برمی‌آیند.

گام اول با آنکه پیشرفت افکار و روحيات معاصرین و موفقیت برنامه‌ی رسالت را نشان می‌دهد، بر پیامبر امین و با سلامت عقل و هوش، ناگوار می‌آید. داغ باطله افسانه‌های کهنه زدن بر قرآن و دیوانه خواندن آورنده‌ی آن، نه تنها توهین و تهمت برای شخص پیغمبر محسوب می‌شود بلکه در نظر او به‌لحاظ پیشبرد رسالت و ارشاد امت - که برایش مهم‌تر و عزیزتر می‌باشد - بر باد رفتن گذشته و بسته شدن آینده است! طبیعی است که افسرده و مأیوس گردد. شاید به همین جهت و برای زنده کردن روحیه‌ی اوست که خداوند عزیز حکیم با محکم‌ترین بیان و رساترین قسم تکذیبِ افترای کافران و رفع چنین سوءظن و تصور را از فرستاده خود کرده، هم وعده‌ی پاداش بی‌منت می‌دهد و هم ظرفیت اخلاقی عظیم او را می‌ستاید. سپس اطمینان می‌دهد که دیری نخواهد گذشت تا هم تو و هم آنان، دیوانه‌ی واقعی را بشناسند.

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.
مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ.
وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ.»

وَإِنَّكَ لَعَلِي حُلُقٍ عَظِيمٍ.
فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ.

بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُونُ. (قلم (۶۸) / ۱ تا ۶)

(آن و قسم به قلم و آنچه با آن می نویسند.

تو به نعمت و فضل پروردگارت دیوانه نیستی.

بدان که برای تو پاداش کامل بی منت است.

و به یقین تو برخوردار از خوی توانا و ظرفیت بزرگ هستی.

زود باشد که تو ببینی و آنان نیز ببینند.

که کدام یک از شما دیوانه زده است.)

سوگندی که در اینجا به قلم و به تراوشات قلم، به طور کلی و علی الاطلاق برای گذشته و آینده خورده می شود مهم و ظریف است؛ گفته می شود، قلم که وسیله ی کتابت و تحریر معلومات و مکشوفات است و انسان ها را تعلیم داده و خواهد داد و آنچه در کتاب ها و اوراق و اسناد خواهند نوشت و خواهند خواند، شهادت بر راستی پیام و استواری و درستی تو خواهند داد.

اما قصد سازش و مداهنه مشرکین با رسول اکرم مانند کذاب و مجنون خواندن او ناگوار و مایوس کننده نبوده، می توانست به لحاظ پیش برد رسالت جاذب و دلگرم کننده هم باشد. خداوند هشدار می دهد که مبدا اصالت و قداست را فدای موفقیت و مصلحت نموده، از پیشنهادات آنان اطاعت بنماید. پیشنهادها و خواسته های کسانی که قسم بر صداقت و خدمت می خورند ولی از روی فریب و فرومایگی، پشت سر عیب جویی و سخن چینی می کنند، ولی کار و مرامشان جلوگیری از خیر و خدمت بوده، تجاوزگران بدکارند. مضافاً به اینکه نه ظاهر و روی خوش دارند و نه اصالت در نسل و طهارت مولد. جلوه و هنرشان ثروت و جمعیت است. و تازه وقتی آیات ما را برایشان می خوانند آنها را تکرار افسانه های کهن می گیرند.

آیات ۱۰ تا ۱۵ فوق که در دنبال گروه آیات سوره های لیل (۹۲)، ماعون (۱۰۷)، مدثر (۷۴)، علق (۹۶)، واقعه (۵۶) و تبت (۱۱۱) در ردیف های ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۴، و ۱۸ آمده است از وصف حال های کوبنده و گوینده قرآن در شأن مشرکین مرفه به شمار می رود.

البته خدا می توانست برای پیغمبر خود معرفی مشرکین و تعلیل موانع و مشکلات

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۹۹ رسالت را ننماید و به استدلال و تحلیل نپردازد و مانند رساله‌های عملیه مراجع تقلید و بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های نظامی و قضایی، دستورالعمل‌های بی‌چون و چرای خشک عبادی یا اداری، همراه با تنبیه و تهدیدهای شرعی یا انضباطی، صادر نماید. ولی روش تربیتی و نگرش الهی درباره‌ی فرستاده‌ی برگزیده و انسان‌های خلیفه، از نوع رفتار با سنگ و حیوان یا با ماشین و بردگان نیست که استعداد و شخصیت طرف را در نظر نگرفته اعلام قاطع اراده نموده، اطاعت و اجبار طلب کنند. مأموریت و تربیتی که با پذیرش و پرورش در سایه ایمان و از روی علاقه و علم انجام گیرد و کرامت و شخصیت برای مجریان قائل گردند بازده و گسترش دیگری دارد. پیغمبر باید طرف دعوت و زمینه‌های رسالت را بشناسد و بداند و بخواند. نه تعجیل بشری پشت سر او باشد و نه تحمیل بشری را اعمال نماید. خواسته و دانسته یا دانشمندانه و عاشقانه و همکارانه تسلیم به امر خدا و اجراکننده‌ی مأموریت شود. ما هم که دعوت شوندگان یا مؤمن شدگان هستیم، باید راه خدا را با خودشناسی و خودجوشی در پیش بگیریم.

در آیه ۵۱، نسبت دادن جنون به رسول اکرم همراه با چشم زدن و اعجاب آمده است، در حالی که قرآن چیزی جز ذکر نیست، آن هم برای عالمیان.

۲۰ سال سوم بعثت، سوره فجر (۸۹)، شماره نزول ۰۵۴، آیات (۱۵ تا ۲۰)

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره		نام و شماره سوره
		ج	آ	
و اما انسان همین که خداوند او را به ابتلاء و آزمایش در آورده اکرام و انعام نماید. می گوید (یا تصور می کند) که پروردگام مرا گرامی داشته است.	۱۵. فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ	۲۰	۵۴	فجر (۸۹)
و اما همین که به منظور ابتلاء و آزمایش روزی را بر او تنگ بگیرد، می گوید (یا تصور می کند) که پروردگام مرا خوار کرده است.	۱۶. وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ			
نه چنین است بلکه شما یتیم را گرامی نمی دارید (برایش ارزش قائل نیستند).	۱۷. كَلَّا بَلْ لَأَكْفُرْمُونَ الْيَتِيمَ			
و رغبتی بر اطعام مستمندان نشان نمی دهید.	۱۸. وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَيَّ طَعَامَ الْمَسْكِينِ			
و میراث (ضعیفان) را با ولع و بی پروا می خورید.	۱۹. وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا			
و مال را آزمندانه دوست می دارید.	۲۰. وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا			

در آیات کفرورزی سوره فجر (۸۹) باز صحبت از مال و جاه، و از فراخی و تنگی معیشت است. شاهد مثال از برخورد و رفتار ثروتمندان مرفه قریش با یتیمان و بینوایان قوم خودشان آورده می‌شود، یعنی کسانی که حرص دنیا و عشق به مال از عنایت به ندای ایمان و قبول آخرت بازشان داشته است. باز قرآن یک اصل کلی انسان‌بینی را اعلام کرده آزمایش مالی - معنوی را که خدا روی انسان انجام می‌دهد باز گو می‌نماید. اعم از آنکه دارائی و احترام ما در اجتماع بالا باشد و یا آنکه گرفتار سختی معیشت گشته و آن را نشانه‌ی بی‌آبرویی و تنزیل شخصیت بدانیم؛ در هر دو حالت، ابتلاء و آزمایشی است که خداوند حکیم برای اکرام و ارتقاء انسان متداول نموده است. باید قدر بدانیم و رفتارمان با محرومان و بی‌سرپرستان جامعه، بر مبنای کرامت انسانی و احسان و احترام باشد. در حالی که چنین نیست و کسانی، مانند لاشخور که خود را روی مردار می‌اندازد، با ولع تمام روی ماترک و میراث پدران می‌افتند و به ثروت و زراندوزی، به چشم معبود و خدا نگاه می‌کنند.

در آیات فوق به‌طور ضمنی فرهنگ یک جامعه را که مالکیت و مکتب به‌عنوان ارزش‌های والا و معیار احترام و مقام شناخته شود و تنگدستی و بی‌کسی، پستی و ننگ باشد، مورد نکوهش قرار می‌دهد، و برای جوانمردی و دلسوزی محرومان و ضعیفان، ارزش و احترام قائل است.

قبل از آیات فوق، از سه تمدن نیرومند و درخشان کهن یعنی عاد و ثمود و مصر نام برده می‌شود که در اثر استعداد و امکانات و مکتسبات خود به قدرت و ثروت و رفاه رسیدند و بی‌نیازی و طغیان کارشان را به فساد و ظلم کشانیده، تازیانه‌های عذاب خدا بر سرشان کوبیده شد!

آیات سوره فجر (۸۹) تکرار تفصیلی و تکمیلی سوره‌های گذشته، از تکاثر (۱۰۲) تا قلم (۶۸)، است که به توصیف و تقبیح توانگران آزمند و از خدا و خلق بی‌خبر، می‌پردازد. در سوره‌های آینده نجم (۵۳) و حاقه (۶۹) (ردیف‌های ۲۱ و ۲۴) نیز تذکر و تعلیمات مشابهی خواهیم داشت. حال اگر قرار باشد برای سال سوم بعثت، از نظر کفرورزی عنوان یا شعاری انتخاب نمائیم، همان‌طور که سال دوم را سال تکذیب و تولای کفار گفتیم، سال سوم را باید سال مال‌پرستی در برابر خداپرستی بنامیم.

بسیاری از آیات مربوط به مال‌دوستی و مال‌پرستی را در فصل «ج» (دنیاپردازی انسان، جلد چهارم) دیده بودیم. در آنجا منظور شناخت انسان از بعد علاقه او به

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۰۱
 لذا مذمات مادی دنیا بود و در اینجا از نظر تأثیری که در پذیرش دعوت و برخورد با
 خداپرستی و آخرت و با فرستاده‌ی خدا دارد بررسی می‌نماییم که از جهاتی
 معکوس یا منعکس آن است.

(۲۱) سال سوم بعثت، سوره نجم (۵۳)، شماره نزول ۰۵۶،
 آیات (۲۹ و ۳۳ تا ۳۵ و ۵۲ و ۵۹ تا ۶۱)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			سوره	آیات
۰۵۶	نجم (۵۳)	۲۹. فَأَعْرَضَ عَنْ مَنِ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. ۳۳. أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ. ۳۴. وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ. ۳۵. أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهوَ بِرَىٰ. ۵۲. (وَقَوْمٌ نُّوحٌ مِّن قَبْلُ) إِيَّاهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ. ۵۹. أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ. ۶۰. وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ. ۶۱. وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ.	(پس اعراض نما) از کسی که از یاد ما رو برمی‌گرداند و خواسته و هدفی جز زندگی دنیا ندارد. آیا دیدی (یا چه می‌بینی درباره) آن کس که روی گردانید و پشت کرد. و اندکی بخشش کرد و باز ایستاد. آیا در نزد خود علم به غیب و پنهان‌ها دارد و می‌بیند. (و پیش از آنها قوم نوح) که ستمکارتر و گردنکش‌تر بودند. آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید؟ درحالی که سرگردانید.	

سوره نجم (۵۳) که مانند بیشتر سوره‌های این سال‌ها پیرامون انذار عذاب آخرت
 و هلاک اقوام پیغمبران گذشته بحث می‌نماید و رفته‌رفته به جدال‌های استدلالی
 می‌پردازد و با عنایت خاصی شخص پیغمبر و دریافت کلام او را در مقابل عقاید و
 عادات یا فرهنگ مشرکین مکه می‌گذارد. در یک طرف روشنی، وحی، تعلیم،
 رؤیت علنی، یقین و هدایت است و در طرف دیگر بت‌ها، گمراهی‌ها، گمان‌ها،
 جهالت، دنیاطلبی و اعراض از خدا و آخرت. در بخش کفرورزی و در جدول این
 سال، تنها آیات فوق را ثبت کرده‌ایم که در مجموع نکات تازه‌ای را غیر از آنچه در
 سوره‌های گذشته دیدیم مطرح نمی‌نمایند.

آیه ۲۹، حاوی تولی یا پشت کردن به ذکر خدا، و هدفی جز زندگی دنیا نداشتن
 است.

آیات ۳۳ تا ۳۵ تولی است و امساک در احسان با اضافه شدن جهالت و بی اطلاعی مشرکین از آنچه خارج از مشهودات نزدیک و ظاهری است. آیه ۵۲، اشاره به سرکشی و ستمگری قوم نوح می نماید که یادآور آیات زیر است:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ»

أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَىٰ ۱

در سه آیه ۵۹ تا ۶۱ مشرکین هستند که مورد خطاب و پرسش قرار گرفته، تعجب و تمسخر و تحیر آنها از حدیث آخرت (به جای گریه کردن) ارائه می گردد، ولی اینک از مرحله تولی اندکی جلو آمده «توجه» می نمایند و عکس العمل های تعجب و تمسخر و تحیر را نشان می دهند.

پیشرفت مشهود بیشتر مشرکین، بر طبق آیات این سوره، طرح و تکیه ای است که بر مضامینی مانند: ضلالت، هدایت و مخصوصاً علم به عمل می آید. مضامین و نکاتی که ان شاء الله در بخش کفرزدائی بحث خواهد شد.

۲۲) سال سوم بعثت، سوره صافات (۳۷)، شماره نزول ۰۵۸،

آیات (۱۲ تا ۱۶ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۶ و ۶۹ تا ۷۱ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۸) صافات (۳۷) از سوره های نسبتاً بلند است و آغاز و سوگندهای آن راجع به حدوث قیامت بوده، عنایت به طبیعت و توحید و سرگذشت انبیاء دارد. مقداری هم به توصیف عذاب جهنم و گفت و گوهای جهنمیان می پردازد و در برابر دوزخ و دوزخیان توصیف بیشتری از بهشت و بهشتیان می کند.

نظر به اینکه با گذشت دو سال و نیم از بعثت هنوز مسئله اصلی دعوت یعنی قبول نبوت پیغمبر و پیام او در جامعه مکه جا باز نکرده است، لابه لای موضوعات فوق یادی از اشکالات و اظهارات گذشته مشرکین، با شگفتی بیشتر به عمل می آید.

در پنج آیه ۱۲ تا ۱۶ فهرست وار به تعجب فرستاده ی خدا در برابر تکذیب و استنکاف کافرها و به اظهار نظرها و عکس العمل های آنها اشاره می شود:

۱) تمسخر و استهزاء،

۲) مقاومت در برابر تذکر،

۱. علق (۹۶) / ۶ و ۷: هان! اگر انسان خود را بی نیاز احساس کند.

سر به طغیان برمی دارد.

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات
۵۸	صافات (۳۷)	<p>۱۲. بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ. ۱۳. وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ. ۱۴. وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ. ۱۵. وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ. ۱۶. أُنذِرْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ. ۲۹. قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ. ۳۰. وَمَا كَان لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ. ۳۲. فَأَعْوَبْتَكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ. ۳۵. إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ. ۳۶. وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرَاكَ لَتَّارِكًا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ. ۶۹. إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ. ۷۰. فَهَمُّ عَلَيْهِمْ أَنَارَهُمْ يُهْرَعُونَ. ۷۱. وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ. ۱۵۱. أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ. ۱۵۲. وَلَدَّ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. ۱۵۵. أَفَلَا تَذَكَّرُونَ. ۱۵۶. أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ. ۱۵۷. فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ. ۱۵۸. وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا وَلَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ.</p>	<p>بلکه تعجب کردی (یا می‌کنی) و آنها استهزا می‌کنند. و چون تذکر و انذار داده شوند، متذکر نمی‌شوند. و چون نشانه و آیه‌ای ببینند به مسخره می‌گیرند. و گفتند (یا می‌گویند) این چیزی جز جادوگری آشکار نیست. (و می‌گویند) وقتی بمیریم و خاک و استخوان شویم آیا (ممکن است) برانگیخته شویم؟ (گویند بلکه شما خود مؤمن نبودید.) (و ما را بر شما تسلطی نبود،) بلکه خود قومی سرکش بودید. و ما شمارا گمراه کرده‌ایم (زیرا که) خود ما گمراه بودیم. آنها چنین بودند که وقتی به آنان گفته می‌شد معبودی جز خدا نیست تکبر می‌ورزیدند. و می‌گفتند آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟! به یقین آنها پدران خود را گمراه یافتند. و بنابراین به دنبال (عقاید و عادات) آنان شتابان‌اند. و به تحقیق پیش از آنها (نیز) بیشتر گذشتگان گمراه شده بودند. توجه داشته باش که آنها از دروغ‌پردازی خود چنین می‌گویند. (که) خدا فرزند زایید و البته دروغ‌گو هستند. آیا پس (یا باز هم) پند و تذکر نمی‌پذیرند؟ یا آنکه برای شما حجت و دلیل آشکار وجود دارد. (پس اگر راست می‌گویید کتاب خود را بیاورید.) و ما بین خدا و جن‌ها خویشاوندی قائل شدند در حالی که جن‌ها می‌دانند که به یقین (در دوزخ) حاضر می‌شوند.</p>

۳) سحر و جادو گرفتن آیات قرآن، و بالاخره

۴) شگفتی و سؤال انکاری از زنده شدن پیکره‌هایی پوسیده.

طرح مسئله اخیر اگرچه حالت انکار و استهزاء دارد ولی چون حکایت از توجه و

تدبیر مشرکین می‌نماید، به لحاظ برنامه‌ی رسالت موفقیت محسوب می‌شود. سومی تازگی ابتدایی ندارد و قبلاً در سوره مدثر (۷۴) (در سال دوم بعثت، ردیف ۱۰) از طرف ولیدبن مغیره مخزومی عنوان شده بود که رفته رفته در زمان و ذهن دیگران گسترش می‌یابد. دومی که تذکرناپذیری است، ادامه روش و برخورد سابق (و همیشگی) را بازگو می‌نماید. اما اولی که استهزاء و تمسخر فرستاده خدا و حرف‌های اوست، گامی فراتر از تکذیب و تولی بوده پاسخ توجیهی و افتتاح یک حرکت تعرضی مشرکین را نشان می‌دهد که در امت‌های گذشته‌تر سابقه داشته است ولی اشاره به آن در این سوره و سال شاید برای اولین بار باشد. بعدها در سوره یس (۳۶) عمومیت و حسرت بر این سنت دیرینه را خواهیم خواند که:

«يَا حَسْرَةً عَلَي الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.»^۱

(شماره نزول ۰۸۸، سال پنجم بعثت، ردیف ۴۱)

آدمیزاد در برابر هر خیر تازه یا اختراع و ابتکاری که پذیرفتن آن برایش از نظر عقلی، و بیشتر از نظر روحی و حسادت یا خسارتی که به لحاظ مقام و شهرت و منفعت نصیبش می‌شود، عکس‌العمل منفی و مخالفت نشان می‌دهد. ساده‌ترین عکس‌العمل همان‌طور که قبلاً گفتیم تکذیب و بی‌اعتنایی است. اگر موضوع منتفی نشد عکس‌العمل بعدی نسبت دادن دیوانگی و غیرعادی بودن یا نفهمی است و پس از آن، برای جلب‌نظر سایرین و کوبیدن مدعی پیگیر، مسخره کردن شخص و شوخی گرفتن موضوع است.

پس از تولی و تکذیب در سال‌های اول و دوم، و ترجیح دنیا بر آخرت از ابتدای سال سوم، اینک شاهد ورود سه سلاح جدید از قورخانه کفرورزی به میدان مبارزه شرک علیه توحید می‌باشیم: جادونگری قرآن و مجنون‌انگاری آورنده‌ی آن و به‌دنبال آنها تمسخر و توهین پیام و پیام‌آور.

تهمت مجنون بودن پیغمبر که در سوره قلم (۶۸) (ردیف ۱۹) با قید قسم‌های مؤکد، رد شده بود، در آیه ۳۵ با شاعری او ترکیب گشته است که توجیه بی‌تناسبی نمی‌باشد. موزون بودن و آهنگ داشتن آیات قرآن (خصوصاً در سال‌های اول) و دلپذیری بیان و مضمون‌ها، جاذبه و تأثیری که در شنوندگان ایجاد می‌کرده، شعر و شاعری را به‌خاطر می‌آورده است. بعدها این تشبیه و تصور نیز با آنکه تا حدودی

۱. یس (۳۶) / ۳۰: دریغ بر این بندگان که هیچ رسولی بر آنان نمی‌آمد، مگر اینکه به استهزایش می‌گرفتند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۰۵
مدح‌انگیز و تأییدکننده است شدیداً رد می‌شود. قرآن زیربار این نمی‌رود که کلام
وحی را در قالب‌های بشری، ولو در سطح عالی، معرفی نمایند. همان‌طور که خداوند
«لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» است سخن او نیز مشمول همین امتیاز می‌باشد. از عجایب کلامی و
از علامات خدائی بودن قرآن (یعنی بشری نبودن آن) مباینتی است که نه تنها در
لفظ و صورت، بلکه در مقصد و منطبق با تولیدات بشری دارد.

همان‌طور که در جلد اول «بازگشت به قرآن» و در جاهای دیگر گفته‌ایم مسئله
فصاحت و بلاغت که در نظر منتقدین ما مهم‌ترین و احياناً یگانه معجزه قرآن تلقی
شده است علاوه برآنکه چنین ادعا و اظهاری در خود قرآن نشده یک نوع محدود
ساختن و تنزل مقام نیز می‌باشد.

خودبزرگ‌بینی یا تکبر و غرور مشرکین در برابر خالق خودشان که در آیه ۳۵
آمده است صفت مشترک دیگری است که از روان و روحیه انسان‌های کوتاه‌بین و
خودخواه نادان سرچشمه می‌گیرد. این نوع افراد که در همه اعصار و نژادها وجود
دارند از قبول اینکه یک حقیقت و حاکم برتر در دنیا وجود دارد که صاحب اختیار
و گرداندی همه جهان و شخص آنهاست و باید از او تمکین کرد، ناراحت می‌شوند
و حاضر نیستند ناچیز بودن و تابع بودن خود و معبودهای انتخابی را بپذیرند.
در هر حال ایده یا اندیشه‌ی استکبار و نقش آن در کفرورزی از اواخر سال سوم
بعثت وارد قاموس آیات می‌شود. این همه صحبت از کبریائی خداوند سبحان کردن،
رکن نماز قراردادن «تکبیرة الاحرام» و تکرار «الله اکبر» در بندبند نماز و دعاها که
بزرگ شمردن و بزرگ‌تر دانستن خدا می‌باشد، درحقیقت مقابله و دهن‌کجی است
که علیه ادعاها و زورمندی‌های دنیا به عمل آمده، می‌خواهد چنان تصور و توهم را
به‌منظور بندگی خالص خداوند یکتا، از ذات و ضمیر انسان‌ها، خارج سازد.

* * *

در سه آیه ۶۹ تا ۷۱ به عامل کفرورزی جدیدی اشاره می‌شود که خصلت بشری
و از ریشه‌های ادیان باستانی اجدادپرستی است: تأسی به پدران و احترام به آداب و
عقاید بزرگتران، ضمن همین آیات تسمیه ضالین و تعبیر ضلالت یا گمراهی به میان
آمده است که آن نیز تازگی دارد. بعداً کفر و ضلالت همدوش یکدیگر خواهند
آمد و ایمان، محصول هدایت یا راهنمایی و رهبری شناخته خواهد شد.

آدمی از ابتدای کودکی بنا به احتیاج و احساساتی که نسبت به والدین خود پیدا می‌کند و ارتزاق و حمایتی که از آنها دریافت داشته، در محدوده روابط و اطلاعات خود شخص دیگری را هم نشناخته و پدر را از هر موجود دیگری دلسوزتر، داناتر، نیرومندتر می‌بیند و او را به چشم خدا می‌نگرد. صفاتی به والدین نسبت می‌دهد که معتقدین به خدا کم و بیش و به‌طور متعارف برای او قائل هستند و هر زمان که با خطر یا موجود و موضوع ناشناخته‌ای روبه‌رو می‌شود شتابان به آغوش آنان پناه می‌برد. بعدها در سنین بعد از بلوغ، این احساس و احترام بازم در نزد اشخاص در میان ملت‌ها و مخصوصاً روستاها و جوامع کم‌رشد باقی می‌ماند و اگر حالت پرستش را نداشته باشد به‌صورت علاقه و خرافات یا عادت و آداب جلوه می‌کند. این مسئله و مشکل در برابر سایر منادیان توحید در برابر هر داعیه و اکتشاف یا راه و رسم تازه وجود داشته است.

البته احترام و اطاعت پدر و مادر و همچنین اعتقاد و تبعیت از اوامر و نظریات استادان که پدران روحانی انسان هستند، رسمی پسندیده بوده گاهی اوقات به‌لحاظ حفاظت و رشد و تربیت جوامع بشری ضرورت هم پیدا می‌کند، ولی مشروط بر آنکه به‌مرحله‌ی افراط و به‌تعصب و تحجر نرسد و موجب دشمنی یا رکود و توقف نشود. کما آنکه علی‌رغم نبوع بی‌نظیر و خدمات فوق‌العاده‌ای که امثال افلاطون و سقراط و ارسطو به‌عالم بشریت و به تفکر و تمدن کردند اعتقاد غلوانگیز و تبعیت بی‌قید و شرطی که فلاسفه و دانشمندان و حتی علمای ادیان از آنها می‌نمودند بیش از هزار سال دنیای متمدن را دچار تاریکی و اسارت فکری و حتی انحطاط علم و دین نمود، تا بالاخره با پیدا شدن و پرده‌داری بزرگانی چون بیکن، کانت و دکارت، علوم و افکار و تمدن موفق به جهش عظیم و آزادی از رکود و تحجر گردید.

قرآن وقتی به‌انسان سفارش احسان و احترام فوق‌العاده نسبت به والدین را می‌نماید، آن را مشروط و محدود به عدم پرستش و شریک نگرفتن پدر و مادر در آنچه خاص خداست می‌نماید:

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهَنًا فِى
 عَامِينَ أَنْ اَشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ.
 وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ
 صَاحِبُهُمَا فِى الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ

فَأُتِبْتُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۱

* * *

در آیات بعدی استخراج شده از سوره صافات (۳۷)، قرآن وارد انحرافات و افتراهایی که مشرکین به خدا می‌زنند می‌شود. یکی نسبت دادن فرزند به خدا و مشابهی او با انسان‌ها و موجودات زنده که تولید مثل لازمی بقا و توسعه‌ی آنها می‌باشد و دیگر قائل شدن خویشاوندی مابین جن‌ها و خدا.

تابه حال صحبت از مال‌پرستی و اعراض مشرکین از دعوت به خدا و آخرت بود و نسبت دادن‌های دروغ‌پردازی، جادوگری، افسانه‌سرایی و دیوانگی به پیغمبر گرامی، و استکبارورزی یا خود را مافوق دنیا و دین دانستن. اینک بحث از موانع فکری و انحراف‌های عقیدتی پیش می‌آید. افکار و عقایدی که در ذهن و ضمیرها رسوخ یافته، سدی در برابر یکتاپرستی پاک شده از خرافات و شرک است، یا سدی می‌شود. اولین آموزشگاه آدمی دامن مادر و سخنان پدر و خانواده است و اولین آزمایشگاه که در آنجا تجربه و تمرین می‌نماید، نفس انسان و زندگی روزمره او با دیگران است. بنابراین هم تاسی به کیش و سنت‌های آبا و اجدادی امر فطری است و هم تصورات و نظریاتی که از راه قیاس به نفس و نبوغ درباره‌ی خدا و شریعت پیدا می‌شود. این پدیده یا جریان حتی بعد از ایمان آوردن و علاقه‌مند و عامل شدن در تمام ادیان و فرقه‌های اسلام وجود داشته است. از آن جمله است قائل شدن فرزند برای خدا و فرزند زائیدن خدا که در آیه ۱۵۱ آمده است و ارتباط و انتساب برقرار کردن مابین خدا و جن‌ها یا محصولات وحشت و وهم انسان‌ها که آیه ۱۵۸ به آن اشاره می‌نماید.

۱. لقمان (۳۱) / ۱۴ و ۱۵ : و انسان را [به نیکویی] در مورد پدر و مادرش سفارش کردیم - [به خصوص] مادر [که در دوران بارداری،] او را با ناتوانی روزافزون تحمل کرد و [نیز در دوران شیرخوارگی که] بازگرفتنش از شیر دو سال به طول می‌انجامد - که من و پدر و مادرت را سپاس دار؛ [و آگاه باش که] سرانجام در پیشگاه من است.

[ولی] اگر اصرار کنند که ناگاهانه افرادی را [در توان و تدبیر] با من شریک تلقی کنی [و به جای من از آنان پروا داشته باشی]، اطاعتشان مکن و [به هر حال] در دنیا با آنان به شایستگی معاشرت کن و راه کسانی را که به سوی من بازمی‌آیند، پیروی کن؛ آنگاه بازگشت شما به پیشگاه من است و شما را به آنچه می‌کردید آگاه می‌سازم.

آیه ۱۵۱ را نباید تنها ناظر بر عیسویانی از اهل کتاب بدانیم که معتقد به تثلیث می‌باشند و هنوز مشرکین و مؤمنین مکه با آنها حشر و نشر پیدا نکرده بودند تا موقع بحث و جدال یا پیش‌بینی و آمادگی آن رسیده باشد. قرآن علاوه بر اینکه در آیات ماقبل ۱۴۹ و ۱۵۰ ذکر از اعتقاد مشرکین به دختر داشتن خدا و مؤنث بودن ملائکه می‌نماید در باره یهود نیز می‌گوید که بعضی از آنها غزیر را «ابن الله» خوانده‌اند. می‌دانیم که در تحول و تحریف مذاهب بودایی و خاوردور نیز ابداع و انشعاب خداهای درجات پایین‌تر و محسوس‌تر، برای ذهن آدمیان، از راه تولید و تنزل خدای نادیدنی و غیرقابل درک باعث اعتقاد به وجود یا هلول سه ذات در یک خدا شده است که گفته‌اند ریشه تثلیث مسیحیت می‌باشد. ثنویت یا دوخدائی بعدی کیش توحیدی زرتشت که اهورمزدا و اهریمن را مقابل و تا حدودی معادل یکدیگر قرار داده‌اند و همچنین وفور فرشته‌ها و دیوها در عقاید و ادبیات زرتشتی، می‌تواند از مقوله‌ی مطلب منعکس شده در آیه ۱۵۸ باشد در حالی که گفته می‌شود که جنیان آگاه شده‌اند که (به‌طوری که بعداً در سوره‌های رحمن (۵۵) و جن (۷۲) و احقاف (۴۶) در سال‌های ۳ و ۶ بعثت و ۹ هجرت با تفصیل و توضیحاتی خواهد آمد) در دوزخ حاضر می‌شوند و مورد بازخواست و عذاب قرار می‌گیرند.

۲۳) سال سوم بعثت، سوره انفطار (۸۲)، شماره نزول ۰۵۹، آیه ۹،

۲۴) سال سوم بعثت، سوره حاقه (۶۹)، شماره نزول ۰۶۰، آیات (۴ و ۳۳ و ۳۴)

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			۳۳	۳۴
۲۳	انفطار (۸۲)	۹. كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ.	نه چنین است بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید.	
۲۴	حاقه (۶۹)	۴. كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ. ۳۳. إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. ۳۴. وَلَا يَحْضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ.	ثمود و عاد قارعه (رستاخیز) را دروغ انگاشتند. همانا چنین بود که به‌خدای بزرگ ایمان نداشت (یا نمی‌آورد). و تمایل بر اطعام مستمندان نداشت (یا مردم را بر این کار ترغیب نمی‌کرد).	

در آیات انتخابی از سوره‌های «انفطار» (۸۲) و «حاقه» (۶۹) در ردیف‌های ۲۳ و ۲۴ جدول، مطلب تازه‌ای غیر از تکذیب و مال‌دوستی ممسکانه مشرکین نیامده است و تکرار گذشته‌ها می‌باشد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۰۹

(۲۵ سال سوم بعثت، سوره مطفین (۸۳)، شماره نزول ۰۶۳، آیات (۱ تا ۵ و ۱۰ تا ۱۵))

سوره مطفین (۸۳) (ردیف ۲۵) اشاره به نکات گذشته دارد، با این تفاوت و تکمیل که در آیات ۲ تا ۴ توضیح درباره‌ی قشر خاص یا خصلت خاصی از مالداران کاسبکار داده می‌شود که در معاملات خود کم‌فروشی یا به اصطلاح امروزی کلاهبرداری، در رابطه با بایع و مشتری یا فروشنده و خریدار، می‌نمایند و نگران نیستند که نیت و عملشان روزی و در جایی بازگو و بازخواست خواهد شد. پس از آنکه در آیات ۱۰ تا ۱۵ به تکذیب‌کنندگان روز قیامت اخطار داده می‌شود، تعلیلی از آنها به عمل می‌آید.

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	شماره و نام و سوره	
		سوره	شماره
وای بر کم‌فروشان. کسانی که موقع خرید از مردم پیمانانه را بر می‌گیرند. و چون برای فروش به مردم پیمانانه یا وزن می‌کنند کم می‌گیرند. آیا اینها گمان ندارند که برانگیخته شوند گان. برای روز بزرگی هستند؟! وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان. کسانی که روز حساب را از دروغ می‌شمارند. و آن را تکذیب نمی‌کند مگر هر گناهکار از حد گذر. (آن کس) که چون آیات ما بر او خوانده شود گوید از افسانه‌های کهن است. نه چنین است بلکه آنچه را به دست آورده‌اند بر دل‌هایشان زنگار بسته است. چنین نخواهد ماند همانا که در آن روز محجوب (و محروم از لطف) پروردگارش خواهند بود.	۱. وَيَلُّ لِلْمُطَفِّينَ. ۲. الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. ۳. وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يَخْسِرُونَ. ۴. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ. ۵. لِيَوْمٍ عَظِيمٍ. ۱۰. وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ. ۱۱. الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ. ۱۲. وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كَلُّ مُعْتَدِلِئِمٍ. ۱۳. إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ. ۱۴. كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ. ۱۵. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَنْجُوبُونَ.	مطفین (۸۳)	۲۵

سودجویی که لازمه‌ی زندگی و بقا و تکامل است و سوداگری که از مراحل مهم پیشرفت تمدن محسوب می‌شود، در جامعه‌ی آن روز مکه رونق به‌سزا داشته است. این خصلت و ضرورت می‌تواند در حد افراط و انحراف از اعتدال خلقت یا حدود خدا، عامل تباهی و گمراهی گردد. شخص مال‌پرستِ تکاثر طلب که

می‌خواهد به هر قیمت و خیانت سود بیش از نیاز ببرد، صرفه و صلاح خود را در این نمی‌بیند که حقوق مردم و عدالت خدا را در نظر بگیرد. راحت‌تر است که اصلاً خبر حساب و کتاب و حسابرسی را دروغ پندارد. چنین تمایل و تحریک باطنی و تأثیری که مکتسبات نادرست یا درآمدهای حرام و هرگونه کار زشت و خلاف روی اخلاق و عقاید انسان می‌گذارد، دل و دیده او را زنگ زده و تیره ساخته از حق و حقیقت و از مسیر و مقصد مورد نظر خلقت دورش می‌سازد، و چون در دوران زندگی دنیا تزکیه و تکامل نیافته و آماده برای آن دنیا نشده‌است، روز قیامت، خدا برایش در پس پرده استتار خواهد بود.

آیات کفرورزی در سال چهارم بعثت

(۱۳ ردیف از ۲۶ تا ۳۸، شامل ۱۳۸ آیه و... کلمه)

سال چهارم بعثت سال شدت درگیری یا اعراض و انکار مشرکین با رسول خدا بوده است. تعداد آیات کفرورزی، مخصوصاً تکذیب، میزان بالایی را دارد و پیغمبر اشتغالی عمده تر از این نداشته اند. به دنبال روگردانی و اعراض یا تولی که همراه با تکذیب بوده است، استهزاء و تمسخر اضافه می شود. از طرف دیگر برای آنکه فرستاده و مأمور خدا از مشکلات و مقاومت پیغمبران گذشته آگاه گردد و برای منکرین مغرور معاصر نیز زنگ خطری زده شود و عبرتی فراهم آید، در بیشتر سوره های این سال، داستان هایی ابتدا به صورت اشاره و اجمال و سپس با تفصیل و اختصاص، از برخورد اقوام قدیم با رسولان خود را می بینیم که بسیار آموزنده است و مسلماً در آن عصر و اوضاع بسیار مؤثر بوده است. انذار مشرکین و منکرین از طریق بازگ کردن سرگذشت و سرنوشت تکذیب کنندگان قدیم در این سال آغاز می شود، یا توسعه پیدا می کند.

ذیلاً به بحث و بررسی تک تک گروه های آیات کفرورزی نازل شده در سال چهارم بعثت، با ذکر شماره نزول می پردازیم.

۲۶) سال چهارم بعثت، سوره شعراء (۲۶)، شماره نزول ۲-۰۶۵، (۱۱ آیه - ... کلمه)
سوره شعراء (۲۶) اولین سوره بلند مکی با ۲۷۷ آیه است که در سال های سوم و چهارم نازل شده، مفصل و منسجم و موزون می باشد. قسمت اعظم و هدف اصلی آن آموزش دادن و تقویت پیغمبر برای انجام رسالت از طریق ارائه فهرست وار و اختصاری داستان های برخورد هفت نفر از پیغمبران گذشته با امت های مربوطه می باشد که در بخش دوم کفرزدایی باید بیاید (آیات ۱۰ تا ۱۷۵ جمعاً ۱۶۶ آیه). لابه لای این

شماره آیات	آیات	ترجمه آیات
۵	وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ.	هیچ یاد و خبری از خدای بخشنده آنها برایشان نمی‌رسید که تازه و نو باشد مگر آنکه از آن اعراض می‌کردند.
۶	فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	پس به یقین تکذیب کردند، به زودی خبرها (یا نشانه‌های) آنچه تکذیب می‌کردند برایشان می‌رسد.
۷	أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ.	آیا به زمین نگاه نمی‌کنند که چقدر از جفت‌های بهره‌آور نیکو برایشان سبز کرده‌ایم؟
۸	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.	همانا که در آن آیت و نشانه‌ای (از خدا) است، درحالی که بیشتر آنها مؤمن نبودند.
۱۳۹	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.	(هود را) دروغ‌پرداز شمردند، ما هم هلاکشان کردیم؛ همانا که در آن آیت و نشانه‌ای (از خدا) است، درحالی که بیشتر آنها مؤمن نبودند.
۱۵۸	فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.	آن‌گاه عذاب آنان را فرا گرفت؛ همانا که در آن آیت و نشانه‌ای (از خدا) است، درحالی که بیشتر آنها مؤمن نبودند.
۱۹۷	أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.	آیا از اینکه علمای بنی‌اسرائیل علم به آن داشتند برایشان آیه و دلیل نیست؟
۱۹۸	وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ.	و اگر آن (قرآن) را بر غیر عرب فرومی‌فرستادیم.
۱۹۹	فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ.	و برای آنها می‌خواند باز هم (یا البته) ایمان نمی‌آوردند.
۲۰۰	كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ.	این چنین خودداری از ایمان را در دل‌های بدکاران راه دادیم.
۲۰۱	لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.	به آن (قرآن) ایمان نمی‌آوردند مگر آنکه عذاب دردناک را ببینند.

۱. در سوره شعراء (۲۶)، متن آیه ۸ عیناً در آیات ۶۷ و ۱۰۳ و ۱۲۱ و ۱۷۴ و ۱۹۰ هم تکرار شده است.

داستان‌ها، اشاراتی به کفرورزی می‌شود که در جدول بالا آورده‌ایم. در داستان‌های دست‌چین شده از تاریخ انبیاء که در انتهای سوره، مقدمه برای یک مجموعه آیات می‌گردد که مخاطب آن شخص پیغمبر است، و به‌او نسبت به مأموریتش اطلاع و اطمینان داده می‌شود و انتظارات و اظهارات مشرکین را نقل می‌نمایند و در پایان به توصیف پیروان شیاطین می‌پردازد. نه آیه ابتدای سوره نیز ارتباط با کفرزدایی و تعلیم و تقویت روحی پیغمبر، برای ادامه‌ی بار سنگین رسالت دارد و به دو آیه ذیل ختم می‌گردد که ترجیع‌بند دسته آیات کفرورزی دیگر سوره می‌شود:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.»

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۱۳

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ^۱

در داستان‌های پیغمبران گذشته با امت‌های مربوطه، عکس‌العمل‌ها و اظهار نظرهایی که درباره‌ی پیغمبرشان می‌نمودند از نوع همان اعراض، تکذیب، تهمتِ سحر و جنون، و تأسی به پدران است که در سه سال قبل، از زبان مشرکین درباره‌ی حضرت خاتم الانبیاء خواندیم، به شرح زیر می‌باشد:

سوره شعراء (۲۶)، آیات مربوط به تکذیب، تهمت و ...، به پیامبران گذشته

شماره آیات	متن آیات	موضوع آیات
۱۲	قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ.	کلام موسی به خدا درباره‌ی مشکلات و مزاحمت‌هایی که از جانب فرعون و درباریان خواهد دید.
۲۷	قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ.	کلام فرعون به درباریان درباره‌ی حضرت موسی
۲۹	قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ.	تهدید و تشدد فرعون به موسی و ادعای الوهیت کردن او.
۳۴	قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ.	نسبت جادوگری دادن فرعون به موسی.
۷۴	قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ.	تأسی به آباء و اجداد قوم ابراهیم.
۱۰۵	كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ.	تکذیب قوم نوح.
۱۱۷	قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ.	تکذیب هود از طرف قوم عاد.
۱۲۳	كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ.	تکذیب قوم عاد رسولان‌شان را
۱۳۶	قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ.	ادراک نکردن و بی‌تفاوتی قوم نوح.
۱۳۹	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.	تکذیب قوم نوح که پشت سرش هلاکت می‌آید و قبلاً نداشتیم.
۱۴۱	كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ.	تکذیب قوم ثمود از فرستادگان خدا.
۱۵۳	قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ.	نسبت جادوگری دادن قوم صالح.
۱۶۰	كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ.	تکذیب قوم لوط.
۱۷۶	كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ.	تکذیب قوم شعیب.
۱۸۵	قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ.	نسبت جادوزدگی دادن قوم به شعیب.
۱۸۶	وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَطَّنْكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ.	کاذب دانستن شعیب.

۱. شعراء (۲۶) / ۸ و ۹: به راستی در این [امور] نشانه‌ای است [از تدبیر خدا]، و [لی] بیشترشان سر ایمان نداشتند.

بی‌گمان صاحب اختیار تو فرادست و مهربان است.

ترجیع‌بند دیگری هم به دنبال تکذیب پیغمبران از طرف اقوام آنها آمده است که اعلام دعوت آنها و شامل پنج آیه به شرح زیر می‌باشد:

سوره شعراء (۲۶)، آیات مربوط به اعلام دعوت نوح از قوش

شماره آیات	متن آیات	موضوع آیات
۱۰۵	كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ.	قوم نوح فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند.
۱۰۶	إِذْ قَالَ لَهُمُ أُخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ.	نگاه که برادرشان نوح به آنها گفت چرا پروا (یا پرهیز کاری) نمی‌کنید.
۱۰۷	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ.	همانا که من رسول امینی برای شما هستم.
۱۰۸	فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا.	پس از خدا پروا داشته باشید و از من اطاعت کنید.
۱۰۹	وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَالِي رَبِّ الْعَالَمِينَ.	در حالی که من از شما هیچ اجرتی نمی‌خواهم اجرت من برعهده پروردگار جهانیان است.
۱۱۰	فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا.	پس، از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید.

در این گزارش‌های از گذشته، به رسول اکرم گوشزد می‌شود که پیغمبران دیگر نیز با آنکه به امت‌های خود اطمینان می‌دادند که امین‌اند و توقعی جز تقوای خدا و اطاعت آنها از دستورهای خدا را ندارند، همگی با مشکلات فراوان تکذیب و تهمت و غیره روبه‌رو بوده‌اند. در ترجیع‌بند دو آیه‌ای اول نیز فهمانده شده بود که اکثریت ابناء بشر ایمان به آیات خدا نمی‌آورند. بنابراین نباید در دعوت خود انتظار موفقیت انبوه داشته باشد ولی بداند که جز خدا کسی توانمند پیروز و صاحب رحمت و لطف نیست. در زمینه‌ی شناخت کفرورزی انسان‌ها (و کفرزدایی آنها) گام تازه‌ای که قرآن در این سوره و سال برداشته است، خروج از محدوده‌ی زمان و مکان دعوت رسول اکرم و سیر و اتصال دادن مطلب به امت‌ها و پیغمبران گذشته است. حالا به توضیح بیشتر آیات خاص کفرورزی که در جدول بالا آمده است می‌پردازیم.

* * *

در آیات ۵ تا ۸ علاوه بر آنکه درباره‌ی مشرکین معاصر پیغمبر گفته می‌شود که هیچ ذکر و کلام تازه‌ای از خدا برایشان نمی‌آید مگر آنکه از آن رو برمی‌گردانند، همگی تکذیب کردند و دروغ انگاشتند ولی به زودی خبرهای آنچه تکذیب می‌کردند

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۱۵
نیز برایشان خواهد رسید. بیشتر به نظر می‌آید اشاره و اخبار به زیان‌ها و هلاکت‌های
این دنیا و عذاب آخرت باشد و این تهدید که از اعراض کنندگان و استهزاء کنندگان
به عمل می‌آید نظیر آن را تا به حال نداشتیم.

آیه ۷ تعدیل تهدید یا اخطار بوده، تعلیم استدلالی و تجربی برای ایمان به خدا
می‌باشد که مربوط به کفرزدائی می‌شود و به دنبال آن آیه ۸ است که ترجیح بند «انَّ
فِي ذَلِكَ لآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» اشاره به همان ریش و پرورش گیاهان
ثمردهنده است که نشانه‌ی وجود خدا می‌باشد و مع ذلک روی اکثریت مردم بی‌اثر
می‌ماند.

* * *

آیات ۱۹۷ تا ۲۰۱، هم جنبه‌ی استدلالی استشهادی دارد که از مقوله‌ی کفرزدایی
است و هم وصف حال و شناخت کفرورزان است. علاوه بر آنکه اطلاع و تأیید
علمای بنی اسرائیل (بر صحت قرآن و نبوت پیغمبر آخرالزمان) می‌تواند برای آنها
نشانه و شاهد باشد و ایمان بیاورند، دل‌های مجرمین طوری شده است که تحت تأثیر
قرار نگرفته، تمکین نمی‌نمایند و تا دچار عذاب دردناک نشده و با اعضاء و جوارح
خود آن را احساس نکنند ایمان به دعوت پیغمبر نخواهند آورد.

دو نکته‌ی تازه در این آیات هست. یکی دخالت دل و آمریت آن بر عنایت و
ایمان انسان که اجمالاً در سال سوم، ردیف ۲۵، در آیه ۱۴ مطففین (۸۳) به آن اشاره
شده بود. دیگر انتظار و اثر عذاب الهی برای توجه به دعوت یا یگانه راه حل عنایت و
اقناع کافرها، که در ردیف‌های آینده به تکرار و تفصیل آن خواهیم خورد.

۲۷) سال چهارم بعثت، سوره حجر (۱۵)، شماره نزول ۰۶۷، (۶ آیه ۳۴ کلمه).
دریچه یا بابی که در سوره شعراء (۲۶) برای سیر و نظر در دیار گذشته‌ها، از پیغمبران
و امت‌ها، افتتاح شده بود در سوره حجر (۱۵) که پس از آن آمده است تعقیب
می‌شود. با کمی تفصیل بیشتر و درباره‌ی تعدادی کمتر (ابراهیم، لوط و صالح یا
شعیب) با اشاره‌ای تازه به کیفرها یا بلاهای دنیایی که اقوام کفرورز فاسد و ظالم
دچارش شده‌اند!

۱. حقیقت این است که تندیهای قرآن از همان سال اول آغاز شده است و بیشتر آنها تندیهای قیامت و
آخرت است. در کنار آنها و کمتر از آنها از سال دوم تندیهای دنیایی یا هلاک و نابودی کفرورزانی
←

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲	رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ.	چه بسا کسانی که کافر شده‌اند دوست بدانند که ای کاش مسلمان بودند.
۳	ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمَهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ.	آنان را به حال خود گذار که بخورند و (از نعمت‌ها) بهره برند و آرزوها سرگرمشان بدارد، به زودی خواهند دانست.
۷۸	وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَطَالِمِينَ.	و به درستی که یاران (یا اهل) ایکه به یقین مردم ستمگری (عدول کننده از حق) بودند.
۷۹	(فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ).	(ما هم از آنان انتقام کشیدیم و به درستی که (خرابه‌های) آن دو (شهر) به طور آشکار سر راه شما هستند).
۸۰	وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ.	و به یقین یاران (یا ساکنین قریه) حجر فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند.
۸۱	وَأَتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ.	ما آیات خود را به آنها دادیم (یا رساندیم) ولی از آن اعراض می کردند.
۸۲	وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ.	و چنین (رسم و زندگیشان) بود که در کوه‌ها (داخل سنگ) خانه‌های امن (برای خود) می تراشیدند.

قسمت عمده این سوره بنا به جدول ۱۵ سیر تحول قرآن در سال چهارم بعثت نازل شده‌است ولی در دو وهله یا فاصله زمانی (به شماره نزول‌های ۶۷ و ۱-۸۳) و ۲۸ آیه در ابتدای سال پنجم.
فعلاً به آیات کفرورزی نازل شده در ابتدای سال چهارم می پردازیم.

* * *

آنچه از آیه ۲ که در مقدمه‌ی پنج آیه‌ای سوره حجر (۱۵) آمده است فهمیده می‌شود خبر احتمالی از امکان علاقه‌مندی کفرورزان به مسلمانی و ایمان است. این خبر می‌تواند هم به قصد امیدوار ساختن و مأیوس نشدن رسول اکرم باشد که سه سال به دعوت مشرکین مشغول است و در مقابل، بیش از هر چیز تکذیب و اعراض یا تهمت و توهین تحویل می‌گیرد و هم می‌تواند توصیفی از مایه‌های درونی مثبت کفار و تردید و تحول آنها باشد.

→ اعلام می‌شود که فاسد و ستمگر بوده اخطار و هشدارهای پیغمبران را گوش نکرده‌اند و به شرح زیر حالت اعلام و اشاره دارد که به تدریج بر تعدادشان افزوده شده است:

(۱) ۰۲۴، ۲، شمس (۹۱) / ۱۱ تا ۱۶

(۲) ۰۳۰، ۲، فجر (۸۹) / ۵ تا ۱۳

(۳) ۰۵۶، ۳، نجم (۵۳) / ۵۱ تا ۵۵.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۱۷
آیه ۳ بعدی که ذکر از خوراک و خوش‌گذارانی شده، دستوری است که برای انجام رسالت به پیغمبر داده می‌شود و در بخش کفرزدایی به آن خواهیم پرداخت. ضمن آنکه علاقه‌ی بیشتر و اشتغال معاصرین را به خوردن و آشامیدن و به بهره‌مند شدن از نعمت‌ها و لذت‌های دنیا بیان می‌کند و همچنین جاذبه و تحریکی که آرزوها و امیدواری‌های دلخوش‌کننده روی انسان داشته او را از توجه به خطرات آینده یا به منافع و منابع بهتری که به او عرضه شود منصرف می‌نماید.

* * *

آیات ۷۸ تا ۸۲ راجع به «یاران ایکه» و «یاران حجر» است. بعضی از مفسرین «أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ» را «قوم مدین» دانسته‌اند و برخی قوم دیگر، که شعیب بر آنها مبعوث یا مأمور شده بوده است. شهرشان ایله، ایلام یا ایلوت واقع در ساحل شرقی دریای قلمز بوده است که تورات از آنها نام می‌برد. حجر را هم نوشته‌اند شهری بوده است در یک‌منزلی وادی القری، میان راه مدینه و شام، و از مراکز ارتباطات بازرگانی با عربستان. در مغرب این شهر کوهی قرار داشته است دارای پنج صخره که دخمه‌هایی در آن تراشیده بوده‌اند. اصطخری می‌نویسد:

«حجر نام خانه‌های ثمود است که تا وادی القری از راه کوهستان یک روز فاصله داشته است.»

آثار و بقایای این قریه‌ها یا شهرها، قابل بازدید مسافرین عربستان به شامات بوده و می‌توانسته است باعث تذکر و عبرت باشد. تمدن پیشرفته و تمتعی که ثمود از زندگی با ثروت و درآمد داشته‌اند آنان را فاسد و ظالم کرده، اجازه می‌داده است مانند اهل مکه، پیغمبران را دروغگو و رسالت آنان را دروغ اعلام نمایند. در آیات قبل از ۷۸ که راجع به قوم لوط است یک بار گفته می‌شود:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ.» (حجر ۱۵ / ۷۵)

(در این سرگذشت (یا هلاکت قوم لوط) آیات و نشانه‌هایی برای عبرت گیرندگان وجود دارد)

و یک بار هم «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ.»^۱ آمده است که با ترجیع‌بند «إِنَّ فِي ذَلِكَ

۱. حجر (۱۵) / ۷۷: در آن [ویرانه‌ها] برای باور داران، نشانه‌ای [از توان و تدبیر خدا] است.

لَايَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.^۱ سوره شعراء (۲۶) اندک اختلافی داشته آمادگی بیشتر مردم (یا پیغمبر اکرم) را برای استقبال از دعوت نشان می‌دهد و متوجه عبرت گیرندگان و مؤمنین می‌شود.

آیه ۷۹ حالت تنذیر و تهدید دنیایی کفرورزان را دارد و از این پس وارد تفصیل و تکرارهای تکمیلی می‌شود.

آیه ۸۲ که خانه‌سازی قوم ثمود در کوه‌ها یا خانه‌تراشی آنها در سنگ را عنوان می‌نماید، هم می‌تواند دلالت بر پیشرفت هنر معماری آنان کند و هم اینکه پناه گرفتن و جای امن پیدا کردن آنها در دل کوه‌ها عامل و علتی برای تصور بی‌نیازی و اعراض از خدا و آخرت بوده باشد.

(۲۸) سال چهارم بعثت، سوره ذاریات (۵۱)، شماره نزول ۰۷۰، آیات (۸ تا ۱۴، ۳۲ و ۳۳، ۳۸ تا ۴۰، ۴۶، ۵۲ و ۵۳)، (۱۵ آیه، ۸۶ کلمه)

روال کلی سوره ذاریات (۵۱) شبیه به حجر (۱۵) و شعرا (۲۶) است که قبلاً دیدیم. حالات و عکس‌العمل‌های معاصرین خاتم‌النبین با اقوام و امت‌های بعضی از انبیاء گذشته مقایسه می‌گردد. از یک طرف به رسول اکرم تذکر داده می‌شود که اقوام بشر همیشه چنین و بلکه بدتر بوده‌اند و نباید متعجب و ملول و مأیوس شود، و از طرف دیگر اندازی است برای کفرورزان تکذیب‌گر که از سرگذشت سلف‌های خود عبرت بگیرند.

شش هفت آیه ابتدای سوره ذاریات (۵۱) شباهت به سوره‌های دیگر این دوران از رسالت دارد که برای ارائه و اثبات امکان قیامت، استنادها و سوگندهایی به پدیده‌های طبیعی آورده می‌شود.^۲

* * *

۱. شعراء (۲۶) / ۸ یا ۶۷ یا ۱۰۳ یا ۱۲۱ یا ۱۷۴ یا ۱۹۰ : به راستی در این [امور] نشانه‌ای [از تدبیر خدا]

است، و [لی] بیشترشان سرایمان نداشتند.

۲. شماره نزول ۰۰۶، اول بعثت، طور (۵۲)،

۰۱۹، ۲، نازعات (۷۹)،

۰۲۵، ۲، مرسلات (۷۷)،

۰۳۷، ۲، قیامت (۷۵)،

۰۷۱، ۴، قمر (۵۴).

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۸	إِذْ كُفِرْتُمْ فِي الْقُبُورِ وَكُنْتُمْ تُخَالِفُونَ	همانا که شما در گفتارهای مختلف هستید.
۹	يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ.	هر کس بخواهد از آن (قرآن) رو بگرداند (هر کس که خود می‌خواهد رو بر می‌گرداند).
۱۰	قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ.	مرگ بر یاوه‌سرایان دروغ‌پرداز.
۱۱	الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرٍ سَاهُونَ.	آنان که در غفلت و بی‌خبری فرو رفته‌اند.
۱۲	يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ.	می‌پرسند روز جزا کی و کجا است.
۱۳	يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ.	روزی که آنها به آتش گرفتار شوند.
۱۴	ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ.	(به آنها گفته می‌شود) عذاب و فتنه خود را بچشید این همان چیزی است که برای عجله داشتید.
۳۲	قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ.	(به ابراهیم) گفتند ما مأموریت برای قوم بزهکار مجرم داریم.
۳۳	لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ.	تا بر آنها سنگ‌هایی از گل فرود آوریم.
۳۸	وَفِي مُوسَى إِذْ أُرْسِلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ.	و (در فرستادن موسی نیز آیتی بود) آنگاه که او را با حجتی آشکار نزد فرعون فرستادیم.
۳۹	فَتَوَلَّىٰ بَرَكْنَهُ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ.	پس به طرف لشکریانش رو کرده گفت (موسی) جادوگر یا دیوانه است.
۴۰	فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ.	پس او و لشکریانش را دستگیره کرده به دریا انداختیم در حالی که سزاوار سرزنش بود.
۴۶	وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.	و پیش از آنها قوم نوح (را هلاک کردیم) آنها قوم عصیانگری بودند.
۵۲	كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ.	این چنین است که برای پیشینیان آنها رسولی نیامد مگر آنکه گفتند جادوگر یا دیوانه است.
۵۳	أَتَوْاصُوا بِبُلِّ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ.	آیا به همدیگر سفارش کرده‌اند؟ بلکه اینان قوم سرکش‌اند.

آیات ۸ تا ۱۴ ناظر بر مشرکین و معاصرین مکه می‌باشد. به دنبال بی‌اعتنایی و تکذیب سرسری فوری اولیه و اینکه یک حالت شک و تردید و اختلاف نظر درباره‌ی رسالت پیغمبر پیدا شده است؛ اظهار نظرهای سطحی و یاوه‌گویی‌هایی می‌نمایند یا به صورت انکاری و استهزاء مسئله رستاخیز را مطرح نموده؛ می‌گویند:

«أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ.» (ذاریات (۵۱) / ۱۲)

(... روز جزا کی و کجاست!؟)

در حالی که هنوز در غفلت و بی‌خبری بسر می‌برند.

پرسش انکاری یا استهزائی «أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ.» اختصاص به زمان رسول اکرم نداشته و از بین نرفته است. حالا هم بعضی از منکرین و سست ایمان‌ها که در

وظائف دینی و محرمات بی‌قیدی نشان می‌دهند وقتی تذکری به آنها داده می‌شود می‌گویند «ای بابا کی خبر از آن دنیا آورده‌است» با جدی نگرفتن مسئله و شک و تردید داشتن خیال خود را با چنین سؤال و اعجاب راحت می‌کنند.

* * *

آیات ۵۲ و ۵۳ نیز بازگشتی است به کفرورزان مکه و جمع‌بندی از اظهارنظرهای اقوام گذشته درباره‌ی پیغمبران مربوطه، بدون آنکه مابین آنها و اینها توافق یا توصیه‌ای به عمل آمده باشد. بلکه تهمت‌های ساحر بودن و مجنون بودن ناشی از حالت سرکشی و طغیانی است که نسبت به خدا و قوانین طبیعت دارند.

* * *

در آیات ۳۲، ۳۹ و ۴۶ که به پیشینیان (قوم لوط، فرعون و قوم نوح) و هلاک آنها توجه شده است همگی اقوام متشکل (یا متمدن) ولی مجرم یا ستمگر و سرکش بوده‌اند که از صفات کفرورزان است و باعث شمول و نزول عذاب می‌شود.

(۲۹) سال چهارم بعثت، سوره قمر (۵۴)، شماره نزول ۰۷۱، (۱۰ آیه ۶۵ کلمه)
سوره قمر (۵۴) دنباله و مشابه سوره ذاریات (۵۱) است و از تعداد بیشتری از انبیاء و اقوام گذشته شاهد مثال می‌آورد. ضمناً آغاز سوره که اعلام و انذار قیامت است مانند سوره‌های دیگری از این دوران به جای استشهاد و سوگند خوردن به پدیده‌ها و جریان‌های طبیعی، از آنچه روز قیامت در طبیعت روی خواهد داد استخبار می‌نماید! آیات ۲ تا ۵ ابتدای سوره، مانند ذاریات (۵۱)، ناظر بر رفتار معاصرین رسول اکرم است که به دنبال استشهاد به آثار طبیعت یا دلایل دیگر، گفته می‌شود که مشرکین به فرض هم که آیه‌ای را ببینند، چون تصمیم به بی‌اعتنایی و عدم توجه گرفته‌اند باز هم اعراض می‌نمایند و می‌گویند مثل همیشه سحر و جادو است. در آیه بعدی ۴ توضیح داده می‌شود که تا به حال تکذیب کرده، از اغراض شخصی و تمایلات نفسانی پیروی نموده‌اند و طبیعی است که چنین باشد چون امور بشری و هر پیش‌آمد

۱. سوره‌های دیگر این نوع عبارتند از:

شماره نزول ۰۱۰، سال اول بعثت، انفطار (۸۲) - ۰۲۴، ۲، انفطار (۸۲) - ۰۳۱، ۲، انشقاق (۸۴) -
۰۳۹، ۳، قیامت (۷۵) - ۰۴۰، ۳، واقعه (۵۶) - ۰۵۲، ۳، قلم (۶۸) - ۰۵۷، ۳، قارعه (۱۰۱) -
۰۶۰، ۳، حاقه (۶۹) - ۰۷۵، ۴، طور (۵۲).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۲۱
و کار برای خود جریان و قراری دارد که نمی‌تواند از آن عدول نماید. با آنکه
برایشان (خصوصاً در سوره‌های این سال) شواهد و اخباری از پیشینیان آمده‌است که
باید در آنها ایجاد انزجار و میل به انصراف از روش اتخاذ شده بنماید (و با ترجمه
دیگر از کارهای مانند شرک نهی شده‌اند) مع‌ذالک پیغمبران بیم‌دهنده را ابلاغ
حکمت‌های رسا به‌مشرکین فایده نبخشیده است.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	(اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَالشَّمْسُ اتَّقَمَتُ.)	(ساعت (یا زمان قیامت) نزدیک شده و ماه بشکافت.)
۲	وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ.	و اگر (کافرها) آیه و نشانه‌ای ببینند رو برمی‌گردانند و می‌گویند جادویی است همیشگی (مانند گذشته).
۳	وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُّسْتَقِرٌّ.	و تکذیب کردند و پیروی از هوای نفس و آرزوهای خود کردند و هر امری قرارگاه خود را دارد.
۴	وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ.	و به تحقیق برایتان از خبرهای گذشته‌ای رسید که در آن انزجار و پرهیز هست.
۵	حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ.	حکمت بالغه و رسا (در آنها)ست ولی سودی و تأثیری بیم‌دهندگان را نداشت.
۹	كَذَّبَتْ قَوْمَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ.	قبل از آنها قوم نوح نیز تکذیب کردند و بنده ما را تکذیب کرده گفتند دیوانه و زجر دیده‌است (یا او را آزار دادند).
۱۰	فَدَعَا رَبَّهُ أَثْمَىٰ مُّغْلَبٌ فَاتَّصَرَ.	پس پروردگار خود را خواند (و گفت) همانا که من مغلوب شدم، پس یاریم بنما.
۱۸	كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَدَابِيَّ وَتُدْرُ.	قوم عاد (نیز) تکذیب کردند پس (بنگر که) عذاب و بیم‌ها چگونه بود.
۲۳	كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ.	قوم ثمود (نیز) بیم‌دهندگان را تکذیب کردند.
۲۴	فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنْآ إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسَعْرٍ.	و گفتند از فرد بشری (چون خودمان) پیروی کنیم؟ که در این صورت ما حتماً در گمراهی و دیوانگی خواهیم بود (و در آتش یا دیوانگی)!
۲۵	أُولَئِكَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشْرٌ.	آیا از میان ما (فقط) به او ذکر (با قرآن) القا شده است؟ بلکه او دروغگوی خودپسند است.

پس از این مقدمه، آیات سوره قمر (۵۴) به‌سراغ قوم نوح و عاد و ثمود و قوم لوط و فرعونیان می‌رود.

* * *

آیات ۹ و ۱۰ تکذیب نوح است و تهمت دیوانه‌زدن و آزار دادن و دعای یاری‌خواستن او از خدا است که منجر به توفان و غرق اعراض‌کنندگان گردید تا

آیه‌ای برای آیندگان باشد.

آیه ۱۸ تکذیب هود از طرف قوم عاد است که دچار باد صرصر شدند. آیات ۲۳ تا ۲۵ که اختصاراً و بدون نام بردن از صالح، داستان ثمود را بیان می‌نماید. در آیه ۲۴ گفتاری از آنان را ذکر می‌نماید که بهانه برای خودداری از پیروی پیغمبران بوده است.

قبلاً در سال سوم بعثت (ردیف ۲۲) این روحیه چنین ابراز شده بود:

«إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ.

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكُومًا لِّشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ.» (صافات (۳۷) / ۳۵ و ۳۶)

(آنها چنین بودند که وقتی به آنان گفته می‌شد معبودی جز خدا نیست، تکبر می‌ورزیدند.

و می‌گفتند آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!)

حالات خودپسندی و تکبر آنها به صورت برتر دانستن جمع خودشان از یک فرد بی‌کس و کار و بی‌قوم و قبیله ابراز می‌گردد و حتی زبان حق به جانب پیش کشیده می‌گویند پیروی از اوست که باعث گمراهی و جهنم رفتن ما می‌شود و اوست که با ادعای دریافت وحی از خدا، خودپسند و متکبر می‌باشد.^۱

آیه ۳۳ مربوط به قوم لوط می‌باشد که تکراری و ترجیع‌بند سوره است و پشت سر آن بلای توقان سنگریزه شبانه می‌آید.

آیات ۴۱ تا ۴۵ داستان فشرده موسی و فرعون است.^۲ دو نکته‌ای که در آیات ۴۴

۱. در قرآن چهار جلدی رهنما درباره‌ی کلمات «سُعْر» (در آیه ۲۴) و «أَشِير» (در آیه ۲۵)، چنین توضیح داده شده است:

«سُعْر» را طبری، آتش ترجمه کرده و مجمع‌البیان به عذاب سخت و کشف‌الاسرار و کاشفی به دیوانگی: برخی از پیغمبران (در ابوالفتوح و تفسیر کبیر آمده است) گفتند: آیا بشری به‌مانند خود را که تنها است پیروی کنیم؟
«أَشِير» به معنای نظر متکبر آمده است و مراد از آیه این است که کافران گفتند این محمد مردی دروغ‌زن است و این سخنان را از روی نظر و تکبر می‌گوید و می‌خواهد بر ما ترفع و برتری بفروشد. خدای تعالی در جواب آنان گفت فردای قیامت این کافران بدانند که دروغ‌زن خودپسند کیست.

در توضیح اخیر که دلپسند می‌آید چنین فرض شده است که آیات ۲۴ و ۲۵ ناظر بر مشرکین مکه است درحالی‌که محصور در آیات مربوط به قوم ثمود می‌باشد.

۲. در تمام این آیات تذکر ترجیع‌بندی که «نُدْر» به‌صیغه‌ی جمع آمده است ظاهراً غرض این بوده که به اقوام اندازشونده و تکذیب‌کننده و به پیغمبران اندازکننده و تکذیب‌شونده حالت مشترک و صورت واحدی داده شود، و مشمول هلاک و عذاب شدنشان نیز پدیده و سرنوشت مشابهی اعلام گردد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۲۳ و ۴۵ اضافه شده است یکی زبان حال کفرورزان است که به جمعیت داشتن و مورد حمایت بودن (بت‌ها یا اجتماع خودشان) می‌نازند و دیگری وصف حال آنان است که این ادعا و اعتماد به وحدت و اجتماعشان بی‌پایه بوده در برابر اولین خطر یا حمله پا به فرار خواهند گذاشت. همان‌طور که بعداً در باره منافقین مدینه و یهودیانی که در خفیه با مشرکین علیه مسلمانان هم پیمان شده بودند دیده شد.^۱

۳۰ سال چهارم بعثت، سوره قلم (۶۸)، شماره نزول ۰۷۲، (۱۶ آیه ۸۵ کلمه) از سوره قلم (۶۸) یک بار در ردیف ۱۹ و شماره نزول ۰۵۲ سال سوم بعثت، آیاتی آورده بودیم، اینک آیات دیگری از همان سوره را که در سال چهارم با شماره ۰۷۲ نازل شده است و ارتباط با کفرورزی و حالات و اعمال کافرین دارد مورد بررسی و تفسیر موضوعی قرار می‌دهیم.

۱۷ آیه فوق که مجموعاً داستانی را نقل کرده است تمثیل و توضیحی است بر آنچه از سال اول بعثت در سوره‌های تکاثر (۱۰۲)، ماعون (۱۰۷)، مدثر (۷۴) و غیره تا آیات اول همین سوره در توصیف و توبیخ مال‌داران دنیاپرستِ خسیس آمده بوده است. داستان می‌تواند واقعیت قبلی و عینیت خارجی داشته باشد یا بر سبیل بعضی از امثله و حکایات قرآن، نمایشی سمبلیک باشد؛ یعنی تجسمی از یک واقعیت نوعی، که عملاً به لحاظ بیان و تفهیم مطلب فرق چندان نمی‌کند. در تفسیر ابوالفتوح قضیه چنین بیان شده است:^۲

«کما بلونا اصحاب الجَنَّة... مراد الجَنَّة در این آیه بستانی است در یمین که از آنجا به صنعاء دو فرسنگ راه است و نام آن حروان و میوه آن بیشتر خرما بود، و از آن مردی بود اهل صلاح و نماز کن، و عادت او

۱. نقل داستان‌هایی که در سوره قمر (۵۴) از اقوام گذشته به عمل آمده است در مقایسه با سوره ذاریات (۵۱) و به لحاظ «سیر تحول محتوایی» آیات، حالت عقب‌گرد دارد به طوری که می‌دانیم و در متمم جلد اول «سیر تحول قرآن» نشان داده شده است تحول و تغییرات محتوای آیات قرآن درباره‌ی موضوع واحد و منظور معین، در مجموع و متوسط و به طور معمول از اشاره و احتمال به سوی تصریح و تفصیل حرکت کرده است، در حالی که آیات سوره قمر (۵۴) حالت اشاره و اجمال داشته سوره ذاریات (۵۱) نسبت به آنها تفصیل و توضیح بیشتر دارد. بنابراین سوره قمر (۵۴) باید قبل از ذاریات (۵۱) و حتی قبل از فجر (۸۹) قرار گیرد.

۲. به نقل از قرآن رهنما، جلد چهارم، صفحه ۳۷۸.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۷	إِنَّا بَلَوْتَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ.	ما آنها را تحت آزمایش و ابتلا قرار دادیم هم چنان که یاران (یا صاحبان آن) بستان را آزمودیم، آن زمان که سوگند خوردند در صبحگاهان برداشت محصول یا میوه چینی نمایند. و استننا نکردند (ان شاء الله نگفتند).
۱۸	وَلَا يَسْتَنْتُونَ.	و استننا نکردند (ان شاء الله نگفتند).
۱۹	فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ.	پس درحالی که شب هنگام خواب بودند گذرکننده‌ای (باد یا بلایی) از جانب پروردگارت بر آنجا گذر (و همه چیز را خشک و نابود) کرد!
۲۰	(فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ).	(پس آن بستان) مانند شب، تاریک و سوخته شد.
۲۱	فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ.	چون صبح شد یکدیگر را خبر کردند (با صدا زدند).
۲۲	أَنِ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْبِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَارِمِينَ.	که صبح زود به کشتزار یا باغ خود بروید، اگر قصد برداشت محصول را دارید.
۲۳	فَانظَرُوا لَهُمْ فِتْنَاتِفُونَ.	راه افتادند و درگوشی با هم می گفتند.
۲۴	أَن لَّا يَدْخُلُهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مَّسْكِينٌ.	که نباید امروز مسکین و مستمندی داخل آن (باغ) شود.
۲۵	وَعَدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ.	و شب را به روز آوردند درحالی که خود را قادر و توانا (بر اجرای خواسته خود) می پنداشتند.
۲۶	فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ.	همین که آن (باغ و سوخته شدن درختانش) را دیدند گفتند حتماً عوضی آمده گم کرده‌ایم.
۲۷	بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ.	نه، بلکه محروم و بی بهره شده‌ایم.
۲۸	قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْأَن تَسْبَحُونَ.	فهمیده ترین آنها گفت مگر به شما نگفتم چرا خدا را تسبیح نمی کنید؟
۲۹	قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ.	گفتند منزّه است پروردگار ما حقاً که ما ستمکار به خود و ناحق بودیم.
۳۰	فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ يَتَّبِعُونَ.	به یکدیگر رو آورده خود را سرزنش می کردند.
۳۱	قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ.	گفتند وای بر ما، حقاً که ما سرکش بودیم.
۳۲	عَسَى رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَهِي رَبَّنَا غِثُونَ.	باشد که پروردگارتان بهتر از آن را عوض دهد همانا که ما به پروردگارتان روی آورده‌ایم.
۳۳	كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخِرَ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.	عذاب و رنج (دنیا) چنین است و به یقین، اگر بدانید، عذاب آخرت بزرگ تر است.

این بود که چون خرما خواستی بریدن، هرچه از درخت بیفتادی، درویشان را ندا کردی و تا آن میوه‌ها بر درخت بودی، رهگذریان را منع نمودی، و چون تمام بیچیدی، حق تمام به درویشان دادی، و خدای تعالی او را از بهر آن برکت می داد. چون از دنیا برفت سه پسر داشت که باغ به میراث برداشتند و با یکدیگر گفتند ما این نتوانیم کرد که پدر ما

کرد. از اینکه یک نیمه میوه این بستان به درویشان دادی، که ما را عیال بسیار است و مال اندک. از این رو راه بر رهگذاران بگرفتند و چون وقت «ارتفاع»^۱ بود درویشان به عادت بیامدند که نتیجه میوه بستان را بگیرند. به آنان گفتند امروز و فردا وقت نیست. آنکه اتفاق کردند که شبی بروند و در شب میوه درختان بار کنند. پنهان از درویشان، و بر آن سوگند خوردند و استثنا نکردند.^۲ آن شب که به این اتفاق کردند غذایی و آتشی از آسمان بیامد^۳ و جمله درختان را با میوه‌هایش بسوخت. خدای تعالی در این آیه قصه آنان را یاد کرد، چنان که در آیه ۱۷ می‌خوانید.

البته اشاره و عبارات این آیات در باره باغداران معتقد به خدا و ایمان‌آوردگان به پیغمبران گذشته است - زیرا که بعد از وقوع بلا، تسیح خدا را کرده و حالت توبه و تمنا پیدا کرده‌اند. ولی در اولین آیه ضمیر «هُم» که در جمله «إِنَّا بَلَوْنَا هُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ» آمده است مرجع آن مشرکین مالدار و ممسک مکه می‌باشد. در واقع و به دنبال سوره‌های قبل که سرگذشت کفرورزان معاصر پیغمبران گذشته و بلاهای دچار شده‌ی آنها نقل شده است این داستان نیز در مورد مؤمنین به آنهاست که خدا و دستور و دست او را فراموش کرده، علاقه و امساک نسبت به مال و محصول را به حد اکثر رسانده تصمیم گرفته‌اند حتی در موقع خرمن و برداشت نیز چیزی به محرومان و مستمندان ندهند و تصور نموده‌اند که می‌توانند روی نعمت‌ها و داده‌های خدا هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند و تصمیمشان اجرا خواهد شد! در مواجهه با نابودی اصل و فرع مالشان به یاد گمراهی خود و منزله دانستن خدا از تصور شرکی که درباره‌ی او کرده و خود را مالک و مسلط بر مزرعه و رویدادهای آینده می‌دانسته‌اند، می‌افتند. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری داستان که در آیه ۳۳ آمده، التفات و برگشتی است به معاصرین و مستمعین خاتم النبیین (ص).

به این ترتیب داستان شامل تذکر و تنبه بیشتری نسبت به سرگذشت‌های ساده مشرکین سابق می‌باشد. ضمناً می‌رساند که ایمان‌آوردگان نیز به صرف اظهار و اعتقاد اولیه مصون از بازگشت به کفر و ابراز همان حالات یا افکار و اعمال نمی‌باشند

۱. برداشت کشت و میوه (المنجد).

۲. یعنی نگفتند ان شاء الله (اگر خدا بخواهد).

۳. می‌تواند رعد و برق و صاعقه‌ی ابر به زمین باشد.

و کفر و ایمان در وجود انسان تفکیک پذیر و علی‌الاطلاق نیست. ضمن آنکه غرور به توانایی و دانایی خود که ملازمه با انکار یا نسیان خدا داشته باشد از وجهه‌های کفرورزی بوده و سر به شرک می‌زند.

معمولاً کشاورزان و کشت‌کاران مستقیم‌تر از صفوف دیگر، مانند کسبه و صنعتگران و مزدبگیران، روزی خود را از دست خدا (یا طبیعت) می‌گیرند. هم بر سر خوان نعمت و احسان خدا غذا می‌خورند و هم بیش از سایرین در معرض آفات و خسارات (یا قهر طبیعت) قرار می‌گیرند. بنابراین باید خیلی خداشناس باشند. کسانی که با تولیدات زمین و آب آسمان یا بهره‌برداری از چارپایان و زنبورعسل و امثال آنها سروکار دارند و برخلاف صنعتگران و کارگران بیش از دسترنج خودشان شاهد برکات و داده‌های خدا هستند، قاعدتاً باید در درآمدهای خود سهم خدا یا حق خدا را منظور داشته و بذل و بخشش بیشتری به مردم و محرومان بنمایند. به طوری که در دهات ایران سابقاً مرسوم بوده است زارعین و مالکین در سر خرمن و زمان برداشت محصول فراوان، ریخت‌وپاش زیادتری می‌کردند.

اصولاً انفاق و احسان پاک به دیگران نتیجه‌ی دو عامل است؛ یکی عامل انسانی عاطفی و دل‌سوختگی که شخص نسبت به مردم و محرومان در وجود خویش احساس می‌نماید، و دیگری توکل ناخودآگاه به طبیعت و استمرار تولید، یا اعتقاد خودآگاه که احسان‌کننده به خدا و روزی‌رسانی او داشته، یقین یا امید دارد که جای آنچه داده است پر خواهد شد. البته هر دو عامل در ریشه و اساس از طبیعت و خدا سرچشمه می‌گیرد تا انسان را متصف به صفات او که جود و ایجاد است بنماید. در این داستان و در آیات وصف‌حال مشرکین دنیاپرست قریش، فقدان هر دو عامل و تأثیر متقابل آنها به چشم می‌خورد. در سرگذشت مشرکین ممسک تاجرپیشه، آنچه دیده می‌شد عدم تمایل به هم‌سفرگی و اطعام مسکینان بود. اینجا بیان مطلب و مثال با رنگ تندتر و شکل برجسته‌تر جلوه می‌نماید. از یک طرف انتخاب بستان و بهره‌مندی باغداران از خوان گسترده‌ی طبیعت و از طرف دیگر تصمیمی که با پیش‌بینی و نقشه قبلی برای جلوگیری از آگاهی و حضور مسکینان گرفته و خواسته‌اند عمل انفاق و احسان مطرح نشود و نتیجتاً مواجه با از دست‌دادن همه‌ی محصول و مایملک خود گشته‌اند. سیر تحول محتوایی آیات جریانی به صورت ذیل داشته و منتهی به توبه و تسبیح شده است:

شماره سال ردیف	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات
۱	۱ ب تکاثر (۱۰۲)	۱. اللَّهُكُمْ التَّكَاثُرُ. ۲. حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ.	شما را افزون طلبی و تفاخر در دارایی‌ها و توانایی‌ها، واله و شیفته کرده است. تا آنجا که به گورستان‌ها (برای شمارش گذشتگان) می‌روید (یا تا وقتی که زندگی‌تان به پایان می‌رسد).
۷	۲ ب ماعون (۱۰۷)	۳. وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ.	و تمایلی به غذا دادن و همسفرگی با مسکین نشان نمی‌دهد.
۱۹	۳ ب قلم (۶۸)	۱۲. مَتَاعٌ لِلْآخِرِ مُعْتَدٍ مَّيِّبٍ.	بازدارنده از کار خیر و گزافه‌کار گناهکار.
۳۰	۴ ب قلم (۶۸)	۲۴. أَلَمْ يَدْخُلْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ. ۲۷. بَلْ نَحْنُ مُخْرَمُونَ. ۲۹. قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ.	که نباید امروز مسکین و مستمندی داخل آن (باغ) شود. نه، بلکه محروم و بی‌بهره شده‌ایم. گفتند منزّه است پروردگار ما حَقّاً که ما ستمکار به خود و ناحق بودیم.

۳۱ سال چهارم بعثت، سوره دخان (۴۴)، شماره نزول ۰۷۳، (۱۳ آیه و ... کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۹	بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ.	بلکه آنها در شک و تردیدی بازی می‌کنند.
۱۳	(أَنِّي لَهُمُ الذَّكَرِيُّ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ).	(تذکر و پند چه سودی برای آنها دارد در حالی که به تحقیق پیغمبر بیان‌کننده‌ای برایشان آمد).
۱۴	ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ.	ولی از او روی گرداندند و گفتند تعلیم‌گرفته‌ای دیوانه است.
۱۵	(إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ).	(ما بردارنده‌ی اندکی عذاب (دخان) هستیم ولی شما بازگردنده هستید).
۱۷	وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ.	و به تحقیق پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری برایشان آمد.
۱۸	أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّايَ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ.	که (می‌گفت) بندگان خدا را به من بسپارید همانا که برای شما پیغمبر امینی هستم.
۱۹	وَأَنْ لَّا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِيَّايَ آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ.	و اینکه برتری و بزرگی بر خدا مجوید همانا که من حجت و دلیل روشنی برایتان آورده‌ام.
۲۰	وَإِيَّايَ عُدْتُمْ رَبِّي وَرَبَّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ.	و به درستی که اگر سنگسارم کنید به پروردگار خودم و به پروردگار شما پناه می‌گیرم.
۲۱	وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ.	و اگر نمی‌خواهید به من ایمان آورید، مرا ترک کنید و یا کناره‌گیری نمایید.
۲۲	فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ آءَ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ.	آنگاه (موسی) پروردگار خود را خواند که اینان گروهی گناهکار یا بدکارند.
۲۵	كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ.	چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌زارها که بجا گذاشتند.
۲۶	وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ.	و کشتزارها و مقام و منصب‌های بالا.
۲۷	وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ.	و نعمتی که در آن خوش بودند.
۳۰	وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ.	و به تحقیق بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده‌ای نجات دادیم.
۳۱	مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ.	از (دست) فرعون که برتری جویده از اسراف‌کاران بود.

سوره دخان (۴۴) کم و بیش مانند سوره‌های قبلی این سال با سوگند به آثار خلقت و ذکر و تسبیح خدا (این بار از طریق انزال قرآن) آغاز می‌شود. اندکی به انذار و توصیف مشرکین مکه و برخورد آنها با رسول اکرم می‌پردازد و سپس عنایت به صفت و سنت بعضی از گذشتگان (قوم فرعون و قوم تُبَّع) و عبرت‌گیری از سرنوشت آنان در دنیا و آخرت می‌نماید. از لابه‌لای آن انذارها و تذکرات، آیات بالا در ارتباط با کفوورزی انتخاب شده است که در زیر مختصر توضیحی می‌دهیم. در آیه ۹ حالت سرگردانی کافرها و سرگرمی آنها به بازی‌های دنیا، در برابر روشنگری قرآن و رحمت و ربوبیت خدا که در آیات ابتدای سوره آمده‌است، بیان می‌شود. شاید اولین بار باشد که بازیگری کفوورزان بهره‌مند از دنیا (یا به‌طور کلی بازیچه بودن دنیا که در سال‌های بعد خواهد آمد) اشاره می‌شود. ضمناً ابراز یا اتخاذ حالت شک از طرف مدعیان، در مقایسه با بی‌اعتنایی و روگردانی و تهمت جادو و جنون گامی به جلو محسوب می‌گردد.

همچنین نسبت دادن تعلیم یافتگی پیغمبر که در آیه ۱۴ اشاره شده‌است نشان می‌دهد که برای بعضی از مشرکین درستی و ارزش قرآن انکار شده‌است ولی هنوز اصالت آن و نبوت پیغمبر قابل قبول نبوده او را تعلیم گرفته یا تکرارکننده‌ی مکاتب دیگران می‌دانند.

آیات ۱۷ تا ۲۲ درگیری و برخورد فرعونیان را با حضرت موسی به یاد می‌آورد (که بیش از همه‌ی کفوورزان و پیغمبران و امت‌های آنان در قرآن جاگرفته است). در اینجا برای فرعون که کفر و طغیان را به حد اعلی رسانده است صفاتی گوشزد می‌شود که مقدم بر آنها علو بر خداست. برتر دانستن خود نسبت به مردم و جهل و بزرگ‌بینی خود تا سرحد خدایی. این علو و ادعا همراه با عذاب و سنگسار انکارکنندگان است که جرمی بالاتر از تکذیب و تولی و تهمت‌های معاصرین رسول اکرم می‌باشد.

آیات ۲۵ تا ۲۷ از باغات پرچشمه و آب، و مزارع پر حاصل و مقام یا موقعیت‌های والایی یاد می‌نماید که همراه با انواع نعمت‌ها و خوشی‌ها بوده و پس از هلاکت صاحبان آنها بجا گذاشته شده‌است.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۲۹
 در آیه ۳۱ مجدداً از برتری جویی فرعون صحبت می‌شود که مشرکین قریش به
 آن حد نرسیده بودند و از تجاوزگری فرعون از حقوق بشری و حدود الهی که تأیید
 و شاهی بر این اصل می‌باشد که:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ»

أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَىٰ. (علق (۹۶) / ۶ و ۷، سوم بعثت، ردیف ۱۲ جدول)

(... به درستی که انسان حتماً سرکشی و طغیان می‌کند.)

همین که خود را بی‌نیاز (از هر چیز و هر کار مصون و مطمئن) ببیند.)

گویی که کثرت رفاه و نعمت و قدرت انسان‌ها همراه با جهل و جرم آنها با اعراض
 و انکار خدا و با ادعای شرک و الوهیت تناسب دارد.

۳۲) سال چهارم بعثت - سوره طور (۵۲) شماره نزول ۰۷۵

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۱	فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ.	وای در آن روز بر تکذیب کنندگان. (این آیه قبلاً در سوره مطففین (۸۳)، ردیف ۲۶ در سال سوم آمده بود و ترجیع‌بند سوره مرسلات (۷۷)، ردیف ۸، سال دوم هم بود.)
۱۲	الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ.	کسانی که در غفلت و فرو رفتن در لهو و لعب به سر می‌برند.
۱۳	(يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً).	(آن روز به سوی آتش جهنم کشیده شوند، کشیدنی (به قهر).)
۱۴	هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ.	(گویند) این همان آتشی است که آن را تکذیب می‌کردید.
۱۵	أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ.	حالا آیا این سحر است یا درست نمی‌بینید؟
۲۹	فَذَكِّرْهُمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بَكَاهِنٍ وَالْمُجْتَنُونَ.	پس تذکر و پنده بده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه.
۳۰	أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتْرَبُّصُ بِهِ رَبِّبِ الْمُتُونِ.	یا می‌گویند (محمد) شاعری است که برای وی انتظار حوادث بد روزگار را داریم.
۳۱	(قُلْ تَرَبُّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ).	(بگو انتظار بکشید که من هم با شما از منتظرانم.)
۳۲	أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ.	یا آنکه احلام و آرزوهایشان آنان را چنین وامی‌دارد یا گروهی سرکشی‌اند؟
۳۳	أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلُهُ بَلْ لَأُؤْمِنُونَ.	یا می‌گویند او آن (قرآن) را پیش خودباخته است، بلکه ایمان نمی‌آورند.
۳۴	فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.	(پس اگر راست می‌گویند سختی مانند آن بیاورند.)
۴۲	أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ.	یا قصد دارند مکر و نقشه‌ای سوار کنند ولی کافران (بداند) مکرشان به خود آنها برمی‌گردد.

در سوره طور (۵۲) مانند بسیاری از سوره‌های این سال پس از قسم خوردن
 به واقعیات و مشهودات طبیعت، هشدار کوبنده‌ی کوتاهی به عذاب واقع‌شونده‌ی غیر قابل

دفع و به حدوث قیامت داده می‌شود. پس از آن به جدال و بحث با مشرکین روی تکذیب‌ها و تهمت و اظهارنظرهایشان، می‌پردازد. در ضمن و زیر بحث، حرف‌های آنها و علل و اعمال احتمالی آنها در قبال دعوت، بازگو و جواب داده می‌شود. داستان تمثیلی یا سرگذشت پیشینیان و پیغمبرانشان در این سوره نیامده است.

آیات ۱۱ تا ۱۵ با اشاره به قیامت و عذاب آخرت تکذیب‌گری مشرکین و غفلت و بازیگری آنان را در دنیا به یادشان می‌آورد و در ورود به جهنمی که آن را دروغ می‌پنداشتند از آنها پرسیده می‌شود (یا خودشان از خود می‌پرسند) که آیا این باز هم جادواست یا نمی‌بیند؟

در آیه ۲۹ که دستور به پیغمبر و مربوط به کفرزدایی است، و آیات بعدی آن تا آیه ۳۴ که به صورت سرزنش و پرسش تنظیم شده است، از کاهن و مجنون بودن پیغمبر و از شاعر بودن او و انتظار مرگش صحبت می‌شود و پیروی کردن مشرکین از احلام و آرزوهای خود و سرکشی آنها و تصور به هم‌بافتگی قرآن توسط پیغمبر، که بالاخره جواب داده می‌شود اگر راست می‌گویید داستان و سخنی مانند آن بیاورید.

ادعای دیوانگی و شاعرصفتی محمد(ص) را در آیات کفرورزی سابق دیده بودیم. نسبت کاهن بودن نیز تازگی ندارد چون کار کاهن‌ها در عرف آن زمان‌ها صحبت از اجنه و ارواح و خداها و جادوگری و افسانه‌سرایی بوده است. اما انتظار پایان عمر پیغمبر را کشیدن و بافتگی و ساختگی بودن قرآن، حرف‌های نوظهور است. اولی می‌تواند ناشی از خسته و مأیوس شدن کفار و بی‌پایه و بی‌ثمر دیدن عکس‌العمل‌های نابجایشان باشد که دست روی دست گذاشته می‌گویند ببینیم عاقبت کار چه می‌شود. تصور یا تهمت خودبافتگی قرآن که از ناحیه بعضی از منکرین عنوان شده است در حقیقت تکذیب و اقرار به خطابودن تعلیم‌یافتگی می‌باشد و عقب‌نشینی بیشتر آنها را در برابر پایداری و پیشرفت پیغمبر نشان می‌دهد.

قصد حيله‌گری و توطئه علیه دعوت که در آیه ۴۲ احتمال داده یا اعلام شده است، وجهی دیگری از سیر تحول پاسخ و عکس‌العمل‌های کفار می‌باشد که می‌تواند حالت پیش‌گویی نسبت به آنچه در سال‌های بعد دست به آن خواهند زد و از دایره بی‌اعتنایی و اعراض بی‌طرفانه و از آزار و اظهارات زبانی خارج خواهند شد، داشته باشد و از هم اکنون به معاندین بعدی و به رسول اکرم و مؤمنین اطمینان داده می‌شود که فریب کاران و دام‌گستران خودشان به دام خواهند افتاد.

۳۳) سال چهارم بعثت، سوره نوح (۷۱)، شماره نزول ۰۷۲ (۱۵ آیه، کلمه)

شماره آیات	آیات	ترجمه آیات
۵	(قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا.)	[نوح] گفت پروردگارا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.
۶	فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا.	ولی دعا و دعوت من بر آنها جز فرار چیزی نیفزود.
۷	وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا سِتْكَبَارًا.	و به درستی که من هر زمان که آنها را فرا می‌خواندم تا از تقصیرشان درگذری انگشتان خود را در گوش‌ها می‌کردند و لباس‌های خود را به خود می‌پیچیدند و پافشاری داشته خود را شدیداً بزرگ پنداشته تکبر و عصیان می‌ورزیدند.
۸	ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا.	پس از آن با صدای بلند و آشکارا دعوت کردیم.
۹	ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنَتْ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا.	باز هم دعوتم را، هم عمومی آشکارا و هم خصوصی و پنهان، انجام دادم.
۱۰	فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا.	ه آنها گفتم از پروردگارتان بخشش بخواهید همانا که او بسیار آمرزنده است.
۱۱	يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا.	(تا باران) آسمان را پیاپی بر شما بفرستد.
۱۲	وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا.	و شما را با اموال و فرزندان مدد رسانده، باغات و جویبارها برایتان فراهم کند.
۱۳	مَا لَكُمْ لَّا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا.	شما را چه می‌شود که برای خدا وقار و بزرگی امید ندارید یا بزرگش نمی‌دانید.
۱۴	وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا.	در حالی که شما را به تحقیق به گونه‌های مختلف آفریده است.
۱۹	وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا.	و خداست که زمین را برای شما گسترده کرد.
۲۰	تِلْسُلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا.	تا در آن از راه‌های فراخ استفاده (حرکت) کنید.
۲۱	قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَأَتَّبِعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا حَسَارًا.	نوح گفت پروردگار من آنها نافرمانی مرا کردند و از کس (یا کسان) پیروی نمودند که چیزی جز نافرمانی و پشیمانی برمال و اولادشان نمی‌افزود.
۲۲	وَمَكْرُوا مَكْرًا كَثِيرًا.	و مکر کردند مکری (بزرگ).
۲۳	وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سِوَاعًا وَلَا يَعُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا.	و گفتند معبودهای خود را رها نکرده (یا به حال خود وانگذازند) و «وَدَّ» و «سِوَاعًا» و «يَعُوثَ» و «يَعُوقَ» و «نَسْرًا» را از دست ندهید (ترک نکنید).
۲۴	وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا.	و به این ترتیب (خلق) بسیاری را گمراه نمودند و ظالمین را چیزی جز گمراهی میفزای.
۲۵	مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أَغْرَقُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا.	به سبب (یا به وسیله) خطاهای خود غرق شدند و داخل آتش جهنم شدند و باورانی غیر از خدا نتوانستند پیدا کنند.
۲۶	وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَّا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا.	و نوح گفت پروردگارا هیچ فردی از کافرها را بر روی زمین باقی نگذار.
۲۷	إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا.	همانا که اگر آنان را به حال خود رها کنی بندگان را گمراه می‌کنند و جز بدکار و کافر نخواهند زاید.
<p>۱. اگر قرأت آیه به صورت «... وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا حَسَارًا» باشد، معنایش چنین می‌شود: (... ظالم‌ها چیزی جز خسارت و زبان به بار نمی‌آورند). در این صورت توضیح و تأییدی بر «وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» می‌شود.</p> <p>۲. تأیید زیر نویس (۱) جدول.</p>		

همان طور که قبلاً متذکر شدیم در سال چهارم بعثت، با عنایت به تاریخ گذشته ادیان و حکایت برخورد پیغمبران با اقوام و امت‌های مربوطه، فصل جدیدی باز شده است که در سوره شعراء (۲۶) به اجمال و اختصار از هفت نفر آنان صحبت و ترجیع‌بند مشترکی تکرار گردید. منظوری هم که به نظر می‌آید خدا (یا قرآن) از این کار داشته است و تأثیری را که می‌بایستی روی شخص پیغمبر و کفرورزان و ایمان‌آوردگان بنماید، بیان نمودیم. در سوره‌های بعد از شعرا (۲۶) رفته‌رفته از تعداد انبیاء کاسته و در عوض بر توضیح و تفصیل داستان‌ها افزوده می‌شد.^۱ اینکه سوره نوح (۷۱) با حداکثر تشریح و تفصیل اختصاص به اولین پیغمبر اولوالعزم داده می‌شود که اولین مأمور خدا برای هدایت خلق گمراه به سوی اوست، با همه‌ی کم‌رشدی و جهل و سرسختی که داشته‌اند و با همه‌ی صرف عمر و صبر و پایداری که نوح به خرج داده است.

معلوم می‌شود که شگفتی و رنج درونی رسول اکرم از بی‌اعتنایی و بهانه‌تراشی‌های مشرکین معاصر خود، و بی‌تأثیری پیام وحی چنان سنگین بوده و شاید او را در کار رسالت ملول و مأیوس می‌ساخته است که یک‌بار یادآوری فهرست‌وار سرگذشت اسلاف او در سوره شعرا (۲۶) کافی به مقصود نبوده ضرورت داشته‌است، چنان‌که رسم قرآن و روش تحول محتوایی موضوعات می‌باشد، مطلب چندین بار بازگو و بازتر شود و در داستان نوح نمونه‌ی اعلی و اکمل مسائل و مشکلات انجام رسالت خدا در میان خلق خدا خواسته و خدا ساخته‌ی تکامل یابنده به‌نمایش گذارده شود، تا امید و آمادگی پیغمبر یا مداومت و مقاومت او در ایفای وظیفه رسالت که عقبه‌های سخت‌تری در پیش دارد بیشتر شود و به عوض او مشرکین و کفرورزان در بی‌توجهی و سرسختی خود ملول و مأیوس گردند.

داستان نوح، مخصوصاً از این جهت آموزنده و ارزنده بوده و انتخاب شده‌است که نوح نهصد و پنجاه سال بیشتر و یا کمتر با قوم خود به گونه‌های مختلف سر و کله زده است. مع‌ذالک از ناحیه آنها عکس‌العملی جز فرار کردن، انگشت در گوش گذاردن، لباس بر سر کشیدن و بالاخره لجاج و تکبر و ترفند به‌خرج‌دادن چیزی ابراز نشده و با وجود ارائه و احاطه توفان همه‌جاگیر و حشتناک، حتی فرزند او ایمان نیاورده است. درحالی که حضرت خاتم‌الانبیاء فقط سه سال است که برنامه و برخورد با مشرکین و کافر‌ها را دارد و در این مدت کوتاه نه تنها مواجه با چنین فرار

۱. به استثنای سوره قمر (۵۴) که خود وسیله برای تصحیح ردیف‌بندی جدول نزول آیات گردید.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۳۳
و استنکاف و بازیگری‌ها نشده‌است، بلکه شاهد تشتت صفوف منکرین رسالت و توجه و توجیه‌های گوناگون آنان بوده، نشانه‌های پیشرفت و پیروزی دیده است و بیشتر از حاصل نهصد سال نوح که «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»^۱ بوده، در میان خاندان و نزدیکان و بیگانگان گرونده و فداکار پیدا کرده‌است. سوره نوح (۷۱) از این جهت از سوره‌های برجسته و بسیار مهم و مؤثر قرآن به‌شمار می‌رود و منظور از آن نه داستان‌سرایی بوده‌است و نه اثبات قضاوت و اعجاز.

آیاتی که در جدول آورده شده است درد دل‌ها و حکایت و شکایت‌های نوح نبی‌الله است که از دست قوم بی‌تمیز و تازه وارد رشد شده‌ی خود به‌درگاه خدای مأمورکننده‌ی او گزارش می‌نماید. چهار آیه اول سوره با این اعلام برنامه شروع می‌شود (و خطاب آن به رسول اکرم و معاصرین و به‌همه‌ی آیندگان و مؤمنین است) که ما نوح را مأمور قومش ساختیم تا پیش از فرا رسیدن عذاب آنان را هشدار دهد (مانند خود پیغمبر) به آنها بگوید برای شما بیم‌دهنده یا اندازکننده آشکار روشنگر هستیم. سخنم این است که خداوند را بندگی کرده از او پروا داشته باشید و از من اطاعت کنید تا گناهانتان و بدکاری‌های گذشته‌تان را بیامرزد و بهره‌مندی و عمرتان را تا اجل مشخص مقرر عقب‌اندازد.

آنچه بیش را هر چیز به چشم می‌خورد لجاج قوم نوح و مخصوصاً کودنی و عدم رشد آنان است. استدلال‌های نوح (که تماماً مبتی بر مشاهدات و محسوسات و بر منطقی است) و اصرار و اندازهای قاطع پیغمبر اولوالعزم کمترین تأثیر روی آنها ندارد. چون درک این معانی را نمی‌کرده‌اند می‌گریختند و یا گوش و چشم خود را می‌بستند تا دعوت نامطلوب و دلایل نامفهوم نوح را نشنوند و نبینند.

برای بشر صاحب حواس و شعور و اهل فکر و قیاس قبول یک آفریدگار نادیدنی و کردگار حاضر در همه‌جا و همه‌وقت که نادیدنی و ناجور با ما بوده، زاینده و زاینده نباشد و بدون افزار و اعضا، عمل و اداره امور کند، همیشه فوق‌العاده مشکل و بلکه محال بوده است، و هرچه به‌عقب برگردیم بیشتر برای درک این معانی؛ عمرها و دشواری‌ها و دوران‌ها، همراه با رشد و ممارست‌ها و با تعلیم و تربیت و تکامل‌ها، لازم بوده است تا این اشکال محال برطرف و یا سبک گردد. علت اصلی فرار و استنکاف یا لجاج و دشمنی کفرورزان و مسئله و مشکل پیغمبران را از این

۱. هود (۱۱) / ۴۰: ... و جز عده‌ی کمی به او ایمان نیاورده بودند.

۱۳۴ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

زاویه، که گوشه‌ای از آن در سوره نوح (۷۱) باز شده است باید دید؛ سوره‌ای که اگر روزنه‌ای از گذشته است آئینه‌ای به حال و آینده نیز بوده، در مجموع و متوسط و مختصر، زبان حال همه‌ی اعصار و اقوام بشریت می‌باشد.

در قسمت اول آیات (از ۵ تا ۲۰) عکس‌العمل بدوی قوم و پافشاری و استدلال‌های طبیعی نوح را می‌بینیم. آیات قسمت دوم (از ۲۱ تا ۲۴) شکایات نوح و نفرین او را پس از توطئه و تهدید قوم بیان می‌نماید. معلوم می‌شود که متولیان معابد و مقامات به تعصبات قومی و مخصوصاً به اعتقادات دینی، برای تحریک عوام و سرکوب اصلاح‌طلبان و ناجیان، توسل جسته‌اند! این تزویر و تحریک جلوتر از تکذیب و توجیه‌های سحر و جنون که از مقوله جدل و تحقیق است در اقوام کهن وجود داشته است و عشق‌ورزی به مال و منال دنیا که از مراحل پیشرفته تمدن به شمار می‌رود نیز در سرگذشت درگیری‌های نوح با قوم خود نیامده است.

در قسمت سوم آیات (۲۵ تا ۲۷) در یک آیه به‌طور اختصار و اشاره فرجام هلاکت بار دنیا و آخرت قوم نوح آمده است، و ناتوانی و نیستی بت‌ها و یار و یاوران خیالی مشرکین که با بخش کفرزدایی ارتباط پیدا می‌کند. در دو آیه بعدی تفصیل و توضیح بیشتر درد دل و پیشنهاد نفرینی نوح را می‌خوانیم، بدون آنکه تأیید و تعهد الهی پشت سر آن آمده باشد.

* * *

۳۴) سال چهارم بعثت، سوره رحمان (۵۵)، شماره نزول ۲۸

(۲۵ آیه تکراری و یک آیه منفرد - ۹۸ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۸	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان تکذیب می‌ورزید؟
	۲۴ آیه ترجیح‌بندی دیگر به شماره‌های ۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۸-۴۰-۴۲-۴۵-۴۷-۴۹-۵۱-۵۳-۵۵-۵۷-۵۹-۶۱-۶۳-۶۵-۶۷-۶۹-۷۱-۷۳-۷۵-۷۷ که یک در میان تکرار می‌شود.	
۴۳	هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ.	این همان جهنمی است که خطاکاران آن را دروغ می‌دانستند.

۱. راجع به پنج اسم غیر مأنوس «وَدَّ» و «سَوَاعِ» و «يَعُوْثُ» و «يُعُوْقُ» و «نَسْرُ» که غالب مفسرین آنها را بت‌های مورد پرستش قوم نوح دانسته‌اند، گفته شده است که پنج مرد موحد مصلح مورد احترام بوده‌اند که پس از قومشان در ذهن و زبان مردم رفته‌رفته حالت نیمه‌خدایی و ارادت خاص پیدا کرده‌اند، و بدین وسیله برای تحریک عوام و تهدید نوح مورد استفاده کاهنان و سردمداران قرار گرفته‌اند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۳۵

سوره رحمان (۵۵) یک حالت جدایی و تمایز با سوره‌های ماقبل و مابعد دارد و از جهات چندی منحصر به فرد و برجسته می‌باشد. این سوره با تعبیرهای زیبا از آثار خدا و نعمات دنیا، و توصیف‌های کوتاه رسا از رنج‌های غیرقابل تحمل جهنم، و مخصوصاً بیان لذایذ و مظاهر بهشت ترسندگان از مقام خدا برای دو نوع مخلوقات مختار را تشریح و تصویر می‌نماید، عنوان عروس قرآن را پیدا کرده است. مع‌ذالک به اقتضای دوران و موضع اتخاذی اکثریت شنوندگان، مسئله‌ی روز یا سال که تکذیب مشرکین از آورده‌ها و گفته‌های رسول خداست، فراموش نمی‌گردد. بیش از هر سوره و هر جا، تقریباً یک آیه در میان، مکررترین ترجیع‌بند یعنی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» را تکرار می‌نماید. آلاء و آثار رحمت و قدرت خدا که هم در زمین و آسمان و زندگی ما غیرقابل انکار است و هم در آخرت به‌مورد اجرا یا استفاده در خواهد آمد. از هم‌اکنون در آیه ۴۳ برای مجرمین منکر نبوت، خط و نشان کشیده خبرشان می‌کند که جهنمی را که تکذیب می‌نمایید با گوشت و استخوان و با تمام وجود خود لمس خواهید کرد!

(۳۵) سال چهارم بعثت - سوره طه (۲۰)، شماره نزول ۰۸۰ (سه آیه، ۲۴ کلمه)

شماره	آیات	ترجمه آیات
۱۶	فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَآ يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى.	پس مبادا آن کس که به آن (ساعت یا قیامت) ایمان ندارد و پیروی از هوای نفس می‌کند تو را از آن باز بدارد و بنابراین هلاک شود.
۴۳	أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ ظَعْنِي.	(دو نفری) بروید به نزد فرعون به درستی که سرکشی و طغیان کرده است.
۴۸	إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مِنْ كَذَّبٍ وَتَوَلَّى.	به درستی که به ما وحی شده است که عذاب برای کسی خواهد بود که (خدا و پیام او را) تکذیب کند و رو برگرداند.

همان‌طور که در سوره نوح (۷۱) در دو ردیف قبل انحصاراً از رسالت نوح صحبت شده بود، سوره طه (۲۰) تقریباً اختصاص به حضرت موسی پیدا کرده است. وجوه مشابهت و ارتباط مابین رسالت حضرت موسی و امت او با رسالت حضرت خاتم‌الانبیاء و مسلمانان و یهودیان، بیشتر از نوح و قوم و دوران او می‌باشد و شاید به این دلیل است که در قرآن از رسالت حضرت موسی و از روحیه و رفتار بنی اسرائیل، بیش از هر پیغمبر و امت دیگر بحث و بررسی به عمل می‌آید. در داستان‌های سایر انبیاء و

۱. در سوره طه (۲۰)، از ۱۳۵ آیه ۹۰ تا آن «حدیث موسی» است یا رسالت حضرت موسی و برخورد او با فرعون و فرعونیان و امت خود، ۱۰ آیه از آدم و هبوط او از بهشت صحبت می‌کند، ۲۰ آیه اخطارهای قیامت و آخرت است، ۸ آیه مقدمه دارد و بقیه ۷ آیه خطاب‌های به پیغمبر و جدال با مشرکین می‌باشد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۳۷
 که در سوره علق (۹۶)، به سال ۳ بعثت، و در ردیف ۱۲، در سوره علق (۹۶) دیدیم،
 تطبیق می‌نماید.

در آیه ۱۶ به دو صفت یا عمل کفرورزان اشاره شده است. یکی پیروی از هوای
 نفس (به جای خدا و عقل) که به لحاظ سیر تحول کفرورزی تازگی ندارد؛ ولی با
 چنین صراحت بیان نشده بود، و دیگری بازداشتن یا بازدارندگی پیروان خدا، حتی
 فرستاده خدا، از اطاعت و عبادت خدا است. ظهور این روحیه و روش در میان
 مشرکین مکه در سال‌های بعد ظاهر شده است که در ردیف‌های آینده باید ببینیم.
 خود سوره طه (۲۰) نیز گروه نزول شده‌ی دیرتری (سال هفتم) دارد که در آنجا
 آیات و آثار کفرورزی پیشرفته‌تری مشاهده می‌شود.

ردیف ۳۶ (سال چهارم بعثت، سوره مریم (۱۹) شماره نزول ۸۱ (۸ آیه، ... کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷۷	أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا.	آیا ندیدی آن کس را که به آیات ما کافر شده بود و می‌گفت مال و اولاد به من داده خواهد شد.
۷۸	أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا.	آیا از غیب آگاه شده است یا نزد (خدای) -بخشنده تعهدی گرفته است؟
۸۱	وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا.	از غیر خدا معبودهایی اتخاذ کردند تا برای آنان عزت (و قدرتی) باشد.
۸۲	كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا.	هرگز بلکه به زودی منکر و مخالف پرستش و ضد و علیه آنان خواهد شد.
۸۳	أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا.	آیا ندیدی که چگونه ما شیاطین را بر کافران فرستادیم که آنان را سخت به جنبش درآورند. ^۱
۸۸	وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا.	و گفتند که (خدای) بخشنده رحمان فرزندی (برای خود) اختیار کرده است.
۸۹	لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا.	به یقین که شما کار زشت و کلام ناهنجاری آورده‌اید.
۹۷	فَأَيُّهَا بَسْرَنَاهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا.	جز این نیست که ما آن را به زبان تو روان و راحت ساختیم تا بدین وسیله پروا داران را مزده دهی و قوم یا گروه بد کینه (سرسخت در دشمن) را هشدار رسانی.

۱. یا به تعبیر مجمع البیان و ابوالفتوح رازی آنان را عذاب می‌کنند و مضطرب می‌دارند «قاموس قرآن» به استناد مفردات راغب «از» را تحریک شدید معنی کرده است و می‌گوید شیاطین کافران را به شدت تحریک می‌کنند.

در سوره مریم (۱۹)، فقط آیات آخر آن (از ۷۶ تا ۹۸) در سال چهارم بعثت نازل شده است که ناظر بر معاصرین خاتم النبیین می‌باشد و تا آنجا که ارتباط با کفرورزی دارد، در جدول جمع‌آوری کرده‌ایم. در آیات اصلی و ابتدای سوره، ذکر مقدماتی

از رسالت حضرت عیسی (ع)، از طریق مریم و یحیی و ولادت او به عمل آمده است که در سال ۶ بعثت نازل شده است. سپس به حضرت ابراهیم و موسی و سایرین پرداخته می‌شود. ولی محتوا و مقصد آیات با سلسله آیات و اطلاعاتی که در سوره‌های شعراء (۲۶) و نوح (۷۱) و طه (۲۰) دیدیم، فرق دارد. از این به بعد توجه کلام بیشتر معطوف به خود پیغمبران می‌شود، تا به قوم و کفرورزی آنها.

در دو آیه ۷۷ و ۷۸ صحبت از متاع و قدرت دنیا است و اشاره به مشرکی می‌شود که به خود وعده مال و اولاد (فراوان) می‌داده است؛ درحالی که، نه از غیب و آینده آگاهی دارد و نه خدا با او قول و قراری گذاشته و عهدی بسته است.^۱

در آیات سه گانه ۸۱ تا ۸۳ برای اولین بار صحبت از علت و عامل شرک و اتخاذ معبودهای غیرخدا از ناحیه مشرکین، به عمل می‌آید. اولاً: گفته می‌شود معبودهای غیرخدا را به منظور کسب عزت و اقتدار اتخاذ می‌نمایند و ثانیاً: شیاطین هستند که کافرین را تکان می‌دهند یا تحریک می‌نمایند.

تا قبل از این آیات، در ظرف سه سال و ماه‌های گذشته همه جا، آنچه بیشتر مطرح می‌شد، سرگرمی مشرکین به دارائی و دلخوشی‌های دنیا بود و از توجه به پیامبر و پیام خدا اعراض و استنکاف داشته، کارشان تکذیب و تولی و تهمت‌های توجیهی برای نفی رسالت رسول اکرم بود. اینک قرآن است که حالت تعرضی و نفی معتقدات مشرکین را در پیش گرفته و ضمن تعلیل و توصیف، باب استدلال و جدال منطقی را افتتاح می‌نماید.

راجع به اینکه، چگونه مشرکین از عبادت بت‌ها انتظار شوکت و غلبه داشته‌اند، در سه آیه فوق توضیحی داده نمی‌شود. ولی این مطلب هست که در ادیان باستانی و در آداب تاریخی، بسیاری از بت‌ها و الهه‌ها و تصاویر روی پرچم‌ها و کاخ‌ها، جنبه‌ی سمبل قومی و قبیله‌ای و شهری داشته و وسیله‌ی تفاخر بوده است، و برای پیروزی در جنگ‌ها به آنها توسل می‌جستند و نذر و قربانی نثارشان می‌کردند. آنچه در آیه وسط آمده، بی‌اساسی و ناپایداری این نوع پرستش‌ها است که به‌زودی (در این دنیا یا آن دنیا) در اثر احساس بی‌خاصیتی و اشتباه، پشت به بت‌ها خواهند کرد و

۱. مفسرین گفته‌اند منظور آیه یکی از مشرکین مکه به نام عاص وائل است که از پرداخت دستمزد یک کارگر تازه مسلمان شده (خباب بن الارت) استنکاف می‌ورزیده و به طعنه می‌گفته است: در بهشت شما به من بیش از تو طلا و نقره خواهند داد و در آن وقت دستمزد تو را پرداخت خواهم کرد (ابوالفتوح رازی - نقل به اختصار از قرآن چهار جلدی رهنما).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۳۹
حتی دشمن آنها خواهند شد.

از چگونگی شیطان‌ها و نقش آنها بر بت‌پرستان و شرک نیز حرفی در آیه زده نشده است، جز اینکه مشرکین را سخت به جنبش و لرزه درمی‌آورند که ممکن است تحریک و تسلط بر اعمال و اهداف آنها در این دنیا باشد، یا تکان و تزلزل گیج‌کننده‌ی دردناک آن دنیا. آیات بعدی ۸۴ تا ۹۰ حالت انتظار و انداز یا بشارت آخرت را پیدا می‌کند که در بخش کفرزدائی باید بررسی شود.

اشاره به شیطان و تأثیر آن روی کفرورزان، در این سال برای دومین بار آمده. توجه و توضیحات بیشتری در سال‌های بعد (و از آن جمله در همین سوره، سال ششم بعثت، آیات ۴۵ و ۶۸) داده خواهد شد: مخصوصاً تفصیل‌های همراه با آفرینش و گزینش آدمیزاد و نگرش به ساخت ذهنی و رفتار و سرنوشت انسان. اولین اشاره به شیطان، به لحاظ ترتیب زمانی نزول، در سال سوم بعثت، در آیه ۷ سوره صافات (۳۷) به عمل آمده است که راجع به حفاظت آسمان از شیاطین می‌باشد. اولین اشاره در باره مشرکین مکه در سوره شعراء (۲۶) (شماره نزول ۶۵، سال ۴ب) آمده است که در یک جا، نفی نزول قرآن از طرف شیاطین را می‌نماید:

«وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ.»

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ.

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ.^۱

و در جای دیگر، در توصیف مشرکین دروغ‌پرداز گناهکار، آنان را مشمول الهام شیاطین می‌داند:

«هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَيَّ مَن تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ.»

تَنْزَلُ عَلَيَّ كُلُّ آفَاكٍ أُثِيمِ.

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ.^۲

۱. شعراء (۲۶) / ۲۱۰ تا ۲۱۲: این قرآن را شیاطین فرود نیاورده‌اند.

نه درخور این کارند و نه توانش را دارند.

[زیرا آنان] از استماع [وحی الهی] برکنار هستند.

۲. شعراء (۲۶) / ۲۲۱ تا ۲۲۳: آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسانی فرود می‌آیند؟

بر هر دروغ‌پرداز گناهکاری فرود می‌آیند؛

[که برای تجسس] گوش فرامی‌دارند و بیشترشان دروغ‌پردازند.

* * *

در آیه ۸۸ و ۸۹ سوره مریم (۱۹)، مجدداً از نسبت فرزند داشتن به خدا صحبت و اضافه می‌شود که این تصور یا تهمت، ادعای بسیار عجیب و گفتار زشت، ناپسند است.

قبلا در سوره صافات (۳۷) آمده بود:

«أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ
وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»^۱

* * *

در آیه ۹۷ سوره مریم (۱۹) نکته‌ای که ارتباط با کفرورزی پیدا می‌کند، تعبیر یا توصیف «قَوْمًا لُدًّا» به معنای دشمنِ سرسخت است که تا این زمان درباره‌ی کفرورزان مکه به کار نرفته بود.

قبلاً، از روگرداندن و بی‌اعتنائی مشرکین و نسبت‌های دروغ و جادو و جنون دادن به رسول اکرم و سایر پیغمبران صحبت می‌شد، بدون آنکه گفته شود این کارها از روی دشمنی و خصومت است و اگر دشمنی‌ها به گونه‌ای در زبان‌ها ظاهر می‌گردید، تا به حال نشانه‌ای از عمل و آزار و ستیز کفار دیده نشده بود. ضمناً چون در آیه مورد بحث، از طرف دشمن و طرف مورد خصومت نامی برده نشده است، منظور خصومت هم می‌تواند درباره‌ی پیغمبر باشد و هم درباره‌ی دعوت و پیام او، یعنی خدا و حق و حقیقت یا سایر صفات خدا و سفارش‌های دین.

شاید صحیح‌تر آن باشد که بگوییم قرآن در جمله «قَوْمًا لُدًّا» خواسته است اشاره‌ای به یک خصلت ذاتی و حالت روانی مشرکین بنماید و چنین برساند که منکرین رسول اکرم تماماً یا بعضاً عداوت‌پیشه و دشمن صفت‌اند و انکار و اصرارشان از بدخواهی و بداندیشی ذاتی سرچشمه می‌گیرد. به این ترتیب، یک نکته اخلاقی و روانشناسی در اینجا بیان شده است که تجربه معمولی ما نیز شاهد آن می‌باشد. می‌بینیم بسیاری از اشخاص اگر با اندیشه‌ای و با عمل و رویدادی، یا با پیشنهاد و پیشنهاددهنده‌ای جانب مخالفت و بدبینی و کارشکنی در پیش می‌گیرند، کمتر از

۱. صافات (۳۷) / ۱۵۱ و ۱۵۲: آگاه باشید که از سرِ دروغ‌گویی‌شان می‌گویند: خدا صاحب فرزند است؛ و آنان [اساساً] دروغ‌پردازند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۴۱
روی تفکر صحیح و تشخیص حق و باطل یا میل به خیر و مصلحت است تا از روی
بدبینی و بدخواهی علی‌الاصول و لجاجت و بداندیشی.

می‌دانیم که یک‌دسته از بیماران روانی از نوع نرون و هیتلر و استالین که در تاریخ
و جامعه‌شناسی سیاسی از آنها صحبت می‌شود و سفاک از آب درآمده‌اند،
پارانوئیدها هستند. کسانی که در واژه‌های مادرزادی یا اکتسابی خود، اشخاص و
اشیاء را بالفطره دشمن برانداز خود تصور نموده، در زندگی درونی و روابط برونی،
همیشه جانب خصومت و خرابی و دفع را نسبت به آنها در پیش می‌گیرند.

درحقیقت، مابین عکس‌العمل‌ها و رفتارهای اقوام و اشخاص، در قبال پیغمبران و
نوآوران، با صفات اخلاقی و حالات روانی آنها ارتباط ظریفی وجود دارد که ممکن
است اشاره آیه به آن باشد. کسانی که طبعاً مهربان و انسان‌دوست و با سعه‌صدر
هستند، خود به خود با خدا که رحمان و رحیم و غفور است و منشأ خلقت و نعمت و
محبت می‌باشد، سازگار و دمسازتر بوده، زودتر و راحت‌تر از درنده‌خویان انتقام‌جو
و بداندیشان کینه‌ورز و بدکار، خوبی و پاکی را می‌پذیرند.

این معنی را در ردیف‌های گذشته، در چهره‌های دیگری نیز دیده بودیم. مثلاً در

ردیف ۶ سوره لیل (۹۲) آیات ۸ تا ۱۰

ردیف ۱۵ سوره اعلیٰ (۸۷) آیات ۱۱ تا ۱۲

ردیف ۱۹ سوره قلم (۶۸) آیات ۱۰ تا ۱۵

ردیف ۲۵ سوره مطففین (۸۳) آیات ۱۲ تا ۱۵

قرآن مکرر از دشمنی مردم با مردم و با خدا یاد می‌کند. ولی هیچ‌گاه (جز یک
استثنا) نسبت دشمنی به خدا با کسی نمی‌دهد؛ حتی در مورد کفر و ظلم و گناه یا
کافرها و ظالم‌ها و مانند آنها. بلکه می‌گوید خدا آنها را دوست ندارد:

«فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ»^۱

«إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ»^۲

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۳

۱. آل عمران (۳) / ۳۲: ... [بدانند که] خدا انکارورزان را دوست ندارد.

۲. روم (۳۰) / ۴۵: ... زیرا خدا انکارورزان را دوست ندارد.

۳. آل عمران (۳) / ۵۷ و ۱۴۰: ... و خدا ستمگران را دوست ندارد.

«إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۱

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا»^۲

ردیف (۳۷) سال چهارم بعثت، سوره طور (۵۲)، شماره نزول ۰۸۲

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۹	(فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ.)	(پس تذکر و پندیده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه.)
۳۰	أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَبِّبِ الْمُنُونِ.	یا می‌گویند (محمد) شاعری است که برای وی انتظار حوادثِ بدرِ روزگار را داریم.
۳۱	(قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ.)	(بگو انتظار بکشید که من هم با شما از منتظرانم.)
۳۲	أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ.	یا آنکه احلام و آرزوهایشان آنان را چنین وامی‌دارد یا گروهی سرکش‌اند؟
۳۳	أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ.	یا می‌گویند او آن (قرآن) را پیش خود دبافته است، بلکه ایمان نمی‌آورند.
۳۴	(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.)	(پس اگر راست می‌گویند سخنی مانند آن بیاورند.)
۴۲	أَمْ يَرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ.	یا قصد دارند مکر و نقشه‌ای سوار کنند، ولی کافران (بدانند) مکرشان به خود آنها برمی‌گردد.

ردیف (۳۸) سال چهارم بعثت، سوره حجر (۱۵)، شماره نزول ۰۸۳ (۸ آیه، ... کلمه) جدول این ردیف، دسته دوم آیات سوره حجر (۱۵) را نشان می‌دهد که در سال چهارم نازل شده است. به طوری که دیده می‌شود، قرآن بعد از سوره طه (۲۰) (ردیف ۳۵) و از سوره مریم (۱۹) (ردیف ۳۶) به بعد، به توصیف و تعلیم‌های کفرورزی معاصرین و منکرین معاصر پیغمبر برگشته است. ضمن آنکه بحث و جدال‌هایی آغاز می‌شود. انتقال جَوِّ فی مابین از تولی و تکذیب و تهمت، به استهزاء و استعجاب یا استفسار و عرضه کردن پاره‌ای سئوالات و خواستن معجزات برای اثبات صدق دعوت، برگشته است اگرچه ممکن است این سئوال‌ها با حسن نیت نبوده به ایرادگیری و اشکال‌تراشی بیشتر شباهت داشته باشد، باز هم نشانه پیشرفت بزرگی محسوب می‌شود. توجه مشرکین خواه و ناخواه جلب شده است و طرح سئوالات و ایرادها از ناحیه‌ی آنها می‌تواند مقدمه‌ی جدال و استدلال و تفکر یا تعقل و همان چیزی باشد که قرآن و آورنده‌اش خواهان آن بوده و آن را اسباب صحیح هدایت و عامل پیروزی و رشد می‌دانسته‌اند.

۱. شورا (۴۲) / ۴۰: ... به راستی او ستمگران را دوست ندارد.

۲. نساء (۴) / ۳۶: ... که خدا افراد متکبر و فخر فروش را دوست ندارد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ.	و گفتند ای کسی که ذکر (یا قرآن) بر او نازل شده است، حتما دیوانه‌ای.
۷	لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ.	اگر راست می‌گویی (از راست گویانی) پس چرا فرشتگان را پیش ما نمی‌آوری؟
۱۱	وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	و برای آنها هیچ رسولی نیامد مگر آنکه مسخره‌اش می‌کردند.
۱۲	كَذَلِكَ سَأَلْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ.	این چنین ما آن (استهزاء یا رفتارها و روحیات) را در دل خطاکاران راه می‌دهیم.
۱۳	لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ.	ایمان به آن (قرآن یا دعوت) نمی‌آورند و به تحقیق سنت پیشینیان گذشته است.
۱۴	وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ.	و اگر دری از آسمان به روی آنها بگشاییم و پیوسته در آن (آسمان) بالا می‌رفتند؛
۱۵	قَالُوا إِنَّمَا سَكَّرْنَا أَبْصَارَنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ.	حتما می‌گفتند (یا می‌گویند) جز این نیست که با ما چشم‌بندی شده است، بلکه قومی جادو شده هستیم.
۳۹	قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.	(شیطان) گفت پروردگارا حال که مرا به گمراهی انداختی، هر آینه برایشان در زمین آرایشگری خواهم کرد (دنیا را در نظرشان زیبا می‌سازم) و همگی را گمراه خواهم کرد.

* * *

اولین آیه گروه مورد بحث و علی‌رغم آنکه از طرف قرآن در سوره طور (۵۲) (ردیف ۳۷) رد شده بود، اعلام آشکار توهین‌آمیز مجنون بودن رسول اکرم از طرف مشرکین به خود او است. سپس به‌عنوان پشتوانه گفتارشان و اثبات عدم راست‌گوئی پیغمبر مطالبه‌ی معجزه کرده و از او می‌خواهند فرشتگان را در برابرشان حاضر نماید. از آیه ۱۱ چنین برمی‌آید که روش استهزاء و تمسخر را نیز در پیش گرفته‌اند، زیرا که تعمیم عمل آنها به صورت یک روش یا روحیه‌ی مشترک کفار بیان می‌گردد. وقتی در برابر پایداری پیغمبران مطالبه‌ی معجزه از پیغمبر، و محسوس و ملموس دیدن فرشته و اجنه و حتی خود خدا را می‌نمایند، در این سوره برای اولین بار مطرح می‌شوند، این یک درخواست یا توقع و انتظاری است که هم دعوت‌شوندگان انبیاء داشته‌اند و هم هر آدم منکر متفکری که می‌خواهد از اسارت اوهام و عادات رائج و از عقاید و اوامر اجداد و گذشتگان آزاد گردد و تنها معتقد و پایبند چیزی باشد که شخصا آن را احساس و تجربه کرده است؛ ضمن آنکه احساس خود را در آنچه مستقیم و ملموس و مادی است محدود می‌نماید. قوم موسی نیز به‌او می‌گفتند:

«أَرْنَا اللَّهَ جَهْرَةً»^۱

چنین توقع و طرز تفکر امروزه بیش از زمان پیغمبران طرفدار دارد و آن را در چهره علمی و از لوازم و شرایط شناخت منعکس می‌نمایند. اشکال عمده ادیان توحیدی نیز همین جا است زیرا خدا که اساس و در راس یکتاپرستی است، علی‌الاصول و بنا به تعریف و تأکید انبیاء، نادیدنی و غیر قابل لمس و احساس و تجربه‌ی مستقیم می‌باشد. خدا «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^۲ بوده و آنچه دیدنی، حس کردنی یا قابل آزمایش و مقایسه با مشهودات ما باشد، خدا نیست. کما آنکه از نظر علوم تجربی یا راسیونل نیز آنچه اساس و پایه‌های علم امروزی را تشکیل می‌دهد، حقایق و اصول یا نظریات و فرضیاتی است که هیچ کدام راساً قابل رؤیت و ملموس نیستند و آنچه مورد آزمایش و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، آثار ناشیه و جلوه‌های خارجی آنهاست. مثلاً الکتریسته را تا به حال کسی نه دیده، نه دست زده و نه چشیده است. آنچه ما از روشنائی چراغ و حرارت بخاری برقی یا نیروی گردش‌دهنده‌ی موتورهای الکتریک به چشم می‌بینیم یا احساس می‌نماییم، اینها آثار و نتایج حاصله از عبور الکتریسته در سیم‌ها می‌باشد. همین‌طور است اتم، الکترون، پروتون، امواج الکترومغناطیسی با دامنه‌ی گسترده‌ی آن و حتی ترکیب مولکول‌ها و ماهیت حیات و ماده یا نسبیّت زمان و مکان که از راه فرمول‌های ریاضی و پدیده‌های فلکی به دست می‌آید.

در هر حال، توقع رؤیت مستقیم که در آیه بالا عنوان شده است، اگرچه ممکن است اصولاً بی‌جا و برخلاف روش علم باشد، ولی خواسته‌ای است بشری و معقول که قرآن نیز آن را به‌طور مطلق رد نکرده و بلاجواب نگذارده و باید در بخش کفرزدایی به سراغ آن برویم.

* * *

در آیات ۱۱ تا ۱۵ پس از آنکه روش استهزاء و توسل به طعنه و تمسخر مشرکین مطرح می‌شود که به‌همه‌ی امت‌ها و مجرمین تعمیم داده و گفته می‌شود که روی منطق و عقل نبوده، بلکه از تراوشات قلبی آنان ناشی می‌شود، به‌طور ضمنی و اجمال

۱. نساء (۴) / ۱۵۳: ... خدا را آشکارا به ما بنما، ...

۲. شورا (۴۲) / ۱۱: ... هیچ چیز همانند خدا نیست...

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۴۵
جوابی به توقع و انتظار منکرین داده می‌شود: به فرض که ما دروازه‌ای از آسمان به روی آنها بگشاییم که بالا بروند و چیزهایی را شخصاً ببینند، آن را حمل بر چشم‌بندی و سحر خواهند کرد. و انجام خواسته‌ی آنها- که چیزی جز بهانه‌تراشی نیست- بی‌فایده است. در این سال و حال و در برابر درخواست خام و غیرجدی افراد معدود، شاید پاسخ و توضیح بیش از این، مورد نداشته است و باید منتظر آیات بعد باشیم.

* * *

آیه‌ی آخری (حجر ۳۹/۱۵) شیطان را به‌طور صریح عامل گمراهی و کفرورزی، از طریق آرایشگری معرفی می‌نماید. می‌دانیم که در منطق قرآن و ادیان، کلید کفرورزی به‌دست شیطان است. در سوره مریم (۱۹) (ردیف ۳۶ آیه ۸۳)، اشاره به شیطان و نقش تحریک‌کننده‌ی او روی کافران به‌عمل آمده بود. در زیر آن آیه، مختصر توضیحاتی داده و اشارات جسته‌گریخته‌ای در سال‌های گذشته، راجع به کار شیطان را ذکر کرده بودیم. اینک در آیه ۳۹ سوره حجر (۱۵) و آیه بعدی آن (إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ)^۱ شیطان رو به‌روی خدا، و کفر حاصله از گمراهی، مقابل ایمان قرار می‌گیرد. فقط بندگان خالص خدا که از هرگونه آلودگی انحراف و اختلاط به شرک پاک باشند مستثنی می‌گردند. شیطان به‌لحاظ نفس انسانی و محرکات درونی او، معرف کفرورزی و سازنده یا جهت‌دهنده‌ی روحیات و صفاتی می‌باشد که در طی چهار سال گذشته برخورد داشته‌ایم. همان‌طور که خدا وحی‌کننده‌ی کتاب پیغمبران است و جبرئیل بر آنان نازل می‌شود، بنا به دلالت آیات ۲۲۱ تا ۲۲۳ سوره شعراء (۲۶) (اولین ردیف سال چهارم)، شیطان نازل‌شونده بر کافران تهمت‌زنِ معصیت‌کاری است که گوش به‌فرمان او می‌دهند.

در این آیات و آیات قبلی قرآن، هیچ‌گونه معرفی ابتدایی از شیطان به‌عمل نیامده است. طوری بیان مطلب می‌شود که گویی شیطان در نزد شنوندگان یعنی مشرکین مکه شناخته شده و مورد قبول است. همان‌طور که آنها وجود خدا را هم کما بیش قبول داشته و منکر خالق آسمان و زمین نبودند ولی شرک می‌ورزیدند.

* * *

۱. حجر (۱۵) / ۴۰: مگر بندگان اخلاص یافته‌ات را از بین آنها.

سال چهارم بعثت را اگر خواسته باشیم به لحاظ آیات کفرورزی خلاصه کرده باشیم، ضمن آنکه تذکر و تداومی از عکس‌العمل‌های اولیه‌ی تولی و تکذیب مشرکین و توجیه‌های جادو و جنون آنان را درباره‌ی رسول اکرم دیدیم، به طرح مطالب و تحول و توصیف‌های زیر برخوردیم:

۱- داستان‌هایی از برخوردهای مشابه اقوام گذشته با پیغمبران خود و هلاکت نهائی آنها به منظور تعلیم و تقویت روحی پیغمبر در انجام رسالت، از یک طرف و عبرت‌گیری و انذار مکذبین، از طرف دیگر.

۲- افزوده شدن استهزاء رسالت از ناحیه کفار و ادامه‌ی حالت شک و بازیگری آنها.

۳- ادعای فرزند گرفتن برای خدا، مطالبه‌ی ارائه فرشتگان و دشمن پیشه‌گی کافران.

۴- سه بار صحبت قرآن از شیاطین به‌عنوان وحی‌کنندگان و تحریک‌کنندگان کفرورزان و عامل اصلی بودن کفر و گناه.

آیات کفرورزی در سال پنجم بعثت (۶ ردیف از ۳۹ تا ۴۴، شامل ۸۷ آیه و ... کلمه)

در سال پنجم از گزارش‌های اختصاصی و تفصیلی برخورد اقوام باستان با پیغمبران و سرگذشت آنان دیگر خبری نیست. قرآن مجدداً متوجه معاصرین و سرسختی‌های آنان در پذیرش دعوت می‌شود. سرسختی‌ها و انکار و استهزاهایی که بیش از پیش حالت جدال و مطالبه‌ی معجزه را پیدا می‌کند.

سوره‌ها و گروه‌هایی که در آنها به آیات کفرورزی برخوردیم، به ترتیب نزول به شرح زیر می‌باشد:

ردیف ۳۹	سوره ص (۳۸)	آیات ۲ تا ۱۶
ردیف ۴۰	سوره ق (۵۰)	آیات ۱ تا ۳، ۵، ۱۲ تا ۱۶ و ۲۴ تا ۲۷
ردیف ۴۱	سوره یس (۳۶)	آیات ۶ تا ۱۰، ۱۳ تا ۱۵، ۱۸، ۳۰، ۴۶ تا ۴۹ و ۶۰ تا ۶۲
ردیف ۴۲	سوره مؤمنون (۲۳)	آیات ۳۳ تا ۳۸، ۴۶ تا ۴۸، ۶۶ تا ۷۴، ۸۱ تا ۸۳ و ۱۰۶ و ۱۱۵
ردیف ۴۳	سوره فصلت (۴۱)	آیات ۴، ۵، ۷، ۱۵، ۱۷، ۲۶، ۴۴، ۵۱، ۵۴
ردیف ۴۴	سوره زخرف (۴۳)	آیات ۵، ۷، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۲ تا ۲۵

۳۹) سال پنجم بعثت، سوره ص (۳۸)، شماره نزول ۰۸۶ (۱۵ آیه ۱۲۸ کلمه)
در سوره ص (۳۸) و در گروه‌های همین سال، علاوه بر سه آیه اشاره‌ای و تذکاری ۱۲ تا ۱۴، صحبت از پیغمبران گذشته با تفصیل‌هایی آمده است که بیشتر به صورت توصیف خود انبیاء است تا امت‌های آنها که فتح باب جدیدی به شمار می‌رود.^۱

۱. داوود و سلیمان، ایوب و ابراهیم و اسمعیل و یسع و ذوالکفل.

خطاب آیات بخش اول سوره که در جدول آورده‌ایم به کفرورزان معاصر رسول اکرم می‌باشد و پس از ذکر پیغمبران، مجدداً به بشارت و انداز معاصرین و آیندگان می‌پردازد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	(ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ).	(ص - قسم به قرآن که حاوی ذکر ^۱ و پند است.)
۲	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ.	بلکه کافرشدگان (هنوز) در گردن‌فرازی و خود بزرگ‌بینی هستند.
۳	كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِمَّنْ فَتَوَدَّ أَنْ لَا نُقَالُ لَهُمْ فِتْنًا إِنَّهُمْ لَا يُعْلَمُونَ.	چه بسیار جمع‌های آدمیان پیش از اینان که هلاکشان کردیم و فریاد برآوردند در حالی که راه فراری نبود.
۴	وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ.	و تعجب کردند که هشداردهنده‌ای از میانشان برایشان آمده است و کافران گفتند این شخص جادوگر دروغ‌پرداز است.
۵	أَجْعَلِ لِلْآلِهَةِ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ.	آیا خدایان (چندگانه) را خدای واحد قرار می‌دهد؟ همانا که چیزی بس شگفت‌آور است!
۶	وَأَنْتَلِقَ الْمُتَلَكِّ مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا عَلَيَّ إِلَهَيْكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ.	سران آنها راه افتاده، گفتند: بروید و به‌رغم خدایانتان شکیبایی کنید، این (پیش‌آمد و دعوت) چیزی مقدر یا خواسته شده است.
۷	مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ.	ما چنین (سخنانی را) در آئین آخری نشنیده بودیم، این چیزی جز ساختگی و برافتنگی نیست.
۸	أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابِي	آیا (می‌شود که) از میان ما (فقط) بر او قرآن نازل شده باشد؟ بلکه آنها از ذکر من در شک هستند، چون هنوز عذاب را نچشیده‌اند.
۹	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ.	یا آنکه گنج‌های رحمت پروردگارِ توانمند غالب و بخشایشگر تو نزد آنها است؟
۱۰	أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ.	یا آنکه فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین آنها است از آن ایشان می‌باشد؟ پس با اسباب یا نردبانی بالا بروند.
۱۱	جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ.	لشکر کوچکی هستند فراری، از احزاب.
۱۲	كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ.	پیش از اینها قوم نوح و قوم عاد و فرعون صاحب قدرت و عقوبت (پیغمبران را) تکذیب کردند.
۱۳	وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ.	و همچنین تمود و قوم لوط و یاران ایکه (قوم شعیب) که احزاب هستند.
۱۴	إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِي.	تمام آنها چنین بودند که فرستادگان را تکذیب کردند و بنابراین عذاب من بر آنها تحقق یافت (یا واجب آمد).
۱۵	وَمَا يَنْظُرُ هَوَالَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ.	و اینها انتظاری جز طنین واحد را که بازگشت و افاقه ندارد، نمی‌کنند.
۱۶	وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ.	و گفتند (یا می‌گویند) پروردگارا نامه عقوبت ما را پیش از روز حساب به ما برسان.

۱- بعضی از مفسرین (مانند فخر رازی و طبرسی) ذی‌الذکر را به معنای صاحب شرف گرفته‌اند که ترجمه دلچسپی به نظر نمی‌آید.

پس از سوگند به کتاب سراسر پند و ذکر خدا^۱ که در آیه اول آمده است، شش آیه بعدی در وصف حال مشرکین مکه و نقل قول‌هایی از خود آنها است. آن‌طور که از روال و سیاق آیات ۳ تا ۸ برمی‌آید مثل این است که تازه از خواب غفلت و غرور بیدار شده، بعد از چهار سال می‌خواهند دعوت رسول و مکتب تازه را جدی بگیرند و تعجب و میل به بحث و پرسش می‌نمایند. «تعجب» جانشین توگی و تکذیب گردیده، گامی به جلو محسوب می‌شود. و «استفسار» انکاری جای استهزاء را می‌گیرد که مرحله نهایی آن نزد کافرهای مؤمن شده و مردم مدینه، استفهام ایجاد کرده است؛ مشرکینی که در برابر جوان مدعی رسالت برای خود احساس غیرت و غرور می‌کنند و برای آئین و خدایانشان احساس خطر می‌نمایند! اشراف قریش که در راحتی و ثروت و شوکت نسبی می‌زیسته، خدا و هیچ قدرتی را در بالای سر نمی‌دیدند، و خیال می‌کردند که صاحب عزت و حق نخوت بوده و با زیردستان باید سلطه و خصومت داشته باشند. ولی خبر ندارند که دست خدا و روزگار چه بسیار گروه‌های منکر و مغروری را هلاک کرده که چاره‌ساز و دادرسی نداشته‌اند.^۲ مشرکین مکه انتظار ندارند از میان آنها و کسانی که پایین‌تر از خود می‌دانند، اخطارکننده‌ای بدون اطلاع و اجازه، سربلند نموده، قلم بطلان به رخدادهای متعددشان بکشد که هریک توجه یا تعلق به خانواده و قبیله یا محلی داشته‌اند که پرچمدار عناوین و افتخارات و ازراق آنان شناخته شده‌اند. ناچار باید بگویند که این شخص جادوگر و فریب‌کار و دروغ‌پرداز است. سران قوم که بیش از افراد عادی در معرض خطر و سؤال هستند، توصیه به بردباری به خاطر ربه‌النوع‌ها می‌نمایند و می‌خواهند هرکس راه خویش را در پیش بگیرد و بدانند که این پیش‌آمد، خواسته‌ی قبلی خداها و تقدیر جامعه‌ها است. سپس در تأیید انکار و تعجب خود اضافه می‌نمایند که ما جز ظهور این مدعی، پیغمبری و حرف‌هائی را که می‌زند در نزد مسیحیان و کتاب آنها (یا اجداد قریش) نشنیده بودیم و نمی‌تواند چیزی جز ابداع و اختراع شخص او

۱. یا به تعبیری کتاب والای صاحب شرف.

۲. کلمه «قَرْن» که بیشتر در مورد گروه‌ها و جماعات قبل از امت‌های انبیاء و قوم و ملت‌های آنها در قرآن به کار برده شده است و هم‌ریشه با مقارن و قرین به معنای پهلوی هم و مشابه هم می‌باشد، ظاهراً جماعات غیرمتشکل یا بی‌شکل و بی‌نظام را می‌رساند که به لحاظ جامعه‌شناسی و تاریخ تمدن مرحله ماقبل قوم و قبیله‌های ساکن شهرها و قریه‌ها را داشته‌اند.

۱۵۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

باشد^۱ و از خود می پرسند: چگونه ممکن است از میان ما، پیام خدا به کسی برسد که مال و منزلت اجتماعی پایین تر دارد.

جواب خدا به فرستاده‌ی برگزیده‌اش، با توجه به توقع قریش و طرز تفکری که دارند و بنا به سنت کفرورزان گذشته، یک جمله است:

«ذِكْرِي بَلِّ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ» (ص (۳۸) / ۸)

چون هنوز طعم عذاب را نچشیده‌اند تا دست خدا و واقعیت داشتن پیام را لمس کنند.

* * *

در آیات ۹ تا ۱۴ پس از آنکه دو سؤال انکاری:

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص (۳۸) / ۹)

(یا آنکه گنج‌های رحمت پروردگارِ توانمند غالب و بخشایشگر تو نزد آنها است؟)

و

«أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» (ص (۳۸) / ۱۰)

(یا آنکه فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین آنها است از آن ایشان می‌باشد؟ پس با اسباب یا نردبانی بالا بروند.)

مطرح می‌شود و تذکری از رفتار مشابه قوم‌های گذشته به عمل می‌آید و نتیجه‌گیری کلی همیشگی چنین است:

«إِنْ كُلُّ لُؤْلُؤًا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ» (ص (۳۸) / ۱۴)

(تمام آنها چنین بودند که فرستادگان را تکذیب کردند و بنابراین عذاب من بر آنها تحقق یافت (یا واجب آمد).)

یعنی دنباله‌ی تکذیب اقوام، تحقق عذاب خواهد بود. داستان‌های اقوام گذشته همان‌طور که قبلاً متذکر شدیم از یک طرف تقویت و تعلیم رسول اکرم بود و از طرف

۱. توجیه «اختلاق»، به دنبال سحر و جنون، زمینه و مقدمه برای افترای دروغ برخدا (اَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا) است که در سوره‌های بعدی خواهد آمد.

عبارت «اَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» در آیات: انعام (۶) / ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴، اعراف (۷) / ۳۷، یونس (۱۰) / ۱۷، هود (۱۱) / ۱۸، کهف (۱۸) / ۱۵، مؤمنون (۲۳) / ۳۸، عنکبوت (۲۹) / ۶۸، سبأ (۳۴) / ۸ و شورا (۴۲) / ۲۴ است (ب.ف.ب).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۵۱
 دیگر هشدار به مشرکین که از این به بعد شاهد تکرار و تفصیل آن خواهیم بود.
 از دو پرسش خزانهداری رحمت خدا و سلطنت بر جهان هستی، اولی ارتباط به
 اتکاء آنها به مال و متاع دنیا و غرور به جاودانگی آن دارد و دومی ادعای قدرت
 آنها و اسارت مردم زیردستان را زیر سؤال می‌برد، و می‌رساند که حتی توانایی
 پله‌های اول عروج به آسمان‌ها را هم ندارند. قرآن به این ترتیب با استفاده از تحول
 روحی و فکری مدعیان رسالت که خود طرح‌کننده و به بحث‌گذارنده‌ی مسائل
 اصلی شده‌اند آنان را در معرض سئوالات وسیع‌تر و تفکر بیشتر می‌گذارد.

* * *

دو آیه آخری ۱۵ و ۱۶ ضمن آنکه دنباله منطقی آیات ۹ تا ۱۴ می‌باشد، انتظار و
 تعجیل انکاری مشرکین را بیان می‌کند که اولاً و عملاً، در صورت ادامه تکذیب و
 تمسخر، به دست خود موجبات بلای دنیائی ناگزیر و ناگهانی را فراهم می‌آورند و
 ثانیاً حاضر نیستند، برای رد یا قبول کیفر آخرت، انتظار قیامت را که معلوم نیست چه
 وقت خواهد بود، بکشند و به رسول اکرم می‌گویند اگر حرف‌هایت راست است، از
 هم اکنون حساب و کتاب ما را به دستمان بده. جواب سئوالات را، چون مشرکین
 فاقد علم و عاجز از عمل می‌باشند، در قالب آزمایش محسوس درمی‌آورند.
 در هر حال، درگیری فی‌مابین، پس از دوران تولی و تکذیب و توجیه‌های بی‌اساس
 تهمت و توهین، به صورت رد و بدل کردن سئوالات عاجزکننده یا روشن‌کننده
 درآمده است که در منطق و فرهنگ امروزی، این سبک تبادل و تفهیم آراء و عقاید
 را، «دیالوگ» می‌گویند.

۴۰ سال پنجم بعثت - سوره ق (۵۰) - شماره نزول ۰۸۷ (۱۳ آیه ۹۸ کلمه)
 سوره ق (۵۰) با شماره نزول ۰۸۷، بلافاصله بعد از سوره ص (۳۸)، پیش‌درآمد
 مشابهی دارد؛ در هر دو جا سوگند به قرآن خورده می‌شود: در اولی قرآن صاحب
 ذکر (یا صاحب شرافت) و در دومی، قرآن صاحب مجد و کرامت^۱. اتفاقاً سوره
 یس (۳۶) که بعد از سوره ق (۵۰) نازل شده است، با سوگند به قرآن حکیم آغاز
 می‌گردد و سوره‌های فصلت (۴۱) و زخرف (۴۳) با شماره نزول‌های ۹۱ و ۹۲، «قُرْآنًا

۱. در «أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ»، مجد را «الْعِزَّةُ وَالرَّفْعَةُ» معنی کرده است و قاموس می‌گوید «الْمَجْدُ نَيْلُ الشَّرَفِ وَ
 الْكِرَامِ».

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	ق وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدِ.	ق، قسم به قرآن مجید (یا بزرگوار و والا).
۲	بَلْ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ.	بلکه در شگفت‌اند که هشداردهنده‌ای از میان خودشان آمده است و کافران گفتند که این (پیش آمد) چیز شگفت‌آوری است.
۳	أَيُّدًا مِثْنًا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ.	(گفتند) آن زمان که مرده و خاک شده باشیم آیا زنده شدن امکان‌پذیر است؟ البته که نه، بلکه چنین بازگشت دور (از عقل و عادت) است.
۵	بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ.	بلکه حق را که برایشان آمد، تکذیب کردند و در کار تردید انگیزی هستند.
۱۲	كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَنَمُودُ.	پیش از آنها قوم نوح و اصحاب رس و نمود تکذیب کردند.
۱۳	وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ.	(همچنین) عاد و فرعون و برادران لوط.
۱۴	وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرَّسْلَ فَحَقَّ وَعِيدٌ.	و اصحاب ایکه و قوم تبع، تماماً فرستادگان خدا را تکذیب کردند و وعده عذاب تحقق (یا حقانیت) یافت.
۱۵	(أَفَعَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ) بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ.	(آیا ما از آفرینش اول عاجز ماندیم) که آنها از آفرینش تازه در شک‌اند؟
۱۶	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَعَلَّمَهُ مَا نُسُوسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ.	و به تحقیق انسان را ما آفریدیم و می‌دانیم نفس او چه چیزهایی را به او و سوسه یا القا می‌کند و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.
۲۴	الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلِّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ.	و هر ناسپاس سرکش را در جهنم بیندازید.
۲۵	مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ.	(که) منع‌کننده‌ی (دیگران) از خیر و خدمت است و متجاوزِ شک‌آور می‌باشد.
۲۶	الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَالْقِيَا فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ.	آن کس که معبود دیگری را همراه یا شریک خدا قرار داده است، پس او را در عذاب سختی بیفکنید.
۲۷	قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتَهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.	قرین (یا همتای) او می‌گوید: پروردگار ما، من او را به طغیان و سرکشی و انداشتم، بلکه خود او در گمراهی دور افتاده‌ای (بابی پایانی) بود.

عَرَبِيًّا» را که «تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۱ و «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ»^۲ است، در سر لوحه‌ی خود قرار داده‌اند. شگفتی کفرورزان در هر دو سوره از «أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ»^۳

۱. فصلت (۴۱) / ۲: نازل شده‌ای است از جانب خدای رحمان و رحیم.

۲. زخرف (۴۳) / ۲: و سوگند به کتاب روشنگر.

۳. ص (۳۸) / ۴: ... از اینکه هشداردهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده است...

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۵۳
 است. اظهارنظرشان در اولی «هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ»^۱ و در دومی «هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ»^۲
 است. اعجاب دیگر و ایرادشان در سوره ص (۳۸) به اعلام توحید و یکتا دانستن خدا
 بود و می‌گفتند:

«أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ.» (ص (۳۸) / ۵)

(آیا خدایان چندگانه) را خدای واحد قرار می‌دهد؟ همانا که چیزی بس
 شگفت آور است!

و در سوره ق (۵۰)، زنده شدن مردگان خاک‌شده در روز قیامت را کار نشدنی
 می‌دانند. یعنی دو موضوع اصلی دعوت یا هدف بعثت پیغمبران .

اگر در سوره ص (۳۸) تعجب انکاری کفار از سابقه‌نداشتن و ناشنیده‌بودن
 اظهارات رسول اکرم در آخرین ملت، به‌زعم آنها، است و در سوره ق (۵۰) ذکری
 از آن نیست. همین معنی را همراه با نکات دیگر در آیه ۲۴ سوره مؤمنون (۲۳)
 می‌خوانیم که با سه شماره نزول جلوتر، از زبان اشراف قوم نوح اعلام می‌گردد:

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ
 يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا
 الْأَوَّلِينَ.»^۳

ملاء قوم نوح نیز مانند اشراف قریش می‌گفتند باید در کار این مدعی رسالت که
 دیوانگی دارد، تا مدتی صبر کرد و انتظار کشید:

«إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ.»^۴

در سوره مؤمنون (۲۳) (ردیف ۴۲ و با شماره نزول ۹۰) دوبار به تعجب انکاری و
 تعبیر استفساری وعده‌ی رستاخیز برمی‌خوریم که در سوره ص (۳۸) نیامده بود ولی
 در سوره ق (۵۰) (آیه ۳) با تفصیل کمتر آمده است.^۵

۱. ص (۳۸) / ۴: ... این جادوگری است دروغ‌پرداز.

۲. ق (۵۰) / ۲: ... این (پیش‌آمد) چیز عجیب (شگفت‌آوری) است.

۳. مؤمنون (۲۳) / ۲۴: ... سران قومش که انکار می‌ورزیدند گفتند: این [مرد] جز بشری همچون شما نیست
 که می‌خواهد بر شما سروری کند؛ اگر خدا می‌خواست فرشتگانی نازل می‌کرد؛ ما این [ادعا] را از
 نیاکانمان نشنیده‌ایم.

۴. مؤمنون (۲۳) / ۲۵: او فقط مردی است که [عارضه] جنون در [وجود] اوست؛ یک چند چشم به راه
 [حوادثی] برایش باشید.

۵. اولین بار در آیه ۴۷ سوره واقعه (۵۶) (ردیف ۱۴ سال ۳ ب).

«أَيُّدِكُمْ أَكْبَرُ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَكْبَرُ مُخْرَجُونَ.»^۱

«قَالُوا أَيُّدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّدَا لَمَبْعُوثُونَ.»^۲

در هر دو سوره ص (۳۸) و ق (۵۰) پس از توصیف مشرکین و توضیح‌های آنان اشارت‌های فهرست‌وار به تکذیب‌کنندگان انبیاء سلف به عمل آمده، یک‌جا اعلام می‌شود:

«إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ.»^۳

و در جای دیگر می‌گوید:

«كُلُّ كَذَبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدٌ.»^۴

در سوره ص (۳۸)، «إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ»^۵ را می‌خوانیم و در سوره مؤمنون (۲۳)، این آیه زبان‌دار را از قول کفرورزان می‌شنویم:

«إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ.»^۶

در سوره ص (۳۸) دو پرسش «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ»^۷ و «أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»^۸ را داشتیم. در سوره ق (۵۰) هم از مشرکین در آیات ۶ و ۱۵ دو سؤال می‌نماید. ولی به سوره مؤمنون (۲۳) که می‌رسیم و سه بار صحبت از «قرن»‌های گذشته می‌شود و منکرین مدعی دعوت، با هشت آیه استفساری اثباتی (۵۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۸۶، ۸۸، ۹۰) به زیر سؤال و جواب برده می‌شوند. در همه‌ی این سوره‌ها، بحث و حدیث نهائی از جهنم و بهشت است که ماموریت اصلی انذار و بشارت رسول اکرم برای زندگی در آخرت می‌باشد.

۱. مؤمنون (۲۳) / ۳۵: چگونه به شما وعده می‌دهد که چون مُردید و خاک و استخوان شدید، [از گورها زنده] سربرآورید؟

۲. مؤمنون (۲۳) / ۸۲: می‌گفتند: چگونه هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟
۳. ص (۳۸) / ۱۴: هر یک [از این گروه‌ها] رسولان [خود] را دروغ‌پرداز شمردند و کیفر من [در مورد آنان] محقق شد.

۴. ق (۵۰) / ۱۴: ... همه رسولان را دروغ‌پرداز شمردند و اعلام خطر من [در مورد آنان] تحقق یافت.

۵. ص (۳۸) / ۷: ... این چیزی جز ساختگی و برافتگی نیست.

۶. مؤمنون (۲۳) / ۳۸: او مردی است که به خدا دروغ نسبت می‌دهد و باورش نمی‌کنیم.

۷. ص (۳۸) / ۹.

۸. ص (۳۸) / ۱۰.

اگر بازگشتی به عقب بکنیم، علاوه بر آنکه شباهت‌های کلی مابین سوره‌های ص (۳۸) و ق (۵۰) یا سوره‌های قبلی حجر (۱۵) (ردیف ۳۸)، طور (۵۲) (ردیف ۳۷) و نوح (۷۱) (ردیف ۳۳)، سال چهارم مشاهده می‌نماییم، توصیف «مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٌ»^۱ را که برای «كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ»^۲ در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ق (۵۰) آمده است، به صورت «مُعْتَدٍ اٰثِمٍ»^۳ سوره قلم (۶۸) (ردیف ۱۹، سال سوم بعثت) برای «كُلُّ حَلَّافٍ مَّهِيْنٍ»^۴ می‌بینیم. در آنجا «زبان‌باز سوگندخور فرومایه» به «تجاوزگر در شک و تردید» تحول تدریجی یافته است. مفهوم گمراهی را نیز که اولین بار در آیه «اِنَّهَا الضَّالُّوْنَ الْمُكْذِبُوْنَ» در سوره واقعه (۵۶)، آیه ۵۱، (ردیف ۱۴، سال ۳ ب) آمده بود، با اضافه شدن «بَعِيْدٍ» در آیه ۲۷ سوره ق (۵۰) مشاهده می‌نماییم ... و قِسْ عَلٰی ذٰلِكَ. در ردیف‌های آینده همین سال در سوره‌های مؤمنون (۲۳)، صافات (۳۷) و زخرف (۴۳)، باز به بعضی از توصیف و تعبیرهای مشابه سوره‌های ص (۳۸) و ق (۵۰)، برمی‌خوریم و بعضی دیگر را رها شده می‌بینیم که به جای آنها، نکات و تذکرات مغایر یا تازه‌ای آمده و توصیف کفرورزان، تعلیم به پیغمبر و تذکر به مشرکین و مومنین، جریان تکاملی خود را ادامه می‌دهد.

در پایان بررسی آیات سوره ق (۵۰)، بحثی درباره‌ی «تکرارهای قرآن» ان‌شاءالله خواهیم داشت که نمونه‌هایی از آن را در بالا ارائه دادیم.

* * *

در سوره ق (۵۰)، راجع به آیات ۱ تا ۳ توضیح اضافی نداریم. در آیه ۵ «فَهْمٌ فِيْ اَمْرِ مَّرِيْبٍ» آمده است. «مَرِيْبٍ» را «کشف الاسرار» از باب فعیل «مَرَجَ» به معنای «اضطرب» گرفته است و آن را گمان امیر یا شک تردیددار ترجمه کرده‌اند و «الحق» را که مورد تکذیب کافران قرار گرفته است تفسیرهای «کشف الاسرار» و «مجمع البيان» تعبیر به قرآن یا رسول‌الله کرده‌اند. در حالی که می‌تواند معنی کلی و مطلق خود را داشته، و صفت قرآن و دعوت پیغمبر بزرگوار باشد.

در جواب تعجب انکاری «اِنَّذًا مِّتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيْدٌ» که در آیه ۳ آمده است، قرآن توضیح اجمالی:

«قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيْظٌ.» (ق (۵۰) / ۴)

۱. ق (۵۰) / ۲۵.

۲. ق (۵۰) / ۲۴.

۳. قلم (۶۸) / ۱۲.

۴. قلم (۶۸) / ۱۰.

(ما به خوبی می‌دانیم که چگونه زمین از جسد یا جسم مردگان می‌کاهد - یعنی در اثر حوادث فیزیکی و جوئی و فعل و انفعالات شیمیایی و بیوشیمی و غیره چه تخریب و تغییر و کاهش‌هایی به‌مرور دهور رخ می‌دهد! - ولی در نزد ما کتاب - یا ثبت و ضبط - زائل نشدنی محفوظی وجود دارد.)

را می‌دهد که چون توصیف کفرورزی نیست در جدول نیآورده‌ایم. به احتمال قوی این پاسخ منکرین و مدعیان صدق رسالت را قانع نمی‌کرده است و نمی‌توانستند درک درستی از آن داشته باشند. همین قدر از طرف خدا گفته و فهمانده شده است که ما واقف به این اشکال و خاک و خاشاک شدن پیکرهای در خاک خفته یا پرت و پلا شده هستیم و آن را مانع زنده شدن مجدد نمی‌بینیم؛ چون حساب و کتاب‌ها و آثار و اساس‌ها در نزد ما، یا در علم و خلقت ما، از بین رفتنی نیست. مطلبی که با علوم امروزی بشر قابل فهم‌تر و قابل قبول‌تر است.

برای رفع اجمال و ابهام آیه ۴، یک سلسله توضیحات استفهامی در خطاب به کافران منکر و متعجب در آیات ۶ تا ۱۱ داده شده است که منتهی به «أَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ»^۱ می‌شود و ارتباط با اثبات یا ارائه امکان قیامت داشته فارغ از درس کفرورزی است.

* * *

در آیات ۱۲ تا ۱۵ اسامی یا لیست و صورتی از احزاب یا اقوام معاصر پیغمبران گذشته داده شده است که مشمول عذاب و هلاکت این دنیا شدند: نوح، ثمود، عاد و فرعون که قبلاً ذکر شده بودند و «أَصْحَابُ الرَّسِّ» و «قوم تُبَّع» که علاوه بر آنها هستند.

راجع به «أَصْحَابُ رَسِّ» و «قوم تُبَّع» که قرآن از هر کدام فقط دو بار - در سال‌های ۳ تا ۶ بعثت - نام برده است^۲، مفسرین و صاحبان لغت نشانه‌های مختلف و توضیحات

۱. ق (۵۰) / ۱۱: ... به وسیله آن [باران] سرزمین خزان‌زده و خشک را حیات بخشیدیم؛ رستاخیز هم به همین کیفیت است.

۲. «أَصْحَابُ الرَّسِّ» در سوره ق (۵۰) آیه ۱۲ و در سوره فرقان (۲۵) آیه ۳۸ آمده است. شماره و سال نزول اولی ۰۸۷، ۵ ب و دومی ۱۰۲، ۷ ب می‌باشد.

«قوم تُبَّع» در سوره ق (۵۰)، آیه ۱۴ و در سوره دخان (۴۴)، آیه ۴۷ آمده است. شماره و سال نزول اولی ۰۸۷، ۵ ب و دومی ۰۶۳، ۳ ب می‌باشد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۵۷
متفاوت گاه مفصل داده‌اند. قول غالب و قابل قبول‌تر این است که «أَصْحَابُ رَسٍّ» قوم بت‌پرستی بودند که در ساحل رودخانه ارس (سرحد آذربایجان و قفقاز قبلی) شهرهایی بنا کرده بودند و چون پیغمبرشان را که از طرف خدا آمده بود، به قتل رساندند، هلاک شدند. «قوم تُبَّع» در یمن بودند و پادشاهانشان را «تُبَّع» می‌گفتند (شاید به دلیل اینکه پیرو سنت و روش یکدیگر بودند و یا چون جمعیت کثیری از آنان پیروی می‌نمودند) خود تُبَّع که پیغمبر بوده مورد ذمّ قرآن قرار نگرفته و مسلمان بوده است.

آنچه در آیات فوق مورد اشاره و استفاده قرار گرفته است، صفت تکذیب‌کنندگی همه‌ی آن اقوام و مشمول هلاک و عذاب شدنشان می‌باشد. موضوع مورد تکذیب، به‌قرینه استدلال و جوابی که در آیات ۱۵ و ۱۶ آمده، رستاخیز قیامت بوده است و ناباوری یا شک و تردیدی که در باره آن داشته‌اند. جوابی که از طرف خدا به تکذیب یا به‌تردید مشرکین داده می‌شود، این است که: در آفرینش ابتدایی شما، آیا ما ناتوانی و عجز یا نیازی به پذیرش و کمک شما داشتیم که زنده کردن دوباره‌تان برای ما دشوار باشد؟ ما که انسان را آفریده‌ایم کاملاً آگاه به اشکال‌ها و به شبهه و تردیدها یا به وسوسه‌هایی که نفس و ذهن او القاء می‌نماید، هستیم. ما - که در سراسر وجود و احساسات و در افکار و اعمال آدمی حضور و حاکمیت داریم و در ذات یا اعماق اشیاء و اشخاص شاهد و عامل هستیم - در حقیقت از رگ گردن (که رساننده‌ی خون و غذا به نسوج اطلاعاتی و تشکیلاتی و فرماندهی مغز است) به‌او نزدیک‌تریم. به‌این ترتیب، با اعلام نزدیکی «مکانی - زمانی» مابین انسان و خدا و رابطه علایق و اطلاعات، القاء کفر و انکار یا تکذیب قیامت که از وسوسه‌های درونی برمی‌خیزد، و به‌طور کلی موضوع کفر و ایمان، یک مسئله «روانی - نفسانی» تلقی شده است؛ موضوع و مسئله و پدیده‌ای که زیر نظارت و دخالت خدا نیز می‌باشد.

خواننده محترم ملاحظه می‌کنید که هم نوع تکذیب و ایرادگیری منکرین صورت دیگر پیدا کرده است و هم سطح جواب‌ها بالا آمده و دیالوگی که در سوره ص (۳۸)، (ردیف ۳۹) آغاز شده بود، رفته رفته اوج می‌گیرد.

به این اعتبار در سوره ناس (۱۱۴) هم که در سال ۲ بعثت نازل شده، به رسول اکرم توصیه شده است که از شر وسوسه‌هایی که در سینه (یا دل و روان) جن و انس

بروز و ظهور پیدا می‌کند، به ارباب انسان‌ها و به پادشاه و خدای آنها پناه ببرد، می‌تواند از همین مقوله باشد و نقش مشترک نفس انسان و خدای خالق حاکم و سرور او را بیان می‌نماید.

* * *

حال می‌رسیم به آیات ۲۴ تا ۲۷ سوره ق (۵۰) که از آینده‌ی دُورِ آخرت، به دنیای امروز مشرکین و منکرین پیام می‌رساند.

ضمن این پیام آنچه مورد توجه بحث کفرورزی می‌باشد، توصیف‌های متوالی «كَفَّارٍ عَنِيدٍ»، «مَنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ»، چند خدایی بودن، طاغی و ضلالت بعید است. غالب این توصیف‌ها را یک یا دوبار در آیات سال‌های دوم و سوم بعثت دیده بودیم^۱ اتخاذ خدای دیگر با آنکه صفت و سنت همه مشرکین است و اول کلام پیغمبران منع مردم از آن بوده است، اما تا به حال با چنین تعبیر و تصریح ندیده بودیم. بکار برده شدن صفت یا حالت «مُرب» نیز که ابراز شک و عدم یقین را می‌رساند، می‌توانیم در مقایسه با انکار مطلق و تکذیب قطعی، یک گام به جلو محسوب بداریم. در سال‌های بعد مکرر به این توصیف برخوردیم خورد. ضمناً آنچه بر ارائه‌ی صفات اضافه شده است، توأم شدن کفرورزی و اوصاف فوق با درافتادن به جهنم و چشیدن عذاب شدید است.

* * *

تکرارهای قرآن

در مقایسه آیات کفرورزی سوره‌های ص (۳۸) و ق (۵۰) با یکدیگر و با بعضی از سوره‌های سال چهارم بعثت، به یک سلسله شباهت‌ها و توصیف و تعبیرهای مشابه و

۱. «عَنِيدٍ» در مدثر (۷۴)، آیه ۱۶ (ردیف ۱۰ جدول ۱، شماره نزول ۰۲۷، سال ۲ ب)؛

«مَنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ» در قلم (۶۸) آیه ۱۲ (ردیف ۱۹، شماره نزول ۰۵۲، سال ۳ ب)؛

«مُعْتَدٍ» در مطففین (۸۳)، آیه ۱۲ (ردیف ۲۵، شماره نزول ۰۶۳، سال ۳ ب)؛

«مُرب» در ق (۵۰)، آیه ۲۵ (ردیف ۴۰، شماره نزول ۰۸۷، سال ۵ ب) و فصلت (۴۱)، ردیف ۴۳، آیه ۴۵؛

«طاغی» در علق (۹۶)، آیه ۶ (ردیف ۱۲، شماره نزول ۰۳۵، سال ۳ ب) و در نجم (۵۳)، آیه ۵۲ (ردیف ۲۱،

شماره نزول ۰۵۶، سال ۳ ب)؛ و

«ضال» یا گمراه، در واقعه (۵۶)، آیه ۵۱ (ردیف ۱۴، شماره نزول ۰۴۰، سال ۳ ب).

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۵۹
تکراری برخورداریم که اختصاصی این سوره‌ها و آیات کفرورزی نیست و در سوره‌ها
و موضوعات دیگر نیز نمونه‌های فراوان دارد.

در مقدمه کتاب در حدود دو صفحه به این مطلب اختصاص داده شده بود.
از جمله گفته بودیم که: «تکرار آیات حالت ساده و ساکن نداشته، قرآن پدیده‌ی پویا
و متحولی است. از اجمال و استحکام به تفصیل و توضیح سیر می‌کند... توالی و تغییر
و تفصیل‌های آیات هربار و تا هر چند بار که پیش آید، مطالب تازه‌ای را مانند
پرده‌های یک نمایشنامه یا داستان... عرضه می‌نماید.» ضمناً فلسفه‌ی تکرار در کلام
و رابطه آن با اهمیت موضوع، با غامض بودن آن و با غفلت و فرار شنونده از آن را
بیان کرده بودیم.

در بررسی آیات کفرورزی و انسان‌بینی قرآن در طی چهار سال دعوت، شاید
واقعیت نکات فوق تا حدودی برایمان روشن شده باشد. علاوه بر این دیدیم که
چگونه عکس‌العمل‌های مشرکین در برابر دعوت رسول اکرم و اظهار و تظاهرات
آنان، رنگ و آهنگ عوض می‌کردند. مثلاً به تدریج انکار و تکذیب بر اعراض اولیه
و تولی مزید شده، توجیه و تهمت‌های جادو و جنون یا «أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» زبازد
منکرین می‌شده است. سپس استهزاء و جدل جای اعراض و تکذیب را می‌گیرند. و
باز هم کنش و واکنش‌های دیگر که در سال‌های آینده خواهد آمد.

بدیهی است که لازم بوده است، فرستاده مأمور خدا نیز از یک طرف، ظرفیت
تحمل و تطابق بیشتر پیدا کند و از طرف دیگر، با دریافت تعلیمات تازه و تمرین‌های
لازم، قدرت و ابتکار تسلط و تفوق بر حریف‌ها را به دست آورد.

این تذکر و تکرارها و تلقین و تعلیم‌ها انسان را به یاد تربیت و رشد نوزاد انسان و
حیوانات از طریق تمرین و تکرار و تعلیم می‌اندازد. نوزادان انسان و حیوانات نیز
که یک کلمه یا عمل و حرکتی را که لازم باشد به اقتضای سن و رشد فراگیرند،
مدتی به‌طور غریزی تکرار و تمرین می‌نمایند، تا ملکه و عادت شود و همین که
حالت عادی پیدا کرد تکرار و تمرین تعطیل می‌گردد.

کودکان قبل از راه افتادن تا یکی دو ماه همین که به دیوار، صندلی یا اثاثیه پایه‌دار
رسند، خود به‌خود دستشان را به آنها گرفته نیم‌خیز بلند می‌شوند و جلو و عقب
می‌روند. علاقه دارند که چهار دست و پا چندین بار از پلکان خانه بالا رفته و
برگردند. این کارها را آنقدر انجام می‌دهند تا بالاخره روی دو پا ایستاده و راه

بروند. همین‌طور است اسامی و کلمات تازه‌ای که به گوششان می‌خورد. قناعت به یک مرتبه تلفظ و تقلید کلمات تازه نکرده و سرگرمی‌شان تکرار آن اسامی و کلمات به صدای بلند یا آواز می‌شود و پس از آنکه تکرار و تمرین را به حد اکثر رسانده، متوجه کلمه دیگری شدند، اولی رفته‌رفته رو به افول می‌رود و عادی می‌شود تا دومی جای آن را بگیرد...

مفاهیم قرآن و اصطلاحات یا اطلاعات و تعلیمات نیز که باید در مرحله اول به شخص پیغمبر تعلیم و تلقین گردیده، مرکوز ذهن یا قلب آن حضرت بشود، و در مرحله دوم به دعوت شوندگان و دعوت‌شدگان انتقال داده شود، غالباً حالت تمرکز و دوره‌ای دارد. یک اندیشه (یا ایده) و دستور معین چندین بار در ضمن آیات متعلق به سوره‌های مختلف که به لحاظ زمان نزول به هم نزدیک‌اند، عنوان یا القاء می‌گردد. ولی دفعه به دفعه کلام بازتر و با تفصیل یا توضیح بیشتر، در رابطه با اندیشه‌ها و مطالب مختلف، بیان می‌شود، تا نوبت به اندیشه و موضوع دیگر برسد.

* * *

به‌طور نمونه می‌توانیم موضوع تکذیب پیغمبر قرآن و سایر انبیاء و خدا را که از طرف کفرورزان ابراز می‌شده است و از مسائل مورد ابتلاء رسول اکرم و از موانع عمده پیشرفت دعوت همه پیغمبران بوده است، در نظر بگیریم. تکذیب اصالت قرآن و صداقت حضرت از طرف مشرکین و کفار، در زمان‌ها و به‌صیغه‌های مختلف کذبوا، کذبت، کذبت، تکذبان، کذاب و غیره در آیات کثیری آمده و به‌صورت‌های گوناگون و منظورهای مختلف به پیغمبر و به مشرکین و مؤمنین گوشزد می‌شده است. جدول ۱۵ سیر تحول قرآن به‌ما اجازه می‌دهد، طرز توزیع یا تذکار و تکرار «تکذیب» را در سال‌های رسالت در جدولی آورده و به‌وسیله‌ی یک منحنی نمایش بدهیم.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۶۱

جدول توزیع نام سوره و شماره آیات «تکذیب پیامبران توسط کفرورزان» در دوران رسالت

شماره نزول	نام و شماره سوره	شماره آیات	شماره نزول	نام و شماره سوره	شماره آیات
سال اول بعثت (۱ آیه)			سال پنجم بعثت (۱۸ آیه)		
۱۴	بروج (۸۵)	۱۹	۸۴	شعراء (۲۶)	۱۲-۶
سال دوم بعثت (۲۰ آیه)			۸۶	ص (۳۸)	۱۴-۱۲-۴
۱۹	نازعات (۷۹)	۲۱	۸۷	ق (۵۰)	۱۴-۱۲-۵
۲۱	لیل (۹۲)	۱۶-۹	۸۸	یس (۳۶)	۱۵
۲۲	ماعون (۱۰۷)	۱	۹۰	مؤمنون (۲۳)	۱۰۵-۹۰-۴۸-۴۴-۳۹-۳۸-۳۲-۲۶
۲۴	شمس (۹۱)	۱۱	۹۲-۱	زخرف (۴۳)	۲۵
سال سوم بعثت (۴۱ آیه)			سال هشتم بعثت (۵ آیه)		
۲۵	مرسلات (۷۷)	۱۴-۱۵-۱۹-۲۴-۲۸-۲۹-۳۴-۳۷-۴۰-۴۵-۴۷-۴۹	۹۴-۲	انبیاء (۲۱)	۷۷
۲۶	نبأ (۷۸)	۳۸	۱۰۱	روم (۳۰)	۱۶-۱۰
۲۷	مدثر (۷۴)	۴۶	۱۰۲	فرقان (۲۵)	۷۷-۳۷-۳۶-۱۹-۱۱
۳۱	انشقاق (۸۴)	۲۱	۱۰۳-۱	طه (۲۰)	۵۶
سال سوم بعثت (۴۱ آیه)			سال هفتم بعثت (۵ آیه)		
۳۵	علق (۹۶)	۱۶-۱۳	۱۰۴	ملک (۶۷)	۱۸
۳۷	قیامت (۷۵)	۳۲	۱۱۰-۱	سجده (۳۲)	۲۰
سال سوم بعثت (۴۱ آیه)			سال هشتم بعثت (۵ آیه)		
۳۸	تین (۹۵)	۷	۱۱۳	مؤمن (۴۰)	۵
۴۰	واقعه (۵۶)	۱۸۲-۹۲-۵۲	۱۱۴	نمل (۲۷)	۸۴-۸۳
۴۱	رحمان (۵۵)	۱۳-۱۶-۱۸-۲۱-۲۳-۲۵-۲۷-۲۹-۳۱-۳۳-۳۵-۳۷-۳۹-۴۱-۴۳-۴۵-۴۷-۴۹-۵۱-۵۳-۵۵-۵۷-۵۹-۶۱-۶۳-۶۵-۶۷-۶۹-۷۱-۷۳-۷۵-۷۷	۱۱۵	زمر (۳۹)	۵۹
۴۵	حاقه (۶۹)	۴۹	۱۱۷	تغابن (۶۴)	۱۰
سال سوم بعثت (۴۱ آیه)			سال نهم بعثت (۷ آیه)		
۵۲	قلم (۶۸)	۸	سال نهم بعثت (۷ آیه)		
۵۸	صافات (۳۷)	۱۲۷	۱۱۸-۲	هود (۱۱)	۹۳
۶۲	مطففین (۸۳)	۲۰-۱۷-۱۲-۱۱	۱۲۲-۱	اعراف (۷)	۱۰۱-۹۶-۹۲-۷۲-۶۴-۶۴
۶۵	شعراء (۲۶)	۱۴۱-۱۳۹-۱۲۳-۱۱۷-۱۰۵-۱۰۵-۱۷۶-۱۶۰-۱۸۹	سال دهم بعثت (۱۵ آیه) ^۱		
سال چهارم بعثت (۲۹ آیه)			۱۲۲-۲	اعراف (۷)	۱۸۲-۱۷۷-۱۴۷-۱۴۶-۱۳۶
۶۷	حجر (۱۵)	۸۰	۱۲۴	حج (۲۲)	۴۲-دوبار-۵۷
۷۱	قمر (۵۴)	۳-۹-۱۸-۲۳-۲۵-۲۶-۳۲-۳۲-۴۲-۵۲	۱۲۵	انعام (۶)	۲۷-۲۱-۱۱-۵
۷۲	قلم (۶۸)	۴۴	۱۲۶-۱	عنکبوت (۲۹)	۱۸-دوبار-۳۷
۷۵	طور (۵۲)	۱۴-۱۱	سال یازدهم بعثت (۷ آیه) ^۲		
۷۸	رحمان (۵۵)	۲۱-۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۸-۴۰-۴۲-۴۲-۴۵	۱۲۷	سیا (۳۴)	۴۵-۴۲
۷۹	مزل (۷۳)	۱۱	۱۲۸	یونس (۱۰)	۹۵-۷۴-۷۳-دوبار
۸۰	طه (۲۰)	۴۸	۱۲۹	یوسف (۱۲)	۱۱۰

۱. ده آیه هم انتقال از سال ۶ هجری، شماره نزول ۱۶۷
 ۲. پنج آیه هم انتقال آیات شبه مکی سال ۴ هجری، سوره یونس، شماره نزول ۱۶۰.

۱۶۲ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

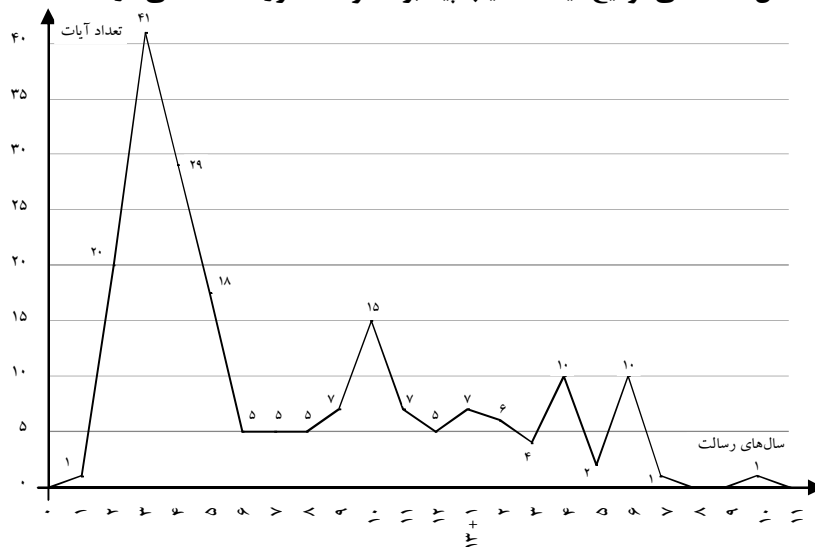
ادامه جدول توزیع نام سوره و شماره آیات «تکذیب» پیامبران توسط کفرورزان در دوران رسالت

شماره نزول	نام و شماره سوره	شماره آیات	شماره نزول	نام و شماره سوره	شماره آیات
سال دوازدهم بعثت (۵ آیه)			سال سوم هجری (۴ آیه)		
۱۳۰-۲	قصص (۲۸)	۴۳-۳۸	۱۵۳	حج (۲۲)	۴۴
۱۳۲	مؤمن (۴۰)	۷۰-۳۷-۲۴	۱۵۴	آل عمران (۳)	۱۱-۱۸۴ دوبار
سال سیزدهم بعثت (۱ آیه)			سال چهارم هجری (۱۰ آیه) ^۱		
۱۳۸-۲	شورا (۴۲)	۲۴	۱۵۵-۲	اعراف (۷)	۱۷۷-۱۷۶-۴۰-۳۷-۳۶
سال اول هجری (۶ آیه)			سال پنجم هجری (۲ آیه) ^۱		
۱۳۹	بقره (۲)	۳۹	۱۵۸	سبأ (۳۴)	۸
۱۴۰	فاطر (۳۵)	۴ دو بار - ۲۵	۱۶۰	یونس (۱۰)	۱۷-۳۹-۴۱-۴۵
۱۴۱	زمر (۳۹)	۳۲-۲۵	۱۳۹	بقره (۲)	۳۹
۱۴۳-۱	انفال (۸)	۵۴	۱۶۱	حدید (۵۷)	۱۹
سال دوم هجری (۵ آیه)			سال ششم هجری (۱۰ آیه) ^۱		
۱۴۶	اسراء (۱۷)	۵۹	۱۶۷	انعام (۶)	۱۵۷-۱۵۵-۱۴۸-۶۶-۵۷-۴۹-۳۹-۳۴-۳۳ دوبار
۱۴۸	نحل (۱۶)	۱۱۳-۳۶	سال هفتم هجری (۱ آیه)		
۱۴۹	مائده (۵)	۱۰	۱۷۲	مائده (۵)	۸۶
۱۵۰	جمعه (۶۲)	۵	سال دهم هجری (۱ آیه)		
			۱۸۷	انعام (۶)	۱۴۷
			جمعا ۱۹۷ بار صحبت از تکذیب پیغمبران در ۱۹۴ آیه		

۱. آیات شبه مکی سوره یونس (۱۰) به واسطه مشابهت محتوایی که با آیات مکی سال ۱۱ بعثت همین سوره به شماره نزول ۱۲۸ دارد، به سال ۱۱ منتقل می‌شود.

۲. آیات شبه مکی سوره انعام (۶) که خطاب به پیغمبر و مشرکین است و از داستان‌های گذشتگان استفاده می‌نماید، قابل انتقال به سال ۱۰ بعثت است و مشابه گروه الف می‌باشد.

شکل ۱- منحنی توزیع آیات تکذیب پیغمبران توسط کفرورزان در طی دوران رسالت



آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۶۳

منحنی شکل ۱ اگرچه در مورد خاص تکذیب رسولان خدا می‌باشد، مانند منحنی‌های معروف موضوعات اصلی قرآن که در کتاب «سیر تحول موضوعی قرآن»، جلد اول و متمم آن ارائه شده است، یک منحنی آماری در آمده است که آغازی دارد و پایانی و قله‌ای، با حداکثر و فور آیات نازل شده مربوطه.

در سال اول فقط یک آیه در باره تکذیب داشتیم که بلافاصله اوج گرفته، در سال سوم به حداکثر یا ماکزیمم ۴۱ آیه می‌رسد. پس از آن به سرعت نزول کرده، حالت معتدل پنج آیه در سال را احراز می‌نماید. یک ترقی و تنزل مجدد یا قله فرعی ۲۷ آیه‌ای در سال دهم پیدا کرده، باز خود را چند سال در میزان معتدل ۵ نگاه می‌دارد ولی از سال ۴ هجرت به بعد رو به خاموشی می‌رود. قله اول و آیات سال‌های دوم تا پنجم بعثت، به طوری که در جدول دیده می‌شود، از یک طرف تکرار تکذیب‌هایی است که معاصرین رسول اکرم می‌نمودند و از طرف دیگر نقل تکذیب اقوام پیغمبران گذشته است که هلاک شده‌اند. قله کوتاه‌تر و فرعی دوم مقارن سال‌های دهم و یازدهم بعثت واقع شده است که غالب آیات آن خطاب و کلام بین خدا و پیغمبر بوده، تکذیب گذشتگان و فرجام سوء رفتار آنها را یادآوری می‌نماید.

اگر برای تولی، استهزاء، تهمت، جادو و جنون و غیره نیز جدول و منحنی استخراج نماییم، به شکل‌های مشابه تکذیب خواهیم رسید.

۴۱) سال پنجم بعثت - سوره یس (۳۶)، شماره نزول ۸۸ (شامل ۱۷ آیه ۱۵۸ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ.	تا (به وسیله قرآن) قوم غافل را که پدرانشان انذار نشده بودند، بیم و هشدار بدهی.
۷	لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَيَّ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.	به تحقیق سخن برای اکثریت آنان به درستی ادا گردید و باز ایمان نمی‌آورند.
۸	إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ.	ما در گردن‌های آنها غل و زنجیرهایی قرار داده‌ایم که چانه‌هایشان را گرفته سر به هوایشان کرده است.
۹	وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.	و سدهایی در جلو و عقب آنان قرار داده‌ایم که آنها را پوشانده است و نمی‌توانند ببینند.
۱۰	وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.	برای آنها یکسان است که انذار کنی یا نکنی (در هر حال) ایمان نمی‌آورند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۱	(إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَحَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ.)	(تنها کسی را می توان بیم و هشدار دهی که تذکرها را پیروی کند و از خدای رحمان غایبانه ترس داشته باشد که در این صوت او را به آمرزش و پاداش کریمانه بشارت بده.)
۱۳	وَاصْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ.	و برای آنها داستان یاران آن قریه ای را مثل زن که فرستادگان خدا نزدشان آمدند.
۱۴	إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ.	آن زمان که دو نفر به سوی آنها مأمور کردیم و تکذیبشان کردند، سپس با شخص سومی تقویتشان نمودیم و اعلام کردند که ما فرستادگان به نزد شما هستیم.
۱۵	قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ.	گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید و (خدای) رحمان چیزی فرو نفرستاده و شما جز دروغ چیزی نمی گوئید.
۱۸	قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْهَوْا لَتَرْجِمَنَّكُمْ وَلِيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ.	گفتند ما فال بد در باره شما زدیم و اگر دست (از حرف هایتان) برندارید، حتماً سنگسار تان می کنیم و از ما عذاب دردناکی خواهید چشید.
۳۰	يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	ای دریغ و افسوس بر بندگان که هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه او را مسخر می کردند.
۴۶	وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ.	و ایشان را از آیات پروردگارشان آیه ای نیامد، مگر آنکه از آن رو بر می گردانند.
۴۷	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.	و چون به آنها گفته می شود که از آنچه خداوند روزیتان کرده است انفاق کنید، آنها که کافر شده اند، به کسانی که گرویده اند، گویند آیا به کسی غذا دهیم که اگر خدا می خواست روزیش می داد؟ واقعاً که شما جز در گمراهی آشکار جای دیگری ندارید!
۴۸	وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.	و می گویند اگر راست می گوئید، پس این وعده چه وقت خواهد بود.
۴۹	مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهَمُّ بِخِصْمُونَ.	انتظار چیزی جز آن (صیحه واحده) را ندارند که درحالی که درگیر با یکدیگر هستند گرفتارشان نماید.
۶۰	أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.	ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردیم که شیطان را بنده نباشید؟ همانا که او دشمن آشکار شما است.
۶۱	وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.	و اگر مرا بندگی کنید و بپرستید، راه راست همین است.
۶۲	وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ.	و به یقین گروه بسیاری از شما را [شیطان] گمراه کرد پس چرا تعقل نمی کردید؟

در سوره یس (۳۶) ابتدا پنج آیه متصل و با بیان بدیعی در خطاب به رسول اکرم داریم که به دنبال سوگند به قرآن حکیم و تاکیدهای اینکه او مسلماً از فرستادگان خدا برای هدایت بندگان می باشد، آمده است و سپس به طور متفرق یازده آیه داستانی و نقل قول از گذشتگان است که منتهی به ملامت مردمان در پیروی از شیطان می شود.

آیات گروه متصل اول بسیار عجیب و خلاف انتظار است فرشته وحی به جای آنکه مانند سوره‌های گذشته زحمات رسول خدا را لازم و مفید دیده و او را تشویق به ادامه چنین کار خطیر بنماید، به گونه‌ای مأیوس و منصرفش می‌سازد. خداوند توضیح می‌دهد، خود ما هستیم که سر و گردن کافر را همچون چوب خشک، بی حرکت و سربه‌هوا کرده‌ایم و خود ما سدهایی در جلو و پشت آنها قرار داده‌ایم تا جایی را نبینند. بنابراین چون اینان مردمی نیستند که ایمان بیاورند، نباید به خودت زحمت انذار و ابلاغ داده، انتظار داشته باشی خداپرست بشوند...

در ردیف‌های گذشته همه جا شاهد پیشرفت دعوت بودیم و مردم مکه گام به گام یا کلمه به کلمه جلو می‌آمدند. حالا گویی آب سردی به سر دعوت کننده ریخته می‌شود! البته در ابتدای سال چهارم در سوره شعراء (۲۶) اجمالاً و به طور کلی تکرار شده بود که در گذشته اکثریت مردم ایمان نمی‌آوردند^۱. ولی علت و عامل آن ذکر نشده و در آنجا حکایت گذشتگان بود و حالا تذکر و تعلیم به خود پیغمبر است.

اگر قرآن محصول ذهن و ذوق شخص پیغمبر یا عقل و فکر بشر بود که کسی را مأمور انجام کار دشواری کرده باشد، آیا چنین اظهارات خلاف مصلحت و دلسردکننده و بازدارنده ابراز می‌شد؟ و به همین دلیل قرآن کتاب غیر بشری و الهی است.

بشر عادی عاقل قاعدتاً قدم در راهی نمی‌گذارد و کسی را مأمور کاری نمی‌کند، مگر آنکه طالب رسیدن به مقصود بوده و اطمینان یا لاقفل امید به موفقیت داشته باشد. انسان چون محتاج است و در معرض ضعف و نابودی است، به دنبال تأمین نیازهای خود می‌رود و اقدام در کسب قدرت نموده، می‌خواهد به دفع دشمن و رفع موانع پردازد، به طوری که در مدت جوانی و زندگی خود نائل به مقصود و کامیاب

۱. شعراء (۲۶) / ۸: «وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ.»

(... و[لی] [بیشترشان سر ایمان نداشتند].)

قوم هود نیز به پیغمبرشان می‌گفتند:

«قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ.» (شعراء (۲۶) / ۱۳۶)

(گفتند: اندرز بدهی یا ندهی، برای ما یکسان است)

ولی در اینجا خود خدا می‌گوید:

«وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.» (یس (۳۶) / ۱۰)

(و برای آنان یکسان است که انذار کنی یا نکنی (در هر حال) ایمان نمی‌آورند.)

شود، ضمن آنکه عجله هم دارد. اما خداوند، نه نیازمند است و نه ناتوان، تا لازم باشد که دیگران را وادار به خدمت خود نموده و برای توفیق در انجام وظیفه‌ی ارجاعی تشویقشان نماید. مقیاس کار خداوند و فرستادگان او مشیت و ابدیت است نه سرعت و موفقیت، آن‌طور که انسان‌ها انتظار آن را دارند.

آیات سوره یس (۳۶) اگر به رسول اکرم که مأمور دعوت قوم خود و آیندگان بشریت شده است، دل‌داری نمی‌دهد، ولی آگاهی می‌دهد. آگاهی می‌دهد که اشکالات کار خود را ارزیابی کرده انتظار نتایج غیرممکن و غیرموقع را نداشته باشد. توضیح داده می‌شود که انذار کردن تو بر طبق دستورالعمل خدا و بحق و بجا است؛ ولی تنها روی کسانی می‌تواند اثر داشته باشد که به تذکرات توجه می‌نمایند و غائبانه در ضمیر و ذهن خود و مستقل از آنچه مشهود و معمول است، از خداوند رحمان می‌ترسند. در مورد اکثریت مردم آنچه گفتنی است، گفته شده و مع‌ذالک ایمان نمی‌آورند. خود ما بشر را چنین ساخته و سرکشی و مقاومت و اعراض در او قرار داده‌ایم. تو نباید متکی و مغرور به عمل خودت باشی و بخواهی که رو دست خلقت و طبیعت بروی. هدایت بشر راه سراسر است و درست و به‌سوی خدای نادیدنی، آن‌طور که بشر تصور می‌کند، کار آسان نیست.

واقعاً چه فایده دارد که مثلاً به کودکی یا به آدم شهر و ماشین ندیده‌ای بگویند، اگر از عرض خیابان در جای نامناسب و بی‌موقع عبور کند، کار خطرناکی خواهد بود. ولی اصلاً وحشت و احساس ترس نسبت به تصادفات با اتومبیل و معلول شدن و مرگ نداشته باشد؟

عقل و علم برای ایمان و اعتقاد خوب است و ضرورت دارد، ولی باید درک و احساس و ترسی هم در انسان وجود داشته باشد.

اگر قرآن محصول جوشش احساسات و تراوش افکار شخصی پیغمبر می‌بود، این‌طور برای عمل خود و برنامه‌ای که اینک در سال پنجم اجرای آن قرار دارد، اعلام عجز و بی‌حاصلی نمی‌نمود. بلکه به خود القاء امید و اثبات موفقیت می‌کرد و یا مایوس گردیده کار را رها می‌نمود. در هر حال راه‌های بشری، تعلیم و تربیت معمول آن زمان و روش‌های ساده‌اندیشانه را اتخاذ می‌کرد.

توضیحات مایوس‌کننده‌ی فوق این معنی را می‌رساند که شرک و ایمان مسائل نظری سطحی نبوده در نفس و در خمیره و خوی انسان‌ها ریشه دارد. بیشتر یک

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۶۷
مسئله روان‌شناسی انسان‌بینی و احساساتی هم هست، تا اندرز و اجبار و حتی منطق و استدلالی که خالی از اشتیاق آمادگی باشد.

* * *

اما آیات متفرق در فواصل ۱۳ تا ۴۹، اولاً: داستان ۱۳ تا ۱۸ را داریم که گفته‌اند درباره‌ی بولس و توما نمایندگان اعزامی حضرت عیسی (یا رسولان خدا) به انطاکیه بوده‌اند؛^۱ ثانیاً: و به دنبال آن داستان، نظریات کلی در وصف حال دعوت‌شدگان پیغمبران سابق و فرهنگ و کلام آنان است. مجموع آیات، تذکرات و تعلیماتی است که در تعقیب و تکمیل داستان‌های فهرست‌وار سوره شعراء (۲۶) (سال چهارم، ردیف ۲۶) نازل شده، طرز برخورد و برداشت انبیاء و امت‌ها را از دعوت به سوی خدا نشان می‌دهد. صحبت از تکذیب است و تمسخر و یک واکنش تازه از ناحیه مردم دور از منطق و معرفت برای تشخیص صحت و سقم دعوت، از طریق تطییر و تفال، به جای تفکر و تعقل و تحقیق. پس از تطییر که زائیده تخیل و اوهام جاهلان‌هی آن زمان است و به جای تساهل و تحمل یا آزادی عقاید و افکار، طرد و تحمیل به کار برده شده و تهدید به سنگسار یا آزار و کشتار می‌نمایند؛ میزان رشد و فرهنگ مردم آن زمان و برخی از مردم این زمان و معاصرین پیغمبر اسلام چنین بوده است. برای کسانی که در تشخیص رسول بودن یا نبودن داعیان رسالت خدا (یا عیسی) و پیروی از آنها متوسل به فال و تطییر می‌شدند و به‌طوری که در سه آیه ماقبل آمده است، قبول اینکه انسان‌های مانند آنها از طرف خدا پیامی آورده باشند، بسیار مشکل بوده و بالبداهه حمل بر دروغ می‌کردند. رسولان نیز وسیله‌ای نداشته جز آنکه بگویند، پروردگاران می‌داند که ما فرستادگان او نزد شما هستیم و کاری جز ابلاغ راست و روشن پیام از دستمان بر نمی‌آید؛ فال بد زدن شما هم مربوط به خودتان و برخاسته از گزاف‌کاری و خصائلتان است. رسول سومی به کمک می‌رسد، نصیحت مشفقانه می‌کند و دلیل‌های غیرمستقیم عنوان می‌نماید. به دنبال داستان و گفت و شنود رسولان با مردم آن شهر، قرآن نیز بدون جواب‌گویی آنها، به اعلام خبرهایی از سرنوشت نهایی انکارکنندگان داده و افسوس بر بندگان خدا می‌خورد که چرا همیشه چنین بوده که در جواب رسولان چیزی جز استهزاء ابراز نمی‌دارند. سپس در

۱. به گفته عتیق نیشابوری این بولس غیر از سن پل حواری معروف است.

آیات ۳۳ تا ۴۴ نشانه‌های روشن و دلایل مستقیمی ذکر شده است که بیشتر ناظر به معاصرین و آیندگان است و باید در بخش کفرزدایی بررسی نماییم. در آیات ۴۷ و ۴۸ دو استدلال یا ایراد جدی از ناحیه منکرین، بر رد رسولان عنوان می‌شود که حکایت از رشد فکری آنان در مقایسه با تکذیب و تمسخر و تطیر پیشینیان می‌نماید. اولاً: انفاق برای مسکینان را که از طرف انبیاء یا مؤمنین توصیه می‌شده است، تخطئه می‌کنند و آن را نشانه گمراهی آنها می‌گیرند. زیرا که اگر قرار باشد به‌درماندگان و نادارها نان و نوایی برسد، خود خدا این کار را می‌کرد که داناتر و داراتر از هر کس می‌باشد. ثانیاً: اگر هلاک کافران در این دنیا و عذاب آن دنیا راست است، چرا به چشم خود آن را نمی‌بینیم و لاقفل موقع و موعد آن را تعیین نمی‌کنند؟ جواب عملی قرآن درباره‌ی ایرادگیرندگان این است که تنها چیزی که آنان را قانع ساخته و دست از تخاصم برخواهند داشت، شنیدن و دین «صَيِّحَةً وَاحِدَةً» یا انفجار آتی و فراگیری است که همه را هلاک کند. این معنی در دو ردیف جلوتر در سوره ص (۳۸) / ۱۵ و ۱۶ آمده بود:

«وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيِّحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ.
وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ.»

(و اینها انتظاری جز طنین واحد را که بازگشت و افاقه ندارد، نمی‌کشند. و گفتند (یا می‌گویند) پروردگارا نامه عقوبت ما را پیش از روز حساب به ما برسان)

ضمن آنکه پایه‌پای آیات فوق ممکن است، در دل خودمان، مشرکین و مکذبین معاصر رسول اکرم و اسلاف او را ملامت و تحمیق نماییم و تعجب و تأسف از طرز برخوردشان داشته باشیم؛ ولی آنچه از توالی و تفصیل آیات قابل استنباط می‌باشد، علاوه بر مشکلات سنگین پیغمبران، تلاش طولانی و پرفراز و نشیب بشریت برای رفتن زیر بار دعوت و پیامی است که نمی‌توانند آزادانه و بدون اشکال و ایراد عقلی آن را بپذیرند. اتفاقاً خدا هم نمی‌خواهد که بندگان کورکورانه یا با تحمیل و تکلف، تصدیق وجود یا پرستش او و پیروی از پیامبران او را بنمایند.

اگر ایمان عارفانه و عاشقانه و عبادت خالصانه پروردگار انسان و جهان، کار آسان و پیش‌پاافتاده‌ای بود، نه این تعداد پیغمبر و رسول مأمور هدایت مردمان می‌شدند و نه مؤمنین در پنج وقت نمازهای شبانه‌روز خود، ده بار تعهد و تمنای «اهدِنَا الصِّرَاطَ

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۶۹
المُسْتَقِيم»^۱ را می‌کردند.

* * *

در سه آیه ۶۰ تا ۶۲ آخر جدول ردیف ۴۱ که خطاب آن به همه‌ی انسان‌ها و نسل‌ها است، پای عبادت شیطان، به‌جای خدای رحمان می‌آید. جای شیطان مزاحم آدمی‌زاد، در این جهان است و میدان عملش درون انسانها و نفس و روان خودمان است و درحالی‌که به‌گفته‌ی قرآن، دشمن آشکار آدمیزاد می‌باشد، همگی سرسپرده و بنده‌ی فرمانبردار او می‌شویم. نشانه‌اش گمراه و گرفتار شدن گروه‌های کثیر انسان‌ها در گذشته است، و چاره‌اش تعقل و تجربه.

در آخر سال چهارم، ردیف ۳۸، در آیه ۳۹ سوره حجر(۱۵) نقش اغواگری شیطان را روی همه‌ی انسان‌ها (به‌استثنای بندگان مخلص خدا)، از راه آرایشگری زندگانی دنیا (بدون ذکر دشمنی او و پیمانی که با خدا بسته است) دیده بودیم. در این سوره برای اولین بار داستان آفرینش و گزینش آدمیزاد و استنکاف ابلیس از سجده کردن به انسان و اغوای آنان بیان شده بود. در سوره‌های مریم(۱۹) (ردیف ۳۶) و شعراء(۲۶) (ردیف ۲۶- آیات ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۲۲ و ۲۲۳) اشارات تدریجی در زمینه روابط شیطان با کفرورزان آمده بود. مجموع این آیات و دخالتی که قرآن برای شیطان در کافر و گمراه کردن انسان‌ها قائل شده است، با مجرمیت و مسئولیت و خصوصیات نفسانی خود انسان‌ها تناقض پیدا می‌کند که صریحاً و مکرراً در آیات کفرورزی سال‌های اول تا سوم بعثت و بعد از آنها برخورده‌ایم و برخواهیم خورد. مگر آنکه عمل شیطان و کفرورزی انسان را که از ذات و ضمیر و از مکتسبات نفسانی او سرچشمه می‌گیرد، مترادف یا لااقل مرتبط دانسته، نقش شیطان را از مقوله‌ای روانشناسی تلقی نماییم؛ در این صورت آیات:

«تَنْزَلُ عَلَيَّ كُلُّ آفَاكٍ أُثِيمِ.

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ.»^۲

«الْمُ تَرَأْنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَهُُّهُمْ أُرَاءُ.»^۳

۱. حمد(فاتحه)(۱) / ۶: ما را به راه راست هدایت کن.

۲. شعراء(۲۶) / ۲۲۲ و ۲۲۳: بر هر دروغ‌پرداز گناه کار فرود می‌آیند؛

[که برای تجسس] گوش فرا می‌دارند و بیشترشان دروغ‌پردازند.

۳. مریم(۱۹) / ۸۳: آیا توجه نکردی که ما شیاطین را به سراغ انکارورزان می‌فرستیم تا به شدت تحریکشان کنند؟

«لَا زَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غُورِيَّهِنَّ أَجْمَعِينَ»^۱

دخول یا نزول اعزامی شیطان و دخالت او (و خدا) را در جسم و جان بندگان غیر خالص، به طور گام به گام تا حدودی روشن می‌نماید.

با آنکه در آیات فوق صریحاً از نقش شیطان در کفرورزی انسان و از مآذون (یا مأمور) بودن او نام برده شده است، مع‌ذالک با گفتن «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ»^۲، تقصیر و مسئولیت به گردن انسان انداخته می‌شود و رفع تناقض مذکور در بالا به عمل می‌آید. با گفتن «وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا»^۳ پای عقل و آزمایش و اراده بشری به میان آمده است. و بالاخره با تذکر «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۴ امیدواری و اطلاع از تصمیم‌گیری به ما داده می‌شود.

خلاصه آنکه حضور و نفوذ شیطان چون در درون انسان است، به نظر می‌آید مانند خدا که او نیز از ذات و درون اشیاء و اشخاص و ظاهراً به دست خود آنها عمل می‌نماید، در آنجا که دارای اختیار مستقیم و تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی می‌باشیم، چیزی از مسئولیت ما نکاهد.

اما تعهد و پیمانی که در آیه آمده است در مورد آدم و زوجه‌اش به صورت توجه و توبه و عُفران در قرآن نقل شده است. بعضی از پیغمبران نیز در کتاب و خطابشان با امت خود اخذ عهد آشکار و عام کرده‌اند. ولی در مورد افراد بعدی و امروری و آیندگان که حافظه و سابقه‌ای از اجدادشان با رسولان و با خدا ندارند، معلوم نیست یادآوری این تعهد چه ارزش و اثری می‌تواند داشته باشد. مگر آنکه بگوییم پیمان‌بندی با خدا تکوینی است و در آفرینش و فعالیت‌ها و در مبادلاتی که با جهان خارج خود می‌نماییم و هدایت و نعمت‌هایی که دریافت می‌داریم، مندرج و منعکس است و یک نوع حالت میراثی و اجتماعی دارد. یعنی پیمان دوجانبه، با وراثت به نسل‌های آینده منتقل می‌گردد و فرزندان و امت‌های آینده، به دلیل تعلق داشتن به جامعه، خود به خود مشمول و مسئول قَسَم و اخذ تعهدهای گذشته می‌شوند.

۱. حجر (۱۵) / ۳۹: ... [باطل را] در زمین برای بنی آدم می‌آرایم و همگی آنان را به راه تباهی خواهم کشید.

۲. یس (۳۶) / ۶۰: ای بنی آدم، مگر به شما سفارش نکردم...

۳. یس (۳۶) / ۶۲: [شیطان] از میان شما خلق بسیاری را به گمراهی کشید؛ ...

۴. یس (۳۶) / ۶۱: و اینکه [تنها] مرا بندگی کنید، که راه راست همین است؟

۴۲) سال پنجم بعثت - سوره مؤمنون (۲۳) - شماره نزول ۰۹۰ (۲۳ آیه ۲۰۰ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۳	وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيمَانِ الْآخِرَةِ وَأُتِرْفَانَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ.	و بزرگان قوم او که کفر ورزیده، تکذیب دیدار آخرت را کرده و ما در زندگی دنیا رفاه و فراخی به ایشان داده بودیم، گفتند این شخص جز یک فرد بشر مانند شما نیست، از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌آشامید می‌آشامد.
۳۴	وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِثْلَكُمْ لَأِنَّكُمْ إِذَا لَخَّابِرُونَ.	و اگر از بشری همچون خودتان فرمانبری کنید، در این صورت زیانکار خواهید بود.
۳۵	أَيُعِدُّكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ.	آیا به شما وعده می‌دهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید از برانگیختگان و خارج شوندگان (از قبر یا خاک) خواهید بود؟
۳۶	هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ.	چقدر دور (و باور نکردنی) است آنچه بدان وعده داده می‌شوید!
۳۷	إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ.	به یقین (آنچه می‌بینیم و واقعیت دارد) چیزی جز زندگی دنیا وجود ندارد، می‌میریم و زنده می‌شویم و ما برانگیخته‌شو نیستیم.
۳۸	إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ.	این شخص (مدعی رسالت) جز مردی که به دروغ به خدا افتراء می‌زند نیست و ما هرگز ایمان آور به او نیستیم.
۴۶	إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَوَلِيِّهٖ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ.	(موسی و هارون را) به سوی فرعون و بزرگان قوم او فرستادیم ولی تکبر ورزیدند و قومی گردنکش برتری طلب بودند.
۴۷	فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ.	پس (فرعون و اشراف او) گفتند: آیا سزاوار است که به دو بشر مثل خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم ایشان بندگان ما هستند؟
۴۸	فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ.	پس آن دو را تکذیب کردند و از هلاک‌شدگان گشتند.
۶۶	قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تَثَلِّي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ.	به تحقیق چنین بود که آیات ما برای شما خوانده شد و شما به گذشته و پشت سرتان برمی‌گشتید.
۶۷	مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْتَجِرُونَ.	به او (به پیغمبر) می‌بالیدند و شبانگاه به وی ناسزا می‌گویند.
۶۸	أَقَلَّمُ يَدِيهِمُ الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ.	آیا (در این) سخن تأمل نمی‌کردند یا آنکه برای آنها چیزی آمد که برای پدرانشان نیامده بود؟
۶۹	أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ.	آیا رسولشان را (به صداقت و عقل) نشناخته‌اند که حالا او را انکار می‌کنند؟
۷۰	أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ.	یا آنکه می‌گویند مبتلا به جنون شده است؟ نه، بلکه حق را برایشان آورده است.
۷۱	وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ.	و اگر خدا پیروی از هوا و هوس‌های آنان می‌کرد، حتماً آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنها است تباہ می‌گشت، بلکه ذکر و پند خودشان برای آنها آوردیم درحالی که از آن اعراض دارند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷۲	أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.	یا آنکه مگر از آنان مطالبه مزد می‌کنی؟ درحالی که جیره‌ی پروردگارت بهتر است و او بهترین روزی‌دهندگان است.
۷۳	وَإِلَيْكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.	و همانا که تو آنان را به راه راست دعوت می‌کنی.
۷۴	وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَابُونَ.	و همانا کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند، از راه (حق و راست) عدول می‌نمایند.
۸۱	بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ.	بلکه گفتاری مانند پیشینیان به زبان آوردند.
۸۲	قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ.	گفتند آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان بودیم آیا برانگیخته می‌شویم؟
۸۳	لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.	به تحقیق قبلاً هم به ما و به پدرانمان همین وعده داده شده بود و این چیزی جز افسانه‌های کهن (یا گذشتگان) نیست.
۱۰۶	قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ.	(در جواب پرسش در جهنم) گفتند پروردگارا بدبختی بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم.
۱۱۵	أَحْسَبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.	آیا خیال کردید که ما شما را بیبوده آفریدیم و شما به سوی ما برنخواهید گشت؟

در سوره مؤمنون (۲۳) پس از توصیف مؤمنین (که در بخش ایمان‌گرایی ان‌شاءالله خواهیم دید)، ابتدا به آفرینش انسان تا رسیدن به مرگ و رستاخیز و زندگی زیر آسمان با بهره‌مندی از نعمت‌های روی زمین (تا آیه ۲۲) اشاره‌ای می‌نماید. سپس از مأموریت نوح و عکس‌العمل‌ها و عاقبت قوم و نجات او بحث کرده با یادآوری:

«ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ.

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ.»^۱

یک جمع‌بندی فهرست‌وار از اظهارات و طرز برخورد اقوام کافر گذشته با رسولان‌شان را که در ردیف‌های سنوات قبل دیده بودیم، بیان نموده و طی چهار آیه ۴۵ تا ۴۹ با ذکر از مأموریت موسی و دریافت کتاب خدا، این بحث را خاتمه می‌دهد. سپس در یک آیه برای اولین بار به معرفی کوتاه «فرزند مریم و مادرش»

۱. مؤمنون (۲۳) / ۳۱ و ۳۲: آن‌گاه از پی آنان نسل دیگری پدید آوردیم.

و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که خدای را بندگی کنید، هیچ معبودی جز او ندارید؛ چرا پروا نمی‌کنید؟

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۷۳
می‌پردازد. خطاب کلام به کلیه پیغمبران برمی‌گردد که باید «امت واحد» برای همه‌ی پیروان باشند. به این ترتیب به دنبال دعوت از مشرکین و کفار، باب جدیدی برای مذمت پیروان مؤمن شده باز می‌گردد. تا بعداً اسم از «اهل کتاب» برده شود. پیروان مؤمن شده، ولی کفرورزیدگانی که راه اختلاف و خودستایی و غفلت پیشه گرفته و تصور می‌نمایند که مال و اولادی که خدا به آنها عطا کرده است، دلالت بر برتری و برگزیدگی و رستگاری آنان می‌نماید.

در نیمه دوم سوره (از ۵۷ تا ۱۱۷)، فصل تازه دیگری افتتاح می‌شود که مقدمات آن را متدرجاً در سال چهارم و در اوائل همین سال در سوره‌های طور (۵۲)، (ردیف‌های ۳۲ و ۳۷) و ص (۳۸) (ردیف ۳۹) دیده بودیم. فصل جدید یا رنگ جدید، دیالوگ یا گفت و شنود انکاری- استفهامی است که در بحث با مشرکین و منکرین مطرح شده امروز هم قابل طرح می‌باشد. در حقیقت خود قرآن است که با تلقین و تکرار جمله‌های «أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ»^۱، «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا»^۲، «أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا»^۳، «أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ»^۴، «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ»^۵، «أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ بَلْ لَأَيُّؤْمِنُونَ»^۶، که در ردیف‌های اخیر آمده است دیالوگ یا شیوه پرسش و پاسخ منطقی را در ذهن و زبان مشرکین جا داده و می‌خواهد جدل لجوجانه و ستیزه‌جویانه را تبدیل به جدال روشنگرانه نماید. جدالی که بعداً در برخورد با اهل کتاب عنون جدال احسن به آن داده می‌شود و توصیه «يَذَرُوْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ»^۷ را خواهد کرد.

به این ترتیب با جمع‌بندی اظهارات و تهمت و توهین‌های مشرکین، بیان و نقل این نوع برخورد تقریباً خاتمه یافته، از یک طرف پس از اشارات به موسی و عیسی، ملامت و دعوت از مؤمن شده‌های گذشته آغاز می‌گردد که دنباله‌ی آن به سال‌های آخر مکه و در سراسر مدینه به اهل کتاب کشیده می‌شود و از طرف دیگر، بحث روی

۱. مؤمنون (۲۳) / ۷۰: یا می‌گویند: جنون دارد؟

۲. مؤمنون (۲۳) / ۷۲: مگر [در برابر دعوت] از آنان پاداشی خواسته‌ای؟!

۳. ص (۳۸) / ۸: آیا می‌شود که از میان ما (فقط) برای او قرآن نازل شده باشد؟ ...

۴. ص (۳۸) / ۱۰: یا آنکه فرمانروایی آسمان‌ها ...

۵. طور (۵۲) / ۳۰: یا می‌گویند [محمد] شاعری است ...

۶. طور (۵۲) / ۳۳: یا می‌گویند؛ آن [قرآن] را پیش خود بافته است؛ [چنین نیست] بلکه [آلوده به ظلمند که] ایمان نمی‌آورند.

۷. رعد (۱۳) / ۲۲: ... و بدی را با نیکی دفع می‌کنند، ...

اعراض و تکذیب، تهمت و تحقیر و بالاخره تطیر و تهدید نقل شده از گذشتگان، جای خود را به تدبر و تعجب‌های «انکاری- تحقیقی» یا استفهام و استدلال داده کم کم منطق و عقل و تساهل وارد صحنه می‌شود که خود نشانه‌ای از پیشروی امر رسالت می‌باشد.

اینک به توضیح مختصر آیات کفرورزی استخراج شده از فصول فوق می‌پردازیم.

* * *

در آیات ۳۳ تا ۳۸ و آیه ۴۶ تا ۴۸ با اشاره به نقش رجال مرفّه و تکذیب کنندگان آخرت، اعجاب و اظهارنظرهای نسبتاً سنجیده کفرورزان سطح بالای جامعه ارائه می‌گردد: ردّ رسالت آدم‌های مشابه دیگران و زبانی که از پیروزی آنها عاید خواهد شد، شگفتی و ناباوری سر از قبر درآوردن مرده‌های خاک و استخوان شده، انحصار داشتن زندگی به چند روزه‌ی دنیا و محال بودن برانگیختگی بعد از مرگ و بالاخره دروغ‌گوئی پیغمبران و افترا بستن آنان به خدا، به‌عنوان بهانه‌های استنکاف از ایمان، فرعون و درباریان او نیز که خود را بزرگ و برتر می‌شمارند و چون بنی‌اسرائیل قبول خدمت و بندگی آنان را کرده‌اند، نمی‌توانند بپذیرند که رسالت و مأموریت خدا به دو آدم بی‌سر و بی‌پا و امثال مردم عادی داده شده و لایق ایمان آوردن باشند. ایرادها و پرسش‌های مشرکینی که جواب آنها در آیات ۸۴ تا ۹۰ داده می‌شود، تیز شده است! و از رشد پیش رفته‌تر افراد و جوامع حکایت می‌نمایند.

* * *

سری بعدی آیات (۶۶ تا ۷۴ و ۸۱ تا ۸۳ و ۱۰۶ و ۱۵۱) مستقیماً درباره معاصرین و منکرین رسول اکرم است.

پس از آنکه از عقب‌گرد یا مرتجع بودن مشرکین که ناشی از تکبر یا بزرگ‌بینی خود و تحقیر دیگران است، سخن می‌گوید، دیالوگ یا گزارش گفت‌وشنود فی‌مابین در شش پرسش و چهار توضیح یا تعلیل بیان می‌شود:

۱- تدبر نکردن پیام، تازگی نداشتن دعوت، ناآشنایی با پیغمبر، تهمت جن‌زدگی به او، زنده شدن مردگان پس از پراکندگی و پوسیدگی، و بالاخره تصور بیهودگی خلقت و طبیعت و محال گرفتن بازگشت به خدا.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۷۵

۲- خوش آیند و مطبوع نبودن کلام حق برای اکثریت، انکار قیامت عامل برگشت از راه خدا، اسطوره و افسانه گرفتن وعده‌های آخرت، و بالاخره اقرار به بدبختی و گمراهی که باعث گرفتاریشان شده است.

(۴۳) سال پنجم بعثت، سوره فصلت (۴۱)، شماره نزول ۰۹۱ (۹ آیه و ۲۲۹ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳	(كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.)	(کتابی است و قرآنی است به عربی فصیح و با آیات تفصیل داده شده برای قومی که دانا و اهل دانش باشند.)
۴	(بَشِيرًا وَنَذِيرًا) فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ.	(بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده هستی) ولی بیشتر آنان روگردانیده و گوش نمی‌دهند.
۵	وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْثَرِهِ مِمَّا نَدْعُونَآ إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ.	و گفتند دل‌های ما نسبت به آنچه دعوت می‌کنی پوشیده و بیگانه است، در گوش‌های ما سنگینی وجود دارد و میان ما و تو پرده و حجاب قرار دارد. بنابراین تو کار (خودت را) بکن ما هم کار (خودمان را).
۷	الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ.	کسانی که (مشرکین) زکات نمی‌پردازند و آنان نسبت به آخرت کافرند.
۱۵	فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ.	و اما (قوم) عاد، آنان به ناحق خود را در زمین بزرگ و برتر انگاشته و گفتند کیست که از ما نیرومندتر باشد. آیا نمی‌دیدند (یا نمی‌فهمیدند) خدایی که آنها را آفریده است صاحب نیروی سخت‌تر است و چنین بودند که نشانه‌های ما را انکار می‌کردند.
۱۷	وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمِيَ عَلِيَّ الْهُدَىٰ فَآخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.	و اما (قوم) ثمود ما آنها را راهنمایی نمودیم، ولی ناپیایی را بر هدایت ترجیح دادند تا آنکه بانک عذاب خوارکننده‌ای نسبت (یا به وسیله) آنچه کسب کرده بودند آنها را فرا گرفت.
۲۶	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَأَن نَّسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالنَّوْءَ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَهْلِكُونَ.	کسانی که کافر شدند گفتند، گوش به آن قرآن ندهید و سخن‌های بیهوده در آن بیفکنید تا شاید غلبه کنید.
۴۴	وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ.	و اگر قرآن را به زبان گنگ غیرعربی نازل کرده بودیم، حتماً می‌گفتند چرا آیات آن روشن و باز نشده است آیا غیرعربی و عربی (با هم تناسب دارند)؟ بگو آن (قرآن) برای کسانی که ایمان آورده‌اند راهنمایی و درمان است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی وجود داشته و قرآن برایشان کور و ناپیداست؛ انگار که چنین کسان از محل دوری صدا زده می‌شوند.
۵۱	وَإِذَا نَعَمْنَا عَلَي الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَيَّ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ.	و چون انسان را مشمول نعمت سازیم اعراض (از ما و از حق) کرده و به سمت (مورد تمایل) خودش منحرف می‌شود و چون شری او را فرا بگیرد (رو به ما آورده) اهل دعا و درخواست عریض و طویل می‌شود.
۵۴	أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ.	آگاه باش که آنها نسبت به ملاقات پروردگارت (در قیامت) شک دارند (و باز هم) آگاه باش که آن (خداوند) احاطه بر همه اشیاء دارد.

عنوان این سوره به مناسبت و به قرینه‌ی کلمه یا فعل مجهول «فصلت» است که در آیات ۳ و ۴۴ دو بار آمده و به معنای تفصیل یافته و باز شده یا بیان با توضیح و تفصیل می‌باشد. این تعبیر که برای اولین بار در قرآن می‌آید^۱ پاسخی است به نیاز آن زمان مشرکین و کفار که تقریباً و تدریجاً دوران اعراض و تکذیب و لجاج را پشت سر گذاشته بودند، لیکن بهانه و ایرادشان غیرقابل قبول بودن، نامأنوس و نامفهوم بودن محتوای دعوت پیغمبر و آیات قرآن بود. همچنین استقبالی است که از گفت و شنود با کفار یا دیالوگ افتتاح شده در سوره مؤمنون (۲۳) و ماقبلی‌های آن (طور) (۵۲) و ص (۳۸) به عمل آمده و گفته می‌شود که ما جواب سئوال‌ها و ایرادهای شما را با تفصیل و توضیح کافی می‌دهیم. عربی بودن قرآن که در همین آیات اشاره شده است، در نزد عرب زبان‌ها به معنای لغت، فصیح و رسا می‌باشد که عکس آن اعجمی به معنای گنگ و غیرقابل فهم برای اعراب است.

تنها پاسخ و واکنشی که در برابر رسایی و روشنی با تفصیل قرآن، از مشرکین و منکرین خواسته می‌شود و از این سال به بعد از آن نام برده و خواسته می‌شود، «استماع» است، یعنی گوش دادن و توجه کردن. درحالی که آنها برطبق آیات ۳ و ۲۶ از این کار اکراه داشته و نمی‌خواستند نه خودشان با شنیدن آیات خدا هدایت شوند و نه دیگران آگاهی و ایمان پیدا کنند. همان‌طور که اقوام عاد و ثمود با نیرومندی جسمی و نظامی و با رفاه و عمرانی که داشتند، خود را بی‌نیاز از توجه به دعوت پیغمبران و هدایت آنان دانسته، نشنیدن و ندیدن را بیشتر دوست می‌داشتند تا به تفکر و تلاش افتادن. قرآن هم اصرار و قصد اجبار آنها را به شنیدن و دیدن و پذیرفتن ندارد و تبلیغی هم نمی‌کند. از آیات (به‌طوری که در بخش کفرزدایی دیده خواهد شد) چنین برمی‌آید که برای ایمان آوردن و اجابت دعوت پیغمبران، باید طلب و تمایل در خود انسان‌ها وجود داشته باشد و با احساس ترس از خدا و عشق به کمال و هدایت و نجات، آیات خدا را استماع و استقبال نمایند. در غیراین صورت چنان است که رابطه‌ی دل‌هایشان با خارج قطع شده و در گوش‌هایشان پنبه و سرب کرده باشند، یا از فواصل دور آنان را صدا بزنند که درست شنیده نشود.

* * *

۱. و دفعه‌ی بعدی و آخری آن، در سال ۹ بعثت و در سوره هود (۱۱) / ۱ آمده است:

«الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ.»

(الف، لام، راء؛ [این] کتابی است که آیاتش از جانب فرزانه‌ای آگاه استحکام یافته، به وضوح بیان شده است.)

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۷۷

آیات ۵۱ و ۵۴ جنبه‌ی عام‌تر انسان‌بینی قرآن را داشته، شامل مشرکین و مؤمنینی می‌شود که فقط مواقع گرفتاری‌های زندگی به یاد خدا و دعا می‌افتند و همچنین کسانی که روی وابستگی به دنیا و رفاه و مقام یا کوچک گرفتن ظرفیت و حیثیت انسان، ملاقات پروردگار در روز قیامت را (به هر نحو که باشد) مشکل و محال دیده و نسبت به آن در شک هستند.

(۴۴) سال پنجم بعثت، سوره زخرف (۴۳)، شماره نزول ۰۹۲/۱ (۱۰ آیه و ۱۰۷ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۵	أَفَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَاحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ.	آیا در اثر روگردانی شما ذکر (یا قرآن) را از شما بزنیم، چون که قومی اسراف‌گر هستید؟ ^۱
۶	(وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ.)	(و چه بسیار پیغمبران که در میان گذشتگان فرستادیم.)
۷	وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	و برای آنها پیامبری نیامد مگر آنکه او را استهزاء می‌کردند.
۱۵	وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنْ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ.	و برای او از بندگانش بهره‌ای قرار دادند همانا که انسان به طور آشکار ناسپاس است.
۱۶	(أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بِنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ.)	(یا اینکه از آنچه می‌آفریند برای خود دختران را برگزید و شما را (به داشتن) پسران ممتاز کرد؟)
۱۷	وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ	درحالی که وقتی یکی از آنها را به آنچه برای خدا پسندیده است، مژده دهند، با وجود فرو بردن خشم خود، رویش سیاه می‌شود.
۱۸	(أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ.)	(و می‌گوید) آیا (مژده کسی را به من می‌دهید) که نشو و نمایش در زیور و آرایش است و هنگام کارزار گنگ می‌شود؟
۲۰	وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.	و گفتند اگر خدای رحمان می‌خواست ما آنها را نمی‌پرستیدیم، آنان را در این گفتار دانش و اندیشه نیست جز آنکه دروغ می‌بافند.
۲۱	أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ.	(یا آنکه به آنها قبلاً کتابی داده‌ایم که تمسک یا استناد به آن می‌نمایند؟)
۲۲	بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ.	بلکه گفتند ما پدران خود را بر دین و آیینی یافتیم و از آنان دنباله‌روی می‌کنیم.
۲۳	وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ.	و چنین است که ما پیش از تو در هیچ قریه (یا شهری) بیم دهنده‌ای نفرستادیم، مگر آنکه مرفهین آنها گفتند که ما پدران خود را بر آیین و دینی یافتیم و از آثار آنان اقتدا و پیروی می‌نماییم.
۲۴	قَالَ أَوْلَوْ جُنَّتُمْ بِأَهْدِي مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ.	و می‌گفت اگر برای شما چیزی راهنما تر از آنچه پدرانتان را بر آن دیدید بیاورم (چه می‌گویید؟) می‌گفتند ما به آنچه شما ما مور شده‌اید کفر می‌ورزیم.
۲۵	فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ.	بنابراین از آنها انتقام گرفتیم. پس بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بوده است.

۱. اسراف و مسرف به معنای خطا و غفلت است و خطا کار افراط‌گر یا تجاوز کننده از حد معقول و اعتدال.

سوره‌ی زخرف (۴۳) نیز که بلافاصله بعد از فصلت (۴۱) آمده است، با معرفی قرآن و استفاده‌کنندگان از آن آغاز می‌شود؛ آنجا چنین آمده بود:

«حم. تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.»^۱

و اینجا چنین آمده است:

«حم. وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ.
إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.
وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَىٰ حَكِيمٍ.»^۲

این مقایسه و معرفی اگرچه جایش در بخش بعدی کفرزدایی است، ولی با توجه به اینکه در سوره فصلت (۴۱) معرفی قرآن به مناسبت اعراض مشرکین و گوش ندادن به قرآن آمده است و در سوره زخرف (۴۳) مقابله به مثل نکردن خدا گوشزد می‌شود، در مجموع روش اتخاذ شده‌ی رسالت در برابر رفتارهای کفرورزان را ما می‌بینیم. از طرف آنها: اعراض و اصرار بر عدم استماع و احساس پرده و پوشش بر دل‌ها و گوش‌ها برای ارتباط نگرفتن و پس از آن استهزاء؛ و از این طرف: عدم انصراف و خستگی رسول و عرضه کردن آیات و سئوالات یا القاء و ادامه‌ی دیالوگ. در سوره زخرف (۴۳) نیز اشارات و حکایات کوتاهی از برخورد پیغمبران گذشته با اقوام و امت‌ها را می‌بینیم که تذکر به معاصرین (ابراهیم و موسی و عیسی به اختصار) می‌باشد، و بیشتر لحن گفت‌وشنود یا دیالوگ را دارد. از زبان و از دل کفرورزان علل اعراض و اکراهشان آشکار می‌شود. و بالاخره التفاتی (شاید برای اولین بار و هشت سال قبل از برخورد مسلمانان با یهودیان و مسیحیان) در آیات ۶۳ تا ۶۵ به اختلاف کاری و فرقه بازی‌های اهل کتاب به عمل می‌آید که از زبان حضرت عیسی است و از شاخه‌های عمده‌ی کفرورزی آنان بوده و در سال‌ها و سوره‌های بعد با تفصیل بیشتر و توییح تندتر روی آن بحث خواهد شد.

۱. فصلت (۴۱) / ۱ تا ۳: حاء، میم. نازل شده‌ای است از جانب خدای رحمان و رحیم.

کتابی است که آیاتش به وضوح بیان شده است، به صورت قرآنی به زبان تازی برای اهل دانش.

۲. زخرف (۴۳) / ۱ تا ۴: حاء، میم. و سوگند به کتاب روشنگر.

ما آن را قرآنی به زبان تازی [فصحیح] پدید آوردیم، بسا که خردورزی کنید.

و این کتاب که والا و حکمت آموز است، در لوح محفوظ نزد ما ثبت شده است [و دستخوش تغییر نخواهد شد].

در سه آیه ۵ تا ۷ تذکاری از جمع‌بندی گذشته و به‌مسخره‌گرفتن رسالت پیغمبران است که مرحله‌ی بعد از روگرداندن و نسبت دروغ و جادو یا جنون دادن، می‌باشد و گفته می‌شود در برابر چنین حالات و اعمال ما از تنزیل قرآن و تذکر و توجه دادن به شما دست برنمی‌داریم.

* * *

در آیات ۱۵ تا ۱۸ بحث دیالوگ‌مانند کوتاهی از یکی از خصلت‌های اعراب جاهلیت به میان می‌آید و چهره‌ای از کفرورزی یا شرک جاهلانه آنان نشان داده می‌شود. اعراب آن زمان تعصب ناشی از وهم و جهل را به جایی رسانده بودند که صاحب دختر شدن و جنس زن را ننگ می‌شمردند. مع‌ذالک روی تقلید گذشتگان و قیاس به نفس‌های بشری و هنری، برای خدا فرزند و اولاد درست می‌کردند و آن هم دختر که نمایش زیبایی و محبوبیت است. در این دیالوگ، خرافی بودن و بی‌پایه بودن اعتقادات کفرورزان به زیر سؤال برده می‌شود. ضمن آنکه با زینت و ظرافت، اشاره به خوی ستیزه‌گری و بیگانگی آنان به عمل می‌آید.

* * *

در آیات ۲۰ تا ۲۳ از مشرکین نقل قولی شده است که حالت عذرخواهی و توجیه عقایدشان را دارد. از اعراض و تکذیب و استهزاء بیرون آمده، در پاسخ به پرسش‌ها و دیالوگ‌ها، حالت دفاعی به خود گرفته‌اند. سابقاً، و از جمله در آیه ۸۳ سوره‌ی مؤمنون (۲۳) (ردیف ۴۲) از پدران خود یاد کرده و گفته بودند که:

«لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»

(مؤمنون (۲۳) / ۸۳)

(به تحقیق قبلاً هم به ما و به پدرانمان همین وعده داده شده بود و این چیزی جز افسانه‌های کهن (یا گذشتگان) نیست.)

و قبل از آن در سال سوم بعثت در سوره‌ی صافات (۳۷)، آیات ۶۹ و ۷۰ (ردیف ۲۲) نیز اشاره شده بود که:

«إِنَّهُمْ أَلْفَاؤُا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ.

فَهُمْ عَلَيَّ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ.» (صافات (۳۷) / ۶۹ و ۷۰)

(به یقین آنها پدران خود را گمراه یافتند.

و بنابراین به دنبال (عقاید و عادات) آنان شتاباناند.)

حالا از قول خود آنها و بدون آنکه سابقه و سندی از کتاب گذشتگان بیاورند، گفته می‌شود که پناه به پدران می‌برند و خصلت بشری ظاهراً پسندیده احترام و تأسی به بزرگتران و از دنیارفتگان را پیش می‌کشند. قبلاً در زیر ردیف ۲۲ و آیات ۶۹ تا ۷۱ سوره صافات (۳۷) شرح داده بودیم که این سنت چه حکمت و حرکت و چه ضلالت و خسارت‌هایی به لحاظ رشد و هدایت انسان در بر دارد. آیات کفرزدایی قرآن عنایت بیشتر به جنبه‌های تقلید و تحجر دارد که سدّ غیرقابل نفوذ در برابر دعوت پیغمبران در تکامل امت‌های سنت‌پرست ایجاد می‌کرده است.

آیات بعدی ۲۴ و ۲۵ نشان می‌دهد که وقتی درجه لجاج و تکذیب به این مرحله از شدت می‌رسیده است که حاضر به قبول دلیل یا تعلیم و تجربه‌ای نمی‌شدند که رساتر از سنت گذشتگان باشد (یعنی سیر تکامل و تسویه متوقف گردیده و تنها روی وضع آباء و اجدادی بسته شود)، راه خروج از بن‌بست و سرنوشت آن اقوام نمی‌توانسته است چیزی جز هلاک و قطع نسل باشد، آن هم هلاکتی که به گفته‌ی قرآن: همیشه علی‌رغم اخطار و اندازهای پیغمبران و به دست و انتخاب خودشان صورت می‌گرفته است.

در سوره‌ی صافات (۳۷) سال سوم بعثت، نتیجه‌گیری ارائه شده مانند آخرین آیات کفرورزی سال پنجم است. ولی با اختصار و اشاره و با تذکر اینکه افراد خالص و پاک شده، از این مهلکه‌ها مستثنی می‌شده‌اند:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ.

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ.»^۱

* * *

۱. صافات (۳۷) / ۷۲ تا ۷۴: و میانشان هشداردهندگان را فرستادیم.

بین سرانجام هشدار داده‌شدگان چگونه بود.

[همه گرفتار کیفر شدند] مگر بندگان اخلاص یافته‌ی خدا.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۸۱

سال پنجم بعثت، با شش ردیف آیات کفرورزی که در مجموع شامل ۸۳ آیه و ۸۱۳ کلمه شده بود، به پایان رسید. گام‌های تازه‌ای را که به لحاظ معرفی کفرورزان و شناخت پدیده کفر برداشته شد، می‌توانیم به شرح زیر خلاصه کنیم:

در سال پنجم ضمن اینکه مسئله تکذیب که عامل اعراض و انکار و مانع قبول دعوت بود، باز هم در آیات کفرورزی می‌آید و تهمت جادوگری و سحر نیز جسته‌گرفته دیده می‌شود. تحول یا پیشرفت عمده‌ای که در امر رسالت ظاهر گردیده است، پیدا شده و پذیرش گفت‌و شنود با کفار است که در اصطلاح امروزی دیالوگ می‌گویند. در موارد و موضوعات چندی پرسش‌های انکاری همراه با استهزاء یا اعجاب از زبان مشرکین آورده شده است یا در زبان آنها گذارده می‌شود. یکی از این موارد اقراری است که مشرکین با گفتار خودشان در زمینه‌ی اعراضی که از روبه‌رو شدن و شنیدن کلام رسول خدا داشتند، نفوذناپذیری دعوت او در وجود خودشان می‌باشد. و قبل از آنها، خود قرآن یا خدا در سوره‌ی یس (۳۶)، آب پاک روی دست فرستاده‌اش ریخته صریحاً گوشزد می‌نماید که انذار و اخطار یا بشارت و دعوت تو روی اکثر این مردم اثر ندارد. ما دل‌هایشان را قفل کرده‌ایم و گوش‌هایشان برای شنیدن حرف‌های تو سنگین و کراس است.

پس از آن، در همین سال، قرآن به تعلیل یا توجیه علت این نفوذناپذیری در دعوت از مشرکین و مردم می‌پردازد. درحالی‌که در سال‌های گذشته صحبت از سرگرمی مشرکین و شیفتگی آنها یا انسان‌ها به مال و متاع دنیا و تکثیر و تمتع بوده است. حالا علاوه بر جاذبه مال و منال، اتکاء به قوت و نیروی فردی یا قومی خود می‌نمایند و شخصی مانند فرعون چنان متکی و مغرور به قدرت پادشاهی و شوکت درباری خود شده است که نه تنها خدا و موسی را به مسخره می‌گیرد، بلکه ادعای خدایی می‌نماید. در همین زمینه و به دنبال معارضه‌ای که دنیاداری و دنیاپرستی با خداپرستی در نفس انسان دارد، اشاره به این نکته می‌شود که انعام به انسان یا تأمین خواسته‌های او، چه بسا باعث اعراض از دعوت پیغمبران و فراموشی خدا می‌گردد و در گرفتاری‌ها و تنگی معیشت است که اشخاص دست دعا به سوی خدا دراز می‌کنند.

علت یا عامل دیگر که در آیات کفرورزی سال پنجم عنوان گردیده بود، جهل نسبت به وقوع آخرت است و عجیب و محال به نظر آمدن ملاقات با خدا است. افراد

مرفه و مطمئن در دنیا چون امکان آخرت و عذاب و ثواب آن را حس نمی‌کنند و ترس از آینده و دنیای دیگری ندارند، بنابراین نسبت به انذارها و اخطارهای پیغمبر بی‌تفاوت می‌مانند. ممکن است خدا را قبول داشته باشند، ولی چون در دوران زندگی و مقام و ممکنات خود، از نعمت و سلامت برخوردار بوده و تجربه یا تصور سختی و بدی را از ناحیه‌ی خدا نمی‌کنند، نه نگرانی و ترس از خدا دارند و نه از آخرت. بنابراین داعی ندارند که «ذکر» یا آیات قرآن را دنبال نمایند.

در تعلیل دیگر اشاره به خصلت ارتجاع انسان‌ها می‌شود، با ضدیتی که اشخاص، خصوصاً توانگران و توانمندان با تجدد یا نوآوری و تغییر شرایط محیطی و فکری موجود دارند، پای پدران و پیشینیان را میان کشیده و حاضر نیستند غیر از راه و روش یا عادات و آیین آنها، عقاید و آداب دیگری را بپذیرند یا بشنوند و چون حرف‌های تازه‌ی پیغمبر همزبان و همزاد خودشان را از یهودی‌ها و مسیحی‌ها نشنیده‌اند، درست رد کرده و شایسته شنیدن نمی‌دانند.

نمونه‌ی بعدی حالت ارتجاعی اعراب که عامل نفوذناپذیری ایمان و دعوت در ذهن و ضمیر آنان و وسیله‌ی بهانه‌گیری‌شان معرفی شده است، ارتجاع اشراقی و قومی است. ایراد می‌گیرند که مگر در دو شهر مکه و مدینه شخصیت اشرافی و بزرگ‌تر از محمد(ص) وجود نداشت که خدا رسالت و نمایندگی‌اش را به او داده باشد.

در سال پنجم البته شیطان که عامل ضدخدایی و درونی انسان می‌باشد، فراموش نشده و چند بار نام و نقش او به میان آمده است.

آیات کفرورزی در سال ششم بعثت (چهار ردیف از ۴۵ تا ۴۸، شامل ۳۱ آیه و ۳۵۲ کلمه)

در سال ششم که قبلاً چند آیه آن را در سوره زخرف (۴۳) دیده بودیم^۱، با تذکار مجدد و تفصیل مکی، بیشتر همان نکات و اندیشه‌ها یا تعلیل و تحلیل‌های نفسانی انسان را در برابر پذیرش آخرت می‌بینیم. ضمن آنکه به پاره‌ای از اشارات و موضوعات تازه برمی‌خوریم.

آیات کفرورزی این سال که نسبت به سال‌های چهارم و پنجم بعثت تقلیل پیدا کرده است در سوره‌ها و شماره‌های زیر دیده می‌شود:

(۴۵) زخرف (۴۳)، ۱۳ آیه : ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۷، ۵۰ تا ۵۴، ۵۸، ۶۵

(۴۶) مریم (۱۹)، ۵ آیه : ۳۷، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۴

(۴۷) لقمان (۳۱)، ۳ آیه : ۶، ۷، ۱۱

(۴۸) روم (۳۰)، ۳ آیه : ۸، ۹، ۱۰

(۴۹) فرقان (۲۵)، ۷ آیه : ۳ تا ۵، ۷ تا ۹ و ۱۱

(۴۵) سال ششم بعثت، سوره زخرف (۴۳)، شماره نزول ۲-۰۹۲ (۱۳ آیه، کلمه)
آیات ۳۰ و ۳۱ که بعد از چند آیه‌ی مربوط به دعوت و دلالت‌های ابراهیم به پدر و قوم خود آمده است، و همچنین آیات بعدی جدول تا شماره ۴۰، ناظر به معاصرین حضرت خاتم‌النبین می‌باشد.

۱. در تدوین اولیه که توسط مؤلف فقید مهندس بازرگان انجام گرفته بود، بخش دوم آیات کفرورزی سوره زخرف (۴۳) با شماره نزول ۲/۰۹۲ که دارای شماره (۴۶) و سال ششم بعثت است، بلافاصله بعد از بخش اول و در انتهای مطالب سال پنجم بعثت قرار داشت. ما مطالب این بخش را به ابتدای مطالب کفرورزی در سال ششم بعثت منتقل کرده‌ایم (ب.ف.ب).

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۰	وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ.	و چون پیام حق بر آنها آمد گفتند این جادوگری است و ما آن را باور نمی کنیم.
۳۱	وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَيَّ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ.	و گفتند چرا این قرآن به بزرگ مردی از یکی از این دو قریه (مکه و مدینه) نازل نشده است؟
۳۶	وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.	و هر کس از یاد خدای بخشنده بر گردد شیطانی بر او بگماریم که هم نشین و همراهش باشد.
۳۷	وَأَنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ.	و به درستی که آن (شیطان)ها آنان را از راه باز می دارند در حالی که تصور می کنند راه یافتگان اند.
۴۰	أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.	آیا تو (می توانی چیزی را) به کرها بشنوانی یا کوران را راه نشان دهی و کسی را که در گمراهی آشکار است هدایت نمایی؟
۴۷	فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْحَكُونَ.	و چون (موسی) آیات ما را برایشان آورد ناگهان از آن آیات به خنده در آمدند.
۵۰	فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ.	و هر زمان که عذاب را از آنها برمی داشتیم همان گاه پیمان شکنی و خلاف عهد می کردند.
۵۱	وَتَادِي فِرْعَوْنَ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ.	و فرعون در میان قوم خود جار زده گفت: آیا نمی بینید که پادشاهی مصر از آن من است و این نهرها که از زیر (تخت) من روان است؟
۵۲	أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ.	یا آنکه من بهتر از این شخص که پست است و واضح حرف نمی زند، نیستم؟
۵۳	فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا لَكُنَّ مِنَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ أَوْ يَكْفُرُونَ كَفْرًا كَبِيرًا.	پس چطور است که خدا دستبندهایی از طلا برایش قرار نداده یا فرشتگان در کنارش نمی آیند؟
۵۴	فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِذْ هُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.	به این ترتیب قوم خود را خفیف و بی ارزش ساخت تا او را اطاعت کردند. همانا که آنان قوم تبهکاری بودند.
۵۸	وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ.	و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا او؟ آن را برای تو مثل زدند مگر برای جدل، (نه) بلکه آنان گروهی پیکارجو هستند.
۶۵	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْيَوْمِ.	بعد از آن دستجاتی از آنها اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که ظلم پیشه کردند، از عذاب روز دردناک.

در دو آیه بالا علاوه بر نسبت جادودادن به قرآن و اعلام و عدم ایمان آوردن خودشان به آن، ایراد جدیدی عنوان می شود که ضمناً بیانگر روحیه اشرافیت خودخواهانه و علت اعتراضشان می باشد. آنها انتظار داشته اند که انزال و اعطای قرآن از طرف خدا، مانند مال و مقام دنیایی، نصیب بزرگان مکه یا مدینه (یعنی خودشان) بشود. آیات بعدی ۳۲ تا ۳۵ جواب می دهد که مگر اینها هستند که رحمت و

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۸۵
روزی‌های خدا را میان بندگان تقسیم می‌کنند؟ برای خدا اشکال ندارد که به
کفرورزان خانه‌های مجلل با اثاث و تزئینات گرانبها بدهد، ولی باید بدانند که تمام
اینها بهره‌مندی‌های زودگذر دنیا است و پایان نیک و سعادت نهایی تنها نصیب
پرواداران از خدا می‌شود.

در آیات ۳۶ و ۳۷ برای پنجمین بار و به‌عنوان عامل کفرورزی، پای شیطان به
میان کشیده می‌شود.^۱ شیطانی که همیشه همراه یا در درون انسان است و همه‌جا
مقابل هدایت رحمان و دعوت پیامبران قد علم کرده و انسان را از «راه باز می‌دارد»
درحالی که تصور می‌کند راه یافته است و در خط درست پیش می‌رود. در اینجا با
تعبیر «لَيُضِلُّوَنَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ»^۲ آشنا می‌شویم و بعداً «صَدَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ»^۳ را که به
معنای بازداشتن و جلوگیری کردن است، زیاد خواهیم دید که از ناحیه شیطان اعمال
می‌شود و بیشتر از ناحیه مشرکین و کفرورزان. این صفت یا عامل بازدارندگی که
باعث می‌شود شخص به‌طور ناخودآگاه در اثر ترس، وهم، رودربایستی یا ترمزهای
دیگر داخلی از عمل معقولی که حتی ممکن است تشخیص مصلحت بدهد و متمایل
به انجام آن باشد، خودداری بنماید؛ مسئله‌ای از مقوله روان‌شناسی است و باید
توضیح و تفصیل مطلب را از آنجا بخواهیم. جمله‌ی «وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ»^۴ نیز
مانع جدید و عامل «نفسانی - عقلانی» مهمی است که شباهت به جهل مرکب داشته و
عبور یا فرار از آن کار بسیار مشکل، بلکه محال به نظر آمده و بدبختی بزرگی
محسوب می‌شود که دامنگیر انسان‌ها می‌گردد.

آیه ۴۰ چون از دو صفت یا حالت کر و کوری مشرکین معاصر صحبت می‌نماید
جزو آیات کفرورزی به شمار می‌رود. ولی از این جهت که مانند آیات ۶ تا ۱۰
سوره‌ی یس (۳۶)، خبر از ناتوانی قهری پیغمبر در هدایت چشم و گوش‌بستگان
گمراه‌شده می‌دهد، به بخش کفرزدایی می‌خورد. همچنین تذکرات آیات بعدی ۴۱
تا ۴۳.

۱. اشارات قبلی که در زیر ردیف ۴۱ (سوره‌ی یس (۳۶) آیات ۶۰ تا ۶۲) مختصر توضیح داده بودیم، به
ترتیب زیر آمده است: ردیف ۲۹ سوره‌ی شعراء (۲۶)، ردیف ۳۶ سوره‌ی مریم (۱۹)، ردیف ۳۸ سوره‌ی
حجر (۱۵)، و ردیف ۴۱ سوره‌ی یس (۳۶).

۲. زخرف (۴۳) / ۳۷.

۳. بقره (۲) / ۲۱۷: ... و[لی] باز داشتن [خلق] از راه خدا ...

۴. زخرف (۴۳) / ۳۷.

آیات منقطع ۴۷ تا ۵۴ زخرف (۴۳) به انبیاء و اقوام گذشته برگشته، داستان فرعون و فرعونیان را عنوان می‌نماید، و در مجموع روحیه و طرز تفکر و استدلالی را بیان می‌کند که ناشی از تمکن و تسلط دنیایی و غرور قدرت بالاتر از مشرکین قریش است. فرعون که سرمست سلطنت نیرومند و شکوهمند و بی‌همتای امپراتوری مصر است و از املاک سرسبز پر نعمت و قصرهای مجلل با لباس‌های فاخر زندگی کرده و ملازمان و غلامان و قراولان پیوسته او را توصیف و تعظیم و حفاظت می‌نمایند، خود را قدر قدرت جاویدان و خدای روی زمین تصور می‌نماید. بنابراین به خود حق می‌دهد که به ریش چوپان عصا به دست الکن و برادر ژنده‌پوش او و به خدایی که می‌گوید از جانبش پیام و دستور آورده است، بخندد. قوم او نیز که با تملق و تمکین‌ها شخصیت و ارزش خویش را از دست داده و تنها امید و سرمایه‌شان بندگی و تقرب به رهبر شده است، کاری جز تبعیت از ارباب و تمسخر موسی، از دستشان برنمی‌آید. در سوره‌های گذشته یک عامل عمده‌ی اعراض و تکذیب و استهزاء فرستادگان خدا بهره‌مندی وافر از مال و متاع دنیا بود؛ در اینجا غرور سلطنت و ثروت و سلطه بر خلق، کار را به مرحله بالاتر، یعنی ادعای خدایی خود و انکار خدایی خالق، رسانده است.

حال، موسی برای دعوت به سوی خدا، با چنین روحیه و اندیشه و بی‌فایده بودن زور و دلیل، چه کار می‌بایستی و می‌توانست بکند؟ این سؤال از مقوله‌ی کفرزدایی می‌شود ولی آیا مناسب‌تر از برنامه‌ای که خداوند به وسیله‌ی پیامبرش به اجرا در آورد، به نظر می‌آید؟ همان عصای کج و کوله‌ی مسخره را اژدها می‌کند تا قدرت و غرور فرعون را بشکند و مبدل به ترس و عجز نماید، از دست چین و چروک خورده و از قبای ژنده‌ی چوپان، تالوئ خیره‌کننده‌تر از الماس انگشترهای او و چلچراغ‌های قصرش ساطع می‌شود و با معجزات دیگر، آب زلال نیل خون‌آلود و غیرقابل شرب گردیده و میوه باغات و نوزاد گوسفندان مصر آفت‌زده و نابود می‌شوند... و وقتی با همه‌ی این «آیات بینات» ملموس و غیرقابل انکار، نکث عهد کرده و دست از عصیان و آزار بنی‌اسرائیل و اسارت بندگان خدا برنمی‌دارد و به بن‌بست رسیدن تکامل خود را ثابت می‌کند، آیا مناسب‌ترین سرنوشت این نیست که به پای خودش

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۸۷
در آب رودخانه‌ی خروشان‌ی غرق شود که به آن می‌نازید تا درس و سندی برای
آیندگان گردد؟

نکته قابل توجهی که از رابطه‌ی استبداد با کفرورزی در آیه ۵۴ اشاره شده است،
استخفاف قوم یا سلب حیثیت و شخصیت تابعین است که باعث اطاعت و اسارت
آنان و افتادنشان به چاه شرک و فساد و فنا، می‌گردد. برای جلب اطاعت و عبادت
اشخاص، لازم است از آنها ارزش و عزت نفس و آزادگی که دارند، گرفته شود. و
این کاری است که همه‌ی مستبدها و دیکتاتورها و رهبرهای کاریسماتیک انجام
می‌دهند. در مجموع، گویی این آیات نمایشنامه‌ی یک صحنه‌ی جنگی است که
میان خدای ادعایی و خدای واقعی بر سر ارائه و اثبات قدرت و مالکیت در گرفته
است، و فرعون موقعی اقرار به شکست و ضعف و زبونی خود می‌نماید که کار از
کار گذشته و در حال غرق شدن است!

* * *

آیه ۵۸ مطلب را از داستان موسی به حضرت عیسی منتقل می‌نماید که از زبان
مشرکین معاصر رسول اکرم، استهزاء و استفهام انکاری آنان در مقایسه‌ی بت‌های
خود با حضرت عیسی عنوان می‌گردد. استهزاء و انکاری که از دشمنی درونی
سرچشمه می‌گیرد. بعد از ردیف‌های ۶، ۱۵، ۱۹ و ۲۵ برای پنجمین بار از دشمنی
مشرکین صحبت می‌شود، ولی دشمنی که هنوز درونی بوده و اثر خارجیش یک
جدل مقایسه‌ای است.

* * *

آیه ۶۵ عنایتی است به اهل کتاب و دسته‌بندی‌های داخلی و اختلافات آنها که در
حکم کفر و شرک محسوب می‌شود و از خصایص خودخواهانه‌ی بشری سرچشمه
می‌گیرد.

قبلاً نیز کلمه‌ی احزاب در ابتدای سال پنجم در آیه ۱۳ سوره‌ی ص (۳۸) (ردیف
۳۹) آمده بود که اشاره به گروه‌های منکر و مخالف انبیاء داشت. اینک که ذکر
پیغمبران اولوالعزم موسی و عیسی و امت‌های آنان به میان آمده است و هنوز آشنایی
با اهل کتاب مدینه صورت نگرفته است، از احزاب نام برده می‌شود و منظور

۱۸۸ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
 دسته‌بندی‌های داخل پیروان پیغمبران است و برای اولین بار «اختلافات» آنها مطرح می‌گردد.

۴۶) سال ششم بعثت، سوره‌ی مریم (۱۹)، شماره نزول ۰۹۸ (۵ آیه و ۵۲ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۷	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ.	و گروه‌ها (ی پیرو موسی و عیسی) میان خود اختلاف (و نزاع) کردند، پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از حضور در روزهای بزرگ.
۶۶	وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا.	و انسان گوید، آیا (ممکن است) آنگاه که بمیرم به زودی زنده بیرون آورده شوم.
۶۷	أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا.	آیا انسان به یاد نمی‌آورد که او را قبل از این و در حالی که هیچ خبر نبود آفریدیم؟
۷۳	وَ إِذَا تُثْلِي عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدْبًا.	و چون آیات روشن ما بر آنها خوانده شود، کسانی که کفر ورزیدند برای آنها که ایمان آورده‌اند، گویند: کدام یک از دو گروه مقام بهتر و جایگاه نیکوتر دارد؟
۷۴	وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَ رَعِيًّا.	و چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنها هلاک کردیم که از جهت اثاث و جامه بهتر بودند (با طراوت و منظور نیکوتر داشتند).

سوره‌ی مریم (۱۹) ضمن آنکه باز نقل داستان و کلام از پیغمبران گذشته و رسالت و امت‌های آنان می‌نماید، ولی بر مجموع ولادت و رسالت، به دو پیغمبر اولوالعزم ماقبل آخر، یعنی عیسی (ع) و موسی (ع) تکیه دارد که امت آنها نامی و فروان‌اند و پس از هجرت پیغمبر به مدینه، مدعی و مشمول رسالت خاتم‌الانبیاء خواهند شد. همچنین ذکری از ابراهیم (ع) می‌نماید که هم جد بزرگ عیسی و موسی و مسلمانان است و هم پایه‌گذار آئین توحیدی هر سه پیغمبر، و نامگذار اسلام بر مسلمانان. پس از معرفی پیامبران فوق و امت‌های نافرمان آنها، به گفتارهای تند مربوط به آخرت و جدال‌های توحیدی کفرورزی و کفرزدایی می‌پردازد که ناظر بر مشرکین و مؤمنین معاصر است و قسمتی از آیات مربوطه (از ۷۷ تا ۹۸) دو سال جلوتر نازل شده است.

* * *

آیه ۳۷ به دنبال این آیه آمده است:

«وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.»

(و همانا که «الله» ارباب و سرور من و ارباب شما است. پس او را بندگی کنید که راه راست چنین است.)

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۸۹
و تذکر قبلی اینکه (برخلاف تصور و تردید عیسویان و دیگران) خداوند سبحان
نیاز به فرزند گرفتن ندارد و ولادت و رسالت عیسی (ع) دلالت بر چنین چیزی نمی‌کند.
قبلاً نیز دو کلمه، احزاب و اختلاف را در ردیف ماقبل همین سال در آیه ۶۵
سوره زخرف (۴۳) دیده بودیم. با توضیحات مقدماتی که در آیه ماقبل آمده است و
توضیح و تفصیل‌های بیشتری که در آیات آینده مکی و مخصوصاً مدنی خواهد آمد
معلوم می‌شود که مقصود از اختلاف، اختلاف بر سر قدرت و منافع و مقام یا در
استنباط احکام شرع نیست بلکه صرفاً در انحراف به شرک، در قالب بت‌پرستی یا
شخصیت‌پرستی و عبادت و اطاعت کردن خدای لاشریک است. مقصود از احزاب
نیز فرقه‌ها و گروه‌های متعدد منشعب از مسیحیت اصیل عیسی یا یهودیت اصیل
موسی می‌باشد که انحراف آنها به شرک و شخص‌پرستی سبب رقابت‌ها و جدال و
جنگ‌ها می‌شده است.

در هر دو آیه سوره‌ی مریم (۱۹) و سوره‌ی زخرف (۴۳) کافرشدگان از توحید
خالص، تهدید به «زور» عظیم یا الیم شده‌اند و در سوره‌ی مریم (۱۹) که یک سال
بعد است، تفصیل و انذار بیشتر نسبت به آن «یوم» در آیات بعدی داده شده است.

* * *

دو آیه‌ی خارج از متن ۶۶ و ۶۷، دیالوگ غایبانه یا بازگو کردن و انکار انسان‌ها
است که به نظرشان زنده شدن مرده و سر از خاک در آوردن، امر محال می‌آید و
جوابی به آن داده می‌شود. این سؤال و انکار را قبلاً در سال پنجم در آیات ۳۵ و ۸۲
سوره مؤمنون (۲۳)، (ردیف ۴۲) از قول مشرکین معاصر پیامبران گذشته و مشرکین
معاصر خاتم‌النبین دیده بودیم. در اینجا نقل کلام به‌طور کلی از قول انسان است.
معلوم می‌شود که طبیعت انسان و تجزیه و دانش او در قبول چنین امکان و ادعا
اشکال و ایراد دارد. حق هم دارد؛ چون سراسر پدیده‌های جهان حاضر و زندگی و
مشاهدات بشر، حکایت از جریان‌های یک طرفه به‌سوی فرسودگی و خاموشی و
مرگ نموده، نه آب به‌جوی رفته باز می‌گردد و نه خراب شده و افتاده و متلاشی
شده و مرده‌ای بازگشت به استواری و پیوستگی و زندگی می‌نماید. رستاخیز و
آخرت مانند معرفت به خدا، خبرهایی است که صرفاً از جانب خود خدا و از طریق
فرستادگان او می‌تواند به انسان ابلاغ و تعلیم داده شود.

در جواب آن اعجاب، به انسان یادآور می‌شود که خودت هم قبلاً چیزی نبودی و آفریده شدی. یعنی چه اشکال دارد اینکه که چیزی هستی و چیزی شده‌ای، ولو مرده و متلاشی، ما مجدداً متحرک و زنده‌ات بکنیم؟

* * *

در دو آیه‌ی آخری ۷۳ و ۷۴ بیان و جواب یک طرز تفکر و تکیه‌گاه عقیدتی مشرکین و مترفین است که تمتع از مقام و منال دنیا را ضمن آنکه فضیلتی برای خود تصور می‌نمایند و فخرفروشی می‌کنند، آن را دلیل بر حقانیت و تقرب به خدا هم می‌دانند. جواب قرآن بر ناپایداری آن فضیلت و سستی آن، حجت ساده و قاطع است: هلاک شدن گروه‌های متمتع‌تر از آنها در گذشته.

(۴۷) سال ششم بعثت، سوره‌ی لقمان (۳۱)، شماره نزول ۱۰۰ (۳ آیه، ۳۹ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ.	و از میان مردم کسانی هستند (یا کسی هست) که خریدار سخن بیهوده بوده و طالب داستان‌های خیالی و افسانه‌های خالی از دانش و واقعیت است که گمراه کننده از راه خدا می‌باشد. در حالی که (آیات خدا را) بازیچه می‌گیرد. چنین اشخاص را عذاب خوار کننده‌ای (در انتظار) است. ^۱
۷	وَإِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ قِرَاطًا مَّغْبُورًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.	و چون آیات ما بر او خوانده شود، متکبرانه رو برمی‌گرداند، گویی که هرگز آن را نشنیده است، انگار که در دو گوش او سنگینی وجود دارد. پس او را به عذاب دردناکی مژده (یا خبر) بده.
۱۱	(هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ) بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.	(چنین است آفرینش خدا، شما آفرینش و مخلوق‌های غیر خدا را به من نشان دهید) بلکه ظالم‌ها در گمراهی آشکارند. ^۲

۱. آیات ۶ و ۷ را برخی از مفسرین گفته‌اند که در شأن النضرابن الحارث نازل شده، و او مرد کافری بوده است که برای تجارت به ایران سفر می‌کرده و افسانه‌های شاهان و پهلوانان پارس را می‌خوانده (و می‌خریده) و برای مشرکین مکه می‌خوانده است. او عقیده داشته است که:

«آنچه محمد می‌گوید هم از این جنس است؛ آن قصه عاد و ثمود است و این قصه رستم و اسفندیار.»

مشرکین نیز از این افسانه‌ها خوششان می‌آمده و به جای قرآن، سرگرم آنها می‌شده‌اند.

۲. قبل از این آیه صحبت از خلقت بدون ستون و پایه‌ی آسمان‌های معلق در فضا و مخلوقات در زمین، از قبیل کوه‌ها و حیوانات و نباتات، شده است.

آیات ۶ و ۷ روحیه یا مشغله‌ی جدیدی را عنوان می‌نمایند که باعث کفرورزی و مانع سر راه رسالت و هدایت می‌گردد. این عامل مؤثر که امروزه نیز متداول است، ترجیح دادن داستان‌های غیر علمی بی‌اساس و سخن‌های پوچ سرگرم‌کننده، بر مطالب جدی راهنمایی‌کننده‌ی انسان و آینده‌نگرانه‌ی نازل شده از جانب خداوند است.

آیه ۱۱ که قسمت اول آن جدال کفرزدایی است در قسمت دوم، به گمراهی مسلّم و آشکار منحرف‌شوندگان از حق و حقیقت اشاره می‌نماید. آن کس که گوش شنوا و چشم بینا برای دیدن آفریده‌های خدا در زمین و آسمان و محیط زیست خود ندارد، و معبودهایی را اختیار می‌کند که چیزی نیافریده و نمی‌آفرینند، بدیهی است که در زندگی راه عوض و خلاف می‌رود و بنابراین به خود ظلم می‌کند.

«ضلالت» یا گمراهی که به‌عنوان یک حالت یا عمل اختیاری کفرورزان در این ردیف آمده است و در برابر «هدایت» به‌معنای راهیابی، راهنمایی یا رهبری می‌باشد، از سال سوم بعثت در آیات کفرورزی دیده می‌شود. تفاوت آن با حالا یا اعمال نظیر تکذیب و تولا یا تهمت و افتراء در سر و کار داشتن با تعقل و توجه شخص است که اسباب‌های آن گوش و چشم و دل می‌باشد.

اولین بار در سال ۳ بعثت در سوره‌های نجم (۵۳) و صافات (۳۷)، صحبت از گمراه بودن مشرکین از راه خدا به عمل آمده و گفته می‌شود که اجداد آنها و اکثریت پیشینیان نیز چنین بوده‌اند.

ردیف ۲۱، نجم (۵۳) / ۳۰:

«إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ.»

(... محققاً پروردگار تو به حال کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است...)

ردیف ۲۲، صافات (۳۷) / ۶۹:

«إِنَّهُمْ أَلَفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ.»

(به یقین آنها پدران خود را گمراه یافتند.)

ردیف ۲۲، صافات (۳۷) / ۷۱:

«وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ.»

(و به تحقیق پیش از آنها (نیز) بیشتر گذشتگان گمراه شده بودند.)

به سال چهارم که می‌رسیم، عامل و باعث گمراهی در سوره‌ی نوح (۷۱)، بتخانه‌داران خوانده شده‌اند و در سوره‌ی یس (۳۶)، شیطان. در سوره‌ی زخرف (۴۳) نیز به بسته‌بودن و از کار افتادگی اسباب‌های عضوی راهیابی اشاره می‌شود:

ردیف ۳۳، نوح (۷۱) / ۲۴:

«وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» (وَدَّ - سُوعٍ - يَغُوثٌ - نَسْرُ)

(و به این ترتیب (خلق) بسیاری را گمراه نمودند...)

ردیف ۴۱، یس (۳۶) / ۶۲:

«وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ»

(و به یقین گروه بسیاری از شما را [شیطان] گمراه کرد، پس چرا تعقل

نمی کردید؟)

ردیف ۴۴، زخرف (۴۳) / ۴۰:

«أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»

(آیا تو (می توانی چیزی را) به کرها بشنوانی یا کوران را راه نشان دهی

و کسی را که در گمراهی آشکار است هدایت نمایی؟)

در مجموع خود انسان کفرورز است که با خودداری از به کار انداختن حواس خداداد و خودداری از توجه و تعقل، راه نادرست و گرفتاری و هلاکت را برمیگزیند. این نکته نیز قابل توجه است که بیش از یک سال قبل از آنکه در باره‌ی مشرکین صحبت از صلابت و اغوای شیطان یا هوای نفس شود، نفی این عوامل درباره‌ی آورنده‌ی قرآن شده است و در گروه الف سوره‌ی نجم (۵۳) (به شماره‌ی نزول ۰۲۱) چنین گفته شده‌اند:

«مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَمَا غَوَى»

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى»

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»^۱

(۴۸) سال ششم بعثت، سوره‌ی روم (۳۰)، شماره‌ی نزول ۱۰۱ (۳ آیه ۶۴ کلمه) صرف نظر از استدلال‌های مربوط به جدی بودن و برنامه و سررسید داشتن خلقت و دعوتی که به سیر در زمین و عبرت‌گیری از تاریخ که در این آیات به عمل آمده است و از مقوله‌ی کفرزدایی می‌باشد، اولاً: (در آیه ۸) اشاره به انکار و اعلام کفرورزی

۱. نجم (۵۳) / ۲ تا ۵: که معاشر شما هرگز گمراه نشده و به راه تباهی نیفتاده است؛

و از سر هوس سخن نمی‌گوید.

قرآن جز وحی [الهی] نیست که [به او] القاء می‌شود؛

[فرشته‌ای] پر توان تعلیمش داده است.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۹۳
 اکثریت انسان‌ها نسبت به ملاقات پروردگارشان می‌شود و ثانیاً: (در آیه ۱۰) تکذیب و تمسخر آیات خدا ناشی از بدکاری و بداندیشی‌ها شمرده شده است. اشخاص بداندیش یا بدکار، چون نمی‌خواهند تغییر رویه بدهند و نه اعتراف به حقانیت آیات خدا نمایند، چاره‌ای جز دروغ‌انگاشتن و استهزاء کردن آیات الهی ندارند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۸	أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ.	آیا پیش خود فکر نکردید که خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که مابین آنها است خلق نکرد مگر به حق و برای سر رسید معلوم و اینکه بسیاری از مردم درباره‌ی دیدار پروردگارشان کفر می‌ورزند.
۹	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرِمِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.	آیا پس در زمین گردش و کاوش نکردند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنها بودند چگونه شد؟ درحالی که به لحاظ قوت سخت‌تر از آنها بودند و زمین را بیش از آنچه آنها آباد کردند شخم زدند و آباد نمودند و فرستادگان برایشان دلایل آشکار آوردند، پس خداوند نبود که به آنها ظلم کرد و لکن خودشان بودند که به خویشان ظلم می‌کردند.
۱۰	ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ.	پس از آن فرجام کسانی که بدکاری می‌کردند بد بود چرا که تکذیب آیات خدا را نمودند و آنها را استهزاء می‌نمودند.

۴۹) سال ششم بعثت، سوره‌ی فرقان (۲۵)، شماره‌ی نزول ۱۰۲/۱ (۷ آیه و ۹۸ کلمه)
 در این دسته آیات آخر سال ششم و آیات بعدی سوره‌ی فرقان (۲۵) که بر طبق جدول ۱۵ به حساب سال هفتم منظور می‌شود، کفرورزان معاصر رسول اکرم (ص)، برای رد کردن وحی و انکار رسالت پیغمبر، ایرادها و درد دل‌های خود را که رفته رفته رنگ منطق و استدلال پیدا کرده است بیرون می‌ریزند و سعی دارند به جای تکذیب و تمسخر و تهمت، اشکال تراشی نمایند و ادعاهای متقابل عنوان نمایند. قرآن با طرح و تکرار آنها و با دادن توضیح و توصیف مختصر، به جواب گویی می‌پردازند.
 پرسش‌ها که بیشتر به صورت «پس چرا، چنین است یا چنین نیست» می‌باشد، ایرادهای کلاسیکی است که می‌تواند حاکی از سوءنیت و لجاجت هم نباشد. در هر حال حرکت و حالت تازه‌ای است که قبلاً عنایت و اشاره‌های کوتاهی در همین سال و سال قبل به آن شده بود.^۱

* * *

۱. ردیف ۴۵، آیه‌ی ۵۳ سوره زخرف (۴۳) و ردیف ۴۲، آیات ۳۳ و ۳۸ سوره مؤمنون (۲۳).

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳	وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.	و به غیر از او و سواى او خدایانى را برای خود برگرفتند که چیزی نمى آفرینند و خود آفریده شده‌اند و برای خویشتن مالک سود و زیانى نیستند. و صاحب اختیار مرگ و حیات نیستند و نه برانگیخته شدن روز رستاخیز.
۴	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا.	و کفرورزان گفتند که این (قرآن) چیزی جز دروغى که (محمد) برپافته، نیست و گروه دیگری او را بر این کار کمک کرده‌اند، حقا که (کافران) کلام ناحق و دروغ آورده‌اند.
۵	وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.	و گفتند (قرآن) داستان‌های پیشینیان است که (محمد) خواسته است برایش بنویسند، پس آن بر او صبح و شب (دیکته) و خوانده می‌شود.
۷	وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا.	و گفتند: چگونه است این فرستاده (خدا) که غذا می‌خورد و در بازارها آمد و رفت می‌کند؟ و چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نمی‌شود که در بیم دادن او را همراهی کند؟
۸	أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا.	یا آنکه گنجی بر او افکنده شود یا صاحب باغی باشد که از آن ارتزاق کند و ستمکاران گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر از مرد جادوزده‌ای.
۹	انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا.	ببین چگونه مثل‌ها برای تو زدند (یا آوردند) و به گمراهی رفتند. بنابراین قادر به راهیابی نیستند.
۲۱	وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نُنزِلُ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا.	و کسانی که امید دیدار ما را ندارند، گفتند پس چرا فرشتگان بر ما نازل نمی‌شوند یا پروردگاران را نمی‌بینیم؟ به تحقیق خود را در نظر خود بزرگ دیدند و از حد خود تجاوز و سرکشی بزرگی نمودند.

۱. در تفاسیر از جمله کشف‌الاسرار نوشته‌اند: این سخن النضر ابن حارث منظورش داستان‌های رستم و اسفندیار بوده است و کسانی که می‌گفتند کافرها حکایات قرآن را می‌نوشته‌اند جبر و یسار و عدس بوده‌اند.

در صدر اسلام نه فردوسی و نه شاهنامه وجود نداشته است. چند قرن بعد فردوسی داستان رستم و اسفندیار را می‌نویسد.

سه آیه‌ی اول ۳ تا ۵ اتفاقاً با ایراد و اعجاب خود قرآن از عمل مشرکین آغاز می‌شود و آیه‌ی ۳ در مقابله و به‌دنبال آیات افتتاح سوره‌ی فرقان (۲۵) است که فزونی و برکت و خیررسانی خدا در تنزیل قرآن و تنذیر جهانیان را اعلام می‌دارد، خدایی که پادشاه آسمان‌ها و زمین بوده برای سلطنت و کشورداری خود نه فرزند و کمک کار می‌گیرد و نه شریک و همکار بلکه همه‌چیز را خود او آفریده و اندازه و اجلی مقرر و مقدر کرده است. حال چقدر جاهلانه و شگفت‌انگیز است طرز تفکر و طریقت مشرکینی که در کنار چنین خداوندگار آفریننده و گرداننده‌ی همه چیز و همه‌جا خدایانی ساخته و گرفته‌اند که نه توانایی خلق و آفرینش چیزی را دارند و نه

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۹۵
حتی مالک سود و زیان یا مرگ و زندگی و برانگیختگی خویشان هستند. برای کسانی که معتقد به خدا نیستند، ولی مشرکند استفهام و اعجاب قرآن بدیهی‌ترین پاسخ است که باید برای ترک خدایان ساختگی قانعشان سازد و غالب مردم مکه و ملت‌های گذشته، این چنین بوده‌اند و بنا به عادت و وراثت یا فطرت غریزی بشری، فی‌الجمله اعتقاد و اعتراف به خدا و خالق داشتند.

در واقع قرآن است که ایراد و اعتراض و طلب جواب را آغاز می‌نماید، و سپس به طرح ایرادها و اشکالات متقابل آنها می‌پردازد.

البته با روش دیالوگ یا پرسش مابین مشرکین و قرآن که وفور آن را در سوره‌ی مؤمنون (۲۳) (سال پنجم، ردیف ۴۲، آیات ۳۵-۶۸-۶۹-۷۰-۷۲-۸۲ و ۱۱۵) دیده بودیم. در سوره‌های طور (۵۲) و ص (۳۸) (سال چهارم ردیف‌های ۳۲ و ۳۷ و ۳۹) به‌طور مختصر آغاز شده بود و اینک دنباله آن محسوب می‌شود. با این تفاوت که قبلاً پرسش‌ها طعنه‌انگیز بود و به‌صورت‌های زیر و غیره مطرح می‌شد:

«أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ»^۱،

«أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ»^۲،

«أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ»^۳،

«أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا»^۴،

«أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ»^۵

در حقیقت قرآن بود که پرسش‌ها را در دهان کفرورزان می‌گذاشت. ولی حالا سئوالات و ایرادها جدی‌تر و منطقی‌تر است و نقل قولی صریح از خود کفار به عمل آمده است.

* * *

۱. طور (۵۲) / ۳۲.

۲. ص (۳۸) / ۱۰.

۳. مؤمنون (۲۳) / ۶۸.

۴. مؤمنون (۲۳) / ۷۲.

۵. مؤمنون (۲۳) / ۷۰.

نقل قول‌های مشرکین و سئوالات یا اظهارات توجیهی آنان، از آیات ۳ و ۴ شروع می‌شود که مربوط به خود قرآن است که آن را دروغ و فرابافته‌ی خود محمد(ص) و کمک گرفته و دیکته شده از جانب دیگران می‌شمارند. به این ادعاها جوابی داده نمی‌شود. چون اعراب، رسول خود و آمدورفت او را کاملاً می‌شناختند. فقط گفته می‌شود که کلام ظالمانه و خلاف حقیقت عنوان شده است.

* * *

در آیات ۷ و ۸، ایرادها بر خود پیغمبر بوده و توقع دارند که فرستاده‌ی خدا فردی غیربشری و غیرعادی بوده، خوراک و آمدورفت در میان مردم نداشته باشد، بلکه خداوند برایش از آسمان گنج بفرستد و یا از محصولات باغ آسمانی او را تغذیه نماید. در غیراین صورت او را باید مرد مسحور و جادوزده‌ای دانست. به جای جواب، از این سئوال‌های گمراه‌کننده یا گمراه‌شدگان اظهار تعجب می‌شود و قرآن خود پیغمبر را شاهد می‌گیرد.

* * *

در آیه‌ی ۲۳، ادعای مشرکین که امید و اعتقادی به دیدار خدا در روز قیامت ندارند بالا رفته می‌پرسند: چرا بر ما فرشتگان نازل نشده‌اند و چرا پروردگاران را رؤیت نمی‌کنیم؟ که این نشانه‌ی نهایت جهالت و خود بزرگ‌بینی بشریت می‌باشد.

* * *

به طوری که دیده می‌شود، رفته‌رفته تعداد آیات و کلمات معرف کفرورزان کاهش پیدا می‌کند. در سال ششم جمعاً ۵ ردیف یا گروه آیات دیدیم و ۲۹ آیه با ۳۳۵ کلمه. از تکذیب و تمسخر و سحر، از هر کدام فقط یک بار نام برده شده است. در عوض به ادعاهای مغرورانه مشرکین و به ایرادهای کودکانه و بعضاً منطقی، زیاد برخوردیم. ایرادها و اشکال‌هایی که هنوز هم در ذهن و زبان‌های منکرین و مخالفین یا غیر واردین ساده‌اندیش می‌آید و گفته می‌شود.

آیات کفرورزی در سال هفتم بعثت (پنج ردیف از ۵۰ تا ۵۴، شامل ۲۶ آیه و ۳۱۷ کلمه)

به سال هفتم که می‌رسیم اولاً دنباله سوره‌ی فرقان (۲۵) را داریم. سپس شکایت از عدم استفاده کفرورزان از چشم و گوش و عقل خدادادی و شش دانگ توجهشان به بهره‌مندی از زندگی دنیایی، علی‌رغم خوش‌بینی حاصله در سال ششم، از روبه‌راه شدن مشرکین منکرین، معلوم می‌شود که هنوز دور از خط تعقل و قبول هستند و شیفتگی و سرگرمی دنیا آنان را رها نکرده است.

آیات کفرورزی در سال هفتم بعثت در پنج ردیف از ۵۰ تا ۵۴ جدول (۱) ارائه شده و شامل ۲۶ آیه و ۳۱۷ کلمه است.

(۵۰ سال هفتم بعثت، سوره‌ی فرقان (۲۵)، شماره‌ی نزول ۲-۱۰۲ (۸ آیه و ۹۴ کلمه) در همین سوره در آخر سال ششم، ضمن گزارش، احتجاج‌ها و لجاج‌های مشرکین به آنجا رسیده بود که از فرط نادانی و تکبر و سرکشی ایراد می‌گرفتند که چرا قرآن به ما نازل نشده و چرا خدا خود را به چشم ما نشان نمی‌دهد. اینک در پاسخ پیغمبر که می‌گوید:

«يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.» (فرقان (۲۵) / ۳۰)

(... پروردگارا همانا که قوم من این قرآن را برکنار و بی‌منزلت گرفتند.)

به او دلداری داده می‌شود که برای سایر پیغمبران نیز دشمنانی از میان مجرمین و بدکاران قرار دادیم (یعنی خاصیت و اثر جرم و گناه، دشمن شدن با حق و گویندگان حق است) ولی اطمینان داشته باش که هدایت و حمایت خدا برای تو کفایت می‌کند.

در آیه‌ی ۳۲ بهانه‌گیری و اشکال‌تراشی‌های قبلی مشرکین ادامه یافته و از قول آنها گفته می‌شود که چرا قرآن یک‌باره و یک‌پارچه بر پیغمبر نازل نشده است؟

قرآن جواب این سؤال را به خود رسول اکرم (و به آنها و به ما) داده و روش خاص تدریجی وحی قرآن را که سبب تربیت و تثبیت تعلیمات در دل و دیده رسول اکرم می شود، متذکر می گردد.

شماره	آیات	ترجمه آیات
۳۱	وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ بَيْتٍ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا.	و به این ترتیب برای هر پیغمبری از میان خطاکاران دشمنی قرار دادیم، درحالی که پروردگار تو به عنوان راهنما و یاری کننده کفایت می نماید.
۳۲	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا.	و کسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکباره بر او نازل نشد، (بلی) چنین است آن را به تدریج و متفرق فرستادیم تا بدان وسیله قلب تو را ثابت و محکم نماییم.
۴۱	وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا.	و چون تو را ببینند، جز به استهزاء نگیرندت (و گویند) آیا این همان کسی است که خدا او را به پیامبری برانگیخته است؟
۴۲	إِن كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَن أَضَلُّ سَبِيلًا.	(گویند) نزدیک بود که اگر پافشاری و مقاومت نمی کردیم، (پیغمبر) ما را از خدایانمان برگرداند، ولی به زودی وقتی عذاب (جهنم) را ببینند خواهند دانست که چه کسی گمراه تر شده است.
۴۳	أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا.	آیا دیدی (یا چه می گویی در باره) آن کس که هوای نفس یا خواسته اش را خدای خود قرار داد، آیا تو می توانی (یا باید) نگهبان و مأمور او باشی؟
۴۴	أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.	یا گمان می کنی که اکثر آنها گوش می دهند یا تعقل می کنند؟ آنها چیزی جز (مانند) چارپایان نیستند و بلکه در انتخاب روش و راه گم گشته ترند.
۵۰	وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ لِيَذَكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا.	و به تحقیق در میانشان این (کلام یا قرآن) را تکرار کردیم تا متذکر و متوجه شوند ولی اکثر مردم امتناع نموده جز ناسپاسی کاری نکردند.
۶۰	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا.	و چون به آنان گفته شد خدای رحمان را سجده کنند، می گویند: رحمان کیست؟ آیا به چیزی سجده کنیم که تو ما را دستور می دهی؟ و (این سخن) نفرت و رمیدن آنان را بیشتر کرد.

سؤال مشرکین معاصر پیغمبر مطلب نامعقولی نبوده است. امروزه حتی بعضی از قرآن خوانان نیز همین پرسش را می نمایند. ولی آنها حسن نیت نداشته در اثر گفت و شنودهای با رسول خدا، در ظرف شش سال گذشته با وجود شنیدن جوابها، حاضر به تسلیم و تصدیق نگردیده و استهزاء و استکفاف و پافشاری در گمراهی خود را به طوری که در آیات بعدی می بینیم، ادامه می داده اند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۱۹۹

این سؤال اگرچه به قصد بهانه و ایرادگیری بوده است، ولی نامعقول هم نیست. تدریجی بودن و به فراخور زمان و مکان ظاهر شدن، مشابهت و سنخیت با سبک و کارهای بشری دارد که خواسته‌ها و جواب‌ها برحسب نیاز و در اثر تفکر یا تلاش فراهم می‌گردد. درحالی که انتظار می‌رود خدا آنچه را که عطا می‌کند یک‌جا و یک‌باره صورت گیرد. اتفاقاً سبک و کارهای خدا در طبیعت و خلقت نیز حالت تحول و تدریج دارد و اکتسابی نفوس بوده، پای وسایل و وسایط در میان می‌آید و روی اندازه و حساب است. قرآن نیز همین را می‌گوید:

«قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱

«إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ»^۲

«الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى»

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»^۳

* * *

از آیات ۴۱ تا ۴۴ چنین برمی‌آید که مشرکین مکه با وجود شش سال گفت‌وشنود با رسول اکرم و با آنکه منطقی‌پیشرفت عمده پیدا کرده‌اند، ولی چون دل‌هایشان نرم نشده است و حسن‌نیت ندارند، حاضر نمی‌شوند رسالت پیغمبر را جدی بگیرند. او را به بازی و استهزاء می‌گیرند و مایل نیستند از خدایان خود دست بردارند. به رسول اکرم گوشزد می‌شود: آیا خود را مَوَكَّل و مأمور کسانی می‌دانی که هدف و خدایی جز آمال و هوای نفس ندارند؟ و آیا تصور می‌کنی که اینها گوش به کلام می‌دهند یا تعقل می‌نمایند؟ درحالی که مانند چارپایان و بلکه گمراه‌تر از آنان هستند.

* * *

آیه ۵۰ همان تذکر واقع‌بینانه خلاف انتظار را تعقیب نموده، می‌گوید انواع تمثیل

۱. طلاق (۶۵) / ۳: ... و مسلماً برای هر چیز اندازه [و نظمی] مقرر داشته است.

۲. حجر (۱۵) / ۲۱: ... مگر آنکه خزائن آن در اختیار ماست و آن را جز به اندازه معین عرضه نمی‌کنیم.

۳. اعلیٰ (۸۷) / ۲ و ۳: همان خدایی که آفرید و سامان داد.

و چراگاه[ها] را پدید آورد.

۲۰۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
و تذکرها را برای آنها آوردیم ولی جز تعداد اندکی، بر کفر و انکارشان مزید گشت.

* * *

در آیه ی ۶۰ باز صحبت از افزایش نفرت و گریز دعوت شدگان پیغمبر از تواضع و فروتنی در برابر خدا و سجده کردن برای آفریدگار بخشایشگر و قهرمان نسبت به بندگان است.

در مجموع آیات سال هفتم سوره ی فرقان (۲۵)، آیات یأس انگیز سال پنجم بعثت در سوره ی یس (۳۶) (ردیف ۴۱) را به خاطر می آورد که گفته شده بود:
«لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَيَّ أَكْثَرِهِمْ فَهَمْ لَا يُؤْمِنُونَ.» (یس (۳۶) / ۷)
(به تحقیق سخن برای اکثریت آنان به درستی ادا گردید و باز ایمان نمی آوردند.)

و خداوند صریحاً سرسختی و تأثیر ناپذیری منکرین را به مشیت خود نسبت می دهد، شاید به این دلیل باشد که پیغمبر به طولانی بودن و اشکالات راه واقف گردیده، تحمل و توان بیشتری ابراز دارد و کمتر توقع داشته باشد.
به عنوان مقابله با صفات و بهانه گیری های مشرکینی که از سجده کردن به خداوند رحمت استنکاف و اعتراض دارند، در آیه ی ۶۳ «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» معرفی شده اند و تعریف و توصیف های آنان تقریباً تا یک آیه مانده به آخر سوره (فرقان (۲۵) / ۷۶) ادامه دارد که بیشتر به بخش ایمان گرایی ارتباط پیدا می کند.

(۵۱) سال هفتم بعثت، سوره ی نحل (۱۶)، شماره ی نزول ۱۰۷ (۱۱ آیه و ۱۱۱ کلمه)
سوره ی نحل (۱۶) بیشتر تذکر و توصیف نعمت های الهی درباره ی انسان است که از آن اولاً: برای ارایه و اثبات وجود خدا و جلب علاقه و ایمان انسان به او استفاده می شود، ثانیاً: با یادآوری فضایل و نعمت های ارزانی شده به انسان و در اختیار و استفاده او گذاشتن زمین و آسمان، مقام و مسئولیت آدمی را بالا می برد، و ثالثاً: نادانی و زیان کاری منکرین خدا و آخرت و معارضین دعوت را آشکار ساخته ، هشیارترشان می نماید.

در آیات کفرورزی این سوره که بر طبق جدول ۱۵ در سال ۷ بعثت نازل شده است به اشارات مشابه با سوره فرقان (۲۵) و انکار و لجاج مشرکین برمی خوریم.

* * *

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ.	انسان را از نطفه‌ای آفرید درحالی که هم او دشمنی کننده‌ی آشکار (با خدا) است.
۲۲	إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُّكْرَهُ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ.	خدای شما خداوند یکتا است اما کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند دل‌هایشان انکار کننده است و تکبر می‌ورزند.
۲۴	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.	و چون به آنها گفته (یا پرسیده) شود که پروردگارتان چه نازل کرد؟ جواب می‌دهند: «افسانه‌ای باستانی».
۵۳	وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَاوَرُونَ.	و هر نعمتی که نزد شما است از خدا است، اما همین که زیان و سختی شما را درگیرد، به سوی او ناله و زاری می‌نمایید.
۵۴	ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ.	و چون رفع زیان و بلا از شما بنماید، در آن موقع گروهی از شما شرک به پروردگارشان می‌ورزند.
۵۵	لِيُكْفَرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ.	به این گونه که نسبت به آنچه بهره‌مندشان ساخته‌ایم، کفر ورزند، (فعلاً) بهره‌گیرید ولی بدانید که به‌زودی خواهید دانست (که چگونه در اشتباهید).
۵۶	وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللهِ لَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ.	و برای آن (بت‌ها و عواملی که علم و یقین ندارند) سهمیه و حق از آنچه روزیشان کرده‌ایم قرار می‌دهند. به خدا قسم که حتماً در باره افتراهایی که می‌بندید مسئول خواهید بود.
۵۷	وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ.	و برای خدا فرزندان دختر درست می‌کنند، منزّه است خدا. درحالی که برای خودشان آنچه رغبت دارند (تصور می‌نمایند یا وجود دارد).
۵۸	وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُّسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ.	و چون به یکی از آنها مژده دختر داده شود، روسیاه گشته بسیار اندوهگین می‌شود.
۵۹	يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ.	به‌خاطر زشتی و نامطلوبی خبر، از قوم و قبیله فرار می‌کند، که آیا او را با خواری و خجالت نگاه دارد یا زیر خاک پنهانش کند بسیار بد است قضاوت و حکمی که می‌نمایند.
۶۳	تَاللهِ لَقَدَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَرِزَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.	به خدا سوگند که به تحقیق (رسولانی) به نزد امت‌های پیش از تو مأمور کردیم، ولی شیطان که امروز یار و سرور آنها است کردارهایشان را در نظرشان آرایش داد و نصیب آنها عذاب دردناکی می‌باشد.

آیه ۴ پرده از یک واقعیت روحی انسان و عامل کفرورزی برمی‌دارد که دشمنی تکوینی آدمیزاد با خدای خالق خود او است. همان‌طور که آیات سال هفتم سوره فرقان (۲۵) آیات یأس‌انگیز سوره‌ی یس (۳۶) را به‌خاطر می‌آورد، مضمون آیه فوق نیز با همان تعبیر و توجه‌ها در سوره‌ی یس (۳۶) آمده بود است:

«أُولَئِكَ يَرَى الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ»^۱

چنین واقعیت و اعلام آن از طرف قرآن یا خدا که بشر ناتوان نادان ناچیز ساخته و پرداخته شده از طرف خود من، دشمن آشکار من است، هم اهمیت دارد و هم درجه آزادی و اختیار اعطایی خدا به انسان و نقش واگذار شده به شیطان را نشان می‌دهد. مشیت الهی و چگونگی آفرینش و طبیعت آدمی طوری است که علی‌رغم همه‌ی نعمت‌ها و ناتوانی‌ها و نیازها به‌جای آنکه دوستدار و شکرگذار و لاقبل‌پذیرنده و اعتراف‌کننده به وجود خدا باشد، دشمنی و سرکشی پیش می‌گیرد. واقعیتی است در عین عجیب بودن، محسوس و متداول. چنین انسان‌بینی البته اختصاص به زمان و به رسالت پیغمبر نداشته و همه‌جایی و همه‌وقت است؛ بدون آنکه عکس‌العمل آن مقابله به مثل و دشمنی کردن بوده باشد یا توصیه شده باشد.

به دنبال تذکرات واقع‌بینانه و نومیدکننده‌ی تأثیرپذیری مشرکین و کفرورزان، این آیه که در هر دو سوره آمده است علت امر را توجیه می‌نماید. اگر مشرکین علی‌رغم ابلاغ‌های بشارت و تنذیر و استدلال‌ها و منطق‌های به‌کار رفته در سال‌های اخیر باز هم به بهانه‌جویی و استهزاء و تکذیب می‌پردازند، برای این است که در نهادشان به‌جای دوستی و انصاف، دشمنی و انکار نهفته است. رسول خدا نباید خسته و مأیوس گردد و منصرف شود یا شیوه‌های اجبار و بدرفتاری و بدخواهی به‌کار برد که اثر معکوس خواهد داشت.

* * *

در آیات ۲۲ و ۲۴ انگشت روی دل و دیده و زبان دشمنان خدا که حاضر نیستند ایمان بیاورند، گذارده می‌شود. انکارشان از صمیم قلب و اندرون وجود دارد؛ خودبزرگ‌بینی و اعراضشان از اعتراف و تواضع خدا از چهره و چشمانشان می‌بارد و قضاوتی که در باره‌ی قرآن کرده آن را از نوع اباطیل و افسانه‌های کهن می‌شمارند، در زبانشان جاری است. در برابر واقعیت نباید خشمگین و افسرده گردید بلکه با تسلیم و توکل مأموریت را ادامه داد.

* * *

۱. یس (۳۶) / ۷۷: مگر انسان نمی‌داند که او را از نطفه‌ای [بی‌مقدار] آفریده‌ایم و آنگاه [که تنومند گردید] خصومت‌گری آشکار شد؟

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۰۳

آیات ۵۳ تا ۵۹ از توصیف و تعلیل کفرورزان و کفرورزی مشرکین به کفران نعمت و افترا به ایمان آورده‌ها و ایمان نیاورده‌ها می‌پردازند. بنا به سه آیه اول، بشر اگر هم راه دوستی و درخواست با خدا در پیش می‌گیرد، بیشتر به خاطر خودش و گرفتاری‌هایی که برایش پیش می‌آید، می‌باشد. پس از برطرف شدن، برگشت به سرِ خانه‌ی اول کرده و درحالی که بهره‌مند از زندگی و نعمات خداوندی می‌شود خالق و منعم خود را فراموش نموده، حتی نعمت‌های خدادادی را به غیرخدا و بت‌ها و کسانی که معلوم نیست سهمی در آن داشته باشند، نسبت می‌دهد و بدتر از آن اینکه در اثر جهل و جسارت، خدا را از خودش نیز پایین‌تر آورده برای او دختر قایل می‌شود، درحالی که دختر را ننگ می‌شمارد.

خداشناسی در لحظات گرفتاری که در سه آیه ۵۳ تا ۵۵ آمده است نکته‌ای است که بیشتر در مورد آشناشدگان با خدا و کسانی که فی الجمله اعتقادات دینی سطحی و غیرخالص دارند، مصداق پیدا می‌کند. نظیر این تذکر را با تفصیل بیشتر بعداً زیاد خواهیم دید.

نسبت دختر دادن برای خدا نیز منافات با قبول وجود خدا و سابقه‌ی ایمان توحیدی ندارد بلکه ایمانی است که منحرف به شرک و آلوده به خرافات و معتقدات بشری شده و در میان مشرکین مکه متداول بوده است.

اصولاً همان‌طور که می‌دانیم مأموریت و مقابله رسول اکرم (و تقریباً همه پیغمبران نامبرده در قرآن) بیشتر و شاید به تمامه با کسانی بوده است که علی‌الاصول خالق را قبول داشتند، ولی برای او شرکاء و واسط‌ها و معادل‌هایی قایل بودند که در تصور و تخیل آنها بهتر می‌گنجیده، نمایش مجسم و سمبلی از افکار و آمال و آداب خودشان و ضمناً حافظ منافعشان بوده است. پیغمبران، از نوح تا خاتم، نیامده بودند که اثبات صانع و مبارزه با بی‌دینی بنمایند. بلکه با خرافات اضافه شده و با تحریف و تجسم‌ها یا تحوّل‌های انحطاطی که بعد از پیغمبر قبلی، از ناحیه مردم مخصوصاً متولیان و مدعیان دین، چهره‌ی روشن و پاک خدای یکتا را ضایع کرده بوده است؛ در می‌افتادند. انکار وجود خدا یا بی‌دینی که ندرتاً در قرآن نقل شده است، پدیده‌ی تازه‌ای می‌باشد که یک مقدار در نتیجه‌ی تکامل فکری و آزاداندیشی جدلی پیدا شده است و یک مقدار هم بهانه و عکس‌العملی بوده است که از ناحیه‌ی مشرکین و مدعیان انبیاء ابراز می‌گردیده است. برای آنکه زیر بار دعوت و دلایل پیغمبر علیه

اعتقادات مشرکانه و سنت و منافع دل‌بسته خود نروند، و رسالت و اصالت پیغمبر را نپذیرند، اصلاً زیر قبول وجود خدا می‌زدند. همین حالت یا کیفیت، منتها به صورت دیگری در برابر متولیان و مبلغین دین کم و بیش دنیاطلب و ریاکار یا قشری‌های جاهل، ابراز می‌شده است.

ایمان آدمیزاد به وجود آفریننده و سازنده و گرداننده‌ی جهان و انسان‌ها، از قدیمی‌ترین و بدیهی‌ترین استنباط فطری و اعتقادی بشر می‌باشد و اصل علت و معلولی، تجربه‌ی روزمره محسوس هرکس در زندگی شخصی و مشاهدات محیطی است. چیزی که بسیار مشکل و برای مردم بدوی محال بوده است، پی بردن به نظام واحد و خدای واحد است که نادیدنی انسان و نامشابه با مخلوق‌های موجود و ملموس باشد و پیغمبران آن را تعلیم می‌داده‌اند. اما اعتقاد و عبادت خداهای متعدد و مجسم، با صفات و کارهای نوع بشر یا حیوانات و موجودات دیگر، امری بوده است کاملاً طبیعی و در دسترس انسان‌های عادی.

در آیات ۵۶ تا ۵۹ صحبت از نصیب و نسبت‌هایی می‌شود که مشرکین بنا به قیاس نفس از دارایی و درآمدها و از تولیدات خود به خدایان اختصاص می‌داده و برای خدا قایل به دختر بوده‌اند. این روحیه یا اندیشه و عقیده را قبلاً در ردیف‌های ۲۲ (سال سوم، سوره صافات (۳۷) و سال پنجم، سوره زخرف (۴۳)) به طور اشاره و اختصار دیده بودیم:

«أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ.

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَيَّ الْبَنِينَ.» (صافات (۳۷) / ۱۵۱ تا ۱۵۳)

(توجه داشته باش که آنها از دروغ پردازی خود چنین می‌گویند.
(که) خدا فرزند زائید و البته دروغ‌گو هستند. چگونه خدا دختران را بر پسران (ترجیح داد و) برگزید؟)

«وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ.»

(صافات (۳۷) / ۱۵۸)

(و مابین خدا و جن‌ها خویشاوندی قائل شدند درحالی که جن‌ها می‌دانند که به یقین (در دوزخ) حاضر می‌شوند.)

«وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ.
أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ.
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ
كَظِيمٌ.

أَوْ مَن يُنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ.»

(زخرف (۴۳) / ۱۵ تا ۱۸)

(و برای او از بندگانش بهره‌ای قرار دادند همانا که انسان به طور آشکار ناسپاس است.

یا اینکه از آنچه می‌آفریند برای خود دختران را برگزید و شما را (به داشتن) پسران ممتاز کرد؟

درحالی که وقتی یکی از آنها را به آنچه برای خدا پسندیده است، مژده دهند، با وجود فرو بردن خشم خود، رویش سیاه می‌شود.

(و می‌گوید) آیا (مژده کسی را به من می‌دهید) که نشو و نمایش در زیور و آرایش است و هنگام کارزار گنگ می‌شود؟)

قرآن ضمن بیان حال مشرکین، از دید و منطق خودشان به اعتقادات آنان ایراد می‌گیرد و می‌گوید: مشرکین بدون آنکه آگاهی یا علم و اطلاع داشته باشند برای خدا نصیب و سهمیه قایل می‌شوند و نمی‌دانند که اعتقاد خیالی و افترای آنها، روزی در این دنیای جدی و سراسر حساب و مسئولیت مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. حتی این اندازه برای خدای واقعی احترام قایل نیستند که لااقل چیزی را به او نسبت ندهند که خود از آن ننگ دارند و از شنیدن خبرش پا به فرار می‌گذارند. چنین طعنه و تذکر به مشرکین مسلماً بی‌اثر نبوده، نسبت به عقاید خرافی خود هشدارشان می‌داده است. استهزایی است در مقابل استهزاهای آنها و مع ذلك مؤدب و منطقی و احتمالاً مؤثر.

* * *

در آیه ۶۳، هم سابقه دیرینه‌ی امت‌ها و تجربه‌ی تلخ پیغمبرها به رسول اکرم گوشزد می‌شود و هم به سنت فریب‌کاری و روش همیشگی شیطان اشاره می‌شود که اعمال مشرکین و گنه‌کاران را از راه آرایشگری و مطبوع ساختن، توجیه و

تقویت می‌نماید. با این تذکر اضافی - چنانکه رسم قرآن است - که هم او سرپرست و رفیق کفرورزان در روز قیامت بوده و عذاب دردناک نصیبشان خواهد بود.

مروری بر کار شیطان

همان‌طور که در آیه‌ی ۴، روی یک عامل عمده کفرورزی انگشت گذاشته شده بود که خصلت عجیب دشمنی آدمی با آفریننده‌ی روزی‌رسان خود می‌باشد، در این آیه به عامل و عمل دیگری اشاره می‌شود که کارکرد در ضمیر و ذات انسان دارد، یعنی شیطان.

گفته بودیم که شیطان‌شناسی قرآن در حقیقت روانشناسی کفرورزان است و از دید ادیان توحیدی فصلی از انسان‌بینی است که ارتباط نزدیک و دایم با رسالت رسول اکرم و دعوت به سوی خدای رحمان دارد.

تا به حال چند بار به نام و نشان و کار شیطان در مبحث و بُعد کفرورزی انسان برخوردیم و باز برخواهیم خورد. قرآن به ذکر عمل و نقش شیطان در نفس انسان اکتفا نکرده، هم به آدمی برای اجتناب از این دشمن داخلی نابکار انداز و توجه‌های مکرر می‌دهد و هم به معرفی و شناسایی او از روزگار دیرینه، پا به پای آفرینش و بلکه گزینش آدمی می‌پردازد. این قسمت را ما در جلد‌های دوم و سوم بازگشت به قرآن، مشروحاً و در حدود درک و توانمان، آورده بودیم.^۱

شاید بی‌فایده نباشد که یک نگاه عمومی به صورت یک‌جا و به ترتیب زمان نزول، به کلیه‌ی آیات و اشارات قرآن راجع به شیطان بنماییم. ممکن است به چگونگی این پدیده‌ی مرموز مهم و به دخالت و نقشی که شیطان، به گفته‌ی قرآن، در احوال و اعمال و آثار انسان دارد و عامل اصلی و نفسانی کفرورزی می‌باشد، آگاهی بیشتر پیدا کنیم.

۱. موضوع‌های موردنظر در جلد ۱۸ مجموعه آثار با نام «گزینش و آفرینش آدمی‌زاد» در سال ۱۳۸۸ توسط شرکت سهامی انتشار چاپ و منتشر شده است (ب.ف.ب).

جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه	شماره و نام و شماره سال نزول	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱	۱۵۱ ب تکویر (۸۱)	۲۵. وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ.	راجع به قرآن است و نفی آن از القای شیطان در برابر وحی خدا.
۲	۱۸۲ ب ناس (۱۱۴)	۴. مِنْ شَرِّ الْأَوْسَاسِ الْخَنَّاسِ.	پناه بردن به خدا از دست وسوسه‌ها و عوامل درونی القا شده از ناحیه ضد خدا است. خواه جنیان باشند (که شیطان از آنها است)، خواه مردمان که منکر و معاند خدا، و فرزندان و یاران شیطان محسوب می‌شوند. در تفسیرهای کبیر و طبری و رازی و سواس و خناس را از اسامی شیطان دانسته‌اند.
	۵۸۳ ب ناس (۱۱۴)	۵. الَّذِي يُوسُّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ.	
۳	۵۸۳ ب ناس (۱۱۴)	۶. مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.	
۴	۵۸۳ ب ناس (۱۱۴)	۷. وَحَفِظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ.	راجع به آسمان است و حفظ آن از شیطان (اولین بار).
۵	۵۸۳ ب صافات (۳۷)	۶۵. طَلَعَهَا كَأَنَّه رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ.	راجع به جهنم است و شکوفه درختی که از قعر آن می‌روید.
۶	۵۸۳ ب صافات (۳۷)	۹۵. وَجُنُودٌ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ.	راجع به جهنم است و کلیه لشکرهای شیطان که در اینجا گرفتار عذاب می‌شوند.
۷	۶۵-۱۳ ب شعراء (۲۶)	۲۱۰. وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ.	راجع به قرآن است و نفی نزول آن از شیاطین که جنود ابلیس‌اند (برای بار دوم).
۸	۶۵-۲۴ ب شعراء (۲۶)	۲۲۱. هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَيَّ مِنْ تَنَزَّلِ الشَّيَاطِينُ.	راجع به کفار بدکار است که مورد القاء و اطاعت شیطان‌ها قرار می‌گیرند و گوش به فرمان آنها هستند (اولین بار).
	۶۵-۲۴ ب شعراء (۲۶)	۲۲۲. تَنَزَّلُ عَلَيَّ كُلُّ الْأَفَّاكِ أَثِيمِ.	
۹	۶۵-۲۴ ب شعراء (۲۶)	۲۲۳. يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ.	اولین اعلام به اختصار آفرینش و گزینش انسان و نقش شیطان به نام ابلیس.
	۶۶۴ ب ص (۳۸)	۷۱. إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ.	
۱۰	۶۶۴ ب ص (۳۸)	۷۲. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.	۱۱
	۶۶۴ ب ص (۳۸)	۷۳. فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.	
۱۱	۶۶۴ ب ص (۳۸)	۷۴. إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.	آغاز ورود شیطان به صحنه با نام ابلیس و تکبر و کفرورزی او در اطاعت از خدا و ادعای خدمت به انسان.
۱۲	۶۶۴ ب ص (۳۸)	۷۵. قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِيَّ	بیان علت امتناع ابلیس و نشانه آزادی و اختیار ابلیس.
۱۳	۷۵. اُسْتُكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ.	خود بزرگ دیدن و خود برتر دانستن.	
۱۴	۷۶. قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.	منشأ و ماده اولیه شیطان و انسان.	
۱۵	۷۷. قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ.	اولین عکس‌العمل و مشیت الهی.	

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۷	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۷۸. وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي يَوْمَ الدِّينِ.	لعنت و سلب رحمت یا دومین عکس العمل الهی.
۱۸	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۷۹. قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ.	اجازه و اختیار درخواست به شیطان.
۱۹	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۸۰. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ.	مهلت و اجازه، سومین عکس العمل الهی و نشانه وجود اختیار و آزادی در دوران دنیا.
۲۰	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۸۱. إِلَيَّ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.	موقت بودن امکان و اجازت.
۲۱	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۸۲. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.	برنامه کلی شیطان، همراه کردن انسان به جای سجده و خدمت.
۲۲	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۸۳. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ.	تنها راه مصونیت از شیطان، اخلاص در بندگی و استنکاف از شرک.
۲۳	ص (۳۸) ۰۶۶ ب ۰۶۴	۸۴. قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ. ۸۵. لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ.	به جهنم انداختن در آخرت، چهارمین عکس العمل خدا.
۲۴	مریم (۱۹) ۰۸۱ ب ۰۶۴	۸۳. أَلَمْ تَرَ أَنَا أُرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَزُّؤُهُمْ أَرْأَى.	تحریر یک کفرورزان از ناحیه شیطان‌ها به مأموریت از طرف خدا (بار سوم).
۲۵	حجر (۱۵) ۰۸۳-۱ ب ۰۶۴	۱۷. وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ.	راجع به آسمان است (تکرار ردیف ۵، سال ۳ب، و برای بار دوم).
	حجر (۱۵) ۰۸۳-۱ ب ۰۶۴	۲۶. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ.	خلاصه داستان آفرینش و گزینش آدمیزاد.
۲۶	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۲۷. وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ. ۲۸. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ.	در رابطه‌ی برنامه‌ریزی شده‌ی پدیده‌ی شیطان و نقش کلیدی او در کفرورزی و همراهی انسان اعلام می‌گردد.
ادامه ۲۶	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۲۹. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ. (۳۰. فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.)	در سوره ص (۳۸)، ۱۵ آیه بود. در حجر ۱۷ آیه است. در آنجا ماده اولیه آدمی طین ذکر شده بود در اینجا مرحله‌ی پیشرفته‌تر «صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» است و برای ماده اولیه جنیان که آتش است صفت «سَمُومٍ» اضافه شده است.
۲۷	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۳۱. إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ.	
۲۸	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۳۲. قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ الْأَنْتَ كُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ.	
۲۹	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۳۳. قَالَ لِمَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدْ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ.	
۳۰	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۰۵	۳۴. قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ.	ابلیس در استنکاف از سجده، استناد به ریشه انرژی‌تیک خود می‌نماید.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۳۱	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۳۵. وَإِنْ عَلَيْكَ اللَّعْنَةُ إِيَّايَ يَوْمَ الدِّينِ.	توضیح «اَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ.» حذف شده است. برای چگونگی اغوای انسان‌ها، توضیح بیشتر آمده و به آرایش زندگی اشاره شده است و برای اولین بار صراط مستقیم تعریف شده است.
۳۲	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۳۶. قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ.	گمراهان، بندگانِ مشمولِ گمراهی شیطان شده‌اند.
۳۳	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۳۷. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ.	از عذاب جهنم ذکر نشده است.
۳۴	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۳۸. إِيَّايَ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.	قبلاً «لَأُعَوِّبَنَّهُمْ» بود، حالا «لَأُرِيَنَّ لَهُمْ» اضافه شده است. (اولین بار).
۳۵	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۳۹. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.	
۳۶	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۴۰. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ.	
	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	(۴۱). قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ.	
۳۷	حجر (۱۵) ۰۸۳-۲ ب ۵	۴۲. إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ.	
۳۸	ص (۳۸) ۰۸۶ ب ۵	۳۷. وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ.	راجع به لشکریان سلیمان است که از شیاطین استفاده کرده است.
۳۹	ص (۳۸) ۰۸۶ ب ۵	۴۱. أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ.	راجع به ایوب است که جراحات و دردهای خود را به شیطان نسبت می‌دهد.
۴۰	یس (۳۶) ۰۸۸ ب ۵	۶۰. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.	برای اولین بار اشاره به پیمان با خدا و عبادت و عداوت شیطان شده است، و خطاب به بنی آدم (دشمنی شیطان با انسان- اولین بار).
	یس (۳۶) ۰۸۸ ب ۵	۶۱. وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.	دومین بار تعریف: صراط مستقیم = عبادت خدا.
۴۱	یس (۳۶) ۰۸۸ ب ۵	۶۲. وَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ.	تجربه تاریخی انسان از گمراه شدن به وسیله شیطان.
۴۲	مؤمنون (۲۳) ۰۹۰ ب ۵	۹۷. وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ.	تکرار تأییدی ردیف‌های ۲ تا ۴. (بار دوم)
۴۳	زخرف (۴۳) ۰۹۲ ب ۶	۳۶. وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.	غفلت از یاد خدا = همکاری با شیطان.
۴۴	زخرف (۴۳) ۰۹۲ ب ۶	۶۲. وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.	هشدار به انسان‌ها از دشمنی آشکار شیطان (بار دوم) و بازداری او.
۴۵	انبیاء (۲۱) ۰۹۴ ب ۶	۸۲. وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ.	راجع به سلیمان و استخدام فنی شیاطین است.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه	شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۴۶	۹۸ ع	مریم (۱۹)	۴۴. يَا أَبَتِ لَا تُعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا.	توضیح و توصیه ابراهیم به پدر خود راجع به بندگی نکردن شیطان، و دشمنی شیطان با خدا است.
۴۶ مکرر	۹۸ ع	مریم (۱۹)	۶۸. فَوَرَبِّكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا.	راجع به جهنم رفتن مشترک کفرورزان و شیاطین است.
۴۷	۱۰۲ ع	فرقان (۲۵)	۲۹. لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.	گمراه کردن و خوار ساختن انسان از طرف شیطان، علی رغم هدایت پیغمبران.
۴۸	۱۰۳ ب	طه (۲۰)	۱۱۶. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى.	برای سومین بار، صحبت از ابلیس و استکفاف او از سجده بر آدم است.
۴۹	۱۰۳ ب	طه (۲۰)	۱۱۷. فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى. (۱۱۸. إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى.) (۱۱۹. وَأَنْتَ لَا تَطْمَأِنِّنَ فِيهَا وَلَا تَهْتَكِ.)	اولین بار زندگی مقدر در بهشت و اخراج در اثر اغوای شیطان (دشمنی شیطان، سومین بار).
۵۰	۱۰۳ ب	طه (۲۰)	۱۲۰. فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى. (۱۲۱. فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى.)	وسواس و وسوسه‌ای که در ردیف‌های ۲ و ۳ آمده بود.
			۱۲۲. ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى.	اصلاح و توبه و برگزیدگی و هدایت، علی رغم عصیان.
			۱۲۳. قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَايْمًا يَا تَيْبَتُكُم مِّنِّي هُدًى.	پیدایش عداوت ملازم با زندگی زمینی و اثر اغوای شیطان و چاره آن هدایت خدا.
			۱۲۳. فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلَّ وَلَا يُشْقَى.	آثار پیروی از هدایت، عدم گمراهی و عدم سختی و گرفتاری.
			۱۲۴. وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.	نتیجه اعراض از یاد خدا و وجود او، و سختی‌های زندگی.
			۱۲۵. وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.	و نابینایی و محرومیت از راه‌یابی در قیامت.
			۱۲۶. قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا.	لازمه بصیرت و بینایی آن دنیا، رابطه داشتن با خدا.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
دومه ۵۰ ۱۰۳ ب ۷	طه (۲۰)	۱۲۷. قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمِ تُنْسِي.	و نشانه‌های او در این دنیا و رسیدن به نور خدا.
۵۱ ۱۰۴ ب ۷	ملک (۶۷)	۵. وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ...	تشعشع‌های آسمانی وسیله طرد و هلاک شیاطین (بار سوم).
۵۲ ۱۰۷ ب ۷	نحل (۱۶)	۶۳. تَاللهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَرِيقًا لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.	ولایت شیطان بر کافرها و آرایش اعمال آنها (بار دوم).
۵۳ ۱۰۷ ب ۷	نحل (۱۶)	۹۸. فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.	پناه بردن از شر شیطان به خدا (بار سوم).
۵۴ ۱۰۷ ب ۷	نحل (۱۶)	۹۹. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.	خلع سلاح شیطان در اثر ایمان و توکل.
۵۵ ۱۰۷ ب ۷	نحل (۱۶)	۱۰۰. إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ.	به ولایت گرفتن شیطان و قبول سلطه‌ی او.
۵۶ ۱۰۸ ب ۷	کهف (۱۸)	۶۳. قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا.	ایجاد فراموشی و انصراف توسط شیطان.
۵۶ ۱۰۹-۱ ب ۷	بقره (۲)	۱۴. وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا بِآلِي شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ.	خلوت کردن منافقین با شیطان‌ها.
۱۱۰ ب ۸	سجده (۳۲)	۷. الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ. ۸. ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ. ۹. ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِي وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ.	در این آیات صحبت از شیطان و ابلیس نیست ولی چون ارتباط صریح با آفرینش و تکامل او دارد، در پراتر آورده‌ام.
۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۲۷. إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.	برادر شدن و همکاری انسان با شیطان.
۵۷ ۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۵۳. وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزِعُ بَيْنَهُمْ إِنِ الشَّيْطَانُ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا.	فتنه و فسادانگیزی شیطان مابین بندگان (اولین بار).

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه	شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۵۸	۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۶۱. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا.	چهارمین بار صحبت استنکاف ابلیس از سجده به آدم.
۵۹	۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۶۲. قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَحْرَقْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَكِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا.	اعلام عمل شیطان از طرف خودش و درخواست مهلت برای ریشه براندازی آدمیزاد.
۶۰	۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۶۳. قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا.	اجاره و مهلت خدا و اعلام جهنم.
۶۱	۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۶۴. وَأَسْتَفْزِرُّ مَنِ اسْتَعْتَمْتُمْ بِهِمْ بَصَوْتِكَ وَأُجْلِبُ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشِئَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّتْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.	توضیح و تفصیل عمل شیطان روی انسان در بیان و اجازه خدا.
۶۲	۱۱۲ ب ۸	اسراء (۱۷)	۶۵. إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بَرِيءًا وَكِيلًا.	مستثنی شدن بندگان واقعی خدا از اغوای شیطان.
۶۳	۱۱۴ ب ۸	نمل (۲۷)	۲۴. وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ.	تذکر و تکرار قسمتی از ردیف‌های ۳۴ و ۴۲ و ۵۳ است (بار سوم).
۶۴	۱۱۹ ب ۹	فصلت (۴۱)	۳۶. وَإِنَّمَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.	پناه بردن به خدا از فسادانگیزی شیطان (بار چهارم).
۶۵	۱۲۲ ب ۱۰	اعراف (۷)	۲۰۰. وَإِنَّمَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.	تقریباً تکرار ردیف ۶۴ (پناه بردن به خدا، بار پنجم).
۶۶	۱۲۲ ب ۱۰	اعراف (۷)	۲۰۱. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ.	تذکر خدا وسیله بصیرت
۶۷	۱۲۲ ب ۱۰	اعراف (۷)	۲۰۲. وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ.	برادران یا همکاران شیطان.
۶۸	۱۲۴ ب ۱۰	حج (۲۲)	۵۲. وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.	عکس‌العمل خدا در برابر القائات شیطانی در آیات و برنامه‌های پیغمبران.
۶۹	۱۲۴ ب ۱۰	حج (۲۲)	۵۳. لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فَتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ.	راه دیگر اغوای شیطانی از راه القای فتنه در دل‌ها.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۷۰ ۱۲۵ اب ۱۰	انعام (۶)	۱۱۲. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ. (۱۱۳). وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْتَضُوهُ لِيُتَفَتَّرُوا بِمَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ.)	شیاطین هم انسان‌اند و هم جن، درحالی‌که ابلیس فقط جن و از آتش بود. وحی شیطان از طریق زینت کلام و غرور.
۷۱ ۱۲۶-۱ اب ۱۰	عنکبوت (۲۹)	۳۸. وَعَادًا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاجِدِهِمْ وَرَيْنَ لَهُمْ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ.	تکرار تأییدی ردیف‌های ۳۴ و ۴۲ و ۵۲ و ۶۳ (بار چهارم).
۷۲ ۱۲۷ اب ۱۱	سبا (۳۴)	۲۰. وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ.	راجع به مردم سبا است که ناشکری و اعراض کردند.
۷۳ ۱۲۹ اب ۱۱	یوسف (۱۲)	۵. قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ لَأُتَّخَذَ بِكُمُبِئَاتٌ فَاصْبِرُوا أَسْبَغْتُ إِلَيْكُمْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ كَيْدُهُ إِلَّا هَازِلًا يَوْمَ الْقِيَامِ.	دشمن انسان بودن شیطان.
۷۴ ۱۲۹ اب ۱۱	یوسف (۱۲)	۴۲. وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَّ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بَضْعَ سِنِينَ.	به فراموشی سپردن یاد خدا از طرف شیطان.
۷۵ ۱۲۹ اب ۱۱	یوسف (۱۲)	۱۰۰. وَرَفَعَ أَبُوتَهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلْنَا رَبِّيَ خَفًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السَّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.	نزع شیطان (چهارمین بار).
۷۶ ۱۳۰-۲ اب ۱۲	قصص (۲۸)	۱۵. وَدَخَلَ الْمَدْيَنَةَ عَلَىٰ جِبْنٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ قَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ.	ایجاد دعوا و خشونت از عمل شیطان است که دشمن انسان محسوب می‌شود.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۷۷	کهف (۱۸) ۱۳۵ باب ۱۲	۵۰. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.	از نوع جن بودن ابلیس و اختیار فسق و عصیان خدا. شیطان و شیاطین زائیده‌ها و ذریه‌های ابلیس‌اند. پنجمین بار داستان سجده نکردن بر آدم (به طور اشاره).
۷۸	کهف (۱۸) ۱۳۵ باب ۱۲	۵۱. مَا أَشْهَدُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا.	
۷۹	لقمان (۳۱) ۱۳۶ باب ۱۲	۲۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ.	شیطان دعوت کننده‌ی انسان‌ها به جهنم.
۸۰	ابراهیم (۱۴) ۱۳۷-۱ باب ۱۲	۲۲. وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ... ۲۲. سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلُومُنِي وَلَكُمْ أَنْفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِيَّيْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.	کنار کشیدن شیطان (اولین بار). عمل شیطان با همه توان و تأثیری که دارد رفع مسئولیت و اختیار از انسان نمی‌کنند.
۸۱	بقره (۲) ۱۳۸ هـ ۱	۳۰. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَيَحْنُ نُسُخُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.	ششمین بار داستان گزینش آدمیزاد و اغوای ابلیس و اولین بار اعلام خلیفگی انسان در زمین از طرف خدا و تعجب فرشتگان.
		۳۳. قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ.	آگاهی و قدرت اطلاع آدمی از اسماء و عوامل و اسرار خلقت و طبیعت، رمز مقام و منزلت و مسجد آدم است.
		۳۴. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.	سجده به آدم به دلیل خلیفه خدا بودن او.
		۳۵. وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ.	دومین بار زندگی مقدر بهشتی با تفصیل بیشتر.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه سال نزول	شماره و نام سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۸۲	۱۳۸ هـ ۱ بقره (۲)	۳۶. فَازْلِهْمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.	
	۱۴۰ هـ ۱ فاطر (۳۵)	۵. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّبَكُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّبَكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ.	دنیاپرستی مقابل با خداپرستی و وسیله‌ی اغوای شیطان.
۸۳	۱۴۰ هـ ۱ فاطر (۳۵)	۶. إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ.	
۸۴	۱۴۲ هـ ۱ محمد (۴۷)	۲۵. إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَيَّ آذِبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ.	
۸۵	۱۴۴-۱ هـ ۱ انفال (۸)	۱۱. إِذِغْشِيكُمْ الْعُنَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَكُمْ بِهِ وَيُدْهَبَ عَنْكُمْ رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَلِيُرَبِّطَ عَلَيَّ قُلُوبَكُمْ وَيُنَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ.	به فضولات و پلیدی‌های حیاتی به شیطان نسبت داده شده است.
۸۶	۱۴۴-۲ هـ ۱ انفال (۸)	۴۸. وَإِذْ زَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ وَقَالَ لَأَ غَالِبٌ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْهُ الْفِتْنَانِ نَكَصَ عَلَيَّ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَزِي مَا لَا تَرَوْنِي إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ.	آرایشگری شیطان (پنجمین بار) کنار کشیدن شیطان (دومین بار).
۸۷	۱۵۱-۱ هـ ۲ آل عمران (۳)	۱۵۵. إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْبَيْتِ الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ.	
۸۸	۱۵۳ هـ ۳ آل عمران (۳)	۱۷۵. إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.	ایجاد ترس کردن شیطان (اولین بار).
۸۹	۱۵۳ هـ ۳ حج (۲۲)	۳. وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ.	
۹۰	۱۵۵-۱ هـ ۳ اعراف (۷)	۱۱. وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ.	ششمین بار، داستان آفرینش و گزینش آدمی و استنکاف ابلیس از سجده به آدم.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه	شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۹۱	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۲. قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ.	تکرار و تفصیل بالنسبه بیشتر نسبت به موضوع ردیف‌های ۲۸ و ۵۸.
۹۲	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۳. قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ.	تکرار و تفصیل بالنسبه بیشتر نسبت به موضوع ردیف‌های ۲۸ و ۵۸.
۹۳	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۴. قَالَ فَانظُرْنِي إِلَيَّ يَوْمَ يُبْعَثُونَ.	تکرار ردیف‌های ۱۸ و ۳۲ با حذف کلمه «رب».
۹۴	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۵. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ.	
۹۵	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۶. قَالَ فَبِمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ.	تکرار ردیف‌های ۱۸ و ۳۲ و انحراف انسان‌ها از راه راست.
۹۶	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۷. ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ مِّن بَيْن أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ.	محاصره کردن انسان از طرف شیطان و جلوگیری از شکر. (دومین بار)
۹۷	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۱۸. قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا لَمَنِ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ.	تکرار ردیف ۲۲ با کمی اضافات.
			۱۹. وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ.	تکرار و تفصیل ردیف ۴۷ و تکرار آیه بعد از ۱۸.
۹۸	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۲۰. فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ.	تکرار و تفصیل طولانی ردیف ۸۲ (بقره).
۹۹	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۲۱. وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ.	تکرار و با کمی تفصیل ردیف ۵۰ (طه) (۲۰) / ۱۲۰ و ۱۲۱).
۱۰۰	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۲۲. فَذَلَّلَاهُمَا يَغْرُورٌ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْنِهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَتَادَاهُمَا رَبُّهُمَا آلِمٌ أَنَّهُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقْلَلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ.	دشمنی شیطان با انسان (بار دوم).
	۱۵۵-۱ هـ ۳	اعراف (۷)	۲۳. قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.	اضافه بر قبلی‌ها.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۵۵-۱ ه ۳	اعراف (۷)	۲۴. قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.	تکرار فرد دوم ۸۲
۱۵۵-۲ ه ۴	اعراف (۷)	۲۷. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ أَنفُسِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوُهُمْ إِنَّآ جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.	اولین بار خطاب به بنی آدم در باره شیطان در استفاده و استناد به پنج بار داستان؛ ولی دومین خطاب. اولین بار کندن لباس و ارایه عیبی‌ها.
		۲۹. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.	
۱۵۵-۲ ه ۴	اعراف (۷)	۳۰. فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ.	ضلالت در اثر ولایت شیطان، با گمان هدایت.
۱۵۵-۲ ه ۴	اعراف (۷)	۱۷۵. وَإِذْ عَلَّمْنَا نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ.	اغوای شیطان روی هدایت شده‌ها.
۱۵۵-۲ ه ۴	اعراف (۷)	۱۷۶. وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.	تمام و توقف در زندگی دنیا و زمین.
۱۵۶ ه ۴	حشر (۵۹)	۱۶. كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.	شبهه ردیف‌های ۸۰ و ۸۶ (دومین کنار کشیدن شیطان).

۱. آیات سوره اعراف (۷) کامل‌تر و مفصل‌تر از موارد دهگانه گذشته از جمله ردیف‌های بعد از ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ سوره بقره (۲) است بنابراین مندرجات جدول ۱۵ کتاب «سیر تحول قرآن» درباره‌ی مدنی بودن این آیات تأیید می‌شود.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره و نام و شماره سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۰۵ ۱۶۳ هـ ۵	نور (۲۴)	۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ أَنَّهُ فُضِّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.	گام‌های شیطان (اولین بار).
۱۰۶ ۱۶۴ هـ ۵	بقره (۲)	۱۰۲. وَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوَعْدَ الَّذِي لَكُمْ مِنَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ يَحْتَدِيكُمُ الْوَعْدَ الَّذِي لَكُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَي الْمَلَائِكَةِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَمَّا السِّحْرُ فَمَا يَكُونُ إِلَّا نَجَسًا بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَهُمْ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِأَنفُسِهِمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.	طولانی‌ترین آیه درباره‌ی شیطان روی انسان‌ها از طریق تعلیم سحر.
۱۰۷ ۱۶۷ هـ ۶	انعام (۶)	۴۳. قُلُوا لَا إِذْجَاءَهُمْ بِأَسْنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	ششمین آرایشگری شیطان سنگدل.
۱۰۸ ۱۶۷ هـ ۶	انعام (۶)	۶۸. وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.	فراموشگری شیطان.
		۷۰. وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَّلَ كُلُّ عَدَلٍ لَّا يُؤَخِّدُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ.	
<p>۱. شباهت به آیه ۱۴۰ سوره نساء (۴) دارد که دوران ایمان اجتماعی یا جامعه ایمانی است و ضمناً می‌تواند تأییدی بر مدنی بودن این آیات در سوره انعام (۶) باشد.</p>			

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه سوره	شماره و نام و شماره سال نزول	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۰۹	۱۶۷ هـ ۶ انعام (۶)	۷۱. قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَوُرْدٌ عَلَيَّ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أُوَيْنَّا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمِّرْنَا لِيُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.	سرگردان کردن شیطان.
۱۱۰	۱۶۷ هـ ۶ انعام (۶)	۱۲۱. وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكَرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيَأْتِيَهُمْ الْبَيْعَاتُ وَإِنَّ لَكُمْ لَمَنْشُرُونَ.	وسوسه‌های تقدس‌مآبی از ناحیه شیطان.
		۱۲۸. وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا آجَلَتَنَا الَّذِي آجَلْتَنَا قَالَ التَّارُ مَتَّوَكُمُ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ.	
		۱۲۹. وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.	
		۱۳۰. يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ.	
۱۱۱	۱۷۵ هـ ۸ نساء (۴)	۳۸. وَالَّذِينَ يُتِفِقُونَ آمَوَالَهُمْ بَيْنَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا.	مقارنه و همکناری (همدمی) شیطان با انسان.
۱۱۲	۱۷۵ هـ ۸ نساء (۴)	۶۰. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَيَّ أَلَيْسَ لِي بِعِلْمٍ بِمَا يُكْفَرُونَ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا.	گمراه کردن شیطان.
۱۱۳	۱۷۵ هـ ۸ نساء (۴)	۷۶. الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.	بیروان طاغوت، اولیاء شیطان.

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه	شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۱۴	۱۷۵ هـ ۸	نساء (۴)	۸۳. وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَلَوِ رَدُّهُ إِلَيَّ الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا.	پیروی شیطان در شایعه پراکنی های جنگی.
۱۱۵	۱۷۵ هـ ۸	نساء (۴)	۱۱۷. إِنْ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا.	
۱۱۶	۱۷۵ هـ ۸	نساء (۴)	۱۱۸. لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الَّذِينَ لَا تَأْخُذُونَ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا. ۱۱۹. وَلَا ضِلَّتْ لَهُمْ وَلَا مِثْلَهُمْ وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيَبْتُكُنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيَعِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا.	اقرار و اعلام شیطان درباره ی طرز کارهای خود به دنبال ۹۶ (چهارمین بار).
۱۱۷	۱۷۵ هـ ۸	نساء (۴)	۱۲۰. يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.	
۱۱۸	۱۸۱ هـ ۹	مجادله (۵۸)	۱۰. إِنَّمَا التَّجْوِي مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.	
۱۱۹	۱۸۱ هـ ۹	مجادله (۵۸)	۱۹. اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ.	فراموشگری شیطان. حزب شیطان در برابر حزب خدا.
۱۲۰	۱۸۲ هـ ۹	مائده (۵)	۹۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.	شراب و قمار، پلیدی های شیطان.
۱۲۱	۱۸۲ هـ ۹	مائده (۵)	۹۱. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ.	دشمنی افکنی شیطان.
۱۲۲	۱۸۳-۱ هـ ۱۰	بقره (۲)	۱۶۸. يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.	پیروی گام های شیطان (دومین بار). دشمنی شیطان (سومین بار)

ادامه جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

شماره آیه نزول	شماره و سال نزول	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ملاحظات
۱۲۳	۱-۱۸۳ هـ ۱۰	بقره (۲)	۲۶۸. الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ لِلْفَقْرِ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.	تلقین فقر از طرف شیطان.
۱۲۴	۲-۱۸۳ هـ ۱۰	بقره (۲)	۲۷۵. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.	دست‌مالی و روانی کردن شیطان (اولین بار) در اثر رباخواری.
۱۲۵	۱۸۷ هـ ۱۰	انعام (۶)	۱۴۲. وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُّوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.	شبهه تکراری ردیف ۱۲۲ و تأییدی بر مدنی بودن آیات انعام (گام‌های شیطان سومین بار و دشمنی شیطان چهارمین بار).

بحثی پیرامون جدول آیات مربوط به شیطان در قرآن

مطالعه‌ی تطبیقی آیات مربوط به شیطان در درس کفرورزی از این جهت لازم شد که از نظر قرآن، مبداء و عامل یا علت کفرورزی انسان، شیطان است و اعمال یا برنامه شیطان معرف یا جلوه‌ی حالات نفسانی کفرورزان می‌باشد. مابین شیطان و روان‌شناسی انسان ارتباط تنگاتنگ وجود داشته است.

(۵۲) سال هشتم بعثت، سوره احقاف (۴۶)، شماره نزول ۱۷۸ (۲ آیه و ۵۷ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۰	وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْبِيتُمْ طِيبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ.	روزی که کفورزان بر آتش عرضه می شوند (به آنها گفته می شود نعمت ها و) ارزش های خود را در زندگی دنیایی بردید (یا صرف دنیا کردید) و برخوردار از آنها شدید، حالا در اثر (یا به وسیله) تکبر و تفاخر که در زمین می ورزیدید و در اثر تباهکاری و سرکشی که داشتید رنج خواری را می چشید.
۲۶	وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَقِّ بَهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	و به تحقیق آنان را در جاهایی تمکن و توان دادیم که شما را آن چنان ندادیم و برای آنها گوش و چشم ها و دل ها قرار دادیم ولی گوش و چشم ها و دل هایشان آنان را از آن زمان (یا از آن جهت) که عادت داشتند آیات ما را انکار نمایند، سودی نبخشید و بر سر آنها همان چیزی آمد که استهزاء می کردند.

دو آیه فوق از سوره ی احقاف (۴۶) بیان این دنیا از بحث و برخوردهای آن دنیای کافر ها در مواجهه با جهنم و عذاب آخرت است و روحیه و طرز تفکر کفوروزی را توصیف می نماید تا تذکر و اتمام حجتی قبل از مرگشان باشد. آیه ی اولی، به استفاده از سرمایه های زندگی و صرف یک سره ی آن در برخوردار ی و بهبود دنیا اشاره می نماید که توأم با تکبر و برتری جویی ناحق بر دیگران و سرکشی کرد نشان شده است. اما آیه دوم برگشت به عقب و به سرگذشت اقوامی دارد که هم به لحاظ مسکن و امکانات زندگی و هم به لحاظ حواس و اعضاء بدنی برای تشخیص و تفکر به گونه ی ممتازی مجهز بوده اند ولی چون قصد و رسمشان انکار خدا و نشانه های او بوده است، گرفتار همان عوامل و عواقب هولناکی شدند که وقتی پیغمبران هشدار می دادند، مسخره می کردند.

در حقیقت صحبت از کفوروزی کسانی است که به لحاظ امکانات زندگی و استعداد های انسانی در سطوح بالا قرار دارند و خود را بزرگ و برتر دیده و از حقایق و نظامات سرکشی می نمایند و همانند مشرکین مکه (یا مدینه و جاهای دیگر) اصرار و تصمیم بر انکار داشته آخرت و دنیایشان را عذاب و تباه می سازند.^۱

۱. این آیات با شماره نزول ۱۷۸ که دارد و در گروه های سال ۷ بعثت آورده ایم، بنا به جدول ۱۵ سیر تحول قرآن و به دلیل طول متوسط بلند آیات، متعلق به سال ۸ هجری می باشد، در حالی که به لحاظ متن و موضوع مشابه مطالب و آیات کلی سال های ششم و هفتم مکه بوده و سر و کارش با مشرکین و منکرین است، بدون آنکه در آنها نشانه ای از مباحث و مسائل سال های آخر رسالت پیغمبر اکرم دیده شود. وضع سایر آیات یا گروه های سوره ی احقاف نیز که در قرآن ها و تاریخ و تفسیرها، سوره مکی قلمداد شده، ولی در جدول ۱۵ در سال های ۲ و ۹ هجری جا داده شده است، به همین منوال می باشد. ضمن آنکه در تفسیرهای ←

۵۳) سال هفتم بعثت سوره کهف (۱۸) شماره نزول ۱۰۸ (۴ آیه و ۳۴ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۰۰	(وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرَضًا.)	(و در چنان روز جهنم را به کافرین عرضه کنیم).
۱۰۱	الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا.	کسانی که دیدگان‌شان (یا بینش و بصیرت‌شان) در برابر ذکر و نام من در پرده‌ای قرار دارد (یا قرار داشته است) و توانایی و قدرت شنیدن (نام و آیات مرا) ندارند (یا نداشتند).
۱۰۴	الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنْعًا.	کسانی که (تمام) کوشش و اعمال‌شان مشغول و گم‌شده در زندگی دنیا است در حالی که تصور می‌کنند که کار خوبی انجام می‌دهند.
۱۰۵	أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.	اینها کسانی هستند که به نشانه‌ها و آیات پروردگارشان و دیدار و ملاقات او کفر ورزیده‌اند بنابراین اعمال‌شان تباه شده است و روز قیامت برایشان وزن و ارزشی برپا نمی‌کنیم (یا قابل نمی‌شویم).

در آیات کفرورزی سوره کهف (۱۸) و به دنبال آنچه در آیه ۲۰ سوره احقاف (۴۶) دیدیم، صحبت از وابستگی و دل بستگی به دنیا است و از کسانی که شش دانگ تلاش و توجه‌شان معطوف به بهره‌مندی و بهبود زندگی دنیا شده و تصور می‌کنند راه

→ کبیر و ابوالفتح و کشاف (به نقل از قرآن مجید راهنما، جلد چهارم، صفحه ۹۷) شأن نزول آیه ۱۰ را درباره‌ی عبدالله سلام می‌دانند که از مکه به مدینه آمده، و با دیدار و گفتار با رسول اکرم و پرسش‌هایی چند، مشرف به اسلام شده است. آنچه می‌توان در توجیه اشکال و در جواب این سؤال گفت و بدون آنکه تعصبی در اثبات دقت یا صحت استخراج‌های آماری منعکس شده در جداول «سیر تحول قرآن» داشته باشیم، آن است که اولاً: چنین نیست که آیات مکی حتماً و تماماً انحصار به‌مباحث توحیدی و نبوت یا جدال با مشرکین داشته، به مطالب مبتلابه دوران مدینه و غیر ایمانی و دعوت برنخوریم. و بالعکس، در سوره‌هایی که مدنی بودن آنها قطعیت و مقبولیت عام دارد، آیات و اشاراتی از مسائل اعتقادی و اختلاف با کفار و مخالفین نیامده باشد، بلکه فراوان نباشد. ثانیاً: نه مردم مدینه، با وجود هجرت رسول اکرم و پذیرش و منزلتی که در آنجا پیدا کرده بوده است، یک‌سره مؤمن و موافق شده و در میان‌شان نامعتقدین وجود نداشته است و نه با مشرکین مکه و حجاز قطع رابطه و مجادله شده بوده است. مسایل ایمانی و عقیدتی، با ایرادها و اختلاف‌ها و معارضه‌ها، باز هم مطرح بوده حتی بیش از گذشته در زبان‌ها و ذهن‌های اعراب و اهل کتاب بازگو می‌شده و جواب و توضیح طلب می‌کرده است. کما آنکه هنوز هم در کشورهای خودمان و در تمام اعصار و افکار، وجود خدا و حرف و حقانیت ادیان به قوت و شدت خود باقی مانده و گاه گاه موضوع روز و تازه و زنده‌تر نیز می‌شود. بنابراین هیچ اشکال ندارد و نباید تعجب و انکار کرد که در گرماگرم یا در پایان درگیری‌های جنگی و اجتماعی و سیاسی یا اداری و حقوقی و فقهی دوران مدینه، همان مسایل و موضوعات بنیادی بحث‌انگیز و جنجال آفرین کفرورزی و کفرزدایی تجدید مطلع، و بلکه توسعه و تکامل یافته، سطرها و سوره‌هایی از قرآن به آنها اختصاص داده شود. به طوری که در سیر تحول موضوعی قرآن ارائه شده است، موضوعات مقطعی و تعلیم و تذکرهای تاریخی، اجتماعی، جنگی یا فقهی که در قرآن آمده است، هر کدام زمان طلوع و وفور و افول داشته و «قله‌های تنزیل» را تشکیل داده است. اما موضوعات اعتقادی الوهیت، نبوت و آخرت، به‌طور گسترده‌ای در تمام طول دوران ۲۳ ساله رسالت، تداوم ثابت داشته است.

درستی را انتخاب کرده‌اند. به این ترتیب، با نام و نشان خدا و ملاقات او بیگانه‌اند. در سال‌های اولیه بعثت از تأثیری که دنیادوستی و دنیاداری روی آدمی داشته و باعث انصراف او از خدا و آخرت می‌شود، هشدارهای قاطعی داده شده بود که بیشتر ناظر بر مشرکین مغرور مالدار قریش بود.

حالا به جای شیفتگی در برابر تکاثر و تفاخر و ترجیح دادن دنیا به آخرت در اثر رشد زمانی ضعیف انسان‌ها، آنچه در این آیات تازگی دارد، اشاره‌ی آن به علاقه‌مندی به زندگی دنیایی است که هم توأم با تلاش و تدبیر است و هم از روی آگاهی و پسندیده و مفید دانستن آن انتخاب شده است؛ بدون آنکه حالت محکومیت و ملامت را داشته باشد. در عاملین و پیروان چنین طرز تفکر، یک نوع بی‌نیازی به ارزش‌های برتر و برخورد و دیدار حقایق بالاتری ایجاد می‌نماید که اطلاعی از آن ندارند یا نمی‌خواهند داشته باشند. قضاوت قرآن این است که نتیجه و نهایت همه‌ی آن زحمات و خدمات چیزی جز بی‌حاصلی و تباهی نبوده، به مطلوب خود نمی‌رسند و برای حیات ابدی آینده خود محصول و مکتسبی که ارزش و وزن داشته باشد، به همراه نمی‌برند.

چنین برنامه و روحیه، به طوری که قبلاً در سوره‌های تکاثر (۱۰۲)، (شماره ردیف ۲) و سوره قیامت (۷۵)، (ردیف ۱۳) و غیره پیش‌بینی و بحث کرده بودیم، همان مکتب دنیاپرستی تمدن جدید و ایدئولوژی‌های غرب و شرق اروپا است که خواسته‌اند مستقل از ادیان یا در مخالفت و انکار آنها اختیار نمایند. و چه بسا که این انتخاب از روی عقل و قصد خدمت به ملت‌ها و محرومین و نجات بشریت از مظالم و مصایب درگیر بوده باشد. می‌بینیم که با وجود روش‌های علمی و تحقیقی و تجربی و انسانی‌سنجیده و منظم و مؤثر که نایل به اکتساب‌ها و ابتکارهای عجیب و پیروزی و پیشرفت‌های عظیم می‌گردند و دردهای بی‌درمان قدیم را دوا می‌نمایند، ولی بلافاصله یا پیشاپیش آنها مشکلات دیگر و مسایل تازه‌ای سر در می‌آورد. به طوری که دست آخر، به اقرار و اعتقاد خودشان، به راحتی و امنیت و به سلامت و سعادت گمشده نمی‌رسند؛ بلکه نگرانی‌ها و اضطراب‌ها قرن به قرن شدیدتر می‌شود، گویی که درجا زده‌اند. چون هدف اعلای بی‌نهایت و آینده‌ی روشن جاویدی در نظرشان نبوده است. در دایره‌ی محدود دنیا به دور خود گشته‌اند و پس از یک عمر فعالیت و امیدواری، دنیا را با دست خالی ترک می‌کنند.

(۵۴) سال هفتم بعثت، سوره بقره (۲)، شماره نزول ۱-۱۰۹ (۲ آیه با ۲۱ کلمه)
در ۱۹ آیه ابتدای سوره بقره (۲) که متعلق به سال هفتم بعثت می‌باشد از سه گروه یا سه

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۲۵
 طایفه‌ی مؤمن، کافر و منافق توصیف به عمل آمده است. چهار آیه برای مؤمنین، دو آیه برای کافرها و سیزده آیه برای منافقین (بدون ذکر عنوان خاص آنها). دو آیه وصف کفرورزان همان است که در جدول آورده‌ایم. مضمون آیات یادآور آیات ۶ تا ۱۰ سوره یس (۳۶) می‌باشد که در سال ۵ بعثت (ردیف ۴۱) با تفصیل بیشتر، ولی بدون اشاره به عذاب عظیم دیدیم.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.	به درستی کسانی که کافر شده‌اند برایشان فرق نمی‌کند که انذارشان دهی یا ندهی (در هر حال) ایمان نمی‌آورند.
۷	حَتَّمُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.	خداوند بر دل‌هایشان و بر شنوایی (یا بر گوش) آنان مهر زده است و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و عذاب عظیمی برای آنها وجود دارد (یا در انتظارشان است).

البته در آنجا «إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا»^۱ بود، اینجا «حَتَّمُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ»^۲ آمده است که ارتباط با فهم و فرهنگ پیدا می‌کند. یعنی همان نشانه رشد و توجهی که در سوره احقاف (۴۶) آیه ۲۶ در دو ردیف قبل برخوردیم. علت عدم ایمان مشرکین و عدم تأثیر انذار و اخطارهای رسول خدا، بسته بودن دل‌ها و گوش و چشم‌ها است. یعنی برنامه‌ها و هدف‌گیری‌های زندگی از یک طرف، و توجه دادن به مشاهدات و مسموعات یا تفحص و تحقیق‌ها از طرف دیگر. و این هر دو، کارها و یا تحول و تصمیم‌هایی است که خود بشر باید به موازات هشدار و هدایت انبیاء در معرض آن قرار گیرد، یا اتخاذ و اجرا نماید.

۱. یس (۳۶) / ۸: ما هم بر گردن آنان تا چانه زنجیر نهاده‌ایم، ...
 ۲. بقره (۲) / ۷.

آیات کفرورزی در سال هشتم بعثت (پنج ردیف از ۵۵ تا ۵۹، شامل ۳۰ آیه و ۳۸۷ کلمه)

در سال هشتم هم چون سال هفتم، مشرکین خود را خلع سلاح شده ندانسته، به اعراض و انکار ادامه می دهند. تردید در باره آخرت و زنده شدن بعد از مرگ و همچنین توجه به زندگی دنیا و عمران و اصلاح آن، کماکان جزو اشتغالات و ایرادها و اظهارات است. با توجهی که به دنیا پیدا کرده و تقویت و توفیق‌های حاصله حالت غرور و تکبر جاهلانه به آنان دست داده، هم عواطف و دلشان را که بیمار گشته و هم خود را بی نیاز از به کار انداختن چشم و گوش و قلب می دانند. با مقایسه با سال‌های ابتدایی بعثت، تراوشات مدعیان، رفته رفته از صحنه و سطح و از زبان و چهره‌ها تغییر مکان داده، به درون نفوس و به دل و دیده‌ها نفوذ کرده است. جدال و استدلال انکاری نیز که اخیراً ظاهر گشته بود، توسعه یافته و از پیش، جای اعراض و استهزاء و اتهام را می گیرد. آیات قرآن بیشتر به علت و عمق موانع و مخالفت‌ها یا خودداری‌ها می پردازد تا آنجا که به نظر می آید، می خواهد آب پاک روی دست رسول اکرم بریزد.

در این سال به یک طرفند تهاجمی مشرکین یا قصد فریب سازشکارانه پیغمبر نیز برمی خوریم که واکنش قاطع نشان داده می شود.

(۵۵) سال هشتم بعثت، سوره مدثر (۷۴)، شماره نزول ۱۱۱ (۱ آیه و ۱۱ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۱	وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا	... و تا آنجا که بیمار دلان و کافرها بگویند خدا چه منظوری از این تمثیل داشته است...

این آیه و سؤال کفرورزان به دنبال آیه تعیین عدد ۱۹ برای فرشتگان مأمور بر دوزخ است و توضیح اینکه تعیین عدد از جهت آزمایش کافرها و ایجاد یقین در اهل کتاب و مؤمنین می‌باشد. کفرورزان و بیماردلان که در ردیف هم آمده‌اند، ممکن است بر سیل ترادف و توصیف، قرآن خواسته باشد، عامل و علت کفرورزی را عدم سلامت و اعتدال شخص ذکر نماید و یا مقدمه و مترادف با نفاق باشد. نظیر این تعبیر و توصیف برای اولین بار در آخر سال هفتم، در آیات ابتدای سوره بقره (۲) / ۱۰ آمده بود:

«فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»^۱

و بعداً در سوره حج (۲۲) در سال ۱۰ بعثت و در سوره‌های بعد از هجرت (محمد (۴۷) و انفال (۸) و مائده (۵) و توبه (۹) و احزاب (۳۳)) مکرر خواهیم دید که غالباً در وصف منافقین است.

صحبت از دل و تاریکی و استتار آن، اولین دفعه در ردیف ۴۳ سال ۵ ب در آیه ۴ سوره فصلت (۴۱)، همراه با سنگینی گوش به میان آمده بود و پس از آن از اواخر سال ششم به بعد (در ردیف‌های ۴۷) لقمان (۳۱) / ۷، ۵۰) فرقان (۲۵) / ۴۴، ۵۲) احقاف (۴۶) / ۲۶، ۵۳) کهف (۱۸) / ۱۰۱، ۵۴) بقره (۲) / ۷) ارتباط کفرورزی با دل و چشم و گوش آدمی برخوردار داشته‌ایم که در سال هشتم تعقیب می‌شود. به این ترتیب ایراد و امتناع‌های گذشته در سر راه ایمان برطرف یا ضعیف شده است و از این به بعد که بیشتر پای عقل و استدلال و عشق در میان می‌آید، مانع عمده عدم توجه و تعقل است.

۵۶) سال هشتم بعثت، سوره اسراء (۱۷)، شماره نزول ۱۱۲ (آیه ۹ با ۱۰۳ کلمه) آیات ۴۱ تا ۴۹ که حالت مأیوس‌کننده دارد شبیه به آیات ۶ تا ۱۱ سوره یس (۳۶)، (ردیف ۴۱) در سال پنجم بعثت می‌باشد. ولی اجمالی و کلی نبوده، توضیح بیشتری از روحیه و رفتار مشرکین می‌دهد و چون از سال گذشته و قبل از آن باب استدلال به عقل و علم و استناد به تاریخ گذشتگان و آثار طبیعت بازگشته، به نظر می‌آید لازم شده است تذکر مجددی به رسول اکرم داده شود تا انتظار نداشته باشد کفرورزان به زودی و به سهولت تسلیم دعوت و مصلحت و سعادت خودشان بشوند.

۱. بقره (۲) / ۱۰: در دل‌های آنان بیماری [نفاق و عناد] جای گرفته است، در نتیجه خدا بر بیماریشان افزود و به کیفر دروغ‌پردازی‌شان عذابی دردناک [در انتظار] دارند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۲۹

غرایز بشری که با هرگونه به‌هم‌خوردن تعادل و مواضع احراز شده یا اتخاذ شده مخالفت می‌ورزد، در آنها به قوت خود باقی است. آدمی میل دارد که بر چشم و گوش و دلش پرده افکنده باشد تا حقایق و ارزش‌های تازه و برتری‌های دیگران را نبیند و ناراحت نشود و وقتی چیزی می‌شنود سعی می‌کند گوینده‌ی آن را جن زده یا جادوزده و غیره بشمارد و در پی انواع توجیه و تمثیل‌ها می‌رود تا در گمراهی و توقف باقی مانده و مجبور و محتاج به راه و روش غیرمألوف و غیرمعمول کهن نگردد و بالاخره، با این گفتار بدیهی که چگونه ممکن است وقتی مردیم و به صورت استخوان پوسیده‌ی خاکسترشده درآمده‌ایم، سر از خاک برآورده و زندگی نوینی در پیش گیریم، خیال خود را راحت می‌کنند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴۱	وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا.	و به تحقیق در این قرآن انواع (سخنان و پندها و داستان‌ها) آوردیم تا یادآوری و تذکر به عمل آید. ولی آنان را چیزی جز نفرت نیفزود.
۴۵	وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا.	و چون به قرائت قرآن می‌پردازم، میان تو و کسانی که آخرت را باور ندارند پرده و پوششی برقرار می‌سازیم.
۴۶	وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِّرْتُمْ بَلَغُوا فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَنَّا عَلَيَّ آدْبَارِهِمْ نُفُورًا.	و ما بر دل‌های آنان پرده در برابر فهم قرآن افکندیم و در گوش‌هایشان سنگینی قرار دادیم و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی روی گردانیده و گریزان می‌شوند.
۴۷	نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَسْبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا.	ما در آن هنگام که برای شنیدن کلامت به تو رو می‌آورند، به خوبی می‌دانیم چه می‌شنوند، آن زمان که درگوشی به یکدیگر می‌گویند جز این نیست که شما از یک مرد جادو زده (یا جادوگر) پیروی می‌کنید.
۴۸	انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا.	بین چه نسبت‌ها و مثل‌ها در باره تو می‌آورند پس گمراه شده‌اند و هیچ راه خلاصی نمی‌یابند.
۴۹	وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرِفَاقًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا.	و چنین گفتند که (آیا ممکن است) وقتی استخوان پوسیده شدیم در خلقت و زندگی تازه‌ای برانگیخته شویم؟
۷۳	وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الذِّمِّيِّ أَوْ حِينَا إِلَيْكَ لِنَفْتَرِي عَلَيْهَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا.	و نزدیک بود که تو را به فریب و فتنه انداخته و آزادت نمایند، تا چیزی غیر از آنچه به تو وحی کرده‌ایم به ما نسبت دهی و در این صورت حتماً تو را دوست خود می‌گرفتند.
۷۴	وَلَوْلَا أَنْ تَبَتَّكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا.	و اگر چنین نبود که تو را ثابت و محکم داشتیم نزدیک بود مختصر تمایل و تکیه به آنان نشان بدهی.
۷۵	إِذَا لَأَذْفَتَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ	و در آن صورت تو را در حیات و در آخرت به دو برابر گرفتار می‌کردیم....

در آیات ۷۳ تا ۷۵ صحبت از تمهید و تدبیر جدیدی است که موضع داران کهن در برابر منطق و مکتب تازه ابداع نموده، می‌خواهند از در سازش و دوستی با آورنده‌ی قرآن درآمده و ترکیب و تفاهم آن را عقیم و بی‌اثر نمایند و آیین خود را که قبول خدای خالق و الحاق شریک و هم‌تا به آن است، به گونه‌ای برقرار سازند و چون اساس ارسال رسل و مأموریت پیغمبران و به‌خصوص ملت ابراهیم، بیش از اثبات صانع، محور مبارزه با شرک است، عکس‌العمل الهی در حفاظت و عصمت فرستاده‌ی خود و جلوگیری از کوچک‌ترین لغزش او با سرعت و قاطعیت ابراز می‌گردد و بدون رودربایستی اخطار می‌شود که در برابر خطا یا غفلت شرک جای کمترین سهل‌انگاری و اغماض و بخشش وجود نداشته و کیفر حتمی آن عذاب مضاعف در دنیا و آخرت است. بدیهی است که این هشدار و اخطار به همه‌ی مؤمنین، مخصوصاً داوطلبان رهبری و مدعیان پیشوایی دین نیز می‌باشد که بنا به سنت دیرینه ادیان بیش از سایرین در معرض اغوای شیطان و اعتقاد و علاقه به ریاست و احترام و اطاعت عوام بوده، به راحتی و بدون آنکه اشعار و احساس نمایند خود را به گونه‌ای جای خدا و رسول می‌گذارند و حتی ادعای ادامه رسالت انبیاء را می‌نمایند. چنین هشدار و پیش‌بینی اغوای مشرکین برای اولین بار در سال سوم بعثت در آیات ۸ و ۹ سوره قلم (۶۸)، (ردیف ۱۹) به عمل آمده و به فرستاده‌ی خدا اجمالاً اطلاع داده شده بود که تکذیب کنندگان بدشان نمی‌آید درباره‌ی خدایان خود به نحوی با تو مدهانه کننده و تو نباید از آنان دنباله‌روی بنمایی:

«فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ»

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم (۶۸) / ۸ و ۹)

(پس از تکذیب کنندگان پیروی منما.)

دوست دارند که تو نرمی و مدهانه بنمایی تا آنان نیز مدهانه کنند.)

حالا با تفصیل و تأکید بیشتر و تهدید تکرار می‌شود.

۵۷) سال هشتم بعثت، سوره مؤمن (۴۰)، شماره نزول ۱۱۳ (۶ آیه با ۸۰ کلمه) در سال هشتم، به‌خصوص در آیاتی از این سوره و سوره‌های بعد، همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، از تکبر و خودبزرگ‌بینی کفرورزان زیاد صحبت به عمل می‌آید. صفت و حالت یا روحیه‌ای که در عین اِتِّصَاف به خدا و مأخوذ بودن از او، در وجود انسان قرار داده شده و همگام با رشد او می‌باشد و مانعی در برابر بزرگداشتن خدا و

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۳۱
اطاعت از او می‌شود. اولین بار کلمه استکبار را در سوره مدثر (۷۴) آیه ۲۳ (ردیف ۱۰ سال دوم بعثت) در مورد ولیدبن مغیره دیدیم که از رجال متشخص و صاحب نظر قریش بوده است و همچنین صاحب ثروت بوده است. پس از آن خبری نیست تا در سال سوم بعثت، ردیف ۲۲ در آیه ۳۵ سوره صافات (۳۷):

«إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ.»

(آنها چنین بودند که و وقتی به آنها گفته می‌شود معبودی جز خدا نیست تکبر می‌ورزند.)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴	مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَعْرِزُكَ تَقْلُوبُهُمْ فِي الْبِلَادِ.	جدال و انکار در آیات خدا نمی‌کنند مگر آنهایی که کافر شده‌اند (یا تصمیم به کفر و انکار گرفته‌اند) پس نباید تحرك و تصرف آنها در شهرها تو را به اشتباه و انصراف (از راه و رسالت) اندازد.
۵	كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ.	پیش از آنها قوم نوح و بعد از آنها احزاب و طوایف (پیغمبران را) تکذیب کردند و به راستی درصدد دستگیری و جلوگیری از رسول خود بر آمده و جدال به باطل کردند تا حق را زبون و مغلوب سازند، ولی ما آنان را دستگیر و گرفتار عقاب و کیفر (سخت) کردیم.
۵۶	إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.	همانا کسانی که در آیات خدا بدون اینکه دلیل محکم و حجتی برایشان آمده باشد، به جدال و انکار می‌پردازند، علت آن چیزی جز تکبر یا خودبزرگ‌بینی نیست و به آن به هیچ وجه نمی‌رسند پس پناه به خدا ببر که شنوا و بینای (مطلق) او است.
۵۸	وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَالْمَسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ.	(هرگز) نابینا و آدم بینا مساوی نیستند و نه کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند، با بدکاران که تذکرپذیری اندک دارند (بکسان نیستند).
۵۹	إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ.	به درستی که زمان قیامت بلاشک خواهد آمد و معذالک اکثریت مردم به آن ایمان نمی‌آورند.
۶۰	(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.	(و پروردگار شما گفت که مرا بخواید و بخوانید تا بپذیرم و اجابتان کنم) همانا کسانی که خود را برتر و بی‌نیاز از بندگی من می‌بینند، به زودی و با ذلت و خواری داخل جهنم خواهند گشت.

که استکبار سدی در برابر شهادتِ «لا اله الا الله» شده است. در سال پنجم وقتی به داستان فرعون و اشراف مصر و قوم عاد می‌رسیم که نیرومند و پیشرفته و مغرور به قدرت و ثروت خود بودند، باز با استکبار روبه‌رو می‌شویم. در سال ششم در سوره لقمان (۳۱) آیه ۷ (ردیف ۴۷) اعراض و تکبر کردن و نشنیده گرفتن کلام پیغمبر از طرف بعضی از مردم حالت استکبار را دارد که منتهی به عذاب الیم می‌شود:

«وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلِيمٍ.» (لقمان (۳۱) / ۷)

(و چون آیات ما بر او خوانده شود، متکبرانه رو برمی گرداند، گویی که هرگز آن را نشنیده است، انگار که در دو گوش او سنگینی وجود دارد پس او را به عذاب دردناکی مژده (یا خبر) بده.)

در سال هفتم یک جا در سوره نحل (۱۶) / ۲۲ (ردیف ۵۱) سراغ تکبر در دل منکرین آخرت داده می شود و جای دیگر در سوره احقاف (۴۶) / ۲۰، (ردیف ۵۲) از به آتش درافتادن ارباب دنیا که به ناحق در روی زمین تکبر می ورزند و از حکم خدا سرکشی می کنند، خبر داده می شود.

به سال هشتم که می رسیم، هم یادآوری و سرزنش تکبر بیشتر شده و تعداد آیات به ۶ فقره می رسد و هم ملازمه ی تکبر با جهنمی شدن و به جهنم رفتن بدیهی گردیده، صریحاً اعلام می شود که:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.» (مؤمن (۴۰) / ۶۰)

و همچنین:

«الَّذِينَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّمُتَكَبِّرِينَ.» (زمر (۳۹) / ۶۰)
(... آیا جایگاه متکبرین در جهنم نیست؟)

تکبر به صورت خودپسندی و خود را برتر از دیگران و بزرگ دیدن که با چنین صراحت و شدت در قرآن توصیف و تویخ شده و هشدار داده می شود. علاوه بر آنکه در فرهنگ ما یک صفت مذموم بوده و هیچ کس از آدم خودبین و خودخواه و متکبر خوشش نمی آید و تواضع و فروتنی و توجه به دیگران موجب محبوبیت و موفقیت می شود، از نظر روان شناسی یا تربیت و ترقی انسان نیز، چون شخص متکبر خود را بزرگ و برتر از سایرین یا بی عیب و بی نقص می بیند و از عالم خارج خود بی خبر می باشد، قهراً درصدد رفع معایب و بهتر شدن برنیامده، راه ترقی و تکامل را به روی خود می بندد و فرجامی جز توقف و عقب افتادن و یا انزوا و انحطاط نخواهد داشت.

همه ی اینها را می توانیم نشانه ی خطا و مقدمه مصیبت مهم تری بدانیم که در برابر آفریدگار انسان و جهان، گریبانگیر چنین شخص نادان شده و او را از بالاترین نیاز و

نعمت که دیدار جهان خارج از خود و پذیرش وجود و حاکمیت و رحمانیت خدا است، همراه با فایده یا ضرورت تبعیت و تقرب به او برای رسیدن به سلامت و سعادت است، باز می‌دارد. نادانی و بیچارگی آیا از این بدتر می‌شود که موجود ناچیز نادار ناتوان سراپا نقص و نیازی چون انسان، بی‌جهت و به ناحق خویشتن را بزرگ و خودکفا بداند و غیرخود را ناموجود انگاشته و از اخلاق اجتماعی و قانونمندی جهان و صاحب آن اعراض نماید؟ اشاره به نقش شیطان در این میان، خاص منطق قرآن و ادیان است. در معرفی و پیدایش شیطان از تبدیل ابلیس، دیدیم که ورود او در حیات و حرکت انسان با برتر دانستن خلقت خود که زاییده آتش است بر آدم سرشته از گِل، و بزرگ انگاشتن خویش در برابر حکمت و حاکمیت پدیدآورنده‌ی جن و انس و جهان، مقارنه و آغاز دارد. سازنده‌ی شیطان و اسباب کار او در اغوای آدمی از راه الهی چیزی جز استکبار یا خودبزرگ‌بینی و برترشناسی نبوده است. مأذون شدن او از طرف قادر متعال برای گمراهی و تباهی آدمی تا روز واپسین نیز حضور و خلوتی است که عامل یا صفت تکبر در نهاد انسان پیدا کرده است.^۱

جدال در آیات خدا و به‌دنیال بهانه و ایرادگیری‌های بی‌اساس علیه ایمان و عبادت که تحول دیگری از برخورد کفرورزان مشرک با رسول اکرم می‌باشد، در آیات این سال زیاد می‌آید و چون جدال بدلی از استدلال است که در منطق تحقیقی قرآن باید منبعث از مشاهده و تجربه و تعقل باشد، به موازات آن در آیات سال گذشته و امسال به‌اشارات چندی برمی‌خوریم که حکایت از عدم استمداد کفرورزان از چشم و گوش و دل خود و از یکسان نبودن بینا و نابینا می‌نماید، یا مدعیان را دعوت به سیر و سلوک در زمین و دنیا می‌کند.

در آیه ۴ اشاره تازه‌ای به همت و حرکتی از جانب امت‌های معاصر و مخالف سران پیشین شده است که جزئی از برنامه عملی جدال به‌خاطر باطل است و می‌تواند پیش‌بینی قصد و برنامه آینده مشرکین در براندازی رسول خدا و پیروان او باشد. اهتمام برای دستگیری پیغمبر که اینک صحبت از آن می‌شود «صَدَّ» یا بازداشت از راه خدا (که اولین بار در سال ۴ ب، ردیف ۳۵، در طه (۲۰) / ۱۶: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى.» آمده بود)، دو اقدام یا دو گام تعرضی محسوب می‌شود که از ناحیه کفرورزان و مستکبرین به‌دنبال برنامه‌های اعراض،

استهزاء و اتهام و جدال ظاهر می‌گردد. چاره و واکنشی که در مؤمن (۴۰) / ۵۶ به رسول اکرم سفارش می‌شود چنین است:

«فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

(... پس به خدا پناه ببر که شنوا و بینا (ی مطلق) او است.)

نه دست از آستین درآوردن و نه به دشنام و دشمنی متوسل شدن.^۱

تذکری که در همین زمینه‌ها در آیه ۵۹ به پیغمبر داده می‌شود، این است که حتمی و قطعی بودن قیامت و زمان آن چیزی ملازمه با باور کردن و پذیرش مردم ندارد و، نه او و نه مؤمنین از این جهت به یأس و تردید و تزلزل نیفتند. بلکه باید انتظار عدم قبول اکثریت مردم را داشته باشد. ساخت طبیعی آدمی و نمود و نفوذ شیطان و دنیاپرستی انسان مبانیست با استماع دعوت و استقبال از توحید و آخرت دارد، مگر آنکه از عبادالله المخلصین باشد.

(۵۸) سال هشتم بعثت، سوره زمر (۳۹)، شماره نزول ۱۱۵ (۳ آیه و ۴۲ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۲	فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ.	پس ظالم تر از آن شخص کیست که بر خدا دروغ ببندد و کلام راستی را که (از جانب رسولان) برایش آمده است تکذیب کند آیا جایگاه کافرها در جهنم نیست؟
۵۹	بَلَىٰ قَدْ جَاءَ ثُكَّ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ.	بلی، آیات من برایت آمد و لکن آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران شدی.
۶۰	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهَهُمْ مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ.	و روز قیامت کسانی را که تکذیب خدا را کردند روسیاه خواهی یافت، آیا جایگاه متکبرین در جهنم نیست؟

در این سه آیه سوره زمر (۳۹)، هم صحبت و توییح برای تکذیب است که آغاز و وفور آن در سال‌های ابتدای بعثت بود و هم از استکبار و مکذبین که جایگاه اهل آن هر دو بالبداهه در جهنم سراغ داده شده است. تکبر بیشتر صفت و حالت شخص است و کفر تظاهر خارجی یا تصریحی اعراض و انکار شخص نسبت به خالق خود و پیام اوست که با تکذیب همراه باشد.

۱. با شکنجه و آزاری که در سال ۴، ردیف ۳۱، از قول موسی (ع) در دخان (۴۴) / ۲۰ آمده است:

«وَأَنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُون.»

(و به درستی که اگر سنگسارم کنید به پروردگار خودم و به پروردگار شما پناه می‌گیرم.)

(۵۹) سال هشتم بعثت، سوره جاثیه (۴۵)، شماره نزول ۱۱۶ (۱۳ آیه و ۱۶۸ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلًا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قَبَائِلٌ حَدِيثٌ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ.	اینها آیات و نشانه‌های خدا هستند که به حق بر تو می‌خوانیم پس به کدام گفتار و منطقی بعد از خدا و نشانه‌های او ایمان خواهید آورد؟
۷	وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ.	وای بر هر دروغ‌پرداز بدکار!
۸	يَسْمَعُ آيَاتُ اللَّهِ تُنْزِلُ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ عَذَابٍ أَلِيمٍ.	آیات خدا را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود مع ذلک به کفر و انکار خود ادامه می‌دهد که گویی اصلاً آن سخن‌ها را نشنیده است، چنین شخصی را به عذاب دردناکی خبر بده.
۹	وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ.	و چون چیزی از آیات ما بدانند آن را بازیچه می‌گیرند، برای چنین اشخاص عذاب خوار کننده‌ای در انتظار است.
۱۴	قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا) لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.	(به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو) در باره مردمی که امید و آرزوی روزهای (خوب) خدا را ندارند، گذشت نمایند و بگذارند تا هر قوم و گروه به پاداش مکتسبات و دست آوردهای خود برسند.
۱۸	(ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَيَّ شَرِيحَةً مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا) وَأَنَا تَتَّبِعُ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.	(پس از موسی و رسولان بعدی ما تو را مأمور و موظف بر شریعتی در امر دین یا انسان‌ها قرار دادیم، پس پیروی از آنها منما، و از هوا و هوس‌های کسانی که نادانند دنباله‌روی نکن.
۱۹	إِنَّهُمْ أَنْ يَغْتُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ.	آنها تو را در برابر خدا بی‌نیاز و مصون از چیزی نمی‌نمایند و بدان که ظالم‌ها یکدیگر را پشتیبانی می‌نمایند، در حالی که سرپرست و دوست اهل تقوا خدا است.
۲۳	أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاءً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ.	چه می‌بینی (یا چه دانی در باره آن کس) که هوای نفس را معبود و هدف خود قرار داده است و آگاهانه او را گمراه کرده است و شنوایی و عواطف او را مَهْر نموده و پرده بر چشمانش افکنده است. حال چنین شخصی را غیر خدا و بعد از خدا چه کسی می‌تواند راهنمایی کند آیا متذکر این نعمت نمی‌شوند؟
۲۴	وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ.	و گفتند آن (چه واقعیت و حقیقت دارد) نیست مگر همین زندگی دنیا که می‌میریم و به دنیا می‌آییم و ما را نمی‌میراند مگر دهر و طبیعت، درحالی که دانش و اطلاعی به این مطلب ندارند، جز آنکه گمان می‌کنند.
۲۵	وَإِذْ تُلْقِي عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا يَتَّبِعُونَ مَا كَانُوا حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.	و چون آیات روشن و رسای ما بر آنها خوانده شود، دلیل و حجتی (علیه آن) ندارند جز آنکه می‌گویند، اگر راست می‌گویند پدران ما را (زنده کرده برایمان) بیاورید.
۳۱	وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُنْزِلُ عَلَيْكُمْ فَأَسْتَكْبِرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ.	و اما کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می‌شود) آیا آیات ما بر شما خوانده نمی‌شد و با وجود آن تکبر و بی‌اعتنایی می‌ورزیدند و قومی مجرم و خطاکار بودید؟
۳۲	وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنْظَرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُحْسِنِينَ.	و هر زمان که گفته می‌شود وعده خدا مسلماً حق است و قیامت شکی بدان نیست، جواب می‌دادید که ما چه می‌دانیم ساعت رستاخیز چگونه است؟ چیزی جز حدی نیست و ما به آن یقین نداریم.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۵	ذَلِكُمْ بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَعَرَوْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا قَالِيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ.	این به آن دلیل است که شما آیات خدا را لغو و بازیچه گرفتید و زندگی دنیا مغرورتان کرد، بنابراین امروز آن از (جهنم) بیرون نمی‌آید و عذر و توبه شما پذیرفته نمی‌شود.

همان‌طور که در مقدمه سال هشتم اشاره شد و در سوره یس (۳۶) تصریحات شگفت‌انگیز و مایوس‌کننده آمده بود، قرآن اصرار دارد به رسول اکرم (و پیروان او) تعلیم واقع‌بینی داده، از امیدواری بی‌جهت و غرور به خود و به خدا بازشان بدارد. چنین می‌خواهد که تصور نمایند، چون مکتبشان حق است و دلایل طبیعی و منطقی محسوس و معقول پشتوانه‌ی آن می‌باشد، انسان‌هایی که دوران اعراض و استهزاء و اتهام را پشت سر گذارده و حاضر به استماع و استدلال شده‌اند، با سهولت و سرعت مجذوب و معتقد به آن خواهند گشت. باید خلقتی و خدایی فکر کنند و به عمل خود و به پشتیبانی خداوند مطمئن و مغرور نشوند. بلکه موانع و عوامل دیگری روی آدمی عمل می‌نماید و راه او بسی دشوار بوده و لازم است بشریت، اگرچه لنگان لنگان و با رنج و حرمان، آن را با پای خود طی نموده، حقیقت و حقانیت پیامبران را امتحان و اذعان نماید.

اگر قرآن یک مأموریت تبلیغاتی مکاتب سیاسی یا برخاسته از طبع و تمایلات انسانی می‌بود، چنین ظرفیت دوراندیشانه و بی‌نظری مستقلانه را نداشت و روش مخالف را در پیش می‌گرفت. عشق و عجله، به او یقین پیروزی شاعرانه می‌داد و یا متوسل به اصرار و اجبار و آزار خیراندیشانه می‌شد.

آیات ۵ تا ۸ گویای این حقیقت و حدیث است و آیه ۱۴ در مقام دلداری و راهنمایی به مؤمنین پر عشق و التهاب که نمی‌توانند قبول و تحمل کفرورزی منکرین و ملحدین را بنمایند و گاهی کاسه‌های داغ‌تر از خدا و رسول می‌شوند، سفارش سعه‌صدر می‌نماید. ضمن آنکه به معرفی عامل و صفت جدیدی از کفرورزی می‌پردازد، می‌گوید: به کسانی که اعتقاد و امید به روزهای خدا و به آینده خود و جهان ندارند خرده‌گیری و خشم نکنید. بگذارید هر کس آن‌طور که قرار آفرینش و طراحی آدمیزاد است کشته‌ی خویش را خود درو کند. همه را به خدا واگذار نمایید تا صالح نیک‌کردار به سود خویش و طالع بد‌کردار به زیان خود عمل نماید.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۳۷

در آیات ۱۸ و ۱۹ همچون آیات و سوره‌های دیگر، با استناد به جریان رسالت انبیاء سلف و نادانی و ناتوانی کفرورزان در منحرف ساختن فرستاده‌ی خدا گوشزد گردیده و تذکر داده می‌شود که آنها پشتیبان و مددکار هم‌نوعان و همفکران خود بوده و نباید روی مساعدت و همکاری آنها حساب کرد و خداوند یاور و سرپرست پرستندگان باتقوای خود می‌باشد. این دو آیه کوتاه که بی‌ارتباط با آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره‌ی اسراء (۱۷) نیست، می‌تواند مقدمه و پیش‌درآمدی از آیات مفصل سوره‌های مدنی و تذکر و تعلیم‌های مکرری باشد که در روابط و درگیری‌های جنگی مکه و همدستان یهودی آنها خواهیم دید.

آیات ۲۳ تا ۲۵ و همچنین آیات بعدی ۳۱، ۳۲ و ۳۵ توضیح و تفصیل آیات قبلی ۶ تا ۹ و توجیه یا تقلیل استنکاف و لجاج مشرکین و منکرین می‌باشد که در سال‌های ابتدای بعثت اشاره‌های کوتاه شده بود و اینک به‌طور وضوح اولاً: انگشت روی هواپرستی و گمراهی فکری این افراد گذشته می‌شود که پرده بر چشم‌های خود می‌اندازند و محروم از هدایت خدا می‌شوند. ثانیاً: همان‌طور که امروزه هم استدلال دهریون و مادیون مدعی پیروی از دانش و بینش می‌باشد (و نشان می‌دهد که پیش‌بینی واقع‌بینانه و ظاهراً مایوس‌کننده‌ی قرآن بجا بوده است)، بدون آنکه شاهد عینی و علمی داشته باشند ادعا می‌کنند که جز روزگار و طبیعت آفریننده و گرداننده‌ی دیگری در دنیا وجود ندارد. درحالی که خود طبیعت و مظاهر و نیروها و پدیده‌های آن، اراده و اختیاری نداشته مخلوق و معلول‌اند و از قوانین و جریان‌های حاکم بر جهان تبعیت می‌کنند. وقتی هم که بی‌پایگی استدلال و ادعایشان آشکار می‌گردد، بهانه می‌آورند که اگر قیامت و آخرت راست است، مردگان گذشته و پدران به‌خاک‌رفته‌ی ما را زنده کنید. آخرین پناهگاهشان و علت اصلی لجاج و انکارشان این است که نمی‌خواهند اخبار و آیات خدا را جدی بگیرند و به چهار روزه‌ی جوانی و دنیای گذران خود اکتفا و اعتماد می‌نمایند.

آیات کفرورزی در سال نهم بعثت (ردیف ۶۰، شامل ۱۰ آیه با ۱۲۸ کلمه)

در سال نهم بعثت آیاتی از سوره‌ی اسراء (۱۷) را داریم که تعقیب و توضیح بیشتر آیات سال هشتم همین سوره و سوره‌های جائیه (۴۵) و مؤمن (۴۰) می‌باشد. آیاتی که راه‌های فرار مشرکین و کفرورزان و تصمیم آنان به انکار وحی و آخرت را روشن می‌نماید. تا آنجا که حتی حاضر می‌شوند من باب احتیاط هم که شده، حقایق و اخبار و احکام اعلام شده از طرف فرستادگان خدا را بپذیرند. در حالی که رسم عادی و روشن عمومی در امور زندگی و حتی علمی، اتخاذ جهت مصلحت و محتمل می‌باشد.

۶۰ سال نهم بعثت، سوره اسراء (۱۷)، شماره نزول ۱۲۱ (۱۰ آیه با ۱۲۸ کلمه)
آیات جدول در صفحه بعد، مخصوصاً آیات ۸۹ تا ۹۳ که شکافته‌تر از آیات مشابه جداول گذشته است و آخرین ایرادها و مشکلات و بهانه‌های عقلی و استدلالی ظاهراً حق به‌جانب کفرورزان را بیان می‌کند، این سؤال را برمی‌انگیزد که منظور خدا یا قرآن از چنین بازگویی‌ها که حالت گزارش به خود و حدیث نفس را برای پیغمبر دارد، چیست؟:

- ۱) آیا برای توصیف کفرورزی انسان‌بینی قرآن است تا رسول خدا با شناخت و قدرت بیشتر به ادامه دعوت پرداخته و دلایل مؤثرتر و تازه به صحنه آورد؟
- ۲) آیا برای متقاعد ساختن او به بی‌فایده‌بودن اصرار و استدلال با مشرکین است که کم و بیش در آن افتاده‌اند؟
- ۳) آیا توصیف توییحی برای ملامت و تنبیه کفرورزان لجوج است که شخصاً به راه انصاف و ایمان برگردند؟
- ۴) آیا برای ثبت این پیش‌گویی در تاریخ است که وقتی می‌بینیم در مکتب ابژکتیویسم آن نظریه و حقیقتی را «علمی» و قابل اعتماد می‌دانند که مبتنی بر احساس

۲۴۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
 ملموس و تجربه مشهود باشد یا در کلام بوخنز می خوانیم که هر وقت خدا را در زیر
 چاقوی جراحی دیدم، به او ایمان می آورم، اعلام معجزه برای قرآن بنماییم؟

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۸۲	وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا.	و از آیات و مطالب قرآن چیزهایی نازل کردیم که برای مؤمنین شفا و رحمت است ولی بر کافرین جز خسارت نمی افزاید.
۸۳	وَإِذَا أَعْمَنَّا عَلَيَّ الْإِنْسَانَ أَعْزَضَ وَتَأَيَّ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا.	و چون به آدمی نعمت می رسانیم و بهره مندش می کنیم، اعراض کرده و به طرف خود روانه می شود (جانب دلخواه خود را گرفته نه پیش می آید و نه پشت می کند) و چون گرفتار می شود یأس و ناامیدی نشان می دهد.
۸۴	قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلِيهِ فَرِيكُمُ أَغْلَمُ بَعَنٌ هُوَ أَهْدِي سَبِيلًا.	بگو هر کس بر حسب ساختار و شکل خود عمل می نماید و پروردگار شما بهتر می داند چه کسی راه بهتری برگزیده است.
۸۹	وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا.	و به تحقیق در این قرآن برای مردم از هر گونه مثل و داستان تکرار کردیم، ولی بیشتر مردم ابا و امتناع ورزیده، جز کفران و کفر چیزی اختیار نکردند.
۹۰	وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَنْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا.	و گفتند به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه برای ما از زمین چشمه آبی در بیاوری.
۹۱	أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّجِيلٍ وَعَجَبٌ فَتَنْجِرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَنْجِيرًا.	یا آنکه باغستانی از خرما و انگور داشته باشی که از میان آن نهرهایی روان سازی.
۹۲	أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بَالِهٍ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا.	یا آن چنان که گمان و ادعا کرده ای برای ما آسمان را قطعه قطعه کرده پایین بیاوری یا خدا و فرشتگان را جلوی ما حاضر کنی.
۹۳	أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُرْحٍ أَوْ تَرْفِي فِي السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُؤْيَاكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا.	یا تو را خانه ای از طلا باشد یا در آسمان صعود کنی بالا رفتن را باور نمی کنیم مگر آنکه از آنجا کتابی پایین بیاوری بخوانیم؛ جواب بده که پروردگارم منزله باد آیا من جز یک بشر رسول هستم؟
۹۴	وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا.	و چیزی مانع از ایمان آوردن مردم نشد، وقتی هدایت برایشان آمد جز آنکه گفتند آیا (ممکن است) خدا بشری را به عنوان رسول مبعوث و مأمور کرده باشد؟
۹۸	ذَٰلِكَ جَزَاءُ هُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَاتًا إِيَّاكُمْ لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا.	جزا و پاداش آنان در اثر کفر ورزیدنشان به آیات ما چنین است و گفتند پس از آنکه استخوان ریزریز شدیم آیا (ممکن است) در خلقت و هیبت تازه ای برانگیخته شویم؟

۱. درحالی که همان دانش و دانشمندان حتی در علوم تجربی فیزیک و شیمی و زیست شناسی صدها تعریف و اصل و قانون علمی وضع می نمایند و می پذیرند (مانند حوزه الکتریسته، جاذبه، موج، الکترون، ژنتیک، وراثت، میل ترکیبی و فرمول بندی های مواد شیمیایی و غیره) که چیزی جز استنتاج از آثار و فرض یا اشباح و سایه های واقعیات تجربی و تصویری نمی باشد، بدون آنکه مستقیماً و محسوساً در معرض دیدار و اندازه گیری و آزمایش در آمده باشد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۴۱

و یا آنکه مقدمه‌ای برای رسیدن به این آیه و اعلامیه بوده است:

«وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ
بَشَرًا رَسُولًا.» (اسراء (۱۷) / ۹۴)

تازه این آیه و آیات ۸۲ تا ۸۴ تأیید و تثبیت این مسئله است که کفرورزی و ایمان‌گرایی - همان‌طور که در بخش بعدی کفرزدایی مورد بحث قرار خواهد گرفت - وابستگی تام و تمام، یا لاقفل مقدماتی و ریشه‌ای به سرشت و ساخت انسان آن‌طور که آفریننده و گرداننده‌ی همگان خواسته و پرداخته است، دارد. اصرار بر این ورزیده می‌شود که کفر و ایمان در مراحل ابتدایی و نهایی خود با خدا بوده و هر اندیشه و اقدام باید از این راه صورت گیرد. بردباری و پایداری و پرکاری یا صبر جمیل لازم است و نه تعجیل و تحمیل، آن‌چنان که عادت و انتظار بشری است و راه و رسم مدعیان خیالی هدایت و خدمت می‌باشد.

آیات ۸۲ تا ۸۴ برای مطالب اصولی بعدی زمینه‌سازی کرده و پیشاپیش اعلام می‌دارد که قرآن اگر برای ایمان‌آوران و ایمان‌گرایان داروی شفابخش نادانی و گمراهی و تباهی است، ستم‌پیشگان پویای بدی و ناحق را بیش از پیش به خسارت و زیان می‌کشاند و چنین نیست که اگر آدمی مشمول نعمت و خیر گردد، معترف و ممنون خدا شود و اگر گرفتاری و محرومیت را آزمایش کند، متنبه و مصمم به راه درست گردیده نعمت و آسایش برای او وسیله‌ی بیداری و امیدواری خواهد شد. بلکه مأیوس از خود و از برنامه‌های آفرینش می‌شود. در حقیقت منشاء و محرک انسان در هدف‌گیری فکری و اعمال و واکنش‌هایش همان ساختار یا شکل و ترکیب وجودی او بوده، خدای سازنده و گرداننده‌ی انسان‌ها بهتر می‌داند که چه کسی چه راهی را در پیش خواهد گرفت.

گروه آیات ۸۹ به دنبال آیاتی از سوره اسراء (۱۷) آمده است که از یک طرف اصالت وحی و منشأ الهی و انحصاری قرآن را یادآوری می‌نماید، و از طرف دیگر ناتوانی قاطع انس و جن را از آوردن مثل آن اعلام می‌دارد. معذک انسان چنان موجود عجیب و معجونی است که در برابر چنین محصول مکتوب ابا و استنکاف نشان می‌دهد. سپس اضافه می‌کند که اکثر انسان‌ها، انواع مثل‌ها و داستان‌ها را که در قرآن آورده‌ایم، با همه‌ی رسایی و روشنی باطل و بی‌پایه می‌خوانند. دلایل عقلی و شواهد عملی و استفاده‌های طبیعی و تاریخی را کافی و جالب ندانسته، به شدت

سختگیر می‌شوند؛ می‌خواهند پیغمبر نظایر اظهارات و ادعاهایی را که برای خدا و روز جزا یا نبوت خود بیان داشته است، به صورت نمونه‌های دیدنی و دست‌زدنی جلوی چشم آنها حاضر کند یا شخصاً دارا باشد. چشمه‌های آب و باغات میوه‌ی بهشت را در همین دنیا عملی سازد و انفجار آسمان در روز قیامت و حضور خدا و فرشتگان را از هم اکنون تحقق بخشد. چیزی که البته چون پدیده قیامت و آخرت مغایرت تام با پدیده‌ها و جریان‌های این دنیا دارد غیرقابل قبول و تصور انسان می‌باشد. سپس خود را به این حد راضی می‌کند که رسول خدا لااقل صاحب خانه‌ی طلایی شده یا به آسمان‌ها پرواز کند و از آنجا کتابی برایشان فرورستد که شخصاً دریافت داشته و قرائت کنند تا بتوانند به او ایمان بیاورند.

جواب‌شان جز این نمی‌تواند باشد که من تنها مأمور ابلاغ هستم و مانند شما عاجز از انجام این کارها. فقط خدا قادر به چنین اعمال خارج از عادت و قاعده می‌باشد. آن هم هر زمان و هر گونه که خودش مقتضی بداند. بنابراین توقع و انتظار تحقق خواسته‌هایتان را که بهانه برای ایمان آورده‌اید، نداشته باشید.

آیه ۹۴ در یک جمع‌بندی جامع پرسش و پاسخ‌های قبلی را خلاصه کرده و به فرستاده‌ی خدا و به مشمولین رسالت او می‌گوید که مشکل عمده‌ی مردم و مانع اساسی در پذیرفتن انذارها و ابلاغ‌های پیمبران و منشاء خدایی داشتن راستین آنها و امکان چنین امر و مخصوصاً از آدم‌ها به ارتباط با خداست. اشخاصی که کارشان قیاس به نفس است وقتی چیزی را تجربه کرده و خلاف آن را احساس کرده باشند، طبیعی است که به راحتی نپذیرند و راه انکار پیش گیرند و توقع دارند که خود خدا این کار را آن هم به طور یکسان و برای همگان به عهده بگیرد یا لااقل موجودات برتری چون فرشتگان را مأمور این کار نماید. همان‌طور که در دعای ابراهیم و در تعبیر «رَسُولًا مِنْهُمْ»^۱ آیه بعثت آمده است، هم اعجاب و انکار مسئله و هم کرامت و اعجاز آن در همین ارزش داشتن و ارزش دادن به انسان برای ارتقاء او به ارتباط مستقیم با خداست که برای انسان‌های عادی غیرقابل درک و قبول شده است. جواب این اشکال در آیه بعدی آمده است:

«قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنْ

السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا.» (اسراء (۱۷) / ۹۵)

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۴۳

(بگو اگر بنا بود که جایگاه فرشتگان در زمین بوده در آنجا آمد و رفت

می کردند، پیغمبرانشان را از جنس خودشان از آسمان می فرستادیم).

که می‌رساند مشیت خداوند در موجودات صاحب اختیار و مسئولیت (انس و جن)

بر پایه‌ی خودجوشی قرار دارد و چون باز دریافت و درک آن برای افراد بشر مشکل

است، گفته می‌شود که کافی است خدا گواه بر مطلب باشد، خدایی که نسبت به

بندگان خود آگاهی و بینایی دارد:

«قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا.»

(اسراء (۱۷) / ۹۶)

(بگو خدا کافی است که بین من و شما شاهد باشد، همانا که او نسبت

به بندگانش آگاه و بینا است).

آیه ۱۰۰ همین اشکال پذیرش نبوت را در مورد آخرت و امکان حیات مجدد، یا

زنده شدن استخوان‌های پوسیده بیان می‌نماید. آخرت نیز پدیده‌ای است تجربه نشده

و مغایر با همه‌ی پدیده‌های طبیعی دنیا که سیرشان در جهت فرسودگی و فنای

غیرقابل بازگشت می‌باشد. ضمن آنکه عاقبت و نتیجه‌ی طبیعی چنین استنکاف و

انکار در حساب مشیت خدا و روال خلقت، نمی‌تواند چیزی جز زیان و عذاب باشد.

آیات کفرورزی در سال دهم بعثت (چهار ردیف از ۶۱ تا ۶۴، شامل ۴۶ آیه با ۶۷۲ کلمه)

در سال دهم بعثت، به آیات ارشادی و توصیفی کفرورزان همراه با توضیح و تقویت‌های رسول اکرم (ص) برمی‌خوریم که از سال ششم آغاز گردیده است و در سال‌های هشتم و نهم توسعه یافته بود. غالب آنها در حول و حوش تکذیب ناشی از تکبر انکارورزان و مُهرشدن گوش و چشم و دل آنان دور می‌زند. همچنین بهانه‌گیری و توقع و مطالبه معجزات ملموس مخصوص و امتیازات شخصی رسول اکرم و بالاخره اصرار بر انکار رستاخیز و وجود عامل و ارزشی غیر از طبیعت و زندگی دنیای حاضر. به دنبال آیات شکافنده سوره‌های اسراء (۱۷)، مؤمن (۴۰) و جاثیه (۴۵) در سال‌های گذشته، روشنگری و آموزندگی سوره‌های اعراف (۷) و انعام (۶) سال دهم جالب می‌باشد.

چیزی که تازگی دارد، اشاراتی است که به حالت تهدید و تعرضی گرفتن استکباری مدعیان پیغمبران و کفرورزان به عمل می‌آید و همچنین توضیح و تعلیم‌های جدیدی که روشنگر روش و کشش کفرورزان و گنه کاران خواهد آمد.

۶۱) سال دهم بعثت، سوره اعراف (۷)، شماره نزول ۲-۱۲۲ (۱۷ آیه با ۲۴۸ کلمه) تکبرورزی و دچار شدن به عذاب کافرها و مشرکین که در سال‌های گذشته و به‌طور کلی و اصولی یا حضوری آمده بود، اینک در لباس سرگذشت اقوام پیشین مثل زده می‌شود تا بیشتر جایگزین در اذهان گردد. با این تفاوت یا تحول که کفرورزان و سران آن اکتفا به تکذیب نکرده و چون در ایرادگیری و جدال از راه دلایل ظاهراً معقول راه به جایی نبرده‌اند در آیات ۸۸ و ۸۹ گفته شده است که شعیب و گروندگان به او را تهدید کرده‌اند که از قریه اخراج خواهند شد. سپس در آیه ۱۲۷

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۸۸	قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَنَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ.	و آن گروه از اشراف تکبرورز قوم شعیب به او گفتند که ما تو و مردمانی از تو را که ایمان آورده‌اند از قریه خود اخراج می کنیم یا آنکه به کیش و آیین ما برگردید. شعیب گفت حتی اگر ما از این کار اکراه داشته باشیم؟! (باز هم باید برگردیم؟)
۹۰	وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ.	و اشراف و موجهین کافر شده قوم او (مردم را تهدید کرده) گفتند اگر از شعیب پیروی کنید به زیانتان تمام خواهد شد.
۹۴	(وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ.)	(ما هیچ پیغمبری را به قریه و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلبش را به شداید و گرفتاری‌ها دچار ساختیم تا مگر تضرع و ابراز کوچکی و ناتوانی کنند.)
۹۵	(ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.)	(سپس جای آن گرفتاری و بدی‌ها را به خوشی و آسایش دادیم تا به کلی حال خود را فراموش نموده گفتند: آن سختی و ناراحتی‌ها پدرانمان را گرفتار کرده بود (و ما از آن ایمن هستیم) اما ما آنها را به ناگاه و بدون آنکه توجه و پیش‌بینی بنمایند شدیداً گرفتار کردیم.)
۹۶	(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.	(و اگر مردم قریه‌ها و شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می گرفتند، به یقین درهای فراوانی و برکات آسمان و زمین را بر ایشان می گشودیم)، لکن تکذیب کردند و ما هم به سبب و به وسیله آنچه کسب کرده بودند، دچار عذابشان ساختیم.
۱۰۰	أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّو شَاءَ أَصْبَنَاهُمْ بِدُونِهِمْ وَيَطْبَعُ عَلَي قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ.	آیا خداوند وارثان زمین را که جانشین اهالی (قبلی) آن شدند آگاه نکرده است که اگر بخواهیم آنان را نیز دچار گناهانشان خواهیم کرد و بر دل‌هایشان مهر می‌زنیم و با وجود این گوش (به اندرز و اندازها) نمی‌دهند.
۱۰۱	لَقَرْيَةٍ نَقَصَ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَي قُلُوبِ الْكَافِرِينَ.	اینها هستند قریه‌هایی که ما اخبارشان را بر تو حکایت کردیم و به تحقیق برای همه، رسولان‌شان آیات و بینات آوردند، ولی آماده نبودند که به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان بیاورند. این چنین خداوند بر دل‌های کاران مَهر می‌زند.
۱۲۷	وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ قَالَ سَتَقْتُلُ آبَاءَهُمْ وَتَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ.	سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قوم او را وامی گذاری در زمین فساد و تباهی کنند و تو و خدایانت را رها (انکار) نمایند؟ گفت: به زودی یهود و پسرانشان را اعدام کرده، زن‌هایشان را (برای خدمت‌گزاری و تمتع) زنده نگاه خواهم داشت و بدانید که ما برتر و چیره‌تر بر آنها هستیم.
۱۳۲	وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِن آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ.	و گفتند هر زمان که معجزات برای ما می‌آوری که ما را سحر کنی بدان که ما به تو ایمان آور نیستیم.
۱۳۳	(فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَالدَّمَ مُفَصَّلَاتٍ) فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ.	(پس بر آنها آیات و معجزات آشکاری از قبیل طوفان و ملخ و شپشک و وزغ و خون فرستادیم) ولی باز راه تکبر و گردن‌کنشی اختیار کردند و قوم نابکاری بودند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۳۴	وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشِفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ.	و چون بلا بر آنها تحقق می‌یافت (یا یافت) به موسی می‌گفتند: از پروردگارت بنا به عهد و پیمانی که بر تو بسته است بخواه که اگر بلا و سختی را از ما برداری حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و حتماً بنی‌اسرائیل را همراه تو خواهیم فرستاد.
۱۳۵	فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ.	ولی همین که بلا را تا رسیدن مهلت خودشان از آنها برمی‌داشتیم (یا برداشتیم) مع‌ذلک نقض عهد می‌کردند.
۱۴۶	سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْعَذَابِ أَعْيَتْهُمُ أَلْفَاظُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	من به‌زودی کسانی را که در زمین به ناحق بزرگی می‌فروشدند و خود را بزرگ می‌گیرند، از آیات خودم روگردان خواهم کرد، به‌طوری که هر آیه و معجزه و نشانه ببینند به آن ایمان نمی‌آورند و اگر طریق رشد و هدایت ببینند، آن راه خود اختیار نمی‌کنند ولی اگر راه جهل و گمراهی ببینند آن را اختیار می‌نمایند. این کجروی از آنجا ناشی می‌شود که آیات و نشانه‌های ما را تکذیب کردند و از آنها غافل ماندند.
۱۴۷	وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند (یا بکنند) اعمالشان تباه و بیهوده است (باشد) آیا مردم پاداش و بهره‌ای جز از آنچه عمل می‌کردند دریافت می‌دارند؟
۱۷۷	سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ.	بد است داستان یا سرگذشت قومی که تکذیب آیات ما را کردند در حالی که به خویشان بد می‌کردند.
۱۷۸	(مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَا تِلْكَ لَهُمُ الْخَاسِرُونَ.)	(هر کس را که خدا راهنمایی کند پس او همان کسی است که هدایت یافته است و کسانی را که گمراه کند همان‌ها زیانکاران‌اند).
۱۷۹	وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحِبَّتِهِمْ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.	و به تحقیق بسیاری از جن و انس را در جهنم پراکنده کردیم، اینها دل‌هایی دارند که به وسیله آن تفقه و ادراک نمی‌نمایند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی برایشان هست که بدان وسیله استماع نمی‌نمایند. اینها همچون چارپایانند بلکه گمراه‌تر و همین‌ها غافل‌ها هستند.
۱۸۲	وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ.	و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، زود باشد که آنان را از جایی که نمی‌دانند پایشان می‌آوریم (یا آنها را تدریجاً دچار عذاب می‌کنیم).
۱۸۳	وَأُمْلِي لَهُمْ إِن كِيدِي مَتِينٌ.	و به آنها مهلت می‌دهیم، بدان که نقشه و دام من سخت و استوار است.
۱۸۶	مَنْ يُضِلِلْ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ.	هر که را خدا گمراه می‌کند راه‌نمایی برای او نیست و آنها را در سرکشی خود و در حیرت و بی‌تکلیفی وا می‌گذاریم.
۲۰۶	(إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَهُمْ لَا يَسْجُدُونَ.)	(همانا کسانی که نزد پروردگارت جا دارند هیچ‌گاه نسبت به بندگی کردن او تکبر نمی‌ورزند بلکه او را تسبیح نموده برایش سجده می‌کنند.)

اشاره به تحریک اشراف مصر علیه موسی و بنی اسرائیل به عمل آمده تصمیم فرعون به کشتن اولاد ذکور آنها و وادار کردنشان به تسلیم از راه قهر و زور علنی می‌شود. از چنین تهدید و تصمیم کفرورزان علیه پیغمبران و ایمان‌آوردگان چیزی در داستان‌های سال‌های قبل امت‌های قدیم نیامده و به ذکر اعراض آنها و استهزاء و اتهام‌ها یا استدلال‌های جدلی اکتفا شده بود. فقط زمینه‌سازی‌ها و اشارات معدود و خفیفی داشتیم که به شرح زیر است:

سال ۴ب، ردیف ۳۱، سوره دخان (۴۴)/۲۰: «وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُون.»

۲۱: «وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزَلُون.»

سال ۴ب، ردیف ۳۳، سوره نوح (۷۱)/۲۲: «وَمَكْرُوا مَكْرًا كَبِيرًا.»

۲۳: «وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا

سُوَاعًا»

سال ۴ب، ردیف ۳۵، سوره طه (۲۰)/۱۶: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ

هَوَاهُ فَتَرْدِي.»

سال ۴ب، ردیف ۵۰، سوره فرقان (۲۵)/۳۱: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ

الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا.»

سال ۴ب، ردیف ۵۶، سوره اسراء (۱۷)/۴۶: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ

وَلَوْ أَنَّ عَلَيَّ أَدْبَارُهُمْ لَفُورًا.»

سال ۴ب، ردیف ۵۷، سوره مؤمن (۴۰)/۵: «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ

جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ»

بعید نیست که این گزارش‌ها از وضع گذشتگان برای آماده کردن رسول اکرم و مؤمنین به آزارها و تهدیدها و شکنجه‌ها و حتی به جنگ‌های آینده باشد. ضمناً این سؤال پیش می‌آید که آیا قصد آزارها و قتل پیغمبر گرامی و مزاحمت‌ها و شکنجه‌های امثال بلال و سُمیّه و غیره بعد از این تاریخ، و یادآوری رفتارهای امم گذشته بوده است یا مقارن آن و کمی جلوتر آغاز گردیده و لازم شده است که به عنوان سابقه و برای تقویت روحی و مقاومت، نمونه‌ها و نظایری از گذشته خاطر نشان شود.

در هر سه آیه، تهدیدکننده، اشراف و درباریان هستند که در یک جا با صفت «اسْتَكْبَرُوا» از آنها یاد می‌شود و در جای دیگر فعل «كَفَرُوا» آمده است. در هر حال

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۴۹
متوسل شدن به خشونت و قتل و به قهر و قدرت، حربه‌ای است که پس از کُندشدن
حربه‌های اِعراض و استهزاء و اتهام و جدل به کار برده شده است. چنین طرز برخورد
و رفتار، متداول همه‌ی متکبرین زورمند است که خارج از خود و بالاتر از خود،
نسبت به حق و حقیقت اعتقاد و اطاعت ندارند و همان‌طوری که در آیات ۱۴۶ و
۱۴۷ آمده است، ارائه آیات خدا و راه‌های رشد و ارتقاء از طرف پیغمبر یا هر
شخص دیگر به آنها، باعث ایمان آوردنشان نمی‌شود. به راحتی راه‌های فریب نفس و
گمراهی را اتخاذ می‌نمایند که رضایت شخصی و دنیایشان را تأمین سازد. و چون
اساس خلقت و زندگی بر مبنای اراده و آیات خدا می‌گردد و محصول و مکتسب
اعمال شخص بوده و سیر عمومی جهان و انسان در جهت آخرت می‌باشد، و فعالیت
و زحمات چنین اشخاص نمی‌تواند به نتیجه‌ی مثبت و منطبق با مدار خلقت برسد،
ناچار پاداش و بهره‌ای نصیبشان نخواهد گشت.

مجموعه این آیات که در تعقیب و تکرار آیات کفرورزان در سال‌های نهم و
هشتم می‌باشد، نیز حاوی تعلیل بوده و چگونگی و جزای بی‌خاصیتی و بی‌اثری
دعوت انبیاء در مورد کفرورزان مغرور و غافل را بیان می‌کند.

آیات ۱۷۷ تا ۱۷۹ که جای آنها می‌تواند در بخش کفرورزی باشد تا حدودی
همین کار را می‌کند. ضمن آنکه بعد از آیات گزارش‌گرانه‌ی دو سه سال اخیر، موقع
آن رسیده است که دو نکته توضیحی تازه اضافه شود: یکی تعبیر «كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ» است و دیگر تشبیه «أَوْلِيَّكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ». نکته اول را که با
تفصیل بیشتر در سال ششم بعثت ردیف ۴۸ دیده بودیم و به شرح زیر است:^۱

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا
وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ.» (روم (۳۰) / ۹)

(آیا پس در زمین گردش و کاوش نکردند تا ببینند سرانجام کسانی که
پس از آنها بودند چگونه شد؟ درحالی که به لحاظ قوَّت سخت‌تر از آنها
بودند و زمین را بیش از آنچه آنها آباد کردند شخم زدند و آباد نمودند

۱. و شاید لازم باشد توجه و تجدیدنظری در ترتیب نزول آنها به عمل آید.

و فرستادگان برایشان دلایل آشکار آوردند، پس خداوند نبود که به آنها ظلم کرد و لکن خودشان بودند که به خویشتن ظلم می کردند.

از یک سو هشدار دلسوزانه‌ای است به منکرین سرسخت رسالت و از سوی دیگر به رسول اکرم گوشزد می شود که زیاد ملول و متعجب نگردد. زیرا که بیش از هر کس خودشان از این رهگذر زیان می برند. در نکته دوم این مطلب دستگیر می شود که چون این افراد، افکار نیروهای تشخیص دهنده و تصمیم گیرنده‌ی انسانی را به کار نمی اندازند، از چارپایان که فاقد خرد، ولی صاحب غریزه هستند، محروم تر و گمراه تر می شوند.

پیغمبر خدا که مأمور و مشغول سر و کله زدن با مشرکین و منکرین و هدایت انسان‌ها بوده است، بیش از هر کس احتیاج به چنین تحلیل و تعلیل‌ها داشته است. باز این پرسش پیش می آید که پس تکلیف و سرانجام تکذیب کنندگان در این دنیا چه می شود و چگونه است که دیده می شود، بسیاری از آنها علی‌رغم خطا و زیان کاری خود راحت و آسوده راه می روند و زندگی می کنند؟ جواب این دو سؤال را تا اندازه‌ای در آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۶ می یابیم. اولاً: بدون آنکه بفهمند و درک کنند، در تنزل و بدیاری تدریجی هستند. ثانیاً: مهلت داشتن و ادامه دادن روش و رفتار بدشان را نباید نشانه‌ی غفلت خدا یا پاداش و توفیق‌شان گرفت. نقشه خلقت و دنیای آدمیزاد برخلاف استدلال یا انتظار خیلی از مؤمنین و استفاده‌ی غلطی که منکرین می نمایند، بر آثار و واکنش‌های فوری یا جلوگیری و از بین بردن بدکاران و کفرورزان نیست. لازمه‌ی اختیار و آزادی انسان - چه برای یک فرد، چه برای یک جامعه یا امت و چه برای بشریت و تاریخ - داشتن مدت و مهلت و اجازه یا امکان اجرای خواسته‌ها و گزیده‌های خود، اعم از ثواب و گناه می باشد. خداوند عزیز حکیم منکرین مخالف خود و یاغیان را به حال خود وا می گذارد که سرگردان باشند و بدیهی است افرادی را که این چنین رها و گمراه شده‌اند، نه پیغمبر و نه هیچ راهنما و رهبر دیگر، نمی توانند به راه راست و درست بیاورند.

آیه ۲۰۶ که در پرانتز آورده ایم و آخرین آیه سوره اعراف (۷) می باشد، به عنوان مقایسه و مقابله با کفرورزان متکبر و معارض است و برای خاطر جمعی و اعتماد رسول خدا، به «آنها که نزد خدا هستند» اشاره می شود مانند مشرکین و منکرین بی معرفت، بینوا نیستند و بندگی کردن خدا را برای خود کسر شأن و خفت نمی دانند؛ بلکه او را منزّه و مظهر کمال دانسته به درگاه عظمت و جلالش سجده می نمایند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۵۱
 منظور از حاضرین در آستان خدا را فرشتگان و ارواح پاک دانسته‌اند و ممکن است
 انسان‌هایی که به قرب معرفت و مغفرت خدا رسیده‌اند نیز مشمول آن باشند. اگر
 آدمیزاد را خارج از این جمع بدانیم، اقرار به بی‌حاصلی رسالت شده است.
 با این آیه و بعد از این کمتر از منکرین و استکبار صحبت می‌شود و به نظر
 می‌آید که پرونده‌ی آن بسته می‌شود.

۶۲) سال دهم بعثت، سوره حج (۲۲)، شماره نزول ۱۲۴ (۵ آیه با ۶۳ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴۲	وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَتَمُودُ.	و اگر تو را تکذیب می‌کنند، مسلماً پیش از آنها اقوام نوح و عاد و ثمود نیز تکذیب (پیغمبران خود را) کردند.
۴۳	وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ.	و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط.
۴۴	وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.	و یاران مدین و موسی هم تکذیب شدند (در تمام این موارد) به کفرورزان مهلت دادم و سپس گیرشان انداختم و عجیب بود نتیجه آن کار.
۴۶	أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.	آیا اینها سیروسیاحت در زمین و تاریخ نکردند که برایشان دل‌هایی جهت تعقل کردن باشد یا گوش‌هایی که با آنها بشنوند. اما بدان که چشم‌ها کور نمی‌شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شوند.
۵۲	(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْفِي الشَّيْطَانِ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْفِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.)	(پیش از تو رسولی نفرستادیم مگر اینکه وقتی تلاوت آیات می‌کردند، شیطان در آیات (یا آرزوهای او) القای (شبهه و خلاف) می‌کرد، اما خدا آنچه را که شیطان القا می‌کند، محو و باطل ساخته، سپس آیات خود را محکم و استوار می‌نماید و خداوند علیم و حکیم است.)
۵۳	لِيَجْعَلَ مَا يُلْفِي الشَّيْطَانَ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَئِيدٍ.	القائات شیطان فتنه و آزمایشی است برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری و عیب وجود دارد و کسانی که دل‌ها و عواطف و احساساتشان حالت تحجر پیدا کرده است، همانا که اعراض کنندگان از حق، در شقاوت و دوری از نیک بختی و سعادت قرار دارند.

در آیات جدول فوق مطلب تازه‌ای جز جمع‌بندی تکذیب‌کنندگان، مهلت‌دادن و دچار کردن کفرورزان و استفاده‌نکردن از اقرارهای تشخیص و تصمیم‌گیری انسان دیده نمی‌شود و نفوذ و دخالت شیطان از طریق القای آرزوهای انحرافی در تعلیمات پیغمبران و ایجاد فتنه در بیماردلان و سنگ‌دلان جدا شده از کاروان تکامل که از توصیف‌های گذشته کفرورزان و مکمل توجیه‌های اخیر است. آنچه در آیات ۵۲ و ۵۳ آمده به نظر می‌آید تازگی داشته و ارمغان سال دهم بعثت باشد و راه‌های ارتباطی

شیطان با کفر و کافران را نشان می‌دهد. شیطان از همان مقصد و مسیر آدمیان وارد می‌شود که پیغمبران مأمور به استفاده و برانگیختن آن بوده‌اند. و این تصرف و تمهید اختصاص به پیغمبر و امت آخرالزمان نداشته، بلکه پدیده‌ی ازلی و انسانی و الهی است.

در آیات گروه‌های این سال، در مجموع، خود یک نوع همکاری و تأثیرهای متقابل بین نقش انسان با هدایت خدا و حالت شیطان دیده می‌شود.

مسئله یا معمای هدایت و ضلالت انسان به دست خدا تا حدودی روشن گردیده و چنین در می‌یابیم که دست خدا در این کار است و یک حالت جاری بشری که روی غرض و عداوت یا هوا و هوس یا حب و بغض باشد، نیست بلکه یک عمل و حالت خود شخص است که برطبق قانون‌مندی خلقت یا طبیعت، و مکانیسم خداخواسته و خداساخته، با اراده و عمل خود انسان صورت می‌گیرد. وجود و ذات انسان میدان مناقشه میان خدا و شیطان شده و عامل اختیار و انتخاب، قضاوت‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌ی معرکه می‌گردد. نقش رسول هشدار دادن و بیدار کردن و روشنگری است.

۶۳) سال دهم بعثت، سوره انعام (۶)، شماره نزول ۱۲۵ (۱۷ آیه با ۲۷۰ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴	وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ.	و آیه‌ای از آیات برایشان نمی‌آید، مگر آنکه از آن اعراض می‌کردند (یا می‌کنند).
۵	فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَا بَنِي آدَمَ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	پس به تحقیق هر زمان حقی برایشان می‌آید تکذیب می‌نمودند پس به زودی گزارش‌های آنچه را که استهزا می‌کردند برایشان خواهد آمد.
۶	أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَنْجِرًا مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ.	آیا ندیدید (یا نمی‌دانید) که چقدر از جمعیت‌های مردم پیش از آنها را که در روی زمین امکاناتی بیش از آنچه شما دارید، به آنها داده بودیم، هلاک کردیم در حالی که آسمان (و ابر) را پی در پی بر آنها فرستاده، نهرهایی به رویشان جاری و پس از آن در اثر گناهان هلاکشان ساخته، جمعیت‌ها و گروه‌های دیگری را بعد از آنها آفریدیم.
۷	وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ.	و اگر (به فرض) بر تو نوشته‌ای روی کاغذ نازل کنیم که با دست خود آن را لمس کنند، باز هم کسانی که کافر شده‌اند، خواهند گفت: این چیزی جز جادوی مسلم و آشکار نیست.
۸	وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ.	و گفتند چگونه است (یا چرا) بر او فرشته‌ای نازل نمی‌شود و اگر فرشته‌ای بفرستیم حتماً کار تمام می‌شود و آنها مهلتی نخواهند داشت.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۹	وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَكِنَّا عَلَيْنَهُمْ مَا يَلْبَسُونَ.	و اگر فرشته‌ای را رسول قرار دهیم حتماً او را به صورت آدمی درمی‌آوریم و لباس انسان‌ها را بر تن او می‌کنیم.
۱۰	وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِ مَن قَبْلِكُمْ فَحَقَّ بِالَّذِينَ سَخَّرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	و به یقین رسولان پیش از تو نیز مورد استهزا قرار گرفته و سپس استهزاکنندگان آنان دچار همان (پیامد)‌ها شده که به سخره می‌گرفتند.
۲۵	وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأُولِينَ.	و بعضی از آنها (به این حالت و رشد رسیده‌اند) که گفتار تو را گوش می‌دهند، ولی چنان پرده بر دل‌هایشان نهاده‌ایم که فهم آن را نمی‌کنند و گوش‌هایشان چنان سنگین شده است که هر گونه آیه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند، تا آنجا که وقتی به نزد تو می‌آیند مجادله کرده، کافران‌شان می‌گویند که اینها چیزی جز افسانه‌های اقوام کهن نیست.
۲۶	وَهُمْ يَهْتَوْنَ عَنْهُ وَيَبْأُونَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ.	اینان هم مردم را از آن (آیات) باز می‌دارند و هم خود را محروم می‌کنند، درحالی که اِشعار نداشته و جز خودشان دیگری را به هلاک نمی‌اندازند.
۲۹	وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمُعْضُوذِينَ.	و گفتند خارج از زندگی دنیا چیزی وجود ندارد و ما برانگیخته شونده نیستیم.
۳۳	قَدْ عَلِمْنَا أَنَّهُ لِيَحْزَنَكَ الَّذِي يَكْفُرُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكذِبُونَكَ وَلَكِن الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَحْجِدُونَ.	کاملاً می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را محزون و افسرده می‌کند، ولی بدان که تکذیب شخص تو را نمی‌کنند، بلکه کفرورزان آیات خدا را انکار می‌نمایند.
۳۴	(وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرًا عَلَيَّ مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرًا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ).	(و به تحقیق پیغمبران پیش از تو نیز تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب می‌شدند شکیبایی و تحمل کردند تا بالاخره نصرت و یاری ما شامل حالشان گردید و هیچ گاه کلمات خدا تغییرپذیر نیست کما آنکه اخبار پیغمبران برایت رسیده است).
۳۵	وَإِنْ كَانَ كِبَرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ (وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونُ مِنَ الْجَاهِلِينَ).	و اگر اعراض و انکار آنان بر تو سخت می‌آید اگر بتوانی سوراخ و نقبی در زمین بزنی یا نزدبان در آسمان برافرازی تا آیه‌ای برایشان بیاوری (باز هم ایمان نخواهند آورد) (اگر خدا می‌خواست همه اینها را برایت سوی خود گردآوری می‌کرد، مبادا از نادانان باشی) اصرار نوری که طبق خواسته و یا امکانات و قدرت خود همه کفرورزان را مؤمن نمایی.
۴۳	فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	پس چه شد که وقتی بلا و مصیبت ما به آنها رسید به تضرع و تمکین نیفتادند؛ بلکه دل‌هاشان سنگ شد و شیطان اعمالشان را زیبا جلوه داد (یعنی تصور نکن فرستادن آیه و عذاب فایده و اثر داشته باشد).
۴۶	(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَحَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ).	(بگو چه نظر دارید که اگر خداوند گوش و چشم شما را بگیرد و مهر بر دل‌هایتان بزند؟ آیا غیر از خدا کسی هست که آنها را به شما پس بدهد؟ حال ببین چگونه ما آیات را به زبان‌های مختلف برایشان بیان می‌کنیم و باز روی می‌گردانند (یعنی استدلال و منطق هم در آنها مؤثر نمی‌شود).

۱. آیات ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۸ و ۷۰ که در اینجا آمده است متعلق به گروه ب، سوره انعام (۶) می‌باشد که بر طبق جدول ۱۵ در سال ۶ هـ نازل شده است ولی به مناسبت تشابه موضوع و محتوا در اینجا آوردم.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۵۰	﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾	(بگو من برای شما ادعا نمی‌کنم که گنج‌های نعمت و قدرت خدا در نزد من است، غیب هم نمی‌دانم، این را هم نمی‌گویم که فرشته‌ام، جز آنکه از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی می‌نمایم آنگاه از آنها بپرس که آیا کور و بینا یکسان‌اند؟ پس چرا اندیشه و تعقل نمی‌کنید؟)
۵۸	﴿قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ﴾	(بگو اگر وعده عذاب یا آیه‌ای که تعجیل در آن می‌نمایید نزد من می‌بود کار میان من و شما تمام می‌شد در حالی که خداوند بهتر از هر کس نسبت به ناحق‌طلبان آگاهی دارد و مهلت و امکان برای تفکر و توبه شما باقی نمی‌ماند.)
۷۰	﴿وَدَرَّ الَّذِينَ آتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَبَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَن يُسْئَلْ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ بِهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾	کسانی که دین خود را بازیچه و بیهوده گرفته‌اند و زندگی مغرورشان ساخته است، به حال خود واگذار؛ همین قدر به آنان تذکر بده که هر کس در گرو مکتوبات خود گشته، غیر از خدا سرپرست و حمایت‌کننده و شفیع نخواهد داشت و برای نجات خود فدیة و جایگزین از آنها پذیرفته نخواهد گشت. چنین افراد با آنچه به دست آورده‌اند به هلاکت می‌رسند و برایشان مشروب سوزان و عذاب دردناک مهیا خواهد بود که نتیجه و محصول کفرورزشان می‌باشد.
۱۰۹	﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعُرُكُمْ أَهْلِهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾	و با سخت‌ترین قسم به خدا سوگند خوردند، که اگر آیه‌ای برایشان برسد، حتماً بدان ایمان خواهند آورد، جواب بده که آیات در نزد خدا است و از ناحیه خدا است و از ناحیه ما دستور نازل می‌شود، ولی از کجا می‌دانید که اگر برسد باز هم ایمان نیاورند.
۱۱۰	﴿وَقَلْبٌ أَفْتَدِيَهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أُولَئِكَ مَرَّةً وَنَدْرَهُمْ فِي طَغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾	و ما دل و دیده‌های آنان را برمی‌گردانیم کما آنکه بار اول هم ایمان نیاوردند و به حال خود وا می‌گذاریم که در سرکشی و طغیان خود سرگردان باشند.
۱۱۱	﴿وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا يَؤْمِنُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ﴾	و اگر آن‌طور که اینها بهانه می‌آوردند، ما فرشتگان را بر آنها نازل بکنیم و مرده‌ها (برای اثبات حیات بعد از مرگ) با آنها صحبت کنند و پیشاپیش (روز قیامت) همه چیز را به خاطر آنها محشور کنیم و گرد آوریم، باز هم تا خدا نخواهد امکان ایمان آوردنشان نیست (این یک واقعیت و حقیقت است) و لکن اکثر آنان نسبت به آن جاهل‌اند.
۱۱۲	﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾	و این چنین ما برای هر پیغمبری از شیطان‌های انس و جن دشمنانی قرار دادیم که سخنان زیبایی فریبنده به یکدیگر القا نمایند و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنها را با دروغ‌هایی که می‌بافند به حال خود وا بگذار.

آیات سوره انعام (۶)، در زمینه سرسختی و بهانه‌گیری‌های کفرورزان، که مخاطب آن مانند سوره حج (۲۲) شخص رسول اکرم (ص) می‌باشد، تفصیل و تصریح‌هایی در تکرار و تأیید ردیف‌های گذشته اعراف (۷) و حج (۲۲) دربردارد.

صحبت از این است که:

اولاً: روحیه و روش اعراض و تکذیب و تمسخر یا جدل اختصاص به مشرکین مکه نداشته سنتی است از سابق و پیغمبر خدا نباید ملول و مأیوس گردیده، سستی و شتاب نشان دهد (آیات ۴، ۵، ۱۰، ۳۳، و ۳۴).

ثانیاً: مجهز بودن انسان‌ها به گوش و چشم و دل و مواجه شدنشان با منطق و بیان تو کافی برای پذیرش حرف حق و هدایت نبوده، دیدن عذاب و هلاک هم کسانی را که سرلجاج دارند و سنگدل شده، شش دانگ علم و علاقه‌شان به زندگی شیرین و زیبای دنیا است، وادار به تسلیم و تواضع نمی‌نماید (آیات ۲۵، ۲۹، ۴۳، ۴۶، ۱۰۹، ۱۱۰).

ثالثاً: به فرض، و با همه حسن‌نیت و تلاش اگر برای آنها شواهد و نمونه‌های مشهود و ملموس از معجزات دلخواهشان بیاوری و کارهای خارق‌العاده در پیش رویشان انجام دهی آنها را به سحر و جادو تعبیر کرده، نه قانع می‌شوند و نه تو موفق به هدایتشان خواهی گشت (۷، ۳۵، ۱۱۱).

رابعاً: آنها و تو خودت باید بدانید که نه وظیفه‌ای جز انذار و ابلاغ، با تبعیت از وحی و الهام خدا داری، و نه شخصاً با همه حسن‌نیت و تدبیر که بکاربری، قدرت و امکان این را داری که کفرورزان را به خط خدا درآوری؛ مگر آنکه خود خدا بر طبق مشیت و قانونمندی خلقت، از راه تحول و مکتسبات انسان‌ها چنین رشد و تکاملی را برای آنها خواسته و فراهم کرده باشد. تعجیل در قضا و عذاب نیز مهلت و زمان لازم برای تحول و توجه و توبه را زایل خواهد کرد (آیات ۸، ۵۰، ۵۸).

خامساً: در برابر مأموریت و رسالت تو و در برابر مشیت و هدایت خدا، شبهه‌ها و القاهای شیاطین انس و جن حایل می‌گردد (آیات ۴۳، ۱۱۲).

سادساً: ایمان آوردن و نیاوردن آنها زبانی به تو و خدا نخواهد زد بلکه سود و زیانش عاید خودشان خواهد شد و هیچ کس نمی‌تواند مانع سرنوشت مقدری که وابستگی به عملشان خواهد داشت شود (آیات ۶، ۱۰، ۶۹ و ۷۰).

شاید این جمع‌بندی آیات و آیات قبل از سال دهم بعثت، روشن‌ترین بیان قرآن در واکنش نفسانی و نهایی کفرورزان علیه استدلال‌های ارایه شده و پذیرش ایمان باشد. از این نوع آیات و اعلام و ارشادهای خلاف انتظار مشابه که در سال‌های ۵ بعثت (سوره یس (۳۶)، ردیف (۴۱)، ۷ بعثت (بقره (۲)، ردیف (۵۴) و ۸ و ۹ بعثت

(اسراء (۱۷)، ردیف‌های ۵۶ و ۶۰) تدریجاً دیده بودیم، دو نکته مهم و ظریف استنباط می‌شود:

۱- ضعف بازدهی تلاش‌های رسول اکرم و اثرگذاری بسیار خفیف روی مشرکین و منکرین.

۲- عدم ابتکار و اختیار پیغمبر در انجام رسالت و محدود بودن او در چارچوب وحی و رهبری خداوند عزیز و حکیم.

این دو نکته در حقیقت از ویژگی‌های نبوت و نشانه‌های اصالت یا الهی بودن رسالت محسوب می‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده است، اگر قرار بود رسول اکرم روی وهم و خیال شخصی یا عشق و احساسات، به‌طور ناخودآگاه برمبنای توهم یا تصور و تعقل خود نبوت و رسالتی برای خویشتن قایل شده باشد، هیچ‌گاه تفکر و تلقین‌های مایوسانه قاطع که مزاحم رسالتش می‌باشد، به دل و دماغ خود راه نمی‌داد و مجال‌اندیشی برای مقصد و سیرش نمی‌کرد. همچنین شخص و شخصیت خویش را هیچ‌گاه دست‌بسته نمی‌انگاشت.

اصالت نبوت و ظرافت مسئله همین جا است که رسول اکرم با همه عشق و نبوغی که داشت در انتخاب و اجرای برنامه‌های رسالت بلا دخالت و بی‌اثر بود و مکرر از جانب خدا دریافت تعلیم و تذکر و حتی توبیخ می‌نمود و حیات و حرکتش صرفاً در خط و قالبی بود که فرستنده و سازنده‌اش ترسیم و تثبیت کرده بود.

این احتمال و استنباط نیز قابل ذکر است که هدف و فایده دیگری در نتیجه‌های مکرر قرآن در زمینه بازدهی ضعیف دعوت رسول اکرم و اشکالات قوی که در سر راه ایمان آوردن مشرکین و مکذبین وجود دارد، منظور نظر وحی و مستتر در کلام خدا بوده باشد؛ اینکه ایجاد ایمان صحیح ارزنده و اصیل و اشاعه اسلام مطلوب خدا در میان همه خلایق، کار ساده‌ی سریع و یک‌هوس کودکانه نیست که با یک سال و دو سال دعوت و حتی تمام عمر رسالت پیغمبر انجام شدنی باشد. هم رسول اکرم می‌داند و هم مخصوصاً پیروان آینده او که مشتاق تبلیغ و توسعه دین حق در میان قوم خود و در جهان هستند باید بدانند که چنین برنامه‌ای محتاج گذشت زمان بس دراز ده‌ها و شاید صدها قرن صبر و تلاش طولانی نسل‌های مؤمن متوالی و تجربه و توجه منکرین می‌باشد. نباید تصور و توقع داشته باشند یا عجله و اصرار ورزند که مردم خودی و بیگانه با اکراه و تحمیل و حتی تبلیغ و تسلط در دوران یک رهبر یا

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۵۷
 مبلغ، گردن به اسلام بگذارند. مگر آنکه غرض از توسعه و تبلیغ اسلام شهرت و قدرت برای مقاصد خصوصی یا گروهی بوده باشد.
 دین و ایمانی که خواسته باشند با عجله و تدبیر یا تحمیل و اکراه و بدون آماده شدن و استقبال طبایع و عقول، اشاعه و الزام پیدا کند دین خدا و ایمان به خدا نیست. به حکم «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۱ (که در سال آخر رسالت خواهد آمد) باید گمراهی و کفر در سایه‌ی رشد و پذیرش، پا به پای تجربه و تعلیم و تربیت یا تکامل در اندیشه‌ها و روحیه‌ها، نفوذ و گسترش پیدا کند.

۶۴) سال دهم بعثت، سوره عنکبوت (۲۹)، شماره نزول ۱- ۱۲۶ (۶ آیه با ۹۱ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۳	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَكْفُرُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.	کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند مأیوس شدگان از رحمت ما می‌باشند و برای آنها عذاب دردناکی در پیش است.
۳۷	فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ.	پس از آن (شعیب را) تکذیب کردند و به این ترتیب زلزله سختی آنان را در گرفت و سحرگاه در خانه‌هایشان بی‌جان افتاده بودند.
۳۸	وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَرَبِّينَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ.	و همچنین (سرنوشت) عاد و ثمود که خانه‌های ویران شده‌ی آنان برایتان آشکار است و شیطان اعمالشان را آرایش داده از راه حق بازشان داشت در حالی که هوشیار و بینا شده بودند.
۳۹	وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ.	و (به دنبال آنها) قارون و فرعون و هامان که موسی برایشان بینات آورد؛ ولی خود را در زمین (و کشورشان) بزرگ و بی‌نیاز دیدند (اعراض و انکار کردند) در حالی که بر خدا پیشی نگرفتند (مغلوب و هلاک شدند).
۴۰	فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.	همه این اقوام و اشخاص را گرفتار گناهانشان کردیم. از آن میان کسانی هستند که بر سرشان سنگ ریختیم و بعضی را ضربه و صیحه آسمانی گرفت. برخی را در زمین فرو بردیم و کسانی را غرق کردیم، درحالی که خدا نبود که به آنان ستم روا داشت، بلکه خودشان به خویشان ظلم می‌نمودند.
۴۱	مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ إِتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.	داستان و حال کسانی که برای خود غیر خدا (یا در کنار خدا) سرپرست و یاور گرفتند، شبیه عنکبوت است که خانه و لانه برای خود گرفت؛ درحالی که اگر آگاه باشید، سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است.

۱. بقره (۲) / ۲۵۶: در [پذیرش] دین اکراه [و اجباری] نیست؛ [فقط راه] کمال از [راه] تباهی مشخص شده است؛ ...

موضوعات و نکاتی که در سوره‌های اعراف (۷) و حج (۲۲) و انعام (۶) آمده بود، در اینجا با ذکر مورد و مصداق و بدون آنکه مخاطب خاص داشته باشد، تکرار و توضیح داده می‌شود تا بیشتر مرکوز ذهن پیغمبر و مشرکین و مؤمنین گردد. روی چند مطلب زیر تأیید مجدد به عمل می‌آید:

۱- نقش شیطان و آرایش دادن کارهای کفرورزان و مانع ایمان آوردن آنها شدن.

۲- به کیفر تکذیب و طغیان رسیدن عنادورزان و مستکبرین، با ذکر بعضی از آنها که حالت جمع‌بندی و خلاصه‌گیری دارد.

۳- خدا قصد ظلم و آزار انسان‌ها را نداشته و ندارد؛ بلکه خود آنها با اعمالشان باعث هلاکت خویش شده و می‌شوند.

۴- معجزات و بلا و تعیین وقت عذاب به دست خدا است.

ضمناً سه بیان یا سه استناد تازه در این سوره آمده است که قابل تأمل می‌باشد:

۱- تشبیه مأوا و مکتبی که پرستندگان غیرخدا برای خدا اتخاذ کرده‌اند به لانه‌ی لرزان بی‌پناه و سست بنیان عنکبوت که از تارهای نازک و آویخته در هوا درست شده است.

۲- معجزه و بینه بودن خود قرآن و نزول و تلاوت آن از غیر طریق‌های بشری و دخالت شخص پیغمبر.

۳- امنیت و مصونیت شهر و حرم مکه (چیزی شبیه آنچه در سوره قریش (۱۰۶) سال ۲ ب آمده بود

آیات کفرورزی در سال یازدهم بعثت (پنج ردیف از ۶۵ تا ۶۹، شامل ۴۱ آیه با ۵۸۹ کلمه)

آیات کفرورزی سال یازدهم با گروه ۲-۱۲۶ سوره عنکبوت (۲۹) شروع می‌شود که دنباله گروه ۱-۱۲۶ همان سوره است و قبلاً در پایان سال دهم مورد بررسی قرار گرفته بود و با گروه ۱-۱۳۰ سوره قصص (۲۸) ختم می‌شود که دنباله‌ی آن تا شماره نزول ۲-۱۳۰ به حساب سال دوازدهم باید منظور شود.

(۶۵) سال یازدهم بعثت، سوره عنکبوت (۲۹)، شماره نزول ۲-۱۲۶ (۵ آیه با ۵۴ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴۹	بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ.	(بلکه اینها آیات آشکار روشنی‌است در سینه‌های کسانی که صاحب دانش شده‌اند) و فقط ظالم‌ها هستند که آیات ما را انکار می‌نمایند.
۵۰	وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ.	و گفتند چرا آیه و اعجازی از ناحیه پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو آیات و اعجاز صرفاً در نزد خدا است و من فقط اندازکننده‌ی بدون ابهام هستم.
۵۱	أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.	آیا برای آنها کفایت نمی‌کند که ما بر تو کتاب نازل کردیم که بر آنها خوانده می‌شود؟ به درستی که در این امر حتماً رحمت و یادآوری برای گروه‌هایی است که ایمان نمی‌آورند.
۵۳	وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَأَجَلَ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.	نزد تو برای دریافت و دیدار عذاب ابراز عجله می‌نمایند و اگر چنین نبود که (برای هر رویداد) موعد و سررسید مقرر شده‌ای وجود داشته باشد، حتماً عذاب برایشان می‌آمد، درحالی که اشعار و انتظار آن را نداشته باشند.
۶۷	أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَّخِطُّوا النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَنِعْمَةَ اللَّهِ يَكْفُرُونَ.	آیا نمی‌بینند که چگونه ما حرم (یا مکه) را محل امن قرار دادیم درحالی که مردم در اطراف آن هر دم روبرو می‌شوند؟ آیا باز هم به باطل ایمان می‌آورند و کفران نعمت خدا را می‌کنند؟
۶۸	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ.	و کیست که ستمگر و ظلم پیشه‌تر از نسبت دهنده دروغ به خدا باشد یا وقتی حقی برایش آمد آن را تکذیب نماید؟ آیا جایگاه سزاوار کافران جهنم نیست؟

تعداد آیات کفرورزی سال یازدهم نسبت به سال‌های گذشته و سال دهم سقوط محسوسی می‌نماید و این سقوط یا تقلیل در سال‌های دوازدهم و سیزدهم نیز ادامه خواهد داشت.

تکیه آیات سال یازدهم روی توصیف کفرورزان مستکبر و تعلیل کفرورزی آنان بود که در اثر القائنات شیطانی و دنیاپرستی احساس استغنا از به‌کار انداختن حواس سمعی و بصری و احساسات درونی می‌کنند و اگر مطالبه آیات و بینات از پیغمبران می‌نمایند، من باب بهانه‌جویی و تکذیب بوده و شیطان نفس و خودبزرگ‌بینی و استغنا، همه راه‌های هدایت را به رویشان بسته است و هر دسته و طایفه‌ای خود را به دست خود به ظلال و گرداب هلاکت می‌اندازند. در سوره عنکبوت (۲۹) سستی و بی‌بنیانی پناهگاه و منزلگاه پرستندگان غیرخدا مثل زده شده و برای مشرکین مکه به‌عنوان عبرت، از گذشتگان و ارایه آیه و نعمت خدا از امنیت حرم مکه شاهد مثال آورده می‌شود.

در سال یازدهم برای اولین بار و در برابر مستکبرین از مستضعفین صحبت می‌شود. هم از مستضعفین پیرو کفر و اعراض‌کنندگان از خدا که چگونه مشمول عذاب جهنم خواهند شد، و هم از مستضعفین ایمان آورده به‌خدا که گرفتار اسارت و ظلم مستکبرین گردیده و مشمول منت و نجات خدا و موفق به پیشوایی و حاکمیت در دنیا می‌گردند. از لجاج و احتجاج متمتعین از مال و اولاد ذکری به میان آمده و اشاره به دو مانع یا استدلال آنها برای ادامه کفرورزی می‌شود. یکی تمتع از فراخی و رفاه دنیا و دیگر تعصب و ترس آنان نسبت به سنت‌های دیرینه اجدادی و از دست دادن قدرت و موقعیت زمینی. شاهد مثال و مظهر کامل این روحیه و رویه، فرعون و درباریان او می‌باشد که در برابر دعوت خدا نه تنها به استکبار و استکاف یا اعراض و تکذیب رسولان می‌پردازند، بلکه در ضمن داستان برای اولین بار و برای زمینه‌سازی جنگ و جریان‌های بعد از هجرت، اسارت و آزار خداپرستان و ستیزه و صف‌بندی در برابر آنان، عنوان می‌گردد. شرک در برابر توحید پا از حدود اعراض و استهزاء و اتهام و احتجاج و بهانه‌جویی‌های گوناگون فراتر گذارده و برای دفاع از معتقدات و مقام و متعلقات خود، به مقابله و آزار اهل ایمان می‌پردازند و قصد براندازی و نابودی پیام‌آوران خدا و پیروان آنها را در سر می‌پروراند.

آیات کفرورزی گروه ۲-۱۲۶ سوره عنکبوت (۲۹) را که در جدول ۱۵ سیر تحول

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۶۱
 قرآن به حساب سال یازدهم منظور شده است، در صفحه قبل دیدیم و اینک به
 سوره‌های سبأ (۳۴) و یونس (۱۰) و بخش اول سوره قصص (۲۸) می‌پردازیم.

۶۶ سال یازدهم بعثت، سوره سبأ (۳۴)، شماره نزول ۱۲۷ (۱۰ آیه با ۱۶۴ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۹	وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ.	و می‌گویند اگر راست می‌گویید پس این وعده (عذاب) کی خواهد آمد؟
۳۱	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ.	و کفرورزان گفتند: هرگز به این قرآن و کتاب‌های ما قبل آن ایمان نخواهیم آورد و اگر ببینی (یا می‌دیدی) روزی را که ظالمان بازداشت شده در نزد خدا (چگونه) در حال رد و بدل کردن گفتارها هستند؛ مستضعفین و زیردست شدگان به مستکبرین و بالا دست‌ها می‌گویند؛ اگر شما نبودید ما حتماً جزو مؤمنین قرار داشتیم.
۳۲	قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَادِقَاتُكُمْ عَنِ الْهَدْيِ بَعْدَ إِذِ جَاءَكُمْ بَل كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ.	کسانی که بالا دست و فرمانروا شده‌اند به زیردستان و فرمانبران خود می‌گویند، آیا ما بودیم که وقتی هدایت برایتان آمد مانع شما شدیم یا اینکه خودتان مجرم و بدکار بودید؟
۳۳	وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْطَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	و زیردستان به زبردستان پاسخ می‌دهند که بلی مکر و کارهای شبانه‌روزی شما باعث (کفر ما) شد. آن زمان که ما را وامی‌داشتید به خدای یکتا کفر ورزیده برای او شریک‌هایی بسازیم و چون عذاب را می‌بینند ابراز پشیمانی می‌کنند، در حالی که ما زنجیرهای عذاب را برگردن کفرورزان قرار می‌دهیم و (می‌پرسیم) آیا گرفتاری و رنج شما جزا (نتیجه مستقیم) کارهای خودتان نیست؟
۳۴	وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ.	و در هیچ قریه و آبادی رسول و بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه بهره‌مندان و خوش گذرانان آنها گفتند ما (اصولاً) به آنچه شما مأمور شده و آورده‌اید انکار می‌ورزیم.
۳۵	وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ.	و گفتند (یا استدلالشان این بود) که ما صاحب اموال و اولاد زیادتری هستیم و معذب نخواهیم شد.
۴۰	(وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا تَمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْوَأُءَ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ.)	(و روزی که همه آنها را جمع کرده سپس به فرشتگان می‌گوییم: آیا اینها شما را می‌پرستیدند؟)
۴۱	قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِن دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ مَّبْعُوثُونَ.	می‌گویند: ای خدای پاک و متزه، تو سرور ما هستی نه اینها؛ آنان در حقیقت از جن (و اوهام خود) پیروی و بندگی کرده، بیشترشان به آنها ایمان دارند.
۴۲	(فَالْيَوْمَ نَأْتِي بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا حَرًّا) وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ.	(بنابراین در چنین روزی هیچ کدام از شما مالک سود و زیان برای دیگری نیستید و ما به کسانی که راه ناحق در پیش گرفته، می‌گوییم عذاب آتش جهنمی را که تکذیب می‌کردید بچشید.)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴۳	وَإِذَا تَنَلَّيْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَنبَغُوا قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَنْ مَكَانِ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرٍ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ	و چون آیات روشن ما بر آنان تلاوت شد، گفتند: این شخص کسی نیست جز آنکه قصد باز داشتن شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند داشته و گفتند: این (قرآن و آیات آن) نیز چیزی جز دروغ و بر بافته نیست (و به طور خلاصه یا همچنین) کفورزان وقتی حق برایشان آمد گفتند چیزی جز جادوگری آشکار نیست.
۴۴	وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ	در صورتی که ما نه کتابی که تعلیم بگیرند و نه هشداردهنده‌ای پیش از تو به آنان نداده (یا نفرستاده) بودیم.
۴۵	وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِثْقَالَ مَرْمَازٍ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ	و پیشینیان آنها نیز تکذیب (پیغمبران) کردند در حالی که اینها به لحاظ (قدرت و ثروت) به یک دهم آنچه به آنها داده بودیم، نرسیده‌اند؛ ولی رسولان مرا تکذیب کردند، پس عذاب من چگونه خواهد بود؟

تک آیه ۲۹ تأیید و تکراری از ایرادگیری‌های گذشته‌ی کفورزان می‌باشد که ناشی از روحیه بشری بوده، عدم ارایه و احساس عینی عذاب آخرت یا هلاکت‌های این دنیا را نشانه‌ی عدم واقعیت آنها و نادرستی رسالت می‌شمارند. ایراد و سفسطه‌ای که تقریباً همیشگی و عمومی ساده‌اندیشان و بهانه‌جویان است.

پنج آیه ۳۱ تا ۳۵ باب جدیدی را در بحث کفورزی باز می‌کند. از قیامت و از جدال مابین مستضعفین و مستکبرین پیامی برای کفورزان مستضعف این دنیا و تعلیل کفورزی آنها می‌آورد. مستضعفین یعنی زیردست‌شدگان و محرومین و تبعیت کنندگان جوامع، گناه کافر ماندن خود را برگردن بزرگان و صاحبان قدرت و ثروت (یا توانگران) می‌اندازند که گردانندگان امور و صاحبان اختیار هستند. در حالی که توانگران از خود دفاع کرده و می‌گویند: ما هیچ‌گاه مانع ایمان آوردن و خداپرست شدن شما نشده‌ایم. حرف هیچ یک از اینها به نظر نامعقول نمی‌آید مع‌ذلک مأمورین جهنم عذر هیچ‌کدام را نپذیرفته و هر دو گروه را مشمول عذاب شدید می‌سازند و این عذاب دنباله و نتیجه خودبه‌خودی اعمال دنیایی آنها است نه مانند تعزیر و کیفری که شاهان و دولت‌ها و دستگاه‌های قضایی برای مجرمین تعیین و اجرا می‌نمایند.

شاید به این دلیل عذر زیردست‌شدگان پذیرفته نمی‌شود که قرآن (یا خدا و دستگاه خلقت) قبول ندارند که ناتوانی و ناداری و تنگدستی و گرفتاری بهانه‌ای برای فرار از جستجو و پیروی حق یا فداکاری و فعالیت برای پرستش و اطاعت خدا

باشد. اگر کسی تن به این زحمت و زیان محتمل ندهد خود را محروم از نعمت و نجات کرده و گرفتار سختی و عذاب‌های شدیدتر می‌نماید. راحت‌طلبی و دنیاپرستی که سد راه سلامتی و سعادت یا خداپرستی و آخرت‌اندیشی می‌شود، چه به خواسته و شیوهی مترفین باشد و چه از ناحیهی بیچارگان اعمال گردد در هر دو حال، اسباب کار شیطان است و موجب پریشانی و پشیمانی می‌شود.

ناموس خلقت و رقم زنده‌ی سرنوشت مخلوق، برخلاف آنچه معمول بعضی از مادران یا داعیان طرفداری از رنجبران و محرومین است، به هیچ انسان اجازه عزیزدردانگی و نترمنشی یا مظلوم‌نمایی را نمی‌دهد و همچنین فرار از تکلیف و تکلف، مخصوصاً به کار انداختن عقل و تفکر، به بهانه‌ی راحتی و تنبلی را قبول ندارد. همگی متعهد و مسئول‌اند و سازنده سرنوشت خویش می‌باشند.

عذر و دفاع زبردستان نیز پذیرفته نمی‌شود به این دلیل که به گفته مستضعفین، اگرچه به ظاهر و به زبان معمولاً جلوی فرمانبرداران و خدمت‌گزاران خود و طبقات محروم را از اجابت انبیاء و پرستیدن خدای تنها نمی‌گیرند، ولی در عمل و اثر، برنامه‌ی شبانه‌روزی زندگی و فرمانروایی و آقایی آنها یا روابط اجتماعی‌شان چنان است که عده‌ی کثیری را بنده‌ی نیازمند و نوکر فرمانبر و ثناگوی خویش کرده‌اند. تا آنجا که در کنار یا در ورای خدای خالقِ روزی‌رسان و گرداننده‌ی زمین و آسمان، برای بزرگان و توانگران نیز به‌طور نسبی یا محدود و موقت، یک پا قدرت و مقام الوهیت قایل گردند و به این ترتیب یک نوع شرک یا اختلاط و انحراف از توحید در جامعه به وجود آید. از این گذشته چون مترفین و بزرگان حالت پیشوایی به خود داده یا پیدا کرده‌اند، همین که به پیغمبران بگویند که ما چون خوشبختان و ژبدگان صاحب اموال و اولاد (یا نیروی انسانی، اقتصادی و نظامی) هستیم، مشمول عذاب و عقاب خدا نخواهیم شد و به شما رسولان اعتماد و اعتقاد نداریم و زبردستان بی‌استقلال و پیروان بی‌اراده نیز همان را می‌گویند و بنابراین آگاهانه و ناآگاهانه موجب و مسئول انکار و عصیان مستضعفین می‌شوند.

مجاوره و مجادله‌ی دو دسته فوق قابل تشبیه و تعمیم به بسیاری از مسایل و اختلافات طبقاتی و جوامع بشری گذشته و امروزی می‌باشد. روح دشمنی و انتقامی که در قرون اخیر علیه اشراف سرمایه‌داری و سرمایه‌داران رواج گرفته است از همین جا ناشی می‌شود. ضمن آنکه دیالکتیک مارکس در عین آنکه رنجبران و

مزدوران را مظلومان بی تقصیر اعلام می‌نماید، به آنان تکلیف انتقام و عصیان و انقلاب می‌نماید و مسئول و متعهدشان شمرده از راه تبلیغ و به شکل قیام و خونریزی به اصلاح جامعه می‌پردازد. در حالی که منطق قرآن این نیست و می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱

و انقلاب از خود و در خود را توصیه می‌نماید و به کسانی وعده رستگاری و نجات از گرفتاری و پشیمانی می‌دهد که مصداق «أَلَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۲ باشند.

شش آیه آخری ۴۰ تا ۴۵ پیام دیگری از آن دنیا برای انداز مشرکین و آگاهی رسول خدا و مؤمنین می‌آورد که با زبان حال فرشتگان آغاز می‌شود. ضمن آنکه پای جن و پیروی و پرستیدن آنان را در میان می‌آورد و علت دیگری از کفر و زنی را مطرح می‌سازد: ترس از دست دادن معتقدات پدران و فرهنگ موروثی گذشتگان.

از آنجا که انسان متحیر و مختار نمی‌تواند بدون معبود و معشوق یا هدف و مطلوب منتخبی زندگی نماید و اگر خدا را نمی‌پرستیده بتی را به جای خدا یا در کنار خدا بندگی می‌کرده است، در این آیات که برای اولین بار صحبت از پرستش ملائکه و جن به میان آمده است، وارد یک مرحله‌ی پیشرفته از بت پرستی یا اغوای شیطان در برابر عبادت خدا می‌شویم. پرستش جن می‌تواند ایجاد آمال و اهداف یا برنامه‌هایی باشد که انسان‌ها روی او هام و تخیلات و تمایلات خودخواسته ساخته‌اند. و چون تصور می‌کنند مطلوب و منطقتشان علمی و معقول می‌باشد، با رسالت انبیاء و ایمان به خدا مخالفت ورزیده و قصد پیغمبر را در افتادن با آیین‌ها و آداب کهن خود اعلام می‌دارند و توجیهشان در برابر نفوذ کلام و منطق او در دروغ‌سازی و جادوگری می‌شود. در حالی که از ناحیه‌ی خداوند، نه کتابی برای آنها فرستاده شده است که آموزش اصیل و صحیحی کسب نموده باشند و نه پیغمبر و انداز دهنده‌ای نزدشان آمده است.

گفت‌وشنود با فرشتگان را که اجمالاً در آیات ۴۰ و ۴۱ به آن اشاره شده است، شاید بتوان چنین تعبیر و توجیه کرد:

۱. رعد (۱۳) / ۱۱: ... خدا وضع هیچ گروهی را تغییر نخواهد داد تا آنگاه که آنچه در ضمیر خود دارند تغییر دهند؛ ...

۲. عصر (۱۰۳) / ۳: مگر مؤمنان نیکوکار که یکدیگر را به رعایت حق و شکیبایی توصیه کردند.

گروهی از کفرورزان دوران‌های جدید، با رشد و تحولی که در علوم و افکار بشر نسبت به دوران‌های پرستش اجسام و مظاهر طبیعت حاصل شده است، به علل و یادی طبیعت یا مظاهر خلقت روی آورده‌اند. ولی در واقع امر در اثر ناپختگی طبایع و نارسایی دید و دانششان به جای آفریننده‌ی جهان، به مجریان اراده‌ی او و فرشتگانی که مظاهر مشیت خدا هستند، و به پیروی از تصورات ناقص و تمایلات و تخیلات خود، رو به نیروهای گرداننده‌ی طبیعت و انرژی‌های محرک و مؤثر برده‌اند. قرآن ماده‌ی آفرینش جن‌ها را، در برابر انس و انسان که از خاک و اجسام است، از آتش می‌داند!

۶۷) سال یازدهم بعثت، سوره یونس (۱۰)، شماره نزول ۱۲۸ (۱۲ آیه با ۱۵۶ کلمه) برای چندمین بار با برجسته‌کردن فرعون و درباریان به‌عنوان مظاهر کبریا و برتری‌جویی، صحبت از معاصرین و منکرین پیغمبران گذشته به‌عمل می‌آید که چگونه، علی‌رغم بینات و اتمام حجت‌ها، از قبول حق و حقیقت و از اطاعت خدا روگردان بوده و انواع بهانه‌ها را پیش می‌کشیدند و حتی با فتنه‌انگیزی و تخویف، باعث قلتِ گروندگان به موسی در میان قوم خود او می‌شدند. پایان داستان به ناچار عذاب الیم بوده است. این تفاوت و تازگی نیز وجود دارد که پیغمبری از طرف خدا، با یک دستگاه یا دولت استبدادی روبه‌رو می‌شود و کفرورزی نیز در مشیت استکبار حکومتی و داعیه‌خدایی با او در می‌افتد که قصد ستیزه و براندازی دارد. استثنائاً بر جریان تکراری لجاج و استنکاف کفرورزان در برابر اصرار و استدلال‌های انبیاء از قوم یونس مثال آورده می‌شود که به تعداد زیاد ایمان آورده و مشمول مغفرت و رحمت خدا و بهره‌مندی از زندگی دنیا می‌گردند. پشت سر آن در آیه ۹۹ یادآوری می‌شود که اگر خدا می‌خواست همه اهل زمین مانند قوم یونس می‌شدند، بدون آنکه اکراه و اجبار یا ممانعت صورت گیرد. ایمان، نه از راه اراده آیات و استدلال، نه از راه اجبار و اکراه و نه با تطمیع و تمنا تأمین می‌شود؛ و نه اراده خدا بر عمومی بودن آن و جزء غریزه و طبیعت انسان تعلق گرفته است؛ بلکه روی قانون‌مندی و شرایط و قرارهای خلقت می‌باشد که با کلمه‌ی «اذنِ خدا» تعبیر شده

۱. برای درک بیشتر مطلب به کتاب «ذره بی‌انتها» مراجعه شود.

این کتاب اکنون بخشی از جلد اول مجموعه‌ی آثار است که با نام «مباحث بنیادین» توسط انتشارات قلم (چاپ دوم سال ۱۳۸۹) منتشر شده است (ب.ف.ب).

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷۴	ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَبَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ.	و بعد از (نوح) پیامبرانی را مأمور اقوامشان کردیم که برای آنها معجزات و دلایل روشن آوردند؛ ولی آنان بر آن نبودند به آنچه پیشینیان تکذیب کردند ایمان بیاورند. این چنین ما بر دل‌های سرکشان مهر می‌زنیم.
۷۵	ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ.	باز هم بعد از آنها موسی و هارون را به سوی فرعون و اشراف دولت او برانگیختیم و همراه آیات و نشانه‌های خود مأمور ساختیم، ولی تکبر ورزیدند (مغرور به قوت و دولت خود شدند) و قومی تبهکار بودند.
۷۶	فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ.	چون حق از جانب ما بر ایشان آمد، گفتند: همانا که این یک جادوگری روشن و آشکار است.
۷۷	قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ.	موسی گفت: آیا وقتی حق برایتان می‌آید، می‌گویید، این سحر است. در صورتی که ساحران پیروز و رستگار نمی‌شوند.
۷۸	قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمْ أَلْكَبِرَاءَ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ.	گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از آنچه پدرانمان را بر آن طریقت دیده‌ایم منحرف و منحرف کرده، بزرگی و آقایی در کشور از آن شما باشد؟ ما در هر حال ایمان آور به شما نیستیم.
۸۳	(فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ) عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ.	(پس به موسی ایمان نیاورد جز فرزندان از قوم خودش) آن هم با ترس و نگرانی از فرعون و امثال او که مبادا آنان را گرفتار و اعدام نمایند، و همانا که فرعون در زمین (و دنیای آن روز) برتری و قدرت داشت و به درستی که از اشراف گران و تجاوز کاران بود.
۹۶	إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ.	همانا کسانی که گفتار و اراده پروردگارت بر آنها تحقق یافته است ایمان نمی‌آورند.
۹۷	وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.	اگرچه همه گونه نشانه‌ها و معجزات برایشان بیاوری، مگر آنکه عذاب دردناک را ببینند یا بچشند.
۹۸	فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُّؤْتَسَلَمَاتُ لَمَّا آمَنُوا كَفَتْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ.	پس چرا نباید هیچ قریه‌ای ایمان به خدا آورد تا ایمانش سودبخش گردد، مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند ما عذاب خوارکننده‌ی ذلت‌بار را در زندگی دنیا از آنها برداشتیم و تا مدت و مهلتی (از نعمات دنیا) بهره‌مندشان ساختیم.
۹۹	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ.	و اگر خدا می‌خواستت جمع ساکنین زمین ایمان آورده بودند (با این حال) آیا تو می‌خواهی از راه اکراه و اجبار مردم را وادار به ایمان آوردن بنمایی؟
۱۰۰	وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ.	برای هیچ کس امکان ندارد ایمان آورد، مگر به اذن خدا و قرار و قانون‌مندی او. پلیدی و آلودگی (که باعث کفرورزی می‌شود) بر کسانی قرار داده شده است که تعقل نمی‌نمایند.
۱۰۱	قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ.	بگو بر آنچه در آسمان‌ها و زمین است نظر اندازید، (ولی بدانید) که آیات خلقت و هشدارها و بیم‌های پیغمبران فایده و اثری روی قومی که تصمیم به ایمان نیاوردن گرفته‌اند، ندارد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۶۷
است. از جمله عوامل و وسایل کفرورزی تعقل نکردن است و عقل را به جای وهم و احساسات و خودخواهی و خودبزرگی‌بینی و دنیاپرستی و غیره به کار نینداختن. باید به نظاره و مشاهده و کشف آنچه در آسمان‌ها و زمین است پرداخت و توجه کرد. مع‌ذالک نه آیات و معجزات و نه هشدار و اندازها روی کسانی که نمی‌خواهند ایمان بیاورند و آمادگی آن را ندارند، تأثیر نمی‌کند.

مجموعه آیات کفرورزی این سوره، ضمن آنکه شامل چند نکته تازه (در آیات ۸۳، ۹۸، ۱۰۰) است، یک جمع‌بندی نسبتاً جامع از اشارات و توضیحات سوره‌های گذشته را دربر دارد. با صراحت و قاطعیت بازدهی ضعیف اسباب کارهای رسالت را در برابر نقش اصلی نفس انسانی و ساختار و خواسته‌های او به تعبیری، و مشیت و قانون‌مندی یا «اِذْنِ خُدا» را به تعبیر دیگر، بیان می‌نماید. خدا چنین خواسته است و اراده‌اش چنین تعلق گرفته است که آدمی روی طبیعت و تربیت یا رشد و تکامل شخصی بخواهد که ایمان بیاورد و اراده‌اش چنین تعلق بگیرد. این همان مسئله اختیار و خلافت انسان است، همراه با نقش شیطان و عصیان او در برابر رحمان.

با آنکه خدا همه‌ی پیغمبران را فرستاده و مأموریت داده است که از مردم برای ایمان به او و اعتقاد به آخرت و بندگی کردن دعوت نمایند، مع‌ذالک، برخلاف تصور و توقع انسان، که «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ»^۱ است، از قدرت و رحمت خدا، نه تحمیل می‌کند و نه تعجیل دارد.

اعصار و دوران‌ها باید بگذرد، بشریت در کوره‌های ابتلا و آزمایش دنیا با تلاوت و توجه به نشانه‌های خدا و تعلیمات انبیاء پخته و آبدیده شده، تحول‌ها و تکامل‌ها یابد؛ تارفته رفته با اکتساب و استقبال خودش آماده و عاشق پذیرش خدا گردد. معجزه قرآن و نشانه‌ی خدایی بودن آن در این است که مثل ما نوع بشر و بر سبیل منطق و روش مدیریت ما، انسان‌بینی و تعیین مأموریت نمی‌نماید.

۶۸) سال یازدهم بعثت، سوره قصص (۲۸)، شماره نزول ۱- ۱۳۰ (۵ آیه با ۸۴ کلمه)
آیات کفرورزی نازل شده در سال یازدهم بعثت در سوره‌ی قصص (۲۸) اختصاص به فرعون و ملاء یا درباریان و دولتیان او پیدا کرده است که در آیه ۷۵ سوره یونس (۱۰) به‌طور برجسته از او یاد شده و انگشت روی استکبار یا خودبزرگی‌بینی و غرور آنها گذاشته شده بود. استکبار و غرور و قدرتی که فرعون را به مرحله‌ی تصرف و تملک

۱. انبیاء (۲۱) / ۳۷: [گوی] انسان از شتاب آفریده شده است؛ ...

انسان‌ها و ادعای خدایی و در افتادن با خدا می‌رساند، شدیدترین مرحله‌ی کفرورزی انسان و تجسم شرک در شخص خود می‌باشد که ضمناً تعریف استکبار نیز هست. استکبار به معنای خود بزرگ‌بینی و تصور استغنا از خدا و از قواعد خلقت تا سرحد ادعایی خدا.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴	إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَدَّخِرُونَ كِبْرَهُمْ وَيَسْتَكْبِرُونَ فَاسَادَ كَيْزَانُ تِهْكَارٍ بُوَد.	همانا که فرعون در سرزمین (مصر) تکبر و برتری جست، مردم آنجا را گروه‌بندی کرده، طایفه‌ای را زبون و ضعیف می‌نمود، پسرانشان را می‌کشت و زن‌ها را زنده می‌گذاشت، همانا که او از فسادانگیزان تبهکار بود.
۱۵	(وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا) فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ عَدُوِّهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ (فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ).	(بی‌خبر از اهالی وارد شهر شد) در آنجا دو مرد را دید که با هم جنگ و نزاع می‌کنند. یکی از دسته طرفداران او است و دیگری از دشمنان او، (موسی او را مشت محکم زد، چندان که از پای درآمد و مرد، گفت این از کار شیطان است، شیطانی که دشمن آشکار آدمی است).
۱۷	قَالَ رَبِّ بِمَا أَتَعَمَّتْ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَاهِرًا لِّلْمُجْرِمِينَ.	گفت پروردگارا به شکرانه نعمت (توانایی) که به من داده‌ای هیچگاه پشتیبان بدکاران نخواهم شد.
۱۹	فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ نَبُطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ.	و همین که قصد کوبیدن آن کسی را کرد که دشمنشان بود، به موسی گفت آیا می‌خواهی مرا هم همان‌طور که دیروز فردی را کشتی، بکشی؟ پس تو از اخلاص‌گراان بوده، قصدی جز زورگویی و آزار در زمین نداری و نمی‌خواهی که از مصلحان باشی.
۲۰	وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لَيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِلَيْنَا مِنَ النَّاصِحِينَ.	و مردی دوان دوان از نقطه دوری از شهر آمد و به موسی گفت: رجال فرعون به مشورت در باره تو نشستند تا به قتلت برسانند. زود بیرون شو و بدان که من از مشفقین تو هستم.

همان‌طور که در مقدمه این سال گفتیم، در سوره قصص (۲۸) به‌طور نسبتاً مبسوط پرده‌ای از مقابله استکبار با استضعاف و چگونگی برخورد فرعون مستکبر و نجات بنی اسرائیل مستضعف، به دستور خدا و به دست موسی، به نمایش گذاشته می‌شود. در آیه ۴ انگشت روی دو خصلت یا عمل فرعون گذاشته می‌شود: یکی برتری‌جویی و غلو فرعون در زمین یا در میان انسان‌ها و دیگر امتیازطلبی‌های قومی و نژادی یا عدم مساوات مابین انسان‌ها که ملازمه با اجحاف و ستمگری‌های شدید پیدا می‌کند. دو خصلت یا دو روشی که تقریباً در همه قلدران و امپراتوران و

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۶۹
دیکتاتورمنشان دیده می‌شود، منشأ ظلم و فسادهای عظیم تاریخ شده است. پس از این آیه منت‌گذاری خداوند بر بنی‌اسرائیل زبردست شده و به فرمانروایی رسیدن و وراثت شدن ملک و سلطنت اعلام گردیده، در طی آیات ۷ تا ۱۴ اشاره‌هایی کوتاه به داستان تولد موسی، ترس مادر، نجات و پرورش او در دربار فرعون، تا به پیغمبری رسیدنش به عمل آمده و در آیات ۱۵ تا ۲۰ مأموریت و مبارزات موسی برای نجات بنی‌اسرائیل آغاز می‌گردد. اما نه به شیوه‌ی بشری و آن‌طور که معمول و مورد تصور مبارزین انقلابی و سیاسی می‌باشد. بلکه با احتراز و اعراض از خشونت و کشتار. شاید این داستان اولین بیان مبارزه و درگیری پیغمبران و پیروان آنها با کفرورزان و مقدمه‌ای برای احکام جهادِ دورانِ مدینه و کیفیت برخورد با دشمنان باشد.

۶۹) به حساب سال دوازدهم بعثت، سوره قصص (۲۸)، شماره نزول ۲-۱۳۰ (آیه ۱۳۱ با کلمه) قبل از رسیدن به آیه ۳۲ که دنباله دریافت مأموریت و معجزات است، آیات ۲۳ تا ۲۹ از پناهندگی و ازدواج و شبانی موسی صحبت می‌کند که به اعتباری دوران کارآموزی او محسوب می‌شود، تا به کوه طور و شنیدن صدای پروردگارش می‌رسد که خیلی بزرگ‌تر و بالاتر از فرعون بوده و ارباب همه جهانیان است.
آیات ۳۰ تا ۳۵، ابلاغ رسالت خدا به موسی و مسلح کردن او (نه به شمشیر و سلاح‌های سرد و گرم بلکه) به «آیات و بینات» و حجت خدا است. در آیه ۳۶ مواجه با تعجب و تکذیب و افترای کفرورزان بر طبق معمول گردیده، کافی است که اگر چیزی را از اجداد خود نشنیده و در گذشته ندیده باشند، انکار کنند.
در آیات ۳۸ تا ۴۲، فرعون در خطاب به درباریان، صریحاً پرستش هر خدایی غیر از خود را منع نموده و تکبر استبدادی را به حد اعلی می‌رساند و به خیال خود، با فرمان ایجاد یک بنای بلند به خدا اعلام جنگ می‌دهد! که نشانه‌ی نادانی او است و نادانی از نشانه‌های خودبزرگ‌بینی و از صفات کفرورزان است.
در آیه ۳۹ باز صحبت از استکبار بی‌جهت و بناحق فرعون و لشگریان او در برابر مردم مصر است، به این احتمال یا اطمینان که هیچ‌گاه سر و کارشان با خدا و بازگشت نزد او نخواهد بود.
زیان چنین اشخاص متکبر و مدعی نبوغ و قدرت، پیشوا شدن برای دیگران و به هلاکت انداختن آنان است، با پیامد لعنت و نفرین این دنیا و بی‌کسی و زشت‌رویی در آن دنیا، که در آیات ۴۱ و ۴۲ آمده است.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۲	اسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَنبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.	(دستت را در گریبان برده و بیرون آور تا آن را بی‌عیب و علتی سفید و روشن بینی و (برای رهایی) از این ترس بازویت را به سمت خودت بچسبان. این دو (معجزه) برهان‌هایی از جانب پروردگارت برای ارایه به فرعون و اشراف او است) به‌درستی که آنها قوم نافرمان هستند.
۳۶	فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ.	و چون موسی آیات روشنگر ما را برای آنها آورد، گفتند: چیزی جز جادوگری و ساختگی نیست و ما چنین ادعا و خبری از پدران گذشته‌مان نشنیده‌ایم.
۳۸	وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْذِي يَا هَامَانَ عَلِي الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرَخًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَيَّ إِلَهَ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ.	و فرعون به اشراف قوم خود گفت: من کسی را جز خودم برای شما خدا نمی‌دانم و، ای هامان برای من کوره‌ای پر گِل برافروخته کاخ بلندی برابم بنا کن، شاید بر خدای موسی که او را دروغگو می‌دانم اطلاع و آگاهی یابم.
۳۹	وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَأُجْرِعُونَ.	او و لشگرش در سرزمین (مصر) به ناحق بزرگ‌اندیشی و تکبر ورزیده و چنین پنداشتند که پیش ما بر نخواهند گشت.
۴۰	(فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاُنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ).	(س او و لشگریانش را دستگیر کرده به دریا افکندیم حال تو در فرجام کار ظالمان اندیشه نما.)
۴۱	وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُبْصَرُونَ.	و آنان را ما پیشروان به آتش (دوزخ) قرار دادیم در حالی که روز قیامت یاری نخواهند شد.
۴۲	وَأَتَيْنَاهُمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ.	و در این دنیا، پشت سر آنها را لعنت و نفرین قرار دادیم، در حالی که روز قیامت از زشت‌شدگان خواهند بود.
۴۸	فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أوتِيَٰ مِثْلَ مَا أوتِيَٰ مُوسَىٰ أَوْلَمَ يَكْفُرُوا بِمَا أوتِيَٰ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ مِنَّا.	چون (کلام یا کتاب) حق از جانب ما آمد گفتند چرا به این (رسول) مانند آنچه به موسی داده شده است داده نشده؟ آیا چنین نبود که قبلاً به آنچه به موسی داده شده بود نیز کفر ورزیدند و گفتند هر دو، سحر و جادو نمایش می‌دهند و گفتند ما نسبت به همه اینها کافر و منکر هستیم؟
۵۰	فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمِنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًىٰ مِنْ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.	پس اگر اجابت (دعوت) تو را نکردند بدان که صرفاً پیروی از هوا و آرزوهای خود می‌کنند و چه کسی گمراه‌تر از آن کس که بدون هدایت خدا از هوای نفس پیروی کند؟ همانا که خداوند قوم ظالم را رهبری نمی‌نماید.
۵۹	وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ.	و پروردگارت تو ممکن نیست اهل آبادی و دیاری را هلاک کند، مگر آنکه در مرکز آنان رسولی بفرستد تا آیات ما را برایشان بخواند و ما هلاک‌کننده قریه‌های نبودیم (نیستیم) مگر آنکه مردم آن ظالم و پویای ناحق باشند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۷۱

آیه ۴۸، ناظر به مشرکین مکه و پاسخ به ایراد بهانه آمیز است که چرا رسول اکرم حامل آیات و معجزاتی مانند موسی نشده است؟ در حالی که معاصرین موسی آن معجزات را از مقوله سحر و جادو دانسته و به همه آنها کافر شدند.

آیه ۵۰، دلداری مجدد به پیغمبر داده و توصیف جدیدی از کفرورزان ارایه می‌نماید و علت عدم اجابت دعوت را گمراهی آنان در اثر پیروی از هوای نفس خودشان بیان می‌کند. پیروی از هوای نفسی که خالی و محروم از هدایت خدا می‌باشد.

آیه ۵۹، در عین آنکه جمع‌بندی از آیات ماقبل راجع به هلاکت تکذیب‌کنندگان است، تصریح می‌نماید که هیچ‌گاه بدون علت و بدون مهلت اهل هیچ دیاری را، تا رسولی از میان خود آنها به وحی خدا برانگیخته نشود و آیات خدا و نشانه‌های نبوت خود را ارایه ندهد، آن قوم مستحق و مشمول عذاب نخواهند شد.

آیات کفرورزی در سال دوازدهم بعثت (پنج ردیف از ۷۰ تا ۷۴، شامل ۳۰ آیه با ۴۰۳ کلمه)

در سال دوازدهم تنزیل تعداد آیات کفرورزی در معرفی کفرورزان ادامه دارد. ولی به لحاظ کیفیت یا درجه کفرورزی حد اعلاى آن ارایه می گردد و در سوره های قصص (۲۸) و مؤمن (۴۰) که از فرعون به عنوان شاخص ترین نمونه کفرورزی و خودبزرگ بینی صحبت می شود، برای اولین بار ادعای خدایی فرعون مطرح می گردد، حتی قصد درافتادن و جنگ با خدا و کشتن پیغمبر خدا، ضمن آنکه پیغمبر خدا یک مدافع و مبلغ هم در میان اشراف مدعی و منکر پیدا کرده است که موسی را تأیید می کند، سلطنت و الوهیت با هم درگیر شده اند و کفرورزی رنگ سیاسی پیدا می کنند. در سال های قبل صحبت از رو در رو شدن فرعون (و اشراف او) با موسی و انکار نبوت و وجود خدا، همراه با آزار بنی اسرائیل بود که منجر به مبارزه طلبی جادوگران و تسلیم شدن آنان به خدای موسی و هارون گردید و خشم فرعون را علیه ایمان آورندگان برانگیخته بود، همچنین اشاره ی مختصری به مجادله مستضعفین با مستکبرین در روز قیامت می شود و باز هم مقابله ی علم و ظن (تکیه گاه ایمان و کفر) به عمل می آید و دامنه کفرورزی توسعه جدیدی یافته، انکار یا نسیان نعمت های خداوند و دخالت همه جانبه ی او در دستگاه خلقت در حکم کفر و شرک قلمداد می شود. توجه کفرورزان به مال و حال دنیا که از سال های اولیه بعثت به عنوان عاملی برای اعراض از خدا و دل بستگی به کفر تذکر داده می شد، اینک تمتع و بهره مندی خود را دلیل بر عنایت خدا و مصونیت از عذاب آخرت می گیرند.

به طور کلی در سال های آخر مکه زمینه سازی های لازم برای مواجهه مؤمنین با ممانعت ها و مزاحمت های مشرکین و دست در آوردن های تعرضی و جنگی آنان علیه

مسلمانان جسته و گریخته به چشم می خورد.

دنباله سوره قصص (۲۸) را که به حساب سال دوازدهم برده شده بود، در جدول ۶۹ سوره قصص (۲۸) و تحت شماره نزول ۲-۱۳۰ دیدیم. اینک به سراغ آیات مندرج در سوره های مؤمن (۴۰) و ص (۳۸) و کهف (۱۸) و لقمان (۳۱) و ابراهیم (۱۴) می رویم.

۷۰) سال دوازدهم بعثت سوره مؤمن (۴۰) شماره نزول ۱۳۲ (۱۲ آیه و ۱۷۲ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۶	وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ.	و فرعون گفت بگذارید من موسی را به قتل برسانم و او(اگر می تواند و خدایی وجود دارد) پروردگار ارباب خود را (به کمک) بطلبد. همانا ترس دارم که (موسی) آیین شما را مبدل سازد یا در سرزمین فسادانگیزی نماید.
۲۷	وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ.	موسی گفت: همانا (یا ناچار) من به آن کس که پروردگار یا ارباب خودم و شما می باشد، از دست هر متکبری که ایمان به روز حساب نمی آورد، پناه می برم.
۲۸	وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكْفُرْ بِمَا فَعَلَيْهِ كَذِبَةٌ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ.	و مردی از آل فرعون که ایمان خود را مخفی نگاه می داشت گفت: آیا (می خواهید) مردی را به قتل برسانید که می گوید پروردگار ارباب من خدا است؟ در حالی که او از جانب پروردگارتان دلایل و بینات برای شما آورده است؟ و اگر دروغ گو باشد دروغش به زیان خود او است ولی اگر راست بگوید قسمتی از وعده ها به شما خواهد رسید. به درستی که خداوند کسانی را که از حد گذرند و دروغ پرداز باشند، هدایت نمی کند.
۲۹	يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَبْصُرْ تَابًا مِنَ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ.	ای قوم امروز ملوک و سلطنت در زمین (مصر) از آن شما است لکن اگر قهر و بلاى خدا به ما برسد چه کسی ما را یاری کرده و از آن نجات خواهد داد؟ فرعون گفت: من برای شما نظر و رأی جز آنچه خود تشخیص می دهم نمی بینم (یا اجازه نمی دهم) و شما را جز به راه رشد و صواب رهبری نمی کنم.
۳۰	وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ.	و شخصی که ایمان آورده بود گفت: من درباره ی شما نگران مصیبت و روزگاری مانند روز احزاب هستم.
۳۶	وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُبْلَغُ السَّبَابَ.	و فرعون به (وزیرش) هامان گفت: برای من کاخی بلند بنا کن تا شاید به اسباب و وسایل لازم برسم.
۳۷	أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ.	به اسباب و راه های آسمان تا اطلاع (یا اشراف) بر خدای موسی پیدا کنم و من (هنوز) او را دروغ گو می پندارم، این چنین عمل زشت فرعون برایش زیبا جلوه کرد و از راه حق محروم شده بود؛ درحالی که (نمی دانست) نقشه و کید او جز به زیان خودش تمام نمی شود.
۳۸	وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ.	و آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم مرا پیروی کنید تا به راه رشد رهبریتان نمایم.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴۷	وَإِذْ يَتَحَاوَنُونَ فِي النَّارِ قَبُولَ الضُّعْفَاءِ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنْ كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَبَرُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ.	در آن زمان که در آتش دوزخ در جدال و احتجاج پرداختند، ضعیفان ملت به پیشوایان گردنکش خود می‌گویند: ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، آیا می‌توانید امروز سهمی از آتش ما را بکاهید؟
۴۸	قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنْ كُنَّا لَفِيهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ حُكْمَ بَيْنَ الْعِبَادِ.	پیشوایان متکبر پاسخ دهند: که ما همگی در آن (آتش دوزخ) هستیم، همانا که خداوند بین بندگانش حکم کرده است.
۸۳	فَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِأَبْيَاتٍ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.	و چون فرستادگان ما بر ایشان بینات و شواهد روشن آوردند، مغرور و خوشحال به علم و آگاهی‌های خودشان شدند، ولی (عذاب یا بلایی) که استهزاء می‌کردند آنان را فرا گرفت.
۸۴	فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ.	و چون شدت عقاب و عذاب را دیدند گفتند به خدای یکتا ایمان آوردیم و نسبت به آنچه شرک می‌ورزیدیم کافر شدیم.
۸۵	(فَلَمْ يَكْ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ.)	(ولی ایمان آوردن آنها پس از دیدن عذاب شدید نمی‌توانست سودی برایشان داشته باشد؛ این سنت خدا است که در میان بندگانش حاکم بوده است و کافرها در آنجا زیانکار شدند).

آیات کفرورزی فرعون به‌طور طبیعی و تکمیلی به‌دنبال آیات سوره قصص (۲۸) آمده و فرعون را بر سر مسند سلطنت و داعیه الوهیت و رهبری نشان می‌دهد. درحالی‌که فردی از رجال درباری که علی‌رغم استبداد و اختناق حاکم، به خدا ایمان آورده است، با آنان به جدال می‌پردازد. فرعون نه تنها ادعای خدایی و رهبری بلکه پیغمبرکشی و خداستیزی (در آیات ۲۶، ۲۹، ۳۶ و ۳۷) نیز می‌نماید. واکنش موسی در برابر فرعون مستکبر که خود را برتر از خدا دانسته و آخرت را قبول ندارد و بنابراین تحت هیچ قاعده و ضابطه در نمی‌آید، چیزی جز پناه بردن به خدا نیست. خدایی که فرعون را آفریده و او را مأمور و پیامبرش ساخته و دستور مدارا و ملایمت داده و مراقبت و حفاظتش را تضمین کرده است. این آیات می‌تواند دستور و راهنمایی و اطمینان قلب برای مبارزین و قیام‌کنندگان در برابر مستکبرین ستم‌کار باشد.

واکنش و منطق مؤمن آل‌فرعون که ایمان آوردنش مانند سجده سحره فرعون پیروزی حجت بر قدرت و قوی‌ترین شهادت و بینه بر حقانیت دعوت است (و هیچ‌یک از این دو صحنه در تورات نیامده است) از جهت کتمان ایمان یک نوع

توصیه و اجازه تقیه به افراد و اقلیت‌ها است که ضمناً از تبلیغ و ارشاد طرف یا مبارزه فرهنگی در راه حق و حقیقت خودداری نمی‌نمایند. منطق او در دفاع از موسی، منطق خود موسی و پیغمبران است:

آیه ۲۸ حالت آزادمنشی رسالت‌ها را دارد که می‌گوید دروغ و راست بودن دعوی را باید به خود شخص وا گذاشت و به گفتارش توجه کرد. این احتمال و احتیاط را نیز که ممکن است بلا و گرفتاری شدید پیش آید، نباید از نظر دور داشت. جمله آخر آیه را اگر دنباله‌ی کلام او بدانیم، با بیان اینکه خداوند هیچ‌گاه افراط‌کاران تجاوزگر و دروغ‌پردازان حرفه‌ای را راهنمایی و رهبری نمی‌کند، می‌خواهد صداقت موسی را اثبات نماید.

در آیه ۲۹، مالک‌الرقابی و حاکمیت انحصاری دستگاه سلطنتی این دنیا را تصریح نموده، به فرعون و به درباریان هشدار می‌دهد که اگر عذاب و قهر خدا بیاید، چه کسی به داد ما خواهد رسید؟ جواب یا عکس‌العمل فرعون خیلی قاطع بوده، متوسل به آخرین حربه طاغوتی دیکتاتورها و مستبدها می‌شود. با اعلام اینکه رأی رأی من است و راهی که من برای ملت‌م تشخیص داده‌ام راه مصلحت و هدایت او است. ادعای صاحب اختیاری و سلب حق و تشخیص و تصمیم‌گیری از مردم و رجال می‌نماید (ردیف ۶۹، قصص (۲۸) / ۳۸):

«يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي»

(... ای اشراف قوم، من کسی را جز خودم برای شما خدا نمی‌دانم...)

که این گفتار به گونه‌ای ادعای خدایی است و انکار هر صاحب‌نظر و پیغمبران را می‌نماید. پاسخ آن رجل مؤمن در برابر چنین اخطار یا بن‌بست فکری چیزی جز ابراز نگرانی و هشدار است که در آیه ۳۰ آمده است، نمی‌تواند باشد.

در آیات ۳۶ تا ۳۸ پرده دیگری از داعیه کبریایی فرعون ارایه می‌شود که در آیه ۳۸ سوره قصص (۲۸) نیز آمده بود و منتهای نادانی و خودبزرگ‌بینی کفرورزان را نشان می‌دهد و قدرت و امکانات سلطنت را چنان می‌بیند که فکر می‌کند، می‌تواند راه به دستگاه خلقت و عظمت خدای موسی برده و کذب گفتار او را به اثبات برساند، در حالی که همین نادانی و ابله‌ی که در نظرش زیبا و پسندیده می‌آید، عامل بازدارنده از راه هدایت و کمال می‌باشد و تدابیر و نقشه‌هایش منتهی به هلاکت او خواهد شد.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۷۷

شاید در اثر آنکه نادانی و ادعای احمقانه و گمراه‌کننده‌ی فرعون بر رجال مصر نیز آشکار شده بود، آن مرد مؤمن جرأت پیدا می‌کند که آنان را دعوت به پیروی از خود برای درک راه صحیح و نجات بنماید.

در اینجا آیات کفرورزی سیاسی یا داعیه‌ی رهبری خداگونه‌ی فرعون که به بارزترین وجه در سوره‌های قصص (۲۸) و مؤمن (۴۰) آمده بود، پایان می‌یابد.

بعد از جمع‌بندی سوره‌های قصص (۲۸) و غافر (۴۰) (یا مؤمن) هم فواصل آیات با ذکر نام فرعون زیاد شده و از وفور و تکرار آن کاسته می‌شود و هم مطالب جدیدی نیامده، بلکه به آیات کوتاه و تکراری برمی‌خوریم که جنبه یادآوری و اشاره دارد.

نظر به اینکه فرعون به لحاظ کفرورزی و برخورد با موسی و با خدا و محیط عملش برجستگی خاصی دارد که بارزترین و آموزنده‌ترین جریان را نشان می‌دهد، جا دارد که سرگذشت او و ماجرای کفرورزش را به کیفیت و به ترتیبی که قرآن در طی ۲۳ سال دوران رسالت ارائه می‌دهد، مورد بررسی قرار دهیم. این کار را پس از آیات کفرورزی سال دوازدهم ان‌شاءالله انجام خواهیم داد.

آیات ۴۷ و ۴۸ بار دیگر موضوع مستکبر و مستضعف را که در ردیف‌های ۶۸ و ۶۶ دیده بودیم، مطرح می‌نماید که این خود ارتباط با کفرورزی‌های سیاسی و پیروی ضعیفا از بزرگان دارد و اول بار که قرآن صحبت از جدال مستضعفین و مستکبرین در قیامت و دنباله‌روی مستضعفین از مستکبرین می‌نماید، در سال ۶ بعثت در سوره احزاب (۳۳) آمده بود. آنها در قیامت پیش خدا درد دل می‌نمایند که از محترمین و بزرگان اطاعت کرده و گمراه شده‌اند و از خدا می‌خواهند که عذاب اینها را به آنها بدهد. پس از آن در سال ۹ بعثت در سوره اعراف (۷) از برخورد و بحث این دو طبقه از معاصرین شعیب و در برابر دعوت شعیب صحبت می‌شود و همین طور ادامه دارد تا در سوره سبا (۳۴) (ردیف ۶۶)، مطلب و مجادله بین مستضعفین و مستکبرین بازتر می‌گردد. در سوره‌های قصص (۲۸) (ردیف ۶۸) و مؤمن (۴۰) (ردیف ۶۹) از بنی اسرائیل به عنوان شاهد مثال صحبت می‌شود، بدون آنکه دنباله آن در سال‌های آخر مکه و پس از هجرت قطع شود.

در پایان ردیف‌های سال دوازدهم بعثت، علاوه بر جدول کفرورزی فرعون، یک جدول هم راجع به کفرورزی مستضعفین با تعریف استضعاف و سیر تحول محتوایی آیات، ان‌شاءالله می‌آوریم که می‌تواند آموزنده و هدایت‌کننده باشد.

آیه ۸۳ ارتباطی با فرعون و کفرورزی‌های مستکبرین و مستضعفین ندارد و معلول غرور یا تصور معذوریت نمی‌باشد، بلکه اشاره به نکته جدیدی می‌نماید که به دوران‌های جدید نیز تسری دارد و آن غرور به علم و دانایی مختصری است که مانع یا بهانه برای صاحبان آنها از توجه به ادیان و دعوت به ایمان به خدا و آخرت می‌شود: در سوره قصص (۲۸) نیز که قارون برای فرار از شکر خدا و احسان به مردم، متوسل به «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ»^۱ می‌شود، به این مانع و عامل کفرورزی اشاره می‌شود. تا به حال همه جا صحبت از ندیدن و نشنیدن و ندانستن یا تفکر و تعقل نکردن و مهربر دل داشتن بود یا تاسی کردن به آباء و اجداد، اینک به مرحله پیشرفته‌تری از تکامل بشر اشاره می‌شود.

(۷۱) سال دوازدهم بعثت، سوره نجم (۵۳)، شماره نزول ۱۳۳ (۵ آیه با ۶۷ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۳	إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ.	اینها نیست مگر اسم‌ها و نام‌هایی که شما و پدرانتان روی آن (بت‌ها) گذارده‌اید، خداوند هیچ دلیلی بر (معبودیت) آنها نازل نکرده است. جز این نیست که پیروی از چیزی غیر از گمان و از خواسته‌های نفس نمی‌کنند، در حالی که از ناحیه پروردگارشان برایشان هدایت رسید.
۲۷	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَأُؤْتُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسَّوُنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ.	همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به اسم دختر نام گذاری می‌کنند.
۲۸	وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا.	و در این باره هیچ علمی ندارند، جز اینکه پیروی از گمان می‌کنند. در حالی که گمان برای رسیدن به حق (جوینده را) بی‌نیاز (و واصل به حقیقت) نمی‌نماید.
۲۹	فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ دِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.	بنابراین از کسانی که از ذکر ما روی گردانند و جز زندگی دنیا چیزی را نمی‌طلبند، اعراض کن.
۳۰	ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ.	رسایی و بینش علم آنها همین حد است، به درستی که خداوند نسبت به کسانی که از راه او گمراه شدند، داناتر است و همچنین نسبت به کسانی که هدایت شدند.

اشاره‌ای که در ردیف (۷۰) گذشته برای اولین بار در آیه ۸۳ سوره مؤمن (۴۰) به علم به عمل آمده بود که موجب غرور و گمراهی می‌شود، در این سوره از فقدان آن در میان کفرورزان ذکر به عمل می‌آید و توضیح داده می‌شود که برخلاف ادعا

۱. قصص (۲۸) / ۷۸: [قارون گفت] این [ثروت] که در اختیار من قرار گرفته، نتیجه کاردانی من است؛ ...

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۷۹
 و تصورشان آنچه علم می‌نامند ظن و گمان است و ظن و گمان برای رساندن آدمی
 به حقیقت و حق بی‌ارزش و غیرقابل اعتماد است. یا اینکه خواسته‌های قلبی و
 تمایلات درویشان را به جای علم و آگاهی درست می‌گیرند؛ از جمله است
 نام‌گذاری مؤنث یا تصور دختری کردن فرشتگان.

آیات ۲۹ و ۳۰ علت کفرورزی مشرکین را به دنیاپرستی و به غوطه‌ور شدن در
 مسائل زندگی برمی‌گرداند و اضافه می‌کند، چون آگاهی و دانش آنها از حدود دنیا
 و خوشی‌های آن، نمی‌تواند جلوتر و دورتر برود، آنان را به جایی نمی‌رساند. تنها
 خدا است که خوب می‌داند چه کسی یا کسانی از خط و طریق او گمراه شده‌اند و
 چه کسانی در آن راستا هستند.

قرآن در این آیات با گفتن اینکه، فقط علم و دانش واقعی می‌تواند رهنمون
 انسان به سوی آنچه حق و درست است بشود، به گونه‌ای برای علم و تحقیق علمی
 اصالت شناخته است. با گفتن اینکه مشرکین به خدا و منکرین آخرت، پیرو گمان و
 وهم، و پیش‌داوری‌های مبتنی بر خواشه‌های نفسانی هستند، به گونه‌ای اعلام شده
 است که علم برای آنکه راهنمای به حق و یقین باشد، لازم است استقلال داشته، از
 خواسته‌های شخصی و تصمیمات قبلی و مصلحت‌اندیشی‌ها پیروی ننماید. علم اگر
 مطلق و مستقل و برای خودش و کشف حقیقت و حق نباشد، از علم بودن و ارزش و
 دلالت داشتن می‌افتد.

۷۲) سال دوازدهم بعثت، سوره ص (۳۸)، شماره نزول ۱۳۵ (۱ آیه با ۱۵ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۷	وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ	ما آسمان و زمین و آنچه را که مابین آنها است بیهوده و باطل نیافریدیم. این گمانی است که کافرها دارند پس وای به کسانی که از آتش (جهنم) کافر شدند!

مسئله علم یا دانایی و دانش و ضد یا بدل آن که گمان است و برای آدمی
 بیچارگی می‌آورد، در سومین گروه آیات متوالی سال دوازدهم بعثت تکرار شده
 است. ظن که غیرمؤمنین به خدا و آخرت، به جای یقین و علم گرفته و می‌خواهند
 برای جهان خلقت و سرنوشت آن اهمیت و حقانیت و اصلاتی قایل بشوند؛ در
 صورتی که اگر علم حاضر و حاکم باشد شهادت به حق بودن و جدی بودن و نظم و
 حساب داشتن خلقت و جهان می‌دهد.

آیه فوق به دنبال خلیفه قرار دادن داوود آمده است و انتظار حکومت یا قضاوت به حق از ناحیه او و پیروی نکردن از هوای نفسی که سبب دور شدن داوود از راه خدا می‌شود و دور شدن یا گمراهی که در اثر غفلت و فراموش کردن روز حساب منتهی و موجب عذاب شدید می‌گردد:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ
وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ.»^۱

در آیات مابعد، اولاً یک پرسش انکاری، راجع به سرنوشت کسانی که راه راست و ایمان به خدا و عمل صالح را انتخاب می‌کنند و کسانی که جهت مخالف را در زمین اختیار می‌نمایند، به عمل می‌آید؛ ثانیاً با برگشت و عطف به قرآن، دستور تدبیر در آن و تذکر یافتن صاحبان عقل آمده است.

«أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ
نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ.»

كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ.»^۲

یعنی به‌طور مستقیم تأکید و توصیه روی علم و ایمان به عمل می‌آید که محصول تدبیر و تعقل است و حاصل آن می‌تواند ایمان و عمل صالح و تقوا باشد و احتراز از فساد و فجور در جوامع بشری.

از نظر کفرورزی و تمایل تازه یا روحیه‌ای که در این سال در ردیف ۶۹ آیه آخر و ردیف‌های ۷۰ و ۷۱ آمده است، مسئله بی‌دانشی و فقدان علم و یقین در نزد انکارکنندگان می‌باشد.

۷۳) سال دوازدهم بعثت، سوره کهف (۱۸)، شماره نزول ۱۳۵ (۸ آیه با ۱۰۹ کلمه)

در داستان این دو دوست که یکی نادار است و دیگری دو قطعه باغ آباد و پر بار و

۱. ص (۳۸) / ۲۶: ای داوود، تو را در [حکومت] این سرزمین جانشین [پیشینان] کردیم، پس میان مردم به حق داوری کن و پیر هوای نفس مباش، که از راه خدا به بیراهه ات می‌کشد؛ مسلماً آنان که راه خدا را گم کنند، به سزای آنکه روز حساب را از یاد برده‌اند، مجازاتی سخت [در انتظار] دارند.

۲. ص (۳۸) / ۲۸ و ۲۹: مگر ممکن است با مؤمنان نیکوکار مثل تبه‌کاران در زمین رفتار کنیم؟ یا پروا پیشگان را مانند بزه‌کاران به حساب آوریم؟

کتابی است مبارک که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش تدبیر کنند و خردمندان پندپذیرند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۸۱
 فرزندان زیاد دارد، چهره تازه‌ای از کفرورزی مطرح و انذار داده می‌شود که در
 میان مردم اسماً خداپرست و مسلمان متداول است؛ مع‌ذالک شرک به خدا محسوب
 می‌شود.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۳	كُنَّا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ نَلْمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا.	هر دو باغ بدون نقص و آفت به بار می‌نشست و میان آنها نهری روان کرده بودیم.
۳۴	وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفْرًا.	آن مرد در آن باغ میوه‌اش به رفیقش در مقام گفت‌وگو و مفاخرت می‌گفت: من از تو مال و نفرت بیشتر دارم.
۳۵	وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا.	(روزی) در حالی که به خود ستم می‌کرد وارد باغ شده، گفت: من گمان نمی‌کنم که هرگز این (باغ) نابود شود.
۳۶	وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا.	گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود و اگر به فرض به سوی پروردگرم برگردم بهتر از آن را خواهم یافت.
۳۷	قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا.	(آن مرد دیگر) به رفیق خود در مقام گفت‌وگو و اندرز گفت: آیا به کسی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفریده و شخص کامل و آراسته‌ات گردانده است، کفر می‌ورزی؟
۳۸	لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَإِنَّا شُرَكَاءُ بِرَبِّي أَحَدًا.	لکن من تنها خدا ارباب سرورم می‌باشد و هیچ فردی را شریک او نمی‌نامم.
۳۹	وَلَوْ أَنَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرْتُنَّ أُنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا.	چرا وقتی وارد باغ خود شدی ماشاءالله و لاقوه‌الابالله، نگفتی و اگر مرا در مال و اولاد از خودت کمتر می‌بینی چرا همه چیز خود و مردم را از ناحیه خدا ندانستی؟
۴۲	وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَيَّ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَيَّ غُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا.	(و همه میوه‌ها پیش نابود شود) کارش به جایی رسید (یا بالاخره چنین پیش آمد) که دست‌های خود را بر هم مالیده حسرت بر آنچه در آنجا خرج کرده بود می‌خورد، در حالی که (باغ زیبا) به هم ریخته بود و ویرانه شده بود و می‌گفت ای کاش نسبت به پروردگار خود شرک نمی‌ورزیدم.

مخاطب این آیات شخص مالک باغ و پدر فرزندان و عشیره که امکانات و
 اقتدار فراوان به دست آورده است، چون تصور ابدیت برای اموال خود کرده و فنای
 این دنیا و قیام آخرت از نظرش محو گردیده است و شخص خود را صاحب اختیار
 و برخوردار همیشگی از حیات تصور می‌نماید، در حقیقت خدا را که آفریننده و
 برگرداننده او و دهنده‌ی اموال و اولادش می‌باشد و همه دارایی‌ها و توانایی‌ها از

اوست، فراموش کرده و عملاً منکر شده است؛ بنابراین کافر محسوب می‌شود. اینک که برای غیر خدا مالکیت و بقا و اقتدار قایل گردیده و به دارایی و دنیای خود اعتماد ورزیده، برای خدا شریک گرفته است و به حساب دقیق قرآن، یا ایمان و اسلام، مشرک محسوب می‌شود.

مسئله این اندازه حساس است که در همین سال، در سوره کهف (۱۸) خداوند به شخص رسول اکرم تذکر می‌دهد که خدا را از یاد نبرده، خود را فاعل مایشاء و عالم بر زمان ندانسته و هیچ‌گاه نگوید که من فردا فلان کار را خواهم کرد، مگر آنکه خدا بخواهد:

«وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا.

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَأَذْكَرَ رَبُّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا.»^۱

این نوع کفرورزی و شرک به خدا که برای توجه و تنبه مؤمنین در تمثیل داستان فوق با توضیح و تصریح لازم آمده است، با تفصیل کمتر و اشاره وار قبلاً نیز آمده بود، در سال‌های اخیر شاهد وفور آن هستیم و در سال‌های آینده تکرار و تأکید خواهد شد.

شاید اولین بار در سال ۷ بعثت (ردیف ۵۱) در سوره نحل (۱۶) که انواع نعمت‌های خداوندی تذکر داده می‌شد، به آن برخورده باشیم:

«وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضَّرُّ فَأَلَيْهِ تَجَافَوْنَ.
ثُمَّ إِذَا كَسَفَ الضَّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ.
لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ.

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتُرُونَ.» (نحل (۱۶) / ۵۳ تا ۵۶)

(و هر نعمتی که نزد شما است از خدا است، اما همین که زیان و سختی شما را درگیرد، به سوی او ناله و زاری می‌نمایید.

۱. کهف (۱۸) / ۲۳ و ۲۴: و در هیچ مورد مگوی که فردا چنین خواهم کرد. مگر با قید «ان شاء الله» و هرگاه فراموش کردی، [به محض توجه] صاحب اختیارت را یاد کن، بگو: چه بسا پروردگارم مرا به راهی نزدیکتر از این به کمال هدایت کند.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۸۳

و چون رفع زیان و بلا از شما بنماید، در آن موقع گروهی از شما شرک به پروردگارشان می‌ورزند.

به این گونه که نسبت به آنچه بهره‌مندشان ساخته‌ایم، کفرورزند، (فعلاً) بهره‌گیرید ولی بدانید که به زودی خواهید دانست (که چگونه در اشتباهید). و برای آن (بت‌ها و عواملی که علم و یقین ندارند) سهمیه و حق از آنچه روزیشان کرده‌ایم قرار می‌دهند. به خدا قسم که حتماً در باره افتراهایی که می‌بندید مسئول خواهید بود.)

در سال ۱۰ ب، ردیف ۶۱ در سوره اعراف (۷) تا آنجا که آرزو و دعای پدر و مادر را مثل می‌زند که خواهان فرزند صالح‌اند و وعده می‌دهند که اگر صاحب آن شدند شکرگزار خواهند شد، می‌فرماید:

«فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۱

(۷۴) سال دوازدهم بعثت، سوره لقمان (۳۱)، شماره نزول ۱۳۶ (۲ آیه با ۴۰ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۱	أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُبْرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.	آیا توجه نکرده‌ای که به لطف خدا کشتی‌ها در دریا روان است تا برخی از آیات (یا نشانه‌های) خویش را به شما بنماید که در این برای هر بسیار شکیبایی سپاس گزار نشانه‌هایی است.
۳۲	وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظَّلْمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ.	و هرگاه امواج کوه‌پیکر آنان را فرا گیرد، خدا را با خلوص اعتقاد می‌خوانند و چون آنان را به خشکی رساند برخی از آنان میانه‌رو هستند، و نشانه‌های ما را هیچ کس جز غداران ناسپاس، دانسته انکار نمی‌کند.

(اینجا افتادگی دارد)^۲

... یکی وفاداران و باقی ماندگان که در حال گرفتاری، توبه و تضرع کرده‌اند و دیگر انکارکنندگان نشانه‌ها و وجود خدا که در دعا و درخواست از خدا حيله‌گری و خلف عهد می‌نمایند.

۱. اعراف (۷) / ۱۹۰: و چون به آن دو، [فرزندی] شایسته داد، عوامل دیگر را در موهبتی که خدا عطایشان کرده بود سهمیم [و مؤثر] دانستند؛ و خدا از آنچه [در قدرت با او] شریک می‌پندارند، والاتر است.
 ۲. متأسفانه در تنها نسخه موجود- که بخش انتهایی آن نیز در اختیار نمی‌باشد- جافتادگی دارد و ما نخواستیم با حدس و گمان آن را تکمیل نمائیم (ب.ف.ب).

صفت صبار شکور که در آخر آیه ۳۱ برای عبرت گیرندگان از کشتی و مسافرت دریا آمده، در جاهای دیگر قرآن نیز دیده می‌شود. از جمله و با مضمون مشابهی در سال ۱۳ ب، در سوره شورا (۴۲):

«وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ.
 اِنْ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرَّيْحَ فَيُظَلِّلْنَ رَوَاكِدَ عَلَيَّ ظَهْرِهِ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيٰتٍ
 لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ.»

أَوْ يُوقِنُهُنَّ بِمَا كَسَبُوْا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيْرٍ. (شورا (۴۲) / ۳۲ تا ۳۴)

(و از آیات او کشتی‌های دریا است که همچون قصرهایی می‌باشند. اگر بخواهد باد را می‌خواباند و کشتی‌ها را بر پشت دریا متوقف می‌گرداند همانا که در این کیفیت و پدیده نشانه‌هایی برای هر صاحب صبر و شکر وجود دارد. یا آنکه آنان را در اثر آنچه کسب کرده‌اند غرق می‌کند در حالی که بسیاری را می‌بخشد.)

وجه ارتباط صبر و شکر با سفر دریا و کشتی از جهت توأم بودن دو احتمال یا دو پایان غرق و هلاکت از یک طرف و مقاومت در برابر طوفان تا رسیدن به خشکی و رستن به سلامت، از طرف دیگر است. در واقع به مؤمنین توصیه می‌شود که در برابر حوادث روزگار و فشار شیطان و دشمنان خود را نوازند و مأیوس و تسلیم نشوند. بلکه در حال حاضر امیدواری داشته و پس از نجات و نعمت شکر گزار باشند.

کفرورزی فرعون

همان‌طور که در زیر ردیف ۷۰ وعده داده شده بود یک جمع‌بندی سراسری و جدولی به آیات بیان‌کننده‌ی کفرورزی فرعون، به ترتیب نزول اختصاص می‌دهیم. قرآن چنان که می‌دانیم خدانامه‌ای است که بیش از اثبات صانع، اصرار در نفی شرک و زدودن کفر از آیین و ضمیر و زندگی انسان دارد. برای این کار به طوری که در صفحات این بخش دیدیم، به معرفی و توصیف کفرورزان پرداخته و چگونگی و عوامل کفرورزی و استکبار آنان را با اشاره به موارد عینی یا تمثیلی تحلیل و تعلیل می‌نماید.

برجسته‌ترین نمونه کفرورزی و شاخص اعلای استکبار، فرعون است که خود را به جای خدا گذارده و به جنگ با خدا رفته است.

در جلد چهارم بازگشت به قرآن در فصل ه (۵)، دو خصیصه استکبار و استضعاف را به‌عنوان ابعادی از انسان‌بینی قرآن بررسی کرده بودیم. استکبار و استضعاف را در برابر رسالت انبیاء و در ادیان بشری دیده، سپس به دامنه‌ی سیاسی استکبار و استضعاف پرداختیم. در این جلد، از دیدگاه کفرورزی انسان‌ها، جدول دیگری برای مورد خاص فرعون استخراج شده است که از جهاتی مشابه و مشترک با آن می‌باشد. جدول دیگری هم که برای مستضعفین داده می‌شود، از بُعد کفرورزی بوده و وصف حال و واکنش آنان را در برابر فرعون‌ها و رهبران و توانمندان نشان می‌دهد.

کفرورزی فرعون پدیده و داستان واحدی است که مراحل متوالی دارد. آیات جمع‌آوری شده نیز در باره فرد واحد نازل شده است. ولی هر یک از آنها از خطوط چهره و از جریان‌های گوناگونی صحبت می‌نماید که جلوه‌های متفاوت و متحول دارند.

قرآن می‌توانست تمام داستان را به‌طور منسجم در یک سوره یا در یک گروه از آیات، به صورت فصل واحد جامعی با حواشی و تشریح‌های لازم و برحسب زمان وقوع قرار دهد؛ خواه در ابتدای دعوت یا در اواسط رسالت، در حوالی هجرت یا در سال‌های مدینه، همان‌طور که معمول کتاب‌های تاریخی و علمی یا ادبی و رمان‌ها است. اما چنین نخواستند و نکرده است. بهتر دیده شده است که این واقعه‌ی آموزنده و بزرگ تاریخی پا به پای سایر مسائل و مراحل دعوت رسول اکرم، سوره به سوره به نمایش گذارده شود. با استفاده از جدول ۱۵ سیر تحول قرآن، معلوم می‌شود که این گزارش و بیان به‌صورت مغشوش و «کَيْفَ اتَّفَقَ»، نیز انجام نشده، بلکه نظم و ترتیب خاصی در آن رعایت گردیده است. قاعدتاً به این منظور بوده که تفهیم و تربیت‌پذیری مردم و تأثیر داستان به بهترین وجه صورت گیرد.

در آغاز بعثت، گوشه‌ها و خطوطی از چهره فرعون به‌صورت اشاره و تذکار نشان داده می‌شود. سپس به موازات رشد رسول اکرم و رسالت، و با تحولی که در برخورد و برداشت مشرکین به‌وجود می‌آمد، چهره‌نگاری فرعون، به عنوان یک نمونه آزمایشی و آموزشی از ویژگی‌های نفسانی و عوامل و آثار کفرورزی، پیش می‌رود، تا نوبت به زشت‌ترین و خطرناک‌ترین خطوط سیمای او که سلطنت و داعیه رهبری و الوهیت است، می‌رسد.

جدول زیر استخوان‌بندی یا اسکلت داستانی است از یک انسان برجسته‌ی تاریخی

در یک جامعه پیشرفته‌ی باستانی که خود را برتر از هر کس و هر چیز و به جای خدا گرفته، زیر بار هیچ حرف و حد و حقی نمی‌رود. به ستیزه با موسی و جنگ با خدا برخاسته و علی‌رغم شکست‌های پی در پی که در مصاف‌های متعدد نصیبش می‌شود، هر بار سنگدل‌تر و بلندپروازتر می‌گردد. موقعی به خود می‌آید و به خدا ایمان می‌آورد که به دست خود گورش را کنده است و به پای خود داخل آن می‌شود!

از آنجا که داستان و قضایا را می‌دانیم و مکرر زیر و بم آن را شنیده یا خوانده‌ایم، متوجه نمی‌شویم که نمایشنامه، هم از جهت موضوع و صحنه‌های آن و هم از جهت برجستگی بازیگران و نتیجه‌گیری کلی، در نوع خود بی‌نظیر بوده و از شاهکارهای ممتاز و معجزات قرآن به شمار می‌رود.

اما ترتیب ارائه نقاط و خطوط کفرورزی چهره فرعون و مراحل صعود از پله‌های استکبار و دعوی الوهیت را که در ستون ملاحظات جدول به آنها اشاره شده است، به شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

پس از مراحل تکذیب و طغیان در سال‌های اول و دوم بعثت و انکار عصیان در سال‌های سوم و چهارم بهشت، نوبت به بیان استکبار و استعلا‌ی فرعون می‌رسد (ردیف ۱۲، سال ۵ ب). استکبار و استعلا در کسوت پادشاهی یا استبداد، استبدادی توأم با تحقیر موسی و استخفاف و استضعاف قوم برای تحمل اطاعت خود بر آنها (ردیف ۱۶، سال ۶ ب). بسیج جادوگران و دانشمندان زمان و روشنفکران زیر فرمان برای مات کردن موسی و خشمگین شدن از شکست و ایمان آوردنشان، با صدور فرمان بریدن دست و پا و مصلوب ساختن آنها (ردیف ۱۷، سال ۷ ب)، بسیج لشکر برای تعقیب و نابودی بنی‌اسرائیل و غرق شدن خود او با لشکریانش در آب‌های نیل (همان ردیف و در همان سال).

در سال‌های ۸ و ۹ بعثت تکرار و تذکار فهرست‌وار همان جریان را می‌بینیم. ضمن آنکه در سال ۹ بعثت (ردیف ۲۰) و به دنبال آخرین آیه ردیف ۱۷، سال ۷ ب از داعیه رهبری و هدایت فرعون که جزئی از آمرین و اولوهیت محسوب می‌شود، فعلاً به صورت منفی یاد شده و اکتفا به گفتن «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ»^۱ و یا «فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ»^۲، می‌شود.

۱. طه (۲۰) / ۷۹: [در واقع] فرعون، قومش را گمراه کرد، نه هدایت.

۲. هود (۱۱) / ۹۷: ... ولی آنان پیرو امر فرعون شدند؛ درحالی که امر فرعون در راه کمال نبود.

جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			آ	ب
از فرعون، همراه نمود یاد می‌شود که هر دو با لشکر و نیرو بودند. کفرورزی و تکذیب.	۱۷. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ. ۱۸. فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ. ۱۹. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.	بروج (۸۵)	۱۴	۱
طغیان یا سرکشی در برابر نظام خلقت. تکذیب و عصیان. ادعای الوهیت اعلیٰ -	۱۷. اذْهَبْ اِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى. ۲۱. فَكَذَّبَ وَعَصَى. ۲۴. فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمْ اَلَا اَعْلَى.	نازعات (۷۹)	۱۹	۲
افزارهای قدرت و آزار، نشانه طغیان در شهرها.	۱۰. وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ. ۱۱. الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ.	فجر (۸۹)	۳۰	۳
قوم فرعون. ظلم و عدم تقوا. دوری و بی‌خبری از وجود خدا در دنیا. جادوگران. عزت فرعون.	۱۰. وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ اأنتَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. ۱۱. قَوْمَ فِرْعَوْنَ اَلَا يَتَّقُونَ. ۱۶. فَأَيُّهَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا اإنا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۱۷. اأن أُرْسِلُ مَعَنَّا بَنِي إِسْرَائِيلَ. ۲۳. قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ. ۴۱. فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ اأئن لَنَا لَأَجْرًا اإن كُنَّا نَحْنُ الْعَالَمِينَ. ۴۴. فَالْقَوْمَا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ اإنا لَنَحْنُ الْعَالَمُونَ.	شعرا (۲۶)	۶۵-۱	۴
	۵۳. فَأَرْسَلْ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ.	شعرا (۲۶)	۶۵-۲	۵
خطا کاری. عصیان رسول و دستگیری یا به دام افتادنشان.	۹. وَجَاءَ فِرْعَوْنَ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ. ۱۰. فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ اأخذَةً رَآيَةً.	حاقه (۶۹)	۶۸	۶
سلطان (قبل از آیات و بینات). اتکا به ارکان قدرت.	۳۸. وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ اإلَيَّ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. ۳۹. فَتَوَلَّىٰ وِرْكَهٖ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ.	ذاریات (۵۱)	۷۰	۷
آل فرعون (اولین بار). تکذیب آل فرعون و دستگیری آنها از منبع قدرت و عزت.	۴۱. وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذِيرُ. ۴۲. كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَلْهَمًا فَأَخَذْنَاَهُمْ اأخذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ.	قمر (۵۴)	۷۱	۸
اولین بار صحبت نجات بنی اسرائیل. (بدون خطاب) استعلاء و اسراف (اولین بار).	۱۷. وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ. ۳۰. وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ۳۱. مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ.	دخان (۴۴)	۷۳	۹

ادامه جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			ب	ج
	۱۵. أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. ۱۶. فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا.	مزمّل (۷۳)	۷۹	۱۰
عصیان و مؤاخذه (دومین بار). طغیان (تکرار ردیف ۲).	۲۴. اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ.	طه (۲۰)	۸۰	۱۱
اضافه شدن «آیات» و «سلطان». ملاء و استکبار (اولین بار) و استعلا (دومین بار).	۴۵. ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. ۴۷. فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ.	مؤمنون (۲۳)	۸۴	۱۲
اوتاد (دومین بار بعد از ردیف ۳).	۱۲. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ.	ص (۳۸)	۸۶	۱۳
	۱۲. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ). ۱۳. وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ.	ق (۵۰)	۸۷	۱۴
ملاء و استکبار (دومین بار) و استعلا (سومین بار).	۴۵. ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. ۴۶. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ.	مؤمنون (۲۳)	۹۰	۱۵
ملاء (سومین بار). تفخیر موسی. تفاخر و توقع شکوه سلطنتی. استخفاف و اطاعت و فسق قوم.	۴۶. وَكَذَّبُوا أَرْسِلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۵۱. وَتَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ. ۵۲. أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ بِيئِنُ. ۵۳. فَلَوْلَا أَلْفِي عَلَيْهِ سُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ. ۵۴. فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِثْمَ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.	زخرف (۴۳)	۹۲	۱۶
کید و حلیه‌گری. منحرف ساختن دعوت به سیاست و به رهبری. غرور به قدرت و توسل به عذاب و آزار برای اثبات برتری و بقا.	۶۰. فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ. ۶۳. قَالُوا إِن هَذَا لَسَاحِرٌ أُنْزِلَ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيُذْهِبَا بِطُرُوقِكُمْ أَلْمَلِي. ۷۱. قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قِيلَ أَنْ أَذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَأَصْلَبَنَّاكُمْ فِي جُدُوعِ النَّحْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيَاتُنَا أَسَدُّ عَذَابًا وَأَلْبِي.	طه (۲۰)	۱۰۳	۱۷

جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			آ	ب
لشکر فرعون و غرق آنان. نتیجه نهایی گمراهی و عدم هدایت ادعایی قوم.	۷۸. فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا عَشَيْتَهُمْ. ۷۹. وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى.	طه (۲۰)	۷ب	۱۰۳ ۱۷
تعدد و کثرت آیات اولین اشاره و استشهاد از یهودیان.	۱۰۱. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْتَأْذَنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا. ۱۰۳. فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَقِزَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا.	اسراء (۱۷)	۸ب	۱۱۲ ۱۸
طرز عمل و توضیح بیشتر معجزات بعد از ردیف ماقبل.	۱۲. وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.	نمل (۲۷)	۸ب	۱۱۴ ۱۹
پیروی ملاء از امر غیر ارشاد کننده‌ی فرعون	۹۶. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ. ۹۷. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ.	هود (۱۱)	۹ب	۱۱۸ ۲۰
تفصیلی ترین بیان داستان ملاء (۱۲ آیه) مفسد بودن. نظردهی ملاء. توجیه سیاسی دعوت.	۱۰۳. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ. ۱۰۴. وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۱۰۹. قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ. ۱۱۰. يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ. ۱۱۳. وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ. ۱۱۹. فَجَلَبُوا هَتَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ. ۱۲۳. قَالَ فِرْعَوْنُ أَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُومٌ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ. ۱۲۷. وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْدَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرَكَ وَالْهَيْتَكَ قَالَ سَنُنْقَلُ أَبْنَاءَهُمْ وَسَتَحْبِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ. ۱۳۰. وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ.	اعراف (۷)	۱۰ب	۱۲۲-۲ ۲۱

جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			آیه	سوره
استکبار و جرم جانسینی مستضعفین مؤمنین صابر.	۱۳۳. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ. ۱۳۷. وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْتَىٰ عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ. ۱۴۱. وَإِذْ أَخْبَيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكَ وَمَيِّمَاتِكَ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ.	اعراف (۷)	۱۰۱	۱۲۲-۷
اولین خطاب و تذکر داستان به یهودیان (دومین آل فرعون) - قتل مؤمنین.	۳۹. وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ. ۷۵. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِتَيْنَا فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ مَا يَأْتِيَانَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ. ۷۹. وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ. ۸۳. فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَيَّ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ. ۸۸. وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. ۹۰. وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.	عنكبوت (۲۹)	۱۰۱	۱۲۶-۷
استکبار زر و زور و تزویر، پهلوی زود.	۳. تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَّبِيٍّ مُّوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. ۴. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.	یونس (۱۰)	۱۰۱	۱۲۸
اولین ذکر نام از هارون بعد از اشاره ی غایبانه ردیف ۴. استکبار و جرم.	جمع بندی گذشته‌ها. استعلا - ایجاد طبقات - استضعاف و فساد.	قصص (۲۸)	۱۰۱	۱۳۰-۷

جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			آیه	سوره
منت امامت و وراثت بر مستضعفین. امکانات حکومتی - یک کاسه شدن پادشاه و وزیر و لشکریان. آل فرعون (۴). خطا کاری. نجات و نقشه‌های خدایی به دست خودشان.	<p>۵. وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.</p> <p>۶. وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.</p> <p>۸. فَأَلْقَتْهُ آَلَ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ.</p> <p>۹. وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.</p>	قصص (۲۸)	۱۱۳۰-۱۱۳۱	۲۴
ملاء - قوم - فاسق بودن. ملاء (نهمین و آخرین بار) ادعای خدایی بر دولتیان (اولین بار) و در افتادن با خدا برای اثبات کذب موسی.	<p>۳۲. اسألكَ بِذِكْرِ فِي جَبِينِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ وَأَضْمَمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانَ مِنْ رَبِّكَ إِلَيَّ فِرْعَوْنَ وَمَلَيْتِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.</p> <p>۳۸. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أطَّلِعُ إِلَيَّ إِلَهَ مُوسَى وَإِنِّي لأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ.</p>	قصص (۲۸)	۱۱۳۰-۱۱۳۱	۲۵
اضافه شدن سلطان بر آیات. اضافه شدن قارون بر فرعون. قتل و ترور گروندگان (چهارمین بار). تمسک به ایدئولوژی و فساد انگیزی مخالف. پیدا شدن شاهد مؤید از آل فرعون (۵ بار).	<p>۲۳. وَكَذَلِكَ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ.</p> <p>۲۴. إِلَيَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ.</p> <p>۲۵. فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ.</p> <p>۲۶. وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ.</p> <p>۲۸. وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا بُصِبْكُمْ بِعَظْمِ الَّذِي يَعِدْكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ.</p>	مؤمن (۴۰)	۱۱۳۲	۲۶

جدول آیات مربوط به کفرورزی فرعون

ملاحظات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			آیه	سوره
ادعای رهبری و ارشاد به جای پیغمبر خدا. درافتادن با خدا.	۲۹. يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ. ۳۶. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُبْلَغُ الْأَسْبَابِ. ۳۷. اسْتَبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ. ۴۵. فَوَقَّاهُ اللَّهُ سَبِيحَاتٍ مِمَّا مَكْرُوا وَحَاقَ بِالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ.	مؤمن (۴۰)	۱۲۲	دومه ۲۶
آثار بعد از مرگ فرعون و ادامه دهندگان راه او که باعث جهنمی کردن دیگران می شوند (آل فرعون ۷ بار).	۴۶. النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ.			
آل فرعون (۸ بار) یادآوری بعد از هجرت، بعد از جمع بندی. آل فرعون (۹ بار)	۵۲. كَذَّابٌ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ. ۵۴. كَذَّابٌ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاثِرٍ ظَالِمِينَ.	انفال (۸)	۲	۱۴۳-۲ ۲۷
آل فرعون (۱۰ بار) ظالم بودن همگی.	۱۱. كَذَّابٌ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ.	آل عمران (۳)	۳	۱۵۴ ۲۸
آل فرعون (۱۱ بار) دومین خطاب و یادآوری مشابه ردیف ۲۱، ۱۰، اعراف (۷) / ۱۴۱، ابتلاء بزرگ از جانب خدا.	۴۹. وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءًا الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ.	بقره (۲)	۵	۱۶۴ ۲۹
آل فرعون (۱۲ بار) سومین خطاب و یادآوری به بنی اسرائیل. ابتلاء عظیم (دومین بار).	۶. وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدُبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ.	ابراهيم (۱۴)	۹	۱۸۰ ۳۰
زن فرعون علی رغم فرعون و مثل مؤمن آل فرعون، از امامت او تمرد کرده است.	۱۱. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.	تحریم (۶۶)	۱۰	۱۸۶ ۳۱

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۹۳

ولی در سال ۱۰ بعثت که مشروح‌ترین بیان داستان از اولین برخورد موسی با فرعون تا خروج بنی‌اسرائیل از مصر و پیمان‌شکنی‌های بعدی آنان، در سوره اعراف (۷) آمده است صحبت از تصمیم فرعون به کشتار اولاد ذکور بنی‌اسرائیل و شدیدترین مرحله ستمگری و فساد و فسق او به میان می‌آید. گزارش کوتاهی از جنگ آیات داده می‌شود (ردیف ۲۱، سال ۱۰ ب) و بلافاصله پس از اشاره به میراث دادن شرق و غرب زمین به مستضعفین و احسان خدا به بنی‌اسرائیل، برای اولین بار قوم یهود مخاطب قرار گرفته و نجات آنها از اسارت و اعدام‌های فرعون را قرآن به عنوان یک «آزمایش بزرگ» (بلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ).^۱ تلقی می‌نماید.

در سال یازدهم باز صحبت از استکبار و استعلا و از جرم و اسراف فرعون و تابعین او بوده و آنچه تازگی دارد، ذکر اختناق و إخافه‌ی مخالفین و مدعیان می‌باشد که خاصه‌ی نظام‌های استبدادی است و پس از آن ایمان دیررس (ردیف ۲۴، سال ۱۱ ب).

اعلام داعیه‌ی الوهیت فرعون و ارائه‌ی آخرین نشانه یا خط چهره‌ی کفرورزی او در سال ۱۲ بعثت (ردیف‌های ۲۵ و ۲۶) در سوره‌های قصص (۲۸) و مؤمن (۴۰) به عمل می‌آید که به گونه‌ای جمع‌بندی همه‌ی جریان‌ها است. یکی در آنجا که می‌گوید:

«وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَيَّ الطِّينَ فَاجْعَلْ لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أُطْعَمُ إِلَيْهِ إِلَهَ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ»^۲

و دیگر در آیه‌ی :

«قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»^۳

و در هر دو جا، فرعون خطاب به وزیرش فرمان تجهیز قوا برای اقدام به جنگ با خدا را صادر می‌نماید! در حالی که برای اتمام حجت و ارائه‌ی پیروزی بدون سلاح

۱. اعراف (۷) / ۱۴۱ : ... آزمونی بزرگ از جانب صاحب اختیاران بود.

۲. قصص (۲۸) / ۳۸ : فرعون گفت: ای سران [قوم]، برای شما معبودی جز خودم نمی‌شناسم؛ و ای هامان، برای من در کوره آجر بزن و بنایی بلند بساز شاید به معبود موسی پی ببرم؛ با آنکه او را دروغ‌پرداز می‌پندارم.

۳. مؤمن (۴۰) / ۲۹ : ... فرعون گفت: برای شما هیچ راهی جز آنچه به نظرم رسیده، ارائه نمی‌نمایم و شما را جز به راه کمال هدایت نمی‌کنم.

و خشونتِ فرستاده‌ی خدا، شرح و تفصیلی از پیدا شدن و دفاع و ارشادِ یک «شاهد غیبی» از کسان خود فرعون می‌آورد. همان‌طور که قبلاً زبندگان برگزیده‌ی فرعون یعنی سَحْرَه و روشنفکران مصر به حکم بینات و بدونِ اجازه‌ی او سر به خاک بندگی خدای موسی و هارون گذارده بودند.

سیر تحولِ چهره‌نگاری فرعون و نمایش حالات و افکار و عملیات کفرورزی او که در تابلوی زیر خلاصه شده است، در آستانه‌ی هجرت از مکه به مدینه پایان می‌یابد:

سال اول بعثت	تکذیب پیغمبر خدا همچون سایر مشرکین و منکرین طغیان و سرکشی از قرار و نظام خدا.
سال دوم بعثت	ظلم و عدم تقوا، همراه با عدم آشنایی و انکار خدا.
سال سوم بعثت	عصیان در مقابل رسول و تکیه بر نیرو و برتری خود و تجاوزگری.
سال چهارم بعثت	استکبار و استعلا و اتکا بر فرمانبری و بندگی کردن مردم.
سال پنجم بعثت	ملوکیت یا سلطنت استبدادی، همراه با تحقیر موسی و تخفیف و استضعاف قوم.
سال ششم بعثت	درافتادن با رسول خدا از طریق بسیج نیروهای فکری و پس از آن، فرمان اعدامِ ترمزکنندگان از روشنفکران زمان برای ارائه عذاب و اثبات بقای خود، بسیج نیروهای نظامی و تعقیب مؤمنین.
سال هفتم بعثت	اتهام دیوانگی و جادوزدگی به موسی و قصد براندازی مؤمنین به خدا.
سال هشتم بعثت	گمراه کردن ملت و تابعین و رهبری دروغین آنان.
سال نهم بعثت	عهدشکنی‌های مکرر با خدا، علی‌رغم بینات و آیات مشهود.
سال دهم بعثت	اختناق و ارباب مخالفین. برخورداری از آرایش و اموال دنیا در جهت گمراهی بندگان خدا، آزار و دشمنی تا رسیدن به غرق و ایمان دیررس، در لحظه هلاکت.
سال یازدهم بعثت	ادعای خدایی، ادعای ارشاد و رهبری انحصاری، تجهیز وسایل برای جنگ با خدا.

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۲۹۵
این همان سبک‌شناسی قرآن و گوشه‌ای از سیر تحول محتوای آیات است که
به‌طور قطعی و محکم، ولی با اشاره و اجمال، مطلبی عنوان می‌گردد؛ سپس تدریجاً
تفصیل و توضیح داده می‌شود.

بعد از هجرت مضمون و منظور آیات عوض می‌شود. یا تذکرات اشاره‌وار کوتاه
از سرگذشت فرعون و فرعونیان به مشرکین و مؤمنین است یا یادآوری خطایی و
احکام‌های تنبیهی به یهودیان معاصر و اهل کتاب. به‌جای آنکه نام از شخص فرعون
و از قوم و لشگریان و رجال و فرمانبران او برده شود، یک‌سره عنوان «آل فرعون»
به کار برده می‌شود که باید آن را به معنای کسان و پیروان بگیریم و اولین بار در سال
۴ ب (ردیف ۸) و پس از آن در سال‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ب (ردیف‌های ۲۱ و ۲۴ و
۲۶) عنوان گردیده و شناسانده شده بود.

در آخرین ردیف جدول سال ۱۰ هجرت و در تقابل کفرورزی و ظلم فرعون نام
نیکی از زوجه‌ی فرعون و ایمان‌گرایی و عاقبت بخیری او برده می‌شود.

* * *

فرعون در این داستان تنها نیست. زیردستان و کارگزاران و کسان او با نظام
خاص، به نوبت در صحنه‌های نمایش و در سطرهای جدول ظاهر گردیده نقشی و
وصفی دارند:

- ۱- فرعون که صاحب اوتاد است (سال ۲ ب، ردیف ۳).
- ۲- همراه و در رأس قوم قرار دارد (سال ۳ ب، ردیف ۴).
- ۳- رکنی و نیرویی دارد (سال ۴ ب، ردیف ۷).
- ۴- پیروان و فرمانبرانی از او تبعیت می‌نمایند (سال ۴ ب، ردیف ۷).
- ۵- که در مجموع آل فرعون نامیده می‌شوند (سال ۴ ب، ردیف ۸).
- ۶- مقرب‌ترین و چشمگیرترین آنها ملاء است (سال ۵ ب، ردیف ۱۲).
- ۷- و لشگریان قهاری نیروی نظامی او را تشکیل می‌دهند (سال ۷ ب، ردیف ۱۷).
- ۸- نقشه‌ای و افزار کار و افرادی در برابر آیات بینات موسی و حربه یا
«سلطان» او دارد (سال ۷ ب، ردیف ۱۷).
- ۹- که موسوم به سحره یا جادوگران‌اند (سال ۱۰ ب، ردیف ۲۱).
- ۱۱- هامان وزیر اجرایی یا صدراعظم او است (سال ۱۰ ب، ردیف ۲۲).

۱۲- و شخص سوم، به نام قارون که صاحب گنج و ثروتی است، اضافه می شود (سال ۱۰ ب، ردیف ۲۲).

۱۳- در برابر فرعون و ملاء که مستکبرینند عنوان جدیدی به نام مستضعفین مطرح، می شود و شاهبیت داستان می شود (سال ۱۱ ب، ردیف ۲۴).

۱۴- خود فرعون و هامان و جنود، سه رکن استکبار را تشکیل می دهند و شاید آل فرعون که دربرگیرنده ی ملاء نیز هست، همین ها باشند (سال ۱۱ ب، ردیف ۲۴).

۱۵- زوجه ای هم دارد که نگهداری و پرورش موسی را به طور ناخودآگاه به گردن می گیرد (سال ۱۱ ب، ردیف ۲۴).

۱۶- فرد مستقل و باشهامت و تدبیری از آل فرعون پیدا می شود که از موسی و آیین او دفاع می نماید (سال ۱۲ ب، ردیف ۲۶).

۱۷- زن فرعون که صالح و سومین ایمان آورنده است مجدداً ظاهر می شود (سال ۱۰ هجری، ردیف ۳۱).

کفرورزی مستضعفین

همان طور که در آیات گذشته برخورد کرده و گفته ایم، و برخلاف طرز تفکر بشری که انتظار رحم و معافیت برای زبردست شدگان دارد، چنین نیست که خداوند از کسی به دلیل ضعیف و زبردست بودن و زورگویی مستکبرین، سلب مسئولیت نماید و چنین اشخاص در برابر کفرورزی یا گمراهی و گناه، مشمول گرفتاری دنیا و عذاب آخرت نگردند و برخوردار از حمایت و رحمت خداوند هم بشوند. بلکه تسلیم و تبعیت از مستکبرین، خود شرک محسوب می شود. البته چنین هم نیست که مستضعف بودن و استیصال بندگان از علم و عدل خدا مستور بماند و در صورت استقامت و استحقاق مشمول جبران و پاداش بی پایان نگردند.

رحمت و عذاب خدا در مورد انسان ها از امور قراردادی و اعطایی منفک از آدمی نیست، بلکه حالت خودبه خودی و وابستگی به کیفیت و عمل شخص دارد. کما آنکه هدایت به سوی ایمان و عبادت خدا که به سود خود شخص است، اکتسابی و خودجوش است. اگر در راه آن توجه و تلاش نگردد و راه تبعیت از مستکبرین و تسلیم به

شیطان را پیش گیرد، قهراً به گمراهی افتاده، دچار محرومیت و هلاکت خواهد گشت و در صورت استقامت و استحقاق، مشمول جبران و پاداش بی‌پایان می‌گردد.

به دنبال جدولی که برای کفرورزی فرعون، مستکبر درجه اول دنیا استخراج شده بود، اینک در جدول کوچکی به جمع‌آوری آیاتی که در آنها تقریباً یا تلویحاً تعیین تکلیف برای کفرورزی (یا ایمان‌گرایی) مستضعفین شده است، می‌پردازیم و اتفاقاً کلیه این آیات در رابطه با تبعیت یا مقاومت در برابر مستکبرین است.

در این جدول ما می‌توانستیم آیات سوره تحریم (۶۶) را هم که در سال آخر هجرت نازل شده است بیاوریم. آیاتی که از یک طرف، شخصیت استقلال‌ی زن‌ها و از طرف دیگر مسئول و مشمول عذاب بودن آنها را در برابر خدا نشان می‌دهد و این بهانه یا تصور متعارف را رد می‌کند که زنان در اثر وابستگی به مردها از شوهران صالح و برجسته (همچون رسول اکرم و نوح و لوط) کسب افتخار و مصونیت و معافیت می‌نمایند و سایه و سلطه شوهران مستکبر (همچون فرعون)، یا بی‌شوهری آنان (همچون مریم) می‌تواند مجوزی برای عدم توجه و ایمان و تعهدشان نسبت به خدا و آخرت باشد.

در آیات ۵۵ تا ۶۲ سوره ص (۳۸)، سال ۵ بعثت که قدیم‌ترین آیات مربوط به کفرورزی و عذاب مستضعفین می‌باشند که بنا به سبک قرآن مطلب به‌طور قاطعانه ولی با اشاره و ابهام آغاز شده و تفصیل و توضیح آن را بعداً خواهیم داد؛ صراحتاً اسم از مستضعف و مستضعفین برده نمی‌شود ولی ضمن صحبت از «أزواج» یا طبقات مختلف اهل جهنم، اشاره به گروهی می‌شود که سرزده و نادیده «مُقْتَحِم» همراه با طاغیان (یا مستکبرین) داخل جهنم شده‌اند و جا ندارد که به آنها تبریک چنین فرجامی را گفت. این گروه که انتظار نمی‌رفت اهل جهنم شده باشند به طاغیان گنه‌کار اعتراض می‌کنند که شما چنین فرجامی را پیش پای ما گذاشتید و از خدا می‌خواهند که عذاب بدبخت‌کنندگان آنان را دو برابر نماید. درحالی که دوزخیان اصلی تعجب می‌نمایند، چرا کسانی را که در دنیا از زمره اشرار می‌گرفتند (یعنی ایمان‌آوردگان)، در جهنم دیده نمی‌شوند. در حقیقت آیات فوق اشاره و گفت‌وگو راجع به سه گروه است:

- سرکشان گنه‌کار که بالبداهه اهل جهنم‌اند؛
- جهنم‌رفتگان بی‌تقصیر و خلاف انتظار؛
- و جهنم‌نرفتگان ثواب‌کار گرونده به پیغمبران.

جدول آیات مربوط به کفرورزی مستضعفین

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			آیه ۱	آیه ۲
۱	۸۶ ب	ص (۳۸)	<p>۵۵. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّٰغِيْنَ لَشَرَّ مَا بَ.</p> <p>۵۶. جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا فَيَنْسَ الْهَادَّةَ.</p> <p>۵۷. هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَافٌ.</p> <p>۵۸. وَآخِرٌ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ.</p> <p>۵۹. هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ.</p> <p>۶۰. قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْثَلُكُمْ لَأَمْثَلُكُمْ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَنْسَ الْفَرَارِ.</p> <p>۶۱. قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِذَّةً عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ.</p> <p>۶۲. وَقَالُوا مَا لَنَا لِنَرْيَ رَجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ.</p>	<p>(چنین است و سرکشان را بدترین بازگشت‌ها است.)</p> <p>(به جهنم می‌روند که بد جایگاهی است.)</p> <p>(این است! پس آبِ جوشان و چرک و خونابه آن را بچشید.)</p> <p>(و شکنجه‌های دیگر از هر نوع.)</p> <p>این گروه با شما به جهنم در می‌آیند، خوش آمدی برایشان نیست زیرا که به آتش می‌افتند.</p> <p>می‌گویند برای شما خوش آمد نیست، شما این عذاب را پیشاپیش برای ما فرستاده بودید، چه بدجایگاهی است.</p> <p>گویند (خداوندا) هر کس این عذاب را برای ما پیشاپیش فرستاده است عذابش را در جهنم مضاعف ساز.</p> <p>(و گوینده چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم (در اینجا) نمی‌بینیم.)</p>
۲	۹۳ ب	احزاب (۳۳)	<p>۶۶. يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ.</p> <p>۶۷. وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا.</p> <p>۶۸. رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا.</p>	<p>روزی که صورت‌هایشان در آتش گردانده شود، می‌گویند: ای کاش خدا را و رسول را اطاعت کرده بودیم.</p> <p>گفتند ای پروردگار، ما از سروران و بزرگان اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه ساختند.</p> <p>پروردگارا عذابشان را دو برابر کن و به لعنت بزرگی گرفتارشان ساز.</p>
۳	۱۱۰ ب	سجده (۳۲)	<p>۲۳. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ.</p> <p>۲۴. وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ.</p>	<p>(و به تحقیق به موسی کتاب دادیم از ملاقات او در تردید مباش و آن را راهنمای بنی اسرائیل قرار دادیم.)</p> <p>و از میان آن قوم پیشوایانی پدید آوردیم که چون صبر پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند به هدایت مردم پرداختند.</p>
۴	۱۱۲ ب	اسراء (۱۷)	<p>۳۶. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.</p>	<p>از بی آنچه ندانی که چیست مرو، زیرا که گوش و چشم و دل همه را بدان بازخواست کنند.</p>

ادامه جدول آیات مربوط به کفرورزی مستضعفین

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات	
			آیه	آیه
۵	اعراف (۷)	۷۵. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوهُ لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنْ صَالِحًا مَرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ.	اشراف قوم که گردنکشی می کردند به زیر دست شدگان قوم که ایمان آورده بودند گفتند: آیا علم دارید که صالح از جانب پروردگارش آمده است؟ گفتند ما به آیینی که او مأمور شده است ایمان داریم.	
۶	اعراف (۷)	۱۳۶. فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِآيِهِمْ كَذِبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ. ۱۳۷. وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ.	(بنابراین از آنها انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم از آن جهت که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند) و قومی را که مستضعفان زیر دست بودند، وارث شرق و غرب زمین که سرشار از فراوانی نعمت بود گردانیدیم و کلام و وعده‌ی خیر ما بر بنی اسرائیل در اثر تحمل و صبرشان تمامیت یافته، آنچه را که فرعون و قومش ساخته و به عرش رسانده بودند، سرنگون نمودیم.	
۷	سبا (۳۴)	۳۱. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا نُوَدِّعُ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ. ۳۲. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنْجِنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدْيِ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ. ۳۳. وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرَأُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْتَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	و کفرورزان گفتند: ما هرگز به این قرآن ایمان نمی آوریم و نه به کتاب‌های پیش از آن. اگر روزی را که ظالم‌های در نزد پروردگارش بازداشت شده‌اند می دیدی که رو به یکدیگر کرده‌اند، زیر دست شدگان به توانگران زورمند می گویند: اگر شما نبودید ما ایمان آورده بودیم. مستکبرین به مستضعفین گویند: آیا آن زمان که هدایت برای شما رسید ما مانعتان شدیم؟ بلکه خود شما مجرم بودید. مستضعف‌ها به مستکبرها جواب می دهند: (علت کفر) حیل‌های شب و روز شما بود که ما را وادار می کرد به خدا کفر بورزیم و برای او همتایی قایل شویم و چون عذاب را می بینند در دل حسرت می خورند و ما غل‌ها را بر گردن کفرورزان می گذاریم. آیا غیر از این است که جزای آنچه را که کرده‌اند می چشند؟	
۸	قصص (۲۸)	۴. إِنْ فِرْعَوْنُ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ. ۵. وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.	همانا که فرعون در آن سرزمین برتری جویی کرد و مردمش را فرقه فرقه ساخته، فرقه‌ای را زیون و زیر دست ساخته همسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگاه می داشت همانا که از تبهکاران بود. و ما بر آن هستیم (یا بر آن شدیم) که بر مستضعفان روی زمین منت گذارده، آنان را پیشوا و وارث قرار دهیم.	

ادامه جدول آیات مربوط به کفرورزی مستضعفین

شماره	نام و شماره سوره	شماره و متن آیات	ترجمه آیات
دامه ۱-۱۳۰	ب۱	ع. وَنُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَبُئِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.	و در زمین به آنها محل و امکانات بدهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از آن ترس داشتند، نشان دهیم.
۹	ب۱۲	۴۷. وَإِذْ يَتَحَاوَنُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلَيْنَا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ. ۴۸. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدَّ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ.	آن زمان که در جهنم (آتش) مجادله می کنند، زبردستان به زبردستان می گویند. ما پیروان شما بودیم، آیا نمی توانید اندکی از آتش را که نصیب ما شده است بکاهید؟ زبردستان مغرور می گویند (فعالاً) همگی ما در آتش هستیم خداست که میان بندگانش داوری کرده است.
۱۰-۱۳۷	ب۱۲	۲۱. وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلَيْنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَّرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ.	همه در پیشگاه خدا حاضر می شوند. زبردستان به زبردستان می گویند: ما پیروان شما بودیم آیا در وضعی هستید که بتوانید آیا در وضعی هستید که بتوانید اندکی از عذاب خدا را از ما دفع کنید. جواب می دهند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود حتماً شما را راهنمایی می کردیم. برای ما یکسان است که بیتابی کنیم یا شکیبایی، چاره و خلاصی برای ما نیست.
۱۱	۵۷	۹۱. لَيْسَ عَلَيَّ الضُّعَفَاءُ وَلَا عَلَيَّ الْمُرَضِيِّ وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَيَّ الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ۹۲. وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتُ لَا أُجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيَبُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَرْثًا أَلَا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ.	بر ناتوانان و بیماران و بر کسانی که از عهده‌ی هزینه لازم بر نمی آیند و نیکوکار هستند گناه و ایرادی نیست اگر برای خدا و پیغمبرش اخلاص ورزند. و نه بر آنان که نزد تو آمدند تا مجهزشان بنمایی و گفתי که سازوبرگی ندارم و از اینکه چیزی برای خرج کردن نیافتند اندوهناک و اشک ریزان برگشتند.
۱۲	۵۸	۷۵. وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. ۹۷. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فَنَهَا جَرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَا وَاهَمُ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا.	شما را چه می شود که حاضر نیستید در راه خدا به خاطر مردان و زنان و کودکانی بجنگید که می گویند پروردگارا ما را از این قریه ستم کاران نجات بده و از جانب خودت یار و مددکاری بر ایمان فراهم آور. کسانی هستند که به خود ستم کرده اند. وقتی فرشتگان جانیشان را می گیرند از آنها می پرسند؛ کجا و چگونه بودید؟ گویند: در روی زمین زبردست و ناتوان (مستضعف) بودیم (فرشتگان) گویند: مگر زمین خدا وسعت نداشت که مهاجرت کنید؟ و این گروه جانیشان در جهنم است و تحول و سرنوشت بدی دارند.

ادامه جدول آیات مربوط به کفرورزی مستضعفین

ترجمه آیات	شماره و متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سوره	آیه
مگر مردان و زنان و کودکانی که چاره‌جویی نتوانند و راه نجاتی نبرند.	۹۸. إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا	نساء (۴)	۵۸	۱۷۵ ۱۲

در آیات یک سال بعدِ سوره احزاب (۳۳) با اقرار و اظهار تأسفی که جهنم‌رفتگان ظاهراً بی‌تقصیر می‌نمایند، پرده از ابهام فوق برداشته شده و معلوم می‌شود که این گروه با ملاحظه و موقعیت اجتماعی و قدرت و ثروتی که در محترمین و مقامات احساس می‌کرده‌اند، به جای اطاعت از خدا و رسول، از آنان پیروی کرده و گمراه شده‌اند. اینک از خدا می‌خواهند که عذاب سرکرده‌ها و زورمندان را که مانع از گرویدن زیردستان و نادانان به فرستادگان خدا شده‌اند، دو برابر نماید. همین معنی به صورت دستور و توصیه دو سال بعد در سوره اسراء (۱۷) آمده و گفته می‌شود:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۱

یعنی هر کس شخصاً مسئول بوده و تا علم و آگاهی پیدا نکند، نباید از دیگران تبعیت و تقلید نماید.

در ردیف ۳، برای اولین بار صحبت از بنی اسرائیل یا امت موسی می‌شود که صبر و پایداری و استواری پیشه گرفته، بنا به مشیت و حکم خدا از جمله پیشوایان انسان‌ها و هدایت‌کنندگان به امر خدا شدند. باز هم در اینجا، نه از ضعف و مستضعف نام برده می‌شود و نه از فرعون و مستکبرین، ولی همین مژده یا خبر که پیروزی بنی اسرائیل بر اثر صبر و مقاومت را می‌رساند، به صورت مشروح‌تری با ذکر مستضعف بودن بنی اسرائیل و مستکبر بودن آل فرعون و با توصیف و تحلیل کافی در سوره قصص (۲۸)، ردیف ۷ که سه سال بعد نازل شده است، می‌آید.

در ردیف ۵، سوره اعراف (۷)، سال ۹ ب، برخورد دو گروه - این بار با نام - مستکبر و مستضعف قوم صالح و چگونگی القاء و اغوای اشراف گزارش داده می‌شود.

۱. اسراء (۱۷) / ۳۶: پیرو آنچه بدان علم و آگاهی نداری مباش، که چشم و گوش و دل، هر یک در مورد آن مسئول است.

سال بعد، در ردیف ۶، سوره اعراف (۷)، پس از اعلام اینکه فرعونیان را در اثر تکذیب هشدارها و غفلت‌ها و بی‌اعتنایی‌هایی که داشتند، در دریا غرق کردیم، برای دومین بار، با کمی توضیح و تصریح به مستضعف بودن و پایداری و شکیبایی بنی‌اسرائیل، خبر از ارت‌بردن مشرق و مغرب دنیا به وسیله‌ی بنی‌اسرائیل، و واژگون شدن کاخ‌های سربه‌فلک کشیده‌ی فرعونیان داده می‌شود. در این ردیف، در ردیف ۳ و در ردیف ۸ که بعداً خواهد آمد، برخلاف ردیف‌های دیگر، از عاقبت به خیری و سروری و صاحب قدرت شدن مستضعفین صحبت می‌شود. اما مستضعفینی که ایمان به خدا و پیغمبرش آورده‌اند و علی‌رغم زور و آزارهای فوق‌العاده‌ی مستکبرین، گول آنان را نخورده و وفادار و پایدار مانده‌اند.

در سال ۱۱ب و ردیف ۷، بیشترین تفصیل و تصریح محاجّه یا دیالوگِ مستکبرین و مستضعفین و بیان حال آنان را در عالم دوزخ و پیشگاه خداوند می‌خوانیم. زبردست شدگان ناتوان نادان، به بزرگان صاحب زور و عنوان اعتراض می‌نمایند که اگر شما نبودید، ما به خدا ایمان آورده بودیم. مستکبرین جواب می‌دهند: تقصیر از خودتان بود، ما مانع هدایت شما نشدیم. سپس مستضعفین به افشای واقعیات پرداخته، می‌گویند: ظاهراً مانع نشدید ولی با دخالت و دسیسه‌کاری‌ها یا اعمال نفوذهای نامرئی شبانه‌روزی خود، ما را وادار به کفرورزی و شرک به خدا (یا اطاعت از خودتان) نمودید. در هر حال، هر دو گروه، با چشیدن عذاب خدا و دریافت نتایج اعمال خود، کاری جز حسرت و پشیمانی نمی‌توانند بکنند.

دنباله‌ی این توضیح و تعرض، ولی به صورت تقاضا و تحاشی، در سال بعد و ضمن ردیف‌های ۹ و ۱۰ در سوره‌های مؤمن (۴۰) و ابراهیم (۱۴) آمده است. مستضعفین بی‌چاره با گفتن اینکه ما بالاخره دنباله‌روی شما مستکبرین بوده‌ایم، به عادت دوران دنیا و تصور اینکه باز هم صاحب قدرت و امکانات هستند از آنان می‌خواهند که لااقل مقداری از عذابشان را کم کنند. جواب مستکبرین نیز روشن است می‌گویند همه ما محکوم فرمان خدا شده‌ایم. چه بسازیم یا بسوزیم کاری برای شما از دستان بر نمی‌آید.

بدیهی است که این گزارش گفت‌وشنودهای آخرت میان مستکبرین و مستضعفین نه برای داستان‌سرایی و سرگرمی است؛ بلکه همان‌طور که در جلد چهارم بازگشت به قرآن و در آیات قبلی کفرورزی گفته بودیم، برای پیش‌گویی و تذکر و امداد

آیات کفرورزی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۰۳
محرومان و ضعیفان و زیردست‌شده‌های این دنیا است که بدانند عذر پیروی از
اربابان و سروران یا رهبران، به بهانه‌ی ناتوانی و نادانی، مسموع در گاه الهی نبوده و
هر کس خواه ناخواه وارث مکتسبات و آثار اعمال خود می‌باشد.

آیات سوره قصص (۲۸)، سال ۱۱ ب که در ردیف ۸ جدول آمده است، برای
تشریح کامل مطلب و به دنبال ردیف‌های ۳ و ۶ و برای شاهد مثال از عینیت تاریخی
فرعون و مستضعف‌سازی او آورده شده و سرنوشت آن‌دسته از مستضعفین را نشان
می‌دهد که در شدیدترین شرایط اسارات و سختی، تن به اطاعت و رهبری قهرمان
استکبار نداده‌اند و خدا آنان را، هم نجات داده و هم به پیشوایی و ملکداری رسانده
است.

یا ردیف‌های ۹ و ۱۰ و در آستانه‌ی هجرت از مکه به مدینه، گزارش کفرورزی
مستضعفین و آموزش آنها در برابر مستکبرین پایان یافته و چیزی از این مقوله در
سوره‌ها و گروه‌های مدنی نمی‌یابیم؛ جز آنکه در سال‌های هفتم و هشتم حالات
استثنایی استضعاف مطرح گردیده و موارد معافیت مستضعفین از مسئولیت‌های جهاد
و عدم تمکین به حکومت‌های جور برشمرده می‌شود. از جمله است کسانی که واقعاً
ناتوان یا بیمار و نادار، ولی وفادار و عاشق احسان و ایثار بوده و هیچ وسیله و چاره و
قرار در اختیارشان نباشد، در این صورت وظیفه‌ی دفاع و جنگ و حفاظت آنان
به‌عهده‌ی مؤمنین خواهد بود.

نکته دیگری که جدول فوق نمایانگر آن می‌باشد، معنای استضعاف و مستضعفین
است که به‌هیچ‌وجه به مفهوم استثماری‌شدگان سرمایه‌داری و زحمتکشان محروم از
کار و رفاه- آن‌طور که در ادبیات مارکسیستی عنوان می‌شود- نمی‌باشد. بلکه بیشتر
جنبه‌ی فکری و ایمانی داشته و کسانی را معرفی می‌نماید که سرسپرده یا وحشت‌زده
و دنباله‌روی صاحبان مقام و قدرت (سادات و کبراء) شده و از استقلال و حیثیت
شخصی استعفا داده و نمی‌خواهند به عقل و تشخیص خود عمل نمایند، اعم از آنکه
فقیر یا غنی و ناتوان یا توانا باشند.

آیات کفرورزی در سال سیزدهم بعثت (دو ردیف، از ۷۵ تا ۷۶، شامل ۶ آیه با ۹۴ کلمه)

در چند ماه سال آخر مکه توصیف تازه‌های از کفرورزی نداریم و به نظر می‌آید که گفتنی‌ها در این زمینه گفته شده است.

(۷۵) سال سیزدهم بعثت، سوره ابراهیم (۱۴)، شماره نزول ۱۳۷ (آیه با ۱۳ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۲	(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ.)	(خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان باران را نازل کرد تا انواع محصولات را برای خوراک و ارتزاق شما پدید آورد و کشتی‌ها را در دریا و نه‌های آب را در تسخیر شما قرار داد.)
۳۳	(وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ.)	(و خورشید و ماه که دائماً روانند مسخر شما کرد و شب و روز را برای (زندگی و زمین) به خدمت شما گماشت.)
۳۴	وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَسْأَلَةٍ نَعْمَةً وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَطَلُومٌ كَفَّارٌ.	و به شما آنچه را که خواسته بودید (یا نیاز دارید) عطا کرده است که اگر بخواهید نعمت‌های خدا را برشمارید، هرگز به آمار آن نایل نخواهید شد؛ حقا که انسان ناروا پیشه و ناسپاس است.

آیاتی که در سوره‌های ابراهیم (۱۴) و شورا (۴۲)، در این سال آمده و در جداول زیر ارائه شده است، بیشتر حالت آخرین اعلام و انذار را دارد. با تکرار شاهدی مثال آوردن کشتی و دیگر نعمت‌های فراگیر الهی، ظلوم و کفار بودن آدمی و بیهوده و باطل بودن استدلال‌های بهانه‌جویانه‌ی کفرورزان را گوشزد می‌کند. تا آنجا که خودشان نیز می‌دانند که لجاج و اصرارها به بن‌بست رسیده است و در پیشگاه خدا حجتی ندارند. در پایان کلام سال‌های اواسط بعثت رسول اکرم، یادآوری می‌شود

۳۰۶ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)
 که در برابر اعراض مشرکین او وظیفه‌ای جز ابلاغ نداشته و او مراقب و مسئول کسی نیست.

۷۶) سال سیزدهم بعثت، سوره شورا (۴۲)، شماره نزول ۱۳۸ (۵ آیه با ۸۱ کلمه)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۶	وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ.	و کسانی که درباره‌ی خدا پس از اجابت رسول احتجاج می‌نمایند، حجت و دفاع آنان در پیشگاه پروردگارشان باطل بوده و بهره‌شان خشم خدا و عذاب شدید خواهد بود.
۱۸	يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.	کسانی که ایمان به آن (قیامت) نیاورده‌اند، تعجیل برای آن می‌ورزند. اما اهل ایمان از آن وحشت‌زده بوده و می‌دانند که (رستخیز قیامت) حق است. همانا کسانی که در باره قیامت جدال و انکار می‌کنند، سخت در گمراهی‌اند.
۳۱	وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.	و شما در زمین (یا در دنیا) صاحب قدرت عاجز‌کننده‌ای نیستید و برای شما غیر خدا یار و یآوری نیست.
۳۲	(وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَغْلَامِ.)	(و از آیات او کشتی‌های دریا است که همچون قصرهایی می‌باشند.)
۳۳	(إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَالِيِ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.)	(اگر بخواهد باد را می‌خواباند و کشتی‌ها بر پشت دریا متوقف می‌گرداند همانا که در این کیفیت و پدیده نشانه‌هایی برای هر صاحب صبر و شکر وجود دارد.)
۳۴	(أَوْ يُوبِقْهُمْ يَمَّا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ.)	(یا آنکه آنان را در اثر آنچه کسب کرده‌اند غرق می‌کند در حالی که بسیاری را می‌بخشد.)
۳۵	وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ.	و کسانی که به کنکاش و جدل در آیات ما می‌پردازند (خوب) می‌دانند که بر ایشان راه فرار و چاره‌ای نیست.
۴۸	فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغَ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ مِمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ.	حال اگر باز اعراض کردند، بدان که تو را مأمور مراقبت آنها قرار ندادیم، تنها چیزی که به‌عهده‌ی تو می‌باشد، ابلاغ است و به‌درستی که ما وقتی به انسان رحمت و خوشی می‌چشانیم، دلشاد (و غافل) می‌شود و چون آنان را در اثر اعمال خودشان. بدی و سختی فراگیرد، هم‌چنان که هر انسان کفر می‌ورزند.

بخش دوم آیات کفرزدایی در دوران مکه

جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			قرآن نزول	قرآن نزول
۴ ۱۵	۱. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. ۲. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. ۳. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. ۴. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. ۵. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.	علق (۹۶)	۱ ۰۰۱	
۶ ۱۲	۱. يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. ۲. قُمْ فَأَنْذِرْ. ۳. وَرَبُّكَ فَكْبَرُ. ۴. وَيَبْيَأُكَ فَطْهَرُ. ۵. وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ. ۶. وَلَا تَمَنَّ أَنْ تَمُنَّ تَسْتَكْبِرُ. ۷. وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ.	مدثر (۷۴)	۲ ۰۰۲	سال اول بعثت
۶ ۱۳	۱. وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا. ۲. فَالْحَامِيَاتِ وُقُرًا. ۳. فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا. ۴. فَالْمَسْمُوتِ أَمْرًا. ۵. إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ. ۶. وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ.	ذاریات (۵۱)	۱-۲ ۰۰۴	

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات ز	کلمات			ن ز	ن ز
۸	۱۹	۱. وَالطُّورِ. ۲. وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ. ۳. فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ. ۴. وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. ۵. وَالسَّعْفِ الْمَرْفُوعِ. ۶. وَالْبَيْخِرِ الْمَسْجُورِ. ۷. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ. ۸. مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ.	طور (۵۲)	۲-۲	۰۰۶
۴	۱۱	۱۱. وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ. ۱۲. وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ. ۱۳. إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ. ۱۴. وَمَا هُوَ بِالْهَرَجِ. ۱۵. إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. ۱۶. وَأَكِيدُ كَيْدًا. ۱۷. فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَنَّهُمْ رُؤُودًا.	طارق (۸۶)	۳	۰۰۹
۲	۶	۷. وَتَنْفَسَ وَمَا سَوَّاهَا. ۸. فَالْهَمَّاهُ فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا. ۹. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا. ۱۰. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا.	شمس (۹۱)	۴	۰۱۱
۵	۱۴	۳. وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى. ۴. وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى. ۵. فَجَعَلَهُ عُنْدَ أَحْوَى. ۶. سُنُّورًا فَلَا تَنسَى. ۸. وَبِئْسَ لِكَافِرِينَ لِيُؤْسِرِي. ۹. فَذَكَرْ إِنَّ نَفْعَتِ الذِّكْرَى. ۱۰. سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى.	اعلی (۸۷)	۵	۰۱۳

ادامه سال اول بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات را	کلمات			ن نزل	ن نزل
۱۸	۶۱	۱. وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ. ۲. وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ. ۳. وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ. ۴. قَبِيلِ أَصْحَابِ الْأَخْدُودِ. ۵. النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ. ۶. إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ. ۷. وَهُمْ عَلَيَّ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ. ۱۲. إِنْ بَطَّشْتَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ. ۱۳. إِنَّهُ هُوَ بِيدِيٌّ وَيُعِيدٌ. ۱۴. وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ. ۱۵. ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ. ۱۶. فَعَالَ لَمَّا بَرَدُ. ۱۷. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ. ۱۸. فِرْعَوْنَ وَتَمُودَ. ۱۹. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ. ۲۰. وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ. ۲۱. بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ. ۲۲. فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ.	بروج (۸۵)	۶	۱۴
۱۱	۴۵	۱۹. إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. ۲۰. ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ. ۲۱. مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ. ۲۲. مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ. ۲۳. وَلَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ. ۲۴. وَمَا هُوَ عَلَيَّ الْغَيْبِ بِضَنِينٍ. ۲۵. وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ. ۲۶. فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ. ۲۷. إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ. ۲۸. لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ. ۲۹. وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.	تکویر (۸۱)	۷	۱۵

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ا)	کلمات			سال نزول	روز تقریبی
۶	۲۰	۱. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. ۲. مَلِكِ النَّاسِ. ۳. إِلَهِ النَّاسِ. ۴. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ. ۵. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. ۶. مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.	ناس (۱۱۴)	سال دوم بعثت	۸ ۰۱۸
۱۸	۵۷	(۱) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ. (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ. (۳) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ. ۴. إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ. ۵. فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَىٰ. ۶. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ. ۷. فَسَنِيَرَهُ لِلْإِسْرَىٰ. ۸. وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ. ۹. وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ. ۱۰. فَسَنِيَرَهُ لِلْإِعْرَىٰ. ۱۱. وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ. ۱۲. إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ. ۱۳. وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ. (۱۴) فَأَنْذَرْتَكُمْ نَارًا تَلْطَىٰ. (۱۵) لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ. (۱۶) الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ. ۱۷. وَسَيَجْزِيهَا الْآتِقَىٰ. ۱۸. الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ. ۱۹. وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ. ۲۰. إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ. ۲۱. وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ.	لیل (۹۲)	ادامه سال دوم بعثت	۹ ۰۲۱

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ا)	کلمات			سوره نزول	آیات نزول
۲۸	۸۴	<p>۱. وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا.</p> <p>۲. فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا.</p> <p>۳. وَالتَّاشِرَاتِ نَشْرًا.</p> <p>۴. فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا.</p> <p>۵. فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا.</p> <p>۶. عَذْرًا أَوْ تَذْرًا.</p> <p>۷. إِيمًا تُوعِدُونَ كُوفِعًا.</p> <p>۸. فَإِذَا التُّجُومُ طُمِسَتْ.</p> <p>۹. وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ.</p> <p>۱۰. وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ.</p> <p>۱۱. وَإِذَا الرَّسُلُ أُنقِطَتْ.</p> <p>۱۲. لِيَأْيَ يَوْمٍ أُجِّلَتْ.</p> <p>۱۳. لِيَوْمِ الْفَصْلِ.</p> <p>۱۴. وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ.</p> <p>۱۵. وَيَلُومُ الْيَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ.</p> <p>۱۶. أَلَمْ يَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ.</p> <p>۱۷. ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخَرِينَ.</p> <p>۱۸. كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ.</p> <p>۱۹. وَيَلُومُ الْيَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ.</p> <p>۲۰. أَلَمْ نُخْلِقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ.</p> <p>۲۱. فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ.</p> <p>۲۲. إِلَيْنَا قَدَرٌ مَّعْلُومٌ.</p> <p>۲۳. فَقَدَرْنَا فَنعَمُ الْقَادِرُونَ.</p> <p>۲۴. وَيَلُومُ الْيَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ.</p> <p>۲۵. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا.</p> <p>۲۶. أَحْيَاءٍ وَأَمْوَاتًا.</p> <p>۲۷. وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَايِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا.</p> <p>۲۸. وَيَلُومُ الْيَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ.</p>	مرسلات (۷۷)	۱۰	۲۵

ادامه سال دوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات را	کلمات			سال نزول	ت. ت.
۲۳	۷۲	(۱) عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . (۲) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ . (۳) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ . ۴. كَلَّا سَيَعْلَمُونَ . ۵. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ . ۶. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا . ۷. وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا . ۸. وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا . ۹. وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا . ۱۰. وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَاتًا . ۱۱. وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا . ۱۲. وَبَيْنَا وَفُوقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا . ۱۳. وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا . ۱۴. وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا . ۱۵. لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا . ۱۶. وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا . ۱۷. إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا . ۲۱. إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . ۲۲. لِلطَّاغِيْنَ مَا بَأ . ۲۳. لَا بَيْنَ فِيهَا أَحْقَابًا . ۲۴. لَا يَدُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا . ۲۵. إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَافًا . ۲۶. جَزَاءً وَفَاقًا . ۲۷. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا . ۲۸. وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا . ۲۹. وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا . ۳۰. فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا . ۳۱. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .	نبأ (۷۸)	۱۱	۲۶

ادامه سال دوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سال نزول	شماره آیه
	<p>۳۲. حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا.</p> <p>۳۳. وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا.</p> <p>۳۴. وَكَأَسَا دِهَانًا.</p> <p>۳۵. لَأَ يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا بَابًا.</p>	نبأ (۷۸)	ادامه ۰۲۶	۰۱۱
۶	<p>۱۱. ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا.</p> <p>(۱۲). وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا.)</p> <p>(۱۳). وَبَيْنَ شُهُودًا.)</p> <p>۱۷. سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا.</p> <p>(۱۸). إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ.)</p> <p>(۱۹). فَفَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ.)</p> <p>(۲۰). ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ.)</p> <p>(۲۴). فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ.)</p> <p>(۲۵). إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ.)</p> <p>۲۶. سَأَصْلِيهِ سَفَرًا.</p> <p>۵۴. كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ.</p> <p>۵۵. فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ.</p> <p>۵۶. مَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ.</p>	مذثر (۷۴)	۰۲۷	۱۲
۱۸	<p>۱. وَاللَّجَمِ إِذَا هَوَى.</p> <p>۲. مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى.</p> <p>۳. وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى.</p> <p>۴. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى.</p> <p>۵. عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى.</p> <p>۶. ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى.</p> <p>۷. وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى.</p> <p>۸. ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى.</p> <p>۹. فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى.</p> <p>۱۰. فَأَوْحَى إِلَيْهِ عَبْدَهُ مَا أَوْحَى.</p> <p>۱۱. مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى.</p>	نجم (۵۳)	۰۲۹	۱۳

ادامه سال دوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزادایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ر)	کلمات			سال نزول	ت.ق. ت.ز.
		۱۲. أَفْتَمَارُونَهُ عَلَيَّ مَا يَرِي. ۱۳. وَلَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَى. ۱۴. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى. ۱۵. عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى. ۱۶. إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى. ۱۷. مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى. ۱۸. لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى.	نجم (۵۳)	۰۲۹	۱۳
۶۲	۱۸	۱. وَالْفَجْرِ. ۲. وَلَيَالٍ عَشْرٍ. ۳. وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ. ۴. وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ. ۵. هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ. ۶. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ. ۷. إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ. ۸. الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ. ۹. وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ. ۱۰. وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ. ۱۱. الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ. ۱۲. فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ. ۱۳. فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ. ۱۴. إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ. ۲۷. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ. ۲۸. ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً. ۲۹. فَادْخُلِي فِي عِبَادِي. ۳۰. وَادْخُلِي جَنَّتِي.	فجر (۸۹)	۰۳۰	۰۱۴

ادامه سال دوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد	متن آیات		نام و شماره سوره	شماره	
	آیات	کلمات		نزل	تفسیر
۳۷	۸	<p>۶. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ.</p> <p>۷. فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَيِّنٰتِهٖ.</p> <p>۸. فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا.</p> <p>۹. وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهٖ مُسْرُوْرًا.</p> <p>۱۰. وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وِرَآءَ ظَهْرِهٖ.</p> <p>۱۱. فَسَوْفَ يَدْعُو بُرُوْرًا.</p> <p>۱۲. وَيَصْلِي سَعِيْرًا.</p> <p>۱۳. إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهٖ مُسْرُوْرًا.</p>	انشقاق (۸۴)	۱۵	۳۱
۴۵	۱۶	<p>۱. عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ.</p> <p>۲. أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ.</p> <p>۳. وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَرِيّٰ.</p> <p>۴. أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى.</p> <p>۵. أَمَّا مَنْ اسْتَعْجٰى.</p> <p>۶. فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّىٰ.</p> <p>۷. وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَرْكَبِي.</p> <p>۸. وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعٰى.</p> <p>۹. وَهُوَ يَخْسِي.</p> <p>۱۰. فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ.</p> <p>۱۱. كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ.</p> <p>۱۲. فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ.</p> <p>۱۳. فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ.</p> <p>۱۴. مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ.</p> <p>۱۵. بِأَيْدِي سَفَرَةٍ.</p> <p>۱۶. كِرَامٍ بَرَرَةٍ.</p>	عبس (۸۰)	۱۶	۳۲

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سال نزول	تفسیر
۶ ۲۴	<p>۱. قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ.</p> <p>۲. لَأَعْبُدَ مَا تَعْبُدُونَ.</p> <p>۳. وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.</p> <p>۴. وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ.</p> <p>۵. وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.</p> <p>۶. لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ.</p>	کافرون (۱۰۹)	ادامه سال دوم بعثت	۱۷ ۰۳۴
۶ ۲۱	<p>۹. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُضَاهِي.</p> <p>۱۰. عَبَدًا إِذَا صَلَّى.</p> <p>۱۴. أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي.</p> <p>۱۵. كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ.</p> <p>۱۶. نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ.</p> <p>۱۷. فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ.</p> <p>۱۸. سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ.</p> <p>۱۹. كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ.</p>	علق (۹۶)	سال سوم بعثت	۱۸ ۰۳۵
۲۵ ۸۱	<p>۱. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ.</p> <p>۲. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ.</p> <p>۳. عَامِلَةٌ نَاصِيَةٌ.</p> <p>۴. تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً.</p> <p>۵. تُسْمِي مِنْ عَيْنِ أُنْيَةٍ.</p> <p>۶. لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ.</p> <p>۷. نَأٍ يَسِينٌ وَأَلَّا يُعْنِي مِنْ جُوعٍ.</p> <p>۸. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ.</p> <p>۹. لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ.</p> <p>۱۰. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ.</p> <p>۱۱. لَأَنْتَسَمِعُ فِيهَا لِأَغْيَةِ.</p> <p>۱۲. فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ.</p> <p>۱۳. فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ.</p> <p>۱۴. وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ.</p>	غاشيه (۸۸)	ادامه سال سوم بعثت	۱۹ ۰۳۶

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره		
			سال نزول	آیه	
	<p>۱۵. وَتَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ.</p> <p>۱۶. وَزَرَائِبُ مُنْتُوثَةٌ.</p> <p>۱۷. أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ الْيَابِلَ كَيْفَ خُلِقْتُ.</p> <p>۱۸. وَإِلَيَّ السَّمَاءُ كَيْفَ رُفِعَتْ.</p> <p>۱۹. وَإِلَيَّ الْجِبَالُ كَيْفَ نُصِبَتْ.</p> <p>۲۰. وَإِلَيَّ الْأَرْضُ كَيْفَ سُطِحَتْ.</p> <p>۲۱. فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ.</p> <p>۲۲. لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيَّبٍ.</p> <p>۲۳. إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ.</p> <p>۲۴. فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ.</p> <p>۲۵. إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ.</p> <p>۲۶. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ.</p>	غاشیه (۸۸)	ادامه	۳۶ ۱۹	
۳۳	۹	<p>۷. فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ.</p> <p>۸. وَحَسَفَ الْقَمَرُ.</p> <p>۹. وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ.</p> <p>۱۰. يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُ.</p> <p>۱۱. كَلَّا لَا وَزَرَ.</p> <p>۱۲. إِلَيَّ رُجُوعُ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ.</p> <p>۱۳. يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ.</p> <p>۱۴. بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَيَّ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ.</p> <p>۱۵. وَلَوْ أَلْقَى مَعَادِيرُهُ.</p>	قیامت (۷۵)	ادامه	۲۰ ۰۳۷
۲۷	۵	<p>۴. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.</p> <p>۵. ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ.</p> <p>۶. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.</p> <p>۷. فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ.</p> <p>۸. أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.</p>	تین (۹۵)	ادامه	۲۱ ۰۳۸
۲۶	۶	<p>۱. لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ.</p> <p>۲. وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ.</p>	قیامت (۷۵)		۲۲ ۰۳۹

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سال نزول	شماره آیه
	<p>۳. أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ.</p> <p>۴. بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَيَّ أَنْ تُسَوِّىَ بَنَانَهُ.</p> <p>۵. بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ.</p> <p>۶. يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.</p>	قیامت (۷۵)	ادامه ۳۹	۲۲
۸۶	<p>۷. وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً.</p> <p>۸. فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.</p> <p>۹. وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ.</p> <p>۱۰. وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ.</p> <p>۱۱. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۳۹. ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ.</p> <p>۴۰. وَثَلَاثَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ.</p> <p>۴۱. وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ.</p> <p>۴۲. فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ.</p> <p>۴۳. وَظِلٍّ مِّنْ يَحُمُومٍ.</p> <p>۴۴. لَّا يَبَارِدُ وَلَا كَرِيمٍ.</p> <p>۴۹. قُلْ إِنَّ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ.</p> <p>۵۰. لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ.</p> <p>۵۱. ثُمَّ إِنَّكُمْ أَهْلُهَا الضَّالُّونَ الْكَذِبُونَ.</p> <p>۵۲. لَّا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ رَّقُومٍ.</p> <p>۵۳. فَمَا لَوْونَ مِنْهَا الْبُطُونِ.</p> <p>۵۴. فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ.</p> <p>۵۵. فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ.</p> <p>۵۶. هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ.</p> <p>۵۷. نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ.</p> <p>۵۸. أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ.</p> <p>۵۹. أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ.</p> <p>۶۰. نَحْنُ قَادِرَاتٌ بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ.</p>	واقعه (۵۶)	۴۰	۲۳

ادامه سال بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			نزل	نزل
	<p>۶۱. عَلَيَّ أَنْ يُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُشَيْبِكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ.</p> <p>۶۲. وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ.</p> <p>۶۳. أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ.</p> <p>۶۴. أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ.</p> <p>۶۵. لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ.</p> <p>۶۶. إِنَّا لَمُعْرِمُونَ.</p> <p>۶۷. بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ.</p> <p>۶۸. أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ.</p> <p>۶۹. أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ.</p> <p>۷۰. لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ.</p> <p>۷۱. أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ.</p> <p>۷۲. أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ.</p> <p>۷۳. نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَنِتَازًا لِلْمُؤْمِنِينَ.</p> <p>۷۴. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.</p> <p>۷۵. فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ.</p> <p>۷۶. وَإِنَّهُ لَفَسْمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ.</p> <p>۷۷. إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ.</p> <p>۷۸. فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ.</p> <p>۷۹. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.</p> <p>۸۰. نَزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ.</p> <p>۸۱. أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِبُونَ.</p> <p>۸۲. وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ يُكَدِّبُونَ.</p> <p>۸۳. فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ.</p> <p>۸۴. وَأَنْتُمْ حِينَتِدْ تَنْظُرُونَ.</p> <p>۸۵. وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ.</p> <p>۸۶. فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ.</p> <p>۸۷. تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.</p> <p>۸۸. فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ.</p> <p>۸۹. فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ.</p> <p>۹۰. وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ.</p>	واقعه (۵۶)	۴۰	داده ۲۳

ادامه سال بیستم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ا)	کلمات			سال نزول	دوره
		۹۱. فَسَلِّمٌ لِّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْبَيْتِ. ۹۲. وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ فَسَالِّبْ. ۹۳. فَنَزَّلُ مَنْ حَمِيمٍ. ۹۴. وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ. ۹۵. إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ. ۹۶. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.	واقعه (۵۶)	۴۰	دوره ۲۳
۶۳	۲۵۴	۱. الرَّحْمَنُ. ۲. عَلَّمَ الْقُرْآنَ. ۳. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. ... تا ... ۱۵. وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ. ۱۶. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. ۲۴. وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ. ۲۵. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. ۲۶. كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ. ۲۷. وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. ۲۸. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. ۳۷. فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ. ... تا ... ۷۷. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. ۷۸. تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.	رحمن (۵۵)	۴۱	دوره ۲۴
		(۱۰). سَيَذَكِّرُ مَنْ يَحْشَى. ۱۱. وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى. ۱۲. الَّذِي يَصْلِي النَّارَ الْكُبْرَى. ۱۳. ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى. ۱۴. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. ۱۵. وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى. ۱۶. بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.	اعلی (۸۷)	۴۲	دوره ۲۵

ادامه سال سوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات کلان	آیات زحل			ن.ز.	ن.ز.
		۱۷. وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى. ۱۸. إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى. ۱۹. صُحُفٍ إِثْرَاهِيمَ وَمُوسَى.	اعلی (۸۷)	۴۲	داده ۲۵
۸	۲	اهدنا الصراط المستقیم. ۷. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.	فاتحه‌الکتاب (۱)	۴۳	۲۶
۶۰	۱۵	۳۸. فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ. ۳۹. وَمَا لَا تُبْصِرُونَ. ۴۰. إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. ... تا ... ۵۱. وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ. ۵۲. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.	حاقه (۶۹)	۴۵	۲۷
۹۸	۲۷	۱. وَالنَّازِعَاتِ غَرْاقًا. ... تا ... ۱۳. فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ. ۱۴. فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ. ۳۴. فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى. ۳۵. يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى. ... تا ... ۴۵. إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا. ۴۶. كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا.	نازعات (۷۹)	۴۶	۲۸
۷۳	۲۰	۱. لَأَأْتِئُكُمْ بِهَذَا الْبَلَدِ. ۲. وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ. ۳. بِهَذَا الْبَلَدِ. ۴. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ. ۵. أَيْحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ. ۶. يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا. ۷. أَيْحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ. ۸. أَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ.	بلد (۹۰)	۴۹	۲۹

ادامه سال نسیم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ا)	کلمات (ب)			سال نزول	دوره
		<p>۹. وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ.</p> <p>۱۰. وَهَدَيْتَاهُ النَّجْدَيْنِ.</p> <p>۱۱. فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ.</p> <p>۱۲. وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ.</p> <p>۱۳. فَك رَقِيْبَةٍ.</p> <p>۱۴. أَوْ إِطْعَامٍ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ.</p> <p>۱۵. يَتِيْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ.</p> <p>۱۶. أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ.</p> <p>۱۷. ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ.</p> <p>۱۸. أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.</p> <p>۱۹. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ.</p> <p>۲۰. عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ.</p>	بلد (۹۰)	دوره ۴۹	دوره ۲۸
۱۵	۴	<p>۵. كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ.</p> <p>۶. لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ.</p> <p>۷. ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ.</p> <p>۸. ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ.</p>	تكاثر (۱۰۲)	دوره ۵۰	دوره ۳۰
۴۲	۱۰	<p>۱. ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.</p> <p>۲. مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۰. وَلَا تَطْعَمُ كُلُّ حَلْفٍ مَّهِينٍ.</p>	قلم (۶۸)	دوره ۵۲	دوره ۳۱
۳۴	۸	<p>۱. إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا.</p> <p>۲. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا.</p> <p>۳. وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا.</p> <p>۴. يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا.</p> <p>۵. بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا.</p> <p>۶. يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ.</p> <p>۷. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ.</p> <p>۸. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.</p>	زلزال (۹۹)	دوره ۵۴	دوره ۳۲

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات	کلمات			نزل	ن.ق.
۷	۳۰	(۱) وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ. (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ. (۳) التَّجَمُّ النَّاقِبِ. ۴. إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ. ۵. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. ۶. خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. ۷. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ. ۸. إِنَّهُ عَلَي رَجْعِهِ لَقَادِرٌ. ۹. يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ. ۱۰. فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ.	طارق (۸۶)	۳۳	۵۵
۲۰	۸۴	(۳۶) أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى. (۳۷) وَأُبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى). ۳۸. أَلَا تَرَى وَازْرَةً وِرْزُ الْأُخْرَى. ۳۹. وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. ۴۰. وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يُرَى. ۴۱. ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى. ۴۲. وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى. ۴۳. وَأَنْهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى. ۴۴. وَأَنْهُ هُوَ آمَاتَ وَاحْتَبَا. ۴۵. وَأَنْهُ خَلَقَ الزُّوجِينَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى. ۴۶. مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى. ۴۷. وَأَنْ عَلَيْهِ النُّشْأَةُ الْأُخْرَى. ۵۰. وَأَنْهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى. ۵۱. وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَى. ۵۲. وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى. ۵۳. وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى. ۵۴. فَغَشَّاهَا مَا عَشَى. ۵۵. فَيَأْتِي آلَاءُ رَبِّكَ تَتَمَارَى.	نجم (۵۳)	۳۴	۵۶

ادامه سال سوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات (ا)	کلمات (ب)			سال نزول	دوره
		<p>۵۶. هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ. ۵۷. أَزْفَتِ الْأَزْفَةُ. ۵۸. لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ. ۵۹. أَقْمِنِ هَذَا الْحَدِيثَ تَعْجِبُونَ. ۶۰. وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ. ۶۱. وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ. ۶۲. فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَعَبُدُوا.</p>	نجم (۵۳)	۰۵۶	دوره ۳۴
۳۰	۱۱	<p>۱. الْقَارِعَةُ. ۲. مَا الْقَارِعَةُ. ۳. وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ. ۴. يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ. ۵. وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ. ۶. فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ. ۷. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ. ۸. وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ. ۹. فَأُمَةٌ هَاطِيَةٌ. ۱۰. وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَةٌ. ۱۱. نَارٌ حَامِيَةٌ.</p>	قارعه (۱۰۱)	۰۵۷	دوره ۳۵
۴۱۵	۹۷	<p>۱. وَالصَّافَّاتِ صَفًّا. ۲. فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا. ۳. فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا. ۴. إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ. ۵. رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَسَارِقِ. ۱۱. فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَمْدٌ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّازِبٍ. ۱۹. فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ. ۲۰. وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ. ۲۱. هَذَا يَوْمُ الْفُصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ. ۲۲. احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ.</p>	صافات (۳۷)	۰۵۸	دوره ۳۶

ادامه سال سوم بعثت

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			نزل	نزل
آیات کلمات			نزل	نزل
	۲۳. مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ.	صافات (۳۷)	۵۸	دومه
	۳۸. إِنَّكُمْ لَذَاتِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ.			۳۶
	۳۹. وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.			
	... تا ...			
	۴۸. وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطُّرُقِ عِينٌ.			
	۴۹. كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مُكْتُونٌ.			
	۵۷. وَلَوْ لَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ.			
	... تا ...			
	۷۶. وَنَجِيَّتَاهُ وَأَهْلُهُ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ.			
	۷۷. وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ.			
	و پس از آن			
	۸۲. ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ.			
	۸۳. وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَأِبْرَاهِيمَ.			
	۸۴. إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.			
	۸۵. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ.			
	... تا ...			
	۹۹. وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّئِينَ.			
	۱۱۴. وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ.			
	۱۱۵. وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ.			
	۱۱۶. وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْعَالِينَ.			
	۱۱۷. وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ.			
	۱۱۸. وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.			
	۱۲۳. وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ.			
	۱۲۴. إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ.			
	۱۲۵. أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ.			
	۱۲۶. وَاللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ.			
	۱۲۷. فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ لَمُخْضَرُونَ.			
	۱۲۸. إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ.			
	۱۳۳. وَإِنَّ لَوْطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ.			

ادامه سوره بقره

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره			
			سال نزول	ن ق		
	<p>۱۳۴. إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ.</p> <p>۱۳۵. إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَابِرِينَ.</p> <p>۱۳۶. ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ.</p> <p>(۱۳۹. وَإِنْ يُوَسَّسْ لَكُمْ الْمُرْسَلِينَ.)</p> <p>(...)</p> <p>۱۴۷. وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِثْرَةَ الْفِ أَوْ يَزِيدُونَ.</p> <p>۱۴۸. فَأَمَّا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ.</p> <p>۱۴۹. فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُيُوتُ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۶۰. إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ.</p> <p>۱۶۱. فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ.</p> <p>۱۶۲. مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاعِلِينَ.</p> <p>۱۶۳. إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ.</p> <p>۱۷۱. وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۷۲. إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ.</p> <p>۱۷۳. وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ.</p> <p>۱۷۴. فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ.</p> <p>۱۷۵. وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ.</p> <p>۱۷۶. أَفَبِعَدَابِنَا يُسْتَعْجَلُونَ.</p> <p>۱۷۷. فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ.</p> <p>۱۷۸. وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ.</p> <p>۱۷۹. وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ.</p> <p>۱۸۰. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ.</p> <p>۱۸۱. وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۸۲. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.</p>	صافات (۳۷)	ادامه سال سوم بعثت	۵۸	داده ۳۶	
۷۲	۱۹	<p>۱. إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ.</p> <p>۲. وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ.</p> <p>۳. وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ.</p> <p>۴. وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ.</p>	انفطار (۸۲)	ادامه سال سوم بعثت	۵۹	۳۷

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
آیات	کلمات			نزل	دوره
		<p>۵. عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ.</p> <p>۶. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبُّكَ الْأَكْرَبِ.</p> <p>۷. الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ.</p> <p>۸. فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ.</p> <p>۹. كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالذِّينِ.</p> <p>۱۰. وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ.</p> <p>۱۱. كِرَامًا كَاتِبِينَ.</p> <p>۱۲. يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ.</p> <p>۱۳. إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ.</p> <p>۱۴. وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ.</p> <p>۱۵. يَصَلُّوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ.</p> <p>۱۶. وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ.</p> <p>۱۷. وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ.</p> <p>۱۸. ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ.</p> <p>۱۹. يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ.</p>	انفطار (۸۲)	دوره ۰۵۹	دوره ۳۷
۱۱۷	۲۵	<p>۱۳. فَإِذَا تَفِيحَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ.</p> <p>۱۴. وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً.</p> <p>... تا ...</p> <p>۳۵. فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ.</p> <p>۳۶. وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَلِينَ.</p> <p>۳۷. لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِؤُونَ.</p>	حاقه (۶۹)	دوره ۰۶۰	دوره ۳۸
۳۰	۷	<p>۲۲. إِلَّا الْمُصَلِّينَ.</p> <p>۲۳. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ.</p> <p>۲۴. وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ.</p> <p>۲۶. وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ.</p> <p>۲۷. وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ.</p> <p>...</p> <p>۳۴. وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ.</p> <p>۳۵. أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ.</p>	معارض (۷۰)	دوره ۰۶۱	دوره ۳۹

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد		متن آیات	نام و شماره سوره	شماره سال نزول	شماره آیه نزول	
آیات (ا)	کلمات (ب)					
۱۸	۷۰	(۴). أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ. (۵). لِيَوْمٍ عَظِيمٍ. ۶. يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. ۷. كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينَ. ۸. وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينَ. ۹. كِتَابٌ مَّرْقُومٌ. ۱۰. وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ الْمُكذِبِينَ. ۱۸. كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ. ... تا ... ۲۸. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ. ۳۴. فَأَلْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ. ۳۵. عَلَيَّ الْأَارَائِكِ يَنْظُرُونَ. ۳۶. هَلْ تُؤِثُّبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.	مطففين (۸۳)	۰۶۲	۴۰	
۲۰	۹۸	(۳۹). مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. ۴۰. إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ. ... تا ... ۴۹. ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. ۵۰. إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ. ۵۱. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ. ۵۲. فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. ... تا ... ۵۸. فَأَكْمَأَ بِسُرْرَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. ۵۹. فَأَرْتَبِبْ إِيْنَهُمْ مُرْتَبِيبُونَ.	دخان (۴۴)	ادامه سال سوم بعثت	۰۶۳	۴۱
۲	۹	(۱). قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. (۲). الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. (۳). وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. (...) (۸). وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ. (۹). وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ. ۱۰. أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ. ۱۱. الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفَرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.	مؤمنون (۲۳)		۰۶۴	۴۲

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			نزل	نزل
	۵۲. وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ مُتَّبِعُونَ. ۵۳. فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ. ۵۴. إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ. ۵۵. وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ. ۵۶. وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ. ۵۷. فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. ۵۸. وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ. ۵۹. كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ. ۶۳. فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ. ۶۴. وَأَرْزَلْنَا تَمَّ الْآخِرِينَ. ۶۵. وَأَوْحَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ. ۶۶. ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ. ۶۷. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۶۸. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. ۶۹. وَائْتَلَّ عَلَيْهِمْ تَبَاؤُا إِبْرَاهِيمَ. ۷۰. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ. ... تا ... ۱۰۲. فَلَوْ أَن لَّنَا كَرَّةٌ فَتَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. ۱۰۳. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱۰۴. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. ۱۰۵. كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ. ۱۰۶. إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ. ... تا ... ۱۱۰. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا. ۱۱۶. قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ. ۱۱۷. قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ. ۱۱۸. فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَبِجَنِّي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. ۱۱۹. فَأَوْحَيْنَا وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَسْحُورُونَ.	شعراء (۲۶)	۴۳-۶۵	نزل

ادامه جدول آیات کفرزدایی
بر حسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلان	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سال نزول	ت.ق.
	<p>۱۲۰. ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ.</p> <p>۱۲۱. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.</p> <p>۱۲۲. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.</p> <p>۱۲۳. كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۲۴. إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۴۰. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.</p> <p>۱۴۱. كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۴۲. إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۵۹. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱.</p>	شعراء (۲۶)	۶۵-۱	۴۳
	<p>۱۶۰. كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۶۱. إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۷۳. وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ.</p> <p>۱۷۴. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ.</p> <p>۱۷۵. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.</p> <p>۱۷۶. كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ.</p> <p>۱۷۷. إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۸۱. أَوْفُوا الْكَيْلَ وَأَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُحْسِرِينَ.</p> <p>... تا ...</p> <p>۱۹۱. وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.</p> <p>۱۹۲. وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ.</p> <p>۱۹۳. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ.</p> <p>۱۹۴. عَلَيَّ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذَرِينَ.</p>	شعراء (۲۶)	۶۵-۲	۴۴

۱. تا آیه ۱۵۹ سوره شعراء با شماره نزول ۱-۶۵ به حساب سال سوم بعثت منظور می‌شود و از آن به بعد شماره نزول ۲-۶۵ است و به حساب سال چهارم منظور شده است.

ادامه جدول آیات کفرزدایی
برحسب سال‌های نزول - دوران مکه

تعداد آیات کلمات	متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
			سال نزول	ن.ق.
	۱۹۵. بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ.	شعراء (۲۶)	دومه ۲-۶۵	
	۱۹۶. وَإِنَّ لَنَا لَلْأُولَىٰ.			۴۴
	۱۹۷. أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.			
	... تا ...			
	۲۰۱. لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.			
	۲۰۲. فَيَأْتِيهِمْ بَعْتَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.			
	۲۰۸. وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا لَهَا بُدْرُونَ.			
	۲۰۹. ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ.			
	۲۱۰. وَمَا نُنزِّلُ بِهِ السَّيِّئَاتِ.			
	۲۱۱. وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ.			
	۲۱۲. إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُونَ.			
	۲۱۳. فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ.			
	۲۱۴. وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ.			
	۲۱۵. وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.			
	۲۱۶. فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ.			
	۲۱۷. وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ.			

در انتهای این جدول که به صفحه ۲۲۸ تنها نسخه تایپ ماشینی همراه با دست‌نوشته‌های مؤلف فقید ختم شده است، مؤلف فقید با مداد چنین نوشته‌اند:

«در اینجا جدول آیات کفرزدایی (دوران مکه) متوقف می‌شود و در انتظار اینکه سال‌های چهار بعثت به بعد مورد مطالعه تفصیلی تکمیلی قرار گرفته، از روی آنها جدول آیات تجدیدنظر و تدوین گردد. فعلاً، با خالی گذاشتن ۲۷ صفحه به بحث سال به سال آیات کفرزدایی می‌پردازیم: ابتدا از صفحه ۲۵۴ [صفحه ۳۳۳].»

آیات کفرزدایی در سال اول بعثت (نه ردیف، از ۱ تا ۷، شامل ۴۶ آیه با ۱۹۶ کلمه)

در اولین سال بعثت، آن‌طور که انتظار می‌رود و طبیعی و منطقی چنین رسالت پرفراز و نشیب و برخوردار نوین رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مردم مکه و با مردم جهان است، یک نوع سرمایه‌ریزی کلی و معرفی و مقدمه‌چینی مشاهده می‌نماییم.

کفرزدایی یا هدایت که از شخص پیغمبر شروع می‌شود، خطاب اولین آیات نازل شده به خود او بوده و روش کار تعلیم داده می‌شود که چگونه و از چه راه و با چه اسباب‌هایی باید به مبارزه با کفر و به هدایت و ارشاد خلاق پردازد، تا از بدبختی و گمراهی به درآیند؟ پس از آن به‌طور کلی و اجمالی، معرفی از کلام رسول خدا و پیام رسالت به‌عمل می‌آید که چگونه و از کجا است. شخص رسول نیز نیاز دارد که برای پیش‌برد مأموریت سخت و سنگین خود پیشاپیش امیدوار و دلگرم به امداد خدا گردد. هنوز، رودررویی و درگیری دیده نمی‌شود.

جمعاً در این سال ۹ ردیف یا ۹ گروه آیه در سوره‌های آغاز وحی داریم که در زیر به ترجمه و توضیح مختصر و تفسیر موضوعی آنها می‌پردازیم.

(۱) سال اول بعثت، سوره‌ی علق (۹۶)، شماره نزول ۱ (آیات ۱ و ۳ تا ۵)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.	بخوان! به نام پروردگارِ اربابت که آفرید.
۲	(خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ).	انسان را از علق آفرید.
۳	اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ.	بخوان و (بدان که) پروردگارت بزرگوارترین است.
۴	الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ.	آن کس که به وسیله قلم آموزش داد.
۵	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.	انسان را به آنچه نمی‌دانست تعلیم داد.

سایر آیات این سال که در جدول سیر تحول قرآن ردیف شده است، بیشتر به اعلام قیامت و انداز عذاب آخرت تخصیص داده شده است؛ درحالی که پنج‌تای آنها (که یکی با کفرزدایی مشترک می‌باشد) در زمینه کفرورزی است. ابلاغ و دستور مستقیماً خطاب به پیغمبر است. راه هدایت و انجام رسالت قرائت است و علم و کتابت. خواندن نام خدا به صفت آفریدگاری و بزرگواری و معرفت او در آینه خلقت انسان یعنی خودمان.

از هم اکنون پیش از آنکه به تفصیل و توضیح سال‌های بعد یا به تکمیل و تعبیراتی برسیم، روش رسالت و سبک کفرورزی و هدایت را می‌توان از همین چند آیه کوتاه تا حدودی به دست آورد. خواندن و دانستن از کتاب وحی برای پیامبر و شنیدن و نوشتن و آموختن برای انسان‌ها. آنچه گفته نشده است، خود گویا است. اکراه و اجبار، ستیز و آزار، تهدید و تطمیع یا زور و تخدیر و بالاخره اعجاز و اشراق و از غیر راه‌های عقل و دیدار؟

طرف دعوت اختصاصاً نه اعراب مکه و اشراف قریش‌اند و نه نزدیکان پیغمبر و اهل بیت، بلکه اشارت به انسان است. یعنی همه‌ی مردم جهان.

رایحه یا روزنه روشنایی و راهنمایی دیگری که از آیات ۱ و ۳ سوره علق (۹۶) احساس می‌شود- و به صورت ناگفته بیان شده است- نام نبردن و نترسیدن از غیر خدا است و کرامت و بزرگواری را مختص خدا دانستن. شاید رسول اکرم هنوز پیش‌بینی نمی‌کرده، ولی خدا می‌دانسته و عملاً ثابت نموده است که بر سر راه او موانع و مدعیانی پیش خواهند آمد که محسوساً دارای نام و مقام یا نیرو و توانند. دعوت مردم به سوی خدا با موقع و مزایای مکتب آنان و خصلت جاده‌طلبی بشری‌شان منافات داشته، تهدید می‌کنند و تا ادعای الوهیت هم پیش می‌روند (و یا با موجودات و انسان‌های والا و منتخب و مرضی خدا برخورد می‌شود که برتری‌های بلند و امکانات زیاد به آنان اعطا شده است) ولی برگزیده‌ی خدا- و ایمان‌آوردگان به او- باید اهمیت مؤثر و مقام دست اول به آنها نداده، فقط خدا را بخوانند و بخواهند یا به حساب بیاورند.

مطلب فوق البته حالت اشاره و ابهام دارد و اگر همین دو آیه را می‌دانستیم، چنین استنباط الزام نمی‌شد. ولی سوره اعلی (۸۷)، (چهار ردیف جلوتر) که با «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»^۱ آغاز می‌گردد، خواندن و نام بردن خدا را با کلمه‌ی «أَعْلَى» و برتر

۱. اعلی (۸۷) / ۱: ویژگی‌های [صاحب اختیار والاطر خویش را تقدیس کن.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۳۵
 شمردن او از هر چیز و هر شخص تصریح می‌نماید و ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ» به نقل از کلام
 نماز است. بزرگ دانستن و به بزرگی نام بردن از خدا، خصلتاً سرلوحه کفرزدایی و
 رسالت است.

۲) سال اول بعثت، سوره‌ی مدثر (۷۴)، شماره نزول ۲، (آیات ۲ تا ۷)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	(يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ)	(ای مرد پلاس پیچیده! یا در لباس آرمیده.)
۲	قُمْ فَأَنْذِرْ.	برخیز و انذار نما.
۳	وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ.	و پروردگارت را، پس تکبیر گو (به بزرگی معرفی نما).
۴	وَيَا بَكَ فَطَهِّرْ.	و جامعه‌ات (تن و جان) را، پس پاک بگردان.
۵	وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ.	و از گناه و بدی، پس دوری بجوی.
۶	وَلَا تَمُنَّ بِمَا مَنَّا مُنْتَكِرِينَ.	و (در برابر رسالت یا احسان) منت مگذار و درصدد فزون‌گیری مباش.
۷	وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ.	و برای پروردگارت، پس صبر و پایداری داشته باش.

باز هم خطاب و دستور به خود پیغمبر است. دستور قیام! قیام برای انذار. همراه با
 شناسایی و شناساندن خدا به بزرگی، و علاوه بر آن رعایت پاکیزگی جسم و جان،
 تقوای از گناه و عصیان، بی‌نظری و پایداری در اجرای رسالت، نه تنها اکتفا کردن به
 تعلیم و تبلیغ دیگران، بدون آغاز از خود و به دور از منت‌گذاری یا سودجویی؛ بلکه
 صرفاً برای خدا، با بردباری و پایداری.
 آشکار است که رسول اکرم برای برنامه دشوار و دراز مدتی آماده می‌شود. چه
 در برابر مردم و کفرورزان بی‌خبر از خدا و خود، و چه در برابر طبع و طینت
 خویشتن.

بعضی از مفسرین و مورخین قرآن سوره مدثر (۷۴) را به دلیل قاطعیت و آغاز
 ابلاغ رسالت، اولین آیات وحی شده بر پیغمبر گرفته، سوره علق (۹۶) را بعد از آن
 دانسته‌اند. ولی به نظر می‌آید صحیح و طبیعی همان ترتیب مشهور باشد که قبل از
 مأموریت و امر به قیام و انذار، خواندن و شناختن و دانستن از طریق وحی، یعنی
 نقش پیامبری به آن بزرگوار ابلاغ شده باشد.

۱-۲) سال اول بعثت، سوره‌ی ذاریات (۵۱)، شماره نزول ۴، (آیات ۱ تا ۶)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالذَّارِيَاتُ ذُرُوءًا.	سوگند به بادهایی که پراکنده کننده (خاک و غبار و خاشاک) است.
۲	فَالْحَامِلَاتُ وُجُوهًا.	سوگند به ابرهای گرانبار (سنگین).
۳	فَالْجَارِيَاتُ يُسْرًا.	سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی پیش می‌روند.
۴	فَالْمُقَسَّمَاتُ أُنْمُرًا.	و سوگند به تقسیم‌کنندگان (یا توزیع‌کنندگان) کارها (یا روزی‌ها).
۵	إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ.	به‌یقین آنچه وعده داده می‌شود (یا داده‌اند) حتماً راست است و (دروغ نیست).
۶	وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ.	و اینکه روز جزا (قیامت و آخرت) واقعیت دارد (یا واقع شدنی و واقع شده است).

به چهارمین گروه نزول قرآن رسیده‌ایم. در فاصله گروه‌ها یا ردیف‌های ۱ و ۲ و کفرزدایی‌های قبل، دو آیه‌ی سوره والعصر (۱۰۳)، (شماره نزول ۳) آمده است که می‌توانستیم آن را هم در ردیف‌های کفرزدایی جا دهیم.

برخلاف دو گروه یا دو ردیف قبلی، خطاب خدا در اینجا به عوض آنکه به رسول اکرم باشد که گیرنده مقدم وحی است، به خود مردم یا دعوت‌شوندگان است و آغاز کفرزدایی محسوب می‌شود. کفرزدایی از طریق هشدار و اعلام راست و صحیح بودن و واقعیت داشتن خبر یا وعده‌ای که به آنان داده می‌شود و هشدار از طریق قسم و سوگند است.

قسم خوردن و سوگند یاد کردن به‌منظور اثبات یک ادعای مورد انکار یا تردید طرف و برای تثبیت یک تعهد و پیمان، از رسوم متداول زبان‌ها و فرهنگ‌ها است. معمولاً قسم به مقدسات دینی و قومی و خانوادگی و به ارزش‌های فرهنگی خورده می‌شود و میزان پذیرش و تأثیر قسم بستگی به درجه اعتقاد طرفین به مقدسات و ارزش‌های مورد سوگند دارد. و نیز به اعتمادی که به صداقت‌گوینده وجود داشته باشد. اما قسمت‌هایی که در چهار آیه اول این سوره (و در بعضی از سوره‌های آینده) می‌بینیم با رسوم معمول مغایرت داشته، خداوند از مخلوقات خود و از آثار مشهود طبیعت شاهد و گواه می‌آورد. گویی می‌خواهد ارایه نمونه و اثبات مدعی کرده، به ما بگوید: همان‌گونه که وجود باد، علی‌رغم نامریبی بودن و آثار ساده و ظاهراً سبک آن غیرقابل انکار است، آنچه را هم که رسول ما به شما وعده می‌دهد دروغ نبوده، واقعیت مسلم دارد و می‌تواند از نتایج و دنباله‌ی جریانات موجود باشد.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۳۷
 به بادهایی قسم خورده می‌شود که کارشان در اثر حرکت ملایمی که دارند
 پراکنده کردن خاک و خاشاک است و مهمتر از آن حمل ابرهای باردار در آسمان
 و راندن نرم و ملایم کشتی‌های مسافری و باری در دریا است، و به این ترتیب سر و
 سامان دادن اموری از دنیا و زندگی آدم‌ها، مانند تعدیل سرما و گرما، تولید و توزیع
 آنها، زراعت، مسافرت، تجارت، صناعت و غیره.
 توسل به قسم و سوگند که برای اولین بار در سوره والعصر (۱۰۳) آمده بود و
 پشتوانه‌گیری از پدیده‌های طبیعی و بشری را که در این گروه آمده (و باز خواهد
 آمد)، می‌توانیم به جای فلسفه‌بافی یا تحریکات هنری، از شیوه‌های کفرزدایی قرآن
 بدانیم. استعمال کلمه «وَأَقِيعَ» به طور مبهم، برای آنچه موعود است، نیز جالب
 می‌باشد.

در هر حال بعد از اخطار کلی زیان‌کاری انسان در سوره‌ی والعصر (۱۰۳)، اولین بار
 است که به دنبال دستور «قُمْ فَأَنْذِرْ» سوره‌ی مدثر (۷۴)، (شماره نزول ۲) پای انداز کیفر
 و پاداش در میان می‌آید؛ اخطار و اندازی که فعلاً به صورت ابهام و اجمال است.

۲-۲) سال اول بعثت، سوره‌ی طور (۵۲)، شماره نزول ۶ (آیات ۱ تا ۸)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالطُّورِ.	قسم به کوه طور.
۲	وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ.	و قسم به کتاب نوشته شده.
۳	فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ.	در صفحه‌ای گشاده.
۴	وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ.	و قسم به خانه‌ی معمور (عمران یافته).
۵	وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ.	و قسم به سقف بلند افراشته.
۶	وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ.	و قسم به دریای مالامال (یا برافروخته).
۷	إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ.	همانا که عذاب پروردگارت واقع شده (یا وقوع یافته است یا واقعیت دارد).
۸	مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ.	آن را هیچ دفع‌کننده و مانعی نیست.

سبک و سیاق آیات و هدف از سوگندها مانند ردیف پیشین بر واقعیت داشتن (یا
 واقع شدن) وعده‌ی عذاب آخرت است. منتها با تصریح و تفصیل بیشتر و با تنوع و
 تعداد زیادتر قسم‌ها. امر موعود یا وعده‌ی داده شده، عذاب پروردگار است. واقعیت
 و عذابی که هیچ رادع و عاملی نمی‌تواند مانع آن بشود. سه تا از آن پشتوانه‌های قسم

از آیات چشمگیر محیط طبیعی زمین است، یعنی کوه و آسمان و دریا؛ دوتای دیگری که کتاب مسطور و خانه‌ی معمور باشد، ساخته و پرداخته یا در ارتباط با بشر است.

«بیتِ معمور» و «بحرِ مسجور» را معانی دیگر نیز کرده‌اند، بدون آنکه سند محکم بر آن ذکر نمایند؛ اولی را اشاره به خانه کعبه دانسته‌اند یا خانه‌ای در آسمان که مقابل مکه است، و دومی را دریای مذاب برافروخته گرفته‌اند که اشاره به جهنم یا نشانه‌ای از جهنم باشد.

این گونه تعبیر و ترجمه‌ها که نظایر آن را در سوره‌های آینده باز خواهیم دید، ناشی از همان فرهنگ و عادت بشری است که به مقدسات و اعتقاد و ارزش‌های والای مورد قبول و احترام اجتماع خود قسم می‌خورد. مفسرین قرآن و مترجمین چون مسلمان بوده‌اند، آگاهانه یا ناآگاهانه سوگندها و معتقدات خودشان مانند مکه و جهنم را در زبان وحی گذاشته‌اند در حالی که مخاطب اصلی این سوره‌ها و سال‌ها، و هدف از سوگندهای به کاررفته، متقاعد ساختن مشرکین و منکرین بوده است. کسانی که جهنم را قبول ندارند و برای خانه کعبه اگر احترام قایل هستند، به اعتبار بت‌های سنگی و چوبی و آیین مشرکانه‌ی خودشان است و چون واقعیات با عظمت و پدیده‌های با صلابت مشهود در طبیعت را دیده و شناخته و پذیرفته‌اند، توسل و تمثل به آنها می‌تواند باعث توجه و تفکرشان شود.

اگر قرار باشد خدا به خودش و پیغمبر به رسالت و نبوتش قسم بخورد، دور تسلسل پیش آمده و در حلقه‌ی گنج‌کننده^۱ خواهیم افتاد. مانند آنکه شخص مخترع یا فرد مدعی و مبتکری، حق بودن ادعا یا درایت و دانش خویش و آنچه را که هنوز اثبات و ارائه نشده است به‌عنوان دلایل درستی و کارایی ادعا یا اختراع عرضه نماید. اگر قیامت و آخرت یا زندگی بعد از مرگ و رستاخیز، نظیر و نمونه‌ای در این دنیا می‌داشت که نشان داده و اثبات شود، قرآن همین کار را می‌کرد. یا اگر امکان می‌داشت و مصلحت بود که فرشتگان و مجریان اراده و مشیت خدا، به‌نطق و نمایش درآورده شوند و حتی خود خدا حاضر و فاعل در صحنه گردد، البته مسئله و مشکل ایمان، لااقل برای کسانی که اهل لجاج نبوده و اصرار به انکار و تکذیب نداشته باشند، حل می‌شد. حال اگر این کار را نه قرآن و پیغمبر کرده‌اند و نه پیغمبران گذشته عهده‌دار

۱. حلقه گنج‌کننده: Cercle Vicieux.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۳۹
آن شده‌اند، چه بسا از جهت فراهم نبودن امکانات لازم و عدم استعداد انسان‌ها در شرایط دنیا بوده باشد، یا با خلقت آدمیزاد و هدف او منافات اصولی داشته باشد...
باید امیدوار باشیم که در ردیف‌ها و آیات آینده به جواب این سئوالات برسیم یا تا حدودی به آن نزدیک شویم.

تناسب موضوعات قسم، ارتباط آنها با یکدیگر و با نتیجه‌گیری نهایی «إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ»^۱ جای حرف و بررسی دارد. کوه طور که آن را بعضی‌ها از جهت اینکه محل نزول وحی و گفت‌وگوی خدا با حضرت موسی (ع) بوده است، سوگند مناسب و معتبر یافته‌اند، ولی دلایل یاد شده در بالا القای تردید می‌نماید. درحالی که خود کوه در استحکام و استمرار و واقعیت داشتن، با دریاها و موج لبریز آب و با آسمان رفیع تجانس کامل دارد که زمین و زمان ما در زیر چتر خود گرفته است و انسان‌ها و عوامل طبیعت نمی‌توانند آنها را از سرجایشان بردارند یا از کارشان بازدارند.

کتاب مسطور که سطر به سطر برصفحات باز و گسترده ترسیم و انتشار یافته باشد، به نظر می‌آید بتوان تعبیر و توجیهی غیر از کتاب‌های دستنویس بشری برای آن پیدا کرد. کتاب‌هایی که عرب‌های مخاطب قرآن دیده یا شنیده بودند و در نزد شنوندگان و خوانندگان آینده متداول‌تر و مشهودتر خواهد گشت. انتخاب کتاب به‌عنوان مرجع قسم ممکن است به‌نسبت استناد و شهادتی باشد که اطلاعات و علوم و اکتشافات نوشته شده در کتاب‌ها باید در آینده بر واقعیت داشتن رستاخیز و دگرگونی جهان فعلی بدهند. کما اینکه در اولین آیات وحی، دستور و توصیه خدا به فرستنده‌ی مأمورش «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»^۲، بود همان قلمی که در آینده به‌مقیاس بسیار وسیع‌تر به‌تحریر کتاب‌ها و تعلیم حقایق و واقعیات به‌انسان‌ها، خواهد پرداخت. همچنین بعید است که غرض از «وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ»^۳ قرآن بوده باشد. قرآن نه تنها مورد اعتقاد و احترام معاصرین نبود، بلکه در زمان نزول آیه، به کتابت و انتشار در نیامده «فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ»^۴، نبود، بلکه در حافظه‌ها نقش می‌بست و بر استخوان‌ها و سنگ‌پاره‌ها نوشته می‌شود.

۱. طور (۵۲) / ۷.

۲. علق (۹۶) / ۳ و ۴.

۳. طور (۵۲) / ۲.

۴. طور (۵۲) / ۳.

۳۴۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

با انتخاب «وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ»^۱، به عنوان مرجع یا شاهدِ قسمِ دیگر، عنایت به ساخته و پرداخته‌های خودمان شده است که نمی‌توانیم منکر واقعیت آن و حاکمیت یک سلسله ضوابط و اصول طبیعی بر آن بشویم. بیان‌دیشیم که چگونه انسان با عملکرد و تلاش خویش، سازنده‌ی خانه و تأمین‌کننده‌ی رفاه و راحتی زندگی می‌گردد. کما اینکه در ادبیات دینی، گاهی در برابر خانه‌های دنیا، صحبت از «خانه آخرت» می‌شود. در هر حال استناد و استفاده قرآن از قسم برای کفرزدایی، موضوع قابل توجهی بوده که می‌تواند روشن‌کننده‌ی نکات آموزنده‌ای باشد.

۳) سال اول بعثت، سوره‌ی طارق (۸۶)، شماره نزول ۹ آیات (۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۱	(وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ).	(قسم به آسمان فرویزنده‌ی باران).
۱۲	(وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ).	(قسم به زمین شکافدار - روینده‌ی گیاهان).
۱۳	إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ.	به یقین که آن (پیام یا قرآن) کلام جداکننده‌ی (حق از باطل) است.
۱۴	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ.	و آن گفتار شوخی بیهودن نیست.
۱۵	(إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا).	(به درستی که آن - مشرکین و کفرورزان در برابر این کلام - نیرنگ می‌زنند).
۱۶	وَأَكِيدُ كَيْدًا.	و من هم نیرنگ - در برابر نیرنگ آنها - می‌زنم.
۱۷	فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤْيَا.	پس تو (به جای نگرانی و تلافی‌گری) اندکی مهلت به آنان بده (تا خودم چاره‌شان کنم).

حالا بر مردم (و بر خود پیغمبر) کلامی و کتابی که باید خوانده شود، با پشتوانه‌ی دو سوگند مأخوذ از طبیعت با یک صفت - که فعلاً مهم‌ترین یا ضروری‌ترین کار است - معرفی می‌شود: این گفتار که خواهید شنید همچون محاورات و شنیده‌های دیگرتان و به قصد شوخی و سرگرمی بی‌ارزش و بیهوده نیست. کلامی است جدای از آنها و جدی و جداکننده‌ی به‌جا یا بی‌جا، حق یا باطل. هشدار است که داده می‌شود با چه پدیده‌ی تازه‌ای روبه‌رو خواهند شد و چگونه باید آن را تلقی نمایند. همان‌طور که در ردیف اول وجود خدا و بزرگواری و کرامت او از توجه به انسان که نزدیک‌ترین و مسلم‌ترین جزء طبیعت به ما است، ارایه شده بود، در اینجا هم جدی‌بودن قرآن و جداکنندگی آن در زمینه‌ی حق و باطل یا حقایق و اوهام، با

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۴۱
تشبیه یا تکیه بر آسمان و زمین که دو عنصر دربرگیرنده‌ی انسان، و زندگی‌دهنده‌ی
به ما هستند، اعلام می‌گردد. البته صورت ادعا و اعلام به منظور جلب توجه و هشدار
است، نه ارائه و اثبات.

برای ارائه یا اثبات حقانیت وحی و جدی بودن قرآن به‌وسیله‌ی حسّی و تجربی و
حتی تشبیه و تمثیل با قیاس و استدلال عقلی وجود ندارد. جز اعلام قاطع و توسل
جستن به قسم. همان‌طور که در ردیف‌های گذشته گفتیم قسم خوردن به پدیده‌های
واقعی طبیعت و آثار عظیم خلقت از ویژگی‌های روش کفرزدایی قرآن است که در
مورد قیامت و آخرت یا جریان‌ها و وقایع نامشهود و آینده‌ی غیرقابل رؤیت و اثبات
به کار برده شده است تا به‌وسیله‌ی سوگند و گواه گرفتن پدیده‌های مشابه و با
عظمت، یک‌نوع کشش و امکان پذیرش آزاد در ذهن طرف فراهم گردد. دو فقره
سوگندهای این ردیف آیات به‌طور وضوح از آثار مشهود و معظم طبیعت گرفته
شده است که یکی آسمان و دیگر زمین می‌باشد، با این تفاوت که یکی از صفات یا
حالات آنها اضافه شده است.

آیات ۱۵ و ۱۶ از مقوله‌ی کفرورزی بوده و خبر از واکنش مشرکین می‌دهد که
می‌توانست در بخش اول آمده باشد؛ ولی از این جهت که خبر از واکنش خدا در
برابر تدابیر و ترفندهای کفرورزان (که در سال‌های بعد اشاره و تفصیل داده شده
است و در بخش اول دیدیم) می‌دهد، و واکنشی را که فرستاده خدا باید داشته باشد
و از هم اکنون روشن می‌کند، به حساب کفرزدایی و برنامه‌ی رسالت می‌آید: از جا
درنرفتن پیغمبر، ملایمت و مهلت‌دادن به مشرکین حيله‌گر، و اطمینان داشتن به
چاره‌گری خداوند. از همان صبری که در آخرین آیه ردیف ۲ آمده بود، در اینجا
چهره‌گشایی مقدماتی به‌عمل می‌آید و از اولین سال رسالت و پیش از درگیری و
لجاجت، با دستور مدارا و مهلت روبه‌رو می‌شویم.

کفرزدایی که اساساً و ابتدای اعلام وجود خدا و نشانیدن ایمان و معرفت در دل و
دماغ ناآگاهان است، اگر به اعراض و استهزاء و انکار برخورد نماید، باید به ابلاغ و
ارشاد بیشتر و به تحمل و مقاومت پرداخت. و اگر، همان‌طور که در بخش کفرورزی
دیدیم، کار به مزاحمت و ممانعت و به‌قتال کشید و چاره‌ای جز تدافع و تداوم نخواهد
بود. مجموعه اینها کفرزدایی است که باید پله پله جلو برویم هر چند صحنه‌های آن
را نبینیم.

(۴) سال اول بعثت، سوره‌ی شمس (۹۱)، شماره نزول ۱۱ (آیات ۹ و ۱۰)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷	(وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا).	(قسم به نفس (انسان) و آن گونه که آراسته و استوار گردید (با آن کس که او را آراسته و استوار کرد).
۸	(فَاللَّهِمَّاهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا).	(پس از آزمایش و تسویه، هم بدکاری‌های او و هم پرهیزکاری او را الهام نمود).
۹	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا.	به یقین هر کس که نفس خود را (با خویشتن را) پاکیزه و تصفیه کرد رستگار شد.
۱۰	وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا.	و به یقین هر کس که آن را پلید و فاسد کرد زیانکار گشت.

پس از آنکه گفته شد، کلامی که به شما عرضه می‌گردد جدی و جداکننده‌ی نیک و بد بوده، شوخی و بازی نیست، باز قسم به نفس یا به خویشتن هر کس خورده می‌شود که حامل نطفه‌ها و تمایل مختارانه به هر دو جهت زشت کاری و پاکی می‌باشد و هشدار پیغمبرگونه داده می‌شود که یقین بدانید اگر راه تقوا و تزکیه را در پیش گرفتید، به آنچه خواسته و مطلوبتان است، می‌رسید و پیروز خواهید بود و اگر وجود خدا را آلوده و ضایع ساختید شخص خودتان ضرر خواهید کرد.

شاید این بیان و آیات را بتوانیم اولین اعلام‌ها یا گام‌ها به سوی اختیار و آزادی انسان در ایمان آوردن به خدا و قبول دین بدانیم، اگرچه در شماره ردیف قبل، آیه‌ی آخر (فَمَهَّلَ الْكَافِرِينَ)^۱ نیز می‌تواند به عنوان نشانه‌ی عملی اختیار، حتی به کفار برای گناه کردن، تلقی گردد.

سوگندهایی که برای توجه و تحکیم مطلب آخر، در سوره آمده است - و بزرگ‌ترین تعداد در قرآن می‌باشد - هفت قسم یا هفت شاهد است: خورشید و ماه، روز و شب، آسمان و زمین و بالاخره وجود و ساختار خود انسان. این تعداد و تنوع گواهان جدی بودن و اهمیت ابلاغ را می‌رساند و جدا کردن دو راهی که انسان امکان و اختیار انتخاب آن را دارد، در وجود ما بذره‌های بد و نیک را کاشته است، این رسول و این کتاب آمده است تا به ما بگوید: برای رستگاری خودمان کدام یک از بذرها را پرورش دهیم. اگر خورشید و ماه یا آسمان و زمین حتی خودمان و انسان، با صفات و آثار مربوطه غیر جدی و واهی دروغ هستیم، این دعوت و پیام هم تو خالی و بازی است!

(۵) سال اول بعثت، سوره‌ی اعلیٰ (۸۷)، شماره نزول ۱۳ (آیات ۳ و ۶ و ۸ تا ۱۰)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳	وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ.	آن کس که اندازه گذاشت، سپس هدایت و رهبری نمود.
۴	(وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ).	(و گیاه و علف را- از زمین- بیرون آورد).
۵	(فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ).	(و آنگاه خشک و سیاه گردانید).
۶	سُنْفُرًا لِّفَالِ تَنَسَّىٰ.	و ما (آیات قرآن را) بر تو می‌خوانیم تا آنجا که فراموش نکنی.
۸	وَيُسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ.	و ما تو را بر طریقه آسان موفق می‌داریم.
۹	فَذَكَرْهُ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ.	پس اگر تذکر و یادآوری مفید باشد، تذکر بده.
۱۰	سَيَذَكَّرُكَ مَن يَحْشَىٰ.	زود باشد کسانی که احساس ترس در آنها وجود داشته و اهل ترس و ملاحظه باشند، تذکر را بپذیرند.

قدم به قدم و سوره به سوره رسول اکرم (ص) در راه اجرای رسالت خود تعلیم می‌گیرد و آماده می‌شود. کاری که در ردیف‌های ماقبل گفته نشده بود و ستون فقرات برنامه رسالت را تشکیل می‌دهد، یعنی تذکر و توجه و تنبُّه انسان‌ها، اینک با مدارا و مقدمات لازم به او دستور داده می‌شود. طبیعی است که وظیفه برای او مبهم بوده و نداند، چه چیز را تذکر دهد و چگونه از پس ابهام و مشکلات آن برآید. خداوند به او اطمینان خاطر می‌دهد که به زودی بر تو قرائت خواهیم کرد که چه باید بگویی و فراموش نخواهی نمود. علاوه بر آن مشکلات این کار را برایت آسان خواهیم نمود. و تذکر دادن ساده اگر چه ممکن است به نظر بی‌اثر بیاید، ولی بالاخره سودبخش بوده نتیجه خواهد داد و کسانی که دارای احساس و استعداد خوف از خدا باشند متذکر خواهند شد.^۱

اما سه آیه‌ای که در ابتدا آمده است درباره‌ی مقصد و برنامه‌ی اصلی رسول صحبت می‌کند که «هدایت» است. هدایتی که از خود خداوند سرچشمه گرفته و کار خدا است، ولی نه هدایتی که بی‌قرار و بی‌موقع و بی‌حساب باشد؛ بلکه هدایتی روی اندازه و تقدیر و قراری که مشیت او برای هر مخلوق مقرر داشته است. تقدیر حالت طرح و تصمیم را دارد و هدایت حالت اجرا و حرکت و تحول. آن‌گاه

۱. ممکن است معنای «إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ» چنین باشد: حتماً تذکر و پند نفع می‌رساند. همان‌طور که در سوره ذاریات (۵۱) / ۵۵، به سال ۴ ب فرموده است «وَذَكَرْهُ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». و قبل از آن در سوره عبس (۸۰) / ۴، (ردیف ۱۶، سال ۲ب) «أَوْ يَذَكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ». آمده، مفید و مؤثر بودن تذکر گوشزد شده است.

خداوند برای درک و پذیرش بیشتر پیغمبر نسبت به چگونگی هدایت‌گری خود مثال و مورد محسوس از طبیعت می‌آورد: سر بیرون آوردن گیاهان و سبز شدن چراگاه‌های دشت و کوه، تا خشکیدن و از دست دادن رنگ و زیبایی‌شان. عملی که هر سال در موقع مقرر و شرایط مکرر مشخص، یعنی برطبق اندازه و تصمیم و تقدیر لایزال تکرار می‌گردد و هر علف و نهال در جهت معین ثابت تحول پیدا می‌کند... به طور وضوح واژه هدایت در اینجا معنی و مفهوم رانده‌شدن و رهبری را دارد، نه راهنمایی که معمولاً ترجمه می‌شود.

اتفاقاً آیه دوم (که در جدول نیامده است و می‌گوید «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى» به صورت دیگری بیان‌کننده‌ی همین جریان دومرحله‌ای است:

(۱) آفرینش یا ایجاد،

(۲) آراستن و به صورت متعادل مستوی‌نهایی درآوردن.

البته پنج آیه اول سوره اعلیٰ (۸۷) که با «سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» آغاز شده است، هنوز با رسالت پیغمبر ارتباط نداشته، دستور تسبیح خداوند و الامقام را به او (و به ما) می‌دهد. ولی مناسبت یا دلیلی که می‌آورد، مصداق عمل هدایت‌گری است که غرض رسالت می‌باشد و این معنی مؤید و مکمل اولیه آیه وحی می‌باشد که در ردیف ۱ دیدیم. در آنجا خواندن بود و خلقت، حالا تسبیح است و بزرگداشت، به دلیل خلقت و کیفیت آن. مثل اینکه مهم‌ترین یا برترین کار خدا در عالم - لاقبل به لحاظ ما انسان‌ها - خلقت و کیفیت آن باشد که به صورت مرحله‌ای است و همراه با هدایت و رهبری. کما اینکه می‌گویند: با الهام از همین آیات ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» در سجده‌های نماز آمده است. خدا می‌توانست دفعی و دستوری حالت و صورت‌نهایی موجودات را بیافریند؛ ولی از این روش بشری منزّه و دور بوده با هدایت انجام می‌دهد. و رسالت پیغمبران یا مأموریت کفرزدایی در مورد انسان‌ها از جمله موارد و مصادیق آن می‌باشد.

(۶) سال اول بعثت، سوره‌ی بروج (۸۵)، شماره نزول ۱۴ (آیات ۱ تا ۷ و ۱۲ تا ۲۲) دو آیه ۲۱ و ۲۲ ظاهراً بلامقدمه و بدون ارتباط با قبلی‌ها در آخر سوره بروج (۸۵) آمده است. پس از اعلام اینکه کار کفرورزان تکذیب‌کردن است، ولی خداوند از پشت سر آنها به گفتار و کردارشان احاطه و آگاهی دارد، با تکرار حرف ربط «بل» (بلکه)، اضافه می‌شود، آنچه را که کفرورزان تکذیب می‌نمایند «قرآن مجید» است

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۴۵
و در «لوح محفوظ» جا دارد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ.	قسم به آسمان دارندهٔ برج‌ها (برج‌های دیده‌بانی و مراقبت یا قله‌های محافظت).
۲	وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ.	و قسم به روز موعود (وعده داده شده).
۳	وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ.	و قسم به بینندگان (شاهد و ناظر وقایع) و به وقایع و اشخاص دیده شده.
۴	قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ.	کشته شدند (یا کشته شوند) یاران اخدود (یا خندق‌هایی کنده شده برای انداختن و سوزاندن آنها).
۵	النَّارِ ذَاتِ الْوُوقُودِ.	آن آتش گیرانه‌دار.
۶	إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ.	آن زمان و هنگامه‌ای که (آتش‌افروزان قاتل) بر لب آن (خندق) نشسته بودند.
۷	وَهُمْ عَلَيَّ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ.	و آنان به هر نابهنجاری که در بارهٔ مؤمنان به کار می‌بردند، شاهد و ناظر بودند.
۱۲	إِن تَبْطِشْ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ.	(به حق و به شهادت آن سوگندها) به راستی که خشم و انتقام خداوند‌گار تو، بسیار شدیدتر است.
۱۳	إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُبَدِّلُ.	همانا خود اوست که آغاز (آفرینش) می‌کند و باز می‌گرداند.
۱۴	وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوُدُودِ.	درحالی که (با وجود این قدرت ابداء و اعاده، یا درطول حیات انسان‌ها) بسیار آمرزنده و دوستدار (انسان‌ها) است.
۱۵	ذُو الْعَرْسِ الْمَجِيدِ.	صاحب تخت پادشاهی شکوهمندی است.
۱۶	فَعَالَ لَمَّا يُرِيدُ.	(با قدرت کامله‌اش) به انجام رسانندهٔ ارادهٔ خویش است (به هر چه که اراده نماید با قدرت تمام به انجام می‌رساند).
۱۷	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ.	آیا داستان سپاهیان بر تو رسیده است؟
۱۸	فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ.	(ماجرای لشکریان) فرعون و ثمود؟
(۱۹)	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ.	(حقیقت این است که حال و خیال کفرورزان تکذیب است).
(۲۰)	وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ.	(درحالی که خداوند از پشت سر آنها احاطه دارد).
۲۱	بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ.	بلکه (یا حقیقت این است که آن کتاب) همانا قرآن مجید است.
۲۲	فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ.	که در لوح محفوظ می‌باشد.

در این ردیف ۶، مانند ردیف‌های گذشته سال اول بعثت، باز هم عمل معرفی و توصیف است که صورت می‌گیرد و برای اولین بار نام قرآن در زبان وحی با دو صفت مجید بودن و محفوظ بودن می‌آید. قرآنی که در آن «قول»ها به تدریج گردآوری می‌شود و برای قرائت و خواندن است. همان‌طور که در آغاز وحی به رسول اکرم دستور داده شده بود. مخاطب آیات، علاوه بر منکرین و مشرکین، هم

خوانندگان و شنوندگان بعدی آیات هستند، و هم شخص پیغمبر که بیش از هر کس درباره‌ی آنچه به‌دستش داده می‌شود، احتیاج به آشنایی و اطمینان دارد. در این صورت ضمیر «هُوَ» اشاره و عطف به کتاب و گفتارهایی می‌شود که از طرف خداوند به پیغمبر داده یا بر او نازل می‌گردد.

برای «لُوحٍ مَّحْفُوظٍ» تعبیر و توجیه‌های مرموز کرده و آن را صحیفه‌ی ازلی دانسته‌اند که در نزد خداست. ولی با توجه به اینکه احکام عشره و تورات یا فرمان‌های دهگانه‌ی موسی روی الواحی ثبت شده بوده و دستور حفاظت و مراقبت آنها را به موسی و بنی‌اسرائیل داده، و قرآن چند بار به همین اسم از آنها نام می‌برد. کلمه لوح می‌تواند معنای عادی و مادی داشته و منظور از آن تخته‌ها یا صفحات و اوراقی باشد که قرآن به وسیله‌ی «کتاب وحی» و نویسندگان بعدی و چاپخانه‌ها روی آنها نگاشته خواهد شد. از آن جمله است آیات زیر سوره اعراف (۷) در سال ۱۰ بعثت:

«وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ»^۱

«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُسِمًا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَيْتُمُ الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ»^۲

«وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَابَ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَدُّونَ»^۳

محفوظ بودن قرآن یا لوح را که در آیه ۲۲ آمده است، می‌بینیم که سه سال بعد خداوند با تفصیل بیشتری در سوره حجر (۱۵) برای فرستاده‌ی خود تکرار و تأکید می‌نماید:

۱. اعراف (۷) / ۱۴۵: و برای او در الواح هر گونه اندرز و بیان واضح هر مطلبی را نوشتیم؛ آنگاه [گفتیم]: آن را جدی بگیر...

۲. اعراف (۷) / ۱۵۰: و چون موسی با خشم و تأسف نزد قوم خود بازگشت، گفت: در غیبت من روش ناهنجاری داشتید؛ چرا از فرمان صاحب‌اختیاران [در مورد انتظار چهل روزه برای نزول تورات] شتاب کردید؟ [موسی] الواح را افکند و [موسی] سر برادرش را گرفت و به سمت خود کشید...

۳. اعراف (۷) / ۱۵۴: چون خشم موسی فرو نشست، الواح را بر گرفت، و در نوشتار آن هدایت و رحمتی برای کسانی که از (مجازات) صاحب‌اختیارشان بیم دارند [مقرر شده] بود.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۴۷

«إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ»^۱

صفت مجید که به معنای صاحب مجد و بزرگواری و عظمت است، می‌تواند جواب مقدری باشد که پیشاپیش به تحقیر و توهین‌های مشرکین و منکرین داده می‌شود.

(۷) سال اول بعثت، سوره‌ی تکویر (۸۱)، شماره نزول ۱۵ (آیات ۱۹ تا ۲۹)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۹	إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ.	همانا که آن (چه به شما گفته می‌شود) گفتار رسول (یا مأمور و فرستاده‌ی) بزرگواری است.
۲۰	ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ.	دارنده‌ی نیرو و جایگزین شده در کنار عرش خداوند.
۲۱	مَطَّاعٍ ثَمَّ آمِينٍ.	هم مطاع است که فرمانش برده می‌شود و هم امین (که فرمان خدا را تغییر نمی‌دهد).
۲۲	وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ.	و یار شما دیوانه نیست.
۲۳	وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ.	بلکه به تحقیق آن (رسول یا پیام) را در افق روشن دیده است.
۲۴	وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ.	و او بر ابلاغ غیب و نهان بخل و دریغ نمی‌ورزد.
۲۵	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيبٍ.	(و همچنین) آن (کلام یا پیام) گفتار شیطان رانده‌ی درگاه نیست.
۲۶	فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ.	پس (حالا و با این وصف) شما کجا می‌روید (یا می‌خواهید بروید)؟
۲۷	إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.	این (کلام یا پیام) چیزی جز ذکر برای جهانیان نیست.
۲۸	لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ.	برای هر کدام از شما که بخواهد راه راست پیش گیرد (یا استقامت نماید).
۲۹	وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.	اما شما (چنین چیزی را) نمی‌خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان بخواهد.

آخرین ردیف یا آیات کفرزدایی اولین سال رسالت مفصل‌تر و صریح‌تر از قبلی‌ها بوده و خطاب آن مستقیماً و صریحاً به مردم است. قبلاً خود پیغمبر بوده که آموخته و آماده می‌شد. حالا موقع آن رسیده است که پیام و پیامبرشان به مردم و به دعوت‌شوندگان معرفی گردد. همان‌طور که هر سفیر و پیام برنده‌ای، بعد از دریافت تعلیمات لازم، در طی نامه یا فرمانی به رئیس دولت یا ملتی که مأمور آنجا شده است، رسماً معرفی می‌گردد.^۲

۱. حجر (۱۵) / ۹: قرآن را ما نازل کردیم و خود ما هم محافظش خواهیم بود.

۲. نظم و توالی منطقی که تا به حال در آیات سال اول بعثت مشاهده می‌شود ما آن را به عنوان معجزه قرآن و دلیلی بر خدایی بودن آن تلقی می‌کنیم. کلام و کار بشر نیز وقتی روی عقل و حساب و مدیریت صحیح باشد چنین است. اما می‌تواند تأییدی بر ردیف‌بندی‌های پیشنهادی باشد که در جدول ۱۴ ←

اول نکته‌ای که در جدول آیات فوق عنوان شده «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» است. در سوره طارق (۸۶)، (ردیف ۳) نیز واژه «قَوْل» آمده بود و این معنی را می‌رساند که قرآن شکافنده و روشن کننده است، یاوه و بیهوده نیست. حالا توضیحی اضافه می‌شود که این قول از چه ناحیه و با چه واسطه‌ای می‌آید و آن واسطه یا ناقل، چه ویژگی‌ها دارد، گیرنده یا گوینده‌اش در چه حالی واسطه را دیده است و گفتار از چه کسی نیست. بعد از تذکر اینکه گفتار هزل و بیهوده نیست، از هم اکنون ضروری دیده شده است که سه تصویر یا سه توجیه از ذهن و زبان شنوندگان و گیرندگان پیام زدوده شود:

دیوانه بودن پیغمبر،

بخل و خودداری او از بیان غیب و بالاخره،

منشأ شیطانی داشتن دعوت.

بعداً در سال دوم بعثت و در سوره نجم (۵۳)، (ردیف ۱۳) بعضی از این معانی با تأکید و تفصیل بیشتر در طی ۱۸ آیه عنوان خواهد گردید که باز هم مخاطب آن مردم بوده به تعبیرهای «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى»، «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»^۲ و «وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى»^۳ بر خواهیم خورد.

یازده آیه‌ای که در جدول آمده است مسبق به چهار سوگند از سوره تکویر (۸۱) می‌باشد. قاعدتاً منظور از آنها رساندن اهمیت و قطعیت موضوع برای جلب توجه و تفهیم کفرورزان و خود پیغمبر است و مانند همیشه از طریق توسل و تکیه و تشبیه طبیعت می‌باشد.

«فَلَا أَقْسِمُ بِالْحُسْنِ.

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ.

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ.

→ «سیر تحول قرآن» آمده است و حکایت از متحول بودن آیات قرآن بر طبق یک روال یا برنامه‌ی از پیش تنظیم شده‌ی گوینده‌ی اصلی یا طراح اصلی آن بنماید. اگر ترتیب زمانی نزول سوره‌ها را که در بعضی قرآن‌ها یا از طریق مفسرین و مورخین و محققین عنوان شده است اتخاذ می‌کردیم. به چنین ترتیب منطقی و توالی معقول مطالب بر نمی‌خوردیم و ناهنجاری‌هایی دیده می‌شد. علاوه بر نکته‌ی فوق، با تفسیر موضوعی و ردیف شدن زمانی آیات، انسان به منظور بسیاری از آیات و مفهوم عبارات به کاررفته را بهتر درک می‌کند.

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر (۸۱) / ۱۵ تا ۱۸)

سر زدن وحی از زبان محمد (ص) در آن روزگار تاریک و جاهلیت، همچون دمیدن صبح و سربر آوردن خورشید جهانتاب بوده است که به دنبال ستارگان طلوع و غروب کننده شب هنگام اکنون نوبت آن فرا رسیده است. پیمبران اولوالعزم با کتاب و بیانات آمدند و روشنایی‌ها و هدایتی بر دل‌ها و دیده‌های اقوام گذشته تاباندند. ولی پیامشان در اثر کمی رشد و نارسایی مردم و تاریکی‌های طولانی زمان، گسترش چندان نداشته و در اثر مخالفت‌ها و خرافات به‌زودی مستور و پنهان یا دگرگون می‌شد. درحالی‌که این پیام و این نبی و این کتاب، صبحی است که پشت سر آن اوج گرفتن آفتاب و پیدایش علم و تعلیم خواهد بود.

رسول کریمی که در اینجا از آن نام برده می‌شود به گفته‌ی مفسرین و به احتمال قریب به یقین همان جبرئیل یا فرستنده عامل وحی است که ناچار باید واسطه میان خدا و پیغمبران باشد. اولین صفت او بعد از کریم بودن، نیرومندی و قوت است که در توصیف بعدی سوره نجم (۵۳)، شدید بودن بر آن مزید می‌گردد و معلم یا آموزگار محسوب شده است.

پس از معرفی «قول» و واسطه و قائل که در آیات ۱۹ تا ۲۵ به صورت فهرست و خبر آمده است، در سه آیه ۲۷ تا ۲۹ آخر سوره و پس از پرسش «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ» سه یا چهار نکته دیگر بر آنها اضافه می‌شود:

۱- «ذکر» بودن پیام و دعوت (که در ردیف ماقبل - سوره اعلیٰ (۸۷) - دیده بودیم)؛

۲- برای همه‌ی انسان‌ها بودن و اختصاص به خاندان رسالت و به قریش و قوم عرب آن زمان نداشتن؛

۳- اختصاص و استفاده داشتن برای کسانی که مایل به آن و «راست‌خواه» باشند، راه راست را بجویند یا بخواهند و مستقیم باشند؛

۴- این «راست‌خواهی» و استفاده از «ذکر» یا «قول»، مشروط به خواست خدا است یا منطبق و مسبوق به آن می‌باشد.

توصیف و توضیح‌های فوق در عین ساده و روشن بودن کلام، مطالبی نیست که به لحاظ قبول و درک چندان بدیهی و آسان باشد. در آن زمان و مکان و مردمان، و در آن مرحله‌ی آغاز دعوت، حالت اعلام و معرفی (یا مانیفست) را داشته و ضروری

بوده است که حتی به طور اجمال، ولی قاطع و محکم پیام و آورنده یا آورندگان آن، تا حدود لازم در نزد گیرندگان و شنوندگان شناخته شوند.

دو اعلام «وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ»^۱ و «وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ»^۲ می‌تواند نفی و انکار نسبت‌ها و توجیه‌هایی باشد که از طرف مشرکین و منکرین عنوان می‌شده است یا یک پیش‌بینی و نفی قبلی احتمالی باشد که در خاطر مشرکین و هر مخاطب دعوت خطور خواهد کرد. مفسرینی که آیات و سوره‌ها را به ترتیب کلاسیک تدوین یافته در قرآن‌ها ترجمه و توضیح می‌نمایند، فرض اول را اختیار نموده‌اند. ولی وقتی آیات را در آئینه زمان و حدوث و لزوم بیان آنها می‌نگریم، فرض دوم معقول‌تر و طبیعی‌تر به نظر می‌آید.

در هر حال اعلام‌ها و اطلاعات فوق نکاتی بوده است که می‌بایستی برای بیدار کردن و پاک کردن ذهن‌ها در آغاز کار گوشزد و بلکه تصریح و تأکید گردد. شاهد صحت فرض دوم، به طوری که در بخش اول (کفرورزی در سال‌های مکه) دیدیم، نسبت دادن جنون به فرستاده‌ی خدا از طرف مشرکین در سال سوم بعثت و با دو آیه در آن سال آغاز گردیده، و در سال چهارم به حد اکثر ۶ بار رسیده، و در سال پنجم بر طبق جدول و منحنی زیر، ۲ بار می‌شود و پس از آن بیشتر تنزل یافته در سال دوازدهم خاموش می‌گردد.

تازه در سوره قلم سال ۳ بعثت (ردیف ۱ جدول آیات اتهام دیوانگی به پیامبر) اکتفا به ذکر اتهام مشرکین نشده، و برای دلگرمی و اطمینان خاطر رسول اکرم گفته می‌شود که برخلاف تصور و تهمت آنها، تو دارای ظرفیت و قدرت اخلاقی عظیمی هستی و به زودی، هم خودت و هم آنها خواهید دید که بیماری جنون گریبانگیر کدام یک از شما شده است.

در ردیف‌های بعدی، انتساب یا احتمال جنون، همراه یک صفت دیگر آمده است که حکایت از تردید و عدم یقین گویندگان می‌نماید و آنها را نیز به موقع خود تکذیب کرده است؛ از قبیل شاعر بودن یا ساحر و تعلیم یافتگی و کاهن بودن.

در ردیف‌های ۸ و ۱۰ نیز به گونه‌ای حالت تردید و احتمال وجود دارد. از آن پس به نظر می‌آید که معاصرین پیغمبر متوجه بطلان قطعی نظرشان شده بوده و دیگر ضرورتی پیش نیامده است که چندان به آن اشاره و استدلال بشود.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۵۱

در مورد، نعوذ بالله، معجون‌بودن یا معجون‌نبودن پیغمبر، چون ارتباط با شخص پیغمبر و گفتار و رفتار و کردار محسوس او پیدا می‌کرده است، همان‌طور که دیدیم، ارائه و انکار زیاد به عمل آمده است. ولی در موارد دیگر که مرجع ضمیر و مسئله‌ی جبرئیل، فرشته‌ی وحی و پذیرش آن می‌باشد، به بحث و اثبات‌های کمتری برمی‌خوریم.

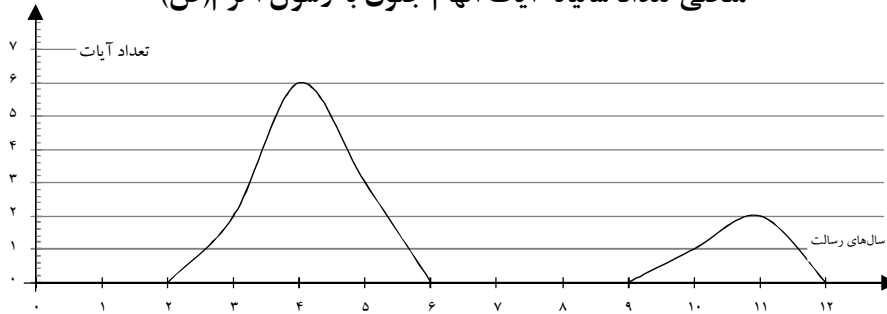
جدول آیات اتهام دیوانگی (جنون) به رسول اکرم از طرف کفرورزان

متن آیات	نام و شماره سوره	شماره	
		ب	ا
۲. مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ. (۴) وَإِنَّكَ لَعَلِيَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ. (۵) فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ.	قلم (۶۸)	۳	۱
۳۶. وَيَقُولُونَ إِنَّمَا نَتَارَكُوا آلِهَتَنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ.	صافات (۳۷)	۳	۲
۳۹. فَتَوَلَّىٰ بَرَكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ.	ذاریات (۵۱)	۴	۳
۹. كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ.	قمر (۵۴)	۴	۴
۵۱. وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ.	قلم (۶۸)	۴	۵
۱۴. ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَجْنُونٌ.	دخان (۴۴)	۴	۶
۲۹. فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ.	طور (۵۲)	۴	۷
۶. وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ. (۷) لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ.	حجر (۱۵)	۴	۸
۲۷. قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ.	شعراء (۲۶)	۵	۹
۲۵. إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبُّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ. ۷۰. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ.	مؤمنون (۲۳)	۵	۱۰
۱۸۴. أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ.	اعراف (۷)	۱۰	۱۱
۸. أَفْتَرَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ. ۴۶. قُلْ إِنَّمَا أُعْطِيتُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا صَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ.	سبا (۳۴)	۱۱	۱۲

جدول توزیع سالیانه آیات اتهام جنون به رسول اکرم

سالهای رسالت	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	
فراوانی	۲	۶	۳	-	-	-	-	۱	۲	-	-	

منحنی تعداد سالیانه آیات اتهام جنون به رسول اکرم (ص)



بدیهی است که برای ما خوانندگان فعلی قرآن و مخصوصاً برای منکرین یا اهل تردید و تحقیق، هر یک از اظهارات و ادعاهای فوق در معرفی قول یا قرآن، محتاج به توضیح و تفهیم بیشتر و ارتباط و اثبات می‌باشد و دنیایی از رموز و اسرار در معرض انکار یا لااقل استفهام نیز هست. مثلاً سئوالاتی از این قبیل:

- این رسول یا جبرئیل کی است، چگونه است و چرا؟
- صاحب قوت بودن او به چه صورتی است؟
- قوت و قدرت چه ارتباط با نزول آیات دارد؟
- آیا از جنس انرژی و در سطح اعلی و محکم آن می‌باشد که از اراده و امر سرچشمه گرفته، موجد کلام و صوت و صورت می‌شود؟
- مطاع بودن در پیش چه کسانی؟ برای چه چیز و چه ارتباط یا القای قول؟
- امانتداری او در چه چیز است؟
- معنون نبودن پیغمبر چه دلیل و چه تضمین دارد؟
- افق مبین کجا و چگونه است؟
- رؤیت آن به چه صورت بوده است؟
- شیطان رجیم کیست و قول او چیست؟
- جهانی بودن ذکر، آیا تحقیق خارجی و کفایت دارد؟
- ارتباط خواست ما با خواست خدا به چه دلیل و به چه صورت است و بر چه چیز دلالت می‌نماید؟

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۵۳

مرحوم طالقانی سعی کرده است در تفسیر «پرتوی از قرآن» با یک منطق مختلط ادبی-علمی (علمی جدید)، عرفانی و تاریخی و با استناد به آیات و روایات چند به این سؤال‌ها جواب بدهد. به نظر می‌آید که هیچ‌یک از مفسرین قرآن با چنین دید و درایت چنین جرأت و موفقیت را پیدا نکرده باشند.

ما فعلاً چون امیدواریم که با تحول محتوایی قرآن در سوره‌ها و سال‌های بعد، به تدریج به راهنمایی‌ها و تفصیل‌های بیشتری برسیم، به اشارات و بیانات فوق‌اکتفا می‌نماییم و وارد سال دوم بعثت می‌شویم.

آیات کفرزدایی در سال دوم بعثت (ده ردیف، از ۸ تا ۱۷ شامل ۱۳۷ آیه با ۴۵۶ کلمه)

پس از زمینه‌سازی‌های حساب شده و آماده‌کاری‌های اعلام شده که از طرف خداوند در سال اول بعثت روی رسول اکرم و روی دعوت‌شوندگان به‌عمل آمد، اینک شاهد جهش ماشین رسالت برطبق برنامه کلی پیش‌بینی شده می‌شویم. خواهیم دید که ابتدا با متانت و سپس با سرعت دور برمی‌دارد. در بخش اول کتاب دیده بودیم که سیر تحول واکنشِ مشرکین و کفرورزان چگونه بود؛ با بی‌اعتنایی و اعراض آغاز گردید و به اتهام و استهزاء گرایید؛ پس از آن یا ضمن آن نسبت جنون دادن و چیزهای دیگر به میان آمد.

البته معرفی قرآن و مأموریت پیغمبر درباره‌ی مشرکین باز هم ادامه داشته رو به افول می‌رود و به‌جای آن، روبه‌رو شدن با مشرکین و دعوتِ معاصرین یا کفرزدایی، به‌صورت ملایم و منطقی آغاز گردیده و تدریجاً شکل می‌گیرد. در برابر تکذیب و اعراض آنها تذکر است و توجه دادن به عذاب آخرت و به هلاکت‌های این دنیا، و مخصوصاً استدلال و استنادهای فراوان به پدیده‌های طبیعت و شواهد علنی خلقت. از هم اکنون روی یک نکته مهم تکیه می‌شود که در سال اول اشاره شده بود و آن آزاد گذاردن کفرورزان است در ایمان آوردن به خدا، و اکتفا نمودن پیغمبر به تذکر و توجه آنان.

۸) سال دوم بعثت، سوره‌ی ناس (۱۱۴)، شماره نزول ۱۸ (کلیه آیات سوره از ۱ تا ۶) در این سوره و آیات، خداوند راه پناهندگی یا چاره و فرار از دسایس و القائنات را به رسول خود نشان می‌دهد. وسوسه‌های آزاردهنده یا تردیدآوری که از ناحیه

موجودات یا عوامل مخفی ناشناخته و از افراد آدمی و شناخته شده القا می‌گردد. ولی چگونگی و مورد این وسوسه‌ها تعیین نشده است. به احتمال قوی و با توجه به اینکه فعلاً در ابتدای کار رسالت و آغاز کفرزدایی هستیم این القائات یا وحشت و وهم‌ها می‌تواند درباره‌ی موانع و مشکلات و خطراتِ رو دررو شدن با بزرگان و ارباب‌های جوامع باشد یا با صاحبان قدرت و با افراد و ارزش‌های مورد علاقه و احترام عمومی. تعلیم و تلقین سوره این است که برتر و نیرومندتر از همه‌ی آنها خداوند یکتا بوده، به او پناه بردن و در سایه‌ی حمایت و هدایت و اتکاء به او زیستن، از هر جهت ایمنی کامل پیدا خواهد کرد. رسول اکرم نترسد، تردید نکند و با امید و اطمینانِ خاطر، بار رسالت را به دوش بگیرد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ.	بگو پناه می‌برم به پروردگار ارباب انسان‌ها (یا آدمیان).
۲	مَلِكِ النَّاسِ.	پادشاه آدمیان.
۳	إِلَهِ النَّاسِ.	خدای معبود آدمیان.
۴	مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ.	از شرِ وسوسه شیطان.
۵	الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ.	کسی که در اندیشه و خواسته آدمیان وسوسه می‌اندازد.
۶	مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.	اعم از جن و انسان.

این آیات در واقع به دنبال وعده‌ها و تقویت و دلگرمی‌هایی است که در ردیف‌های زیر داده شده بود:

(۲) مدثر (۷۴) / ۷: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ».

(۳) طارق (۸۶) / ۱۵: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا».

(۵) اعلیٰ (۸۷) / ۸: «وَتَيْسَّرُكَ لِلْيُسْرَى».

(۶) بروج (۸۵) / ۲۲: «فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ».

بدیهی است که پناه بردن به خدا از دست عوامل و ایادی وحشت‌آور و وهم‌انگیز که در سر راه هر انسان و هر مأموریت و تصمیم حق قد علم می‌کند، قابل تعمیم به همه‌ی مؤمنین می‌باشد و سوره ناس (۱۱۴)، فایده و خطاب عام دارد.

۹) سال دوم بعثت، سوره ی لیل (۹۲)، شماره نزول ۲۱ (آیات ۴ تا ۲۱)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ.	(قسم به شب، زمانی که - همه جا را با تاریکی - می پوشاند.)
۲	وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ.	(و قسم به روز هنگامی که - به همه جا - تجلی و نورافشانی نماید.)
۳	وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ.	(قسم به آنچه خداوند از نر و ماده بیافریند.)
۴	إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ.	همانا که کوشش و تلاش‌های شما چند گونه است.
۵	فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَىٰ.	پس هر کس (یا کسانی که) عطا و احسان کرد و تقوا پیشه نمود.
۶	وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ.	و نیکی و خوبی را تصدیق کرد.
۷	فَسَبِّحْهُ لِلْإِسْرَىٰ.	در این صورت برای آسان شدن و موفقیت کار او تسهیل فراهم می آوریم.
۸	وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ.	و اما کسی (یا کسانی که) بخل ورزیده و خود را بی نیاز و رها شده بداند.
۹	وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ.	و تکذیب و انکار نیک و نیکی را بکند (یا بکنند).
۱۰	فَسَبِّحْهُ لِلْإِسْرَىٰ.	در این صورت تسهیل برای مشکل شدن کار او فراهم می آوریم.
۱۱	وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ.	در حالی که مال و دارایی‌های او در موقع عذاب و سختی به داد او نخواهد رسید.
۱۲	إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ.	به درستی که هدایت و رهبری به عهده‌ی ما است.
۱۳	وَإِن لَّنَا لَلْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ.	و پایان و آغاز (یا آخرت و خلقت اولیه) برای ما است.
۱۴	فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ.	پس (به آنها بگو که) من شما را به آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم.
۱۵	لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ.	در آن آتش نیفتند (یا به آن آتش نرسد) مگر شقی ترین خلاق.
۱۶	الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ.	کسی (یا کسانی) که تکذیب کرد و روی گردانید.
۱۷	وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ.	ولی با تقواترین خلاق به زودی از آن دوری می جویند.
۱۸	الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ.	کسی (یا کسانی) که مال خود را می دهند تا تزکیه و پاک شوند.
۱۹	وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ.	و هیچ کس را نعمتی نیست که به وسیله آن به پاداش برسد.
۲۰	إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ.	جز آنکه روی خداوند برتر و اعلا‌ی خود را طلب کند.
۲۱	وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ.	و حتماً به زودی خوشنود خواهد شد.

انذار و هشدار آخرت که وظیفه اصلی رسول اکرم (ص) است و در ردیف ۲ آیه (مدثر (۷۴) / ۲: قُمْ فَأَنْذِرْ). دستور آن صادر گردیده بود، در حقیقت با این سوره و در این ردیف آغاز می گردد. طرز انذار و پیش گفتار آن نیز جالب می باشد.

با آیه «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ.» برای اولین بار رسول اکرم (ص) کفرورزان را تهدید به آتش جهنم می نماید و اهل تقوا را از آن مصون و به دور اعلام می کند. ولی

به طوری که می‌بینیم پیش از آنکه انذار از آتش به عمل آید، زبان وحی به دلالت و نصیحت پرداخته، به دنبال بیان کلی ردیف ۴، سوره شمس (۹۱) / ۹ و ۱۰ که دو خبر «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا.» آمده بود، در اینجا با قید سه قَسَم و با مختصر تفصیلی، آیات ۴ تا ۱۱ نازل شده، نتیجه و حاصل فعالیت‌ها و مساعی مردم را در دنیا نشان می‌دهد: یک طرف إعطا و تقوا و تصدیق خوبی‌ها است، و طرف دیگر بخل و تصور بی‌نیازی و تکذیب آنچه نیک و حق است می‌باشد. کلام، بیشتر کلام دلالت و هدایت و اطلاع است تا اخطار و انذار.

پس از آیات و آگهی‌های فوق، خداوند علیم حکیم عمل هدایت انسان‌ها (و موجودات) و همچنین سرآغاز و سرانجام زندگی و جریان‌ها را به خود نسبت داده و «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ. وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ.» می‌گوید. با چنین تعهد هدایت است که قطار ۲۲ سال انذار خلاق به راه می‌افتد و فرمان داده می‌شود. آتش زبانه‌دار برای بدبخت‌هایی است که اصرار دارند خدا و رسول و واقعیات و قیامت را تکذیب نمایند و مصونیت از آن پرواداران از خدا و پرهیزکنندگان از این اخطار و احتمال‌ها است. از آن کسانی که حاضر شوند به خاطر پاک ساختن خود از آلودگی‌ها و قُرب به خدا، از مال و دارایی‌های شخصی که وسیله چسبندگی و بندگی دنیا است، مایه بگذارند.

در آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ برای مزید اطلاع و اخطار و رفع موانعی که پیش‌بینی می‌شود اشخاص در برابر بذل مال ابراز دارند، توضیح داده می‌شود که بهره‌مندی واقعی و نهایی از نعمت‌هایی که در اختیار آنان گذارده شده، در صورتی است که آن را در راهی که خواسته و رضای خدا است صرف نمایند؛ ولی بدانند که به زیانشان تمام نخواهد شد و از این عمل راضی و خشنود هم خواهند شد.

ملاحظه می‌شود که در این ۱۸ آیه کوتاه، با پشتوانه‌ی سه سوگند استشهاد از طبیعت و با استشهاد به گردش دائمی روزگار و آفرینش موجودات، نمونه‌ی مجمل ولی محکم از منطقی داده شده است که فرستاده‌ی خدا باید در برابر مشرکین و مردم به کار برد و تذکر و تعلیماتی است که باید برای سوق دادن آنها به سوی خدا و آخرت بدهد.

۱۰ سال دوم بعثت، سوره‌ی مرسلات (۷۷)، شماره نزول ۲۵ (آیات ۱ تا ۲۸)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات ^۱
۱	وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا.	سوگند به بادهایی که از پی هم می‌آیند (یا چون نسیم مطبوع و ملایم‌اند).
۲	فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا.	و سوگند به بادهای سخت و زنده.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات ^۱
۳	والتَّائِبَاتِ نَشْرًا.	و سوگند به بادهای باران آور.
۴	فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا.	و سوگند به آنها که حق را از باطل جدا می‌کنند.
۵	فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا.	و سوگند به آنها که یاد خدا را می‌آموزند.
۶	عُدْرًا أَوْ نُذْرًا.	تمام کردن حجت را یا بیم دادن را.
۷	إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ.	که آنچه به شما وعده داده‌اند (یا به آنچه وعده داده شوید، ترجمه مرحوم معزی) واقع خواهد شد.
۸	فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ.	پس آنگاه که ستارگان خاموش شوند.
۹	وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ.	و آن زمان که آسمان بشکافتد.
۱۰	وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ.	و آنگاه که کوه‌ها پراکنده گردند.
۱۱	وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْتَتْ.	و آنگاه که پیغمبران را وقتی معین شود (یا میعاد و موقع تحقق اندازهایشان برسد).
۱۲	لَا يَأْتِي يَوْمَ آجَلَتِ.	برای چه روزی معین شود؟
۱۳	لِيَوْمِ الْفَضْلِ.	برای روز فصل (برای روزی که در آن گناه کاران از بی گناهان جدا شوند).
۱۴	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَضْلِ.	و چه دانی که روز فصل چیست؟
۱۵	وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.	در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.
۱۶	أَلَمْ يَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ.	آیا اولیان را هلاک نکردیم؟
۱۷	ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ.	و آخرین را نیز از بی آنها نمی‌بریم؟
۱۸	كَذَلِكَ نَفْعُ الْإِجْرِمِينَ.	یا مجرمان چنین رفتار می‌کنیم.
۱۹	وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.	در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.
۲۰	أَلَمْ تَخْلُقْهُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ.	آیا شما را از آبی پست و بی‌مقدار نیافریدیم؟
۲۱	فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ.	و آن را در جایگاهی استوار قرار ندادیم؟
۲۲	إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ.	تا زمانی معین؟
۲۳	فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ.	پس ما توانا بودیم و نیک توانا بودیم.
۲۴	وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.	در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.
۲۵	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا.	آیا زمین را جایگاهی نساختم؟
۲۶	أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا.	برای زندگان و مردگان؟
۲۷	وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَّ سَامِيخَاتٍ وَأَسْفِيَّتَاكُم مَّاءً فُرَاتًا .	در آن، کوه‌های بلند پدید آوردیم و از آبی گوارا سیرابان ساختیم.
۲۸	وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.	در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

۱. ترجمه‌ها مأخوذ از «قرآن سروش» ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشریه‌ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۸ است.

هفت آیه اول که منتهی به «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ»، شده و با شش سوگند آغاز گردیده است شباهت به ۶ آیه ابتدای سوره نازعات (۷۹) (ردیف ۱-۲) دارد و آیه پنجم آن در اینجا تکرار شده است. در آنجا به بادهای ملایم و مفید سوگند خورده شده بود که حامل ابرها و برنده‌ی کشتی‌ها هستند و کالاها و کارهایی را پخش می‌کنند که مورد استفاده و مطلوب بشر است. اما سوگندهای این سوره از باد ملایم آغاز گردیده و بلافاصله عنایت به تندباد و طوفان به عمل می‌آید. پس از آن از آثار جا گذاشته و خاطرات تلخ و ترساننده صحبت می‌شود؛ آثار و خاطراتی که می‌تواند مشابهت به پیدایش و پدیده قیامت داشته باشد. آثار و جریان‌هایی را از طبیعت به یاد می‌آورد که نامحسوس و بی‌سروصدا با ملایمت و ملاحظت به راه افتاده رفته رفته دور برمی‌دارد و مزاحم و مخرب می‌شود.^۱

غالب مترجمین و مفسرین این سوره از «وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا»،^۲ استنباط باد ملایم کرده بودند. ولی در اینجا چون نشانه‌هایی از کشتی و ابر نیامده است، اسم فاعل‌های «مُرْسَلَاتٌ» و «عَاصِفَاتٌ» و «نَاشِرَاتٌ» و بقیه را به عنوان اسامی و صفات فرشتگان تلقی کرده‌اند. چنین تلقی بنا به دلایل مذکور در ردیف‌های (۱-۲) و (۲-۲)، به نظر قابل قبول نمی‌آید. بهترین ترجمه و تفسیر آن است که بنا به مشابهت دو گروه آیات ابتدای دو سوره‌ی ذاریات (۵۱) و مرسلات (۷۷) و نتیجه‌گیری مشترک «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ»،^۳ مراجع سوگندها را جریان‌ها و آثاری از طبیعت مشهود محسوس بگیریم که با پدیده‌ی قیامت و آنچه به شنوندگان و خوانندگان قرآن وعده داده می‌شود شباهت و مناسبت داشته باشد. برای اثبات و زمینه‌سازی یک خبر یا مطلب، قسم خوردن به خود خبر یا آورنده‌ی خبر، نمی‌تواند عمل منطقی و مؤثری باشد.

از آیات ۱۵ تا ۱۸ که پیش‌گویی‌های کوتاه از نشانه‌ها و مقارنات قیامت شده است، متمم شیوه‌ی کفرزدایی قرآن به وسیله‌ی گواه‌گیری از جریان‌های عظیم طبیعی است

۱. در ترجمه «قرآن سروش» که جدید و به زبان فارسی صحیح است و نسبتاً سنجیده و دقیق می‌باشد، آقای عبدالمحمد آیتی سه فقره سوگندهای اول را تعبیر به باد کرده است ولی در آیات ۴ و ۵ و ۶ از حدود معنای مستقیم اسم فاعل‌ها جلوتر رفته و جانب احتیاط را گرفته است. در «فارقات» و «ملقیات» ذکر به صورت عذر یا انذار، هم می‌تواند اشاره به عمل تندبادهای ویرانگر عذرآور و هشداردهنده باشد و هم اگر خواسته باشند پای پیامبران و کتاب‌های آنان را پیش کشند، فرق گذارنده‌های جداکننده‌ی حق و باطل و القاکننده‌های یاد خدا یا آخرت باشند، البته تعبیر و تطبیق دوم تصنعی به نظر می‌آید.

۲. ذاریات (۵۱) / ۱.

۳. مرسلات (۷۷) / ۷.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۶۱
که با اشاره و ابهام در این سوره آغاز می‌گردد و از عالم‌گیر بودن رویداد قیامت و اشتراک و احاطه‌داشتن آن به تک تک و مجموعه‌ی ستارگان آسمان و کوه‌های بلند زمین خبر می‌دهد و همراه یا به دنبال آن پیامبران و پیامشان را در صحنه آورده و هشدار کوبنده‌ی «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ»^۱ را سر می‌دهد.

در تمام این مراحل که مسلماً تعمّد اقناع و جلب ایمان در کار بوده است، ارائه‌ی دلایل یا وقایع و انشاء مطالب از نوع محاورات بشر با بشر نیست - که خود نشانه‌ی غیربشری بودن آن است - گوینده با اطمینان تمام و با قاطعیت کلام سخن می‌گوید. سخنی که تردید و تأمل در آن راه ندارد و گوینده نیازی به گفتن آن و به پذیرش شنونده ندارد. «انباء» و «انذار» است. حتی تصریح می‌کند که پیام‌رسان، قدرت درک «يَوْمُ الْفُضْلِ» و چگونگی جدا شدن ثواب کاران و گنه‌کاران یا مؤمن و منکر (و یا تفکیک حق از باطل) را ندارد، تا چه رسد به دیگران که فاقد ارتباط و استعداد لازم هستند و بنابراین امکان ارائه و اثبات وجود ندارد.

ولی وحی الهی و برنامه‌ی کفرزدایی، به این عدم استعداد و امکان انسان‌ها در زندگی دنیا متوقف نشده از دریچه‌ی دیگری به جلب مشتری و دفع کفر می‌پردازد. از آیات ۱۶ تا ۲۸، با این سوره، تأکید بر اعلام و اثبات آخرت بیشتر شده و مختصر اشاره و توصیف‌هایی هم داده می‌شود. برای اولین بار (در آیات ۱۶ تا ۱۸) صحبت از هلاکت و انذارهای این دنیا که در انتظار مجرمین است، به میان می‌آید. در ظرف یک سال یا چند ماهی که از آغاز دعوت گذشته و همان‌طور که در بخش کفرورزی دیدیم، عکس‌العمل مشرکین به صورت تکذیب ظاهر شده است. بنابراین از لابه‌لای توضیحات و نشانه‌هایی که به اتکای آثار طبیعت، از جدی بودن آخرت و هلاکت و از خلاقیت و قدرت خداوندی خبر داده می‌شود، چهار بار جمله‌ی اندازی «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ»^۲ تکرار می‌گردد. اما به موازات اوج گرفتن انذار توجه و نفوذ بیشتری نیز به منطوق کلام و استدلال داده شده است که اسباب کار کفرزدایی و متمم انذار می‌باشد. ضمناً طرز بیانی که به کار برده شده است، به صورت سؤال و اخذ جواب (دیالوگ) است تا شنونده را به فکر کردن و جواب عاقلانه دادن وا دارد.

۱. مرسلات (۷۷) / ۱۹.

۲. مرسلات (۷۷) / ۱۵ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۸.

(۱۱) سال دوم بعثت، سوره نباء (۷۸)، شماره نزول ۲۶ (آیات ۱ تا ۱۸ و ۲۱ و ۳۱ و ۴۰)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	(عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ.)	(و از چه می پرسند؟)
۲	(عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ.)	(از خیر بزرگ.)
۳	(الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.)	(خبری که در آن (اشکال و) با یکدیگر اختلاف دارند.)
۴	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.	چنین نخواهد ماند، بلکه به زودی خواهید دانست و آگاه خواهید شد.
۵	ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.	باز هم چنین نخواهد ماند، بلکه به زودی خواهید دانست.
۶	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا.	آیا زمین را (همچون) گهواره (برای آسایش و پرورش) قرار ندادیم؟
۷	وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا.	و کوهها را همچون میخ و ستون (نصب نکردیم)؟
۸	وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا.	و شما را نر و ماده (و از دو جنس مرد و زن) آفریدیم.
۹	وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا.	و خواب را برای شما وسیله استراحت و قوام حیات قرار دادیم.
۱۰	وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا.	و شب را لباس و پوشش در آوردیم.
۱۱	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا.	و روز را (زمان و وسیله) معاش قرار دادیم.
۱۲	وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا.	و بالای سر شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم.
۱۳	وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا.	و چراغی چون (خورشید) روشن افروختیم.
۱۴	وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا.	(و از ابرهای) فشرده شده قطره قطره آب فرو ریختیم.
۱۵	لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا.	تا (بدان وسیله) دانه و گیاهها بیرون آوریم.
۱۶	وَجَعَلْنَا الْفَأَافًا.	(و همچنین) باغهای پر درخت در هم پیچیده.
۱۷	إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا.	همانا که موعد و منتهای همه این (اشیاء و احوال) روز فصل است.
۱۸	يَوْمَ يُفْخَخُ فِي السُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا.	روزی که در صور دمیده شود و فوج فوج بیایید.
۲۱	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا. تا آیه ۲۶	به درستی که جهنم در کمین یا انتظار (بدکاران) است.
۳۱	إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا. تا آیه ۳۵	به درستی که برای پرواداران و اهل تقوا برخورداری و وصال است.
۴۰	إِنَّا أَنْزَلْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا كَرِهَ أَلْبَسْتَهُ فَالْكَافِرُ يَأْتِيَنَّكَ تُرَابًا. قَدَمْتِ بَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا.	ما شما را از عذاب نزدیکی بر حذر می داریم. روزی که شخص ناظر کرده‌های خود گشته کافر می گوید ای کاش (نیامده) و خاک می بودم!

این آیات خبر از عذاب و نشانه‌های آخرت و طرح سئوال‌هایی که در ردیف‌های گذشته عنوان شده بود، می دهد که نتیجه اش در این سوره منعکس گردیده است:

«عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ!»

همان طور که در بخش کفرورزی اشاره کرده بودیم ، میان مشرکین و معاصرین

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۶۳

که تکذیب و اعراض و بی‌اعتنایی رواج داشته است، اخبار و انذارها افرادی را به استفسار و استفهام واداشته و موضوع دعوت به صورت جدی و عام مطرح و مورد گفت‌وگو و اختلاف قرار گرفته است که خود اولین پیروزی محسوب می‌شود بلافاصله گفته می‌شود که دوران اعجاب و انکار و اختلاف چندان به درازا نخواهد کشید. به‌زودی معلوماتان خواهد شد که واقعیت و حقیقت دارد و پس از آن هم (شاید در روز رستاخیز بیشتر و بهتر) خواهید دانست و یقین عینی خواهید کرد.

بعد از این مقدمات و ضمن آیات ۶ تا ۱۷، پرسش‌های انکاری- استفهامی سوره مرسلات (۷۷) در ردیف قبل، با دامنه‌ی گسترده‌تر و در حلقه‌های تنگ‌تر و مشهود و غیرقابل انکار از سر گرفته می‌شود. از زمین و کوه و زن و مرد و انسان‌های در خواب و معاششان گرفته تا افلاک آسمان، با آفتاب و باران‌های آن که دانه‌ها و علف‌های بیابان و باغ و بستان‌های پر نعمت را به‌بار می‌آورد. در حقیقت به مشرکین گفته می‌شود، همان‌طور که این پدیده‌ها و آفریده‌ها محسوس و برای شما مسلم می‌باشد، روز رستاخیز مسلم قطعی و وعده‌گاه و مقصد نهایی خواهد بود. و در آن روز جدایی و شهود، دو چیز و دو سرنوشت در انتظار است: یکی جهنم که برای سرکشان است (و اولین بار نامش برده می‌شود) و دیگری برخورداری و پیروزی پرهیزکاران که صاحب باغ‌ها و میوه‌ها و جام‌ها و پاداش متناسب با ایمان و اعمالشان خواهند شد؛ از هر طرف حساب است و کتاب و پاداش است و عقاب.

در سال اول اشاره قطعی به رستگاری یا تباهی دو دسته از نفوس انسان‌ها شده بود، در آغاز سال دوم، ذکر از به ثمر رسیدن کوشش‌ها و آسان کردن کارهای یک دسته و گره خوردن کار دسته دیگر به میان آمده، خبر از روز جدا شدن آنها از یکدیگر داده می‌شود. اینک موعد و مکان روز فصل تعیین می‌گردد که در پایان گردش‌های شب و روز، درخشش خورشید، ریزش باران، رویش گیاهان و زندگی دنیایی انسان بوده، دسته‌ای راهی جهنم برای ماندگاری طولانی و چشیدن آشامیدنی و خوردنی‌های نامطبوع می‌شوند و دسته دیگر وارد شوندگان به بهشت و باغات و واصل شوندگان به آرزوهای دلخواه خواهند بود. در پایان سوره بی‌پرده صحبت انذار به عذاب نزدیک می‌شود که محصول و عملکرد خودشان است و مایه پشیمانی او می‌گردد.

۱۲) سال دوم بعثت، سوره‌ی مدثر (۷۴)، شماره نزول ۲۷ (آیات ۱۱، ۱۷، ۲۶، ۵۴ تا ۵۶) در آیات ابتدای سوره مدثر (۷۴) (ردیف ۲)، دستور «قُمْ فَأَنْذِرْ» به پیغمبر برگزیده داده

شد. اینک حاصل اندازها و تذکارها، به طوری که در بخش کفرورزان دیدیم، اظهار نظر و موضع گیری و قضاوتی است که ولید بن مغیره معرفی می نماید. طبیعی است که رسول اکرم شدیداً رنجیده خاطر و خشمناک گردیده و خواهان مرگ و عذاب دردناکِ چنین فردِ عَنُودِ خطرناک گردد و اگر خود نتواند، انتظار آن را از خدا داشته باشد! ... ولی می بینیم برخلاف آمال و افکار بشری، خداوند چنین امیدواری و مأموریت را به فرستاده‌ی خود نداده و می گوید: کار و بار او را به خود من واگذار کن. خود من هستم که با مشیت و مقدراتم او را آفریده و ساخته و علی رغم دشمنی و انکارش، مال و اولاد و امکانات فراوان در اختیارش گذارده‌ام. ولی به زودی و به موقع خود به کیفر کسی را که با اندیشه و سنجش و تشخیص خویش، حکم به کلام بشر و سحر و جادو بودن آیات داد که نه یک بار بلکه چند بار، سزاوار مرگ و نابودی است؛ جزایش را در آن دنیا با رساندن او به آتش جهنم خواهم داد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۱	ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا	مرا به حال (و کار) خود بگذار، با آن کس که به تنهایی (و بدون مشورت و کمک دیگران) آفریدم.
۱۲	(وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا)	(و برای او مال و منال گسترده فراوان فراهم کردم.)
۱۳	(وَبَيْنَ شُهُودًا)	(و پسران حاضر به خدمت دادم.)
۱۷	سَارَهْفَهُ صَعُودًا	به زودی او را به آتش دوزخ درافکنیم.
۱۸	(إِنَّهُ فُكِّرَ وَقَدَّرَ)	(به درستی که (پس از شنیدن اندازها و استدلالها) به فکر و اندیشه فرو رفت و آیات را ارزیابی کرد.)
۱۹	(فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ)	(پس مرگ بر او باد که چه ارزیابی کرد.)
۲۰	(ثُمَّ قَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ)	(باز هم مرگ بر او، با ارزیابی و داوری که کرد.)
۲۴	(فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ)	(و به این نتیجه رسید و گفت این گفته‌ها چیزی جز جادوگری کارا نیست.)
۲۵	(إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ)	(مع ذلک چیزی جز گفتار آدمی نیست.)
۲۶	سَأَصْلِيهِ سَعَرًا	به زودی او را به دوزخ واصل خواهیم کرد.
۵۴	كَلَّا إِنَّهُ تَدَكَّرُ	چنین نیست بلکه این (گفتار و کتاب) پند و یادآوری است.
۵۵	فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ	حال هر کس خواست پند می گیرد و متذکر می شود.
۵۶	وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ	و متذکر و متوجه نمی شوند مگر آنکه خدا بخواهد؛ اوست که اهل تقوا و اهل آموزش است.

این آیات و اظهارات غیرمنتظره در تأیید و به دنبال آیه کوتاهی است که در سومین ردیف آیات کفرزدایی در سوره طارق (۸۶) / ۱۵ تا ۱۷ پیش بینی شده بود:

«إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا.

وَأَكِيدُ كَيْدًا.

فَمَهَّلَ الْكَافِرِينَ أَمَّهُمْ رُؤْيُهَا» (طارق (۸۶) / ۱۵ تا ۱۷)

(به درستی که آن - مشرکین و کفرورزان در برابر این کلام - نیرنگ می‌زنند.

و من هم نیرنگ - در برابر نیرنگ آنها - می‌زنم.
پس تو (به جای نگرانی و تلافی‌گری) اندکی مهلت به آنان بده (تا خودم
چاره‌شان کنم).

آیات ۵۴ تا ۵۶ هم تفصیل و تأیید آیات ردیف ۵ و ۷ سال اول است:

«فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى.

سَيَذَكِّرْ مَنْ يَحْشَى» (اعلی (۸۷) / ۹ و ۱۰)

(پس اگر تذکر و یادآوری مفید باشد، تذکر بده.
زود باشد کسانی که احساس ترس در آنها وجود داشته و اهل ترس و
ملاحظه باشند، تذکر را بپذیرند).

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر (۸۱) / ۲۷ تا ۲۹)

(این کلام یا پیام) چیزی جز ذکر برای جهانیان نیست.
برای هر کدام از شما که بخواهد راه راست پیش گیرد (یا استقامت
نماید).

اما شما (چنین چیزی را) نمی‌خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان
بخواهد).

همه‌جا صحبت از این است که کار تو تذکر دادن است و این تذکر - که البته
بی‌ثمر نخواهد بود - برای همه‌ی مردم جهان بوده، پذیرفتن و نپذیرفتن آن به اختیار
خود آنها است و آنچه آنها می‌خواهند و انتخاب می‌کنند و یا انتخاب خواهند کرد،
جز خواسته‌ی خدا چیزی نیست. چیزی که در آخر آیه ۵۶ اضافه شده است، اهل
تقوا و مغفرت بودن خدا است. خداوند ذاتاً و مشیتاً و با وجود اختیار و حق انتخابی

۳۶۶ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

که به آدمیان می‌دهد، اهلیت و رضایت برای پرهیزکاری و خودداری انسان از کفر و بدی دارد و آماده برای گذشت و آمرزش کفرورزان و راه غلط آنان می‌باشد.
نکات فوق که در ظرف دو سال سه بار به زبان وحی می‌آید، حائز اهمیت می‌باشد.

۱۳) سال دوم بعثت، سوره‌ی نجم (۵۳)، شماره نزول ۲۹ (آیات ۱ تا ۱۸)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ.	قسم به کرات آسمان (یا ستارگان) وقتی که (در افق) فرود می‌آیند (غروب می‌کنند). ^۱
۲	مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ.	مصاحب (یا همنشین) شما نه گمراه شده نه گول خورده است.
۳	وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ.	و از روی هوا و هوس حرف نمی‌زند.
۴	إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.	آن (چه می‌گوید) چیزی نیست جز وحی که به او الهام یا القا می‌شود.
۵	عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ.	او را (در این بیان و گفتار) موجودی که نیروهای محکم و سخت دارد تعلیم داده است.
۶	ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ.	(که) صاحب عقل محکم و قوی است و (پیغمبر را) منظم و استوار ساخته است (یا کار و پیام او منسجم و کامل است).
۷	وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ.	و او در افق (یا سطح و مرتبه) بالاتر (از هر افق و مقام) قرار دارد.
۸	ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ.	پس از آن (پیغمبر به خدا یا به منشأ وحی) نزدیکی یافت و بعداً سرازیر شد و (به سمت زمین) نزول یافت.
۹	فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ.	پس (فاصله‌اش) به اندازه دو کمان (تیراندازی) یا دو ذراع و شاید کمتر از آن بود.
۱۰	فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ عَبْدُهُ مَا أَوْحَىٰ.	در این هنگام (جبرئیل یا خدا) به بنده‌اش آنچه را که وحی کرده است وحی نمود.
۱۱	مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ.	دل (یا عقل پیغمبر) آنچه را (به چشم) دیده بود تکذیب ننمود (یا دل او آنچه را که درک کرده بود دروغ نگفت).
۱۲	أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ.	حالا آیا شما بر سر آنچه او دیده است اصرار به تردید و تکذیب می‌ورزید؟
۱۳	وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ.	در حالی که به تحقیق آن (وحی یا جبرئیل) را در یک نزول دیگر دیده است.
۱۴	عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ.	در آنجا که سِدْرَةُ الْمُنْتَهَىٰ (درخت سدر نهایی یا آخری) وجود دارد.
۱۵	عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ.	در جوار آن درخت (یا آن مکان) محل جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ یا بهشت جایگاه است.
۱۶	إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ.	آن زمان که درخت سدر را پوشاند آنچه (بر آن احاطه داشت) پوشانید (یا در زیر پرتو خود گرفت).
۱۷	مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ.	چشم (رسول خدا) نه عوضی و معوج دید و نه برتر از واقعیت‌اش را دید.
۱۸	لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ.	و به تحقیق آیتانی از آیات بزرگ پروردگار خود را دید (حال آیا شما هم لات و عزّی را دیده‌اید؟).
۱۹	أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ.	(حال آیا شما هم لات و عزّی را دیده‌اید).

۱. ترجمه‌ها اقتباس از تفسیر فارسی المیزان است.

پس از چهار ردیف انذار و تذکار که همراه با آگاهی و استدلال بود، بازگشتی به معرفی پیام‌آور خدا و گفتار و دیدار او و کیفیت وحی به عمل می‌آید تا آنچه مقدمتاً در سوره تکویر (۸۱) (ردیف ۷) اشاره شده بود، با تفصیل و توضیح بیشتر به گروندگان و بی‌خبران اعلام گردد. این تعریف و توصیف‌ها در مقابله و مقایسه با پرستش‌بت‌ها از مشرکین است که در آیات بعدی ۱۹ تا ۲۵ آمده و عدم رؤیت و فقدان علم و بی‌پایگی و ساختگی بودن آنها را بر مبنای گمان و تمنا بیان می‌کند. فرق این آیات معرفتی وحی با آیات سوره تکویر (۸۱) در این است که در فاصله‌ی زمانی فی‌مابین، یعنی در سوره‌های لیل (۹۲)، مرسلات (۷۷)، نبأ (۷۸) و مدثر (۷۴)، انذار و اعلام‌های مهم و متعددی به‌عمل آمده که مواجه با انکار یا تکذیب و اعراض مشرکین شده است و اینک باید معرفتی مجددی با تأکید و توضیح بیشتر، در مقایسه با معتقدات و اظهارات مشرکین، درباره‌ی بت‌های خودشان انجام گردد. بیش از هر چیز تکیه کلام روی رؤیت و یقین و چگونگی و محل آن رفته و اصرار ورزیده شده است که به این مطالب و مراحل جنبه‌ی حسی و جسمی داده شود و پای اندازه و ابعاد و امکان به میان آید. شاید به این دلیل که بیشتر محسوس و مفهوم شنوندگان و خوانندگان قرار گیرد، یا به این جهت که ضمناً ارتباط و ارتحال و اراده و انرژی و ماده و تعالی و تقرب ماده یا انسان به‌سوی خدا بیان شده باشد.

مصدق و تحقق این تحول و تعالی و یا تقرب، شخص پیامبر است که چشم و دل و زبانش بیننده، فهمنده و گوینده‌ی وحی و کلامی بوده که از منشأ اراده یا مشیت ذات خداوند نازل شده است. بسیاری از مفسرین سنی و شیعه به استناد روایات نقل شده از نبی اکرم و ائمه اطهار (سلام الله علیهم) سوره‌ی نجم (۵۳) را گزارش معراج دانسته‌اند که رسول خدا با وساطت جبرئیل (صاحب قدرت قاهره و حکمت و عقل که تنظیم و تکمیل می‌کند) و حتی جلوتر از او، تا نزدیکی‌های خدا که سوزنده و نابودکننده فرشتگان مقرب است بالا رفته هم نشانه‌ها و آیاتی از خداوند (و نه خود خدا) را دیده و هم به جایگاه فردوس برین رسیده و پس از آن رسول خدا (یا وحی خدا) به سطح زمین، و به سوی مخلوقات زمینی نزول و فرود یافته است. قَسَمِ «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ». نیز می‌تواند تشبیه و اشاره‌ای به همین طلوع و صعود و غروب ستارگان باشد که از افق شرق سر در آورده تا بالای آسمان اوج می‌گیرند و سپس تمایل و تنزل به فرود آمدن و افول در افق مغرب می‌نمایند.

مقام و مفهوم مطالب آیات هر قدر هم که در بیان آنها سادگی و صراحت به کار برده شده است (و بعدها نیز روی مبین بودن قرآن تأکید می‌شود)، آن قدر بلند و دور از منزلت و تشخیص و منطق ما است که نمی‌توانسته است حالت اثبات یا استدلال و اقناع را داشته باشد و مشرکین معاصر پیغمبر و مؤمنین بعدی و آیندگان چیزی بیش از اعلام و ادعا دستگیرشان شود. به گفته‌ی صاحب تفسیر «المیزان»، بعضی از آیات - مانند «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى». بدون ذکر نام آن، «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ عَبْدَهُ مَا أَوْحَىٰ»، یا «إِذْ يُعْشَى السُّدْرَةَ مَا يَعْشَى»^۱ - ابهام‌انگیز است. باید انتظار داشته باشیم که آیات نازل شده در سال‌های آینده توضیح و تفصیل یا تصریح‌هایی برای درک و قبول بیشتر به ما بدهد.

در سوره‌ی تکویر (۸۱)، (ردیف آخر سال اول بعثت) نفی جنون و تبعیت از شیطان، در کلام محمد (ص) به عمل آمده بود، حالا نفی گمراهی و فریب خوردن و تبعیت از هوای نفس و کژبینی به آنها اضافه می‌شود تا رسالت و دعوت او را به شوخی و مسخره نگیرند و با آگاهی بیشتر به منشاء و مقصدی که دارند جدی و با یقین تلقی نمایند، ولو آنکه فعلاً از درک درست آن عاجز باشند. مانند کسی که این اطلاعات و تعلیمات را به او می‌دهد برخوردار از توانایی و دانایی در بالاترین مرحله است و رساننده به انسجام و انتظام کامل.

حضرت موسی (ع) وقتی با فرعون روبه‌رو می‌شود و ابلاغ پیام از طرف خداوند «رَبُّ الْعَالَمِينَ» می‌نماید، فرعون

«وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۲

می‌گوید: موسی در برابر این اعجاب و انکار برای اثبات و ارئه‌ی اینکه واقعاً از طرف خداوند است، وقتی فرعون او را تهدید می‌کند که:

«لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»^۳

جواب می‌دهد:

«أُولُو جُنُودٍ بَشَرٌ مِّثْلِي»^۴

و اژدها شدن عصا و تابنده شدن کف دستش را به او و به درباریان نشان می‌دهد.

۱. نجم (۵۳)، به ترتیب آیات ۵، ۱۰، ۱۶، جدول ردیف (۱۳).

۲. شعراء (۲۶) / ۲۳: ... صاحب‌اختیار جهانیان [که مطرح کرده‌ای] چیست؟

۳. شعراء (۲۶) / ۲۹: ... اگر معبودی جز من قائل باشی، زندانیت خواهم کرد.

۴. شعراء (۲۶) / ۳۰: ... حتی اگر نشانه‌ی آشکاری [در مورد رسالت] برای تو آورده باشم؟

دنباله داستان به نمایش جادوگران و سجده کردن آنان می کشد و بالاخره فرعون و لشکریانش به پای خود به تعقیب موسی و بنی اسرائیل رفته غرق می شوند. اما در مواجهه‌ی حضرت خاتم‌الانبیاء با مشرکین و منکرین مکه (و آیندگان جاهای دیگر) می بینیم توسل به «شَیْءٌ مُّبِينٌ»^۱ یا ارائه و انجام چیزی که اثبات عجز مردم و خدایی بودن پیام را بنماید، صورت نمی گیرد. در مورد موسی و بیرون کشیدن بنی اسرائیل از اسارت و خدمت‌گزاری فرعون در حقیقت یک نوع مأموریت نظامی وجود داشته و باید در برابر شخصی صورت گیرد که مدعی خدایی است و خود را دارای قدرت فوق‌العاده می‌داند. بنابراین ضرورت داشته است که موسی به اذن و هدایت خدا خلایق و قدرتی نشان دهد که طرف را مات نماید.

اما مأموریت یا رسالت حضرت خاتم‌النبین (ص) در برابر مشرکین و کفرورزان و سایر مردمان دنیا به گونه‌ی دیگر و برای منظور دیگری بوده است. همان‌طور که در ردیف ۱ جدول در سوره علق (۹۶) دیدیم، با خواندن نام خدا آغاز شده است که آفریننده انسان می‌باشد. برای بزرگداشت از خدایی که به وسیله‌ی قلم، نادانسته‌ها را به آدمی یاد می‌دهد. قول و گفتار است که از راه قرائت و تذکار و برای انداز به گوش آدمیان می‌رسد. سر و کارش با نفس و شخصیت انسان است که باید با انتخاب خود، رستگاری از طریق تزکیه را بر تباهی از طریق فساد ترجیح دهد و تصمیم بگیرد. و با عطا کردن و تقوا و تصدیق خوبی‌ها، راه‌ها و کارها را بر خود هموار و آسان سازد... طبیعی است پیامبری که وظیفه‌اش راهنمایی و رهبری است آغاز و افزار کارش با مأموریت و استخلاص بنی اسرائیل از اسارت فرعون مدعی الوهیت فرق داشته باشد. نشانه‌ها و آیات دیگر خدا را که در وجود خود انسان‌ها است، به آنها گوشزد نماید تا از آن راه پی به اصالت پیام و فرستنده‌ی کلام ببرند و خود کلام یا قرآن حکایت از بشری بودن و خدایی بودنش بنماید.

۱۴) سال دوم بعثت، سوره‌های فجر (۸۹)، شماره نزول ۳۰ (آیات ۱ تا ۱۴ و ۲۸ تا ۳۱)
سوره فجر (۸۹) مانند بعضی از سوره‌های قبل با سوگند شروع می‌شود. سوگندهای خاص مأخوذ از طبیعت و زندگی انسان یا تاریخ که مفسرین روی آنها تعبیر و تفسیرهای مختلف کرده‌اند و با توجه به اندیشه و عقل و پرسش اینکه «هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ»، که شاید در سراسر قرآن منحصر به فرد باشد. سپس سئوالی که از

۳۷۰ _____ مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)

رسول اکرم (و از معاصرین و خوانندگان قرآن) شده است، عنایت و بررسی سرگذشت یا سرنوشت اقوامی است که به درجات بالایی از عمران و اقتدار یا آبادانی و توانایی رسیده کارشان به طغیان و فساد کشیده بود و سپس در همین دنیا از ناحیه خدا دچار عذاب شدند؛ یعنی اقوام عاد و ثمود و فرعون. برای اولین بار، بعد از پیش اشاره‌ی: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ. فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ.»^۱ که در سوره‌ی بروج (۸۵)، (ردیف ۶) آمده بود صحبت از عذاب و هلاکت دنیا می‌شود، بدون اینکه از پیغمبران آنها و دعوت و روابطشان با خدا حرفی زده شود. تعلیل یا توصیفی از طغیان و گردنکشی آنها و از تباهی در میان مردم داده نشده است.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالْفَجْرِ.	قسم به سپیده صبح.
۲	وَلَيْالٍ عَشْرٍ.	و به شب‌های دهگانه.
۳	وَالشَّمْعِ وَالْوَتْرِ.	و به جفت و طاق.
۴	وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرُ.	و به شب چون رو به رفتن نهد.
۵	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ.	آیا در این (بیان و گواهان احساس) سوگندی (چنین) برای صاحبان عقل آمده است؟
۶	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ.	آیا ندیده‌ای (یا نشنیده و نظر نیافته‌ای) که پروردگار تو با قوم عاد چگونه عمل کرد؟
۷	إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ.	(با شهر) اِزْم که دارای ستون‌ها (و کاخ‌های محکم و بلند) بود...
۸	الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِنْهَا فِي الْبِلَادِ.	(چنان شهر یا کاخ‌هایی) که ماندش در شهرها آفریده (و تعبیه و ساخته) نشده بود.
۹	وَتَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ.	(و) قوم ثمود (که کارشان) در آن وادی و دره‌ها بریدن و تراشیدن سنگ (یا ساختن خانه‌های سنگی در دل کوه) بود.
۱۰	وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ.	(و) فرعون صاحب میخ‌ها (برای شکنجه و کوبیدن اسیران و محکومین یا پایه‌های نوک تیز برای استقرار و استحکام کاخ‌ها).
۱۱	الَّذِينَ طَفَّوْا فِي الْبِلَادِ.	همه کسانی که در شهرها (و اماکن آباد با تمدن) طغیان و سرکشی کردند.
۱۲	فَاكْتَرُوا فِيهَا الْفِسَادَ.	و در آنجا بسیار فساد و تباهی کردند.
۱۳	فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ.	و بالاخره پروردگار تو بر سر آنها تازیانه عذاب فرود آورد.
۱۴	إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِ الرَّصَادِ.	به درستی که پروردگار تو حتماً در کمینگاه است.
۲۷	يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ.	ای نفس (یا وجود و شخص) مطمئن.
۲۸	ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً.	خشنود و پسندیده (یا راضی از خدا و راضی شده‌ی خدا) به سوی پروردگار خودت برگرد.
۲۹	فَادْخُلِي فِي عِبَادِي.	در زمره‌ی بندگان من داخل شو.
۳۰	وَادْخُلِي جَنَّتِي.	و در بهشت من در آی.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۷۱

مجموعه این آیات را می‌توانستیم در بخش کفرورزی و در وصف مشرکین و منکرین آورده باشیم؛ ولی چون حالت اخطار و استناد و عبرت از تاریخ داشته و به هشدار «إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغٌ صَادٍ»، ختم می‌شود و در سوره‌ها و ردیف‌های بعدی، یا تفصیل‌هایی که اضافه خواهد شد، حالت انذار پیدا کرده و جزئی از برنامه کفرزدایی را تشکیل خواهد داد، در اینجا قرار داده شده است. تا به حال، هشدارها و انذارهای کفرزدایی یا بشارت‌های دعوت، انحصار به عذاب و ثواب آخرت و آثار بعد از رستاخیز قیامت را داشت؛ حال با نام بردن از سه قوم عاد و ثمود و فرعونیان که آثار و خاطراتشان در اذهان اعراب اجمالاً وجود داشته است، فصل جدیدی از روش کفرزدایی و انذار افتتاح می‌شود.

افتتاح واقعی این نوع انذار، با اجمال بیشتر و اشاره‌وار در سوره مرسلات (۷۷) ردیف ۱۰ در آیات زیر به عمل آمده بود:

۱۶: «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ.»

۱۷: «ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ.»

۱۸: «كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ.»

۱۹: «وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِبِينَ.»

در آنجا نیز مانند سوره بروج (۸۵) اعلام مطلب به حالت پرسش بوده و می‌رساند که سرگذشت پیشینیان کم و بیش شهرت و سابقه داشته است. آیات ۲۷ تا ۳۰ که منتهی به «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي. وَادْخُلِي جَنَّتِي» شده است، و برخلاف آیات گروه اول سوره فجر (۸۹) بشارت‌دهنده بوده مربوط به وظیفه‌ی بشیر بودن پیامبر است که پایه‌پای نذیربودن او پیش می‌رود و ناظر به ثواب آخرت و مقام و موقعیت بسیار مطلوب مؤمنین مخلص و مطمئن می‌باشد. این آیات در سیر تدریجی برنامه کفرزدایی و دعوت، به دنبال آیات ۳۱ تا ۳۵ سوره نباء (۷۸) ردیف ۱۱ آمده است که با «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا». آغاز گردیده بود. قبل از سوره نباء (۷۸) نیز به صورت اجمال و اشاره‌ی مختصر در آیات ۵ تا ۷ و ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی لیل (۹۲) (ردیف ۹) با بشارت برخورد کرده بودیم.

در مورد آیات ۲۷ تا ۳۰ در آخر سوره فجر (۸۹) که صحبت از نفس مطمئن شده و دو صفت راضی و مرضی به تعاقب آن آمده است، بعضی از مفسرین و مخصوصاً اهل عرفان وسیله‌ای برای تعبیر و تأویل‌های ابتکاری (یا انحرافی) پیدا کرده، مقامات

و مراتب متوالی متعالی به روح و ایمان داده‌اند. درحالی که ممکن است صفات ساده و طبیعی پذیرندگان دعوت و تعلیمات پیغمبر بوده باشد. رسم قرآن بر این است که برای تذکر و تفهیم مطالب و تعلیمات و تجسم در اذهان و عواطف، متوسل به نمونه‌های واقعی یا تمثیلی و تاریخی می‌شود و شاهد مثال‌هایی می‌آورد که در دو حدّ مقابل پلیدی و پاکی، لذت و رنج یا قدرت و ضعف قرار دارند. در سوره‌ی لیل (۹۲) (ردیف ۹) اشقی و اتقی را مقابل هم می‌آورد، در سوره‌های مدثر (۷۴) و علق (۹۶) (ردیف‌های ۱۲ و ۱۸) از میان کفار قریش سرسخت‌ترین و کینه‌توزترینشان را مورد اشاره و عبرت قرار داد و در جای دیگر در برابر مُکَدِّبِین، مقربین را ارائه می‌دهد. در اینجا هم از مقام و منزلت مؤمن و فردِ اعلایی صحبت می‌کند که در اثر ایمان کامل و یقین قاطع به حداکثر اطمینان درونی و آرامش روانی رسیده، وقتی سر از قبر در می‌آورد حرکتش به سوی خدا است. درحالی که هم او از نعمت و بهره‌ای که نصیبش شده است راضی و خشنود است و هم در اثر اخلاص در بندگی و احسان در زندگی خشنودی خدا را برای خود خریده است. چنین آدمی قهراً در صف بندگان خدا است و با سرافرازی و راحتی دعوت به دخول در بهشت می‌گردد. اصولاً زمان و بیان این آیات با توجه به اینکه مطالب و تعلیمات قرآن تدریجاً و متناسب درک و نیاز یا رشد مردم و شخص پیغمبر نازل گردیده، هر سخن در جا و موقع خود گفته شده است و نزول وحی حالت تمرکزی داشته است و تعبیر و تأویل‌های فوق انطباق با برنامه کفرزدایی این دوران ندارد و درست در نمی‌آید.

۱۵) سال دوم بعثت، سوره‌ی انشقاق (۸۴)، شماره نزول ۳۱ (آیات ۶ تا ۱۳)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ.	ای انسان به یقین با رنج و مشقت به سوی پروردگارت رهسپاری و بالاخره ملاقاتش می‌کنی.
۷	فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بَيِّنَاتٍ.	اما هر کس (که در آن روز) نامه‌ی اعمالش را به دست راست او بدهند.
۸	فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا.	به زودی و به آسانی به حسابش رسیدگی خواهد شد.
۹	وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا.	و مسرور و شادمان به سوی کسانی خواهد رفت.
۱۰	وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ.	ولی آن کس که نامه‌ی اعمالش از پشت سر (یا در عقب به دنبال او) داده شود.
۱۱	فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا.	به زودی بر هلاک خود آه و فریاد و حسرت بسیار کشد (ترجمه قمشه‌ای).
۱۲	وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا.	و به آتش (سوزان دوزخ) درافتد.
۱۳	إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا.	همانا که (این شخص در دنیا) در میان کسانی خوشحال (و مغرور) بود.

با اعلام قطعی و محکم کاری که در ردیف گذشته بر وحی بودن گفتار رسول (ص) و منشاء اعلای الهی دانستن آن به عمل آمد، در آیات فوق برای نشان دادن برنامه‌ی حال و آینده‌ی آدمی دو گام بلکه سه گام به جلو برداشته می‌شود. یکی اینکه کار انسان و زندگی در این دنیا حرکت به سوی خدا است؛ حرکتی همراه با سختی و اشکال به نوع خاص و برای همگان و در نهایت ملاقات با پروردگار. البته این خیلی مطلب مهم، کلی و خبری تکانه‌دهنده، غیرمعمول و از اشتغالات و افکار بشری بوده و در سطح و شأن کسی است که سازنده و ترتیب‌دهنده جهان و زندگی انسان می‌باشد. شاید برای بیدار کردن آدمی و نگرانی دادن و به فکر و تلاش انداختن او، اخطار و اخباری از این ساده‌تر و به‌جای‌تر نباشد. البته برای کسانی که گوش شنوا و دل آماده و نگران داشته و منشاء خبر را جدی بگیرند.

وقتی زندگی برای همگان قرین رنج و گرفتاری و مشکلات باشد نه کافر بودن آن پیش آمده‌ها و برخوردهای ناملایم و نامطبوع را سلب می‌کند و نه مؤمن شوندگان باید توقع راحتی و رفع زحمت و مصیبت و تلاش را بنمایند.

گام دوم بی‌حساب و کتاب نبودن دنیا است و پرونده داشتن اشخاص و اعمال آنان. کلمه یمین که در آیه ۷ آمده است، می‌تواند کنایه از این باشد که به‌دست خود و با فعالیت راست و درست، پرونده‌ی خویش را نوشته است و صاحب این کتاب مرد عمل خیر و خلاقیت است. به عکس، منظور از کسی که نامه اعمالش در پشت او می‌آید (آیه ۱۰) ممکن است این باشد که در زندگی دنیا حالت منفعل و بی‌اراده داشته دنباله‌روی شهوات و هوس‌ها و اوامر شیطان بوده و خود را رها کرده است و چون انتخاب‌کننده‌ی راه و رفتار و ترتیب‌دهنده‌ی برنامه‌های صحیح نبوده قهراً در سرازیری‌های فساد و سقوط افتاده، و دستگاه خلقت اعمال و آثارش را ثبت و ضبط کرده است و حالا با دیدن آنها و عذاب جهنم، به پشیمانی و فریاد می‌افتد، درحالی که قبلاً در میان کسان خود و در حال غفلت و غرور خوش می‌گذرانده است.

بعد از مختصر اشاره‌های سوره لیل (۹۲)، (ردیف ۹)، در سوره نباء (۷۸)، (ردیف ۱۱) با صراحت از نعمت‌های بهشت، و از رنج و عذاب‌های جهنم صحبت شده بود و اینکه برای دومین بار است که از وضع ثواب کاران و گناه کاران در آخرت خبر داده می‌شود. گام سوم که در آیه ۸ ظاهر شده بود، مسئله «حساب‌رسی» روز قیامت است. حساب‌رسی بر مبنای نوشته شده‌های دوران زندگی. بدون آنکه فعلاً از چگونگی ثبت

و ضبط یا کتابت اعمال و از سنجش حساب‌ها حرفی زده شود.

۱۶) سال دوم بعثت، سوره‌ی عبس (۸۰)، شماره نزول ۳۲ (آیات ۱ تا ۱۶)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	عَبَسَ وَتَوَلَّى.	چهره ترش کرده و روی برگردانید.
۲	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى.	از اینکه نابینا به سویش آمده است.
۳	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي.	و از کجا دانی که شاید او پاک و تزکیه شود.
۴	أَوْ يَذُكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى.	یا تذکر و پندی شنیده برایش سودمند گردد.
۵	أَمَّا مَنْ اسْتَعْجَى.	و اما آن کس که خود را بی‌نیاز (از خدا و هدایت) شمرد.
۶	فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى.	تو به او توجه و عنایت می‌کنی.
۷	وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي.	درحالی که به عهده‌ی تو نیست که او نخواهد تزکیه شود.
۸	وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى.	و اما آن کس که با شتاب و علاقه به طرف تو می‌آید.
۹	وَهُوَ يَخْشَى.	(از خدا) باک دارد و می‌ترسد.
۱۰	فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى.	تو از او به دیگری می‌پردازی.
۱۱	كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ.	نه چنین است (یا نه چنین باشد) همانا که آن (قرآن یا دعوت) چیزی جز تذکره و توجه دادن نیست.
۱۲	فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ.	حال هر کس خواست متذکر شود (پند بگیرد).
۱۳	فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ.	(آن قرآن یا کلام نوشته شده) در صحیفه‌های با ارزش و گرامی است.
۱۴	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ.	بلند مرتبه و پاکیزه و بی‌عیب است.
۱۵	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ.	به دست سفیرانی (نوشته شده) که.
۱۶	كِرَامٍ بَرَرَةٍ.	بزرگوارند و نیکو کردار.

۱. ترجمه‌ها اقتباس از قرآن چهار جلدی ره‌نما است.

آیات سوره عبس (۸۰) حالت انذار و تذکار ندارد. بلکه مجدداً به معرفی کلام یا قرآن بازگشت می‌نماید و چگونگی و هدف از ابلاغ و دعوت را نشان می‌دهد. بعد از تدارک و تعلیم و تذکرهای سال اول بعثت، و راه‌افتادن قطار رسالت، با سوره‌های سال دوم، اینک پیامبر بزرگوار با اخلاص و اطاعت تمام سرگرم دعوت مردم به سوی خداوند یکتا شده است. این طبیعی است، و منطق و محاسبات بشری چنین اقتضا می‌کند که توجه خاص و اصرار او به ایمان آوردن بزرگان مکه و کسانی باشد که با امتناع و مخالفتشان مانع عمده پیشرفت کار شده‌اند و در مقابل، گرویدن

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۷۵
و موافقتشان سبب مسلمان شدن جمع کثیر قبيله و خاندانشان گردد. در این سوره که داستان عبدالله بن مکتوم، آن مرد نابینا و امیه بن خلف از سران قریش را نقل می‌نماید. می‌بینیم که برای اولین بار، با خطاب غیرمستقیم، زبان ملامت و توبیخ ملایمی به کار رفته و فهمانده می‌شود که منطق و مشیت خدا و روش دعوت به دین خدا به گونه‌ی دیگر است. مذهب خدا و دین اسلام نه مغازه‌ی تجارت است که مدیر مغازه به دنبال مشتری‌های پولدار و پرمصرف و اولاد بوده باشد، نه مکتب سیاست است که نیازمند طرفداران و جمعیت موافق باشد، و نه حزب طالب قدرت است که اسباب کارش رسیدن به اکثریت و داشتن اعضای دانا و توانا باشد. کار رسول خدا انذار است و ابلاغ، نه تبلیغ و اصرار. همچنین تذکر است و استقبال از آنها که احساس نیاز و ترس از خدا می‌کنند و رو به او می‌آورند. نه مرفهین مغرور که خود را برتر از سایرین و بی‌نیاز از اصلاح و هرگونه تغییر و بهبود می‌دانند.

برای چهارمین بار به رسول اکرم (ص) گوشزد می‌شود که کار او و گفتار او (یعنی قرآن)، تذکر و ذکر است و توجه و پنددادن به انسان‌ها. از این آیات، انحصاری بودن آن نیز استنباط می‌شود ضمن آنکه حاوی و نشانه‌ی اصالت قرآن و الهی بودن منشأ آن است. یکی اینکه اگر قرآن ساخته و پرداخته شخص پیغمبر بود، هیچ سازنده‌ی مکتب و نویسنده‌ی کتاب، اگر به توصیه و تجلیل خویش نپردازد، لااقل خود را توبیخ و تحقیر نمی‌نماید. دوم آنکه اگر کلام بشر بود راه خلاف منطق و معمول بشر را پیش می‌گرفت و اصرار به تبلیغ آیین و تکثیر مؤمنین می‌ورزید. کما آنکه بعد از ۱۴ قرن، کسانی که مدعی تقدس و تداوم رسالت او هستند، وظیفه اصلی خود و دولت را تبلیغ و تحمیل اسلام تا اقصی نقاط جهان می‌دانند.

سیاق آیات چنان است که بعد از تذکر و توجه دادن رسول، خود مردم هستند که اگر خواستند، پاسخ مثبت می‌دهند و شأن آیات با جایگاه بلند و پاکی که رأساً دارند، برتر از آن است که از راه تطمیع و تهدید و فریب با توصیف و مبالغه، آن‌طور که رسم تبلیغات تجارتي و سیاسی و شخصی است، بر کسی تزریق یا تحمیل گردد.

۱۷) سال دوم بعثت، سوره‌ی کافرون (۱۰۹)، شماره نزول ۳۴، (آیات ۱ تا ۶، تمام سوره)
آنچه را که در ردیف گذشته در زمینه عدم تحمیل ایمان و بی‌نظری و آزادمندی قرآن دیده بودیم، در سوره کافرون (۱۰۹) و پایان دومین سال بعثت به گونه‌ی دیگری در خطاب به کفرورزان می‌خوانیم. پیغمبر مأمور است صریح و ساده به آنان بگوید،

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ.	بگو ای کافرها.
۲	لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ.	من آنچه را شما می پرستید نمی پرستم.
۳	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.	و شما هم پرستنده‌ی آنچه من می پرستم نیستید.
۴	وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ.	و نه من عبادت کننده‌ی آنچه شما عبادت کرده‌اید (یا عبادت می کنید) می باشم.
۵	وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.	و نه شما عبادت کننده‌ی آنچه من عبادت می کنم هستید.
۶	لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ.	دین شما برای شما و دین من برای من.

نه من آنچه را شما می پرستید بندگی می کنم و نه شما عبادت کننده‌ی چیزی یا کسی هستید که من می پرستم. دین شما مال خودتان دین من هم مال خودم... نه با هم دعوا داریم، نه اصرار می ورزیم که طرف را به آیین خود درآوریم و نه انتظاری از یکدیگر داریم. آزادی کامل در اتخاذ عقیده و عدم مزاحمت و ضمانت طرف دیگر.^۱

۱. بسیاری از مفسرین که این معانی به ذهنشان ناهموار و نامعقول می آمده و نمی توانسته‌اند آزادمنشی دعوت و واگذاری ایمان و اعتقاد را به خود مردم بپذیرند. به دنبال توجیه و تعبیرهای معوج و مین عندی رفته‌اند. از جمله (به طوری که در توضیحات قرآن چهار جلدی رهنما آمده است) چنین گفته‌اند:

«وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ.»

ای: «وَلَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ فِي الْحَالِ.»

«وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ.»

یعنی: و من نخواهم پرستید در روزگاران آینده معبودانی را که شما می پرستید.

«لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ.»

یعنی: شما را باد ناسیاسی تان به خدا و مرا باد خدا را به یگانگی و یک دلی پرستیدن.

در تفسیر این آیه اقوال دیگر نیز گفته‌اند:

۱- مقصود از آن تهدید است، چنان که جای دیگر گفت: «إِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ.»

۲- گویی می گوید من پیامبری هستم که مرا به سوی شما فرستاده‌اند تا شما را به حق و نجات بخوانم و حال که از من نمی پذیرید مرا ترک کنید و به سوی شرک نخوانید.

۳- «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ.»

یعنی دین شما، شما را باد و بر آن پایدار بمانید، اگر هلاکت و تباهی برای شما بهتر از گرویدن باشد و دین من مرا باد، زیرا من آن را ترک نمی کنم و نخواهم کرد.

قول دوم در تفسیر آیه این است که:

دین به معنای حساب است. یعنی حساب شما از آن شما باد و حساب من از آن من، و

کردار هیچ یک از ما در حال دیگری اثری نخواهد داشت.

قول سوم این است که:

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۷۷

این یک نوع پیشنهاد و پیمان، بلکه اعلامی است که رسول اکرم به مشرکین می‌فرماید و خود به آن عمل نموده است. ولی کفرورزان مکه و عربستان چنین انسانیت و سعه‌ی صدر یا آزادمنشی و آزاداندیشی را نداشتند و نگذاشتند که آن حضرت و گروندگان در عقیده و آیین خود آزاد و در امان باشند.

انگار که تحمیل عقیده‌ی خود و سلب آزادی دیگران، رسم طاغوت و طاغوتیان است، و آزاداندیشی و آزادمنشی دستور خداوند رحمان می‌باشد. و این نکته نیز با توجه به جو و فرهنگ و منطق آن زمان (و بسیاری از پیروان امروزی قرآن)، می‌تواند نشانه دیگری بر غیربشری بودن وحی و اعجاز محتوایی قرآن باشد.

→ دین به معنی عقوبت است. چنان‌که جای دیگری گفت:

«وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (نور/ ۲۴) / ۲)

ای: «فِي حَدِّهِ وَعُقُوبَتِهِ». و معنی آیه چنین می‌شود که «فَلَکُمْ الْعُقُوبَةُ مِنْ رَبِّي وَلِيَ الْعُقُوبَتَهُ مِنْ أَسْأَلِكُمْ...»

ولی بتان شما جمادات‌اند و من از عقوبت بتان نمی‌ترسم ولیکن عقلاً بایسته است که شما از پروردگار من بترسید...

به عقیده‌ی ما همه‌ی این پیچ و خم‌ها برای آن است که نمی‌توانسته‌اند بفهمند، چگونه ممکن است شخصی مأمور دعوت مردم به دین خدا و به سوی خدا باشد، ولی آنها را به چیزی که هم حق و خیر است و هم ضروری و واجب، وادار یا لااقل اصرار به ایمان و اطاعت نکند. و بعد بگوید: هر طور دلتان می‌خواهد، عمل کنید. من راه خودم را می‌روم و شما راه خود را... تشخیص اینکه ممکن است خدا بنا به مصلحت آدمیزاد و تربیت و تکامل او و ضمن هدایت و دعوت او، در این دنیا آزادش بگذارد و حتی فجور و تقوا هر دو را به او الهام نماید تا با اراده‌ی خود یکی از دو راه کفر و هلاک یا ایمان و رستگاری را اختیار نماید و شخصاً دانه بکارد و میوه‌اش را بچیند، یا به بیان دیگر ثواب و عقاب را به آن دنیا موکول کرده باشد، چیزی نبوده است که هنوز هم برای اکثریت مؤمنین قابل هضم و قبول باشد.

آیات کفرزدایی در سال سوم بعثت (پانزده ردیف از ۱۸ تا ۳۲، شامل ۲۹۶ آیه با ۱۱۱۷ کلمه)

سال اول بعثت سال تدارک رسالت و آماده شدن رسول اکرم (ص) برای دعوت به سوی خدا و کفرزدایی انسان‌ها، از طریق تکبیر خالق و تذکر و تعلیم بود، با پیش‌بینی مشقت‌ها و مقاومت‌ها و مهلت دادن‌ها. ضمن آنکه معرفی مقدماتی و اجمالی از قرآن و از گفتاری که خواهند شنید، به عمل آمد.

سال دوم پرده بالاتر رفت. از یک‌طرف تذکر و تعلیم مردم آغاز گردید و از هدایت و قیامت و از تکذیب و تزکیه نام برده شد و اشاره‌های کوتاه به عذاب دوزخ و پاداش بهشت به عمل آمد. از طرف دیگر روشی که باید فرستاده خدا در دعوت ایمان و پیشبرد آن و در برخورد با مردم و منکرین اتخاذ نماید، اجمالاً به او گوشزد گردید. حال قطار رسالت آب‌گیری و سوخت‌گیری کرده فشار بخار به حد لازم رسیده و برگه‌ی عبور یا پروانه‌ی حرکت دریافت کرده و می‌تواند، چراغ سبز و تجهیزات ایستگاه را پشت سرگذارده و دُور بردارد. سفیرکشان دشت و صحرا را درنوردد و دره‌ها و گردنه‌ها را به سوی مقصد اعلیٰ بپیماید؛ سال سوم سال کار است و حرکت برای اجرای جدی رسالت.

کلیه ردیف‌های جدول و شماره نزول‌ها تقریباً به دعوت اختصاص داده شده است. قرآن مستقیم و غیرمستقیم با مشرکین و معاصرین حرف می‌زند. بیش از هر چیز و بیش از هر کار به هشدار دادن آینده‌ای که بعد از مرگ در انتظار همه است، به سختی‌ها و دردها یا خوشنودی و لذت‌هایی که مشرک و مؤمن خواهند داشت و به حتمیت و قاطعیت حدوث قیامت می‌پردازد.^۱

۱. جای اخطار و اعلام جهنم و بهشت و حدوث قیامت باید قاعدتاً در بخش جداگانه و در بحث و بررسی و ارایه آخرت و قیامت باشد. ما از آن جهت آنها را در مبحث کفرزدایی و رسالت جا دادیم که قسمت ←

بیان مطالب و محتوای آیات که در نام‌گذاری سوره‌ها انعکاس یافته است، در عین کوتاهی و سادگی به لحاظ زیبایی و قدرت کلام یا جاذبیت و تأثیر پیام، از برترین و بی‌نظیرترین شاهکارهای زبان عرب است و در برابر آن مؤمن و منکر سر تعظیم و اعجاب و احساس اعجاز فرود آورده‌اند! در حقیقت و خصوصاً در آن دوران، برای مردم عربستان فصاحت و گیرایی خارق‌العاده‌ی آیات، اولین عامل و اسباب کفرزدایی بوده است. فرهنگ قومی و میزان رشد، آن زمان چنان بوده است که بیش از آنچه به مضمون و منظور عنایت نمایند نفوذ و نظم کلمات و عبارات آنان را تسخیر، یا به گفته‌ی ولیدبن مغیره تسحیر می‌کرده است و کسانی را که عناد و لجاج نداشته‌اند، معتقد می‌ساخته است که این کلام مافوق بشر است و از افق‌های اعلی و از پیش خدا می‌رسد. به این ترتیب عرب‌زبان‌ها که اولین شنوندگان و گیرندگان پیام بودند، ناقلین و رسانندگان قرآن و دعوت به آیندگان و جهانیان شدند. اگر روی امی‌یون حجاز این گام اول به ثمر نمی‌رسید و معطل و معوق می‌ماند مراحل بعدی مواجهه با شکست یا کندی می‌شد.

به جدول آیات این سال که نظر می‌اندازیم به وفور و جلوه و جلال آیات بیم‌دهنده‌ی جهنم و مژده‌دهنده‌ی بهشت و توصیف آنها برمی‌خوریم. انذار از سرنوشت ترسناک و دردناک کافران بدکار، و بشارت از فرجام نیک خداپرستان نیکوکردار داده می‌شود و خبر از رستاخیز و دگرگونی همه گونه‌ی جهان می‌رسد. ردیف‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱ و ۴۲ از این نوع است.

ولی چنین نیست که یک‌سره اخطارهای انذار و بشارت، نازل شده و به تذکر و تعلیم و به استدلال‌های مقدماتی پرداخته نشده باشد. علاوه بر اینکه اعلام قیامت و حوادث آخرت غالباً با سوگندهای مأخوذ از طبیعت و از خلقت انسان آغاز گردیده، و به آثار عظیم آسمان و زمین و جریان‌های بزرگ جهان اشاره و استناد می‌شود، به شرح زیر عطف توجه مجدد به مطالب و نکات گذشته، به عمل می‌آید:

→ عمده‌ای از عمل کفرزدایی و مراحل تبلیغ ایمان و تعلیم احکام از طریق انذار و بشارت و با اعلام و ارائه جایگاه آخری کفرورزان و مؤمنین انجام می‌گردد. بنابراین بحث و بررسی ما روی آن آیات، از جهت تحلیل تعلیل قیامت و آخرت یا اثبات و ارائه‌ی آن نخواهد بود، بلکه از جهت سبک و وسیله دعوت است. ۱. در جدول کلی ابتدای بخش و برای صرفه‌جویی در سطور و صفحات، از آوردن کلیه آیات اعلام یا توصیف بهشت و جهنم خودداری کرده ابتدا و انتهای گروه‌های طولانی را ذکر نموده‌ایم، ولی در شرح و تفسیر ردیف‌های سال، کلیه آیات مربوطه با ترجمه‌های فارسی آنها آورده شده است.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۸۱

الف) ذکر بودن قرآن و روش کفرزدایی که پیغمبر باید در پیش گیرد. (در ردیف‌های ۱۸، ۱۹، ۳۲ و ۴۲).

ب) معرفی قرآن و وحی، و خود پیغمبر (در ردیف‌های ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۴ و ۴۵)، و سه قلمرو زیر اضافه یا آغاز می‌گردد:

۱) بحث‌های مقدماتی توضیح و تفهیم ایمان و آخرت (در ردیف‌های ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۷، ۳۸ و ۴۸).

۲) داستان‌هایی از هلاکت امت‌های تکذیب‌کننده و از دعوت و جدال‌های انبیاء در گذشته (در ردیف‌های ۳۴ و ۳۶) که قبلاً در ردیف‌های... سال دوم اشاره و اجمالاً آغاز گردیده بود.

۳) معرفی مؤمنین (در ردیف‌های ۴۰، ۴۳، ۴۵ و ۴۶) که جای اصلی آن در بخش ایمان‌گرایی است، در اینجا به عنوان شناخت کفرزدایی آورده شده است.

۱۸) سال سوم بعثت، سوره‌ی علق (۹۶)، شماره نزول ۳۵ (آیات ۱۴ تا ۱۹)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۹	(أُرِيتَ الَّذِي يُهَيِّئُ)	(آیا متوجه آن کس که باز می‌دارد (یا ممانعت می‌نماید) شدی.)
۱۰	(عَبْدًا إِذَا صَلَّى)	(بنده‌ای را که به نماز می‌ایستد.)
۱۴	أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي	آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند.
۱۵	كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَتَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ	نه چنان است، اگر دست (از این کار) برندارد، او را با موی پیشانی‌ش سخت می‌گیریم.
۱۶	نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ	پیشانیِ شخص دروغ‌زنِ خطاکار.
۱۷	فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ	پس (اگر جرأت دارد یا مایل است) همنشینان محفل و باشگاهش را خبر کند.
۱۸	سَدِّعُ الزَّيْنَبَةَ	(ما هم) به زودی نگاهبان دوزخ را خواهیم طلبید.
۱۹	كَلَّا لَا تَطَّعُهُ وَأَسْجُدْ وَأَقْرَبْ (آیه سجده است)	ابتدا و هرگز از او اطاعت مکن (بلکه) خدا را سجده نما و قرب او را بجوی.

این آیات که افتتاح‌کننده‌ی کفرورزان است، در آخر سوره‌ای گذارده شده است که افتتاح‌کننده‌ی وحی بود. اندازی است مستقیم و صریح، شاید به‌اولین قیام‌کننده‌ی مشرکین در برابر فرستاده‌ی خدا که به‌دنبال اصول کلی و توضیح زیر آمده است:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي.
أَنْ رَّاهُ اسْتَعْجِي.

إِنَّ إِلَيَّ رَجْعَ الرَّجْعِيِّ. (علق (۹۶) / ۶ تا ۸)
 (نه چنین است، به یقین انسان سرکشی و طغیان کند.
 همین که خود را بی‌نیاز (و مالدار و مقتدر) ببیند.
 همانا که بازگشت (کارها و زندگی و انسان‌ها) به سوی پروردگار
 تو است.)

البتة قبلاً در سوره‌های شمس (۹۱) (ردیف ۴)، لیل (۹۲) (ردیف ۹)، نباء (۷۸) (ردیف ۱۱)، مدثر (۷۴) (ردیف ۱۲)، و انشقاق (۸۴) (ردیف ۱۵) اندازهای اشاره‌وار کوتاه کوتاه آمده بود.

در گروه آیات فعلی نمونه‌ای از سبک‌شناسی قرآن را می‌بینیم. غالباً اعلام و تعلیم‌های اصولی و کلی را با اشاره و استفاده از موارد محسوس یا مسموع عینی و گاه جزئی بیان می‌نماید. بدون آنکه تذکر و توقف در نام و نشانه‌های شخصی، مکانی و زمانی بنماید. به این ترتیب مطالب سهل‌تر و بهتر فهمیده و دریافت می‌گردد و از تردید و تعجب خالی می‌شود.

آیات جدول، به گفته‌ی مفسرین، به ابوجهل عمومی پیغمبر و دشمن شماره یک دعوت اشاره دارد. ابوجهل پس از شنیدن اینکه فرشته‌ی وحی بر برادرزاده‌اش ظاهر شده است، از راه حسادت و کینه، در پی انکار و آزار او و جلوگیری از عبادت و رسالتش برمی‌آید. نوشته‌اند که حمزه عمومی دیگر پیغمبر به کمک رسول خدا و به تنبیه و تلافی برادر نادان ناشایستش می‌شتابد.

در شش آیه ۱۴ تا ۱۹، به تذکر و تنبیه برمی‌خوریم، هم توبیخ و انذار است و هم تعلیم و تقویت رسول اکرم که در برنامه‌ی دعوت - وگو از اشخاص نیرومند و خویشاوند، همچون ابوجهل - اعتنا و اطاعت از کفرورزان نکرده، راه بندگی خدا و نزدیکی به او را برگزیند.

(۱۹) سال سوم بعثت، سوره‌ی غاشیه (۸۸)، شماره نزول ۳۶ (تمام سوره، ۲۶ آیه) غاشیه را که معنای آن پوشاننده و مستورکننده است، کنایه و نشانه از قیامت یا آخرت گرفته‌اند. البتة چون در آیه ۲ کلمه «یومئذ» آمده است این انتساب می‌تواند صحیح باشد. پوشاننده از آن جهت که هر چیز و هر کس در آن رویداد و روزگار پوشیده می‌شود یا به زیر پوشش رستاخیز می‌رود.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۸۳
 «ضریع» را که در ترجمه‌ی آیه ۶ به عنوان خوراک جهنمیان ذکر شده است،
 قرآن تألیف رهنما، به نقل از تفسیرهای کبیر و تبیان و رازی، چیزی می‌داند که «در
 آتش پیدا می‌شود، و بد بوتر از لاشه و داغ‌تر از آتش» است.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ.	آیا داستان «عاشیه» (یا پوشاننده) بر تو حکایت شده است؟
۲	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ.	(در آن روز) خوار و سرافکنده‌ی وحشت‌زده باشند.
۳	عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ.	در حال عمل و رنج‌اند.
۴	تُصَلِّي نَارًا حَامِيَةً.	به آتشی تافته درآیند.
۵	تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ.	از چشمه جوشانی می‌نوشند.
۶	لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ.	خوراکشان جز از «ضریع» نباشند.
۷	لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ.	(خوراکی که) نه فربه کند و نه گرسنگی را رفع نماید.
۸	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ.	چهره‌هایی در آن روز شاداب و شادمان‌اند.
۹	لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ.	از کوشش و کار خود خرسند.
۱۰	فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ.	در باغ و بهشتی بلند مرتبه.
۱۱	لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَآغِيَةً.	در آنجا گفتار لغو و بیهوده نشنوی.
۱۲	فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ.	در آنجا چشمه‌سارهای روان است.
۱۳	فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ.	در آنجا تخت و کرسی‌های بلند پایه نهاده‌اند.
۱۴	وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ.	و قدح‌ها (یا کوزه و بطری‌ها)یی چیده شده است.
۱۵	وَمَنَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ.	و بالش‌های بر هم ردیف شده.
۱۶	وَزَرَابِيٌّ مَبْنُوتَةٌ.	و فرش‌های گسترده.
۱۷	أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ الْإِبِلَ كَيْفَ خُلِقَتْ.	آیا نظر بر شتر نمی‌اندازند که چگونه آفریده و ساخته شده است؟
۱۸	وَأِلَيَّ السَّمَاءَ كَيْفَ رُفِعَتْ.	و به آسمان که چگونه برافراشته شده و بلند و رفیع است؟
۱۹	وَأِلَيَّ الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ.	و به کوه‌ها که چگونه برنشانده شده‌اند؟
۲۰	وَأِلَيَّ الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ.	و به زمین که چگونه مسطح و هموار گشته است؟
۲۱	فَذَكِّرْهُ لِمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ.	بنابراین به یادآوری و تذکر بپرداز که تو فقط یادآور و تذکردهنده هستی.
۲۲	لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.	تو بر آنها تسلط و فرمانروایی نداری.
۲۳	إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ.	مگر آن کس که رو بگرداند و کفر ورزد.
۲۴	فِيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ.	که در این صورت خدا او را دچار عذاب بزرگ‌تر می‌نماید.
۲۵	إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ.	همانا (یا بدان که) بازگشت آنها به سوی ما است.
۲۶	ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ.	و پس از آن حساب (و کیفرشان) به عهده‌ی ما است.

این سوره به چهار قسمت کاملاً متمایز تقسیم شده است:

(۱) انذار، آیات ۱ تا ۷؛

(۲) بشارت، آیات ۸ تا ۱۶؛

(۳) استدلال به طبیعت، آیات ۱۸ تا ۲۱؛ و

(۴) روش کفرزدایی از طریق تذکر و واگذاری دعوت شونندگان به خدا و

آخرت؛ آیات (۲۱ تا ۲۶).

در اولین برداشت و برخورد کفرزدایی و اعلام آخرت که حالت عام و کلی دارد، بدون آنکه از دوزخ و بهشت و از وارد شونندگان به آنها اسمی برده شود، تصویر و توصیف‌های مقایسه‌ای جسمانی و مادی بی‌پرده و ابهام از احوال و اوضاع و از مسکن و مصرف دو گروه از انسان‌ها داده می‌شود. بلافاصله یک پرسش مشاهده‌ای و تجربی مطرح می‌گردد که موضوع و منظور آن گفته نمی‌شود. آنگاه خطاب کلام به پیغمبر برگشته توضیحات و توصیه‌های اشاره‌وار که در ردیف‌های ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۲ و ۱۵ در سال‌های اول و دوم گوشزد شده بود، به صورت بازتر بازگو می‌شود.

از توصیف‌های دوزخ و بهشت که در آیات ۱ تا ۱۶ آمده است چنین برمی‌آید که مضمولین یا ساکنین آن دو جایگاه یک نوع فعالیت و اشتغال تغذیه و تحرک دارند. هر قدر برای اولی‌ها پرآزارتر و نامطبوع بوده، نه رفع گرسنگی می‌کند و نه بر وزن و جسمشان می‌افزاید، برای دومی‌ها که میوه‌ی مساعی دنیایی خود را می‌خورند آنچه خواستنی و دوست داشتنی است فراهم می‌باشد. در این گروه آیات و برای دو دسته از مردم که هنوز معلوم نیست چه کسانی هستند، آسودن، پوشیدن، نوشیدن و آرمیدن، هم نشانه از چیزهایی است که همه از آن فرار می‌کنند و هم از آنچه همگان آرزو دارند. در آیات گروه سوم به جای استدلال‌های فلسفی و قیاس‌های ذهنی صحبت از نظر انداختن و اندیشیدن درباره‌ی سه موجود محسوس و مأنوس دعوت شونندگان است: چگونگی شتر (یا سایر چارپایان اهلی)، و بلندی آسمان و گستردگی زمین. نظر اول به شتر و حیوانات است که در برابر چشم و در حرکت عادی دیده می‌شود. سپس نظر به بالا و به آسمان انداخته می‌شود و بعد از آسمان و اعجابی که باید از آن حاصل شود، شخص به زمین و زیر پا متوجه شده وسعت عظیم آن را می‌بیند، استحکام کوه‌ها و تسطیح دشت‌ها!^۱

۱. به این ترتیب:

ردیف ۵ سوره اعلی (۸۷)، آیات ۹ و ۱۰:

پس از این سه گروه آیات که ارتباطشان فعلاً آشکار نشده است، برای دوازدهمین بار در ظرف سه سال و با تأکید فراوان، روش ویژه دعوت یا رسالت، به رسول اکرم گوشزد می‌شود: به یاد آوردن یا ذکر و تذکر دادن.

انتقال یک پیام به اشخاص و توجه و تأثیر روی آنها می‌تواند به شکل و شیوه‌های گوناگون انجام شود. متداول‌ترین آنها خصوصاً اگر از مقامات بالا به افراد پایین و تابعین باشد دستور دادن و صدور فرمان است. انواع دیگر آن نصیحت است و ملامت یا وادار کردن و اجبار و به کار بردن زور و آزار. گاهی اوقات از دو عمل تهدید و تطمیع استفاده می‌شود؛ یک طریقه نیز تعلیم و تلقین است. در سیاست و تجارت نیز از تبلیغات بهره‌های زیادی می‌برند. تبلیغاتی که کمتر حالت آگهی بی‌آلایش و ابلاغ ساده را داشته، همراه با مبالغه و تحریف یا جلوه‌گری و جذب و فریب می‌باشد. خواهش و تمنا هم گونه‌ی دیگری از همراهی پیام است.

از میان همه‌ی این اشکال و شیوه‌ها ملایم‌تر، آزادمنشانه‌تر و کم‌فشارتر، همان «ذکر» یا «تذکر» و توجه‌دادن است که خدا برای کفرزدایی به پیامبر برگزیده‌اش تعلیم می‌دهد. به یاد آوردن و اظهار کردن عاری از هر گونه اصرار و التماس و اکراه و آزار. روش ملایم و آزادمنشانه‌ی دیگری هم برای انتقال یک عقیده یا اندیشه و برای پیامبرمان وجود دارد: ارائه و اثبات منظور از روی منطق یا استدلال علمی و با به کار گرفتن عقل و آزمایش و توجه. این روش یا عمل در گفتن و به صورت ظاهر خیلی آسان و آزادانه به نظر می‌آید اما تمرکز حواس و تنظیم فکر برای درک یا ردّ یک

→ «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذُّكْرَى.

سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى.»

ردیف ۷ سوره تکویر (۸۱) آیه ۲۷:

«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.»

ردیف ۱۲ سوره مدثر (۷۴) آیات ۵۴ تا ۵۶:

«كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ.

فَمَنْ شَاءَ ذَكِّرَةٌ.

وَمَا يَذَكِّرُونَ إِلَّا أَنْ يُشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.»

ردیف ۱۶ سوره عبس (۸۰) آیات ۳ و ۴ و ۷ و ۱۱ و ۱۲:

«وَمَا يَذُرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي.

أَوْ يَذَكِّرُ فَتَنْفَعَهُ الذُّكْرَى.

وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَكِّي.

فَمَنْ شَاءَ ذَكِّرَةٌ.»

ادعا و اظهار، کار آسانی نبوده و هر کس علاقه و حوصله آن را ندارد. ظاهراً اینستین بوده که گفته است مشکل‌ترین کار برای انسان فکر کردن است. مع ذلک قرآن برای دعوت مردم به سوی آخرت و خدا، از این در نیز وارد شده است. منتها با آزادمنشی تمام و با کمترین تحمیل و فشار. در چهار آیه استدلالی ۱۷ تا ۲۰ همین سوره ملاحظه کردید که می‌پرسد: مگر به آن چهارپا و به آسمان و کوه‌ها و به زمین نگاه نکرده‌اید که ساختمان و وضع و حالشان چگونه است؟ نمی‌گویند که نگاه کنید و تحقیق و تفکر نمایید تا فلان نتیجه را بگیرید می‌پرسد مگر خودتان نگاه نکرده و چیزی استنباط نکرده‌اید؟^۱

پشت سر «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ». برای محکم کاری «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ». آمده است. یعنی: رسول ما، تو مأمور و مأذون به اعمال سیطره و تسلط نیستی. سپس درباره‌ی پشت کنندگان به دعوت ساده و اعراض کنندگان از ذکر و آگاهی اضافه می‌شود که آنها بالاخره پیش ما خواهند آمد و حساب و کتاب آنها با خود ما خواهد

۱. در سال‌های بعد باز نظیر این پرسش را خواهیم دید. از جمله:

سال ۵ ب، در ق (۵۰) / ۶:

«أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ»

در سال‌های ۹، ۱۰ و ۱۲ ب و ۱ ه در سوره‌های روم (۳۰)، اعراف (۷)، یوسف (۱۲)، مؤمن (۴۰) و فاطر (۳۵)، در تعبیرهایی مانند:

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا»

(فاطر (۳۵) / ۴۴)

در سال‌های هجرت و بعد از هجرت که باب مجادله و بحث باز شده است رفته رفته لحن پرسش تبدیل به دعوت و امر می‌شود و به جمله‌های مشابه «فَانظُرُوا»، «فَسِيرُوا» یا «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (یونس (۱۰) / ۱۰۱) برمی‌خوریم. گاه نیز به عوض دستور بر تفکر و تدبر و تعقل، به تعلیل و «لَعَلَّ» و امثال آنها برمی‌خوریم؛ از قبیل:

(۱) ۷ ب، نحل (۱۶) / ۴۴:

«الدُّكُرُ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

(۲) ۱۲ ب، ص (۳۸) / ۲۹:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»

(۳) ۵ ه، بقره (۲) / ۷۳:

«وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

(۴) ۶ ه، رعد (۱۳) / ۴:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۸۷
 بود و خود ما به عذاب اکبرشان خواهیم رساند. یعنی تو که پیامبرشان و فرستاده‌ی ما هستی، تکلیفی از این بابت نداری.

۲۰ سال سوم بعثت، سوره‌ی قیامت (۷۵)، شماره نزول ۳۷ (آیات ۷ تا ۱۵)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷	فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ.	پس آنگاه که چشم خیره شود.
۸	وَحَسَفَ الْقَمَرُ.	و ماه تاریک شود.
۹	وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ.	و خورشید و ماه جمع شوند.
۱۰	يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ أَيَّنَّ الْمَفِرُ.	انسان در آن روز می‌گوید به کجا باید فرار کرد (پناه برد)؟!
۱۱	كَلَّا لَا وَزَرَ.	ابدأ و هرگز! جایگاه بلند و پناهگاهی وجود ندارد.
۱۲	إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ.	در آن روز قرار و استقرار به پیشگاه (یا سوی) پروردگارت می‌باشد.
۱۳	يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ.	در آن روز انسان نسبت به آنچه پیش فرستاده و به‌جا نهاده است، آگاه می‌گردد.
۱۴	بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ.	بلکه انسان بر نفس و درون خود (کاملاً) بینا است.
۱۵	وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ.	اگر چه عذرهای خود را پیش آورد و ردیف کند.

همان‌طور که عنوان سوره نشان می‌دهد، بعد از توضیح و توصیف‌های مختصری که تذکره‌وار از دو منزلگاه آخرت و سرنوشت انسان‌ها داده شد، اینک خبر از خود قیامت و پیدایش یا افتتاح آخرت داده می‌شود و از سرگردانی و چاره‌جویی آدمی، در اولین برخورد و آگاهی که در بیدار شدن و برپا شدن برای زندگی تازه به او دست می‌دهد! همراه با نشانه‌ها و خبرهایی از پدیده‌ی قیامت و وضع و دگرگونی که برای ماه و خورشید آسمان پیش می‌آید: برق از چشم‌ها می‌پرد، ماه تاریک و بی‌نور می‌گردد و خورشید و ماه به هم مُنظَم می‌شوند! حادثه‌ای بس عجیب و عظیم درحالی‌که انسان هوشیار است و بس نگران! و با راهی شدن به سوی پروردگار، آگاهی کامل به کرده‌ها و نکرده‌های گذشته‌اش پیدا می‌کند و از هر بابت خود آگاه بوده و عذر و بهانه‌ای برای توجیه اعمال خود نمی‌تواند بترشد! آیات فوق که آگاهی دادن و اخبار رویداد رستاخیز و واکنش آدمی است، صرفاً جنبه یادآوری و اطلاع‌داشته و در جواب سئوال فطری انسان است که در آیه ماقبل این گروه آمده و می‌پرسد «أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۱؟

۱. قیامت (۷۵) / ۶: ... روز رستاخیز چه زمانی فرا می‌رسد؟

ارائه و اثبات قیامت و آخرت چون پیش آمدها و پدیده‌های مغایر با جریانات و قوانین حاکم در این دنیا و با محسوسات و تجربیات ما است، مستقیماً امکان پذیر نمی‌باشد. بنابراین همان‌طور که در پنج آیه ابتدای سوره می‌بینیم، از طریق مقایسه و تشبیه عمل می‌شود. به دنبال سوگند «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ و با استمداد از روان‌شناسی و خودشناسی انسان، «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»^۲ گفته می‌شود و برای اثبات امکان تشکل مجدد پیکر آدمی و تصور محال بودن آن پاسخ «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ»^۳ داده می‌شود که نه تنها اسکلت و استخوان‌بندی انسان‌ها را جمع و جور خواهیم نمود، بلکه قادر هستیم سرانگشتان شما را هم با خطوط و نشانه‌هایی که خبر از حالات و اعمال گذشته می‌دهد، از نو بسازیم. آنگاه با تکیه برخواست فطری هر کس که میل دارد، پیش پای خود و گام بعدیش را بشکافد و فردایش را بشناسد؛ پرسش «يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۴ را مطرح می‌کند. آیات ۷ تا ۱۵ مذکور در جدول در واقع نشانه‌های روشن و قاطع برای آن پرسش است.

اشکال بزرگ برنامه کفرزدایی فرستاده‌ی خدا این است که در آن واحد باید هم نبوت و سفارت خود از طرف خدا را برای مردم مسجل نماید، هم قیامت و آخرتی را که نیامده و نظیر آن دیده نشده و قابل درک بشر نمی‌باشد، ثابت کند، و هم خدای نادیدنی و بی شریک و شبیه را به آنها بنمایاند. ضمناً برای قبولاندن سه اصل فوق نه باید اصرار ورزیده شود و نه فشاری وارد آید. این سه مدعا که اصول سه گانه دین را تشکیل می‌دهند، وابسته به یکدیگراند؛ اگر یکی از آنها مردود شود، دو تای دیگر هم در معرض تردید و انکار قرار می‌گیرند.

(۲۱) سال سوم بعثت، سوره‌ی تین (۹۵)، شماره نزول ۳۸ (آیات ۴ تا ۸)

سوره با این سه یا چهار سوگند آغاز شده است:

«وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ.

وَطُورِ سِينِينَ.

۱. قیامت (۷۵) / ۱: سوگند یاد می‌کنم به روز رستاخیز.

۲. قیامت (۷۵) / ۲: و سوگند یاد می‌کنم به نفس ملامتگر [که رستاخیز به وقوع می‌پیوندد].

۳. قیامت (۷۵) / ۴: آری، [آنها را باز می‌سازیم] در حالی که قادریم [حتی خطوط] سرانگشتانش را هم سامان دهیم.

۴. قیامت (۷۵) / ۶: می‌پرسد: روز رستاخیز چه زمانی فرا می‌رسد؟

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ.^۱

«تین» و «زیتون»، دو میوه انجیر و زیتون است که به گفته‌ی بعضی از مفسرین می‌تواند اشاره به میوه‌های بهشتی باشد. ولی «التین» نام کوهی است که دمشق بر آن قرار گرفته و «الزیتون» کوه دیگری است که بیت‌المقدس را روی آن ساخته‌اند.^۲ به این ترتیب سوگندهای سوره تین (۹۵) یادآور مکان‌های مقدسی می‌باشد که زادگاه یا قرارگاه انبیاء اولوالعزم بوده و دعوت به توحید از آن مکان‌ها آغاز گردیده است. به اعتبار آن پایگاه‌های دینی و مردمی مشهود و موجود، و رویدادهای تاریخی مربوط، خداوند صحبت از انسان می‌نماید که در شکل و تصویر و تجهیزات، شاهکار آفرینش می‌باشد. ولی چنان ساخته شده و به حال خود رها گردیده است که می‌تواند تا پست‌ترین مراحل و مراتب ممکن سقوط نماید. آن‌گاه خبر می‌دهد که اگر انسان ایمان آورده و به تلاش و کارهای شایسته پرداخته باشد یعنی با هدف درست و فعالیت زندگی نماید، نه تنها سقوط نکرده و هلاک نخواهد شد، بلکه پاداش خالی از منتی نیز خواهد داشت.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۴	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.	به تحقیق انسان را در بهترین قوام (استواری و نیکی) آفریدیم.
۵	ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ.	سپس او را به پایین‌ترین مرتبه و پستی‌ها انداختیم.
۶	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ.	مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند که در این صورت برای آنان پاداش بدون منت خواهد بود.
۷	فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الْبَدِّينِ.	حال پس از این (واقعات و مشهودات) چه چیز می‌تواند تو را نسبت به دین وادار به تکذیب کند؟
۸	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ.	آیا خداوند بهترین (یا محکم‌ترین) حکم‌کنندگان نیست؟

پس از آن سوگندها و این تجربه و اطلاع مأخوذ از انسان‌شناسی، با یک چرخش زیبای سخن که توضیح و تفصیل بیشتر آن را باید در آیات آینده انتظار داشت، پرسیده می‌شود که چه چیز می‌تواند باعث تکذیب تو نسبت به روز جزا شود؟^۳ مگر خداوند

۱. تین (۹۵) / ۱ تا ۳: سوگند به انجیر و زیتون. و سوگند به کوه سینا. و این سرزمین امن [مکه].

۲. قرآن رهنما، جلد ۴، صفحه ۵۷۱

۳. در اینجا «دین» به معنای جزا و پاداش است. همان‌طور که در سوره حمد (۱) خدا را «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می‌گوییم.

در حاکمیت و حکومت و حکمت بالادست همه فرمانروایان و داوران نیست؟ معاصرین رسول اکرم (ص) در مکه از میان آن سه اصل: نبوت، آخرت و الوهیت، آخری یعنی خدا را با شریک و شبیه‌ها و با تحریف‌ها و تخفیف‌ها قبول داشتند. بنابراین سیستم استدلال روی این ستون یا نقطه‌ی نسبتاً مشترک رفته است. جمله‌بندی و منطق‌شناسی آیات می‌تواند، هم در این جهت باشد که آفرینش نیکوی آدمی موجب جلوگیری از سقوط و هلاک او، و پاداش بی‌منت او در اثر ایمان و اعمال نیکش را نشانه و دلیل برای «أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ»^۱ بودن خدا بگیریم و هم چگونگی ساختار و دو نوع سرنوشت طبیعی و تقریباً مشهور انسان را نمونه و نشانه‌ای از پدیده پاداش‌رسانی جهان خلقت بشناسیم. خصوصاً که خداوند «أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ» است.

در هر حال ارائه و استدلال برای قیامت که ظاهراً تنها هدف این سوره می‌باشد، در اینجا به صورت خاصی آمده است.

۲۲) سال سوم بعثت، سوره‌ی قیامت (۷۵)، شماره نزول ۳۹ (آیات ۱ تا ۶)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	لَا أَقْسِمُ بِبَوْمِ الْقِيَامَةِ.	قسم می‌خورم به روز رستاخیز (نه چنان است بلکه سوگند یاد می‌کنم).
۲	وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْوَالِئَةِ.	و قسم می‌خورم به نفس سرزنش‌گر آدمی.
۳	أَيُّحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ.	آیا انسان چنین می‌پندارد که ما هیچ‌گاه استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟
۴	بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَيَّ أَنْ تُسَوِّىَ بَنَانَهُ.	بلی، حتی ما قادریم که سرانگشتان او را (از نو) به صورت منظم بسازیم.
۵	بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ.	بلکه (چنین نیز هست) انسان می‌خواهد پیش پای خود (و آینده نزدیک را) بشکافد (و تشخیص دهد).
۶	يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.	(برای این کار) می‌پرسد روز رستاخیز چه وقت است؟

این آیات را که بر طبق جدول ترتیب نزول آیات و شماره، بعد از گروه دوم سوره قیامت (۷۵) آمده است قبلاً در زیر ردیف ۱۹ آورده و توضیح مختصر داده بودیم.^۲ در هر حال مانند سوره تین (۹۵) که در وسط این دو شماره نزول قرار گرفته

۱. هود (۱۱) / ۴۵: ... بهترین داوران.

۲. البته ممکن است در واقع امر هر دو گروه با هم بوده و به ترتیب معکوس نازل شده و سوره یکپارچه باشد. اختلاف شماره‌ها و زمان‌های نزول اندک است و می‌تواند بیش از قاطعیت و دقت حساب آمار باشد. عکس آن نیز به اعتبار بعضی از سوره‌های دیگر نیز اشکال ندارد. اینکه قَسَم یا سوگند و نشانه‌های یک پیشامد، قبل از اعلام آن به عمل آید، غیر طبیعی و غیر معمول نیست.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۹۱ است، حالت ارائه و استدلال مبتنی بر نفس ملامتگر آینده‌نگر و پرسشگر انسان را دارد و کفرزدایی صرفاً روی پدیده قیامت و به استقبال اعجاب و انکار مردم می‌رود.

۲۳) سال سوم بعثت، سوره‌ی واقعه (۵۶)، شماره نزول ۴۰ (آیات ۷ تا ۴۴)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۷	وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً.	و سه گروه (یا سه دسته) مختلف هستید (یا خواهید بود).
۸	فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.	از آن میان گروه راست‌ها. (نمی‌دانی که) گروه راست‌ها چگونه‌اند (و چه حالی دارند)!
۹	وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ.	و گروه چپ‌ها، گروه چپ‌ها چگونه‌اند (و چه حالی دارند)!
۱۰	وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ.	و (گروه سوم) پیش‌گروندگان (در ایمان) اند که پیش‌تازند.
۱۱	أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ.	آنها مقربان (در گاه) و نزدیک شدگان‌اند.
۱۲	فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ.	در باغات پر نعمت و تنعم.
۱۳	ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوْلِيَاءِ.	جمعی بسیار از (امت‌های اولیه یا) پیشینیان و مقدمین.
۱۴	وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ.	و اندکی از (بعدی‌ها یا) پس‌آمدگان و متأخرین.
۱۵	عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ.	بر سریرهای زربفت (تکیه‌زده‌اند).
۱۶	مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ.	رو در روی یکدیگر بر آنها تکیه زده‌اند (حالت هم‌صحبتی دوستانه دارند).
۱۷	يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ.	پسران (غلام بچگان) بر گرد آنها (مأمور خدمت) هستند.
۱۸	بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ.	با قدح‌ها و مشربیه‌ها و جام‌هایی از نوشابه‌ی ناب.
۱۹	لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ.	(نوشابه‌ای که) از آن نه دچار سردرد شوند و نه از خود بی‌خود و بی‌خرد گردند.
۲۰	وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ.	و (همچنین) میوه‌جاتی از آنچه دلخواهشان باشد.
۲۱	وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ.	و گوشت مرغان از آنچه اشتها و تمایل داشته باشند.
۲۲	وَحُورٍ عِينٍ.	و حور عین (یا زنان سیه‌چشم زیبا).
۲۳	كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ.	همچون مروارید پوشیده شده (در صدف یا پرده).
۲۴	جِزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.	(همه اینها) به عنوان پاداش آنچه عمل کرده‌اند.
۲۵	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِنَّ أَصْوَابٌ مِّن سَمَاءٍ وَلَا نَجَسٌ.	در آنجا نه کلام لغو و یاوه از یکدیگر می‌شنوند و نه بدگویی و ناسزا.
۲۶	إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا.	مگر مبادله‌ی درود دوستانه و سلام.
۲۷	وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ.	و اما اصحاب‌الیمین یا راست‌روندگان، چه (خوش) اصحاب‌الیمینی!
۲۸	فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ.	در زیر درخت سدر بی‌خار.
۲۹	وَطَلْحٍ مُّنْقُودٍ.	و درخت موزی که میوه‌اش روی هم چیده شده.
۳۰	وَوَيْلٍ مُّمدودٍ.	و سایه‌ی گسترده‌ای با دوام.
۳۱	وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ.	و آبی همواره جاری و ریزان.
۳۲	وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ.	و میوه‌ی فراوان.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۳	لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ.	که نه محدود و مقطوع باشد و نه استفاده‌اش را منع کنند.
۳۴	وَقُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ.	و بسترهای برافراشته (برای همبستری).
۳۵	إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْسَاءً.	همانا که آن (زنان را) به گونه خاصی آفریده‌ایم (یا جوان کرده‌ایم)
۳۶	فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا.	و آنان را (جوان) باکره نمودیم.
۳۷	عُرْبًا أُرَابًا.	دل‌باختگاه همسران خویشند.
۳۸	لَأَصْحَابِ الْيَمِينِ.	برای یاران راست (سعادت‌مندان یا اهل عمل).
۳۹	ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ.	گروهی از پیشینان.
۴۰	و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ.	و گروهی از آیندگان (که بعداً آمده‌اند).
۴۱	وَأَصْحَابِ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابِ الشَّمَالِ.	اما یاران چپ (شقاوت‌مندان یا کجروها)، یاران چپ چگونه‌اند؟
۴۲	فِي سُمُومٍ وَحَمِيمٍ.	در باد سموم (زهر آگین) و در آب جوشان‌اند.
۴۳	وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ.	در سایه‌ای از دود سیاه.
۴۴	لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ.	(سایه‌ای) نه خنک و نه گوارای سودبخش.

بشارت و توصیفی دلخواه‌تر و حتی هوس‌انگیزتر از این نمی‌شود! لذا باید و تمتع‌ها یا بهره‌مندی‌های بهشت موعودِ مقربون و اصحابِ یمین.

سوره واقعه (۵۶) به لحاظ اعلام و توصیف بهشت و جهنم و شرح حال انسان‌ها در آخرت، موضع برجسته‌ای بعد از سوره غاشیه (۸۸) داشته و می‌توان آن را افتتاح‌کننده‌ی تفصیلی کلام در این باب دانست. مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- (۱) یاران راست و درست‌کاران که گروه نیک‌بختان را تشکیل می‌دهند.
- (۲) در برابر آنان یاران چپ و کجروان و گرفتاران قرار دارند.
- (۳) غیر از آنها و قبل از آنها از سابقین یا پیشی‌گرفتگان با سابقه و مرقب درگاه نام برده می‌شود که باید قاعدتاً اولین گروندگان و دعوت‌کنندگان سایرین باشند.

اینکه ۳۰ آیه در وصف بهشتیان است و درباره‌ی جایگاه و خوراک و همسرانشان می‌باشد، و تنها در ۴ آیه به ناراحتی و رنج دوزخیان اشاره اجمالی به عمل می‌آید، شاید عنایتی بوده است که در نخستین اعلام و توصیف آخرت آنچه خوشنودکننده‌ی بشر و خواسته‌ی اوست، بر آنچه ناخواسته و ناراحت‌کننده‌ی است، بچربد و چهره رحمت الهی بر چهره قهر و عذاب او غالب باشد.

۱. در سوره‌ی غاشیه (۸۸) (ردیف ۱۹ همین سال)، در ۷ آیه صحبت از دوزخ بود و در ۹ آیه از بهشت.

دو نکته دیگر درباره‌ی بهشتیان قابل توجه است که قبلاً در سوره غاشیه (۸۸) به صورت اجمال و اشاره آمده بود، یکی «جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (واقعۀ (۵۶) / ۲۴) «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً» (واقعۀ (۵۶) / ۳۵) است که صریحاً می‌رساند پاداش‌های اعطایی یا دریافتی، محصول عمل و تولید شده‌ی خود بهشتیان است و با انعام و اجرت‌هایی که کارفرمایان دنیا و اربابان و ولی‌نعمتان به خدمت‌گزاران و دوستانشان می‌دهند، فرق فاحش دارد. حتی با محبت و نعمتی که از ناحیه مادران و پدران و بزرگان به فرزندان و کسان و زیردستان می‌رسد، تفاوت اساسی دارد. مزد و پاداش و نعمتی که اربابان یا اهل احسان دنیا می‌پردازند یا می‌رسانند، الزاماً ارتباط و تناسب با عملکرد یا ارزش و استحقاق واقعی‌گیرنده ندارد و مستقل از آن بوده و تولیدی و اعطایی دهندگان می‌باشد. در صورتی که در بهشت با آنکه برپا دارنده و ایجادکننده‌ی آن خدا است، گفته می‌شود دست‌آورد خودتان است: «لِسَعِيهَا رَاضِيَةً» در سوره غاشیه (۸۸) / ۹ و پاداش متناسب با کارتان «جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» در واقعۀ (۵۶) / ۲۴ و نشأت گرفته خاص یا ساخته و پرداخته شما «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً» در واقعۀ (۵۶) / ۳۵ می‌باشد و در سال‌های بعد به تعبیرات دیگری از قبیل اکتساب «جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» در توبه (۹) / ۸۲ برخوردار می‌شود. مسلماً اگر انسان‌ها می‌خواستند بهشت و جهنم و پاداشی برای نیکان و فرمانبرداران معرفی نمایند، روی قیاس به نفس بشری و مشاهدات دنیایی می‌بود.

نکته دوم که به‌طور ضمنی از آیات سوره غاشیه (۸۸) برمی‌آید. سنخیت داشتن و ممنوع بودن بهره‌مندی‌های اعلام شده بهشت با نیازهای طبیعی و دنیایی آدمیزاد و مطلوب‌های مادی و احساسی ما است که در بالاترین سطح تصور و توقع بشری قرار داشته، خالی و مبرای از آلودگی‌های پست و عوارض آزاردهنده‌ی وابسته می‌باشد. به‌طور کلی وصف حالی که از بهشت و جهنم شده است، ضمن آنکه قاطعیت و کیفیت برجسته‌ی آن تکان‌دهنده برای ذهن‌های فطری و بی‌غرض می‌باشد، و می‌تواند به‌طور طبیعی ایجاد ضربه (choc) و زمینه پذیرش نماید؛ صرفاً اعلام و اطلاع است و خالی از نشانه و نمونه و استدلال و اثبات می‌باشد.^۱ پیامبرگونه است و

۱. برخلاف تذکرات اجمالی سوره غاشیه (۸۸) (آیات ۱۷ تا ۲۰) که ممکن است تعلق به نزول‌های بعدی داشته باشد. اتفاقاً آیات ۱۷ تا ۲۰ اشتبهاً در جدول ردیف ۱۸ آمده قبلاً در جدول ۱۵ جلد متمم سیر تحول قرآن، آیات ۱۷ تا ۲۶ جزو گروه ب و نازل شده در سال ۴ بعثت، به حساب آمده بوده است. همچنین آیات ۶ و ۷ تغذیه‌ی جهنمیان که از اضافات تکمیلی سال بعدی به شمار می‌رود. آیات ←

از عوالم و اصولی خبر می‌دهد که گیرندگان نسبت به آن خبر دسترسی و درک نداشته‌اند. بشارت و انذار ساده‌ای است که حداقل خاصیت آن اتمام حجت و جلب نظر انسان‌ها برای توجه و تفکر می‌باشد. یعنی همان روش کفرزدایی یا ایمان‌طلبی با بشارت و انذار قاطعانه و درعین حال دلسوزانه و آزادمنشانه و به بی‌غرضانه.

سوره واقعه (۵۶) بعد از سوره نباء (۷۸) دومین اخبار توصیفی (و بلکه ترسیمی) بهشت و جهنم می‌باشد که برخلاف آن صرفاً جنبه‌ی توصیف را دارد در حالی که دو ردیف قبلی مقایسه و تبیین به استدلال و ارائه، یا در حقیقت رفع اعجاب و افکار پرداخته بود. در روش کفرزدایی، خود این کیفیت که علی‌رغم اعجاب و افکار یا اشکال قبول یک مطالب یا خبر، با یک حالت اعتماد و تعیین و بدون اینکه از آن اطلاع داده شود، تأثیر روی طرف داشته پیام‌آورنده را در مقامی قرار می‌دهد که خود گوینده و کشف‌کننده خبر نبوده آن را از یک منبع مطمئن و مقتدر می‌آورد که آگاه و آفریننده است. سپس در سوره‌ها و آیات توضیحی دیگر برای اعلام‌های قطعی و توصیف‌های تفصیلی، قرآن و شواهد و استدلال‌هایی آورده می‌شود.

قسمت اول جنبه اخبار و نبوت را می‌رساند و جنبه دوم دلالت و هدایت مبتنی بر نمونه‌های مأخوذ از طبیعت جهان و خلقت انسان است و هر دو از منشاء واحد وحی و بدون دخالت و علم و عمل شخص پیامبر می‌باشد.

نام سوره‌ها نیز به‌نوبه خود آموزنده بوده انتخاب متناسب دارد: نباء (۷۸)، قیامت (۷۵)، واقعه (۵۶)، مخصوصاً انتخاب کلمه «واقعه» و اینکه رستاخیز آخرت، نه به‌عنوان یک خبر یا حرکت بلکه «واقعه» یا قصه‌ای که واقع خواهد شد و بلکه واقع شده است، اعلام می‌گردید.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه اصولاً انتخاب عنوان «واقعه» برای سوره و به کار بردن جمله‌های: «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَئِيسَ لَوْفَعْتَهَا كَادِبَةٌ»، برای کفرزدایی تجربه برجسته‌ای از طرز استدلال‌های قرآنی است که مغایرت تام با اثبات‌های نظری و استدلال‌های ذهنی فلاسفه یونان و علمای کلام دارد. قرآن به واقعیت‌ها و به آیات خلقت و نشانه‌های موجود و محسوس در طبیعت تکیه می‌نماید و حقیقت و حق را از راه وقوع و وجود خارجی موضوع جستجو می‌کند. کما آنکه وقتی از علم خدا صحبت

→ گروه الف سال سوم، سوره غاشیه (۸۸) که چهار ردیف جلوتر از واقعه (۵۶) می‌باشد، نقض‌کننده‌ی آنچه درباره‌ی آیات سوره واقعه (۵۶) گفتیم، نبوده و می‌تواند تأییدی بر صحت و دقت محاسبات آماری و فرضیه «شاخص طول متوسط» گرفته شود.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۹۵
 می‌کند علم خدا ناظر و شامل چیزی است که وقوع و تحقق پیدا می‌کند و آنچه را
 که وجود و واقعیت ندارد می‌گوید خدا چنین چیزی را نمی‌داند.

۲۴) سال سوم بعثت، سوره‌ی رحمن (۵۵)، شماره نزول ۴۱ (آیات ۷ تا ۱۰ و ۲۸ تا ۴۶ و ۷۸)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	الرَّحْمَنُ.	(خداوند) رحمان (که مبدأ و موجد رحمت و نعمت و خیر است).
۲	عَلَّمَ الْقُرْآنَ.	(همان کس که) قرآن را (به پیغمبر) آموخت.
۳	خَلَقَ الْإِنْسَانَ.	انسان را آفرید.
۴	عَلَّمَهُ الْبَيَانَ.	به او سخن گفتن و (بیان مطالب را) تعلیم داد.
۵	الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ.	خورشید و ماه روی حساب (در حرکت) اند.
۶	وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ.	و گیاه و درختان او را سجده می‌کنند.
۷	وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ.	آسمان را برافراشت (و بلند و بی‌انتهای ساخت) و قرار و قاعده را بر نهاد.
۱۰	وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ.	و زمین را برای مردم (یا برای زندگی و اقامت و استفاده انسان‌ها) قرار داد.
۱۱	فِيهَا فَاكِهَةٌ وَاللَّيْلُ ذَاتُ الْكُمَامِ.	در آن (زمین) میوه (می‌روید) و نخل‌ها یا خوشه‌های در غلاف.
۱۲	وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ.	(و همچنین) دانه‌های همراه با کاه (یا پوست) و علف‌های خوشبو.
۱۳	فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ.	پس (یا با وجود اینها) کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟
۱۴	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ.	آدمی را از گِلِ خشک شده‌ای چون سفال (یا مانند سفال) بیافرید.
۱۵	وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ.	و جن را از شعله بی‌دود آتش (یا از حرارت و انرژی گرمایی) بیافرید.
۱۶	فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۱۷	رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ.	(پروردگاری که) ارباب و سرور دو شرق است و رب دو مغرب.
۱۸	فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۱۹	مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ.	دو دریا را پیش راند تا به هم رسیدند.
۲۰	بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ.	میانشان برزخ (یا فاصله و خشک‌زاری) است که مانع تجاوز (و اختلاف) آن دو شود.
۲۱	فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۲۲	يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ.	از آن دو (دریا) مروارید و مرجان بیرون می‌آید.
۲۳	فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۲۴	وَكُلُّ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالأُنثَى إِذَا وَلَّتْ.	و کشتی‌های بی‌مانند که چون کوه با پرچم افراشته در دریا می‌روند از (حکمت) کالاً غلام.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۲۵	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۲۶	كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ.	تمام آنچه بر آن (زمین) است دستخوش فنا (و نابود شونده) است.
۲۷	وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.	و از آنچه باقی می‌ماند رو و چهره (یا جهت و حرکت به سوی) رب تو می‌باشد که صاحب جلالت و اکرام است.
۲۸	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۴۶	وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ.	و برای هر کس (یا کسانی) که ترس و پروا از مقام رب خود داشته باشند، دو بهشت است.
۴۷	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۴۸	ذَوَاتَا أَفْنَانٍ.	آن دو (بهشت) پر از درختان است.
۴۹	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۵۰	فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ.	در آن (دو بهشت) دو چشمه جریان دارد.
۵۱	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۵۲	فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ.	در آن دو جا از هر گونه میوه‌ای دو نوع (یا دو جور) وجود دارد.
۵۳	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۵۴	مُنَكِّبِينَ عَلَيَّ فُرُشًا بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنِّي الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ.	(بهشتیان) بر بسترهایی که آسترش از دیبای ضخیم است تکیه زده‌اند و میوه‌های آن دو باغ در دسترس نزدیکانشان قرار دارد.
۵۵	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۵۶	فِيهِنَّ قَاصِرَاتٌ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِلَيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَا جُنَّ.	در این دو جایگاه (زنان) چشم به‌زیری که جز به شوهر خود توجه ندارند) وجود دارد که دست هیچ آدم و جن به آنان نخورده است.
۵۷	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۵۸	كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ.	گویی که (در سرخی و زیبایی) همچون یاقوت و مرجان‌اند.
۵۹	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۶۰	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ.	آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟
۶۱	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۶۲	وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ.	و غیر از آن دو (یا علاوه بر آنها) دو بهشت دیگر نیز هست.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۶۳	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۶۴	مُدَاهِمَّتَانِ.	که از (شدت سبزی) متمایل به سیاهی‌اند.
۶۵	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۶۶	فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ.	در آن دو (بهشت دیگر) دو چشمه همواره در جوش و خروش است.
۶۷	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۶۸	فِيهِمَا فَالِكِهَةٌ وَنُحْلٌ وَرَمَانٌ.	در آن (دو باغ دیگر) انواع میوه‌جات وجود دارد و درخت خرما و انار.
۶۹	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۷۰	فِيهِنَّ حَيْرَاتٌ حِسَانٌ.	در آنجا (آنان را) زنانی است نیک سیرت و نیکوروی.
۷۱	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۷۲	حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ.	حوریان مستور و مقیم در خیمه و خرگاه.
۷۳	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۷۴	لَمْ يَطْمِئِنُّنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ.	دست احدی از آدمیان و جنیان قبلاً به آنها نرسیده است.
۷۵	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۷۶	مُتَكَبِّرِينَ عَلَيَّ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٌّ حِسَانٌ.	(بهشتیان یا حوری‌ها) بر بالش‌های سبز و فرش‌های اعلی تکیه زده‌اند.
۷۷	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.	پس به کدام یک از نعمت‌ها (و آثار) پروردگارتان (می‌توانید) تکذیب (یا انکار و اعجاب) ورزید؟
۷۸	تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.	بزرگ و بلند باد نام رب تو که صاحب جلال و اکرام است.

سوره رحمن (۵۵) در ردیف ۲۳ جدول، و به دنبال روش کفرزدایی سوره‌های غاشیه (۸۸) و واقعه (۵۶) و با اعلام نام رحمان، برای اولین بار آغاز گردیده که به بیان رحمانیت و ولی نعمتی خدا و به توصیف تفصیلی بهشت و زندگی بهشتیان می‌پردازد، بدون آنکه در زمینه جهنم و عذاب اندازی بنماید.^۱ ضمن آنکه مانند سوره‌های قبلی،

۱. اینکه در سوره رحمن (۵۵)، ذکری از عذاب جهنم به میان نیامده است، شاید به این دلیل و به اعتبار اسم جلاله «رحمن» یا صفت رحمانیت خداوند باشد که در صدر سوره آمده است. در سوره واقعه (۵۶)، (ردیف ۲۳) در مقابل ۳۰ آیه وصف بهشت تنها ۴ آیه برای جهنم داشتیم و این سیر قهقرایی در ←

حالت اعلام قطعی و اخبار غیبی داشته و خالی از استدلال و ارائه امکان حدوث قیامت و آخرت می‌باشد و روش اقناع و رفع اعجاب را پیش می‌گیرد. با یادآوری نمونه‌های محسوس و مسلم از عملکردها و نعمت‌های خدا در مورد خود ما و محیط زندگی و انسان که تماماً فناپذیراند، پس از پنج بار پرسش اینکه منکر کدام یک از نعمت‌های خدا می‌توان شد، با یک چرخش کلام، بهشت و زندگی بهشتیان را مطرح کرده، به توصیف اشتهاانگیز آن و به تکرار یک خط در میان ترجیح‌بند «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» می‌پردازد. انکار که واقعیت و بهره‌مندی از فرآورده‌های ارزشمند و اعجاب‌آور آفرینش و نعمت‌های لذت‌بخش غیرقابل انکار این دنیا را شاهد مثال و نمونه امکان برای آن دنیا می‌آورد.

چنین روش کفرزدایی اگر استدلال علمی و اثبات عینی نداشته باشد - که با توجه به دوگونگی و اختلاف بنیادی عوامل و شرایط طبیعی حاکم و عدم امکان تجربه مشاهده‌ی پدیده‌های موعود آخرت، از جمله جاودانی و عدم فرسودگی یا آنتروپی، غیرممکن و غیرعملی است - از قدرت اقناع، تخفیفِ اعجاب و انکار و تأثیر بر ذهن‌های بیطرف برخوردار می‌باشد.

تقسیم‌بندی آیات جدول ۲۳ در پنج دسته متمایز مراحل فوق را نشان می‌دهد:
 (۱) از آیه ۱ تا ۱۰ چند نمونه از آثار خلاقیت و عملکرد خدا در مورد خودمان و در زمین و آسمان تذکر داده می‌شود:

- تعلیم بلاواسطه قرآن به نَبِیِّ امِّی معلم‌ندیده و مدرسه‌نرفته،
 - آفرینش انسان که غیرقابل انکارترین و محسوس‌ترین عطیه برای هر آدم عالم و عامی است،
 - نطق و بیان و سرمایه غیرقابل ارزیابی اختصاصی انسان،
 - خورشید و ماه دو منبع لایزال روشنائی و گرمابخش و مبداء بی‌پایان حیات و حرکت و صفا در حول و حوش ما است.
- از جمله دیگر نعمت‌ها، در کشتزارها و باغستان‌ها که جانداران عاری از اراده و اشعار و صد درصد به فرمان کردگاراند؛ و بالاخره بلند آسمان بی‌انتها خود سرمشق

→ سوره غاشیه (۸۸)، (ردیف ۱۹) به ۹ آیه بهشت در برابر ۵ آیه جهنم رسیده بود، (با اصلاح مذکور در پاورقی صفحه ۳۹۳ و انتقال آیات ۶ و ۷ به سال ۴ بعثت) به‌نظر می‌آید برای معاصرین معاند و منکرین سرسخت سال‌های اول رسالت لازم بوده است که هشدار و ضربه‌زدایی (یا choc) انداز و اخطار جلوتر یا لااقل پا به پای بشارت و وعده‌ی نعمت آمده باشد.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۳۹۹
نظم و استقرار، و کره خاکی با جوّ هوائی آعشته به بخار که در کمترین حدّ احتمال و امکان ساخته و پرداخته شده و برای پیدایش آدمیان و پدیده‌ی حیات آماده شده است. چیزهایی که یکی از دیگری عظیم‌تر و عجیب‌ترند و اگر آنها را به‌رایگان و آماده ندیده بودیم و نمی‌دانستیم، برایمان باور نکردنی‌تر و غیرممکن‌تر می‌نمود. هم یک فرد بیابانی و بی‌سواد، حضور ذهن و احساس و درک روشن از محسوسات و مطالب فوق را دارد و هم هر قدر آگاهی و رشد بشر پیش می‌رود، عظمت و ارزش واقعیات فوق آشکارتر می‌گردد.

۲) در دسته آیات ۱۱ تا ۱۸ پس از دو اشاره به بعضی از نعمت‌های وابسته یا حاصله از مخلوقات و موجودات فوق و بهره‌مندی‌های انسان، یعنی میوه‌های آبدار و شیرین و حفاظت شده و حبوبات غذایی و علف‌ها و سبزیجات، شنونده یا خواننده آیات در بن‌بست این پرسش قرار می‌گیرد که کدام‌یک از نعمت‌های اعطایی ارباب واقعی خود را می‌توانند منکر شوند؟ سپس دو نعمت یا دو دریافتی مهم‌تر و ارزنده‌تر مطرح می‌شود: خلقت خودِ شنوندگان و خوانندگان آیات و انکارکنندگان نعمت‌ها و وجود آنان. یکی انسان که مایه و پایه‌ای جز گِل خشک بی‌جان یا ماده خاکی مرده‌صفت نداشته است، و دیگر موجود پنهان از دید و دانش ما به‌نام جن که از خاک نیز نامحسوس‌تر است و بی‌وزن و بی‌رنگ بوده از گرمای خالص تولید شده است. اگر هر نعمت و دریافت را این دو طایفه از مخلوقات صاحب اختیار و مسئول و مشمول ثواب و عذاب بتوانند تکذیب کنند، نمی‌توانند منکر وجود خودشان بشوند^۱ هستی‌ها و دارایی‌های دریافتی از ولی‌نعمت و اربابی که سروری بر شرق و غرب دو عالم ماده و انرژی یا انسان و جنیان دارد.

۳) در دسته‌ی سوم (آیات ۱۹ تا ۲۸) باز هم اشاره و عنایت به آفریده‌ها و نعمت‌های مورد استفاده ما است. از محصولات و مصنوعات صحبت به‌عمل آمده، مرتباً و متناوباً ترجیح‌بند «فَبَآئِ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، تکرار می‌شود. در پایان تذکر مهم ناپایداری عمومی موجودات جهان داده می‌شود و همراه با آن بقای آفریدگار، تا مقدمه و پایه‌ی اصلی برای قیامت و آخرت باشد. تذکر اول، یعنی فانی شدن کلیه‌ی موجودات و محسوسات و صورت‌ها مشاهده و تجربه مسلّمی است که هیچ کس نمی‌تواند منکر آن شود و پیشرفت علوم طبیعی آن را تأیید^۲ می‌نماید. حال

۱. همان‌طور که دکارت گفته است: من هستم چون می‌اندیشم.

۲. از جمله اصل آنتروپی یا کھولت و فرسودگی که مهم‌ترین و عمومی‌ترین ویژگی دنیای حاضر است.

همین که سیر تحول حرکت همه چیز دنیا اعم از مادیات و انرژی‌ها یا جانداران و غیرجانداران، در جهت فرسودگی و فنا بوده و معذالک تحول و حرکت جهان کماکان ادامه داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ی ازلی بودن ایجادکننده و گرداننده‌ی جهان تلقی گردد و خبر از امکان رسیدن به هدف و فرجام بدهد.

(۴ و ۵) دسته آیات چهار و پنج (۴۶ تا ۶۱ و ۶۲ تا ۷۸)^۱ پس از اشاره و ارائه آثار و آیات و نعمت‌های الهی غیرقابل انکار و لذت‌بخش و ارزنده‌ی پروردگار درباره‌ی انسان و تذکر اساسی:

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ.

وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.» (رحمان (۵۵) / ۲۶ و ۲۷)

شنونده (یا خواننده) دوبار مواجه با مناظر و لذایذی از نوع نیازهای حیاتی این دنیا و آرزوهای جسمانی و عینی بشری می‌شود که در سطح اعلی و خالی از نقص و فنا می‌باشد. باغات و چشمه‌سارها یا خوراک و پوشاک و همسران پاک آنقدر خواستنی و زیبا که از این سوره تعبیر به عروس قرآن شده است. توصیف‌ها و تصریح‌های به‌کار رفته، علی‌رغم تعبیر و تمثیل‌هایی که بعضی از عرفا و مدعیان معنی کرده و اصرار بر غیرجسمانی و روحی بودن آخرت دارند، جای شبهه و تردید بر تشابه اصولی و بر تداوم و تعالی زندگی آخرت و آینده‌ی بشریت، با عالم حاضر نمی‌گذارد. روش کفرزدایی قرآن برخلاف بودائیان و مرتاضان یا فلاسفه یونان، مبنی بر انکار زندگی با لوازم مادی و محسوس آن نمی‌باشد و به روح و مجردات توسل نشده است.

نکته‌ی دیگر که تازگی و ویژگی این مجموعه محسوب می‌شود، دو مخاطب داشتن آیات از اولین ترجیح‌بند (آیه ۱۳) است و اعلام ماده اولیه انس و جن. شاید برای اولین بار است که در نزول قرآن صحبت از جن و جنیان به‌عنوان موجودات مختار تکذیب‌کننده‌ی آیات خدا و مشمول کفر و ایمان به‌میان می‌آید. در حقیقت کفرزدایی قرآن و رسالت نبی اکرم شامل طایفه و جنس دیگری از مخلوقات غیر از انسان می‌شود.

۱. آیات ۳۹ تا ۴۵ سوره که با «فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ»، آغاز می‌گردد و پایان آن آیات: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذَّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ. يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتِنَ. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان.» است، برخلاف سایر آیات، اشاره کوتاه به جهنم داشته و طبق جدول شماره ۱۵ در کتاب «سیر تحول قرآن»، با تقریباً یک سال فاصله، در سال ۴ بعثت نازل شده است، بنابراین عنایتی در کار بوده که در این سوره و سال، صرفاً بشارت و تشویق وجود داشته باشد.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۰۱

این سوره که با نام «رحمن» آغاز گردیده و شاهد مثال از تعلیم‌دهندگی و آفرینندگی و عظمت آفریدگار رحمان، و از رحمانیت گسترده او خبر آورده بود، با آیه «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، یعنی با تبریک و تجلیل و تکریم او پایان می‌یابد. رب بودن یا ربوبیت خداوندِ رحمن که در اینجا آمده است، سروری و مالکیت و سلطنت اعلائی را که او بر سراسر کائنات و کلیه‌ی مدعیان ربوبیت دارد، اعلام می‌نماید. و از این جهت تأیید و تفصیلی بر اولین گروه آیات نازل شده بر رسول اکرم در غار حرا به‌شمار می‌رود:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.» (علق (۹۶) / ۱ تا ۵)

در حقیقت از آخرت و رحمانیت ازلی خداوند برای ارائه و اثبات ربوبیت یا پادشاهی بلامنازع و بلامافوق او بر عالمیان استفاده می‌نماید.

کفرزدایی قرآن از راه آموزندگی در یک آیه و یک سوره نبوده حالت تدریجی دارد.

۲۵) سال سوم بعثت، سوره اعلیٰ (۸۷)، شماره نزول ۴۲ (آیات ۱۱ تا ۱۹)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱۰	(سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى).	(به‌زودی کسانی که - از خدا و عذاب او - ترس داشته باشند متذکر و متوجه می‌گردند.)
۱۱	وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتْقَى.	ولی بدبخت‌ترین مردم از آن دوری و احتراز می‌نمایند.
۱۲	الَّذِي يُصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى.	کسانی که گرفتار آتش بزرگ خواهند گشت.
۱۳	ثُمَّ لَأَيُومِتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى.	در آتشی که نه می‌میرند و نه زندگی از سر می‌گیرند.
۱۴	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى.	ولی به‌یقین کسی (یا کسانی که) خود را پاک و اصلاح نمایند، رستگار می‌شود (یا از رستگاران‌اند).
۱۵	وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى.	و پروردگار سرور و ارباب خود را پیوسته به‌یاد آورده نماز می‌گذارد.
۱۶	بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.	(اما شما مردم به‌جای اصلاح نفس و یاد خدا و آخرت) زندگی دنیا را برگزیده‌اید و ترجیح می‌دهید.
۱۷	وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى.	درحالی‌که آخرت بهتر است و پاینده‌تر.
۱۸	إِنْ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى.	همانا که این (گفتار و تعلیمات) در صحیفه‌های نخستین آمده است.
۱۹	صُّحُفٍ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى.	صحیفه‌های ابراهیم و موسی.

۷ آیه از آغاز این سوره را در ردیف ۵ سال اول بعثت دیده بودیم که برای اولین بار و به عنوان وظیفه رسالت و روش کفرزدایی، دستور تذکر دادن و متوجه ساختن مردم، به رسول اکرم رسیده و به او اطمینان داده شده بود که علی رغم مشکلات و موانع، کار را برای او آسان و راه را هموار خواهد ساخت. بداند که شیوه مسالمت آمیز و منطقی تذکر و توجه مفید و مؤثر بوده و به زودی کسانی را که در دل پرستش خدا دارند، جلب خواهد کرد.

پس از آن در سوره عبس (۸۰)، (سال ۲ ردیف ۱۶) یادآوری:

«كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ.

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ.»

به عمل آمده و در سال سوم در سوره غاشیه (۸۸) آیات:

«فَذَكِّرْهُ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ.

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.»

را دیده و شاهد تذکر و توصیف های بهشت و جهنم شده بودیم.

اینک در مورد افراد سرسخت و بدبخت (که رسمشان تکذیب کردن و روگرداندن و لجاج ورزیدن بود)، دنباله مطلب را گرفته و تذکر داده می شود که سرانجامشان درافتادن در آتش بزرگ است، بدون آنکه مانند دوران دنیا، با سوختن و مردن، از آن خلاصی یابند یا زنده شده، حیات تازه و راحت از سر گیرند. در مقابل آنها پندگیرندگان یا تذکر پذیران هستند؛ کسانی که به اصلاح و پاک کردن خود پرداخته، خداوندی را که ارباب و سرورشان می باشد به یاد آورده، با او رابطه ی نماز برقرار می نمایند و فرجام نیک خواهند داشت.

اما چرا و چگونه است که با وجود سراسرستی مسئله و سادگی گزینش سعادت، عامه ی مردم جانب سرسختی و مخالفت و بدبختی را در پیش می گیرند؟ توضیح داده می شود که علت قضیه دنیا طلبی یا دنیا پرستی بشر و ترجیح دادن زندگی حاضر و لذات نقد به وعده های آخرت است؛ آخرتی که قرآن آن را بهتر و شیرین تر و پایدارتر از دنیا اعلام می دارد.

دنیا دوستی آدمی و سرگرمی ها و جاذبه های آن، برای اولین بار به عنوان عامل ضدایمان و ضداصلاح و نیک فرجامی اعلام می گردد. واقعیت مسلم محسوس و

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۰۳

حقیقت روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای که با گذشت دوران‌ها و پیشرفت تمدن‌ها و علوم، اصالت و قوت خود را از دست نداده است. دنیادوستی یا دنیاپرستی مهم‌ترین سلاح شیطان و برگرداننده‌ی انسان از تذکر و تعلیمات ادیان به‌شمار رفته، سرلوحه و پایه مکاتب و ایدئولوژی‌های غیردینی است، اعم از عاطفی و علمی و حتی دین‌های انحرافی.

به‌طور طبیعی و عادی انسان‌ها در زندگی خود و در برنامه‌های روزانه و آرمان‌های فردی و اجتماعی، به‌طوری که در آیات کفرورزی این سال‌ها آمده است، راه دنیا را پیش می‌گیرند که هم آنان را درگیر و اسیر گردانده و هم جاذب و جالب می‌باشد. چه، کسانی که بهره‌مند و کامروا بوده، و پی‌خوش‌گذرانی و فساد و ظلم می‌روند و خویشتن و جامعه را بیچاره و تباہ می‌سازند، و چه پاک‌سرشتان خردمند و نیک‌مردان نوع‌پرور یا کارشناسان دانشمند که برای تندرستی و نیک‌زیستی و نیک‌فرجامی گام برمی‌دارند. دیگر آنکه رسوم اجتماعی و فطرت و غرایز انسانی، آنان را به‌خواسته‌ها و اشتغالات و فداکاری‌هایی می‌کشاند که در فرهنگ بشری ارزش و زیبایی پیدا کرده است. مادام که شخص اطلاع و اعتقاد و علاقه به عوامل و جریان‌های ماقبل و مافوق و مابعد زندگی و دنیای حاضر نداشته باشد و چیزهای دیگری را واقعی و مطلوب و مؤثر نداند، قهری است که راه خدا و آخرت را انتخاب نکرده دنیادوستی و زیباپرستی یا دنیاداری و دنیاسازی را رها نخواهد نمود. تذکری که در آیات پایان سوره اعلیٰ (۸۷) داده شده است، رسم رسالت و روش کفرزدایی را روشن می‌سازد. رسالت انبیاء از اولین تا آخرین آنها و آنچه در صحف و کتاب‌هایشان آمده است و می‌آید، چیزی جز اعلام و انذار خدا و آخرت نمی‌تواند باشد و نشان دادن اینکه «رَبِّ» و «رَحْمَن» ما کسی و چیزی جز خدا نیست و فرجام پاکان، دوست داشتنی‌تر و ماندگارتر از دست‌آوردهای تلخ و شیرین و زودگذر دنیاداران است؛ و کفرزدایی بدون چنین تذکر و توجه دادن، امکان‌پذیر و موفق نخواهد بود.

تکرار و تأکیدهای تدریجی که برای سومین بار راجع به تذکر به‌عنوان اسباب کار اصلی کفرزدایی اصلی رسالت دیده شد و باز هم ادامه خواهد داشت، تنها از جهت اثباتی نبوده و حالت توصیه ساده را هم ندارد. همان‌طور که در ذیل ردیف ۵ (سوره اعلیٰ (۸۷) آیات ۸ تا ۱۰) اشاره رفت، از جهت منفی نیز معنی دار می‌باشد. در حقیقت راه‌های مختلف و مؤثر اصرار و تأکید، تبلیغ و تحمیل، تطمیع و تهدید، و

حتی فریب یا تحریک و تخیلهای شعری و هنری و داروئی و غیره را هم که معمول و مقبول دستگاههای بشری است طرد نموده، خارج از روش الهی رسالت قرار می‌دهد. گویی که برای ورود ایمان و عبادت خدا در دل و دیده آدمی، تنها یک راه وجود دارد: «آزاد راه» ارشادی توجه و تذکر که خالی از هرگونه اجبار و اکراه یا اعمال‌نظر و نیرو باشد و به‌طریق اولی تعجیل و تبلیغ در آن راه نیابد. از آنجا که شخص رسول اکرم بشر بوده و چنین راه نوظهوری را تجربه نکرده است و نگران از اثرپذیری آن در برابر کوه‌های تکذیب و لجاج یا جهل و سرگرمی‌های جالب‌تر دنیا می‌باشد، مکرر به او دل‌داری داده می‌شود که خدا کارش را آسان خواهد ساخت و یادآوری و ذکر، مسلماً مفید و مؤثر واقع خواهد گشت.

(۲۶) سال سوم بعثت، سوره فاتحة الكتاب (۱)، شماره نزول ۴۳ (آیات ۵ تا ۷)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۵	إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ.	تنها تو را بندگی می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌جوییم.
۶	أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.	ما را به راه راست رهبری نما.
۷	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.	راه کسانی که نعمت و نیکی نصیبشان کردی؛ نه آنها که مورد خشم قرار گرفته و نه گمراه شدگان از راهت.

بعد از، تذکر: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى.»، که در سوره اعلیٰ (۸۷) آیات ۱۴ و ۱۵، ردیف ۲۵ آمده بود و اعلام روش صحیح کفرزدایی که باید مبتنی بر خداشناسی و بندگی و استمداد از او و بر آخرت‌گرایی باشد، اینک به آیاتی می‌رسیم که نماز با آن آغاز و استوار می‌شود و افتتاح‌کننده‌ی قرآن است. در ابتدای سال سوم نیز در سوره علق (۹۶) / ۹ و ۱۰، صحبت از «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى. عَبْدًا إِذَا صَلَّى.» شده بود.

از این جهات و بیان حقیقت و دخالتی که آفریدگار سرور کائنات در زندگی و سرنوشت ما دارد، لازم است که سراسر سوره و آیات آن، با حالت زنجیری خاص خود مورد توجه قرار گیرد. حق نعمت و سپاس‌گزاری از آن خداوند یکتا، سرور جهانیان می‌باشد که کارش بخشایش‌گری و مهربانی به‌خلایق بوده صاحب اختیار و پادشاه روز جزا است! جا دارد که جز او سر بندگی و مهرورزی پیش احدی فرود نیاوریم و جز او از کسی و چیزی کمک و دستگیری نجوییم. در برابر چنین آگاهی

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۰۵

و پیمان دسته‌جمعی، در صراطِ مستقیمی که می‌خواهیم برای نجات و نیکبختی ابدی پیماییم، خواستار راهنمایی و رهبری او می‌شویم. ضمناً حواسمان جمع بوده می‌دانیم که انتخاب راه و رهبر کافی نبوده، ممکن است با اختیار و امکاناتی که به ما داده می‌شود، با نافرمانی و دنیاپرستی، گرفتاری و خشم خدا را برای خود بخریم یا با نادانی و نارسایی دچار گمراهی و پریشانی گردیم.

سوره حمد (۱) به‌نظر می‌آید که در ردیف ۴۳ نزول قرآن در سال ۳ بعثت، درست سر جای خود قرار گرفته باشد. پس از معرفی وحی و تنزیل و خبر رستاخیز در سال‌های اول و دوم بعثت، و به‌دنبال تذکر و تندیرها و بشارت‌های جلب‌کننده‌ی فراوان سراسر سال دوم و آغاز سال سوم بعثت، با سوره و چهره تازه‌ای از کفرزدایی روبه‌رو می‌شویم که پایان و نتیجه دو سال و نیم دعوت و ذکر و اجابت نیک‌بختان اندکی می‌باشد که رو به رسول آورده، تشنه و آماده‌ی تعلیم و تعیین تکلیف‌اند و لازم است به آنان (و به آیندگان) دستور و برنامه و هدف داده شود: هدف حرکت به‌سوی تنها ارباب و سروری که اتخاذ کرده‌اند و باید صلوات را که عبادت و اتصال با خدا است، یاد بگیرند:

اول تعلیم حمد و تشکر است. ریشان را شناخته‌اند و آلاءِ ریشان را هم تصدیق کرده‌اند. کمترین وظیفه و عمل شایسته آنان اقرار به زبان و دل و ابراز خرسندی و سپاس‌گزاری از رب یا ارباب یگانه‌ای است که بجای ارباب‌های متعدد اختیار کرده‌اند.

گام دوم حرکت یا اساس برنامه، هدف گرفتن همین اربابِ یکتای ولی‌نعمت است. اربابی که محدود و منحصر به‌ما انسان‌ها (و جن‌ها) نبوده، سروری و ولی‌نعمتی و خلاقیتش بر همه عوالم و خلایق و موجودات سایه افکنده است. شاید اولین بار باشد که هدف اعلی و معبود و معشوق آدم‌ها که همان ارباب و سرور آفریننده و روزی‌دهنده‌ی همه‌ی جهان‌ها است، در جمله‌ی کوتاه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» به گروندگان معرفی می‌شود. پشت سر آن جمله‌ها، آیات کوتاه دیگری بمانند امواج و انوار دربرگیرنده‌ی عوالم و اندیشه‌ها می‌رسد که برای نمازگزاران و گروندگان و شنوندگان، هم تعلیم‌دهنده و تعهد است و هم کفرزدای تردیدها و تزلزل‌ها، یا نافرمانی‌ها و گمراهی‌ها. کفرزدایی که به‌دست خود مؤمن نمازگزار و از دست خودش داده می‌شود:

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
 مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ.
 إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.
 أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.»
 (فاتحه (۱) / ۳ تا ۷)

در گذشته با ربّ و ربوبیت سر و کار داشتیم. در سوره ناس (۱۱۴) سرآغاز کفرزدایی سال ۲ بعثت، ترک همه ارباب‌های مردمی به عمل آمده، به «إِلَهِ النَّاسِ»، پناه برده بودیم. «إِلَاه»، به صفت نکره و عام شیفتگی و سرگرمی و معشوقیت را می‌رساند. «الله»، به صفت معرفه و شاخص اعلی است که شایسته‌ی عبودیت و هدف و مقصد بودن انسان معرفی می‌گردد و فقط دو صفت از او ذکر می‌شود: «رحمان» و «رحیم» یا بخشندگی و رحمت و خیررسانی به خاص و عام و به دوست و دشمن که شامل همه کس و همه چیز می‌شود. اگر خدا می‌خواهد عبادت شود، به دلیل رحمانیت او و برای رحمت رساندن است. عبادت کردن ما نیز باعث دریافت رحمت و مشمول رحمانیت شدن خداوند می‌گردد. با چنین قصد و امید رو به درگاه او می‌بریم. نکته یا ویژگی دیگری که تذکر داده می‌شود «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است. خدای معبودی که در این دنیا سرور و ارباب جهان و جهانیان است، صاحب اختیار و مالک علی‌الطلاق آن دنیا نیز بوده و هرگونه جزای خوب و بدِ خلاق به دست و به دستور او صورت می‌گیرد. با چنین مقدمات و شرایط، منطقی و مصلحت هر آدم مؤمن (و حتی بی‌طرف غیرمکذّب) حکم می‌کند که جز با چنین خدا نرد امید و بندگی نبازد و جز او از احدی کمک نطلبد. در پایان سوره و گویی به قصد بستن پرونده، دعا و تقاضایی به عمل می‌آید؛ دعائی که تنها در صورت مختصر آگاهی شخص به وضع و سرنوشت خود و به مقام الوهیت، ممکن است برگزیده و خواسته شود: راه سراسر است به درگاه خدا، راهی به دور از سرکشی و کج‌روی.

به این ترتیب سوره حمد (۱) پایان‌نامه‌ی آزادانه‌ی کفرزدایی و پیمان‌نامه‌ی داوطلبانه‌ی ایمان‌گرایی مسلمانان می‌شود. با جمع‌زدن دعای راه‌جویی و حفاظت‌خواهی که در آخر آمده است و با قبول اینکه القاء دعا و انشاء آیات از طرف خود خدا بوده است،

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۰۷

سوره را می‌توان قرارداد بنده و خدا و تعهد متقابله‌ای تلقی کرد که به صورت پویا و استمراراً کفرزدایی و ایجاد تعلیم و تقرب می‌نماید.

دو استثناء «مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» و احتیاط‌کاری که بعد از درخواست «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، در زبان و دل نمازگزاران گذارده شده است، به عقیده‌ی غالب مفسرین، اشاره به یهودیان و عیسویان دارد. یهودیان از آن جهت که در نافرمانی خدا و پیمبرانشان و بداندیشی‌ها و بدرفتاری‌ها، از ابتدا خشم خدا را برمی‌انگیخته و «مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ» بوده‌اند. عیسویان نیز به دلیل انحراف‌های عقیدتی و دینی که با فرزند خدا دانستن عیسی مسیح (ع) و با رهبانیت و ترک دنیا دچار گمراهی‌های شدید و در زمره‌ی «ضَّالِّينَ» شده‌اند. البته شأن نزول آیه و انطباق آن انحصار به یهود و نصاری ندارد؛ امت اسلام و کلیه راه‌یافتگان به دین و دانش هیچگاه نه مصون از چیرگی نفس یا شیطان و ارتکاب به گناه و عصیان بوده‌اند و نه می‌توانند بر کنار از اشتباه و انحراف و خطا و از انواع انحراف‌ها و افراط و تفریط‌ها باشند.

نکته مهم در اینجا هشدار دادن آفات و پیش‌گیری چنین غرور و انحراف در سومین سال رسالت به تازه‌گروندگان و به امت آینده اسلام است، درحالی‌که هنوز نه تماس و توجهی از ناحیه رسول اکرم و مشمولین دعوت با یهودیان بدکردار و با مسیحیان کج‌پندار پیدا شده و چنین مسائلی مطرح بوده است، و نه کسی خبر از مسلمانان قرون آینده داشته است؛ یا از بیدادگری‌ها و فسق و فجورها از یک‌طرف، و از فرقه‌بازی‌ها و انواع خرافه و بدعت‌ها که دچارش خواهند گشت، از طرف دیگر. همچنین از انحراف و انشعاب‌های هفتاد و دو ملت (بلکه هفتاد و دو هزار ملت) و انواع اختلافات و نزاع‌ها و کشتارهایی که رخ خواهد داد، نمی‌تواند ناشی و نشانه از چیزی جز اصالت وحی و خدائی بودن رسالت باشد.

به این ترتیب با نزول سوره حمد (۱) و تشریح نمازهای پنجگانه‌ی روزانه، فصل جدیدی به لحاظ کفرزدایی و هدایت آغاز می‌گردد: هدایت و کفرزدایی به وسیله‌ی خود گروندگان و با تعهد و تقاضایی که به درگاه خدا می‌نمایند. این یک نوع خودجوشی به صورت همکاری است که مابین شخص مؤمن و خدای خالق او به وجود می‌آید. با دعا و درخواستی که نمازگزار برای هدایت و حفاظت خود می‌کند هماهنگی آرزو و اراده‌ی خود را با خواست و اراده‌ی خدا طلب کرده، از خدا برای رفتن به سوی او دعوت می‌نماید. ما با اصرار «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صِرَاطَ الَّذِينَ

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.» رسالت و عملی را که پیغمبر مأمور آن شده است در یک مقیاس بسیار پُر دامنه و گسترده تر به عهده می گیریم. نکته شایان توجه دیگر، به صیغه جمع بودن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.» است. سوره و تعهد و تقاضای پایانی آن و ایمانی که مسلمانان به آن دعوت شده اند، حالت دسته جمعی و اشتراکِ مساعی پیدا کرده است. عمل کفرزدایی رسول اکرم، هم اجتماعی شده است، هم خودجوش و هم پویای دراز مدت تا روز قیامت. کفرزدایی و رسالت یک عمل ساده‌ی دفعی، از راه‌های جدال و اجبار یا اقرارِ تحمیلی صورت نمی گیرد و منحصر و متوقف به ایمان آوردن مشرکین نشده و وظیفه‌ی مؤمنین نیز به صرفِ اعلامِ شهادتین و انجام فریضه‌ی نماز به اتمام نمی رسد. این عمل و وظیفه مؤمنین تا خدا خدایی می کند، و شیطان القاء کفر و عصیان می نماید، و تا انسان زندگی می کند، باید ادامه داشته باشد.

در هر حال به طوری که ملاحظه می شود سوره حمد (۱) نه تنها افتتاح کننده‌ی قرآن یا نماز است، بلکه سراسر آن مطالب یا تذکرات و تعلیمات تازه‌ای است که برای اولین بار در زبان وحی می آید: «رَبُّ الْعَالَمِينَ» بودنِ خدا، نامِ الله که در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمده است، دو صفت «رَحْمَن» و «رَحِيم» برای خدا، تعهدِ عبادت و استعانتِ انحصاری از خدا، درخواست و دعای هدایت از خدا و بالاخره روزی ده بار در سراسر عمر و از طرف همه‌ی مؤمنین، پیش‌بینیِ دو آفت گناه و گمراهی که همگی و دائماً در معرض آن هستیم. خلاصه همکاریِ دائمی و دسته جمعی با رسولِ خدا در کفرزدایی فردی و اجتماعی.

(۲۷) سال سوم بعثت، سوره حاقه (۶۹)، شماره نزول ۴۵ (آیات ۳۸ تا ۵۲)

چهره و منطق آیات بعد از پایان و پیمان «فاتحة الكتاب» عوض شده است. برگشتی به مراحل اولیه کفرزدایی و اقناع دعوت شونده‌گان مشاهده می نماییم که مانند ردیف‌های ۳ و ۶ و ۷ و مخصوصاً در ردیف ۱۳ (سوره نجم (۵۳))، در سال‌های اول و دوم بعثت است و از طریق اعلام قاطعانه واقعیت داشتن وحی و جدی بودن قرآن و دست نخوردگی آن صورت می گیرد. و گفتاری است که از مبدأ والایی سرازیر شده است.

در آن زمان چنین اعلام یک طرفه برای آگاهی دادن گروندگان رسالت و اتمام حجت بر شنونده‌گان ضرورت داشت.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۸	فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ.	پس سوگند به آنچه می‌بینید (و برایشان محسوس و مشهود است).
۳۹	وَمَا لَأَنْتُمْ بِبَصِيرِينَ.	و آنچه نمی‌بینید (یا آنچه قابل دیدار و تجربه نیست).
۴۰	إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ.	همانا که این سخن از رسولی بزرگوار (و جدی) است (نه از شخص سبکسری ارزش).
۴۱	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ.	درحالی که گفتار شاعر نیست که کمتر بدان ایمان می‌آورید.
۴۲	وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذْكُرُونَ.	و نه گفتار کاهن است که از آن کمتر پند و تذکر می‌گیرید.
۴۳	تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	نازل شده از جانب سرور و ارباب جهانیان است.
۴۴	وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ.	و اگر (پیغمبر) پاره‌ای سخنان را (به‌خلاف) بر ما بسته بود.
۴۵	لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ.	مسلماناً و با قدرت تمام (مچ) او را می‌گرفتیم (یا مؤاخذه‌اش می‌کردیم).
۴۶	ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ.	و پس از آن رگ دلش را پاره می‌کردیم.
۴۷	فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ.	و هیچ یک از شما را توان آن نبود که مانع و جلوگیر آن شوید.
۴۸	وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ.	و بدانید که قرآن یادآوری و تذکری است برای اهل تقوی.
۴۹	وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ.	و (این را) می‌دانیم که از میان شما کسانی هستند که تکذیب می‌کنند.
۵۰	وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ.	و اینکه (نزول یا حقیقت قرآن) مایه حسرت کفرورزان است.
۵۱	وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْبَقِيَّةِ.	و آن سخن، حق و یقین است.
۵۲	فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ.	بنابراین نام سرورَت را که بزرگ و والا است به پاکی بخوان.

از آغاز سال دوم و به‌طوری که دیدیم، با تکیه بر ذکر و تذکر بودن رسالت، خبرهای تدریجی به‌رسول اکرم و به‌مردم راجع به حدوث قیامت و منزلگاه کفرورزان داده می‌شد که دامنه‌اش به توصیف‌های گیرا و مفصل بهشت و جهنم در سوره‌های غاشیه (۸۸) و واقعه (۵۶) و رحمن (۵۵) کشیده شد و بالاخره به افتتاح نماز و قرآن منجر گردید. طبیعی است که چون اکثر ناس در نادانی و سرگردانی بسر می‌برند یا سرسختی و لجاج می‌ورزند و رسالت توقف‌پذیر نیست، می‌بایستی تلاش و ابلاغ با توجه به اشکالات و ایرادها با تحول و تکمیل روش کفرزدایی، به‌گونه‌ای از سر گرفته شود.

در سوره‌های بعدی این سال، دیگر توصیف‌های مفصل بهشت و جهنم را نمی‌بینیم و تجدید معرفی وحی و تنزیل به گروه آیات فعلی سوره حاقه (۶۹) خاتمه می‌یابد. در عوض چند باب جدید باز و پرده‌هایی ارائه می‌شود. یکی اعلام وقوع و

بحث‌های انذارى تازه، نه روى جهنم و عذاب، بلکه وقوع ضربه‌ای و جهانی رستاخیز، یا اولین برخوردِ تکان‌دهنده‌ی آدمی با آخرت است که گوشه‌ای و لحظه‌ای از آن برایش ترسیم می‌شود. سوره‌های فجر (۸۹)، قارعه (۱۰۱) و حاقه (۶۹) (گروه ۰۴۵) از این نوع است ضمن آنکه توضیح و توصیف اجمالی از پدیده قیامت و مقیاس جهانی داشتن آن در زمان و مکان داده می‌شود.

پرده‌ی دیگر، هشدارهای انذارى تکذیب‌کنندگان و کفرورزان، نه به‌لحاظ دگرگونی‌های جهان یا درد و ضربات جسمانی آن دوران، بلکه توجهات انسانی و تأثیر و تأثرهای نفسانی که برخورد و بیداری رستاخیز در آدمی به‌وجود خواهد آورد. سوره‌های نازعات (۷۹)، تکاثر (۱۰۲)، فجر (۸۹)، زلزال (۹۹)، قارعه (۱۰۱)، صافات (۳۷)، انفطار (۸۲)، مطفین (۸۳) و دخان (۴۴) از این نوع است. ضمن آنکه با آیات نوع پرده اول هم مشابهت دارد.

سوم که شاید تازگی داشته و در ردیف‌ها و سال‌های قبل بی‌سابقه باشد، انذار نه اخروی بلکه دنیایی و تاریخی و هلاکت و بلاهایی است که دامنگیر امت‌های سرکش و گنه‌کار تکذیب‌کننده‌ی پیغمبران شده است و خود فصلی از روش کفرزدایی قرآن را تشکیل می‌دهد که از طریق یادآوری وقایع تاریخی دیده شده و قابل اثبات یا ارائه صورت می‌گیرد. سوره‌های: نجم (۵۳) / ۵۰ تا ۵۵، حاقه (۶۹)، (نزول ۰۶۰)، صافات (۳۷) و شعراء (۲۶) در سال سوم و با تفصیل بیشتر در سال چهارم و بعد از آن.

* * *

آیات ۳۸ تا ۴۸ این گروه از سوره حاقه (۶۹) درحقیقت تکرار و تفصیل و توضیحی بر دو آیه «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ» (طارق (۸۶) / ۱۳ و ۱۴) است که در نهمین شماره نزول آمد، و با اتکاء سوگند بر آسمان و زمین، اعلام کوتاهی به‌عمل آمده بود. اینک با گفتن اینکه، نه گفتار شاعر است و نه کاهن، و با شاهد مثال آوردن از آنچه مردم به‌چشم دیده‌اند، قبول اینکه «تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» است تا حدودی آسان می‌شود. آیات ۴۴ تا ۴۷ که اعلام یک‌طرفه از جانب خدا است، منشاء غیرخدائی نداشتن قرآن و مخصوصاً ساخته و پرداخته نبودن از طرف خود پیغمبر را مسجّل ساخته و زمینه برای پذیرش و اعلام «وَإِنَّهُ لَتَذْكُرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» را فراهم می‌سازد؛ به همان دلیل که روى شما تکذیب‌کنندگان تأثیر ندارد و حسرت آن را

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۱۱
می‌خورید، درحالی که مبین حق است.

قرآن درحقیقت از نفس و قضاوتِ خودِ کفرورزان بر جدی بودن و حقیقت داشتن قرآن شاهد می‌گیرد. سپس در برابر انکار و لجاج آنان تکلیف پیغمبر و مؤمنین را با گفتن «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» روشن می‌نماید. تسبیح «رَبِّ عَظِيمِ» همان ذکر است که بعد از سوره حمد (۱)، (ردیف ۲۵) و سوره توحید (۱۱۲) در نماز باید بیاید.

۲۸) سال سوم بعثت، سوره نازعات (۷۹)، شماره نزول ۴۶ (آیات ۱ تا ۱۴ و ۳۴ تا ۴۶)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا.	سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به قوت می‌گیرند (یا عوامل و پدیده‌هایی که با شدت و سرعت دگرگون می‌سازند).
۲	وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا.	سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند (یا عوامل و پدیده‌هایی که با نرمی و کندی دگرگون می‌سازند).
۳	وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا.	سوگند به فرشتگانی که شناورند (یا عوامل و پدیده‌هایی که موج‌وار و در حرکت عمل می‌نمایند).
۵	فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا.	سوگند به آنها که تدبیر کارها می‌نمایند (یا عوامل و وسایطی که در اثر یا به وسیله آنها اداره جهان انجام می‌شود).
۶	يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ.	(به یاد و منتظر باش) روزی که (زمین و جهان) لرزنده، به‌لرزه و تکان در خواهد آمد.
۷	تَتَّبِعُهَا الرَّافِقَةُ.	و در پی آن ردیف‌های دیگر (تکان و انفجار) خواهد آمد.
۸	قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ.	در آن روز دلهایی در هراس باشند.
۹	أَبْصَارُهُمْ خَائِفَةٌ.	چشمانشان وحشت‌زده و خاشع.
۱۰	يَقُولُونَ أَيُّنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ.	(کافران) می‌پرسند که آیا ما تا حافره (فرودگان نخستین یا جهنم) خواهیم افتاد.
۱۱	أَيُّنَا كُنَّا عِظَامًا تَّحْرَةً.	آیا درحالی که به‌صورت استخوان‌های پوسیده در آمده‌ایم؟
۱۲	قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ.	می‌گویند (یا می‌پذیرید که) در این صورت بازگشت (یا رستاخیز) زیان‌آوری خواهد بود.
۱۳	فَأَيُّهَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ.	جز این نیست که آن (رستاخیز یا قیام قیامت) فریاد (یا ضربه‌ی) واحدی خواهد بود.
۱۴	فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ.	که ناگهان خود را در آن صحرای باز خواهند یافت.
۳۴	فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى.	آنگاه که آن حادثه یا (مصیبت) بزرگ در رسد.
۳۵	يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى.	روزی که آدمی متذکر همه کارها و کوشش‌های گذشته خود بشود.
۳۶	وَبُرْزَتِ الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرَى.	و جهنم برای هر که ببند، آشکار شود.
۳۷	فَأَمَّا مَنْ طَغَى.	پس هرکسی که سرکشی کرده و طغیانگر باشد.
۳۸	وَأَنزَلَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.	و زندگی دنیا را ترجیح داده و گزیده باشد.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۳۹	فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى.	در این صورت جهنم جایگاه او خواهد بود.
۴۰	وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَهَيَّيَ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى.	و اما هر کس که ترس از مقام و عظمت پروردگارش داشته و جلوی هوای نفس را گرفته باشد.
۴۱	فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى.	در این صورت بهشت جایگاه او خواهد بود.
۴۲	يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا.	از تو راجع به زمان (قیامت) و سر رسید یا لنگرگاه آن پرسش می کنند.
۴۳	فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا.	تو را چه به (وضع و حال و یاد و علم به) آن؟
۴۴	إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا.	نهایت و مقصد آن به سوی پروردگارت می باشد.
۴۵	إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا.	تو فقط بیم دهنده و هشدار دهنده ی کسانی هستی که از آن روز هراسان می شوند.
۴۶	كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا.	بر خورد و دیدارشان در آن روز چنان است که گویی (در این دنیا) جز یک شب یا صبح آن توقف نداشته اند.

بعد از سوره مرسلات (۷۷)، (ردیف ۱۰ سال ۲) که برای واقعیت داشتن وعده ی قیامت، سوگند به نسیم ها و طوفان های مفرح و مخرب خورده شده، این دومین سوره است که با تفصیل بیشتر همان نوع استشهاد و استدلال به عمل می آید. قبلاً از سوگندهای مأخوذ از طبیعت و خلقت در ردیف های ۳ و ۴ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۱ نمونه هایی دیده بودیم که برای اخطار و ارائه امکان حدوث آن بود:

(۱) جدی بودن وحی،

(۲) فرجام رستگاری و تباهی انسان و

(۳) وقوع رستاخیز.

غالب مفسرین و مترجمین قرآن سوگندهای پنجگانه این سوره را که مشابهت به سوره مرسلات (۷۷) دارد، اشاره به فرشتگان گرفته اند. در حالی که اولاً: چنین صراحت و دلالتی در آیات وجود ندارد، و ثانیاً همان طور که در ردیف (۲-۲) توضیح دادیم، قسم خوردن به ملائکه یا رسولان و مقربان درگاه و به خود خدا در محاورات بین مؤمنین و معتقدین می تواند خاصیت و موضوعیت داشته باشد. ترجمه و تعبیر مفسرین روی عادت و عرف خودشان بوده و یک نوع قیاس به نفس است و الا معنی ندارد که خداوند یا پیغمبر خدا در محاوره با کفار منکر یا مُکذِّب که مورد قبول آنان نیست، استشهاد به وجود خدا یا به عمل فرشتگان و ایادی دستگاه خلقت کرده باشند. بالعکس در استناد و استشهاد به پدیده ها و جریان های بزرگ طبیعی و به عوامل طبیعت که

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۱۳
مشهود و مورد پذیرش و شگفتی همگان می‌باشد، امکان اقناع و جلب توجه و موافقت
آنان بیشتر است و می‌تواند مقدمه و زمینه‌ای برای استفاده از مشاهدات و اکتشافات
علمی باشد که خود یکی از روش‌های کفرزدایی و متدولوژی قرآن است.

پنج قلم سوگندهای سوره مرسلات (۷۷) همان‌طور که مفسرین ترجمه کرده‌اند،
یادآور جریان‌های ایجادکننده‌ی نسیم و باران و طوفان و زنده‌کننده یا نابودکننده‌ی
زمین و زراعت می‌باشد و در سوره‌های بعدی قرآن، به‌عنوان نمونه تجدید حیات دنیا
در قیامت ارائه شده است. در هفت قلم سوگند به‌عوامل تحریک و تدبیر و تحول‌های
شدید جهان که در سوره نازعات (۷۹) ردیف شده است، اکتشافات زمین‌شناسی
قرون اخیر و هیئت و فیزیک موجی و اتمی را به‌یاد می‌آورد. عوامل و آثاری که در
مجموع سازنده و صورت‌دهنده‌ی پدیده‌ها و تحولات زمین و آسمان بوده، می‌تواند
در حکم فرشتگان و ایادی آفریدگار جهان محسوب شود، بدون آنکه تصمیم
گیرنده و به‌وجود آورنده‌ی خودشان و خواصشان باشند.

به‌نظر می‌آید هدف از این گونه سوگندها ارائه امکان رستاخیز جهانی و بیان
مشابهت و سنخیت اصولی پدیده‌ی قیامت با پدیده‌های محسوس فعلی دنیا باشد. این
سبک کفرزدایی از طریق استشهاد به طبیعت حاکم و استدلال‌های علمی تجربی
خاص قرآن بوده، لیکن مفسرین به آن توجه لازم نکرده‌اند و متشرعین و متکلمین و
اهل تصوف و عرفان راه‌های دیگر در پیش گرفته، به پیروی از فلاسفه یونان و
مکاتب هند و خاور دور در وادی‌های ذهنی عقل یا مکاشفات و شهود وهم،
سرگردان شده‌اند.

ترکیب‌بندی و نظم آیات نیز قابل توجه بوده و در چهار گروه جا داده می‌شود:
۷ آیه، از ۱ تا ۷) اشاره و استشهاد به‌عوامل و ایادی برانگیزنده و واژگون
کننده‌ی طبیعت.

۷ آیه، از ۸ تا ۱۴) برخوردار ناگهانی حسرت‌انگیز و زبان‌حال انکارکنندگان و
تکذیب‌کنندگان.

۸ آیه، از ۳۴ تا ۴۱) برخوردار بعدی یا تدریجی با آخرت و دو دسته‌شدن
سرکشی‌های دنیاپرستان از یک طرف و ترسندگان و
پروداران خدا از طرف دیگر، برای رفتن به جهنم و بهشت.

۵ آیه، از ۴۲ تا ۴۶) زبان قال تردیدکنندگان قیامت و خیر قرآن از صعوبت درک و تصور آن، حتی برای پیغمبر خدا و دوری بینهایت آن و از کوتاهی مدت زندگی دنیا.

(۲۹) سال سوم، بعثت سوره بلد (۹۰)، شماره نزول ۴۹ (تمام سوره، از ۱ تا ۲۰)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ.	(نه چنین است) قسم به این شهر.
۲	وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ.	درحالی که تو حل شده در این شهر (مقیم و کاملاً آگاه بر احوال و مردم آن) هستی.
۳	وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ.	و قسم به پدر و مادران و آنچه زائیده می شوند.
۴	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ.	به تحقیق آدمی را در رنج و محنت آفریده ایم.
۵	أَيْحَسِبُ أَنْ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ.	آیا گمان می کنند که احدی را بر او قدرت و تسلط نیست.
۶	يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا.	با خیال راحت و غرور) می گوید مال فراوانی را هلاک کرده (یا به دست آورده ام).
۷	أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ.	آیا گمان می کند که کسی او را (در کارها و حالاتش) نمی بیند؟
۸	أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ.	آیا برای او دو چشم قرار نداده (یا نیافریده) ایم؟
۹	وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ.	و یک زبان و دو لب؟
۱۰	وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ.	و دو راه (یا دو هدف و مسیر) پیش پایش نگذاشته ایم؟
۱۱	فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ.	ولی از آن گذرگاه سخت (یا گردنه) عبور نکرده و گام نهاده است.
۱۲	وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ.	و تو چه دانی که گردنه (یا گذرگاه سخت) کدام است؟
۱۳	فَكَرَّ رَجَعًا.	آزاد کردن بنده است.
۱۴	أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَبَةٍ.	یا غذا دادن در روز قحطی.
۱۵	بِئِيمَانٍ ذَا مَقْرَبَةٍ.	به یتیمی که خویشاوند باشد.
۱۶	أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ.	یا درمانده و مسکین خاک نشین.
۱۷	ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ.	و پس از آن (یا علاوه بر آن) از کسانی باشند که ایمان آورده اند و یکدیگر را به پایداری و نیکو کاری سفارش می نمایند.
۱۸	أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.	اینان اهل میمنت و نیک بختی هستند.
۱۹	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَاهُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ.	و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، اهل شقاوت و بدبخت اند.
۲۰	عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ.	آنها را آتش در بر گرفته است که (فعالاً) از هر سو پوشیده است.

سبک استشهاد و استدلال مانند مرسلات (۷۷) و نازعات (۷۹) است، با این تفاوت که از جو و جهان پایین تر آمده، توجه و تمرکز به مسکن و محیط رسول اکرم و معاصرین او دارد و به زندگی انسان می پردازد که برای تلاش آفریده شده است.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۱۵
سپس برخورد آدمیان را با مال و مصرف مال مطرح کرده و دو دسته شدن آنان به
جهنمی و بهشتی را بیان می‌کند و فرمول کلی ایمان و توصیه به صبر و احسان را
اعلام می‌نماید.

در تعقیب استنادها به شواهد طبیعت و استدلال‌های گذشته در زمینه‌ی ثواب و
عقاب آخرت یا حدوث قیامت، مطلبی که در اینجا به شهادت زندگی روزمره
انسان‌ها عنوان می‌شود، تذکر این نکات است که:

اولاً، آفرینش آدمی و زندگی عمومی مردم برخلاف توقع و تصور آنها، نه برای
خوشی و برخورداری راحت از مال و منال است؛ بلکه توأم با تلاش و سختی بوده و
راه‌های دشواری را باید پیماید.

ثانیاً، چنین نیست که شخص مستقل و مستور باشد و زیر هیچ قدرت و نظارت
نرود و وارث اعمال و موضع‌گیری‌های خود نباشد. اگر به او اعضاء و جوارحی
همچون چشم و زبان و لب داده شده است، برای بالا رفتن و رد شدن از گردنه‌های
دشوار مال‌پرستی و خودخواهی است. سپس به دنبال ایمان دسته‌جمعی و تعبُّد و
تقاضاهای اجتماعی که در سوره حمد (۱)، (ردیف ۱۶) آمده، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
در زبان و دل ما قرار داده شده و در این ردیف مسئولیت اشتراکی و اجتماعی
مؤمنین با افزوده شدن شرط «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» واضح‌تر بیان
می‌شود.

کفرزدائی و دعوت به اسلام تنها در ایمان آوردن و اقرار بندگی خدا نیست بلکه
باید در کشاکش تلاش و تعب‌های زندگی و تجاوزهای مخالفین، به فکر سایرین نیز
بوده همدیگر را به مقاومت و پایداری و به‌خیررساندن و خدمت‌گزاری، تشویق و
توصیه نمایند. یعنی یک‌نوع تکامل اجتماعی و مهربانی.

در پایان سوره اکتفا به بشارت کوتاه «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» و انذار دو آیه‌ای
«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ. عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ» می‌شود.

۳۰) سال سوم بعثت، سوره تکوین (۱۰۲)، شماره نزول ۵۰ (آیات ۵ تا ۸)

آیات این سوره مانند بعضی از سوره‌های ماقبل و مابعد اختلاط فشرده‌ای است از
توصیف و تعلیل کفرورزی (آیات ۱ تا ۴) و کفرزدایی، یا روش برخورد و هدایت
مشرکین تکذیب‌کننده، که خالی از استدلال و استناد به پدیده‌های طبیعی و اقناع
است ولی جنبه‌ی انذار قوی و نفوذ در وجدان‌های آماده برای بیداری و آینده‌نگری

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	(الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ.)	(شما را تکاثر و فزون‌آوری (در مال و فرزند) شیفته کرده است.)
۲	(حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ.)	(تا آنجا که به دیدار قبرها (و مرگ) برسید (یا قبرها و مرده‌ها را) دیدار کنید.)
۳	(كُلًّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ.)	(نه چنین است که تصور می‌کنید، بلکه به‌زودی خواهید دانست.)
۴	(ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ.)	(باز هم نه چنین است به‌زودی خواهید دانست.)
۵	(كُلًّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ.)	(نه چنین است، اگر از روی یقین آگاهی و علم می‌دانستید.)
۶	(لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ.)	(حتماً جهنم را می‌دیدید.)
۷	(ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ.)	(و پس از آن (یا بعداً و در عالم آخرت وقوع آن را) به‌صورت عینی خواهید دید.)
۸	(ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ.)	(و سپس در آن روز در مورد نعمت‌ها و خوشی‌های (دنیا) بازخواست می‌شوید.)

دارد. هشداری خبری به‌منکرین داده می‌شود و آن را به شهادت می‌طلبد که به‌زودی خودشان از عذاب آخرت آگاه خواهند شد و چنین نخواهد ماند. در مورد اصرار آنها (و به‌طور کلی انسان‌ها) درباره‌ی آخرت، دو تعلیل آمده است؛ یکی بی‌توجهی و غفلت حاصله از سرگرمی‌ها و شیفتگی به‌دنیا و فزون‌خواهی‌های آن، و دیگر دوری و دشواری آگاهی انسان نسبت به‌چگونگی آخرت و عذاب‌های آینده، در قیاس با شرایط حاضر این جهان و ساختمان و توانایی آدمیزاد. در حالی که اگر از هم اکنون به علم یقین و قطعی رسیده بودند، جهنم را رؤیت می‌کردند؛ نه تنها رؤیت عقلی و علمی به‌صورت استدلال و اثبات، بلکه رؤیت علنی که گوئی خود آن را در برابر چشم دارند.

مفسرین قرآن معمولاً آیات ۵ و ۶ و ۷ را هم‌زمان و مقارن این دنیا گرفته، هم اینکه آن را متناسب با آگاهی و ایمان دعوت‌شدگان می‌دانند. صوفیان و عرفا نیز روی کلمات «عِلْمَ الْيَقِينِ» و «عَيْنَ الْيَقِينِ»، و دنباله آنها که شهود و حضور ماورای احساس و استدلال است و به‌زعم آنها مختص اولیاء الله و مرشدهای واصل شده به حقیقت و حق است، داد سخن داده‌اند. علاوه بر آن تعبیرها و تعمیم و تطبیق‌های «مِنْ عِنْدِي» با نظریات خودشان درباره‌ی مراحل نفسانی سلوک و مکاشفه نموده‌اند که از هدف و موضوع آیات دور شده‌اند.

نظر مفسرین که سه مرحله‌ی «عِلْمَ الْيَقِينِ» و «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» و «عَيْنَ الْيَقِينِ»، را هم‌زمان و مربوط به مکشوفات این دنیای کفرورزان گرفته‌اند، در صورت توجه به سه بار تکرار حرف عطف «ثُمَّ» در آیات ۴ و ۷ و ۸، می‌تواند قابل تأیید نباشد. آیه

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۱۷
آخری را که «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» است، همگان راجع به آخرت و دریافتن مکذیبین در آتش جهنم گرفته‌اند. به این اعتبار حرف عطف «ثُمَّ» را که در آیه ۷ است نیز می‌توان خبر از آینده و حضور و مواجهه گنه‌کاران با رستاخیز و وقوع آخرت دانست. همان‌طور که «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»، با قید زمانی «سَوْفَ» که در دو آیه متوالی ۳ و ۴ آمده است، در حکم پیش‌آگهی می‌باشد که به تکذیب‌کنندگان و تردید‌کنندگان سرگرم شده به دنیا و غافل از سررسیدن قریب‌الوقوع مرگ و قیامت داده می‌شود. به این ترتیب ترجمه و تعبیر آیات ۳ تا ۸ چنین خواهد شد:

قیامت و آخرت آن‌طور که شما مردم سرکش (یا دیرباور) تصور و تردید دارید، امر موهوم و خبر دروغ نیست و زمانی نخواهد گذشت که واقعیت و حقیقت آن را خواهید دید. اگر از هم اکنون هم آگاهی لازم و علم کافی یقین‌آور می‌داشتید، شاهد جهنم می‌شدید، پس از آن نیز خود آن را می‌دیدید. پس از دیدار عینی جهنم و حضور در آن نیز درباره‌ی نعمت‌ها و برخورداریهای دنیا که واله و غافلتان کرده بود، بازخواست و مؤاخذه خواهید شد.

توجیه و تأویل اهل عرفان و داعیان مطلع از رموز قرآن نیز به‌نظر درست نمی‌آید. در این سوره و سال‌ها، قرآن در مقام شناساندن مراتب ایمان و نفسانیات انسان بود. به‌طوری‌که در ردیف‌های گذشته دیدیم و باز خواهیم دید، هدف عمده آیات اعلام قطعیت قیامت و قبولاندن کیفر و پاداش‌های نادیده و ناشناخته‌ی آخرت است. در جایی که قسم و تأکید به سوگند به کار می‌رود، یا اتکا و استناد به پدیده‌های عظیم طبیعت و جریان‌های عمومی جهان می‌شود، از خلقت جن و انس شاهد مثال می‌آورد، یا اشاره‌های کوبنده و والا به جدی‌بودن وحی و تنزیل و به‌قدرت و رزانت آورنده‌ی آن به‌عمل می‌آید و در سوره‌ی تکوین (۱۰۲)، به‌جای سوگند و تمثیل و به‌جای تهدید و تحمیل که رسم و روش بشری است، منطلق تعلیل و تحلیل اتخاذ شده است و علت انکار و اشکال قبول قیامت از طرف معاصرین و آیندگان توضیح داده می‌شود.

اتفاقاً در سوره نباء (۷۸) (ردیف ۱۱) و در برابر استفسار و اختلافی که مخالفین درباره «نَبَأِ عَظِيمٍ» یعنی رستاخیز می‌کرده‌اند به تعبیرهای مشابه، «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.» و «ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ.» (به صیغه غائب) برخورده بودیم؛ ولی در اینجا «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا. وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا. وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا.» و... گفته شده بود. در اینجا «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَ تَرَوُنَّ الْجَحِيمَ.» گفته شده است.

قرآن که خود را کتاب مبین و کلامی سرراست و سهل برای تذکر و پند معرفی کرده و «غَيْرَ ذِي عِوَجٍ» است، با کسی صحبت مرموز و مبهم یا انحرافی ندارد که محتاج به تأویل و تطبیق باشد. حتی به خود پیغمبر هم، آنجا که مسئله تنزیل و تقدیر مطرح می‌شود یا از او زمان حدوث قیامت را می‌پرسند، صریحاً پاسخ می‌دهد:

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر (۹۷) / ۲)

یا

«فِيمَ أَنْتَ مِنَ ذِكْرَاهَا.»

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا.» (نازعات (۷۹) / ۴۳ و ۴۴)

(۳۱) سال سوم بعثت، سوره قلم (۶۸)، شماره نزول ۵۲ (آیات ۱ تا ۱۰ و ۱۶)

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.	ن. و سوگند به قلم و آنچه (با آن) می‌نویسند.
۲	مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْتُونٍ.	تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی.
۳	وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ.	و اینکه برای تو (در برابر زحمات رسالت و اهانت‌های مخالفین) پاداش بی‌منت وجود دارد.
۴	وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.	و اینکه تو دارای خُلُق (یا سعه صدر) و تحمل قابل ستایشی می‌باشی.
۵	فَسَتَبْصِرُ وَبَصِيرُونَ.	(مطمئن باش که) به‌زودی خواهی دید و (مخالفانت) خواهند دید.
۶	بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُولُ.	که بر کدامیک از شما دیوانگی (چیره شده) است.
۷	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.	بدان که پروردگار سرور و ارباب تو بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است و (نیز) او به راه یافتگان آگاه‌تر است.
۸	فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ.	بنابراین اطاعت و پیروی از تکذیب‌کنندگان منما.
۹	وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ.	دوست دارند که تو نرمی و مماشات کنی تا آنها نیز چنین کنند.
۱۰	وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ.	و (همچنین) پیروی و اطاعت از هر فرومایه بسیار سوگند خور (چرب‌زبان) منما.
۱۱	(هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنِيْمٍ)	(عیب‌جویی که برای سخن‌چینی به هر سو می‌رود.)
۱۲	(مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيْمٍ)	(بازدارنده از خیر و متجاوز گنه‌کار است.)
۱۳	(عُثْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيْمٍ)	(علاوه بر اینکه خشن و تندخو است ناشناخته نَسَب نیز می‌باشد.)
۱۴	(أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَتَنِيْنٍ)	(اگر چه (یا بدان علت که) صاحب مال و فرزندان باشد (یا می‌باشد).)
۱۵	(إِذَا تَنَلَّىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ)	(چون آیات ما بر او خوانده می‌شود گوید: افسانه‌های پیشینیان است.)
۱۶	سَسْمُهُ عَلَىٰ الْخُرْطُومِ	بر بینی‌اش داغ (رسوایی) خواهیم نهاد

سوره قلم (۶۸) سوره کفرزدایی و کفرورزی است ولی کفرزدایی به صورت تردیدزدایی در خطاب به خود پیغمبر و تقویت و تداوم او در امر رسالت. ضمناً مانند بسیاری از سوره‌های دیگر با سوگند آغاز می‌شود. ولی نه سوگند بر فرشتگان و خدا یا بر طبیعت آیات خلقت، بلکه بر نویسندگی انسان‌ها. سوگند حالت خاص شهادت‌طلبی و گواه‌گرفتن از علم و عمل خودمان را دارد و آنچه را که خواهیم دید یا خواهند دید. برای اقناع و اطمینان خود پیغمبر بر معجون‌نبودن و پاداش بی‌منت داشتن او، علی‌رغم توهین و تلقین‌های مشرکین و مکذبین؛ تا نهایتاً به جدی بودن دعوت و حقیقت داشتن قرآن و وحی برسد. همان‌طور که وفور آن را در سال اول و اندکی در سال‌های دوم و سوم در سوره‌های طارق (۸۶)، بروج (۸۵)، تکویر (۸۱)، نجم (۵۳) و حاقه (۶۹)، (ردیف‌های ۳-۶-۷-۱۳ و ۲۷) دیدیم.

وعده‌های «فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ. بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ.» که در آیات ۵ و ۶ آمده است و اثبات مدعی و مطلب را موکول به آینده و مشاهده خودشان می‌نماید. مشابه آیات ۳ و ۴ و ۷ سوره تکاثر (۱۰۲) در ردیف پیشین (ردیف ۲۹) است.

آیه ۷ که می‌گوید: پروردگار تو بهتر از هر کس (و از خود تو) می‌داند، چه کسی گمگشته از راه اوست و هدایت‌شدگان کیانند، تأیید تکراری و توضیح تفصیلی بر اصل آزادی ایمان و اختیار انسان است و انحصار داشتن رسالت به انذار و دعوت، همراه با واگذاری نتایج رسالت و اثرات دعوت از یک طرف و عذاب و ثواب آخرت از طرف دیگر، به‌خود خدا. این مطلب و نظر قرآن در مورد کفرزدایی را با تعبیرهای مختلف و تدریجاً در ردیف‌ها و آیات زیر دیده بودیم:

ردیف (۳)، طارق (۸۶) : ۱۷- فَمَهَلِّ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤُودًا.

ردیف (۷)، تکویر (۸۱) : ۲۷- إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ.

۲۸- لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ.

ردیف (۱۲)، مدثر (۷۴) : ۱۱- ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا.

۱۲- وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا.

۱۳- وَبَيْنَ شُهُودًا.

۱۷- سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا.

۵۴- كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ.

۵۵- فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ.

۵۶- وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى
وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ.

ردیف (۱۶)، عبس (۸۰) : ۱۱- كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ.

۱۲- فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ.

ردیف (۱۹)، غاشیه (۸۸) : ۲۱- فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ.

۲۲- لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.

۲۳- إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ.

۲۴- فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ.

۲۵- إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ.

۲۶- ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ.

بعداً نیز خواهیم دید که اصل مهم آزادی ایمان و کفرزدایی خالی از اجبار و آزار، چگونه در سوره‌ها و ردیف‌های آینده تعقیب و تأکید و تشریح می‌شود.

آیات ۸ و ۱۰ به صورت نفی، چهره دیگری از روش کفرزدایی و دعوت را نشان می‌دهد و از اصول مهم نبوت است که باید اصالت داشته و صددرصد الهی خالص و خالی از دخالت و تأثیر و سازش با غیر خدا باشد.

دو سال و نیم پس از تلاش رسول اکرم در ادامه دعوت و تحمل سرسختی و خصومت‌های مشرکین، پیشرفت رسالت به جایی رسیده است که بعضی از تکذیب‌کنندگان مایلند به گونه‌ای با پیغمبر کنار بیایند. مصلحت‌اندیشی دعوت، اگر برای یک منظور دنیایی مادی یا اهداف سیاسی - اجتماعی می‌بود، اقتضا می‌کرد که از راه‌حل‌های واسط و سازشکارانه‌ای که منافع یا نظریات دو طرف را تأمین نماید، استقبال شود. اما اگر غرض از دعوت و هدف مکتب، یک امر اصولی و علمی از مقوله‌ی حقایق و حق یا ایدئولوژی و ایمانی باشد، سازشکاری و راه‌حل‌های نیمه‌راهی نمی‌تواند معنی و مورد پیدا کند؛ خصوصاً در خداشناسی و خداپرستی و احکام الهی و در آخرت‌شناسی و تدارک زندگی بعد از قیامت که برنامه‌های اصلی و انحصاری پیغمبران بوده و دور از دسترس و درک بشر است و باید صرفاً از ناحیه‌ی آفریدگار «رَبُّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، القاء و آموخته شود.

آیات کفرزدایی برحسب سال‌های نزول در دوران مکه _____ ۴۲۱
این است که می‌بینیم از سال‌های نخستین رسالت با قاطعیت تمام جلوی تفاهم و
تداخل‌ها گرفته می‌شود.

مسئله اصالت دعوت و دین، اختصاص به زمان حیات و فعالیت پیامبر نداشته و از
این جهت مورد تأکید قرار نگرفته است؛ بلکه قرن‌ها بعد از رحلت در اثر رکود و
رخوت یا در اثر انحراف‌ها و قشری‌گری‌های مسلمانان در برابر تهاجم تمدن‌ها و
فرهنگ‌های تازه یا ایدئولوژی‌های بیگانه نیز، به منظور دفاع و حفظ اسلام، به صورت
التقاط و اصلاح، تحت عناوین مختلف احیاء یا تطبیق و تکمیل، مطرح شده است و
می‌شود که باید در بحث آفات رسالت مورد بررسی و جلوگیری قرار گیرد.

در آیه ۹ (وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ)، اشاره به عمل و نقشه کفرورزان داشته، قصد
آنان را نشان می‌دهد و آیات ۱۱ تا ۱۵ که از مقوله‌ی کفرورزی و توصیف کفرورزان
است، توضیح و تعلیلی برای پیغمبر گرامی هم می‌باشد که چرا نباید از کفار پست
فطرت و سوگندخوران منافق مسلک اطاعت و پیروی نماید و تحت تأثیر مالداران و
صاحب اولاد و عشیره بودن آنها قرار بگیرد. آنها چون فرومایگان دروغ‌پرداز
ظاهر ساز هستند دشمن خیر و خدمت بوده، تجاوزگران بدسیرت تندخو و
ناشناخته‌نَسب می‌باشند، و چون سنخیت و علاقه به درک الوهیت ندارند آیات ما را
افسانه‌های کهنه می‌پندارند و قهراً از ذهن و ذاتشان چیزی جز زیان و شر و فساد و
گمراهی تراوش نخواهد کرد. ممکن نیست مابین خواسته‌ها و القاهای آنان با
خواسته‌ها و الهام‌های خدا امکان توافق و تفاهم وجود داشته باشد.

خطاب آیه ۱۶ مانند سراسر سوره، به شخص پیغمبر است و برای اطلاع و اطمینان
او گفته می‌شود که به زودی باطن پلید دشمن را بر چهره‌ی فریبکارش ظاهر خواهیم
ساخت و مردمان بدسیرت نمی‌توانند تا ابد باطن خود را مخفی بدارند.

۳۲) سال سوم بعثت، سوره زلزال (۹۹)، شماره نزول ۵۴ (آیات ۱ تا ۸ - تمام سوره)
این بار سوره با سوگند شروع نمی‌شود. با خبر دادن از انقلاب و انفجارهای عظیم و
عجیب زمینی، مقارن با حدوث قیامت، و با آوردن کلمه «اذا» کیفیت برخورد و
حالت انسانها را چنان بیان می‌نماید که گویی هم اکنون پرده از صحنه آن فاجعه
برمی‌دارد. در چند آیه یا جمله کوتاه، هم به زبان آمدن زمینی که آن را بی‌زبان و
بلاشعور دیده‌ایم اعلام می‌شود، هم اعجاب و اضطراب و استفسار مردم برخاسته از
قبرها را خبر می‌دهد، و هم - مسئله‌ی مهم‌تر - اینکه هر کس کوچک‌ترین و کمترین

نیک و بدی را که در حیات خود انجام داده است، به چشم می بیند.

شماره آیات	متن آیات	ترجمه آیات
۱	إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا.	آنگاه که زمین لرزانده شود به (سخت ترین) لرزه هایش.
۲	وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا.	و زمین (بارهای) سنگینش را بیرون بریزد.
۳	وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا.	و آدمی بگوید که زمین را چه می شود.
۴	يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا.	در آن روز زمین خبرهایش (و اطلاعات و حافظه اش) را حکایت می کند.
۵	بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا.	از آنچه پروردگارت به آن وحی کرده است.
۶	يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ.	در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا اعمالشان را به آنان بنمایانند.
۷	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ.	پس هر کس به وزن ذره ای خوبی کرده باشد آن را می بیند.
۸	وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.	و نیز هر کس به وزن ذره ای بدی کرده باشد (او هم) آن را می بیند.

همه‌ی این پیش آمدها و آگاهی‌ها که به‌طور قاطع خبر داده می‌شود، مغایرت تام با مشاهدات و تجربیات زندگی و درک و دیدارهای دنیائی ما دارد. هیچ چیز قیامت با مأنوسات ما شباهت ندارد و با اوضاع و احوال و شرایط این دنیا نمی‌خواند. قبلاً در سوره‌هایی مانند مرسلات (۷۷) (ردیف ۱۰) و واقعه (۵۶) (ردیف ۲۳) اشاراتی به واقعیت داشتن این روز موعود و دروغ نبودن و تقارن آن با لرزش زمین و متلاشی شدن کوه‌ها به‌عمل آمده و از تقسیم مردم به دسته‌های مختلف جهنمی و بهشتی خبر داده شده بود. در سوره‌های غاشیه (۸۸) (ردیف ۱۹) و قیامت (۷۵) (ردیف ۲۲) و پیش‌گویی درباره‌ی ...^۱

* * *

۱. متن اصلی دستنویس تا همینجا موجود بوده و بقیه از دسترس بنیاد خارج شده است و کوشش‌های ما برای برگشت دست‌نوشته‌ها و حتی نوارهای صوتی جلسات درس بازگشت به قرآن تاکنون به جایی نرسیده است (ب.ف.ب).

پیوست‌ها

نمايه آيات

		الف		
١٦٤	إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ، يَسْ (٣٦)/١٤			
٢٠٧	إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ، ص (٣٨)/٧١	١٣٧	٧٧/(١٩)	مريم
١١٤	إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ، شعراء (٢٦)/١٠٦	٢٠٨،	٨٣/(١٩)	١٣٧، مريم
٣٤٥	إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ، بروج (٨٦)/٦	١٨٨	٦٧/(١٩)	مريم
	إِذْ يَعْشَى السِّدْرَةَ مَا يَعْشَى، نجم (٥٣)/١٦	٤١١	١١/(٧٩)	نازعات
٣٦٨، ٣٦٦		٩١	٤٧/(٥٦)	واقعه
١٠٩	إِذَا تُثْلِي عَلَيْهِ آيَاتُنَا، مطوفين (٨٣)/١٣	١٥٥	٣/(٥٠)	١٥٢، ق
١٥/(٦٨)	إِذَا تُثْلِي عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ، قلم (٦٨)/١٥	١٦٦	٣٧/(٣٧)	صافات
٤١٨، ٩٦		١٠٣		
٤٢٢	إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، زلزال (٩٩)/١	١٢١	٢٥/(٥٤)	قمر
٢٢٩	إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ، اسراء (١٧)/٧٥	١٧٣	٨/(٣٨)	١٤٨، ص
٣٩٤	إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، واقعه (٥٦)/١	٤١١	٩/(٧٩)	نازعات
٢٨٧	أَذْهَبْ إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ، نازعات (٧٩)/١٧	١١٩	٥٣/(٥١)	ذاريات
٢٨٨	أَذْهَبْ إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، طه (٢٠)/٢٤	١٥٣	٥/(٣٨)	ص
١٣٥	أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، طه (٢٠)/٤٣	٣٩٠	٤٥/(١١)	هود
٢١٥	إِذْ يُعْشِيكُمُ الثُّعَاسُ أَمْنَةً، انفال (٨)/١١	٣٥٩	٢٦/(٧٧)	مرسلات
٧٥	أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ، ماعون (١٠٧)/١	١٥٦	١١/(٥٠)	ق

٢٣٥	أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ، جاثية (٤٥)/٢٣	٤٠٤، ٣٨١، ٨٥	٩/(٩٦) علق
٣٦٦	أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى، نجم (٥٣)/١٩	٨٥	١١/(٩٦) علق
١٢٩	أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَأَ، طور (٥٢)/١٥	٨٥	١٣/(٩٦) علق
١٥٢	أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ، ق (٥٠)/١٥	١٩٨	٤٣/(٢٥) فرقان
١٠٣	أَفَلَا تَذَكَّرُونَ، صافات (٣٥)/١٥٥	٣٧٠	٢٨/(٨٩) فجر
٣٨٣	أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآبِلِ، غاشية (٨٨)/١٧	٢٨٨	١٥/(٧٣) مزمل
١٧١،	أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ، مؤمنون (٢٣)/٦٨	٣٧٠	٧/(٧٩) فجر
١٩٥		١٤٤	١٥٣/(٤) نساء
٢٥١	أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ، حج (٢٢)/٤٦	١٥٩، ٩٧	١٥/(٦٨) قلم
٣٨٦	أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ، ق (٥٠)/٦	٢٩٢، ٢٧٤	٣٧/(٤٠) مؤمن
١٠١	أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ، نجم (٥٣)/٥٩	٢٠٧	٧٥/(٣٨) ص
١٧٧	أَفَتَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ، زخرف (٤٣)/٥	٢٢٠	١٩/(٥٨) مجادل
١٢١	أَفَتَرَبَّتِ السَّاعَةُ، قمر (٥٤)/١	٢٩١، ٢٧٠	٣٢/(٢٨) قصص
٤٠١، ٣٣٣، ٦٤	أَفَرَأَى بِاسْمِ رَبِّكَ، علق (٩٦)/١	٢٥	١٧/(٣٨) ص
٣٣٣	أَفَرَأَى الرَّبُّكَ الْأَكْرَمُ، علق (٩٦)/٣	١٣٧	٧٨/(١٩) مريم
٤٠١، ٣٣٩		١٠١	٣٥/(٥٣) نجم
٣٥٧	إِلَّا أَيْنَعَاءَ وَجَهَ رَبِّهِ الْأَعْلَى، ليل (٩٢)/٢٠	١٩٢، ١٨٤	٤٠/(٤٣) زخرف
٢٠٨	إِلَّا إِبْلِيسَ أَبِي أَنْ، حجر (١٥)/٣١	١٤٤، ٩٣ و ٢١/(٦)	انعام (٦)
٢٠٧	إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ، ص (٣٨)/٧٤	اعراف (٧)/٣٧، يونس (١٠)/١٧، هود (١١)/١٨	
٢٦٤	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا، عصر (١٠٣)/٣	كهف (١٨)/١٥، مؤمنون (٢٣)/٣٨	
٣٨٩	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، تين (٩٥)/٦	عنكبوت (٢٩)/٦٨، سبا (٣٤)/٨ و شورا (٤٢)/٢٤	
٢٨٢	إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ، وأدكر، كهف (١٨)/٢٤	١٥٠	
١٧٥	أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَةٍ، فصلت (٤١)/٥٤	٣٥١	٨/(٣٤) سبا
١٥١/(٣٧)	أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ، صافات (٣٧)/١٥١	٣٦٦	١٢/(٥٣) نجم
٢٠٤، ١٤٠، ١٠٣		١٧٢	١١٢/(٢٣) مؤمنون
		١٠١	٣٣/(٥٣) نجم

الَّذِينَ آمَنُوا يِقَاتِلُونَ فِي، نساء(٤)/٧٦	٢١٩	إِلَّا تَذَكَّرَةً لِّمَن يَخْشَى، طه(٢٠)/٣	٢٤
الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي، كهف(١٨)/١٠٤	٢٢٣	إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ، صافات(٣٧)/٧٤	١٨٠
الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ، فجر(٨٩)/١١، ٢٨٧، ٣٧٠		إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ، حجر(١٥)/٤٠، ١٤٥، ٢٠٩	
الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ، كهف(١٨)/١٠١	٢٢٣	إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ، ص(٣٨)/٨٣، ٢٠٨	
الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، فصلت(٤١)/٧	١٧٥	إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا، حجر(١٥)/٢١، ١٩٩	
الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ، طور(٥٢)/١٢	١٢٩	إِلَّا قَبِيلاً سَلَامًا سَلَامًا، واقعه(٥٦)/٢٦، ٣٩١	
الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ، ذاريات(٥١)/١١	١١٩	إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ، غاشية(٨٨)/٢٣، ٣٨٣، ٤٢٠	
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا، بقره(٢)/٢٧٥	٢٢١	إِلَّا يَظُنُّ أَوْلِيكَ أَنَّهُمْ، مطففين(٨٣)/٤، ١٠٩	
الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ، مطففين(٨٣)/١١	١٠٩	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا، عصر(١٠٣)/٣، ٦٥	
الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَيَّ، مطففين(٨٣)/٢	١٠٩	إِلَّا الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ، نساء(٤)/٩٨، ٣٠١	
الرَّ كِتَابٍ أَحْكَمْتَ آيَاتُهُ، هود(١١)/١	١٧٦	الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ، فجر(٨٩)/٨، ٣٧٠	
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فاتحه(١)/٣	٤٠٦	الْجَوَارِ الْكُنُوسِ، تكوير(٨١)/١٦، ٣٤٨	
الرَّحْمَنُ، رحمن(٥٥)/١	٣٩٥	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حمد(١)/٢، ٤٠٥	
الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ، رحمن(٥٥)/٥	٣٩٥	الذِّكْرُ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ، نحل(١٦)/٤٤، ٣٨٦	
الشَّيْطَانُ يُعَذِّبُكُمْ بِالْفَقْرِ، بقره(٢)/٢٦٨	٢٢١	الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ، سجده(٣٢)/٧، ٢١١	
الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ، ق(٥٠)/٢٤، ١٥٢		الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا، ق(٥٠)/٢٦، ١٥٢	
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ، ابراهيم(١٤)/٣٢، ٣٠٥		الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى، اعلى(٨٧)/٣، ١٩٩	
أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ، يس(٣٦)/٦٠		الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، علق(٩٦)/٤، ٣٣٣، ٣٣٩، ٤٠١	
١٦٤، ١٧٠، ٢٠٩		الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى، ليل(٩٢)/١٦، ٧٤، ٣٥٧	
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ، نساء(٤)/٦٠، ٢١٩		الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، نباء(٧٨)/٣، ٧٦	
أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ، لقمان(٣١)/٣١، ٢٨٣		٣٦٢، ٧٧	
أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا، مريم(١٩)/٨٣، ١٦٩		الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى، ليل(٩٢)/١٨، ٣٥٧	
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ، فجر(٨٩)/٦، ٣٧٠		الَّذِي يَصْلِي النَّارَ، اعلى(٨٧)/١٢، ٩١، ٤٠١	
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا، مرسلات(٧٧)/٢٥		الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، ناس(١١٤)/٥، ٣٥٦، ٢٠٧	
٣٥٩			

۱۷۷	أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّنْ زَخْرَفٍ (۴۳)/ ۲۱	۳۶۲	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا، نَبَأَ (۷۸)/ ۶
۱۷۷	أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ، زَخْرَفٍ (۴۳)/ ۱۶	۴۱۷	
۲۰۵	أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي، زَخْرَفٍ (۴۳)/ ۵۲	۴۱۴	أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ، بِلَدٍ (۹۰)/ ۸
۲۸۸، ۱۸۴	أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ، طُورِ (۵۲) / ۳۲	۳۵۹	أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ، مَّرْسَلَاتٍ (۷۷)/ ۲۰
۱۲۹	أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ، فِرْقَانِ (۲۵)/ ۴۴	۱۶/ (۷۷) مرسلات	أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، مَّرْسَلَاتٍ (۷۷)/ ۱۶
۱۹۵، ۱۴۲	أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا، مُؤْمِنُونَ (۲۳)/ ۷۲	۳۷۱، ۳۵۹	
۱۹۸	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ، صِ (۳۸)/ ۹	۲۵۲	أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن، انعام (۶)/ ۶
۱۷۲	أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ، صَافَاتِ (۳۷)/ ۱۵۶	۳۸۱، ۸۵	أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ، عَلِقَ (۹۶)/ ۱۴
۱۹۵، ۱۷۳	أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ، مُؤْمِنُونَ (۲۳)/ ۶۹	۳۴۵	التَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ، بَرُوحِ (۸۵)/ ۵
۱۴۸	أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ، صِ (۳۸)/ ۱۰	۲۹۲	التَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا، مُؤْمِنٍ (۴۰)/ ۴۶
۱۵۴، ۱۵۰	أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا، صِ (۳۸)/ ۲۸	۴۰۶، ۳۵۶	إِلَهُ النَّاسِ، نَاسِ (۱۱۴)/ ۳
۱۰۳	أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ، طُورِ (۵۲)/ ۴۲	۲۱	أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ، تَكَاثُرِ (۱۰۲)/ ۱
۱۷۱	أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ، مُؤْمِنُونَ (۲۳)/ ۷۰	۴۱۶، ۱۲۷، ۶۶	
۳۵۱، ۱۹۵، ۱۷۳	أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ، طُورِ (۵۲)/ ۳۳	۲۰۱	إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ، نَحْلِ (۱۶)/ ۲۲
۱۷۳، ۱۴۲، ۱۲۹	أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِصُّ بِهِ، طُورِ (۵۲)/ ۳۰	۴۴/ (۷۹) نازعات	إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا، نَازِعَاتِ (۷۹)/ ۴۴
۳۷۴	أَمَا مَن اسْتَعْتَبِي، عَبَسَ (۸۰)/ ۵	۴۱۸، ۴۱۲	
۱۲۷	أَن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ، دَخَانِ (۴۴)/ ۱۸	۳۸۷	إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ، قِيَامَتِ (۷۵)/ ۱۲
		۲۸۹	إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَيْهِ فَاتَّبِعُوا، هُودِ (۱۱)/ ۹۷
		۲۸۸، ۱۷۱	إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَيْهِ فَاسْتَكْبَرُوا، مُؤْمِنُونَ (۲۳)/ ۴۶
		۲۹۱	إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ، مُؤْمِنٍ (۴۰)/ ۲۴
		۳۵۹	إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ، مَّرْسَلَاتِ (۷۷)/ ۲۲
		۲۰۸	إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، صِ (۳۸)/ ۸۱
		۲۰۹	إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، حَجَرِ (۱۵)/ ۳۸
		۳۸۹	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ، تِينِ (۹۵)/ ۸
		۲۳۲	أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى، زَمَرِ (۳۹)/ ۶۰

٢٨٧	أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي، شعرا(٢٦)/١٧	٢٨٧	إِنَّ إِلَيَّ رَجَعُ الرَّجْعِي، علق(٩٦)/٨ ٨٥ ٣٨٢
١٢٤	أَنْ أَعْدُوا عَلَيَّ حَرِّكُمْ، قلم(٦٨)/٢٢	١٢٤	إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ، غاشيه(٨٨)/٢٥ ٣٨٣، ٤٢٠
٩٣	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ، عاديات(١٠٠)/٦	٩٣	إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ، اعراف(٧)/١٨٨ ٢٤
٦٥	إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، عصر(١٠٣)/٢	٦٥	إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ، بروج(٨٥)/١٢ ٣٤٥
١٣٦، ١٢٩	إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي، علق(٩٦)/٦	١٣٦، ١٢٩	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى، عبس(٨٠)/٢ ٣٧٤
٢٠١/٧	إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ، اعراف(٧)/٢٠١	١٥٢	أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ، ص(٣٨)/٤ ١٥٢
٢١٢		٣٦٢	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا، نباء(٧٨)/٢١ ٣٦٢
٢١٥	إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَيَّ، محمد(٤٧)/٢٥	٨٥، ٢١	أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَبِي، علق(٩٦)/٧ ٨٥، ٢١
٣٠٠	إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ، نساء(٤)/٩٧	٣٨١، ١٣٦، ١٢٩، ١٠٢	
٢١٥	إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ، آل عمران(٣)/١٥٥	٣٧١	إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغٌ صَادٍ، فجر(٨٩)/١٤ ٣٧٠، ٣٧١
٢٦٦	إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ، يونس(١٠)/٩٦	١٩١	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ، نجم(٥٣)/٣٠ ١٩١
٢٢٥	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ، بقره(٢)/٦	٤١٨	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ، قلم(٦٨)/٧ ٤١٨
	إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ،	٣٥٧	إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى، ليل(٩٢)/٤ ٣٥٧
٢٤٧	اعراف(٧)/٢٠٦		إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ، حجر(١٥)/٤٢ ٢٠٩
٢٣١	إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَأَرِيْبٌ، مؤمن(٤٠)/٥٩		إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَي،
٢٣١	مؤمن(٤٠)/٥٦	٢١٢	اسراء(١٧)/٦٥ ٢١٢
	إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ، نجم(٥٣)/٢٧	٣٣٧	إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ، طور(٥٢)/٧ ٣٣٧
٢٣٨		٣٣٩	
	إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ، فاطر(٣٥)/٦	٢٩	إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ، قيامت(٧٥)/١٧ ٢٩
٢١٥		٣٥٨، ٣٥٧	إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى، ليل(٩٢)/١٢ ٣٥٨، ٣٥٧
١٣٦	أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مَنْ، طه(٢٠)/٤٨		إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ، قصص(٢٨)/٤ ٢٩٩، ٢٦٨، ٢٩٠
١٤٢	إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ، نساء(٤)/٣٦		إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ،
٢٦٤	إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بَقِوْمٌ، رعد(١٣)/١١	٢١١	حجر(١٥)/٧٥ ١١٧
	إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ، اسراء(١٧)/٢٧		

۳۸۶	۴/(۱۳)	رعد	۴	۳۸۶
۷۷/(۱۵)	حجر	۱۱۷		
۸/ (۲۶)	شعراء	۸/ (۲۶)		
۱۰۳ یا ۱۲۱ یا ۱۷۴ یا ۱۹۰	یا	۱۱۲، ۱۱۵		
۴۲/(۲۵)	فرقان	۱۹۸		
۱۴/(۶۸)	قلم	۴۱۸، ۹۶		
۱۴/(۳۸)	ص	۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴		
۲۴/(۶۸)	قلم	۱۲۷، ۱۲۴		
۳۱/(۷۸)	نبا	۳۷۱، ۳۶۲		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۴۳		
۷/(۳۸)	ص	۱۵۴		
۲۵/(۷۴)	مدثر	۸۰		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۶۴		
۱۸/(۸۷)	اعلی	۴۰۱		
۱۰۴ / (۱۲)	یوسف	۲۴		
۲۷/(۸۱)	تکویر	۳۴۷		
۶۸/(۳۸)	ص	۴۱۹، ۳۶۵		
۴۸/(۲۳)	مؤمنون	۴۸/(۲۳)		
۱۷۱، ۱۵۴		۲۲۹		
۳۸۶	۴/(۱۳)	رعد	۴	۳۸۶
۷۷/(۱۵)	حجر	۱۱۷		
۸/ (۲۶)	شعراء	۸/ (۲۶)		
۱۰۳ یا ۱۲۱ یا ۱۷۴ یا ۱۹۰	یا	۱۱۲، ۱۱۵		
۴۲/(۲۵)	فرقان	۱۹۸		
۱۴/(۶۸)	قلم	۴۱۸، ۹۶		
۱۴/(۳۸)	ص	۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴		
۲۴/(۶۸)	قلم	۱۲۷، ۱۲۴		
۳۱/(۷۸)	نبا	۳۷۱، ۳۶۲		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۴۳		
۷/(۳۸)	ص	۱۵۴		
۲۵/(۷۴)	مدثر	۸۰		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۶۴		
۱۸/(۸۷)	اعلی	۴۰۱		
۱۰۴ / (۱۲)	یوسف	۲۴		
۲۷/(۸۱)	تکویر	۳۴۷		
۶۸/(۳۸)	ص	۴۱۹، ۳۶۵		
۴۸/(۲۳)	مؤمنون	۴۸/(۲۳)		
۱۷۱، ۱۵۴		۲۲۹		
۳۸۶	۴/(۱۳)	رعد	۴	۳۸۶
۷۷/(۱۵)	حجر	۱۱۷		
۸/ (۲۶)	شعراء	۸/ (۲۶)		
۱۰۳ یا ۱۲۱ یا ۱۷۴ یا ۱۹۰	یا	۱۱۲، ۱۱۵		
۴۲/(۲۵)	فرقان	۱۹۸		
۱۴/(۶۸)	قلم	۴۱۸، ۹۶		
۱۴/(۳۸)	ص	۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴		
۲۴/(۶۸)	قلم	۱۲۷، ۱۲۴		
۳۱/(۷۸)	نبا	۳۷۱، ۳۶۲		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۴۳		
۷/(۳۸)	ص	۱۵۴		
۲۵/(۷۴)	مدثر	۸۰		
۹/(۸۷)	اعلی	۳۶۴		
۱۸/(۸۷)	اعلی	۴۰۱		
۱۰۴ / (۱۲)	یوسف	۲۴		
۲۷/(۸۱)	تکویر	۳۴۷		
۶۸/(۳۸)	ص	۴۱۹، ۳۶۵		
۴۸/(۲۳)	مؤمنون	۴۸/(۲۳)		
۱۷۱، ۱۵۴		۲۲۹		

۴۰۹	إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، حاقه(۶۹)/۴۰	۱۹۴	انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ، فرقان(۲۵)/۹
۴۱۰، ۳۴۰	إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ، طارق(۸۶)/۱۳	۲۷/۷۱	إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ، نوح
۲۱۱	إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَيَّ، نحل(۱۶)/۹۹	۱۳۱	
۳۴۵	إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ، بروج(۸۵)/۱۳	۱۱۹	إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ، ذاريات(۵۱)/۸
	إِنَّهُمْ أَلْفَاؤُا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ، صافات(۳۷)/۶۹		إِنَّمَا التَّجْوِي مِنْ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ،
۱۹۱، ۱۸۰، ۱۰۳		۲۲۰	مجادله(۵۸)/۱۰
	إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُؤُونَ، شعراء(۲۶)/۲۱۲		إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَحْشَاهُ، نازعات(۷۹)/۴۵
۱۳۹		۴۱۲	
	إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ، صافات(۳۷)/۳۵، ۱۰۳	۲۷۸	إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَيَّ عِلْمٌ، قصص(۲۸)/۷۸
۲۳۱، ۱۲۲		۱۶۴	إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ، يس(۳۶)/۱۱
	إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، واقعه(۵۶)/۴۵	۳۳۶	إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ، ذاريات(۵۱)/۵
۹۰			إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ، مرسلات(۷۷)/۷
۷۶	إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا، نباء(۷۸)/۲۷	۳۶۰، ۳۵۹	
۱۰۱	إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ، نجم(۵۳)/۵۲	۲۱۵	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ، آل عمران(۳)/۱۷۵
۲۳۵	إِنَّهُمْ لَنْ يُعْنُوا عَنْكَ، جائيه(۴۵)/۱۹	۲۱۱	إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَيَّ الَّذِينَ، نحل(۱۶)/۱۰۰
۳۴۰	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا، طارق(۸۶)/۱۵	۲۲۰	إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ، مائده(۵)/۹۱
۳۶۵، ۳۵۶		۳۶۴	إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ، مدثر(۷۴)/۱۸
۱۱۴	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ، شعرا(۲۶)/۱۰۷		إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا، انشقاق(۸۴)/۱۳
	أَيُّ لَهْمُ الذِّكْرِي وَقَدْ جَاءَهُمْ، دخان(۴۴)/۱۳	۳۷۲	
۱۲۷			إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ، حاقه(۶۹)/۳۳
۲۰۹	أَيُّ مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنُصْبٍ، ص(۳۸)/۴۱	۱۰۸، ۹۵	
۴۱۴	أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي، بلد(۹۰)/۱۴	۱۴۲	إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ، شوري(۴۲)/۴۰
۸۵	أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى، علق(۹۶)/۱۲	۱۴۱	إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الكَافِرِينَ، روم(۳۰)/۴۵
	أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا رَعَمْتَ، اسراء(۱۷)/۹۲		إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، تكوير(۸۱)/۱۹
۲۴۰		۳۴۸، ۳۴۷	

أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ،	اسراء (١٧)/ ٩١	٢٤٠
أَوْلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ،	عنكبوت (٢٩)/ ٥١	٢٥٩
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَثْرَبَةٍ، بَلَدٍ (٩٠)/ ١٦		٤١٤
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرِي، عِبَس (٨٠)/ ٤		٣٤٣،
أَوْلَمْ يَهْدِلِلَّذِينَ يَرْتُؤْنَ، اعراف (٧)/ ١٠٠		٣٨٥، ٣٧٤
أَوْ لَوْ جِئْتِكَ بِشَيْءٍ، شعراء (٢٦)/ ٣٠		٣٦٨
أَوْ مَن يَشَاءُ فِي الْحَلْبَةِ وَهُوَ فِي،		٢٤٠
زخرف (٤٣)/ ١٨		٢٠٥، ١٧٧
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، حمد (١)/ ٩١، ١٦٨،		٤٠٤، ٤٠٧، ٤٠٨، ٤١٥
إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، حمد (١)/ ٥		٤٠٤،
٤٠٨، ٤٠٦		
أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ، ذاريات (٥١)/ ١٢		١١٩
أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، قيامت (٧٥)/ ٦		٣٨٧
أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدًا، بلد (٩٠)/ ٧		٤١٤
أَيَحْسَبُ أَن لَّنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ، بلد (٩٠)/ ٥		٤١٤
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَن نَّجْمَعَهُ، قيامت (٧٥)/ ٣		٣٩٠
أَيَعِدْكُمْ أَنكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ، مؤمنون (٢٣)/ ٣٥		١٧١، ١٥٤
أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ، واقعه (٥٦)/ ٥١		١٥١، ٩١
ب		
بَاكُورٍ وَأَبَارِقٍ وَكَأْسٍ، واقعه (٥٦)/ ١٨		٣٩١
بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا، زلزال (٩٩)/ ٥		٤٢٢
بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ، تكوير (٨١)/ ٩		٧١، ٧٠
أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ،	اسراء (١٧)/ ٩١	٢٤٠
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَثْرَبَةٍ، بَلَدٍ (٩٠)/ ١٦		٤١٤
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرِي، عِبَس (٨٠)/ ٤		٣٤٣،
أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ رُّحْرُفٍ، اسراء (١٧)/ ٩٣		٣٨٥، ٣٧٤
أَوْ يُقَلِّبِي إِلَيْهِ كَنزًا، أَوْ، فِرْقَان (٢٥)/ ٨		٢٤٠
أَوْ يُؤَيِّسُ بِمَا كَسَبُوا، شورا (٤٢)/ ٣٤		١٩٤
٣٠٦، ٢٨٤		
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ، بَلَدٍ (٩٠)/ ١٨		٤١٤،
٤١٥		
أُولَئِكَ الْمُرْتَدُونَ، واقعه (٥٦)/ ١١		٣٩١
أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ،		
كهف (١٨)/ ١٠٥		٢٢٣
أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ، روم (٣٠)/ ٨		١٩٣
أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بَصَّحْتَهُمْ، اعراف (٧)/ ١٨٤		٣٥١
أَوْلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ، يس (٣٦)/ ٧٧		٢٠٢
أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَيَّ الْأَرْضِ، شعراء (٢٦)/ ٧		١١٢
أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا،		
عنكبوت (٢٩)/ ٦٧		٢٥٩
أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ، روم (٣٠)/ ٩		٢٤٩، ١٩٣
أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ،		
فاطر (٣٥)/ ٤٤		٣٨٦

بَلْ قَالُوا إِنَّمَا وَجَدْنَا زخرف (٤٣)/ ٢٢	١٧٧	بَأْيُدَى سَفَرَةٍ، عبس (٨٠)/ ١٥	٣٧٤
بَلَى قَادِرِينَ عَلَيَّ أَنْ تُسَوَّى، قيامت (٧٥)/ ٤	٣٩٠، ٣٨٨	بِأَيِّكُمْ الْمُفْتُونُ، قلم (٦٨)/ ٦	٢٥
بَلَى قَدْ جَاءَكَ آيَاتِي، زمر (٣٩)/ ٥٩	٢٣٤	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ، ص (٣٨)/ ٢	١٤٨، ٧٨، ٢١
بَيْنَهُمَا بَرْحٌ لَّا يُغَيِّبَانِ، رحمن (٥٥)/ ٢٠	٣٩٥	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ، بروج (٨٥)/ ١٩	١٤٨، ٧٨، ٢١
ت		بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ، انشقاق (٨٤)/ ٢٢	٣٤٥، ٢٨٧، ٦٩
تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَيْ آدَمَ مِّن قَبْلِكَ، نحل (١٦)/ ٦٣	٢١١، ٢٠١	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا، اعلى (٨٧)/ ١٦	٨٢
تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي، رحمن (٥٥)/ ٧٨	٤٠١، ٣٩٧	بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ، ق (٥٠)/ ٢	٤٠١، ٩٢
تَبَّتْ يُدَا أَبَى لَهَبٍ وَتَبَّ، تبت (١١١)/ ١	٩٥	بَلْ كَذَّبُوا بِأَلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ، ق (٥٠)/ ٥	١٠٣
تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، نازعات (٧٩)/ ٧	٤١١	بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ، صافات (٣٧)/ ٣٠	١٧٢
تُسْفَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ، غاشيه (٨٨)/ ٥	٣٨٣	بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ، قلم (٦٨)/ ٢٧	١٥٢
تُصَلِّي نَارًا حَامِيَةً، غاشيه (٨٨)/ ٤	٣٨٣	بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ، دخان (٤٤)/ ٩	١٥٢
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ، جائيه (٤٥)/ ٦	٢٣٥	بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورٍ، عنكبوت (٢٩)/ ٤٩	١٠٣
تَنزِيلٌ عَلَيَّ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ، شعراء (٢٦)/ ٢٢٢	٢٠٧، ١٦٩، ١٣٩	بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ، بروج (٨٥)/ ٢١	١٢٧، ١٢٤
تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فصلت (٤١)/ ٢	١٥٢	بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ، قيامت (٧٥)/ ٥	١٢٧
تَنزِيلٌ مِّنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، حاقه (٦٩)/ ٤٣	٤١٠، ٤٠٩		٢٥٩
ث			٣٩٥
ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ، واقعه (٥٦)/ ١٣	٣٩٢، ٣٩١	بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ، مدثر (٧٤)/ ٥٢	٨٠
		بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ، اعراف (٧)/ ١٤١	٢٩٣

٣٨٩	٥/(٩٥)	ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ، تين	٢١٠	١٢٢/(٢٠)	ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ، طه
٢١١	٨/(٣٢)	ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ، سجده	٨٠	٢٣/(٧٤)	ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ، مدثر
٨٠	٢٢/(٧٤)	ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ، مدثر		٥٤/(١٦)	ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ، نحل
٣٦٤	٢٠/(٧٤)	ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرَ، مدثر	٢٨٢، ٢٠١		
١٩٣	١٠/(٣٠)	ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ، روم		٤٥/(٢٣)	ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ، مؤمنون
٤١٤	١٧/(٩٠)	ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا، بلد	٢٨٨		
	٤/(١٠٢)	ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ، تكاثر	٢٩	١٩/(٧٥)	ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ، قيامت
٤١٧، ٤١٦			٣٨٣، ٢٦/(٨٨)		ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ، غاشيه
٧٦،	٥/(٧٨)	ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، نباء	٤٢٠		
٤١٧، ٣٦٢، ٧٧			١٧٢	٣١/(٢٣)	ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ، مؤمنون
٢١٦	١٧/(٧)	ثُمَّ لَا تَبَيِّنُهُمْ مِّنْ بَيْنِ، اعراف		٥١/(٥٦)	ثُمَّ إِنَّكُمْ أَنتُمُ الصَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ، واقعه
٤٠١	١٣/(٨٧)	ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا، اعلى	٩٠		
٤١٦	٧/(١٠٢)	ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ، تكاثر	١٣١	٨/(٧١)	ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا، نوح
	٨/(١٠٢)	ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ، تكاثر	١٣١	٨/(٧١)	ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ، نوح
٤١٧، ٤١٦			٢٤٦	٩٥/(٧)	ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ، اعراف
٤٠٩	٤٦/(٦٩)	ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ، حاقه			ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا،
	١٧/(٧٧)	ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، مرسلات	٢٨٩	١٠٣/(٧)	اعراف
٣٧١، ٣٥٩					ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ،
٨٠	٢١/(٧٤)	ثُمَّ نَظَرَ، مدثر	٢٩٠، ٢٦٦	٧٥/(١٠)	يونس
٨٠	١٥/(٧٤)	ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ، مدثر	٢٦٦	٧٤/(١٠)	ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ، يونس
				١٤/(٤٤)	ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ، دخان
			٣٥١، ١٢٧		
	٢٤/(٥٦)	جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، واقعه	٢١١	٩/(٣٢)	ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ، سجده
٣٩٣، ٣٩١			٢٣٥	١٨/(٤٥)	ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلِيًّا، جاثيه
٣٩٣	٨٢/(٩)	جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ، توبه	٣٦٦	٨/(٥٣)	ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، نجم
١٤٨	١١/(٣٨)	جُنْدٌ مَّا هُنَّالِكَ مَهْرُومٌ، ص	٨٧	٣٣/(٧٥)	ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى، قيامت

ج

۱۱۶	ذُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا، حِجْرٌ (۱۵)/۳	۲۹۸	جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ، ص (۳۸)/۵۶
۱۵۰	ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا، ص (۳۸)/۸		
	ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا، اسراء (۱۷)/۹۸		
۲۴۰		۸۰	حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ، مدثر (۷۴)/۴۷
۲۷۸	ذَلِكَ مِثْلَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ، نجم (۵۳)/۳۰	۶۶	حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ، تكاثر (۱۰۲)/۲
	ذَلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ، جائيه (۴۵)/۳۵	۴۱۶، ۱۲۷، ۶۷	
۲۳۶		۱۲۱	حِكْمَةٌ بِاللَّعْنَةِ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ، قمر (۵۴)/۵
۳۴۵	ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ، بروج (۸۵)/۱۵		حم. تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ، فصلت (۴۱)/۱ و ۲
۳۶۶	ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ، نجم (۵۳)/۶	۱۷۸	
۳۹۶	ذَوَاتَا أَفْئَانٍ، رحمن (۵۵)/۴۸		حم. وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ، زخرف (۴۳)/۱ و ۲
۱۱۹	ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا، ذاريات (۵۱)/۱۴	۱۷۸	
۳۴۷	ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي، تكوير (۸۱)/۲۰	۳۹۷	حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي، رحمن (۵۵)/۷۲

ح

۴۲۰، ۴۰۸، ۳۶۸	رَبُّ الْعَالَمِينَ، فاتحه (۱)/۲	۲۲۵	حَتَّمَ اللَّهُ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ وَعَلَيَّ، بقره (۲)/۷
۳۹۵	رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ، رحمن (۵۵)/۱۷		خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ، رحمن (۵۵)/۱۴
۱۱۶	رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا، حِجْرٌ (۱۵)/۲	۳۹۵	
۲۹۸	رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ، احزاب (۳۳)/۶۸	۲۶۷	خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ، انبياء (۲۱)/۳۷
۲۴۲	رَسُولًا مِنْهُمْ، جمعه (۶۲)/۲	۶۴	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، علق (۹۶)/۲

س

۲۴۷	سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ، اعراف (۷)/۱۷۷	۲۰۱	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ، نحل (۱۶)/۴
۴۱۹، ۳۶۴	سَأْرَهُقَهُ صَعُودًا، مدثر (۷۴)/۱۷	۳۹۵	خَلَقَ الْإِنْسَانَ، رحمن (۵۵)/۳
	سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ، اعراف (۷)/۱۴۶		
۲۴۷		۹۷	ذَا مَالٍ وَبَنِينَ، قلم (۶۸)/۱۴
۳۶۴	سَأُصْلِيهِ سَقَرًا، مدثر (۷۴)/۲۶	۸۰	ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا، مدثر (۷۴)/۱۱

ذ

٣٧٤	عَبَسَ وَتَوَلَّى، عبس (٨٠)/١	سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، اعلى (٨٧)/١	٣٣٤، ٣٤٤
٩٦،	عُتِلُّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ، قلم (٦٨)/١٣	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ،	٣٤٤
٩٧، ٤١٨	عُدْرًا أَوْ نُذْرًا، مرسلات (٧٧)/٦	سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْنَاكُمْ، ابراهيم (١٤)/٢٢	٢١٤
٣٥٩	عُرْبًا أَثْرَابًا، واقعه (٥٦)/٣٧	سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ، علق (٩٦)/١٨	٣٨١
٣٩٢	عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا حَيْرًا، قلم (٦٨)/٣٢	سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطومِ، قلم (٦٨)/١٦	٤١٨
١٢٤	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، علق (٩٦)/٥	سَنُقْرُوكَ فَلَا تَنْسِي، اعلى (٨٧)/٦	٣٤٣
٣٣٣، ٤٠١	عَلَّمَ الْقُرْآنَ، رحمن (٥٥)/٢	سَيَذَكَّرُ مَنْ يَحْشَى، اعلى (٧٨)/١٠	٩١،
٣٩٥	عِلْمَ الْيَقِينِ، تكاثر (١٠٢)/٥	٣٨٥، ٣٦٥، ٣٤٣، ٤٠١	
٤١٦	عَلَّمَهُ الْبَيَانَ، رحمن (٥٥)/٤	سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ، تبت (١١١)/٣	٩٥
٣٩٥	عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى، نجم (٥٣)/٥	ش	
٢٧،	٣٦٨، ٣٦٦، ٣٤٨، ١٩٢	شَىءٌ مُبِينٌ، شعراء (٢٦)/٣٠	٣٦٩
٣٩١	عَلَى سُرُرٍ مَوْضُوعَةٍ، واقعه (٥٦)/١٥	ص	
٢٦٦	عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ، يونس (١٠)/٨٣	ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ، ص (٣٨)/١	١٤٨
٤١٥، ٤١٤	عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ، بلد (٩٠)/٢٠	صُحُفٍ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، اعلى (٨٧)/١٩	٤٠١
٣٦٢، ٧٩، ٧٦	عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، نباء (٧٨)/١	صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، بقره (٢)/٢١٧	١٨٥
٣٦٢، ٧٦	عَنِ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ، نباء (٧٨)/٢	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، حمد (١)/٧	٩١،
٣٦٦	عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، نجم (٥٣)/١٤	٤٠٨، ٤٠٦، ٤٠٤	
٣٦٦	عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى، نجم (٥٣)/١٥	طَلَعَهَا كَأَنَّه رُؤُوسٌ، صافات (٣٧)/٦٥	٢٠٧
٤١٦	عَيْنَ الْيَقِينِ، تكاثر (١٠٢)/٧٥	ع	
٢٨٦	فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ، هود (١١)/٩٧	عَامِلَةٌ تَأْسِبَةٌ، غاشيه (٨٨)/٣	٣٨٣
٢٨٩	فَاتَّبِعْهُمْ فِرْعَوْنَ بِجُنُودِهِ، طه (٢٠)/٧٨	عِبَادُ الرَّحْمَنِ، فرقان (٢٥)/٦٣	٢٠٠
١١٤	فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا، شعراء (٢٦)/١٠٨	عَبْدًا إِذَا صَلَّى، علق (٩٦)/١٠	٨٥، ٣٨١، ٤٠٤

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا، مُمُونًا (٢٣/٣٢) ١٧٢	فَأَتَوْا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ،
فَأَرْزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا، ٢١٥	صافات (٣٧/١٥٧) ١٠٣
فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ، زخرف (٤٣/٥٧)	فَأَتَيْنَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا، شعرا (٢٦/١٦) ٢٨٧
٢٨٨، ١٨٤	فَأَتَيْنَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا، طه (٢٠/٤٧) ١٣٦
فَأَسْتَعِذُ بِاللَّهِ إِلَهُ، مومن (٤٠/٥٦) ٢٣٤	فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ، زخرف (٤٣/٦٥) ١٨٤
فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ، قلم (٦٨/٢٠) ١٢٤	فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، مريم (١٩/٣٧)
فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا، واقعه (٥٦/٨) ٣٩١	١٨٨
فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ، فصلت (٤١/٤) ١٧٥	فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ، ذاريات (٥١/٤٠)
فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى، نجم (٥٣/٢٩)	١١٩
٢٧٨، ١٠١	فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ، قصص (٢٨/٤٠)
فَأَعُوذُ بِكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ، صافات (٣٧/٣٢)	٢٧٠
١٠٣	فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ، شعرا (٢٦/١٥٨) ١١٢
فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضًا، قلم (٦٨/٣٠) ١٢٤	فَأَذْخُلِي فِي عِبَادِي، فجر (١٩/٣٠) ٣٧١
فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ، فجر (٨٩/١٢) ٣٧٠	فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ، مرسلات (٧٧/٨) ٣٥٩
فَأَكْلًا مِنْهَا فَبَدَّتْ لَهُمَا سَوَاءَهُمَا، طه (٢٠/١٢١)	فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ، قيامت (٧٥/٧) ٣٨٧
٢١٠	فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ، نازعات (٧٩/٣٤) ٤١١
فَأَلْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ، قصص (٢٨/٨) ٢٩١	فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ، ص (٣٨/٧٢) ٢٠٧
فَأَلْجَارِيَاتٍ يُسْرَأْنَ، ذاريات (٥١/٣) ٣٣٦	فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ، حجر (١٥/٢٩) ٢٠٨
فَأَلْحَامَاتٍ وِقْرًا، ذاريات (٥١/٢) ٣٣٦	فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ، نحل (١٦/٩٨) ٢١١
فَأَلْعَاصِفَاتٍ عَصَافًا، مرسلات (٧٧/٢) ٣٥٨	فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ، قيامت (٧٥/١٨) ٢٩
فَأَلْفَارِقَاتٍ فَرَقًّا، مرسلات (٧٧/٤) ٣٥٩	فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا، محمد (٤٧/٤) ٢٥
فَأَلْتَفَوْا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ، شعرا (٢٦/٤٤) ٢٨٧	فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ، نازعات (٧٩/١٤) ٤١١
فَأَلْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا، نازعات (٧٩/٥) ٤١١	فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِزَهُمْ، اسراء (١٧/١٠٣) ٢٨٩
فَأَلْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا، ذاريات (٥١/٤) ٣٣٦	فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي، شعرا (٢٦/٥٣) ٢٨٧
فَأَلْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا، مرسلات (٧٧/٥) ٣٥٩	فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ، اعراف (٧/١٣٣)
	٢٩٠، ٢٤٤

٤١١	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، رحمن (٥٥)/١٣، ١٥، ١٣٥، ١٣٤	فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، شمس (٩١)/٨
١٣٧	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، مريم (١٩)/٩٧	٣٤٢، ٤٨
٣٦٨، ٣٦٦	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، نجم (٥٣)/١٠	٢٦١
٣٤٩، ٣٤٧	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، تكموير (٨١)/٢٦	٩٩
٣٩٥، ٣٩٦، ٣٩٧، ٣٩٨، ٣٩٩، ٤٠٠	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، رحمن (٥٥)/١٣، ١٥، ١٣٤، ١٣٥	١٧٥
١٢٤	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، قلم (٦٨)/٢١	٣٥٧
٣٩٠	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، ذاریات (٥١)/٣٩	٣٧٢
١١٩، ٢٨٧، ٣٥١	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، مرسلات (٧٧)/٢١	٤١١
٢٨٨	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، طه (٢٠)/٦٠	٣٠٦
٣٥٩	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، قرار مکین، مرسلات (٧٧)/٢١	٣٩٠
٣٩٢	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، واقعه (٥٦)/٣٦	٤١٢
٣٤٣	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، اعلى (٨٧)/٥	٣٧٤
١٢٧	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، دخان (٤٤)/٢٢، ٢٢٧	٣٧٤
١٢١	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، قمر (٥٤)/١٠	٣٧٤
٢١٦	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، اعراف (٧)/٢٢	٣٧٤
٢٧٠	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، قصص (٢٨)/٥٠	٣٧٤
٩١	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، اعلى (٨٧)/٩	٣٧٤
٣٨٥، ٣٦٥، ٣٤٣	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، غاشیه (٨٨)/٢١، ٢٥	٣٧٤
٤٢٠، ٤٠٢، ٣٨٦، ٣٨٣	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، طور (٥٢)/٢٩، ١٢٩	٣٧٤
٣٥١، ١٤٢	فَأَيُّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، نمل (٢٧)/٦٩، عنكبوت (٢٩)/٢٠ و روم (٣٠)/٤٢	٣٨٦

٢٨٧	فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى، نازعات (٧٩)/٢٤	٧٥	فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ، ماعون (١٠٧)/٢
١٢١	فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّمَّنَّا وَاحِدًا، قمر (٥٤)/٢٤	٨٠	فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ، مدثر (٧٤)/٥١
	فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ، مؤمنون (٢٣)/٤٧	٢٨٧،	فِرْعَوْنَ وَنَمُودَ، بروج (٨٥)/١٨
٢٨٨، ١٧١		٣٧٠، ٣٤٥	
٣٦٤	فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ، مدثر (٧٤)/١٩	٢١٧	فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ، اعراف (٧)/٣٠
٣٥٩	فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ، مرسلات (٧٧)/٢٣		فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ، حاقه (٦٩)/٥٢
٢٥٢	فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا، انعام (٦)/٥	٤١١، ٤٠٩	
١١٢	فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ، شعرا (٢٦)/٦	٩٨، ٢٥	فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ، قلم (٦٨)/٥
١١٢	فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا، شعرا (٢٦)/١٩٩	٤١٩، ٤١٨، ٣٥١	
١٣١	فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ، نوح (٧١)/١٠	٢٠٨	فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ، حجر (١٥)/٣٠
٢١٠	فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا، طه (٢٠)/١١٧		فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ، ص (٣٨)/٧٣
٤١٤	فَكَرُّ رَقَبَةٍ، بلد (٩٠)/١٣	٢٠٧	
٣٦٦	فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ، نجم (٥٣)/٩	٣٥٧	فَسَبِّسِرْهُ لِلْعُسْرَى، ليل (٩٢)/٧
٢٨٧	فَكَذَّبَ وَعَصَى، نازعات (٧٩)/٢١	٣٥٧، ٧٤	فَسَبِّسِرْهُ لِلْعُسْرَى، ليل (٩٢)/١٠
	فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ، عنكبوت (٢٩)/٣٧	٣٧٢	فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَابًا، انشقاق (٨٤)/٨
٢٥٧	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي، شعرا (٢٦)/١٣٩	٣٧٢	فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا، انشقاق (٨٤)/١١
١١٣، ١١٢			فَسِيرُوا، آل عمران (٣)/١٣٧ و نحل (١٦)/٣٦
١٧١	فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا، مؤمنون (٢٣)/٤٨	٣٨٦	
	فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِمْ، عنكبوت (٢٩)/٤٠	٣٧٠	فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ، فجر (٨٩)/١٣
٢٥٧		١٢٤	فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّنْ، قلم (٦٨)/١٩
٤١٤	فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، بلد (٩٠)/١١	٣٤٥	فَعَالَ لَمَّا يُرِيدُ، بروج (٨٥)/١٦
٣٤٨	فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، تكوير (٨١)/١٥	٢٨٨	فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ، مزمل (٧٣)/١٦
٤٠٩	فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ، حاقه (٦٩)/٣٨		فَعَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ، اعراف (٧)/١١٩
٤١٨، ٢٣٠، ٩٦	فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ، قلم (٦٨)/٨	٢٨٩	
		١٥٣	فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ، مؤمنون (٢٣)/٢٤
		٣٦٤، ٨٠	فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلًا، مدثر (٧٤)/٢٤

٢٦٦	فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيْبَةً، يونس (١٠)/٩٨	٨٧	فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى، قيامت (٧٥)/٣١
	فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ، طور (٥٢)/٣٤		فَلَا يَصْدَنُكَ عَنْهَا مَنْ، طه (٢٠)/١٣٥١٦، ٢٣٣،
١٤٢، ١٢٩		٢٤٨	
٣٨١ ٨٥	فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ، علق (٩٦)/١٧	١٣١	فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِيَّالَا، نوح (٧١)/٦
٢٩٠، ٢٦٦	فَمَا آمَنَ لِمُوسَى، يونس (١٠)/٨٣		فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا، مؤمن (٤٠)/٨٥
٨٢	فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ، انشقاق (٨٤)/٢٠	٢٧٥	
٤٠٩	فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ، حاقه (٦٩)/٤٧	٢٨٣	فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا، اعراف (٧)/١٩٠
٣٨٩	فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ، تين (٩٥)/٧	٢٦٨	فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطِيشَ، قصص (٢٨)/١٩٠
٨٠	فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ، مدثر (٧٤)/٤٩	٢٨٧	فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا، شعرا (٢٦)/٤١
٢١٠	فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ، طه (٢٠)/١٢٣	٢٧٥	فَلَمَّا جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ، مؤمن (٤٠)/٨٣
٣٨٥، ٣٦٤	فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ، مدثر (٧٤)/٥٥		فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا،
٣٧٤	فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ، عبس (٨٠)/١٢	٢٦٦	يونس (١٠)/٧٦
٤٢٠، ٤٠٢			فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا،
٤٢٢	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، زلزال (٩٩)/٧	٢٧٠	قصص (٢٨)/٤٨
	فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَيَّ اللَّهُ، زمر (٣٩)/٣٢	١٨٤	فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَأْيَاتِنَا، زخرف (٤٣)/٤٧
٢٣٤		٢٩١	فَلَمَّا جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ مِنْ، مؤمن (٤٠)/٢٥
٣٤٠	فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ، طارق (٨٦)/١٧	٢٧٠	فَلَمَّا جَاءَهُمُ مُوسَى، قصص (٢٨)/٣٦
٤١٩، ٣٦٥، ٣٤٢		٢٧٥	فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا، مؤمن (٤٠)/٨٤
	فَو رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّيَاطِينَ،	١٢٤	فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِيَّالَا، قلم (٦٨)/٢٦
٢١٠	مريم (١٩)/٦٨	٢٤٧	فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ، اعراف (٧)/١٣٥
٢٦٨	فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ، قصص (٢٨)/١٥		فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ، زخرف (٤٣)/٥٠
٢١٠	فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ، طه (٢٠)/١٢٠	١٨٤	
٢١٦	فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ، اعراف (٧)/٢٠		فَلَوْلَا إِذْجَاءَهُمْ بَأْسُنَا، انعام (٦)/٤٣
	فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، مؤمن (٤٠)/٤٥	٢٥٣، ٢١٨	
٢٩٢			فَلَوْلَا الْقِيَّ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ، زخرف (٤٣)/٥٣
١٢٩	فَوَيْلٌ لِّلْمُكْذِبِينَ، طور (٥٢)/١١	٢٨٨، ١٨٤	

٣٩٧	فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ، رَحْمَنَ (٥٥)/٧٠	فَهُمْ عَلَيَّ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ، صافات (٣٧)/٧٠
	فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنْسٌ،	١٠٨، ١٠٣
٣٩٦	رَحْمَنَ (٥٥)/٥٦	فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ، ق (٥٠)/٥٥
		٣٩١
		فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ، واقعه (٥٦)/١٢
		٣٨٣
		فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، غاشيه (٨٨)/١٠
		٩٥
		فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ، تبت (١١١)/٥
		٣٣٩، ٣٣٧
		فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ، طور (٥٢)/٣
		٣٩١
		فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ، واقعه (٥٦)/٢٨
		٣٩٢
		فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ، واقعه (٥٦)/٤٢
		٤٠٢، ٣٧٤، ١٣/٨٠
		فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ، عبس (٨٠)/١٣
		٢٢٨
		فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ، بقره (٢)/١٠
		٣٥٦، ٣٤٥
		فِي لُوحٍ مَّخْفُوظٍ، بروج (٨٥)/٢٢
		٢٤/٨٨
		فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ، غاشيه (٨٨)/٢٤
		٤٢٠، ٣٨٣
		فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا، نازعات (٧٩)/٤٣، ٤١٢
		٤١٨
		فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَنْ رَحْمَنَ (٥٥)/٣٩
		٣٨٣
		فِيهَا سُرُورٌ مَّرْفُوعَةٌ، غاشيه (٨٨)/١٣
		٣٨٣
		فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ، غاشيه (٨٨)/١٢
		٣٩٦
		فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ، رَحْمَنَ (٥٥)/٥٠
		٣٩٧
		فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ، رَحْمَنَ (٥٥)/٦٦
		٣٩٥
		فِيهَا فَآكِهَةٌ وَالتَّحْلُ، رَحْمَنَ (٥٥)/١١
		٦٨/٥٥
		فِيهِمَا فَآكِهَةٌ وَتَحْلٌ وَرُمَّانٌ، رَحْمَنَ (٥٥)/٦٨
		٣٩٧
		فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَآكِهَةٍ زَوْجَانِ، رَحْمَنَ (٥٥)/٥٢
		٣٩٦
		قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ، قلم (٦٨)/٢٨

ق

١٥٢	ق وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدِ، ق (٥٠)/١
٢٨٨	قَالَ آمَنَّا لَهُ قَبْلَ أَنْ، طه (٢٠)/٧١
٢١٦	قَالَ أَخْرَجُ مِنْهَا مَذْذُومًا، اعراف (٧)/١٨
٢١٢	قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ، اسراء (١٧)/٦٣
٢١١	قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْثِنَا إِلَيْ، كهف (١٨)/٦٣
٢١٢	قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي، اسراء (١٧)/٦٢
٣٠٠، ٢٧٥	قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ، مؤمن (٤٠)/٤٨
	قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ، سبا (٣٤)/٣٢
٢٩٩، ٢٦١	قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ،
٢٤٦	اعراف (٧)/٨٨
	قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ،
٢٩٩	اعراف (٧)/٧٥
	قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ، اعراف (٧)/١٠٩
٢٨٩	
١١٣،	قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي، شعرا (٢٦)/٢٧، ١١٣
٣٥١	
٢٠٧	قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي، ص (٣٨)/٧٦
٢١٦	قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ، اعراف (٧)/١٥
١٢٤	قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ، قلم (٦٨)/٢٨

۱۵۲	قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ، ق (۵۰)/۲۷	۱۷۷	قَالَ أَوْلُوْهُ جِئْتُمْ، زخرف (۴۳)/۲۴
۲۱۱	قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا، طه (۲۰)/۱۲۷	۲۱۰	قَالَ أَهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا، طه (۲۰)/۱۲۳
۱۱۳	قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ حَوْلَهُ إِنَّ، شعرا (۲۶)/۳۴	۲۱۷	قَالَ أَهْبَطُوا بَعْضُكُمْ، اعراف (۷)/۲۴
۱۱۳	قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا، شعرا (۲۶)/۳۴		قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون، شعرا (۲۶)/۱۱۷
۲۰۸	قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ، حجر (۱۵)/۳۳	۱۱۳	
۲۸۱	قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ، كهف (۱۸)/۳۷	۱۱۳	قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ، شعرا (۲۶)/۱۲
۲۱۶	قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ، اعراف (۷)/۱۲	۱۳۱	قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ، نوح (۷۱)/۵
۲۶۶	قَالَ مُوسَى اتَّقُوا، يونس (۱۰)/۷۷		قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ، حجر (۱۵)/۳۹
۱۳۱	قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنِّي، نوح (۷۱)/۲۱	۲۰۹، ۱۴۳	
۲۰۹	قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ، حجر (۱۵)/۴۱	۲۶۸	قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ، قصص (۲۸)/۱۷
۲۱۴	قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ، بقره (۲)/۳۳	۲۰۸	قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي، ص (۳۸)/۷۹
۲۰۷	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ، ص (۳۸)/۷۵	۲۰۹	قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي، حجر (۱۵)/۳۶
۲۱۳	قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ، يوسف (۱۲)/۵	۲۱۰	قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي، طه (۲۰)/۱۲۶
۲۱۶	قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، اعراف (۷)/۲۳	۲۰۷	قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ، ص (۳۸)/۷۷
	قَالُوا أُنذِرْنَا مِثْلًا مِثْلًا وَكُنَّا، مؤمنون (۲۳)/۸۲	۲۰۸	قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ، حجر (۱۵)/۳۴
۱۷۲، ۱۵۴		۲۰۸	قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ، ص (۳۸)/۸۴
۲۶۶	قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفُتَنَّا، يونس (۱۰)/۷۸	۲۱۶	قَالَ فَأَنْظِرْنِي إِلَيَّ يَوْمَ، اعراف (۷)/۱۴
	قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ رِّجِيدٌ، طه (۲۰)/۶۳	۲۰۸	قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، ص (۳۸)/۸۰
۲۸۸		۲۰۹	قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، حجر (۱۵)/۳۷
۱۱۹	قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكَ، ذاريات (۵۱)/۳۲	۲۱۶	قَالَ فَاهْبَطْ مِنْهَا فَمَا، اعراف (۷)/۱۳
۱۶۴	قَالُوا إِنَّا نَطَّيَّرُ بِكُمْ لَئِن، يس (۳۶)/۱۹		قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّبَهُمْ أَجْمَعِينَ، ص (۳۸)/۲
۱۱۳	قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ، شعرا (۲۶)/۱۵۳	۲۰۸	
۲۹۸	قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَحِبًا، ص (۳۸)/۶۰	۲۱۶	قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي، اعراف (۷)/۱۶
	قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ، صافات (۳۷)/۲۹	۲۸۹	قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ، اعراف (۷)/۱۲۳
۱۰۳		۲۹۳	قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ، مؤمن (۴۰)/۲۹
			قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، شعرا (۲۶)/۲۳
		۲۸۷	

٢١٩	قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ، انعام (٦)/٧١	١١٣	قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا، شعرا (٢٦)/٧٤
	قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ،	٤١١	قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ، نازعات (٧٩)/١٢
٣٨٦، ٢٦٦	يونس (١٠)/١٠١	١٠٦/ (٢٣)	قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا، مؤمنون (٢٣)/١٠٦
٣٥١	قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ، سبا (٣٤)/٤٦	١٧٢	
١٤٢، ١٢٩	قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي، طور (٥٢)/٣١	٢٩٨	قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا، ص (٣٨)/٦١
٢٤٣	قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا، اسراء (١٧)/٩٦	١٢٧	قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا، قلم (٦٨)/٢٩، ١٢٤
٢٤٠	قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ، اسراء (١٧)/٨٤	٢٦١	قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ، سبا (٣٤)/٤١
٢٥٤	قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي، انعام (٦)/٥٠		قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ، شعرا (٢٦)/١٣٦
٢٣٥	قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا، جاثية (٤٥)/١٤	١٦٥، ١١٣	
	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ الْآتِكُونَ، حجر (١٥)/٣٢	٨٠	قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، مدثر (٧٤)/٤٣
٢٠٨		١٦٤	قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا، يس (٣٦)/١٥١
٢٥٤	قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا، انعام (٦)/٥٨	١٢٤	قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا، قلم (٦٨)/٣١
٢٤٢	قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ، اسراء (١٧)/٩٥	٣٤٥	قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ، بروج (٨٥)/٤
٧٩	قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ، ص (٣٨)/٦٧	١١٩	قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ، ذاريات (٥١)/١٠
٣٧٦	قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، كافرون (١٠٩)/١	٤٠٤، ٤٠١	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، اعلى (٨٧)/١٤
٤١١	قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ، نازعات (٧٩)/٨	٤٨	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، شمس (٩١)/٦
٣٦٣، ٣٥٧، ٣٣٧	قُمْ فَأَنْذِرْ، مدثر (٧٤)/٢	٣٥٨، ٣٤٢	
٢٨٧	قَوْمٌ فِرْعَوْنَ آلا يَتَّقُونَ، شعرا (٢٦)/١١	١٩٩	قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ، طلاق (٦٥)/٣
١٤٠	قَوْمًا لُدًّا، مريم (١٩)/٩٧	١٥٥	قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ، ق (٥٠)/٤
		١٧١	قَدْ كَانَتْ آيَاتِي، مؤمنون (٢٣)/٦٦
		٢٥٣	قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لِيَحْزَنَكَ، انعام (٦)/٣٣
		١٥١	قُرْآنًا عَرَبِيًّا، زخرف (٤٣)/٣
		٢٥٣	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ، انعام (٦)/٤٦
		٣٥٦	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، ناس (١١٤)/١
		٢١٧	قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ، اعراف (٧)/٢٩

ك

٣٩١	كَأَمْثَالِ اللَّوْلِ الْمَكُونِ، واقعه (٥٦)/٢٣		
٢٤٩	كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ، روم (٣٠)/٩		
٨٠	كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ، مدثر (٧٤)/٥٠		
٤١٢	كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ، نازعات (٧٩)/٤٦		

- كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ، شعرا (٢٦)/١٦٠
١١٣
- كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ، شعرا (٢٦)/١٠٥
١١٤، ١١٣
- كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَلْهَاءَ، قمر (٥٤)/٤٢
٢٨٧
- كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ آخِرٌ، قلم (٦٨)/٣٣
١٢٤
- كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ، شعرا (٢٦)/٢٠٠
١١٢
- كَذَلِكَ لِيُنذِرَ بِهِ قَوْمًا، فرقان (٢٥)/٣٢
٢٤
- كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ، ذاريات (٥١)/٥٢
١١٩
- كَذَلِكَ نَسْأَلُكَ فِي قُلُوبِ، حجر (١٥)/١٢
١٤٣
- كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، مرسلات (٧٧)/١٨
٣٧١، ٣٥٩
- كِرَامٍ بَرَرَةٍ، عبس (٨٠)/١٦
٣٧٤
- كَفَّارٍ عَنِيدٍ، ق (٥٠)/٢٤
١٥٨
- كُلِّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ، قلم (٦٨)/١٠
١٥٥
- كُلُّ كَذَّبٍ الرُّسُلَ فَحَقَّ، ق (٥٠)/١٤
١٥٤
- كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ، ق (٥٠)/٢٤
١٥٥
- كُلُّ مَنْ عَلَيَّهَا فَانٍ، رحمن (٥٥)/٢٦
٣٩٦
- ٤٠٠
- كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ، علق (٩٦)/٦
٢١
- ٣٨١، ١٠٢، ٨٥
- كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ، مدثر (٧٤)/٥٤
٣٦٤
- ٤١٩، ٣٨٥
- كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا، مدثر (٧٤)/١٦
٨٠
- كَأْتَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ، رحمن (٥٥)/٥٨
٣٩٦
- كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ، هود (١١)/١
٢٩
- كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ، ص (٣٨)/٢٩
٣٨٦، ٢٨٠
- كِتَابٌ فَصَّلْتُمْ آيَاتَهُ قُرْآنًا، فصلت (٤١)/٣
١٧٨، ١٧٥
- كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ،
انفال (٨)/٥٢
٢٩٢
- كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ،
انفال (٨)/٥٤
٢٩٢
- كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا،
آل عمران (٣)/١١
٢٩٢
- كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ، شعرا (٢٦)/١٧٦
١١٣
- كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ، شعرا (٢٦)/١٤١
١١٣
- كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ، قمر (٥٤)/٢٣
١٢١
- كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ، حاقه (٦٩)/١٠٨
٤
- كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ، شعرا (٢٦)/١٢٣
١١٣
- كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ، قمر (٥٤)/١٨
١٢١
- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ، ص (٣٨)/١٢
٢٨٨، ١٤٨
- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا، قمر (٥٤)/٩
٣٥١، ١٢١
- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ، ق (٥٠)/١٢
١٥٢
- كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ،
مؤمن (٤٠)/٥
٢٣١

٩٠	لَا كَلْبُونَ مِنْ شَجَرٍ مَنْ، واقعه (٥٦)/٥٢	٣٧٤	كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ، عبس (٨٠)/١١
٣٧٦	لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، كافرون (١٠٩)/٢	٤٢٠، ٤٠٢	
٤١٤	لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ، بلد (٩٠)/١	١٥/(٨٣)	كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ مَظْفِقِينَ
٣٩٠	لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ، قيامت (٧٥)/١، ٣٨٨، ٣٩٠	١٠٩	
٢٥٧	لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، بقره (٢)/٢٥٦	٨٧	كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ، قيامت (٧٥)/٢٠
٣٩٢	لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ، واقعه (٥٦)/٤٤	٧٠	كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ، انقطاع (٨٢)/٩
٢٩	لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ، قيامت (٧٥)/١٦	١٤/(٨٣)	كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ، مظففين
٣٨٣	لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأُغْيَةٍ، غاشيه (٨٨)/١١	١٠٩	
٣٩٢	لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ، واقعه (٥٦)/٣٣	٩٩	كَلَّا بَلْ لَأُتْرِكُومُنَّ الْيَتِيمَ، فجر (٨٩)/١٧
١١٢	لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى، شعرا (٢٦)/٢٠١	٨٠	كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ، مدثر (٧٤)/٥٣
١٤٣	لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ، حجر (١٥)/١٣	٤١٦	كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ، تكاثر (١٠٢)/٣
٣٩١	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا، واقعه (٥٦)/٢٥	٤١٧، ٣٦٢، ٧٧، ٧٦٤/(٧٨)	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، نباء (٧٨)/٤١٧
٣٨٣	لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي، غاشيه (٨٨)/٧	١٣٧	كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ، مريم (١٩)/٨٢
٣٩١	لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا، واقعه (٥٦)/١٩	٨٥	كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَتَسْفَعَا، علق (٩٦)/١٥
٣٥٧، ٧٤	لَا يَصْلَاهَا إِلَّا، ليل (٩٢)/١٥	٣٨١	كَلَّا لَأَنْتَ لَأَنْتَ لَتَسْفَعَا، علق (٩٦)/١٩
٤٠٩	لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، حاقه (٦٩)/٤٥	٣٨١	كَلَّا لَأَنْتَ لَأَنْتَ لَتَسْفَعَا، علق (٩٦)/١٩
١٧٠	لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، حجر (١٥)/٣٩	٣٨٧	كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، تكاثر (١٠٢)/٥
٣٩٢	لَأُصْحَابِ الْيَمِينِ، واقعه (٥٦)/٣٨	٤١٧، ٤١٦	
٢٠٨، ٧٩	لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥	٢٨١	كَلَّا لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥
٣٥٩	لَأَيُّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ، مراسلات (٧٧)/١٢	١٤٨	كَلَّا لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥
٤١٧، ٤١٦	لَتَرْوُنَّ الْجَحِيمَ، تكاثر (١٠٢)/٦	١٢٧	كَلَّا لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥
١٣١	لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا، نوح (٧١)/٢٠	١٢٣	كَلَّا لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥
١٦٣	لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ، يس (٣٦)/٦	٢١٧	كَلَّا لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ، ص (٣٨)/٨٥
٢٥	لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ، غاشيه (٨٨)/٢٢		
٤٢٠، ٤٠٢، ٣٨٦، ٣٨٣			
			ل
		٣٦٨	لَئِن اتَّخَذْتَ إِلَهًا، شعراء (٢٦)/٢٩

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً، حج (٢٢)/٥٣	لِسَعِيهَا رَاضِيَةً، غاشيه (٨٨)/٩	٣٩٣، ٣٨٣
٢٥١، ٢١٢	لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ نَسَاءَ (٤)/١١٨	٢٢٠
لَيْسَ عَلَيَّ الضُّعْفَاءُ، توبه (٩)/٩١	لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ، حجر (١٥)/١٥	١٤٣
٣٠٠	لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ، فرقان (٢٥)/٢٩	٢١٠
لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ، بقره (٢)/٢٧٢	لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا، مريم (١٩)/٨٩	١٣٧
٢٦	لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَيَّ أَكْثَرِهِمْ، يس (٣٦)/٧	٢٠٠، ١٦٣
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، شورا (٤٢)/١١	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ، تين (٩٥)/٤	٣٨٩
١٤٤، ١٠٥	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ، بلد (٩٠)/٤	٤١٤
لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ، واقعه (٥٦)/٢	لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ، نجم (٥٣)/١٨	٣٦٦
٣٩٤	لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا، مؤمنون (٢٣)/٨٣	١٧٩، ١٧٢
لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ، غاشيه (٨٨)/٦	لُقْرِي تَقْصُّ عَلَيْكَ، اعراف (٧)/١٠١	٢٤٦
٣٨٣	لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ، كافرون (١٠٩)/٦	٣٧٦
لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ، زخرف (٤٣)/٣٧	لَكَيْتًا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا، كهف (١٨)/٣٨	٢٨١
١٨٥	لِلَّذِينَ لَا يُرْجُونَ آيَاتِ اللَّهِ، جاثيه (٤٥)/١٤	٢٣٥
لَيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا، نحل (١٦)/٥٥	لَمْ تَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، مدثر (٧٤)	٨١
٢٨٢، ٢٠١	لَمْ يَطْمِئِنُّوا، انس، رحمن (٥٥)/٧٤	٣٩٧
لَيَوْمِ الْقَضَاءِ، مرسلات (٧٧)/١٣	لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ، تكوير (٨١)/٢٨	٤١٩، ٣٦٥، ٣٤٧
١٠٩	لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا، نباء (٧٨)/١٥	٣٦٢
لَيَوْمٍ عَظِيمٍ، مطفين (٨٣)/٥	لِيُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً، ذاريات (٥١)/٣٣	١١٩
م	لَوْ مَا تَأْتِيْنَا بِالْمَلَائِكَةِ إِن كُنْتَ، حجر (١٥)/٧	١٤٣، ٣٥١
مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ، كهف (١٨)/٥١	لَوْحٌ مَحْفُوظٌ، بروج (٨٥)/٢٢	٣٤٦
٢١٤		
مَا أَعْنِي عَنْهُ مَالُهُ، تبت (١١١)/٢		
٩٥		
مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْتُونٍ، قلم (٦٨)/٢		
٢٥		
٢٤		
مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ، طه (٢٠)/٢		
٣٦٦		
مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ، ص (٣٨)/٧		
١٤٨		
مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى، نجم (٥٣)/٢		
٣٦٦، ٣٤٨، ١٩٢		
٣٦٦		
مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى، نجم (٥٣)/١١		

١٣١	مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ نُوحًا (٧١/١٣)	١٣١	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، ناس (١١٤/٤)
٣٣٧	مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ لَطُورًا (٥٢/٨)	٣٣٧	٢٠٧، ٣٥٦
٢٣١	مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا، مؤمن (٤٠/٤)	٢٣١	١٢٧، ٢٨٧
١٦٤	مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً، يس (٣٦/٤٩)	١٦٤	٢٤٧
٣٨٩	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، فاتحه (١/٤)	٣٨٩	١٧٨/٧ اعراف (٧/١٨٦)
٤٢٠، ٤٠٦	مُنْتَكِبِينَ عَلَيَّ رَفْرَفٍ خُضْرٍ، رحمن (٥٥/٧٦)	٤٢٠، ٤٠٦	٢٤٧، ١٢٨
٣٩٧	مُنْتَكِبِينَ عَلَيَّ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا، رحمن (٥٥/٥٤)	٣٩٧	١٥٢، ١٥٨
٣٩٦	مُنْتَكِبِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ، واقعه (٥٦/١٦)	٣٩٦	
٣٩١	مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا، عنكبوت (٢٩/٤١)	٣٩١	٨٥، ٣٨١
٢٥٧	مُدَّهَا مَتَانًا، رحمن (٥٥/٦٤)	٢٥٧	٧٨، ٤١٧
٣٩٧	مَرْفُوعَةً مُطَهَّرَةً، عبس (٨٠/١٤)	٣٩٧	٢٩٠
٣٧٤	مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، رحمن (٥٥/١٩)	٣٧٤	٢٢٩
٣٩٥	مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا، مؤمنون (٢٣/٦٧)	٣٩٥	٨٢
١٧١	مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ، تكوير (٨١/٢١)	١٧١	
٣٤٧	مُعْتَدٍ أَيْمٍ، قلم (٦٨/١٢)	٣٤٧	
١٥٥	مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، حمد (١)	١٥٥	
٤٠٧	مُقْتَحِمٍ، ص (٣٨/٥٩)	٤٠٧	
٢٩٧	مَلِكِ النَّاسِ، ناس (١١٤/٢)	٢٩٧	
٣٥٦	مِمَّا حَطَّيْنَاهُمْ أُغْرُقُوا، نوح (٧١/٢٥)	٣٥٦	
١٣١	مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ، ناس (١١٤/٦)	١٣١	
٣٥٦، ٢٠٧	مِنْ أَهْلِكُنَا قَبْلَهُمْ مِنْ، مريم (١٩/٧٤)	٣٥٦، ٢٠٧	

ن

٤١٨	ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، قلم (٦٨/١)	٤١٨	٩٧، ٩٧
٣٨١	نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ، علق (٩٦/١٦)	٣٨١	٨٥، ٣٨١
٤١٧	نَبَأٍ عَظِيمٍ، نباء (٧٨/٢)	٤١٧	٧٨، ٤١٧
٢٩٠	نَثَلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأٍ، قصص (٢٨/٣)	٢٩٠	
٢٢٩	نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ، اسراء (١٧/٤٧)	٢٢٩	
٨٢	نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ، مدثر (٧٤/٤٦)	٨٢	

و

١٣٧	وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ، مريم (١٩/٨١)	١٣٧	
١٨٨	وَ إِذَا تُثْلِي عَلَيْهِمْ، مريم (١٩/٧٣)	١٨٨	
١٨٨	وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ، مريم (١٩/٣٧)	١٨٨	
٤١١	وَ بَرَزَتِ الْجَحِيمُ، نازعات (٧٩/٣٦)	٤١١	
١٣٧	وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ، مريم (١٩/٨٨)	١٣٧	
١٨٨	وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ، مريم (١٩/٧٤)	١٨٨	

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا،	وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ، عَنكِبُوت (٢٩)/٥٣
٢١٠ طه (٢٠)/١١٦	٢٥٩
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ،	١٨٨ وَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ أَ إِذَا، مَرِيَم (١٩)/٦٦
٢١٤ كهف (١٨)/٥٠	٣٤٠ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ، اِبْرَاهِيم (١٤)/٣٤
٢١٤ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا، بقره (٢)/٣٤	٣٠٥
٢٨٧ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى، شعرا (٢٦)/١٠	وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا، حِجْر (١٥)/٨١
٢٩٢ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ، بقره (٢)/٤٩	١١٦
٣٠٠ وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ، مؤمن (٤٠)/٤٧	٤١١ وَآثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، نازعات (٧٩)/٣٨
٢٤٠ وَإِذَا أُنْعِمْنَا عَلَيَّ، اسراء (١٧)/٨٣	٢٩٨ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ، ص (٣٨)/٥٨
٣٥٩ وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ، مرسلات (٧٧)/١٠	٢٧٠ وَآتَيْنَاهُمْ فِي هَذِهِ، قصص (٢٨)/٤٢
٣٥٩ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ، مرسلات (٧٧)/١١	٢١٨ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ، بقره (٢)/١٠٢
٣٥٩ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ، مرسلات (٧٧)/٩	١٩٤ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً، فرقان (٢٥)/٣
٧١، ٧٠، ٨ وَإِذَا المَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ، تكوير (٨١)/٨	٢١٧ وَائْتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي، اعراف (٧)/١٧٥
١٧٥ وَإِذَا أُنْعِمْنَا عَلَيَّ، فصلت (٤١)/٥١	٢٨١ وَأَحْيَطْ بِشَمْرِه فَاصْبِحْ، كهف (١٨)/٤٢
٥٨، (١٦) وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَى، نحل (١٦)/٥٨	٤٢٢ وَآخْرَجَتْ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا، زلزال (٩٩)/٢
٢٠١	٢١٢ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمُ فِي، اعراف (٧)/٢٠٢
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا، زخرف (٤٣)/١٧	٢٨٩ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ، نمل (٢٧)/١٢
٢٠٥	٣٧١، ٣٧٠ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي، فجر (٨٩)/٣٠
١٩٠، وَإِذَا تُثْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا، لقمان (٣١)/٧	٢٩٠ وَإِذْ أُنْحِيتُمْ مِنْ آلِ، اعراف (٧)/١٤١
٢٣٢	٢١٥ وَإِذْ زَيْنُ لَهُمُ الشَّيْطَانُ، انفال (٨)/٤٨
وَإِذَا تُثْلَى عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ، سبا (٣٤)/٤٣	٢٠٨ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ، حجر (١٥)/٢٨
٢٦٢	٢١٤ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي، بقره (٢)/٣٠
٢٥، (٤٥) وَإِذَا تُثْلَى عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ، جاثيه (٤٥)/٢٥	٢٩٢ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ، ابراهيم (١٤)/٦
٢٣٥	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا، اسراء (١٧)/٦١
٢٢٠ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ، نساء (٤)/٨٣	٢١٢

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ، واقعه (٥٦)/٩	٢٤٨	وإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ، اسراء (١٧)/٤٦	٢٤٨
٣٩١	١٠٣	وإِذَا ذُكِرُوا لَمْ يَذْكُرُونَ، صافات (٣٧)/١٣	١٠٣
وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ، واقعه (٥٦)/٢٧	١٤/ (٣٧)	وإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ، صافات (٣٧)/١٤	١٤/ (٣٧)
٣٩١	١٠٣		١٠٣
وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا، يس (٣٦)/١٣	١٩٨	وإِذَا رَأَوْكَ إِنْ، فرقان (٢٥)/٤١	١٩٨
وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ، طه (٢٠)/٧٩	٢١٨	وإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ، انعام (٦)/٦٨	٢١٨
وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْثَى، نجم (٥٣)/٣٤	٢٣٥	وإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا، جائيه (٤٥)/٩	٢٣٥
وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ، انعام (٦)/١٠٩	٢٨٣	وإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ، لقمان (٣١)/٣٢	٢٨٣
وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ، غاشيه (٨٨)/١٤	٨٢	وإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ، انشقاق (٨٤)/٢١	٨٢
وَأَكِيدُ كَيْدًا، طارق (٨٦)/١٦	٣٦٥، ٣٤٠	٨٣	
وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى، اعلى (٨٧)/١٧	٩١	وإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا، اسراء (١٧)/٤٥	٢٢٩
٩٢، ٤٠١		وإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ، جائيه (٤٥)/٣٢	٢٣٥
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ، طارق (٨٦)/١٢	٣٤٠	وإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا، لقمان (٣١)/٢١	٢١٤
وَالْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ، رحمن (٥٥)/١٠	٣٩٥	وإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا، مرسلات (٧٧)/٤٨	٧٥
وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، طور (٥٢)/٦	٣٣٧	وإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا، فرقان (٢٥)/٦٠	١٩٨
وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، طور (٥٢)/٤	٣٣٧، ٣٤٠	وإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا، يس (٣٦)/٤٧	١٦٤
وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ، تين (٩٥)/١	٣٨٨	وإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذًا، نحل (١٦)/٢٤	٢٠١
وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ، حجر (١٥)/٢٧	٢٠٨	وإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا، بقره (٢)/١٤	٢١١
وَالْجِبَالِ أَوْ تَادَا، بناء (٧٨)/٧	٣٦٢، ٤١٧	وإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ، مطففين (٨٣)/٣	١٠٩
وَالْحَبِّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ، رحمن (٥٥)/١٢	٣٩٥	وَأَسْتَفْزِرُّ مَنْ اسْتَطَعْتَ، اسراء (١٧)/٦٤	٢١٢
وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا، ذاريات (٥١)/١	٣٣٦، ٣٦٠	وَأَسْتَكْبِرَ هُوَ وَجُنُودُهُ، قصص (٢٨)/٣٩	٢٧٠
وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى، اعلى (٨٧)/٤	٣٤٣	وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ، ق (٥٠)/١٤	١٥٢
وَالَّذِي قَدَّرَ فَهْدَى، اعلى (٨٧)/٣	١٩٩، ٣٤٣	وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ، حج (٢٢)/٤٤	٢٥١
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ، شورى (٤٢)/٦	٢٥	وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ، واقعه (٥٦)/٤١	٤١/ (٥٦)
		٣٩٢	

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا، اعراف (٧/١٤٧) ٢٤٧	وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ، آل عمران (٣/٥٧) و ١٤٠
وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ،	١٤١
اعراف (٧/١٨٢) ٢٤٧	وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ، بروج (٨٥/٢٠) ٣٤٥
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ، عنكبوت (٢٩/٢٣) ٢٥٧	وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ، تکویر (٨١/١٧) ٣٤٨
	وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ، فجر (٨٩/٤) ٣٧٠
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَاهُمْ هُمْ أَصْحَابُ،	وَاللَّيْلِ إِذَا يَعْشِي، لیل (٩٢/٢) ٣٥٧
بلد (٩٠/١٩) ٤١٤، ٤١٥	وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا، مرسلات (٧٧/١) ٣٥٨
وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ، شوری (٤٢/١٦) ٣٠٦	وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا، نازعات (٧٩/١) ٤١١
وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ، نساء (٤/٣٨) ٢١٩	وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا، مرسلات (٧٧/٣) ٣٥٩
وَالرُّجْزِ فَاهْجُرْ، مدثر (٧٤/٥) ٣٣٥	وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا، نازعات (٧٩) ٤١١
وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا، نازعات (٧٩/٣) ٤١١	وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى، نجم (٥٣/١) ٣٦٦، ٣٦٧
وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، واقعه (٥٦/١٠) ٣٩١	وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ، رحمن (٥٥/٦) ٣٩٥
وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، طور (٥٢/٥) ٣٣٧	وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، لیل (٩٢/٢) ٣٥٧
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ، بروج (٨٥/١) ٣٤٥	وَالْيَ الْأَرْضِ كَيْفَ، غاشیه (٨٨/٢٠) ٣٨٣
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ، طارق (٨٦/١١) ٣٤٠	وَالْيَ الْجِبَالِ كَيْفَ، غاشیه (٨٨/١٩) ٣٨٣
وَالسَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ، رحمن (٥٥/٧) ٣٩٥	وَالْيَ السَّمَاءِ كَيْفَ، غاشیه (٨٨/١٨) ٣٨٣
وَالشَّفَعِ وَالْوَثْرِ، فجر (٨٩/٣) ٣٧٠	وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، بروج (٨٥/٢) ٣٤٥
وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ، ص (٣٨/٣٧) ٢٠٩	وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ، فجر (٨٩/١٦) ٩٩
وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، تکویر (٨١/١٨) ٣٤٩	وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ، جائیه (٤٥/٣١) ٢٣٥
وَالطُّورِ، طور (٥٢/١) ٣٣٧	وَأَمَّا تُمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ، فصلت (٤١/١٧) ١٧٥
وَالعَصْرِ، عصر (١٠٣/١) ٦٥	وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ، انشقاق (٨٤/١٠) ٣٧٢
وَالفَجْرِ، فجر (٨٩/١) ٣٧٠	وَأَمَّا مَنْ يَخْلُ وَاسْتَعْتَى، لیل (٩٢/٨) و ٧٤، ٣٥٧
وَالكِتَابِ الْمُبِينِ، زخرف (٤٣/٢) ١٥٢	وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى، عبس (٨٠/٨) ٣٧٤
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ، انشقاق (٨٤/٢٣) ٨٢	وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ، نازعات (٧٩/٤٠) ٤١٢
وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ، نوح (٧١/١٩) ١٣١	

۱۲۱	وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا، قمر (۵۴)/۲	وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فصلت (۴۱)/۳۶
	وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ،	۲۱۲
۳۵۱، ۱۹	قلم (۶۸)/۵۱	وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ،
۲۵۱	وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ، حج (۲۲)/۴۲	اعراف (۷)/۲۰۰
	وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ، حاقه (۶۹)/۴۹	وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ، تبت (۱۱۱)/۴
۴۰۹، ۹۴		وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي، اعراف (۷)/۱۸۳
۴۱۴	وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ، بلد (۹۰)/۲	وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ، يس (۳۶)/۶۱
۱۰۱	وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ، نجم (۵۳)/۶۱	۲۰۹، ۱۷۰، ۱۶۴
۳۶۲	وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ، نباء (۷۸)/۱۴	وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ، ذاريات (۵۱)/۶
۱۴۸	وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ، ص (۳۸)/۶	وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ، مؤمنون (۲۳)/۷۴
۲۱۰	وَأَنْتَ لَا تَطْمَأُ فِيهَا، طه (۲۰)/۱۱۹	وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَيَّ أَنْ، لقمان (۳۱)/۱۵
۱۷۲	وَأَنْتَ لَتَدْعُوهُمْ، مؤمنون (۲۳)/۷۳	وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ، شعراء (۲۶)/۹
۳۵۱	وَأَنْتَ لَعَلِّي خُلِقَ عَظِيمٌ، قلم (۶۸)/۴	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَيَّ يَوْمٍ، حجر (۱۵)/۳۵
۴۱۸		۲۰۹
۹۳	وَإِنَّهُ عَلَيَّ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ، عاديات (۱۰۰)/۷	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَيَّ، ص (۳۸)/۷۸
۱۷۸	وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ، زخرف (۴۳)/۴	وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ، اسراء (۱۷)/۷۳
	وَإِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ، حاقه (۶۹)/۴۸	وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ، حجر (۱۵)/۷۸
۴۱۰، ۴۰۹		وَإِنْ كَانَ كَبِيرَ عَلَيْكَ، انعام (۶)/۳۵
۹۳۸/(۱۰۰)	وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ، عاديات (۱۰۰)/۹۳۸	وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ، دخان (۴۴)/۱۹
	وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ، حاقه (۶۹)/۵۰	وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ، قلم (۶۸)/۳
۴۰۹، ۹۴		۴۱۸
۴۰۹، ۹۴	وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ، حاقه (۶۹)/۵۱	وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُونِ، دخان (۴۴)/۲۱
۱۸۴	وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ، زخرف (۴۳)/۳۷	۲۴۸، ۱۲۷
	وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ، دخان (۴۴)/۲۰	وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى، ليل (۹۲)/۱۳
۲۴۸، ۲۳۴، ۱۲۷		۳۵۷
		۳۵۸

- وَأَيُّ كَلِمًا دَعَوْتَهُمْ لِتَغْفِرَ، نوح (٧١)/٧ ١٣١
 وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا، اعراف (٧)/١٣٨
 ٢٩٠، ٢٩٩
 وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ، ابراهيم (١٤)/٢١ ٣٠٠
 وَبَيْنَ شُهُودًا، مدثر (٧٤)/١٣ ٨٠، ٣٦٤، ٤١٩
 وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا، نباء (٧٨)/١٢ ٣٦٢
 وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاتِ أَكْلًا لَمًّا، فجر (٨٩)/١٩ ٩٩
 وَتُحْيُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا، فجر (٨٩)/٢٠ ٩٩
 وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ، قيامت (٧٥)/٢١ ٨٧
 وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ، نجم (٥٣)/٦٠ ١٠١
 وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا، بلد (٩٠)/١٧ ٤١٥
 وَتِلْكَ مِنْ الْآخِرِينَ، واقعه (٥٦)/٤٠ ٣٩٢
 وَتَمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ، فجر (٨٩)/٩ ٣٧٠
 وَتَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٍ، ص (٣٨)/١٣ ١٤٨
 وَتِيَابِكَ فَطَهَّرْ، مدثر (٧٤)/٤ ٣٣٥
 وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ، قصص (٢٨)/٢٠ ٢٦٨
 وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ، حاقه (٦٩)/٩ ٢٨٧
 وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ، اعراف (٧)/١١٣ ٢٨٩
 وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ، يونس (١٠)/٩٠ ٢٩٠
 وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا، مدثر (٧٤)/١٢ ٨٠
 ٣٦٤، ٤١٩
 وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا، نباء (٧٨)/١٠ ٣٦٢
 وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا، نباء (٧٨)/١١ ٣٦٢
 وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا، نباء (٧٨)/١٣ ٣٦٢
 وَجَعَلْنَا عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ، اسراء (١٧)/٤٦ ٢٢٩
- وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيًا، مرسلات (٧٧)/٢٧ ٣٥٩
 وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ، يس (٣٦)/٩ ١٦٣
 وَجَعَلْنَا تَوْمَكُمْ سُنْبَانًا، نباء (٧٨)/٩ ٣٦٢
 وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ، سجده (٣٢)/٢٤ ٢٩٨
 وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ، قصص (٢٨)/٤١ ٢٧٠
 وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ، صافات (٣٧)/١٥٨ ٢٠٤، ١٠٣
 وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا، زخرف (٤٣)/١٥ ٢٠٥، ١٧٧
 وَجَمِيعَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، قيامت (٧٥)/٩ ٣٨٧
 وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا، نباء (٧٨)/١٦ ٣٦٢
 وَجُنُودٍ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ، شعراء (٢٦)/٩٥ ٢٠٧
 وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ، غاشيه (٨٨)/٢ ٣٨٣
 وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ تَائِعَةٌ، غاشيه (٨٨)/٨ ٣٨٣
 وَحَفِظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ، صافات (٣٧)/٧ ٢٠٧
 وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ، حجر (١٥)/١٧ ٢٠٨
 وَحُورٌ عِينٌ، واقعه (٥٦)/٢٢ ٣٩١
 وَحَسَفَ الْقَمَرُ، قيامت (٧٥)/٨ ٣٨٧
 وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ، رحمن (٥٥)/١٥ ٣٩٥
 وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا، نباء (٧٨)/٨ ٤١٧، ٣٦٢
 وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَيَّ، قصص (٢٨)/١٥ ٢١٣، ٢٦٨
 وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ، كهف (١٨)/٣٥ ٢٨١
 وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ، قلم (٦٨)/٩ ٩٦، ٢٣٠، ٤١٨، ٤٢١

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ كَهْفٍ (۱۸)/۱۰۰ ۲۲۳	وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ، انعام (۶)/۷۰ ۲۱۸،
وَعَدُوا عَلِيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ، قلم (۶۸)/۲۵ ۱۲۴	۲۵۴
وَفَاكِهَةً كَثِيرَةً، واقعه (۵۶)/۳۲ ۳۹۱	وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى، اعلى (۸۷)/۱۵ ۴۰۱،
وَفَاكِهَةً مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ، واقعه (۵۶)/۲۰ ۳۹۱	۴۰۴
وَقُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ، واقعه (۵۶)/۳۴ ۳۹۲	وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرِيَّ، ذاريات (۵۱)/۵۵ ۳۴۳
وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ، فجر (۸۹)/۱۰ ۲۸۷،	وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ، مدثر (۷۴)/۳ ۳۳۵
۳۷۰	وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَيَّ، يوسف (۱۲)/۱۰۰ ۲۱۳
وَفِي مُوسَى إِذِ أَرْسَلْنَاهُ، ذاريات (۵۱)/۳۸	وَزَرَابِئُ مَبْنُوتَةٌ، غاشيه (۸۸)/۱۶ ۳۸۳
۲۸۷، ۱۱۹	وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ، دخان (۴۴)/۲۶ ۱۲۷
وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ، عنكبوت (۲۹)/۳۹	وَزَيْنَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ، نمل (۲۷)/۲۴ ۲۱۲
۲۹۰، ۲۵۷	وَسَحَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، ابراهيم (۱۴)/۳۳
وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا، اعراف (۷)/۲۱ ۲۱۶	۳۰۵
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا، زلزال (۹۹)/۳ ۴۲۲	وَسَوَاءَ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ، يس (۳۶)/۱۰ ۲۱،
وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ، مؤمن (۴۰)/۳۰ ۲۷۴	۱۶۵، ۱۶۳
وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ، مؤمن (۴۰)/۳۸	وَسَيَجْجِبُهَا الْأُتْقَى، ليل (۹۲)/۱۷ ۳۵۷
۲۷۴	وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، بروج (۸۵)/۳ ۳۴۵
وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ، سبأ (۳۴)/۳۳	وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى، ليل (۹۲)/۶ ۳۵۷
۲۹۹، ۲۶۱	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ، تحریم (۶۶)/۱۱ ۲۹۲
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا، فرقان (۲۵)/۴ ۱۹۴	وَطَلْحٍ مَنضُودٍ، واقعه (۵۶)/۲۹ ۳۹۱
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا، فصلت (۴۱)/۲۶	وَطُورٍ سِينِينَ، تين (۹۵)/۲ ۳۸۸
۱۷۵	وَوَيْلٌ مِّمْدُودٍ، واقعه (۵۶)/۳۰ ۳۹۱
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ، سبأ (۳۴)/۳۱	وَوَيْلٌ مِّنْ يَّحْمُومٍ، واقعه (۵۶)/۴۳ ۳۹۲
۲۹۹، ۲۶۱	وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانٌ لُّوطٍ، ق (۵۰)/۱۳
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ، فرقان (۲۵)/۳۲	۲۸۸، ۱۵۲
۱۹۸، ۲۴	وَعَادًا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ، عنكبوت (۲۹)/۳۸
	۲۵۷، ۲۱۳

- وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا، فرقان(٢٥)/ ٢١
- وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ، زخرف(٤٣)/ ٥٨ ١٨٤
- وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ، فرقان(٢٥)/ ٥ ١٩٤
- وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا صَافَاتُ الْوَالِدِ، صافات(٣٧)/ ١٥ ١٠٣
- وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا، انعام(٦)/ ٢٩ ٢٥٣
- وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَعْطَيْنَا، احزاب(٣٣)/ ٦٧ ٢٩٨
- وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَّلْ لَنَا، ص(٣٨)/ ١٦ ١٤٨
- وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ، فصلت(٤١)/ ٥ ١٧٥
- وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ، نوح(٧١)/ ٢٣ ١٣١، ٢٤٨
- وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ، اسراء(١٧)/ ٩٠ ٢٤٠
- وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ، زخرف(٤٣)/ ٢٠ ١٧٧
- وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ، عنكبوت(٢٩)/ ٥٠ ٢٥٩
- وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ، انعام(٦)/ ٨ ٢٥٢
- وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا، زخرف(٤٣)/ ٣١ ١٨٤
- وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا، جاثية(٤٥)/ ٢٤ ٢٣٥
- وَقَالُوا مَا هَذَا الرَّسُولُ، فرقان(٢٥)/ ٧ ١٩٤
- وَقَالُوا مَا لَنَا لَنَارِي رَجَالًا، ص(٣٨)/ ٦٢ ٢٩٨
- وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ، اعراف(٧)/ ١٣٢ ٢٤٦
- وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ، حجر(١٥)/ ٦
- ٣٥١، ١٤٣
- وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا، نوح(٧١)/ ٢٤ ١٩٢، ١٣١
- وَقَدْ حَابَ مَنْ دَسَّاهَا، شمس(٩١)/ ١٠ ٦٨، ٣٥٨، ٣٤٢
- وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا، نوح(٧١)/ ١٤ ١٣١
- وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ، مؤمنون(٢٣)/ ٩٧ ٢٠٩
- وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا، فرقان(٢٥)/ ٢١ ١٩٤
- وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ، ابراهيم(١٤)/ ٢٢ ٢١٤
- وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا، اعراف(٧)/ ٩٠ ٢٤٦
- وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ، اعراف(٧)/ ١٢٧ ٢٨٩، ٢٤٦
- وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ، مؤمنون(٢٣)/ ٣٣ ١٧١
- وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ، مؤمن(٤٠)/ ٦٠ ٢٣٢، ٢٣١
- وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ، مؤمن(٤٠)/ ٢٨ ٢٧٤، ٢٩١
- وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونِي، يونس(١٠)/ ٧٩ ٢٩٠
- وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ، مؤمن(٤٠)/ ٢٦ ٢٩١، ٢٧٤
- وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا، قصص(٢٨)/ ٣٨ ٢٩٣، ٢٩١، ٢٧٠
- وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ، مؤمن(٤٠)/ ٣٦ ٢٩٢، ٢٧٤
- وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ، يوسف(١٢)/ ٤٢ ٢١٣
- وَقَالَ مُوسَىٰ إِيَّيْ، مؤمن(٤٠)/ ٢٧ ٢٧٤
- وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ، يونس(١٠)/ ٨٨ ٢٩٠
- وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ، اعراف(٧)/ ١٠٤ ٢٨٩
- وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي، نوح(٧١)/ ٢٦ ١٣١
- وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ، قصص(٢٨)/ ٩ ٢٩١
- وَقَالُوا أَيُّهَا كُنَّا عِظَمًا، اسراء(١٧)/ ٤٩ ٢٢٩

وَلَقَدْ لَبِئَاذِي بِقَوْلُوا، اسراء(۱۷)/۵۳	۲۱۱	وَلَقَدْ لَبِئَاذِي بِقَوْلُوا، اسراء(۱۷)/۵۳	۲۱۱
وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ، بقره(۲)/۳۵	۲۱۴	وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ، بقره(۲)/۳۵	۲۱۴
وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ، واقعه(۵۶)/۱۴	۳۹۱	وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ، واقعه(۵۶)/۱۴	۳۹۱
وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمٌ لُّوطٍ، حج(۲۲)/۴۳	۲۵۱	وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمٌ لُّوطٍ، حج(۲۲)/۴۳	۲۵۱
وَقَوْمٌ نُوحٍ مِّن قَبْلُ، ذاريات(۵۱)/۴۶	۱۱۹	وَقَوْمٌ نُوحٍ مِّن قَبْلُ، ذاريات(۵۱)/۴۶	۱۱۹
وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ، كهف(۱۸)/۳۴	۲۸۱	وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ، كهف(۱۸)/۳۴	۲۸۱
وَكَاثُوا يَقُولُونَ أَئِذَا، واقعه(۵۶)/۴۷	۹۰	وَكَاثُوا يَقُولُونَ أَئِذَا، واقعه(۵۶)/۴۷	۹۰
وَكَاثُوا يَصِرُّونَ عَلَيَّ الْجَنَّةِ، واقعه(۵۶)/۴۶	۹۰	وَكَاثُوا يَصِرُّونَ عَلَيَّ الْجَنَّةِ، واقعه(۵۶)/۴۶	۹۰
وَكَاثُوا يَسْتَحْتُونَ مِنِّي، حجر(۱۵)/۸۲	۱۱۶	وَكَاثُوا يَسْتَحْتُونَ مِنِّي، حجر(۱۵)/۸۲	۱۱۶
وَكِتَابٌ مَّسْطُورٌ، طور(۵۲)/۲	۳۳۷، ۳۳۹	وَكِتَابٌ مَّسْطُورٌ، طور(۵۲)/۲	۳۳۷، ۳۳۹
وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ، اعراف(۷)/۱۴۵	۳۴۶	وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ، اعراف(۷)/۱۴۵	۳۴۶
وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ، سبأ(۳۴)/۴۵	۲۶۲	وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ، سبأ(۳۴)/۴۵	۲۶۲
وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى، ليل(۹۲)/۹	۳۵۷، ۷۴	وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى، ليل(۹۲)/۹	۳۵۷، ۷۴
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا، نباء(۷۸)/۲۸	۷۶	وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا، نباء(۷۸)/۲۸	۷۶
وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ، قمر(۵۴)/۳	۱۲۱	وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ، قمر(۵۴)/۳	۱۲۱
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ، فرقان(۲۵)/۳۱	۱۹۸،	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ، فرقان(۲۵)/۳۱	۱۹۸،
	۲۴۸		۲۴۸
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا، انعام(۶)/۱۱۲		وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا، انعام(۶)/۱۱۲	
	۲۱۳، ۲۵۴		۲۱۳، ۲۵۴
وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنِّي، زخرف(۴۳)/۲۳	۱۷۷	وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنِّي، زخرف(۴۳)/۲۳	۱۷۷
وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ، انعام(۶)/۱۲۹	۲۱۹	وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ، انعام(۶)/۱۲۹	۲۱۹
وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ، زخرف(۴۳)/۶	۱۷۷	وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ، زخرف(۴۳)/۶	۱۷۷
وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ، مدثر(۷۴)/۴۵	۸۰	وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ، مدثر(۷۴)/۴۵	۸۰
وَكُنَّا نُكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ، مدثر(۷۴)/۴۶	۸۰	وَكُنَّا نُكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ، مدثر(۷۴)/۴۶	۸۰
وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً، واقعه(۵۶)/۷	۳۹۱	وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً، واقعه(۵۶)/۷	۳۹۱
وَلَقَدْ أُطْعِمْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ، مؤمنون(۲۳)/۳۴		وَلَقَدْ أُطْعِمْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ، مؤمنون(۲۳)/۳۴	
	۱۷۱		۱۷۱
وَلَا أُقْسِمُ بِاللَّفْسِ اللَّوَّامَةِ، قیامت(۷۵)/۲	۸۸	وَلَا أُقْسِمُ بِاللَّفْسِ اللَّوَّامَةِ، قیامت(۷۵)/۲	۸۸
	۳۸۸، ۳۹۰		۳۸۸، ۳۹۰
وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ، کافرون(۱۰۹)/۴	۳۷۶	وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ، کافرون(۱۰۹)/۴	۳۷۶
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ، کافرون(۱۰۹)/۳		وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ، کافرون(۱۰۹)/۳	
	۳۷۶		۳۷۶
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ، کافرون(۱۰۹)/۵		وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أُعْبُدُ، کافرون(۱۰۹)/۵	
	۳۷۶		۳۷۶
وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا، حاقه(۶۹)/۴۲	۴۰۹	وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا، حاقه(۶۹)/۴۲	۴۰۹
وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ، نور(۲۴)/۲	۳۷۷	وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ، نور(۲۴)/۲	۳۷۷
وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ، انعام(۶)/۱۲۱	۲۱۹	وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ، انعام(۶)/۱۲۱	۲۱۹
وَلَا تَحَاضُونَ عَلَيَّ طَعَامٍ، فجر(۸۹)/۱۸	۹۹	وَلَا تَحَاضُونَ عَلَيَّ طَعَامٍ، فجر(۸۹)/۱۸	۹۹
وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ الَّذِينَ، جائیه(۴۵)/۱۸	۲۳۵	وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ الَّذِينَ، جائیه(۴۵)/۱۸	۲۳۵
وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مِّهِينٍ، قلم(۶۸)/۱۰	۹۶،	وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مِّهِينٍ، قلم(۶۸)/۱۰	۹۶،
	۴۱۸		۴۱۸
وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ، اسراء(۱۷)/۳۶	۳۰۱،	وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ، اسراء(۱۷)/۳۶	۳۰۱،
	۲۹۸		۲۹۸
وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي، كهف(۱۸)/۲۳	۲۸۲	وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي، كهف(۱۸)/۲۳	۲۸۲
وَلَا تَمُنَّ بِتَسْتَكْثِرُ، مدثر(۷۴)/۶	۳۳۵	وَلَا تَمُنَّ بِتَسْتَكْثِرُ، مدثر(۷۴)/۶	۳۳۵
وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ إِذَا مَا، توبه(۹)/۹۲	۳۰۰	وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ إِذَا مَا، توبه(۹)/۹۲	۳۰۰
وَلَا يَحْضُ عَلَيَّ طَعَامٍ، حاقه(۶۹)/۳۴	۹۵،	وَلَا يَحْضُ عَلَيَّ طَعَامٍ، حاقه(۶۹)/۳۴	۹۵،
	۱۰۸		۱۰۸
وَلَا يَحْضُ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ،		وَلَا يَحْضُ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ،	
	۷۵، ۱۲۷		۷۵، ۱۲۷
وَلَا يَسْتَسْتُونَ، قلم(۶۸)/۱۸	۱۲۴	وَلَا يَسْتَسْتُونَ، قلم(۶۸)/۱۸	۱۲۴

- وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَمِيئِينَهُمْ وَلَا مُرْتَبِّئَهُمْ نَسَاء (٤)/١١٩
٢٢٠
- وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ، زخرف (٤٣)/٦٢ ٢٠٩
وَلَتَصْعَبِي إِلَيْهِ أَفْنِدَةُ الَّذِينَ، انعام (٦)/١١٣ ٢١٣
وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَاهُ بَعْدَ حِينٍ، ٧٩
- وَلَحْمٌ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ، واقعه (٥٦)/٢١ ٣٩١
وَلَدَ اللَّهُ وَإِلَهُمْ لَكَادِبُونَ، صافات (٣٧)/١٥٢
- ١٠٣، ١٤٠، ٢٠٤
وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ، مدثر (٧٤)/٧ ٣٥٦، ٣٣٥
وَلِسَانًا وَشَفْتَيْنِ، بلد (٩٠)/٩ ٤١٤
وَلَسَوْفَ يَرْضَى، ليل (٩٢)/٢١ ٣٥٧
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ، سجده (٣٢)/٢٣ ٢٩٨
- وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ،
اسراء (١٧)/١٠١ ٢٨٩
وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ، اعراف (٧)/١٣٠ ٢٨٩
وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْءَ بِرُسُلٍ، انعام (٦)/١٠ ٢٥٣
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ، صافات (٣٧)/٧٢ ١٨٠
- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ،
زخرف (٤٣)/٤٦ ٢٨٨
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ،
هود (١١)/٩٦ ٢٨٩
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ،
مؤمن (٤٠)/٢٣ ٢٩١
- وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا، يس (٣٦)/٦٢ ١٦٤
١٧٠، ١٩٢، ٢٠٩
- وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ، قمر (٥٤)/٤١ ٢٨٧
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ، قمر (٥٤)/٤ ١٢١
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ، حجر (١٥)/٢٦ ٢٠٨
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ، ق (٥٠)/١٦ ١٥٢
وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ، اعراف (٧)/١١ ٢١٥
وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ، اعراف (٧)/١٧٩ ٢٤٧
وَلَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ، تكوير (٨١)/٢٣ ٣٤٧
وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى، نجم (٥٣)/١٣ ٣٦٦
وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا، ملك (٦٧)/٥ ٢١١
وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ، سبأ (٣٤)/٢٠ ٢١٣
وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا، اسراء (١٧)/٤١ ٢٢٩
وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ، اسراء (١٧)/٨٩ ٢٤٠
وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ، فرقان (٢٥)/٥٠ ١٩٨
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ، صافات (٣٧)/٧١ ١٠٣
١٩١
- وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ، حجر (١٥)/٨٠ ١١٦
وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ، انعام (٦)/٣٤ ٢٥٣
وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، دخان (٤٤)/٣٠
- ١٢٧، ٢٨٧
وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ، دخان (٤٤)/١٧
١٢٧، ٢٨٧
- وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيَمَا إِنْ، احقاف (٤٦)/٢٦ ٢٢٢
وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى، قيامت (٧٥)/٣٢ ٨٧

٣٧٠	وَلَيَالٍ عَشْرًا، فجر (٨٩)/٢	٨٠	وَلَمْ تَكُ تُطْعِمُ الْمِسْكِينَ، مدثر (٧٤)/٤٤
٢٢٧	وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ، مدثر (٧٤)/٣١	١٨٤	وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ، زخرف (٤٣)/٣٠
٢٦٢	وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ، سبا (٣٤)/٤٤	٣٤٦	وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ إِرَافٍ، اعراف (٧)/١٥٠
١٣٣	وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ، هود (١١)/٤٠	٣٤٦	وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ، اعراف (٧)/١٥٤
٤١٨	وَمَا أَدْرَاكَ مَا، قدر (٩٧)/٢	٢٤٧	وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ، اعراف (٧)/١٣٤
٤١٤	وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ، بلد (٩٠)/١٢	٣٩٦	وَلَمَن حَافٍ مَّقَامَ رَبِّهِ، رحمن (٥٥)/٤٦
٣٥٩	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ، مرسلات (٧٧)/١٤		وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ، مؤمنون (٢٣)/٧١
	وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ، اعراف (٧)/٩٤	١٧١	
٢٤٦		٣٨٧	وَلَوْ لَفِي مَعَادِيرُهُ، قيامت (٧٥)/١٥
	وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ، سبا (٣٤)/٣٤	٢٤٦	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ، اعراف (٧)/٩٦
٢٦١		٢٥٤	وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ، انعام (٦)/١١١
	وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ،	٤٠٩	وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ، حاقه (٦٩)/٤٤
٢٥١، ٢١٢	حج (٢٢)/٥٢	٢٦٦	وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ، يونس (١٠)/٩٧
	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ، سبا (٣٤)/٢٨		وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا، فصلت (٤١)/٤٤
٢٤		١٧٥	
١١٤	وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ، شعرا (٢٦)/١٠٩	٢٥٣	وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ، انعام (٦)/٩
٢٨١	وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً، كهف (١٨)/٣٦	٢١٧	وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا، اعراف (٧)/١٧٦
١١٣	وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ، شعرا (٢٦)/١٨٦	٢٦٦	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ، يونس (١٠)/٩٩
٣٠٦	وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ، شورى (٤٢)/٣١	١٤٣	وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا، حجر (١٥)/٤٣
	وَمَا بِكُمْ مِّن نَّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ، نحل (١٦)/٥٣	٢٥٢	وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي، انعام (٦)/٧
٢٨٢، ٢٠١		١١٢	وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَيَّ بَعْضِ، شعرا (٢٦)/١٩٨
	وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِنَا، يس (٣٦)/٤٦	٢٨١	وَلَوْ لَأِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ، كهف (١٨)/٣٩
٢٥٢، ١٦٤		٢٢٩	وَلَوْ لَأَنَّ مِثْبَاتَكَ لَقَدُ، اسراء (١٧)/٧٤
	وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ، انعام (٦)/٤		وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي، رحمن (٥٥)/٢٤
٢٥٢		٣٩٥	

وَمَا هُوَ عَلَيَّ الْغَيْبِ بَضِينٍ، تَكْوِير (۸۱)/۲۴	وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ، تَكْوِير (۸۱)/۲۹
۳۴۷	۳۴۵، ۳۴۷
وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ، شعرا (۲۶)/۵	وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ، شعراء (۲۶)/۲۱۰
۱۱۲	۱۳۹
وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ، حجر (۱۵)/۱۱	وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى، لیل (۹۲)/۳
۱۴۳	۳۵۷
وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا، زخرف (۴۳)/۷	وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ، ص (۳۸)/۲۷
۱۷۷	۲۷۹
وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكِّي، عبس (۸۰)/۳	وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، شعراء (۲۶)/۲۳
۳۷۴	۳۶۸
۳۸۵	وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ، تَكْوِير (۸۱)/۲۲، ۷۱
وَمَا يُكذِّبُ بِهِ إِلَّا لُكُلٌ، مطففين (۸۳)/۱۲	۳۵۰، ۳۴۷
۱۰۹	وَمَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا، نور (۲۴)/۵۴
وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ، مدثر (۷۴)/۵۶	وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَّكِّي، عبس (۸۰)/۷
۳۶۴	۳۸۵، ۳۷۴
۴۲۰، ۳۸۵	وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ، شعراء (۲۶)/۸
وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى، مؤمن (۴۰)/۵۸	وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ، قصص (۲۸)/۵۹
۲۳۱	۲۷۰
وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى، لیل (۹۲)/۱۱	وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ، يونس (۱۰)/۱۰۰
۳۵۷، ۷۴	۲۶۶
وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا، شعراء (۲۶)/۲۱۱	وَمَا لَا تُبْصِرُونَ، حاقه (۶۹)/۳۹
۱۳۹	۴۰۹
وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، نجم (۵۳)/۳، ۱۹۲	وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ، لیل (۹۲)/۱۹
۳۶۶	۳۵۷
وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً، ص (۳۸)/۱۵	وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي، نساء (۴)/۷۵
۱۶۸، ۱۴۸	۳۰۰
وَمَا مَسْكُوبٍ، واقعه (۵۶)/۳۱	وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ، نجم (۵۳)/۲۸
۳۹۱	وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا، اسراء (۱۷)/۹۴
وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا، نوح (۷۱)/۲۲، ۱۳۱	۲۷۸
۲۴۸	۲۴۱، ۲۴۰
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى، عنكبوت (۲۹)/۳۸	وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ، قلم (۶۸)/۵۲
۲۵۹	۱۹
وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ، شوری (۴۲)/۳۲	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ، طارق (۸۶)/۱۴
۳۰۶، ۲۸۴	۴۱۰، ۳۴۰
وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ، طه (۲۰)/۱۲۴	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ، حاقه (۶۹)/۴۱
۲۱۰	۴۰۹
وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً، انعام (۶)/۱۴۲	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، تَكْوِير (۸۱)/۲۵
۲۲۱	۲۵۰، ۳۴۷، ۲۰۷

٤١٤	وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ، بلد (٩٠/١٠)	٣٦/(٤٣)	وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغْوُونَ، زخرف
٣٨٩	وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ، تين (٩٥/٣)	٢٠٩	
٣٤٥	وَهُمْ عَلَيَّ مَا يَفْعَلُونَ، بروج (٨٥/٧)	٢١٥	وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي، حج (٢٢/٣)
٢٥٣	وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ، انعام (٦/٢٦)	١٩٠	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي، لقمان (٣١/٦)
٢٤٨	وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ، مؤمن (٤٠/٥)	٣٩٦	وَمِنَ دُونِهِمَا جَبَّتَانِ، رحمن (٥٥/٦٢)
٣٤٥	وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوُدُودُ، بروج (٨٥/٧)	٣٦/(٤٣)	وَمَن يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ، زخرف
٣٦٦، ٣٤٨	وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى، نجم (٥٣/٧)	٢٠٩، ١٨٤	
٣٧٤	وَهُوَ يَحْشَى، عبس (٨٠/٩)	٤٢٢	وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، زلزال (٩٩/٨)
٢١٦	وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ، اعراف (٧/١٩)	٢٥٣	وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ، انعام (٦/٢٥)
٢٧/(٥٥)	وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ، رحمان	٨٠	وَمَهَّدَتْ لَهُ تَمْهِيدًا، مدثر (٧٤/١٤)
٤٠٠، ٣٩٦		٥١/(٤٣)	وَتَادِي فِرْعَوْنَ فِي قَوْمِهِ، زخرف
٤٠١، ٩١	وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى، اعلى (٨٧/١١)	٢٨٨، ١٨٤	
٢٠١	وَيَجْعَلُونَ لِدُلِّ الْبَنَاتِ، نحل (١٦/٥٧)	٢١٠	وَيَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، طه (٢٠/١٢٥)
٥٦/(١٦)	وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ، نحل	٥/(٢٨)	وَيُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ، قصص
٢٨٢، ٢٠١		٢٩٩، ٢٩١	
٢٠١	وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ، نحل (١٦/٥٦)	١٢٧	وَيَعْمَةً كَانُوا فِيهَا، دخان (٤٤/٢٧)
٣٧/(٤٣)	وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ، زخرف	٣٤٢، ٦٨	وَيَنْفَسُ وَمَا سَوَّاهَا، شمس (٩١/٧)
١٨٥		٢٥٤	وَيُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ، انعام (٦/١١٠)
٣٨٦	وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ، بقره (٢/٧٣)	٣٨٣	وَيَمَارِقُ مَصْفُوفَةً، غاشيه (٨٨/١٥)
٣٧٢	وَيَصْلِي سَعِيرًا، انشقاق (٨٤/١٢)	٦(٢٨)	وَيُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرَى، قصص
٣٠٦	وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ، شورى (٤٢/٣٥)	٣٠٠، ٢٩١	
١٠٣	وَيَقُولُونَ أَيْنَا لَتَارِكُوا، صافات (٣٧/٣٦)	٢٤٠	وَيُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا، اسراء (١٧/٨٢)
٣٥١، ١٢٢		٣٥٦، ٣٤٣	وَيُسْرِكْ لِلْيُسْرَى، اعلى (٨٧/٨)
٢٦١	وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ، سبا (٣٤/٢٩)	٤١٤	وَوَالِدٍ وَمَا وَكَّدَ، بلد (٩٠/٣)
١٦٤	وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ، يس (٣٦/٤٨)	١٠٦	وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ، لقمان (٣١/١٤)

٢٣٥	وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ، جائیه (٤٥)/٧	٣٨٣	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَأْشِيَّةِ، غاشیه (٨٨)/١
١٠٩	وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ، مطفین (٨٣)/١	٢٢١/٢٦	هَلْ أَتَيْتُكُمْ عَلَيَّ مِنْ تَنْزِيلٍ، شعراء (٢٦)/٢٢١
١٥/٧٧	وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ، مراسلات (٧٧)/١٥	٢٠٧، ١٣٩	
٣٦١، ٣٥٩، ٧٦، ٧٥		٣٧٠، ٣٦٩	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ، فجر (٨٩)/٥
١٩/٧٧	وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ، مراسلات (٧٧)/١٩	٣٩٦	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ، رحمن (٥٥)/٦٠
٣٧١، ٣٦١، ٣٥٩، ٧٦، ٧٥		٤١٨	هَمَّازٌ مِّشَاءَ بَنِي مِمْ، قلم (٦٨)/١١، ٩٦، ٩٧
١٠٩	وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ، مطفین (٨٣)/١٠	٢٧	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ، توبه (٩)/٣٣
١٣١	وَيُؤْمِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينَ، نوح (٧١)/١٢	١٧١	هِيَ هَاتِ هَيْهَاتَ لِمَا، مؤمنون (٢٣)/٣٦

ی

١١٩	يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَّاكَ، ذاریات (٥١)/٩		
٢١٠	يَا أَبْتَ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ، مریم (١٩)/٤٤		
٣٧٠	يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، فجر (٨٩)/٢٧		
٣٧٢	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ، انشقاق (٨٤)/٦		
٢٢٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا، مانده (٥)/٩٠		
	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا، نور (٢٤)/٢١		

هـ

١٩٠	هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَارُونِي، لقمان (٣١)/١١	٢١٨	
١٥٣	هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ، ص (٣٨)/٤	٣٣٥	يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، مدثر (٧٤)/١
١٥٣	هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ، ق (٥٠)/٢	٢٧٦	يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ، قصص (٢٨)/٣٨
٢٩٨	هَذَا فَلْيُدْوَ قُوهُ حَمِيمٌ، ص (٣٨)/٥٧	٢١٥	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ، فاطر (٣٥)/٥
٢٩٨	هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ، ص (٣٨)/٥٩	٢٢٠	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا، بقره (٢)/١٦٨
٢٩٨	هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرًّا، ص (٣٨)/٥٥	٢١٧	يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ، اعراف (٧)/٢٧
٤٣/٥٥	هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا، رحمان (٥٥)/٤٣	١٠٤، ١٦٤	يَا حَسْرَةً عَلَيَّ الْعِبَادِ مَا، يس (٣٦)/٣٠
٤٠٠، ١٣٤			
	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ، بروج (٨٥)/١٧	٢٨٠	يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ، ص (٣٨)/٢٦
٣٧٠، ٣٤٥، ٢٨٧		١٩٧	يَا رَبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا، فرقان (٢٥)/٣٠

٤٠٠	يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ، رَحْمَنٍ (٥٥)	٢٧٤	يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ، مَوْمِنٍ (٤٠)/ ٢٩/ ٢٧٤،
٢٢٠	يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا نَسَاءُ (٤)/ ١٢٠	٢٩٢	
٣٨٧	يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ قِيَامَتِ (٧٥)/ ١٠	٢١٩	يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، انْعَامِ (٦)/ ١٣٠
٤١٤	يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا، بَلَدِ (٩٠)/ ٦	٢٠١	يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ، نَحْلِ (١٦)/ ٥٩
٤١١	يَقُولُونَ آئِنَّا لَمَرَدُّوْنَ، نَازِعَاتِ (٧٩)/ ١٠	٤١٤	يَتَّبِعًا ذَا مَقْرَبَةٍ، بَلَدِ (٩٠)/ ١٥
	يَلْقَوْنَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ، شِعْرَاءِ (٢٤)/ ٢٢٢ ١٣٩،	٣٩٥	يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ، رَحْمَنٍ (٥٥)/ ٢٢
٢٠٧، ١٦٩		١٧٣	يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ، رَعْدِ (١٣)/ ٢٢
٣٨٧	يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ قِيَامَتِ (٧٥)/ ١٣	١٣١	يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ، نُوحِ (٧١)/ ١١
٧٧	يَوْمَ الدِّينِ، مَاعُونَ (١٠٧)	٢٨٩	يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ، اَعْرَافِ (٧)/ ١٠
٣٤١	يَوْمَ الْفَصْلِ، مَرْسَلَاتِ (٧٧)/ ١٤	٨٨	يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قِيَامَتِ (٧٥)/ ٦
٤١١	يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ، نَازِعَاتِ (٧٩)/ ٤	٣٩٠، ٣٨٨	
٢٩٨	يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ، احْزَابِ (٣٣)/ ٦٦		يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ، ذَارِيَاتِ (٥١)/ ١٢
١١٩	يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ، ذَارِيَاتِ (٥١)/ ١٣	١١٩	
٤١١	يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ، نَازِعَاتِ (٧٩)/ ٣٥	٤١٢	يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ، نَازِعَاتِ (٧٩)/ ٤٢
٣٤٢	يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ، نَبَأِ (٧٨)/ ١٨	٣٠٦	يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ، شُورَى (٤٢)/ ١٨
٤٢٢	يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا، زَلْزَالِ (٩٩)/ ٤	٢٣٥	يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى، جَائِيهِ (٤٥)/ ٨
٤٢٢	يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ، زَلْزَالِ (٩٩)/ ٦	٣٩١	يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ، وَقَعِهِ (٥٦)/ ١٧

نمایه فارسی

		آ
۱۳۸، ۱۳۷، ۱۲۲، ۷۵	ابوالفتوح رازی	
۹۶	ابوسفیان	آخرت ۲۰، ۷۷، ۸۹، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۴۲، ۴۱۷
۹۶، ۹۵	ابولهب	آخرت شناسی ۴۲۰
۳۰۱، ۲۷۷، ۲۲۸	احزاب (۳۳)	آذربایجان ۱۵۷
۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۲، ۱۰۸	احقاف (۴۶)	آسمانها و زمین ۱۹۴
۲۳۲	احقاف (۴۶) / ۲۰	آفرینش انسان ۳۹۸
۲۲۸، ۵۳	احقاف (۴۶) / ۲۶	آفرینش و گزینش آدمیزاد ۱۳۹
۷۱، ۶۴	احکام اسلام	۲۰۸، ۲۰۶، ۱۶۹
۳۴۶	احکام عشره	آل عمران (۳) / ۱۱-۱۸۴ دوبار ۱۶۲
۶۳	اخلاص (۱۱۲)	آل عمران (۳) / ۳۲ ۱۴۱
۴۰۳، ۲۳۰، ۱۳۲، ۲۰	ادیان	آل عمران (۳) / ۵۷ و ۱۴۰ ۱۴۱
۱۳۸، ۱۰۵	ادیان باستانی	آل فرعون ۲۹۵، ۲۷۵
۲۰۶	ادیان توحیدی	آمریکا ۶۷
۱۰۶	ارسطو	آنتروپی ۳۹۹، ۶۵
۱۴۱	استالین	آیتی، عبدالمحمد ۳۶۰، ۳۵۹
۲۶۹، ۱۸۷	استبداد، استبدادی	
۲۸۵	استضعاف	
۲۸۵، ۲۶۰	استکبار	
۳۰۱، ۲۵۶، ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۲۸ (۱۷)	اسراء (۱۷)	
۳۰۱	اسراء (۱۷) / ۳۶	
۲۴۸	اسراء (۱۷) / ۴۶	
۱۶۲	اسراء (۱۷) / ۵۹	
۲۳۷	اسراء (۱۷) ۷۳ تا ۷۵	
		الف
		انمه اطهار ۳۶۷
		ابراهیم (ع) ۱۱۵
		۱۳۸، ۱۴۷، ۱۷۸، ۱۸۸، ۲۴۲
		ابراهیم (۱۴) ۳۰۵، ۳۰۲، ۲۷۴
		البلاغ رسالت ۳۳۵، ۲۶۹، ۶۴، ۶۳
		ابلیس ۲۳۳

مجموعه آثار (۲۰)، بازگشت به قرآن (۳)			۴۶۴
۱۹۹	اعلی (۸۷) / ۲ و ۳	۲۴۱	اسراء (۱۷) / ۹۴
۳۵۶	اعلی (۸۷) / ۸	۲۴۲	اسراء (۱۷) / ۹۵
۴۰۳	اعلی (۸۷) / ۸ تا ۱۰	۲۴۳	اسراء (۱۷) / ۹۶
۳۶۵	اعلی (۸۷) / ۹ و ۱۰	۲۴	اسلام شناسی
۴۰۴	اعلی (۸۷) / ۱۴ و ۱۵	۱۴۷	اسمعیل
۹۲	اعلی (۸۷) / ۱۶	۱۲۲	آشیر
۹۲	اعلی (۸۷) / ۱۷	۲۷۳، ۲۴۸، ۲۳۱	اشراف
۱۰۶	افلاطون	۱۴۹، ۸۶	اشراف قریش
۱۵۱	«أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ»، کتاب	۲۴۸	اشراف مصر
۱۸۶، ۱۲۰	اقوام گذشته	۱۱۷	أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ
۴۲۱	التقاط	۹۷	أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
۳۱، ۲۰	الحاد	۱۵۷، ۱۵۶	أَصْحَابُ رَسِّ
۱۲۵	المنجد	۳۹۲	اصحاب یمین
۳۶۸، ۳۶۶	المیزان	۱۱۷	اصطخری
۱۹۴، ۱۹۰	النضر ابن حارث	۶۵	اصل کهولت
۲۶	امام زمان	۲۲۳، ۱۸۲، ۱۷۹	اعراب
۱۸۶	امپراتوری مصر	۱۷۹، ۶۷، ۲۴	اعراب جاهلیت
۲۵۲	امت آخرالزمان	۲۱۷، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۸	اعراف (۷)
۱۷۳	امت واحد	۲۷۷، ۲۸۳، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۴۶، ۳۸۶	
۲۴۸	امت‌های قدیم، امت‌های گذشته ۱۰۴، ۱۰۴	۱۸۲-۱۷۷-۱۴۷-۱۴۶-۱۳۶	اعراف (۷) /
۹۶	ام جمیل	۱۶۱	
۳۷۵	امیه بن خلف	۲۹۲، ۲۹۳	اعراف (۷) / ۱۴۱
۳۸۰	امی یون حجاز	۳۴۶	اعراف (۷) / ۱۴۵
۱۴۷، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۵، ۱۲۰، ۱۰۲	انبیاء	۳۴۶	اعراف (۷) / ۱۵۰
۲۴۹، ۲۲۵، ۲۰۳، ۱۸۶، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۵۴		۳۴۶	اعراف (۷) / ۱۵۴
۲۶۷	انبیاء (۲۱) / ۳۷	۲۴	اعراف (۷) / ۱۸۸
۱۶۱	انبیاء (۲۱) / ۷۷	۲۸۳	اعراف (۷) / ۱۹۰
۱۱۸	انبیاء گذشته	۱۶۲، ۱۷۷-۱۷۶-۴۰-۳۷-۳۶	اعراف (۷) /
۲۶۵، ۸۶	انتشارات قلم	۱۵۰	اعراف (۷) / ۳۷
۲۰	انجمن اسلامی مهندسیین	۱۶۱	اعراف (۷) / ۶۴-۷۲-۹۲-۹۶-۱۰۱
۱۵۷	انس	۳۳۴، ۱۴۱، ۹۳، ۹۱، ۸۹، ۶۳	اعلی (۸۷)
۲۴۳	انس و جن	۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۸۴، ۴۰۱، ۴۰۳	
۴۱۹، ۴۰۵	انسان، انسان‌ها	۳۳۴	اعلی (۸۷) / ۱

۴۶۵		نمایه فارسی	
۱۰۵، ۱۳	«بازگشت به قرآن»، جلد اول	۱۰۰، ۶۸، ۶۳	انسان‌بینی
۲۰	«بازگشت به قرآن»، جلد چهارم	۲۴، ۲۲، ۲۰	انسان‌بینی قرآن
۳۰۲، ۲۸۵، ۹۴		۲۸۵، ۲۳۹، ۱۷۷، ۱۵۹، ۹۲، ۸۸، ۷۴	
۱۳۹	بت پرستان	۳۸۲، ۳۷۲، ۱۲۰، ۸۲	انشقاق (۸۴)
۲۶۴	بت پرستی	۸۳	انشقاق (۸۴) / ۲۰
۱۳۸	بت‌ها	۱۶۱، ۸۳	انشقاق (۸۴) / ۲۱
۱۹۲	براع	۱۶۷	انطاکیه
۴۱۹، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۴۴، ۶۹، ۶۳	بروج (۸۵)	۲۱۸، ۱۶۲	انعام (۶)
۳۷۰	بروج (۸۵) / ۱۷ و ۱۸	۲۵۸، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۵	
۱۶۱، ۶۹	بروج (۸۵) / ۱۹	۱۶۲	انعام (۶) / ۱۷
۳۵۶	بروج (۸۵) / ۲۲	۱۵۰	انعام (۶) / ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴
۹۵، ۷۱، ۳۲، ۲۳	بعثت		انعام (۶) / ۳۳-۳۴ دوبار ۳۹-۴۹-۵۷-۶۶-
۲۵۵، ۲۲۴	بقره (۲)	۱۶۲	۱۵۷-۱۵۵-۱۴۸
۲۲۸، ۲۲۵	بقره (۲) / ۷	۱۶۱	انعام (۶) / ۵-۱۱-۲۱-۲۷
۲۲۸	بقره (۲) / ۱۰	۲۲۸	انفال (۸)
۳۸۶	بقره (۲) / ۷۳	۱۶۲	انفال (۸) / ۵۴
۱۸۵	بقره (۲) / ۲۱۷	۴۱۰، ۱۲۰، ۱۰۸، ۷۰، ۶۳	انفطار (۸۲)
۲۵۷	بقره (۲) / ۲۵۶	۷۰	انفطار (۸۲) / ۹
۲۶	بقره (۲) / ۲۷۲	۲۸	انقلاب اسلامی
۱۶۲	بقره (۲) / ۳۹	۸۹	اومانیست‌ها
۲۴۸	بلال	۴۱۳	اهل تصوف
۴۱۴	بلد (۹۰)	۲۹۷	اهل جهنم
۶۷	بنو سهم	۳۷۱	اهل عرفان
۶۷	بنو عبد	۲۹۵، ۲۲۸، ۲۲۳، ۱۷۳، ۷۸	اهل کتاب
۲۶۸، ۲۴۸، ۱۱۵	بنی اسرائیل	۱۱۷	ایله، ایلام یا ایلوت
۳۶۹، ۳۴۶، ۳۰۲، ۲۹۳، ۲۷۷، ۲۷۳، ۲۶۹		۳۸۶	اینشتین
۲۴۰	بوخنز	۱۴۷	ایوب
۱۶۷	بولس		
۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۲، ۳۸۰، ۲۴۲، ۱۳۵	بهشت		ب
۳۸۰، ۱۵۴، ۹۴، ۷۹	بهشت و جهنم	۱۲۲	باد صرصر
۴۱۳، ۴۰۹، ۴۰۲، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲			«بازگشت به قرآن (۲)»، مجموعه آثار ۱۳،
۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۳، ۳۹۲	بهشتیان	۹۴، ۲۰	
۱۰۶	بیکن	۲۴	«بازگشت به قرآن»، کتاب

۷۰، ۶۳	تکویر (۸۱)	پ	
۴۱۹، ۳۸۵، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۴۸، ۳۴۷		پادشاه، پادشاهی	۲۸۶، ۱۹۴
۷۱	تکویر (۸۱) / ۸ و ۹	پدیده‌ی نبوت	۳۲، ۲۴، ۲۱
۳۴۹	تکویر (۸۱) / ۱۵ تا ۱۸	پرتوی از قرآن	۷۸
۳۵۰، ۷۱	تکویر (۸۱) / ۲۲	پهلوانان پارس	۱۹۰
۳۵۰	تکویر (۸۱) / ۲۵	پیامبر امین	۹۷
۳۶۵	تکویر (۸۱) / ۲۷ تا ۲۹	پیامبران، پیامبران گذشته	۱۸۹، ۲۰
۲۲۸	توبه (۹)	پیغمبر	۱۸۲، ۱۶۲، ۱۶۰، ۹۷، ۱۹
۲۷	توبه (۹) / ۳۳	پیغمبر اولوالعزم	۳۴۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۳۳، ۱۳۲
۳۹۳	توبه (۹) / ۸۲	پیغمبران	۱۳۲، ۱۲۱
۴۱۱	توحید (۱۱۲)	پیغمبران گذشته	۲۴۸، ۲۰۳، ۱۷۹، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۴۵
۳۴۶	تورات	پیغمبرشناسی	۱۸۸، ۱۱۳، ۱۰۱، ۹۴، ۸۱
۱۶۷	توما		۲۴
۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸	تین (۹۵)	ت	
۳۸۹	تین (۹۵) / ۱ تا ۳	تبت (۱۱۱)	۹۸، ۹۵
۱۶۱	تین (۹۵) / ۷	تحریم (۶۶)	۲۹۷
	ث	ترمودینامیک انسان	۸۶
۳۷۰، ۱۹۰، ۱۷۶، ۱۵۶، ۱۲۱، ۱۱۷	ثمود	تغابن (۶۴) / ۱۰	۱۶۱
	ج	تفسیر «پرتوی از قرآن»	۳۵۳، ۷۸
۲۴۵، ۲۳۹، ۲۳۵	جائیه (۴۵)	تفسیر ابوالفتوح	۲۲۳، ۱۲۳، ۷۵
۱۴۱، ۳۱، ۲۱	جامعه‌شناسی	تفسیر کبیر	۲۲۳، ۱۲۲، ۷۵
۹۴	جاهلیت	تفسیر موضوعی قرآن	۳۲، ۲۸، ۲۷
۱۹۴	جبر	تفسیر کشف	۲۲۳
۳۵۲	جبرئیل	تکاثر (۱۰۲)	۸۹، ۸۱، ۷۳، ۶۶، ۶۳
۲۴۲	جمعه (۶۲) / ۲	تکاثر (۱۰۲) / ۱	۴۱۷، ۴۱۵، ۴۱۰، ۲۲۴، ۱۲۳، ۱۰۰
۱۶۲	جمعه (۶۲) / ۵	تکذیب	۲۱
۴۰۵، ۲۶۴، ۱۵۷	جن، جن‌ها	تکذیب پیغمبر	۱۶۷، ۱۶۳
۱۰۸	جن (۷۲)	تکذیب رسولان	۲۹۴، ۱۶۰، ۶۹
۱۷۴	جن‌زدگی	تکذیب گذشتگان	۲۶۰، ۱۶۳
۸۹	جنگ و صلح	تکذیب مشرکین	۱۶۳
۳۹۸، ۳۹۷، ۳۶۳، ۲۲۲، ۱۳۵، ۱۲۲	جهنم		۱۴۶، ۱۳۵، ۷۷، ۷۰

۴۶۷		نمایه فارسی
۴۲۰، ۳۸۰	خداپرستان، خداپرستی	۴۲۲، ۴۱۵
۴۲۰، ۲۰۳	خداشناسی	جهنمی و بهشتی
۴۱۹، ۶۴	خلقت، خلقت انسان	ح
	د	حاقه (۶۹)
		۱۰۰، ۹۴
		۴۱۹، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۸، ۱۲۰، ۱۰۸
۲۶۹	داستان تولد موسی	حاقه (۶۹) / ۳۳ و ۳۴
۱۲۲	داستان ثمود	حاقه (۶۹) / ۴۹
۱۹۴، ۱۹۰	داستان رستم و اسفندیار	حج (۲۲)
۲۸۰، ۱۴۷	داوود	حج (۲۲) / ۴۲ دوبار - ۵۷
۴۱۰، ۱۲۸، ۱۲۷	دخان (۴۴)	حج (۲۲) / ۴۴
۲۳۴، ۲۴۸	دخان (۴۴) / ۲۰	حجر (نام شهر)
۱۵۶	دخان (۴۴) / ۴۷	حجر (۱۵)
۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۰، ۲۴۸، ۱۷۴	درباریان	حجر (۱۵) / ۹
۱۰۹، ۱۰۸، ۹۴، ۸۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹	دروغ	حجر (۱۵) / ۲۱
۱۵۰، ۱۴۰، ۱۳۴، ۱۳۰، ۱۱۷، ۱۱۴، ۱۱۰		حجر (۱۵) / ۳۹
۱۹۴، ۱۹۳، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۶۷، ۱۶۴، ۱۵۴		حجر (۱۵) / ۴۰
۳۳۶، ۲۷۶، ۲۶۲، ۲۵۹، ۲۳۴، ۲۰۴، ۱۹۶		حجر (۱۵) / ۷۵
۴۲۲، ۴۱۷، ۳۶۶، ۳۴۲		حجر (۱۵) / ۷۷
۱۱۷	دریای قلزم	حجر (۱۵) / ۸۰
۷۸	دعای افتتاح	حدیث موسی
۳۹۹، ۱۰۶	دکارت	حدید (۵۷) / ۱۹
۳۹۲	دوزخ، دوزخیان	حروان
۳۸۴	دوزخ و بهشت	حضرت ختمی مرتبت، نبی اکرم
۲۶۳	دیالکتیک مارکس	حمد (۱)
۲۷۶، ۱۸۷	دیکتاتورها	۴۱۵، ۴۱۱، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۵
	ذ	حمد (فاتحه) (۱) / ۶
		۱۶۹، ۹۱
		حمد (۱) / ۷
		۹۱
		خ
۳۳۶، ۱۱۸، ۶۳	ذاریات (۵۱)	خاتم الانبیاء
۳۶۰	ذاریات (۵۱) / ۱	۳۶۹، ۱۸۸، ۱۳۵، ۱۳۲، ۱۱۳
۱۱۹	ذاریات (۵۱) / ۱۲	خاتم النبیین
۴۱۸	ذاریات (۵۱) / ۴۳ و ۴۴	۱۲۵، ۱۱۸
۳۴۳	ذاریات (۵۱) / ۵۵	۳۶۹، ۲۰۳، ۱۸۹، ۱۸۳، ۱۳۷
		۱۳۸
		خواب بن الارت

۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۸،
 ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۷۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۹۷،
 ۳۰۵، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۳، ۳۴۵،
 ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۴،
 ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۰،
 ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۰،
 رسول خدا ۲۶، ۹۶،
 ۹۷، ۱۱۱، ۱۶۵، ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۲۵،
 ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۶۴، ۲۹۴، ۳۳۳،
 ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۵، ۳۸۲، ۴۰۸،
 ۶۷ رشد
 ۳۸۶ رعد (۱۳) / ۴
 ۲۶۴ رعد (۱۳) / ۱۱
 ۱۷۳ رعد (۱۳) / ۲۲
 روان شناسی ۲۱، ۶۴، ۶۸، ۱۴۰،
 ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۲۱، ۲۳۲،
 ۲۷ روح القدس
 ۷۷ روز رستاخیز
 ۶۸ روژه گارودی
 ۲۹۴ روشنفکران مصر
 ۳۸۶، ۱۹۲، ۱۸۳ روم (۳۰)
 ۲۴۹ روم (۳۰) / ۹
 ۱۶۱ روم (۳۰) / ۱۰-۱۶
 ۱۴۱ روم (۳۰) / ۴۵
 ۴۰۷، ۹۲ رهبانیت

ز

زخرف (۴۳) ۱۴۷، ۱۵۱،
 ۱۵۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۴،
 زخرف (۴۳) / ۱ تا ۴ ۱۷۸
 زخرف (۴۳) / ۲ ۱۵۲
 زخرف (۴۳) / ۱۵ تا ۱۸ ۲۰۵
 زخرف (۴۳) / ۲۵ ۱۶۱

ر

رجال مصر ۲۷۷
 رحمان ۴۰۸، ۳۹۷
 رحمان (۵۵) ۱۰۸،
 ۱۳۴، ۱۳۵، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۹
 رحمان (۵۵) / ۲۶ و ۲۷ ۴۰۰
 رحمان (۵۵) / ۱۳-۱۶-۲۱-۲۳-۲۵-
 ۴۷-۴۹-۵۱-۵۳-۵۵-۵۷-۵۹-۶۱-
 ۶۳-۶۵-۶۷-۶۹-۷۱-۷۳-۷۵-۷۷
 ۱۶۱
 رحمان (۵۵) / ۲۸-۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۸-
 ۴۰-۴۲-۴۳-۴۵ ۱۶۱
 رحیم ۴۰۸
 رسالت ۲۰، ۲۴، ۹۷،
 ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۸،
 ۲۸، ۲۳۰، رسالت انبیاء
 ۲۳۷، ۲۶۴، ۲۸۵، ۴۰۳،
 ۷۸، ۷۹ رسالت پیغمبر
 ۱۱۹، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۵۶، ۳۴۴،
 رسالت پیغمبران ۳۰، ۷۹، ۱۷۹، ۳۴۴،
 رستاخیز ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۸، ۹۰،
 ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۴،
 ۲۳۵، ۲۴۵، ۳۰۶، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۶۳، ۳۷۱،
 ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۰۵، ۴۱۰،
 ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۷
 رستاخیز آخرت ۳۹۴
 رستاخیز قیامت ۸۹، ۱۵۷
 رسول اکرم ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۲،
 ۶۳، ۶۹، ۸۰، ۸۶، ۹۸، ۹۹، ۱۱۴، ۱۱۶،
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸،
 ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۹،
 ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۷،
 ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۲۳

نمایه فارسی		۴۶۹	
زخرف (۴۳) / ۳۷	۱۸۵	سیر تحول قرآن	۱۲۳، ۱۶۰، ۲۲۳
زخرف (۴۳) / ۴۰	۱۹۲	سیر تحول محتوایی	۱۲۳، ۱۲۶
زخرف (۴۳) / ۵۳	۱۹۳	سیر تحول موضوعی قرآن	۳۰، ۱۶۳
زخرف (۴۳) / ۴۷ تا ۵۴	۱۸۶		
زخرف (۴۳) / ۶۵	۱۸۹		
زلزال (۹۹)	۴۲۱، ۴۱۰		
زمر (۳۹)	۲۳۴		
زمر (۳۹) / ۲۵ - ۳۲	۱۶۲		
زمر (۳۹) / ۴۱	۲۵		
زمر (۳۹) / ۵۹	۱۶۱		
زمر (۳۹) / ۶۰	۲۳۲		
زمین و آسمان	۴۱۳، ۱۹۱		
زمین شناسی	۴۱۳		
زن فرعون	۲۹۶		
زندادان قصر	۸۶		
ش			
		شام	۱۱۷
		شاهان	۱۹۰، ۲۶۲
		شاهنامه	۱۹۴
		شبه جزیره عربستان	۲۶
		شرك	۲۱، ۳۱، ۸۱، ۹۰، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۳۰، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳
		شرکت سهامی انتشار	۱۳، ۲۰، ۹۴، ۲۰۶
		شعراء (۲۶)	۱۱۱، ۱۱۲
			۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۵
			۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۴۱۰
		شعراء (۲۶) / ۸	۱۱۸، ۱۶۵
		شعراء (۲۶) / ۸ و ۹	۱۱۳
		شعراء (۲۶) / ۶ - ۱۲	۱۶۱
		شعراء (۲۶) / ۲۳	۳۶۸
		شعراء (۲۶) / ۲۹	۳۶۸
		شعراء (۲۶) / ۳۰	۳۶۸، ۳۶۹
		شعراء (۲۶) / ۱۰۵ - ۱۱۷ - ۱۲۳ - ۱۳۹	
			۱۴۱، ۱۶۰، ۱۷۶ - ۱۸۹
		شعراء (۲۶) / ۱۳۶	۱۶۵
		شعراء (۲۶) / ۲۱۰ تا ۲۱۲	۱۳۹
		شعراء (۲۶) / ۲۲۱ تا ۲۲۳	۱۳۹
		شعراء (۲۶) / ۲۲۲ و ۲۲۳	۱۶۹
		شعیب	۱۱۵
		شمس (۹۱)	۶۳، ۶۸، ۸۸، ۳۴۲، ۳۸۲
س			
سبا (۳۴)	۲۷۷، ۲۶۱		
سبا (۳۴) / ۸	۱۶۲		
سبا (۳۴) / ۲۸	۲۴		
سبا (۳۴) / ۴۲ - ۴۵	۱۶۱		
سجده (۳۲) / ۲۰	۱۶۱		
سحر و جادو	۱۰۳، ۱۲۰، ۲۵۵، ۲۷۰، ۲۷۱		
سحره فرعون	۳۶۴		
سُغْر	۲۷۵		
سقراط	۱۲۲		
سلطنت	۱۰۶		
سلیمان	۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۶۹، ۱۹۴، ۱۸۶		
سُمیّه	۱۴۷		
سن پل (حواری معروف)	۲۴۸		
سَوَاع	۱۶۷		
سوسالیست	۱۳۴		
	۸۹		

۲۵	ص (۳۸) / ۱۷	۳۵۸	شمس (۹۱) / ۹ و ۱۰
۲۸۰	ص (۳۸) / ۲۶	۱۶۱	شمس (۹۱) / ۱۱
۲۸۰	ص (۳۸) / ۲۸	۱۱۶	شمس (۹۱) / ۱۱ تا ۱۶
۳۸۶، ۲۸۰	ص (۳۸) / ۲۹	۳۰۶، ۳۰۵	شورا (۴۲)
۲۹۷	ص (۳۸) / ۵۵ تا ۶۲	۲۵	شورا (۴۲) / ۶
۷۹	ص (۳۸) / ۶۷ و ۶۸	۱۴۴	شورا (۴۲) / ۱۱
۱۳۹، ۱۰۷، ۱۰۲	صافات (۳۷)	۱۶۲، ۱۵۰	شورا (۴۲) / ۲۴
۴۱۰، ۲۰۴، ۱۹۱، ۱۸۰، ۱۵۵، ۱۴۰		۲۸۴	شورا (۴۲) / ۳۲ تا ۳۴
۲۳۱، ۱۲۲	صافات (۳۷) / ۳۵	۱۴۲	شورا (۴۲) / ۴۰
۱۲۲	صافات (۳۷) / ۳۶	۱۱۲، ۵۶	شیاطین
۱۹۱، ۱۸۰	صافات (۳۷) / ۶۹	۲۰۹، ۲۰۷، ۱۶۹، ۱۴۶، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷	
۱۸۰	صافات (۳۷) / ۷۰	۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰	
۱۹۱	صافات (۳۷) / ۷۱	۲۵۵	شیاطین انس و جن
۱۸۰	صافات (۳۷) / ۷۲ تا ۷۴	۲۰۶، ۱۸۵، ۱۸۲، ۱۶۹، ۱۴۵، ۱۳۹	شیطان
۱۶۱	صافات (۳۷) / ۱۲۷	۴۰۸، ۴۰۳، ۲۹۷، ۲۵۲، ۲۲۱	
۱۴۰	صافات (۳۷) / ۱۵۱ و ۱۵۲	۲۰۶	شیطان شناسی
۲۰۴	صافات (۳۷) / ۱۵۱ تا ۱۵۳	۷۸، ۲۶	شیعیان، شیعه
۲۰۴	صافات (۳۷) / ۱۵۸		
۱۲۲، ۱۱۵	صالح		ص
۱۵۰	صبا (۳۴) / ۸	۱۵۱، ۱۴۷	ص (۳۸)
۳۵۹	صدا و سیمای جمهوری اسلامی	۲۷۹، ۲۷۴، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳	
۱۹۴	صدر اسلام	۷۸	ص (۳۸) / ۱ و ۲
۱۲۳	صنعاء	۲۱	ص (۳۸) / ۲
۱۶۸	صَيِّحَةٌ وَاحِدَةٌ	۱۵۳، ۱۵۲	ص (۳۸) / ۴
	ض	۱۶۱	ص (۳۸) / ۴-۱۲-۱۴
		۱۵۳	ص (۳۸) / ۵
۱۰۲، ۹۱	ضلالت	۱۵۴	ص (۳۸) / ۷
۲۵۲، ۲۱۷، ۱۹۱، ۱۸۰، ۱۵۸، ۱۰۵		۱۷۳، ۱۵۰	ص (۳۸) / ۸
	ط	۱۵۴، ۱۵۰	ص (۳۸) / ۹
		۱۹۵، ۱۷۳، ۱۵۴، ۱۵۰	ص (۳۸) / ۱۰
۴۱۹، ۳۴۸، ۳۴۰، ۶۳	طارق (۸۶)	۱۸۷	ص (۳۸) / ۱۳
۴۱۰	طارق (۸۶) / ۱۳ و ۱۴	۱۵۴، ۱۵۰	ص (۳۸) / ۱۴
۳۵۶	طارق (۸۶) / ۱۵	۱۶۸	ص (۳۸) / ۱۵ و ۱۶

		نمایه فارسی	
۴۷۱			
۱۶۷	عتیق نیشابوری	۳۶۵، ۳۶۴	طارق (۸۶) / ۱۵ تا ۱۷
۳۸۰	عرب، عرب زبان‌ها	۳۴۲	طارق (۸۶) / ۱۷
۳۸۰، ۳۷۷، ۱۱۷، ۷۴، ۲۶	عربستان	۳۵۳، ۷۸، ۶۵	طالقانی، آیت‌الله سیدمحمود
۹۴	عرب‌های مشرک	۱۲۲	طبری
۴۱۳، ۳۵۳	عرفان، عرفانی	۱۹۹	طلاق (۶۵) / ۳
۹۶	عُزّی	۱۱۸، ۶۳	طور (۵۲)
۳۳۷، ۳۳۶، ۶۴، ۶۳	عصر (۱۰۳)	۳۳۷، ۱۹۵، ۱۵۵، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۲۹، ۱۲۰	
۶۵	عصر (۱۰۳) / ۱ تا ۳	۳۳۹	طور (۵۲) / ۲
۲۶۴	عصر (۱۰۳) / ۳	۳۳۹	طور (۵۲) / ۳
۹۸، ۸۶، ۸۵، ۶۳	علق (۹۶)	۳۴۰	طور (۵۲) / ۴
۳۸۱، ۳۷۲، ۳۶۹، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۱۳۷		۳۳۹	طور (۵۲) / ۷
۴۰۱	علق (۹۶) / ۱ تا ۵	۱۶۱	طور (۵۲) / ۱۱-۱۴
۳۳۹	علق (۹۶) / ۳ و ۴	۱۷۳	طور (۵۲) / ۳۰
۱۵۸	علق (۹۶) / ۶	۱۹۵	طور (۵۲) / ۳۲
۱۲۹، ۱۰۲، ۲۱	علق (۹۶) / ۶ و ۷	۱۷۳	طور (۵۲) / ۳۳
۳۸۲	علق (۹۶) / ۶ تا ۸	۱۴۲، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵	طه (۲۰)
۴۰۴	علق (۹۶) / ۹ و ۱۰	۲۴	طه (۲۰) / ۲ و ۳
۱۶۱	علق (۹۶) / ۱۳-۱۶	۲۴۸، ۲۳۳	طه (۲۰) / ۱۶
۷۸	علی بن ابیطالب	۱۳۶	طه (۲۰) / ۴۷
۸۹	عم (۷۸)	۱۶۱	طه (۲۰) / ۴۸
۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۷	عنکبوت (۲۹)	۱۶۱	طه (۲۰) / ۵۶
۱۶۱	عنکبوت (۲۹) / ۱۸ دویار-۳۷	۲۸۶	طه (۲۰) / ۷۹
۱۵۰	عنکبوت (۲۹) / ۶۸		
۴۰۷، ۱۸۹	عیسویان		ع
۱۷۳، ۱۶۷، ۱۳۸	عیسی	۱۹۰، ۱۵۶، ۱۲۱	عاد
۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۷۸		۹۳	عادیات (۱۰۰)
۴۰۷	عیسی مسیح (ع)	۱۳۸	عاص وائل (از مشرکین مکّه)
	غ	۲۳۴	عبادالله المخلصین
		۹۶	عبدالعزّی
۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۸۲، ۶۳	غاشیه (۸۸)	۲۲۳	عبدالله سلام
۴۲۲، ۴۲۰، ۴۰۹، ۴۰۲، ۳۹۸، ۳۹۷		۳۷۵	عبدالله بن مکتوم
۳۹۳	غاشیه (۸۸) / ۹	۴۲۰، ۴۰۲، ۳۸۵، ۳۷۴	عبس (۸۰)
۲۵	غاشیه (۸۸) / ۲۱ و ۲۲	۳۴۳	عبس (۸۰) / ۴

۳۸۴، ۱۵۹، ۳۲، ۳۱	فلسفه، فلسفی	۲۲۴، ۸۹، ۶۷	غرب و شرق اروپا
۴۱۳	فیزیک موجی و اتمی		

ف

	ق	۴۰۸، ۴۰۴، ۹۱	فاتحه‌الکتاب (۱)
۱۵۸، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۴۷ (۵۰)	ق (۵۰)	۴۰۶	فاتحه (۱) / ۳ تا ۷
۱۵۳	ق (۵۰) / ۲	۳۸۶	فاطر (۳۵)
۱۵۳	ق (۵۰) / ۳	۱۶۲	فاطر (۳۵) / ۴ دوبار - ۲۵ دو بار
۱۵۵	ق (۵۰) / ۴	۳۸۶	فاطر (۳۵) / ۴۴
۱۶۱	ق (۵۰) - ۱۲ - ۱۴	۴۱۰، ۳۷۱، ۳۶۹، ۱۲۳، ۱۰۰، ۹۹	فجر (۸۹)
۳۸۶	ق (۵۰) / ۶	۱۱۶	فجر (۸۹) / ۵ تا ۱۳
۱۵۶	ق (۵۰) / ۱۱	۱۹۴	فردوسی
۱۵۶	ق (۵۰) / ۱۲	۱۹۶، ۱۴۶	فرشتگان
۱۵۶، ۱۵۴	ق (۵۰) / ۱۴	۴۱۹، ۴۱۳، ۲۷۹، ۲۶۴، ۲۲۸	
۱۵۵	ق (۵۰) / ۲۴	۱۲۲، ۱۲۸	فرعون
۱۵۸، ۱۵۵	ق (۵۰) / ۲۵	۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۸۶، ۲۳۱، ۲۶۰	
۴۱۰، ۱۲۰	قارعه (۱۰۱)	۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۷۰	
۱۵۱، ۱۳۷	قاموس قرآن	۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۸۶، ۲۹۵	فرعونیان
۹۶	قبیله یثقیف	۱۸۳، ۱۹۳	فرقان (۲۵)
۴۱۸	قدر (۹۷) / ۲	۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱	
۱۶۰، ۱۹	قرآن	۱۶۱	فرقان (۲۵) / ۱۱ - ۱۹ - ۳۶ - ۳۷ - ۷۷
۳۷۶، ۱۳۸، ۱۲۲	قرآن چهار جلدی رهنما	۱۹۷	فرقان (۲۵) / ۳۰
۳۸۹، ۱۲۳، ۱۲۲، ۶۵	قرآن رهنما	۲۴۸	فرقان (۲۵) / ۳۱
۳۶۰، ۳۵۹	قرآن سروش	۲۴	فرقان (۲۵) / ۳۲
۲۴	قرآن شناسی	۱۵۶	فرقان (۲۵) / ۳۸
۲۲، ۲۱	قریش	۵۲، ۲۲۸	فرقان (۲۵) / ۴۴
۱۵۰، ۱۳۶، ۱۲۶، ۱۰۰، ۸۶، ۸۱، ۷۹، ۶۷		۲۰۰	فرقان (۲۵) / ۷۶
۳۷۵، ۳۴۹، ۲۳۱، ۲۲۴، ۱۸۶، ۱۵۳		۸۶	فرمانداری نظامی
۲۵۸	قریش (۱۰۶)	۱۴۷، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۲۸	فصلت (۴۱)
۲۴۵	قریه	۱۷۸	فصلت (۴۱) / ۱ تا ۳
۲۶۱، ۲۵۹	قصص (۲۸)	۱۵۲	فصلت (۴۱) / ۲
۲۷۷، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷		۱۵۸	فصلت (۴۱) / ۴۵
۳۰۳، ۳۰۱، ۲۹۳، ۲۷۸		۱۰۶، ۴۰۰	فلاسفه
۲۹۳، ۲۷۶	قصص (۲۸) / ۳۸	۳۹۴، ۴۱۳	فلاسفه یونان

۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۱۰	۱۶۲	قصص (۲۸) / ۳۸-۴۳
۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۵۴	۲۷۸	قصص (۲۸) / ۷۸
۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۳۴	۱۵۷	قفقاز
۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۷۱، ۳۷۳	۱۰۰، ۹۷، ۹۶	قلم (۶۸)
۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۸	۴۱۹، ۴۱۸، ۱۵۵، ۱۴۱، ۱۲۳، ۱۲۰، ۱۰۴	
۳۹۹، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳	۹۸	قلم (۶۸) / ۱ تا ۶
۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲	۲۵	قلم (۶۸) / ۲
۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳	۲۵	قلم (۶۸) / ۵ و ۶
۱۱۸، ۱۲۰، ۲۲۴، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۲۲	۲۳۰، ۱۶۱	قلم (۶۸) / ۸
۳۸۸	۲۳۰	قلم (۶۸) / ۹
۴۸۸، ۳۸۸	۱۵۵	قلم (۶۸) / ۱۰
۳۸۸	۱۵۸، ۱۵۵	قلم (۶۸) / ۱۲
۸۸	۲۳۰، ۱۶۱	قلم (۶۸) / ۴۴
۴۸۸، ۳۸۷، ۳۸۸	۱۹	قلم (۶۸) / ۵۱ و ۵۲
۲۹	۱۳۲، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۸	قمر (۵۴)
۱۶۱	۳-۹-۱۸-۲۳-۲۵-۲۶-۳۲-	قمر (۵۴) / ۳-۹-۱۸-۲۳-۲۵-۲۶-۳۲-
	۱۶۱	۴۲-۵۲
	۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۲، ۱۲۸	قوم بُنَّع
	۳۷۰، ۱۷۶، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۳	قوم ثمود
	۱۱۳، ۱۲۱	قوم عاد
	۳۷۱، ۳۷۰، ۲۳۱، ۱۷۶، ۱۴۸، ۱۲۲	قوم فرعون
	۲۸۷، ۲۴۶، ۱۲۸، ۱۲۷، ۵۴، ۴۳	قوم لوط
	۱۲۱	قوم لوط
	۱۱۷	قوم مدین
	۱۰۱، ۲۱	قوم نوح
	۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۳	
	۲۸۸، ۲۳۱، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۴۸، ۱۳۴	
	۱۶۵	قوم هود
	۲۶۵	قوم یونس
	۲۹۳	قوم یهود
	۲۹، ۳۱، ۳۸، ۷۰، ۷۱، ۷۶، ۸۸، ۹۰	قیامت
	۹۲، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۸	
	۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۱، ۱۵۳	
ک		
۸۹	کاپیتالیست	
۱۲۲	کاشفی	
۹۵، ۲۲۵	کافر	
۲۲، ۶۹، ۹۴، ۹۷، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۷	کافران	
۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶		
۱۶۸، ۱۹۴، ۲۳۴، ۲۵۲، ۲۵۹، ۴۱۱		
۳۸۰	کافران بدکار	
۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۶۴، ۷۳، ۱۰۲	کافرها	
۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۴		
۲۱۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۴۵		
۲۷۵، ۲۷۹، ۳۷۶		
۲۲	کافرشناسی	
۳۷۵	کافرون (۱۰۹)	
۱۰۶	کانت	
۱۳۴	کاهنان	

کفرورزی فرعون	۲۷۵، ۱۰	کتاب «ترمودینامیک انسان»	۸۶
	۲۹۷، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۷۷	کتاب «ذره بی انتها»	۲۶۵
کمونیسٹ	۸۸	کتاب «سیر تحول قرآن»	۴۰۰، ۲۱۷، ۷۷، ۶۵
کوثر (۱۰۸)	۶۳	کتاب «عشق و پرستش»	۸۶
کهف (۱۸)	۲۸۲، ۲۸۰، ۲۷۴، ۲۲۳	کتاب «هشدار به زنده‌ها»	۶۸
کهف (۱۸) / ۱۵	۱۵۰	کتاب وحی	۳۴۶
کهف (۱۸) / ۲۳ و ۲۴	۲۸۲	کذاب	۹۸
کهف (۱۸) / ۱۰۱	۲۲۸، ۵۴	کشف الاسرار	۱۹۴، ۱۵۵، ۱۲۲، ۷۵
کَيْفَ اتَّقَى	۲۸۵	کفار	۹۰، ۲۲
			۲۲۳، ۱۷۶، ۱۷۳، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۰۰
ک		کفار قریش	۳۷۲
گزینش و آفرینش آدمی زاد	۲۰۶	کفر	۴۵، ۳۱، ۲۲، ۲۱، ۲۰
			۱۴۱، ۱۲۸، ۱۲۶، ۱۰۵، ۹۱، ۷۵، ۶۸، ۶۴
			۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۸
			۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵
			۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۰
			۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۳۳، ۳۶۱
			۳۶۶، ۳۷۷، ۳۸۳، ۴۰۰، ۴۰۸، ۴۱۴
لا اله الا الله	۲۳۱	کفر و شرک	۱۸۷
لقمان (۳۱) / ۱۴ و ۱۵	۱۰۷	کفرزدایی	۱۸۸، ۳۱، ۲۴
لقمان (۳۱) / ۷	۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۸، ۵۰	کفرزدایی و کفرورزی	۴۱۹
لوط	۲۹۷، ۱۱۵	کفرستیزی	۲۸
لیبرال	۸۹	کفرورزان	۶۴، ۲۲، ۲۱
لیل (۹۲)	۱۴۱، ۹۸		۲۲۱، ۲۰۶، ۲۰۳، ۱۸۵
لیل (۹۲) / ۱۶-۹	۳۸۲، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۶۷، ۳۵۷	کفرورزان مشرک	۲۳۳
	۱۶۱	کفرورزان مکه	۱۴۰
م		کفرورزی	۲۸، ۲۶، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹
مؤمن	۲۷۷، ۲۷۶		۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۶۷، ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۲
مؤمن (۴۰)	۲۳۹، ۲۳۰		۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵
مؤمن (۴۰) / ۵	۳۸۶، ۳۰۲، ۲۹۳، ۲۷۷، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۴۵		۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸
مؤمن (۴۰) / ۲۴-۳۷-۷۰	۲۴۸، ۱۶۱		۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶
مؤمن (۴۰) / ۲۹	۱۶۲		۱۴۷، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴
مؤمن (۴۰) / ۵۶	۲۹۳		۱۸۵، ۱۸۸، ۲۰۳، ۲۰۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۲۱
	۲۳۴		

نمایه فارسی		۴۷۵
۱۹۰	مترفین	۲۳۲ مؤمن (۴۰) / ۶۰
۴۱۳	متشرعین	۲۷۸ مؤمن (۴۰) / ۸۳
۴۱۳	متکلمین	۳۴۵، ۲۸۰، ۲۶۴، ۷۸، ۶۵ مؤمنان
۱۵۵، ۱۳۷، ۱۲۲	مجمع البیان	۱۵۳، ۱۴۷ مؤمنون (۲۳)
۲۶۵	مجموعه ی آثار (۱)	۱۹۵، ۱۸۹، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۵۵، ۱۵۴
۲۰۶	مجموعه آثار (۱۸)	۱۵۳ مؤمنون (۲۳) / ۲۴
۹۸	معجون	۱۵۳ مؤمنون (۲۳) / ۲۵
۲۲۸	محمل (۴۷)	مؤمنون (۲۳) / ۲۶-۳۲-۳۸-۳۹-۴۴-۴۸
۲۵	محمل (۴۷) / ۴	۱۰۵-۹۰
۱۳۰، ۸۰	محمل (ص)	۱۷۲ مؤمنون (۲۳) / ۳۱ و ۳۲
۳۶۸، ۳۴۹، ۱۹۶، ۱۹۰، ۱۸۲		۱۹۳ مؤمنون (۲۳) / ۳۳
۷۹، ۶۳	مدثر (۷۴)	۱۵۴ مؤمنون (۲۳) / ۳۵
۳۳۵، ۲۲۷، ۱۲۳، ۱۰۴، ۹۸، ۸۹، ۸۲، ۸۱		۱۹۳، ۱۵۴، ۱۵۰ مؤمنون (۲۳) / ۳۸
۴۱۹، ۳۸۵، ۳۸۲، ۳۷۲، ۳۶۷، ۳۶۳، ۳۳۷		۱۹۵ مؤمنون (۲۳) / ۶۸
۳۵۷	مدثر (۷۴) / ۲	۱۹۵، ۱۷۳ مؤمنون (۲۳) / ۷۰
۳۵۶	مدثر (۷۴) / ۷	۱۹۵، ۱۷۳ مؤمنون (۲۳) / ۷۲
۱۵۸	مدثر (۷۴) / ۱۶	۱۵۴ مؤمنون (۲۳) / ۸۲
۲۳۱	مدثر (۷۴) / ۲۳	۱۷۹ مؤمنون (۲۳) / ۸۳
۱۶۱	مدثر (۷۴) / ۴۶	۲۰، ۲۱ مؤمنین
۹۴، ۳۲، ۲۶، ۱۴	مدینه	۲۲، ۲۷، ۴۱، ۶۴، ۶۹، ۸۲، ۸۷، ۹۳، ۱۰۸
۱۸۷، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۷۳، ۱۴۹، ۱۲۳، ۱۱۷		۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۸
۳۰۳، ۲۹۴، ۲۸۵، ۲۲۳، ۲۲۲، ۱۸۸		۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴
۸۹	مذاهب توحیدی	۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۴
۹۹	مراجع تقلید	۲۷۳، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۵
۶۴	مردم شناسی	۳۰۳، ۳۵۶، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۰
۷۶، ۷۵	مرسلات (۷۷)	۳۸۱، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۵
۳۷۱، ۳۶۷، ۳۶۳، ۳۵۸، ۱۲۹، ۱۱۸، ۷۷		۲۲۸ مائده (۵)
۴۲۲، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲		۱۶۲ مائده (۵) / ۱۰
۳۶۰	مرسلات (۷۷) / ۷	۱۶۲ مائده (۵) / ۸۶
	مرسلات (۷۷) / ۱۴-۱۵-۱۹-۲۴-۲۸	۷۵ ماعون
۱۶۱	۲۹-۳۴-۳۷-۴۰-۴۵-۴۷-۴۹	۱۲۳، ۹۸، ۸۹، ۷۷، ۷۵ ماعون (۱۰۷)
۳۶۱	مرسلات (۷۷) / ۱۹	۱۶۱ ماعون (۱۰۷) / ۱
۱۳۸	مریم (س)	۲۶۵، ۸۶ «مباحث بنیادین»، کتاب

مشرکین مکه	۱۴۰، ۱۳۷	مریم (۱۹)
۷۹، ۷۸، ۷۳، ۶۷، ۶۶، ۲۶	۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۶۹، ۱۴۲	مریم (۱۹) / ۸۳
۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹	۱۶۹	مزمّل (۷۳) / ۱۱
۱۴۵، ۱۴۹، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۲۲، ۲۲۳	۱۶۱	مستضعفین
۲۷۱، ۲۶۰، ۲۵۵	۲۶۲، ۲۶۰	مستکبرین
۲۹۴، ۲۹۳، ۲۶۹	۲۵۸، ۲۳۳، ۲۸	۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸
مصر	مطففین (۸۳)	۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
۴۱۰، ۱۴۱، ۱۲۹، ۱۱۵، ۱۰۹	مطففین (۸۳) / ۱۱-۱۲-۱۷-۲۰	۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۲۹۹، ۲۹۷، ۲۹۶
۱۶۱	مطففین (۸۳) / ۱۲	مسلمانان
۱۵۸	معرفة النفس	۱۵۷، ۱۳۵، ۱۲۳
۶۴	مفردات راغب	۴۲۱، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۱۸۸، ۱۷۸
۱۳۷	مفسرین	۴۰۷، ۱۸۲، ۱۷۸
۳۱، ۶۵، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۱۱۷، ۱۳۴	مسیحیان، مسیحی‌ها	۱۸۹
۳۴۸، ۳۳۸، ۳۳۵، ۱۹۰، ۱۵۶، ۱۴۸، ۱۳۸	مسیحیت اصیل عیسی	۹۵، ۷۹
۳۶۹، ۳۶۷، ۳۶۰، ۳۵۳، ۳۴۹	مشرك، مشرکی	مشركین
۴۱۶، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۰۷، ۳۸۹، ۳۸۲	۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳	۲۶، ۲۷، ۳۱، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹
۷۸	مفسرین شیعه	۷۱، ۷۳، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۵
۴۱۳	مکاتب هند	۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷
۲۳۹	مکتب ابژکتیویسم	۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۹
۲۵۶، ۹۷	مُکَدَّب، مَکَدَّبین	۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲
۹۳، ۷۴، ۶۸، ۵۸، ۳۵، ۲۶، ۱۴	مکه	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲
۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵	۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷	۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۴
۱۳۶، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۲۲	۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۵	۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴
۲۲۳، ۲۳۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۳، ۲۷۷	۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳	۲۰۴، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷
۲۹۴، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴	۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۰	۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۵
۳۳۸، ۳۵۰، ۳۶۹، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۹، ۳۹۰	۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۶، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۵	۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳
۱۸۳	مکی	۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۷، ۳۷۹
۴۱۲	ملائکة	۳۸۱، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۰
۴۰۷	ملت	مشركین قریش
۲۳۰	ملت ابراهیم	۱۸۶، ۱۳۶، ۱۲۹
۱۶۱	ملک (۶۷) / ۱۸	
۲۲۸، ۲۲۵، ۲۱۱، ۱۲۳، ۶۴، ۲۲، ۲۱	منافقین	
۴۱۷	منطق	
۶۴	منطق ادیان	
۱۲۸، ۱۲۲، ۱۱۹، ۲۳	موسی (ع)	

		نمایه فارسی	
۲۱۸	نساء(۴)	۱۳۵، ۱۳۸، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸	
۱۴۴	نساء(۴) / ۱۵۳	۲۳۴، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۳۹، ۳۴۶، ۳۶۸	
۱۴۲	نساء(۴) / ۳۶	۲۷۳، ۲۹۴	موسی و هارون
۱۹۲، ۱۳۴	نَسْر		
۴۰۷	نصاری		ن
۲۸	نظام جمهوری	۳۶۰	نازعات(۵۱)
۴۰۹	نماز	۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴	نازعات(۷۹)
۱۶۱	نمل(۲۷) / ۸۳-۸۴	۱۶۱	نازعات(۷۹) / ۲۱
۱۳۲، ۱۲۱	نوح	۳۵۵، ۳۵۶	ناس(۱۱۴)
۲۹۷، ۱۵۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳	نوح نبی الله	۳۶۷، ۳۷۳، ۳۸۲، ۳۹۴	نباء(۷۸)
۲۰۳، ۱۳۳	نوح(۷۱)	۴۱۷	نباء(۷۸) / ۱ تا ۳
۱۳۱، ۲۱		۷۷	نباء(۷۸) / ۳۱ تا ۳۵
۱۹۱، ۱۵۵، ۱۳۸، ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۳۲	نوح(۷۱) / ۲۲	۳۷۱	نباء(۷۸) / ۳۸
۲۴۸	نوح(۷۱) / ۲۴	۱۶۱	نبوت
۱۹۱	نور(۲۴) / ۲	۲۸، ۶۴، ۱۰۲	
۳۷۷	نور(۲۴) / ۵۴	۱۱۵، ۱۲۸، ۱۳۵، ۲۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۶	
۲۵	نیل	۲۷۱، ۲۷۳، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۲۰	نجم(۵۳)
۱۸۶		۱۰۰، ۱۰۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۷۸	
	و	۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۰۸، ۴۱۹	نجم(۵۳) / ۲
۱۱۷	وادی القری	۱۹۲	نجم(۵۳) / ۲ تا ۵
۱۵۳، ۱۲۰، ۹۸، ۹۰	واقعه(۵۶)	۲۷، ۳۴۸	نجم(۵۳) / ۵
۴۲۲، ۴۰۹، ۳۹۷، ۳۹۴، ۳۹۲، ۳۹۱، ۱۵۵	واقعه(۵۶) / ۲۴	۳۴۸	نجم(۵۳) / ۷
۳۹۳	واقعه(۵۶) / ۳۵	۱۹۱	نجم(۵۳) / ۳۰
۳۹۳	واقعه(۵۶) / ۴۷	۴۱۰	نجم(۵۳) / ۵۰ تا ۵۵
۹۱	واقعه(۵۶) / ۵۱	۱۱۶	نجم(۵۳) / ۵۱ تا ۵۵
۱۵۸، ۹۱	واقعه(۵۶) / ۱۸۲-۹۲-۵۲	۱۵۸	نجم(۵۳) / ۵۲
۱۶۱	وحی	۲۰۰، ۲۸۲	نحل(۱۶)
۳۳۳، ۲۳۹	وَدّ	۲۳۲	نحل(۱۶) / ۲۲
۱۹۲، ۱۳۴	ولایت	۱۶۲	نحل(۱۶) / ۳۶-۱۱۳
۷۸	ولیدبن مغیره مخرومی	۳۸۶	نحل(۱۶) / ۴۴
۱۰۴، ۸۱		۲۸۲	نحل(۱۶) / ۵۳ تا ۵۶
۳۸۰، ۳۶۴، ۲۳۱		۱۴۱	نرون

۱۸۵، ۱۷۰	یس (۳۶) / ۶۰	۵	
۱۸۵	یس (۳۶) / ۶۰ تا ۶۲	۳۲	هجرت
۱۸۵، ۱۷۰	یس (۳۶) / ۶۱	۶۸	«هشدار به زنده‌ها»، کتاب
۱۹۲، ۱۸۵، ۱۷۰	یس (۳۶) / ۶۲	۱۲۲	هود (ع)
۲۰۲	یس (۳۶) / ۷۷	۱۷۶، ۲۹	هود (۱۱) / ۱
۱۹۴	یسار	۱۵۰	هود (۱۱) / ۱۸
۱۴۷	یسع	۱۳۳	هود (۱۱) / ۴۰
۱۳۶	یعقوب	۳۹۰	هود (۱۱) / ۴۵
۱۳۴	یَعْقُوب	۱۶۱	هود (۱۱) / ۹۳
۱۹۲، ۱۳۴	یَعْقُوب	۲۸۶	هود (۱۱) / ۹۷
۱۵۷، ۱۲۳	یمن	۴۱۳	هیئت
۳۸۶	یوسف (۱۲)	۱۴۱	هیتر
۲۴	یوسف (۱۲) / ۱۰۴		
۱۶۱	یوسف (۱۲) / ۱۱۰		
۲۶۵، ۲۶۱، ۱۶۲	یونس (۱۰)		ی
۱۵۰	یونس (۱۰) / ۱۷	۱۴۸، ۱۱۷	یاران ایکه
۱۶۲	یونس (۱۰) / ۱۷-۳۹-۴۱-۴۵	۱۱۷	یاران حجر
۱۶۱	یونس (۱۰) / ۷۳-دوبار-۷۴-۹۵	۱۳۸	یحیی (ع)
۲۶۷	یونس (۱۰) / ۷۵	۱۰۴، ۲۱	یس (۳۶)
۳۸۶	یونس (۱۰) / ۱۰۱	۱۴۷، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۵، ۱۹۱	
۴۰۷، ۲۳۷	یهود، یهودی	۲۵۵، ۲۳۶، ۲۲۸، ۲۰۱، ۲۰۰	
۴۰۷، ۱۸۲، ۱۷۸، ۱۳۵، ۱۲۳	یهودیان	۲۰۰	یس (۳۶) / ۷
۲۹۵	یهودیان معاصر	۲۲۵	یس (۳۶) / ۸
۱۸۹	یهودیت اصیل موسی	۱۶۵، ۲۱	یس (۳۶) / ۱۰
		۱۶۱	یس (۳۶) / ۱۵
		۱۰۴	یس (۳۶) / ۳۰

نمایه انگلیسی و فرانسه

A			G	
Appel aux vivants	۶۸	Growth		۶۷
C			O	
Cercle Vicieux	۳۳۸	Objectif		۲۳۳
Choc	۳۹۸ ، ۳۹۳			
Croissance	۶۷		R	
		Roger Garrody		۶۸
D				
Development	۶۷			